بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

فاكهة الذاكرين

مجموعهٔ دعاها و نیایش‌ها

علامه شیخ محمد باقر قاینی بیرجندی
(صاحب کبریت احمر)

تحقیق و تصحیح:

محمد حسن زبری قاینی
علی اصغر شکوهی قوچانی

بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

فاکهة الذاکرین

مجموعهٔ دعاها و نیایش‌ها

علامه شیخ محمد باقر قاینی بیرجندی
(صاحب کبریت احمر)

دعا و نیایش به درگاه ایزد متعال، آن هم از زبان پیامبر ﷺ و ائمهٔ معصومین علیهم السلام، زمینه‌ساز رشد روحی و اخلاقی است. دعا موجب نزول خیرات و برکات است و بسیاری از مسائل روحانی و ماوراء طبیعی و مباحث خداشناسی را به انسان می‌آموزد و او را به کسب اخلاص، تهذیب نفس و ترک گناهان رهنمون می‌شود.

فاکهة الذاکرین مجموعه‌ای از دعاهایی است به نقل از علاّمه آیة‌الله شیخ محمدباقر قاینی بیرجندی صاحب کبریت احمر که فقیه، محدّث، ادیب و عارف نیز بود.

او دربارهٔ این کتاب می‌فرماید: این رساله را در بیان آداب، اوراد، ادعیه، اذکار و تعقیبات نگاشتم تا بیشتر مردم بتوانند از آن استفاده کنند و دعاهای مجرّب آن از اصول معتبر و صحیح شیعه و اهل سنّت نقل شده است.

این مجموعه دارای یک مقدمه و دوازده باب به عدد مبارک ائمهٔ طاهرین علیهم السلام است.

Islamic Research Foundation
Astan Quds Razavi
Mashhad - IRAN

ISBN: 978-964-971-679-4

بسم الله الرحمن الرحیم

فاکهة الذاکرین

مجموعهٔ دعاها و نیایش ها

تألیف علّامه شیخ محمّد باقر قاینی بیرجندی

متوفای ۱۳۵۲ق.

(صاحب کبریت احمر)

تحقیق و تصحیح

محمدحسن زبری قاینی - علی اصغر سکوهی قوچانی

قاینی بیرجندی، ابوالحسن محمدباقر. ۱۲۷٦ .۱۳۵۲ق.
فاکهة الذاکرین [مجموعهٔ دعاها و نیایش‌ها] / تألیف محمد باقر قاینی بیرجندی ؛ تحقیق و تصحیح : محمدحسن زبری قاینی ـ علی اصغر شکوهی قوچانی .مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲ .
٥٤٢ ص. ISBN 978-964-971-570-4
فیپا
۱. ذکر. ۲. اخلاق اسلامی ـ متون قدیمی تا قرن ١٤ق. الف. زبری قاینی، محمدحسن، ۱۳۳۹ ـ ، مصحح. ب. شکوهی قوچانی، علی اصغر،۱۳۱۳ ـ ، مصحح. ج. بنیاد پژوهشهای اسلامی. د. عنوان.
BP ۲٦٦ / ۲۵ ق ۲ ف ۱۳۹۲ ۲۹۷/۷۷
کتابخانهٔ ملي جمهوری اسلامی ایران ۱۹٦٤٤۷۰

بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

فاکهة الذاکرین

[مجموعهٔ دعاها و نیایش‌ها]

علامه شیخ محمد باقر قاینی بیرجندی
تحقیق و تصحیح : محمدحسن زبری قاینی / علی اصغر شکوهی قوچانی
ویراستهٔ محمدرضا نجفی

چاپ اول: ۱۳۹۲ / ۱۰۰۰ نسخه، وزیری / قیمت ۱۶۲۰۰۰ ریال
چاپ و صحافی: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۷۳۵

مراکز توزیع:
تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۳
فروشگاه‌های کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۲۲۳۳۹۲۳، قم: ۷۷۳۳۰۲۹

www.islamic-rf.ir info@islamic-rf.ir

فهرست اجمالی

باب هفتم

باب هشتم

باب نهم

باب دهم

باب یازدهم

باب دوازدهم

بسم الله الرحمن الرحيم

شرح حال مؤلّف

قرن چهاردهم هجری، یکی از سده‌های پر افتخار و درخشان حیات اسلام است. در این قرن شاهد شکوفایی درخت علم و دانش و باروری شجرهٔ طیبهٔ دین، در سراسر ممالک اسلامی هستیم. کشور ما نیز در این قرن، نظاره‌گر وجود عالمان بسیار و چهره‌های ماندگار در شهرهای کوچک و بزرگ خویش بوده است. از جملهٔ ایشان فقیه محدّث رجالی، ادیب شاعر متکلّم، جامع معقول و منقول، علّامه آیةالله شیخ ابوالحسن محمّد باقر قائنی بیرجندی است که نام و آثار وی هماره جاودان خواهد ماند. اینک در این مقال کوتاه، به شرحی گذرا از زندگانی سراسر تلاش و کوشش وی می‌پردازیم و اندکی از آگاهی و تعهد و مسئولیت وی را باز می‌نمایانیم.

خاندان

خانوادهٔ وی، بیت علم و فضیلت و خاستگاه علمای خدمتگزار دین بود. اجدادش همه ـ از طرف پدر و مادر ـ از علمای معروف به زهد و تقوا و دوری از

ستمگران و سخت‌گیری بر ایشان بوده‌اند [۱].

پدرش مولا محمّد حسن قائنی ، یکی از علمای مشهور منطقه و استاد بسیاری از عالمان پس از خویش بوده است .

نیایش مولا علی محمّد شریف علوی فاطمی (م ۱۱۴۹ ق) ملقّب به اشرف الشرفاء و جدّ اعلایش علّامه ملّا محمّد باقر ، از شاگردان علّامه مجلسی و گویا صاحب اجازه از وی و شیخ حرّ عاملی بوده است . وی کتابخانهٔ عظیمی داشت ، که در فتنه ترکمان‌ها ـ در اواخر دولت صفوی ـ به آتش کشیده شد و بسیاری از نفایس آن به یغما رفت و در هرات و بخارا به معرض فروش گذاشته شد ، و شاید اجازهٔ ملّا محمّد باقر ، از علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی نیز در آن آتش سوزی از بین رفته باشد .

برادران علّامهٔ بیرجندی نیز از علما و دانشمندان بوده‌اند . برادر بزرگش آقا شیخ محمّد ابراهیم قائنی ، برادر دیگرش شیخ محمّد تقی قائنی ادیب ، فاضل و شاعر ـ متخلّص به «شعله» ـ و برادر دیگرش حاج ملّا محمّد علی است . مادر ایشان نیز از خانوادهٔ علم و فضیلت و دختر مولا محمّد حسین عسکری قائنی بوده است [۲].

ولادت

معظم له ، در ربیع الأول سال ۱۲۷۶ ق در روستای «گازار» از توابع قائن در چنین خانوادهٔ اصیل و با سابقهٔ علمی دیده به جهان گشود [۳] و پس از طی دوران کودکی ، ادبیات و علوم بلاغت را نزد والد بزرگوارش شیخ محمّد حسن قائنی فراگرفت .

---

(۱) مرعشی، سیدمحمود، **المسلسلات** ج ۲، ص ۷؛ واعظ خیابانی، ملاعلی، **علمای معاصرین**، ص ١٦٦.

(۲) واعظ خیابانی، ملاعلی، **علمای معاصرین**، ص ١٦٦.

(۳) تهرانی، آقابزرگ، **نقباء البشر**، ج ۱، ص ٢٠٤؛ امین عاملی، سیدمحسن، **اعیان الشیعه**، ج ۹، ص ۱۸۱؛ رازی، محمّد شریف، **گنجینه دانشمندان**، ج ۳، ص ٢٦٥.

تحصیلات

مرحوم بیرجندی، دوازده ساله بود (۱۲۸۸ ق) که به سوی قائن حرکت کرد و در مدرسهٔ جعفریّه ساکن شد. و نزد برادرش حاج ملا محمّد علی و اساتید دیگر (همچون سید ابوطالب قائنی) ادبیات و معانی و بیان را تکمیل نمود. در همین زمان واقعه‌ای رخ داد که مسیر زندگی علمی وی را دگرگون ساخت:

روزی مرحوم خانلرخان اعتصام الملك ـ که برای تعدیل مالیات قائنات و سیستان از طرف دولت مأمور شده بود ـ به مدرسهٔ جعفریه رفت و از فضلا و طلاب مدرسه پرسش‌هایی نمود وجماعت فضلا از پاسخگویی عاجز شدند. در این میان تنها مرحوم شیخ محمد باقر ـ با کمی سن ـ از عهدهٔ جواب برآمد و پاسخ‌های کافی و شافی داد که نظر خانلرخان را به سوی خود جلب کرد و لذا ایشان را به مشهد مقدس اعزام نمود.

هجرت به مشهد مقدس

علّامه بیرجندی در چهارده سالگی (۱۲۹۰ ق) به مدرسه میرزا جعفر رفت و در مدت چند سال، برخی از کتب فقهی و اصولی (***معالم***، ***قوانین*** و ***شرح لمعه***) را نزد میرزا هدایت الله مدرّس ابهری و کتاب‌های شیخ انصاری (***رسائل*** و ***مکاسب***) را نزد شاگردان شیخ فراگرفت که برخی از آنان عبارت‌اند از:

۱. حاج سید عبدالصمد شوشتری؛ که نزد شیخ انصاری از ***مطول*** تا آخرین کتاب‌های فقهی و اصولی را تا واپسین روزهای زندگی شیخ خوانده بود.

۲. شیخ محمّد تقی بجنوردی (م ۱۳۱۴ ق).

۳. شیخ علی یزدی (م ۱۳۱۱ ق).

۴. علّامه سید مرتضی یزدی قائنی.

حکمت و فلسفه را نزد میرزا علی رضا مدرّس سبزواری و علوم تجوید و قرائت

را در محضر ملا علی مزینانی آموخت [۱].

وی در این مدرسه در کمال اعزاز و احترام بود و حجرهٔ مرحوم شیخ الرئیس قاجار را بدو داده بودند و به توصیه اعتصام الملك، رکن الدوله، فرمانروای خراسان، و میرزا سعید خان، متولی آستان قدس، کمال احترام را بدو می‌کردند [۲].

استاد وی، میرزا هدایت الله ابهری بارها گفته بود:

«من درس را تنها برای ایشان می‌گویم؛ زیرا که شیخ بهایی در عالم رؤیا سفارش او را به من فرموده است وگفت: او در آینده به مقاماتی عالی خواهد رسید» [۳].

هجرت به نجف

شیخ محمد باقر قاینی بیرجندی در بیست سالگی (۱۲۹۶ ق) رخت سفر به تن کرد و آهنگ نجف نمود.

وی در حالی که فاضلی کوشا و درس خوانده بود و در فقه، اصول، کلام، فلسفه و ادبیات دستی توانا داشت، در حلقه درس اساتید نام‌آور نجف شرکت جست و در فقه، اصول، درایه و رجال از محضر آنان استفاده‌های فراوانی برد.

اساتید

استادان وی در نجف، عبارت‌اند از آیات عظام:

۱. میرزا حبیب الله رشتی (م ۱۳۱۲ ق)، صاحب ***بدایع الأفکار*** و ***شرح الشرایع***.

۲. آخوند ملا محمّد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ ق)، صاحب ***کفایة الأصول*** و **شرح**

---

(۱) مرعشی، سیدمحمود، **المسلسلات**، ج ۲، ص ۷؛ رازی، محمّد شریف، **گنجینهٔ دانشمندان**، ج ۳، ص ۲٦٥؛ واعظ خیابانی، ملاعلی، **علمای معاصرین**، ص ۱٦٦.

(۲) سعیدزاده، محسن، **بزرگان قائن**، ص ٤۸۷.

(۳) مرعشی، سیدمحمود، **المسلسلات**، ج ۲، ص ۸؛ رازی، محمّد شریف، **گنجینهٔ دانشمندان**، ج ۳، ص ۲٦٦.

التبصرة .

۳. علّامه شیخ هادی تهرانی (م ۱۳۲۱ ق)، صاحب ***محجّة العلماء*** .

۴. مولا محمّد فاضل ایروانی (م ۱۳۰۶ ق).

۵. حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی (م ۱۳۲۶ ق).

هجرت به سامراء

با ورود آیةالله میرزای شیرازی بـه سـامراء در سـال ۱۲۹۱ ق، حـوزهٔ عـلمیه پر عظمت و با شکوهی در آنجا تشکیل گردید که چشم روزگار، مانند آن را کمتر دیده بود. صدها استاد و شاگرد از بام تا شام به تدریس، تحصیل و تألیف و تصنیف اشتغال داشتند، و این چیزی بود که دل هر دانشور فرزانه را به سوی خود جلب می‌کرد. از این رو، بـیشتر درس‌آمـوختگان نـجف، پس از چـندی راه بـه سـامراء می‌سپردند تا از برکات وجودی میرزای شیرازی و شاگردان او بهره برند. مرحوم علامه شیخ محمد باقر بیرجندی نیز در سال ۱۳۰۰ ق به سامراء رفت و سالیانی چند در فقه و اصول از محضر فقیه فخرآفرین شـیعه، حـضرت مـیرزای شـیرازی (م ۱۳۱۲ ق)، بهره‌های فراوانی برد، و هم‌زمان در علم حدیث و رجال از محضر محدّث جلیل، میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ ق) صاحب **مستدرك**، استفاده کرد و مورد توجه فراوان آن دو قرار گرفت. میرزای شیرازی که استعداد او را در فقه دید، بدو دستور داد که در این علم، کتاب بنویسد. و او به تألیف کتاب ***وثیقة الفقهاء***، و ***ایضاح الطریق*** مشغول شد. زمانی که جلد اول آن به پایان رسید، تقدیم محضر میرزا نمود و ایشان پس از آنکه یکی دو ماه آن را مطالعه فرموده بود، او را تحسین کرد و با تأکید و تکرار بدو گفت: «بنویس! بنویس!»[1].

---

(۱) واعظ خیابانی، ملاعلی، **علمای معاصرین**، ص ۱٦٧.

مهاجرت به بیرجند

علّامه شیخ محمد باقر قاینی بیرجندی ، پس از رسیدن به مقام عالی اجتهاد و کسب اجازات متعدد اجتهادی و روایتی از اساتیدش در سی سالگی (۱۳۰۵ ق) رهسپار حج بیت الله الحرام و مدینهٔ منوّره شد و پس از بازگشت از سفر حج ، به سوی زادگاه خویش بازگشت و در آنجا رحل اقامت افکند . در بیرجند پس از ازدواج ، به تألیف و تصنیف ، تدریس علوم دینی و تربیت شاگردان ، افتاء و پاسخگویی به پرسش‌های مردم ، اقامهٔ جمعه (که آن را واجب تعیینی می دانست) و جماعت پرداخت. همچنین منزل او محل رفع دعاوی و خصومات مردم و قضاوت شرعی بود و به عنوان حاکم شرع به اجرای احکام دین (مانند : طلاق زنانی که شوهران آنها مفقود شده بودند) می‌پرداخت ، و البته در اواخر عمر شریفش از قضاوت دوری می‌کرد .

مناظره با ملا ابراهیم حنفی

در روزهای نخست ورود مرحوم علّامه به زادگاهش ، روزی در مجلس امیر علم ـ حاکم بیرجند ـ بین معظم له و ملا ابراهیم حنفی ـ که از افاضل علمای عامه و معروف به احاطه بر کلام و جدل بود ـ در مسائل امامت و مباحث دیگر ، بحثی درگرفت و به پیروزی وی بر ملا ابراهیم بینجامید . و این واقعه سبب شهرت مرحوم علامه در محافل علمی و نزد مردم شد . همهٔ مردم منطقهٔ قائن و بیرجند و مردمان افغانستان از ـ سنّی (حنفی) و شیعه ـ در مسائل مذهبی ، بدو مراجعه می‌کردند و او بر حسب هریک از مذاهب فتوا صادر می‌کرد و در خطابات رسمی از سوی علمای هرات و دولت افغانستان ، از او به «مفتی الفریقین» تعبیر می شد [1].

---

(۱) رازی، محمّد شریف، **گنجینهٔ دانشمندان**، ج ۳، ص ۲٦٤ ؛ مرعشی، سیدمحمود، **المسلسلات**، ج ۲، ص ۸.

وی عقیده داشت هرکس باید برای روز جهاد، آماده باشد و واجب است فنون نظامی را فراگیرد و لذا هر روز تفنگش را برمی‌داشت و با گروهی از بزرگان و رؤسای شهر به صحرا می‌رفتند تا تمرین تیراندازی بنمایند و فنون رزم را فراگیرند. حتی به برخی از جوانان، از زکات و حقوق شرعی مالی می‌پرداخت تا در تیراندازی استاد ماهر شوند و به گروهی دیگر آموزش دهند. همچنین دو نفر از کسانی که در تیراندازی با سلاح گرم مهارت داشتند استخدام کرده بود، که خبر این حرکت و اقدام در چند شماره روزنامهٔ «حبل المتین» درج شد[۱].

تدریس

او همه روزه به تدریس فقه و اصول می‌پرداخت و از این رهگذر، گروه بسیاری از فضلای قائن و بیرجند را در دامان خویش پروراند، که برخی از ایشان عبارت‌اند از:

۱. آیة‌الله حاج شیخ محمّد حسین آیتی بیرجندی (۱۳۹۲ـ ۱۳۱۰ ق)، صاحب ***بهارستان*** و ***مقامات معنوی***.

۲. آیة‌الله شیخ جواد عارفی بیرجندی (وی اخیراً به دیار باقی شتافت).

تألیفات

از آن مرد بزرگ، کتاب‌های فراوانی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی چون: فقه، اصول، حدیث، تفسیر، تاریخ، کلام، رجال و درایه، قرائت و تجوید، شعر و ادب، برجای مانده که شمار آنها به ۶۲ اثر می‌رسد و اکثر آنها به خط شریفش در کتابخانهٔ مرحوم آیة‌الله نجفی مرعشی موجود است[۲]. این آثار عبارت‌اند از:

---

(۱) مرعشی، سیدمحمود، **المسلسلات**، ج ۲، ص ۸.

(۲) اشکوری حسینی، احمد، **فهرست نسخه های خطی**، ج ۹، ص ۱۹۰ ـ ۲۰۴.

الف) فقه

چنان‌که گذشت، آن فقیه بزرگوار از ۲۶ سالگی، به امر میرزای شیرازی دست به تألیف کتاب فقهی ***وثیقة الفقهاء*** زد و مورد تشویق و تحسین میرزا قرار گرفت. او به اندازه‌ای در فقه چیره دست بود، که به گفتهٔ فرزندش آیة‌الله شیخ محمّد حسین آیتی می‌فرمود:

«من می‌توانم مهمات مسائل فقه از طهارت تا دیات را با اشاره به فتاوای فقهای بزرگ بدون مراجعه به کتاب‌های فقهی از نو بنویسم».

برخی از فتاوای فقهی ایشان عبارت‌اند از:

۱. وجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت که خود نیز آن را اقامه می‌کرد و وجوب جمع بین آن و نماز ظهر.

۲. وجوب بقای بر تقلید از میّت اعلم.

۳. جواز طلاق زنی که شوهرش غائب است.

۴. عدم تفصیل بین زمین و ساختمان در ارث زوجه.

۵. فقر و عسر از موجبات فسخ نکاح است [۱].

کتاب‌های فقهی ایشان عبارت‌اند از:

۱. ***وثیقة الفقهاء***: شرح بزرگ و استدلالی ***تبصرة المتعلّمین*** علّامهٔ حلی است، در دو جلد و تا پایان کتاب صوم. نسخهٔ خطی آن در کتابخانهٔ آیة‌الله مرعشی موجود است [۲].

۲. ***العین الباصرة فی شرح التبصرة*** [۳].

۳. ***الرسالة الفرضیة***: در مسئلهٔ «عول و تعصیب» و ردّ بر عامه که نسخهٔ اصل آن در

(۱) مرعشی، سیدمحمود، **المسلسلات**، ج ۲، ص ۱۱.

(۲) تهرانی، آقابزرگ، **الذریعه**، ج ۲۵، ص ۲۷.

(۳) همان، ج ۱۵، ص ۳٦۷.

کتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است.

۴. ***منجزات المریض***: دربارهٔ اینکه منجزات از اصل ترکه میّت، خارج می شود.

۵. ***مجمع المسائل***.

۶. ***طلاق الحاکم زوجة الغائب***.

۷. ***صلاة الجمعة***: او قائل به وجوب عینی نماز جمعه و وجوب جمع بین آن و نماز ظهر بود.

۸. ***الرجعة فی النکاح***: نسخهٔ اصل آن به شمارهٔ ۳۴۱۰ در کتابخانهٔ آیةالله مرعشی محفوظ است.

۹. ***جامع الفقه*** (۱).

۱۰. **حاشیه بر جامع عباسی**.

۱۱. **حاشیه بر *ریاض المسائل*** (زهر الریاض).

۱۲. ***تزویج البکر***: در اثبات اینکه هر یک از پدر وجد، ولایت استقلالی در تزویج باکره دارند.

۱۳. ***ازاحة الریبة فی وجوب صلاة الجمعة فی زمن الغیبة***.

۱۴. ***الاعسار***: دربارهٔ اینکه فقر مجوز فسخ نکاح است. نسخهٔ اصل آن به شمارهٔ ۳۴۱۰ در کتابخانهٔ آیةالله مرعشی است.

۱۵. ***ارث الزوجة و الحبوة***.

۱۶. ***اجوبة المسائل الواردة من ماوراءالنهر***.

۱۷. رساله در جهاد: نسخهٔ خطی آن در کتابخانهٔ آیةالله مرعشی است.

---

(۱) همان، ج ۵، ص ٦٤.

ب) اصول

۱. ***ایــضاح الطــریق و فـص العـقیق*** : ایـن کـتاب در مـحاکـمهٔ بـین اصـولی‌ها و اخباری‌هاست و اینکه هر اصولی صحیح ، اخباری است و هر اخباری صحیح ، در عمل اصولی است . و مجتهد ، در استنباط ، هم به اصول و هم به اخبار نیاز دارد . این کتاب را بر میرزای شیرازی عرضه داشت و مورد پسند وی قرارگرفت . نسخهٔ خطی آن به شمارهٔ ۳۴۱۸ درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است [۱].

۲. ***حاشیه معالم الأصول*** .

۳. ***قطر الأمطار لمن أراد الاستنباط من کتب الأخبار*** .

۴. ***التحفة الغروية*** : تقریرات بحث اصولی استادش علامه شیخ هـادی تـهرانـی است .

۵. ***شرح کتاب تهذیب الاصول*** علّامهٔ حلی : نسـخهٔ اصـل آن در کـتابخانه آیـةالله مرعشی است .

ج) حدیث

۱. ***رسالة فی فضیلة العلم و العلماء العاملین*** : نسـخهٔ خـطی آن در کـتابخانهٔ آیـةالله مرعشی است .

۲. ***نظم حدیث الکساء*** : این کتاب در سال ۱۳۴۳ ق به چاپ رسیده است .

۳. ***ترتیب أخبار التهذیب و الاستبصار ، و الفقیه و الکافی*** : در این کتاب ، روایاتی راکه مشایخ ثلاثه در غیر باب مناسب خود آورده‌اند ، به جای خویش باز آورده است .

۴. ***تصحیح وسائل الشیعه*** .

---

(۱) تهرانی، آقابزرگ، **الذریعه**، ج ۲، ص ٤٩٦.

د) تفسیر

۱. ***آیات الأحکام***[1].

نسخهٔ خطی آن به شمارهٔ ۳۴۱۴ درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است.

۲. ***تفسیر القرآن الکریم*** (ناتمام).

ه) کلام و عقاید

۱. ***اکفاء المکائد فی اصلاح المفاسد***: ردّ بر صوفیه، به ویژه فرقهٔ گنابادی و پاسخ به ملا سلطانعلی گنابادی است که به چاپ رسیده است[2].

۲. ***الردّ علی الشیخیّة***[3].

۳. ***صمصام مهدوی***: در ردّ خان ملا خان هروی (ملا شمس هراتی رضوی) است[4].

۴. ***لبّ الخطاب فی ردّ شبهات اهل الکتاب*** (فارسی): نسخهٔ اصل آن به شمارهٔ ۳۴۱۱ درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی است[5].

۵. ***رساله در ردّ بابیه و بهائیه***: نسخهٔ اصل آن درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی است.

۶. ***نور المعرفة***: در اصول دین است و نسخهٔ آن به شماره ۳۴۰۶ درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود می‌باشد[6].

۷. ***فصل الخطاب***: در اثبات نبوّت خاصّه ازکتاب‌های آسمانی است.

۸. ***بدایة المعرفة***: در اصول دین می‌باشد و نسخهٔ اصل آن به شمارهٔ ۳۴۱۴ در

---

(۱) تهرانی، آقابزرگ، **الذریعه**، ج ۱، ص ٤٣.

(۲) همان، ج ۲، ص ۲۸۰.

(۳) همان، ج ۱۰، ص ۲۰۳.

(٤) همان، ج ۱۵، ص ۸۸.

(۵) همان، ج ۱۸، ص ۲۸٦.

(٦) همان، ج ۲٤، ص ۳۳۷.

کتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است [۱].

و) تاریخ

۱. ***بغية الطالب فی من رأى الإمام الغائب*** (فارسی): در سال ۱۳۴۲ ق به چاپ رسید [۲].

۲. ***تذكرة الطالب***: ترجمهٔ عربی ***بغية الطالب*** است.

۳. ***الدرّة البيضاء فی نبذ من أحوال أصحاب الكساء***: نسخهٔ خطی آن به شماره ۳۴۱۴ در کتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است و دربارهٔ شرح احوال پنج تن آل عبا می‌باشد [۳].

۴. ***الكبريت الأحمر فی شرائط المنبر***: بارها در ایران و هند به چاپ رسیده و به فارسی است. این کتاب به زبان اردو نیز ترجمه شده و در سال ۱۳۴۳ ق در هند چاپ شده است و یکی از بهترین کتاب‌ها در موضوع آداب منبر به شمار می‌رود [٤].

۵. ***مفتاح الفردوس***: در فضایل، مناقب و مقتل امام حسین علیه‌السلام می‌باشد. به زبان فارسی نیز به چاپ رسیده است [٥].

۶. ***مكين الأساس فی أحوال مولينا أبی الفضل العبّاس*** (فارسی): در پایان ***کبریت احمر*** به چاپ رسیده است [٦].

۷. ***وقايع الشهور و الأعوام*** (فارسی): بارها به چاپ رسیده است [٧].

---

(۱) همان، ج ۳، ص ۵۹.

(۲) همان، ج ۳، ص ۱۳۳.

(۳) همان، ج ۸، ص ۹۲.

(٤) همان، ج ۱۷، ص ٢٦٠.

(٥) همان، ج ۲۱، ص ۳۳۸.

(٦) همان، ج ۲۲، ص ۱۸۲.

(٧) همان، ج ۲۵، ص ۱۲۷.

ز) اجازات و رجال و درايه

۱. ***الاجازة الوجيزة للدرة الفاخرة العزيزة*** : اجازه‌ای است که به آیةالله مرعشی در سال ۱۳۴۱ ق اعطا نموده است.

۲. ***الدراية و الرجال*** (۳ جلد).

۳. ***ذخيرة المعاد في الإجازة لأفلاذ الأكباد*** : اجازه‌ای است مفصل که در ۱۳۴۴ ق تألیف کرده و به شمارهٔ ۳۴۱۸ درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است[۱].

۴. ***رجال قائن*** : این کتاب در سال ۱۳۸۵ ق، از سوی انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است[۲].

۵. ***الفوائد الرجالية*** : نسخهٔ خطی آن به شمارهٔ ۱۳۷۱ درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است.

۶. ***الفوائد الطوسية و الدروس الرجالية*** : نسخهٔ آن به شمارهٔ ۳۴۱۶ درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است.

۷. ***الفوائد الكاظمية*** (وجيزة المقال في علم الرجال) : نسخهٔ آن به شمارهٔ ۳۴۱۵ در کتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است[۳].

۸. ***الفوائد المكيّة***.

۹. ***العوائد القرويّة في شرح الفوائد الغروية*** : این کتاب در سه جلد و شرح رجال استادش آقا سید ابوطالب قائنی است. جلد اول و سوم آن به شماره ۳۴۰۷ و ۳۴۰۸ درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود می‌باشد[٤].

---

(۱) همان، ج ۱۰، ص ۱۹.

(۲) همان، ج ۱۰، ص ۹۸.

(۳) همان، ج ۲۵، ص ٥٤.

(٤) همان، ج ۱۵، ص ۳٥٤ و ج ۱٦، ص ۳٥۱.

ح) قرائت و تجويد

۱. **شرح *نظم اللئالی*** (نوشتهٔ میرزا ابو القاسم قاری) : نسخهٔ آن به شمارهٔ ۳۴۱۰ در کتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است.

۲. ***القراءة و التجوید***.

ط) متفرقات

۱. **جنگ** : نسخهٔ آن به شمارهٔ ۳۴۱۲ درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است.

۲. ***سفینة القماش و مدینة الریاش*** : به شمارهٔ ۳۴۰۹ در کتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است [1].

۳. ***الکشکول فی مستطرفات المعقول و المنقول*** [2].

ی) اخلاق و ادعیه و زیارات

۱. **الاخلاق** (فارسی) : نسخهٔ آن به شمارهٔ ۳۴۱۴ درکتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است.

۲. ***الرسالة الرجبیة*** (فارسی).

در تشویق به زیارت مشاهد مشرفه به ویژه مرقد مطهر امام رضا عليه السلام در ماه رجب وشرح زیارت رجبیه وجامعهٔ صغیره می‌باشد که در سال ۱۳۴۹ ق به چاپ رسیده است [3].

۳. **سیر و سلوک**.

۴. ***فاکهة الذاکرین*** : در ادعیه و زیارات است و در ۳۷۳ صفحه در سال ۱۳۳۳ ق

---

(۱) همان، ج ۱۲، ص ۱۹۷.

(۲) همان، ج ۱۸، ص ۸۳.

(۳) همان، ج ۱۰، ص ۱٦۱.

چاپ شده است [۱].

۵. ***منجی المستجیر*** (منجی المتحیّر) [۲].

ك) شعر و ادب

مرحوم علامه، علاوه بر مقام رفیعش در علوم اسلامی، ادیب بلند پایه‌ای بود که به عربی و فارسی شعر می‌سرود و به «صافی» و «عاصی» تخلّص می‌کرد و دیوان شعرش نزدیک به دو هزار بیت است. برخی از کتاب‌های ادبی ایشان عبارت‌اند از:

۱. ***ارجوزة فی النحو***.

۲. ***دیوان اشعار***: که فرزندش آیةالله شیخ محمّد حسین آیتی ضیائی گردآوری کرده است [۳].

یکی از اشعار وی این است:

تا به کی هستی گرفتار خیال / تا به کی مأنوس با این قیل و قال

تا به کی گویی صحیح او اعم / تا به کی این حرف‌ها بافی به هم

تا به کی اوراق را بر هم زنی / تا زاصل مثبت اندک دم زنی

تا به کی این رنج‌های بی‌قیاس / تا شود معلوم تو حال قیاس

صورت است این ای جناب مستطاب / بی‌ثبات است همچو نقشی روی آب

جمله وهم است و خیال است و بدع / جمله مکر است ومکید است و خدع

گر تو را معنا از آن مقصود و لب / گر تو را مقصود از آن کشف حجب

پس چرا آثار آن آثار زشت / گند آن پُر کرده هر بام و کنشت

با خیال غیر حق این ای فلان / می‌رساند در جحیمت بی‌گمان

---

(۱) تهرانی، آقابزرگ، **الذریعه**، ج ۱۶، ص ۹۷.

(۲) همان، ج ۲۲، ص ۲۰.

(۳) همان، ج ۹، ص ۱۱۹.

گـر کـه چشـم بـاطنت بـيند عـيان آب ايـن سـوزان‌تـر است از نـار آن[1]

مشايخ اجازه

مرحوم علّامهٔ بيرجندی از بسياری از علمای شيعه اجازهٔ روايت و اجتهاد اخذ کرده بود ، که برخی از ايشان عبارت‌اند از آيات عظام :

۱ . محدّث نوری ، صاحب ***مستدرك الوسائل*** (م ۱۳۲۰ ق) .

۲ . شيخ جعفر شوشتری (م ۱۳۰۳ ق).

۳ . شيخ هادی تهرانی.

۴ . شيخ محمّد حسن مامقانی (م ۱۳۲۳ ق) .

۵ . شيخ فضل الله نوری (م ۱۳۲۷ ق) .

۶ . ميرزا محمّد هاشم چهارسوقی اصفهانی (م ۱۳۱۸ ق) .

۷ . حاج ميرزا حسين خليلی.

۸ . مولا محمّد فاضل ايروانی.

۹ . سيد اسماعيل صدر (م ۱۳۳۷ ق) .

خود نيز به بسياری از علمای شيعه اجازهٔ روايت بخشيده بود که برخی از ايشان عبارت‌اند از :

سيد علی مدد موسوی قائنی ، شيخ محمد علی اردوبادی ، حاج ملا علی واعظ خيابانی ، آية‌الله مرعشی نجفی ، آية‌الله ميرزا ابوالحسن مشکينی (صاحب حاشيه بر کفايه) ، سيد علی نقی نقوی لکهنوی ، فرزندش آية‌الله شيخ محمد حسين آيتی و سيد حسن آل طه يزدی .

---

(۱) اشکوری حسينی، احمد، **تراجم الرجال**، ج ۲، ص ٦٠٤.

بازماندگان

از مرحوم آیةالله شیخ محمد باقر بیرجندی، به جز تألیفات پر ثمر بسیار، نسلی صالح و عالم و نامدار به جای ماند که تاکنون در شهر بیرجند منشأ خدمات بوده‌اند. از آن جمله فرزند بزرگوار ایشان، حضرت آیةالله حاج شیخ محمّد حسین آیتی بیرجندی، جانشین پدر در تدریس و تألیف و خدمت به مسلمین بود. وی پس از خواندن ادبیات و سطوح در مشهد (نزد ملا عبدالجواد ادیب نیشابوری) و اصفهان (در محضر حاج سید علی نجف آبادی و حاج سید محمّد نجف آبادی و میر محمّد صادق خاتون‌آبادی) به نجف اشرف رفت و در درس‌های فقه و اصول آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد کاظم شیرازی و میرزای اصطهباناتی شرکت جست و به مقام اجتهاد نائل آمد و در سال ۱۳۴۳ ق به زادگاهش بازگشت و به اقامهٔ جماعت، تدریس، تألیف، پرورش شاگردان و دستگیری درماندگان و نیازمندان پرداخت. وی در دوران اختناق رضاخانی، چراغ فروزان علم و دانش را روشن نگاه داشت و مجالس سوگواری و شعائر حسینی را احیا کرد و کتاب‌های بسیاری نگاشت، که عبارت‌اند از:

۱. ***شرح کفایة الأصول***.

۲. ***دیوان شعر امام حسین*** علیه‌السلام.

۳. ***درّ الفرید فی ما روی عن السبط الشهید***.

۴. ***بهارستان*** در تاریخ و تراجم رجال قائنات و قهستان (چاپ تهران).

۵. ***تذکرهٔ شعرای قهستان***.

۶. ***دیوان درّ غلطان***.

۷. ***فوائد العقول***: در مسائل فقه و اصول.

۸. ***مقامات معنوی*** (چاپ تهران).

۹. ***مقامات الأبرار*** (در پنج جلد).

۱۰. *درّ المنظوم فی مقتل الإمام المظلوم*.

فرزند او جناب آقای حاج شیخ کاظم آیتی، از روحانیون بیرجند می‌باشد و دامادهایش عبارت‌اند از: برادر زاده‌اش مرحوم آیة‌الله حاج شیخ محمد حسین نابغ آیتی (شخصیت علمی بیرجند در زمان معاصر) و استاد فقید مرحوم حجة الاسلام دکتر محمّد ابراهیم آیتی، نویسندهٔ ***تاریخ اسلام***، ***بررسی تاریخ عاشورا***، **گفتار ماه**، ***تاریخ اندلس***، و چند کتاب دیگر بوده‌اند.

وی در شب جمعه، پنجم ذی القعده ۱۳۹۲ ق بدرود حیات گفت و در اغلب شهرهای خراسان و حوزهٔ علمیه قم و حتی از سوی حکومت وقت در مسجد سلطانی مراسم بزرگداشت مقام علمی‌اش برگزار گردید [۱]. و حوزهٔ قم در غم فقدانش، یک روز تعطیل شد.

همچنین فرزندان دیگر علّامهٔ بیرجندی؛ یعنی شیخ محمّد تقی و شیخ محمّد حسن نیز از جملهٔ فضلا بوده‌اند.

درگذشت

سرانجام آن مرد بزرگ، پس از عمری تلاش و کوشش در راه اعلای کلمهٔ حق، در شب جمعه ۱۴ ذیحجة الحرام سال ۱۳۵۲ ق در ۷۶ سالگی چشم از جهان فرو بست. پیکر او را در مدرسهٔ معصومیه غسل دادند و پس از تشییعی کم‌نظیر، در مقبرهٔ مخصوص خویش به خاک سپردند. به دنبال اعلام خبر وفاتش، در بیشتر شهرهای ایران مجالس یادبودی برگزار شد و حوزهٔ علمیه قم به سوگ نشست و آیة‌الله مرعشی در مدرسهٔ فیضیه مجلس باشکوهی منعقد ساخت [۲]. [۳]

---

(۱) رازی، محمّد شریف، **گنجینهٔ دانشمندان**، ج ۳، ص ۲۶۷؛ سعیدزاده، محسن، **بزرگان قائن**، ص ۳۶۷ ـ ۳۷۷؛ تهرانی، آقابزرگ، **نقباء البشر**، ج ۲، ص ۸۹۰.

(۲) مرعشی، سیدمحمود، **المسلسلات**، ج ۲، ص ۱۱.

(۳) در نگارش این مقدمه از این منابع استفاده شده است: انصاری قمی، ناصرالدین، **اختران فقاهت**، ج ۱،

آشنایی با کتاب حاضر

کتاب ***فاکهة الذاکرین*** مجموعه‌ای است فراهم آمده از ادعیه و آداب و اوراد و اذکار و تعقیبات. چه خوب است در این مقدمه به نکاتی دربارهٔ دعا پرداخته شود تا بیشتر به اهمیت ادعیه پی ببریم.

یکی از مهم ترین اسباب موفقیت، توجه زیاد به خداوند متعال و اهتمام به ادعیه و توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام مخصوصاً وجود مسعود حضرت بقیة الله الأعظم عجّل الله تعالی فرجه الشریف است. همین توسلات انسان را در تحصیل علم و کسب اخلاص و تهذیب نفس و ترک گناهان، فراوان یاری می دهد. باید دانست که یکی از مهم‌ترین رموز موفقیت همه بزرگان و علما، توجه و علاقه بسیار این عزیزان به امامان معصوم علیهم‌السلام است.

امام خمینی رضوان الله تعالی علیه می فرماید:

«ائمه طاهرین بسیاری از مسائل را با لسان ادعیه بیان فرموده‌اند. لسان ادعیه با لسان‌های دیگری که آن بزرگواران داشتند و احکام را بیان می‌فرمودند خیلی فرق دارد، اکثر مسائل روحانی، مسائل ماوراء طبیعت و آنچه مربوط به معرفة الله است را با لسان ادعیه بیان فرموده‌اند. همین دعاها و توجّهات به خدا، انسان را به مبدأ غیبی متوجه می‌کند.

اینهایی که از کتب ادعیه انتقاد می‌کنند برای این است که نمی دانند کتب ادعیه چطور انسان می سازد، نمی دانند این دعاهایی که از ائمه ما وارد شده، مثل مناجات شعبانیه، دعای کمیل، دعای عرفه، سمات و... چه‌جور انسان درست می‌کنند؟ آنها که برای دور کردن مردم از ادعیه، کتب دعا را آتش می‌زنند و روزی را برای آتش سوزی کتاب‌های عرفانی و دعا داشتند، نمی‌فهمیدند دعا یعنی چه؟ تأثیر

← ص ٦١٧ ـ ٦٣٥؛ «مجله مسجد»، ۱۳۷۸ ش، ش ٤٤.

دعا را در نفوس انسان نمی‌دانستند، نمی‌دانستند که همه خیرات و برکات از دعاخوانهاست»[1].

بدین‌سان علما و بزرگان اهتمام ویژه‌ای به ادعیه داشته‌اند و به آنها سفارش نموده‌اند و کتاب‌هایی نوشته‌اند[2].

ازکسانی که به این امر اهتمام ویژه‌ای داشته، عالم جلیل و فقیه عصر و محدّث دهر حاج شیخ محمد باقر قاینی است که کتاب ***فاكهة الذاكرين*** را نگاشته و به سال ۱۳۳۳ق به زیور طبع حجری آراسته گردیده.

به منظور نشر مجدّد کتاب باکیفیتی مطلوب، ما این کتاب را مقابله و تصحیح، و با متون اولیه حدیثی، روائی، عرفانی و تفسیری تطبیق و استخراج نمودیم؛ چون خود مرحوم حاج شیخ محمد باقر می‌فرماید: «این رساله را وضع کردم در بیان اوراد و ادعیه مختصره که غالب مردم بتوانند از آن استفاده نمایند و تمام آن مگر اندکی مستخرج است از اصول معتبره اصحاب ﷺ که صحیح است طریق آنها و جایز است برای این ضعیف روایت آنها»، چنان که در مقدمه کتاب تعدادی از آنها را نام می‌برد. مؤلف این اثر افزون بر کتب شیعه، ازکتب اهل سنت نیز استفاده فرموده و آن را در ضمن یک مقدمه و دوازده باب، به عدد اسامی مبارک ائمه طاهرین علیهم‌السلام تدوین کرده است.

در پایان، از همهٔ برادرانی که ما راکمک کرده‌اند به‌ویژه آقایان محمّدرضا نجفی، سیدعباس سلمان‌زاده و سیدابوالقاسم موسوی که زحمت ویرایش متن را پذیرفته بوده‌اند و همچنین از حروف‌چین‌های صبور و بزرگوار آقایان سیدمحمّد و سید علی معلّم سپاس داریم؛ و از همهٔ کسانی که از این کتاب بهره می‌برند التماس دعا

---

(۱) مختاری، رضا، **سیمای فرزانگان**، ص ۲۰۹.

(۲) کسانی که می‌خواهند اسامی کتب ادعیه را بدانند به مقدمه کتاب شریف **نزهة الزاهد** به قلم دانشمند فرزانه آقای رسول جعفریان مراجعه نمایند.

داشته، می‌خواهیم که برای شادی روح مرحوم علّامه حاج شیخ محمّد باقر قاینی بیرجندی هم دعا کنند.

محمد حسن زبری قاینی ـ علی اصغر شکوهی قوچانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَمِيدِ الْحَكِيمِ الَّذِي شَرَعَ لَنَا مِنْ حِكْمَتِهِ سَبِيلَ الدُّعَاءِ وَالثَّنَاءِ، وَجَعَلَنَا بِذٰلِكَ نَقْتَفِي آثارَ الأَزْكِيَاءِ الأَتْقِيَاءِ، وَالصَّلاةُ وَالسَّلَامُ عَلىٰ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ إِمَام الأَئِمَّةِ الأَصْفِيَاءِ، وَعَلىٰ آلِهِ القَادَةِ فِي الخَيْرِ، وَالسَّادَةِ فِي الاهْتِدَاءِ، وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلىٰ أَعْدَائِهِمْ وَشَانِئِيهِمُ الأَدْعِيَاءِ الأَغْبِيَاءِ، وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْ طَرِيقَتِهِمُ الْمُثْلىٰ مِنَ الْيَوْمِ إِلىٰ يَوْمِ الْفَصْلِ وَالْقَضَاءِ.

در بيان فضيلت علم و علما

امّا بعد: چنين گويد قاصر از نيل معالى و مفاخر، ابن المرحوم آقا آخوند مولا محمّد حسن القاينى (محمّد باقر) نزيل البيرجند، عَفَى اللهُ عَنْهُ وَعَنْ وَالِدَيْهِ وَإِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ، كه فضيلت علم و اهل آن، كالنّور على الطور، ساطع و واضح است، و كتاب و سنّت به آن مشحون.

ولنعم ما قيل:

النَّـاسُ مَـوْتىٰ وَأَهْـلُ الْـعِلْمِ أَحْـيَاءُ   وَالنَّاسُ مَـرْضىٰ وَهُـمْ فِـيهِمْ أَطِـبَّاءُ

النَّــاسُ أَرْضٌ وَأَهْـلُ الْـعِلْمِ فَـوْقَهُمُ   سَـمَاءُ نُـورٍ وَمَـا فِـي النُّـورِ ظَـلْمَاءُ

وَزُمْــرَةُ الْــعِلْمِ رَأْسُ الْـخَلْقِ كُـلِّهِمُ   وَسَائِرُ النَّاسِ فِي التَّمْثِيلِ أَعْضَاءُ[1]

وعلم است مصاحب بى‌آزار، و مونس ليل و نهار، و مصباح ظلمات در مهالک و اهوال و شدائد حلّ و ارتحال، و چه نيكوست نظم حافظ مغاربه ابى عمر يوسف

(۱) معزّالدين، سيدمحمود، **المعزّ لمن يروم العزّ**، ج ۱، ص ۱۲۱.

بن عبدالله بن عبد البرّ القرطبیّ المالکیّ، صاحب کتاب ***استیعاب*** در معرفت اصحاب، و ***کافیه*** در فقه مالک در پانزده مجلّد، و ***شرح موطّأ*** در سی مجلّد، و کتاب ***الدّرر في اختصار المغازي والسّير*** الی غیر ذلك.

تَذَكَّرْتُ مَنْ يَبْكِي عَلَيَّ مُدَاوِماً ... فَلَمْ أَرَ إِلَّا الْعِلْمَ بِالدِّينِ وَالْخَبَرِ
عُلُومُ كِتَابِ اللهِ وَالسُّنَنِ الَّتِي ... أَتَتْ عَنْ رَسُولِ اللهِ مَعْ صِحَّةِ الأَثَرِ

و از حضرت رسول ﷺ روایت است که فرمود:

الْعِلْمُ تَاجٌ لِلْفَتَیٰ ... وَالْعَقْلُ طَوْقٌ مِنْ ذَهَبِ
وَالصِّدْقُ نُورٌ وَاضِحٌ ... وَالْكِذْبُ نَارٌ مِنْ لَهَبِ

صَدَقَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

در بیان اینکه غرض اصلی از علم، عمل به مقتضای آن است

ولکن واضح است و در سایر صحائف منشرح کرده‌ام که غرض از آن، تداوی به آن است.

و شیخ صدوق در ***خصال*** و ***أمالی*** روایت کرده که عیسی بن مریم فرمود:

«الدِّينارُ دَاءُ الدِّينِ وَالْعَالِمُ طَبِيبُ الدِّينِ، فَإِذَا رَأَيْتُمُ الطَّبِيبَ يَجُرُّ الدَّاءَ إِلَىٰ نَفْسِهِ فَاتَّهِمُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ غَيْرُ نَاصِحٍ لِغَيْرِهِ» (۱).

وعن الباقر علیه السلام قال:

«قُرَّاءُ الْقُرْآنِ ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً وَاسْتَدَرَّ بِهِ الْمُلُوكَ وَاسْتَطَالَ بِهِ عَلَى النَّاسِ، وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَضَيَّعَ حُدُودَهُ وَأَقَامَهُ إِقَامَةَ الْقَدَحِ فَلَا كَثَّرَ اللهُ هٰؤُلَاءِ مِنْ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ، وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَىٰ دَاءِ قَلْبِهِ فَأَسْهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَأَظْمَأَ بِهِ نَهَارَهُ، وَقَامَ بِهِ فِي مَسَاجِدِهِ، وَتَجَافَىٰ بِهِ عَنْ فِرَاشِهِ فَبِأُولٰئِكَ يَدْفَعُ اللهُ الْعَزِيزُ

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۱، ص ۱۱۳؛ نیشابوری، محمّد بن احمد، **روضة الواعظین**، ج ۲، ص ۴۲۷؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۲۰، ص ۲۶.

الجَبَّارُ الْبَلَاءَ، وَبِأُولئِكَ يُدِيلُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الأَعْدَاءِ، وَبِأُولئِكَ يُنَزِّلُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ الْغَيْثَ مِنَ السَّمَاءِ، فَوَاللهِ لَهٰؤُلَاءِ فِي قُرَّاءِ الْقُرْآنِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الأَحْمَرِ».

و اين را ثقة الاسلام در ***كافى*** و شيخ حرّ و غير ايشان از محدّثين نيز روايت كرده‌اند [۱]. و قول صوفيّه كه مى‌شود بنده از دواى طاعت و عبادت بى‌نياز شود غلط و كفر است.

در مذمت اكثر ابناء زمان از جهت صرف غالب اوقات خود را به كسالت و بطالت

پس عاقل بايد در جميع حالات در تحصيل كمالى از كمالات ساعى باشد عِلْماً و عملاً، بر خلاف ابناء زمان كه غالب اوقات و اَوانِ خود را به كسالت و بطالت مى‌گذرانند و ذمّ آن در اخبار بسيار است [۲]، فَتَرَى الأَمْرَ كَمَا قَالَ أَبُو الأَسْوَدِ الدُّؤَلِي، چنانچه شيخ بهائى در ***كشكول*** نسبت داده، و در ***ديوان*** منسوب به اميرالمؤمنين عليه‌السلام است:

ذَهَبَ الرِّجَالُ الْمُقْتَدىٰ بِفِعَالِهِمُ — وَالْمُنْكِرُونَ لِكُلِّ أَمْرٍ مُنْكَرِ
وَبَقِيتُ فِي خَلَفٍ يُزَيِّنُ بَعْضُهُمْ — بَعْضاً لِيَدْفَعَ مُعْوِرٌ عَنْ مُعْوِرِ
فَطِنٌ بِكُلِّ رَزِيَّةٍ فِي مَالِهِ — وَإِذَا أُصِيبَ بِدِينِهِ لَمْ يَشْعُرِ [۳]

وَقَالَ النَّمْرِيُّ الْقُرْطُبِيُّ أيضاً:

تَنَكَّرَ مَنْ كُنَّا نُسَرُّ بِقُرْبِهِ — وَصَارَ زُعَاقاً بَعْدَ مَا كَانَ سَلْسَلَا

---

(۱) كلينى، محمّد بن يعقوب، **كافى**، ج ۲، ص ۶۲۷؛ ابن بابويه، محمّد بن على (شيخ صدوق)، **أمالى**، ص ۱۶۹، مجلس ۳۶؛ همو، **خصال**، ج ۱، ص ۱۴۲؛ حرّ عاملى، محمّد بن الحسن، **وسائل الشيعه**، ج ۱۲، ص ۱۳؛ ورّام، مسعود بن عيسى، **تنبيه الخواطر و نزهة النواظر** ـ معروف به **مجموعه ورّام**، ج ۲، ص ۱۶۴.

(۲) كلينى، محمّد بن يعقوب، **كافى**، ج ۵، ص ۸۵، باب «كراهية الكسل».

(۳) الأعلمى، جمعه حسين، **ديوان امام على** عليه‌السلام، ص ۵۸ و ۶۸.

وَحَقٌّ لِجَارٍ لَمْ يُوَافِقْهُ جَارُهُ　　وَلَا لَايَمَتْهُ الدَّارُ أَنْ يَتَحَوَّلَا
إِذَا هَانَ ضَرٌّ عِنْدَ قَوْمٍ أَتَاهُمُ　　وَلَمْ يَنَا عَنْهَا كَانَ أَعْمىٰ وَأَجْهَلَا
وَلَمْ تُضْرَبِ الأَمْثَالُ إِلَّا لِعَالِمٍ　　وَمَا عُوتِبَ الإِنْسَانُ إِلَّا لِيَعْقِلَا

در بیان اینکه طریقهٔ عبودیّت را از ائمهٔ طاهرین علیهم‌السلام باید فرا گرفت

و چنانچه به مقتضای «بِنَا عُرِفَ اللهُ»[1] معرفت خداوند عزّ وجل به ائمّه طاهرین است ، طریقهٔ عبودیّت را نیز از ایشان باید فراگرفت ؛ چنانچه در حدیث متواتر بین الفریقین تمسّک به ایشان عدم ضلالت است[2] ، وَنِعْمَ مَا قِيلَ :

إِذَا شِئْتَ أَنْ تَرْضىٰ لِنَفْسِكَ مَذْهَباً　　يُنَجِّيكَ يَوْمَ الْبَعْثِ مِنْ اَلَمِ النَّارِ
فَدَعْ عَنْكَ قَوْلَ الشَّافِعِيِّ وَمَالِكٍ　　وَأَحْمَدَ وَالنُّعْمَانِ أو كَعْبِ الأَحْبَارِ
وَوَالِ أُنَاساً قَوْلُهُمْ وَحَدِيثُهُم　　رَوىٰ جَدُّنَا عَنْ جَبْرَئِيلَ عَنِ البَارِي[3]

و علمای ما شَكَرَ اللهُ مَسَاعِيهُمُ الْجَمِيلَةَ در وظایف عبادات و قربات و اوراد و تعقیبات زیاد از حدّ استقصا الحمد لله از آن بزرگواران نوشته‌اند که مخالفین را صد یک آن نیست .

در بیان شیوع غالب معاصی به زبان در این اوقات و اَوان

ولکن این بی‌بضاعت چون دیدم که غالب معاصی که به لسان می‌شود در زمان ما شیوع دارد و حمد و ثنای حضرت حق عزّ شأنه کمتر بر اَلسِنه ایشان جاری می‌شود [این بحث را بیان کردم].

قالَ مَولانَا الصَّادِقُ علیه‌السلام :

---

(۱) کلینی، محمّد بن یعقوب، **کافی**، ج ۱، ص ۱٤۵.

(۲) ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن**، ج ۵، ص ٦٦۳ ، ح۳۷۸۸؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه** ج ۲۷، ص ۳٤؛ مقصود حدیث ثقلین می‌باشد.

(۳) مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۸، ص ۱۱۷.

«ثَلَاثٌ لا يُطِيقُهُنَّ النَّاسُ : الصَّفْحُ عَنِ النّاسِ ، وَمُوَاسَاةُ الأَخِ أَخَاهُ فِي مَالِهِ ، وَذِكْرُ اللهِ كَثِيراً» (۱).

و آن مثل غیبت و سخن‌چینی و تهمت و مدح غیر مستحق و ذمّ مستحق ، مدح وکذب ، و استهزا و قسم دروغ و بغیر اسم جلاله ، و غنا و نوحهٔ به باطل ، و تشبیب به مسلمات ، و قذف به محصنات و اخبار از غائبات و استخبار از آن ، و لغویّات ، و اظهار حسد و فحش و مراء و مخاصمه ، مضافاً به آنچه خاص به بعضی هست از شرک قولی و فتوای غیر اهل و شهادت زور و نحو ذلک، با آنکه هر یک از آنها از معاصی کبیره و ذنوب موبقه می‌باشند .

و در قرآن و روایات اهل عصمت عليهم السلام تخویف و ایعاد بسیار وارد است ، چنانچه در کتب اصحاب ما رضوان الله علیهم وارد شده .

و در مجموعهٔ شیخ جلیل سعید ورّام بن ابی فراس که موسومه است به ***نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*** ، و **کشکول** شیخ بهائی مسطور است که حضرت رسول صلى الله عليه وآله به معاذ بن جبل فرمودند که زبان خود را حفظ کن . عرض کرد : آیا مؤاخذه می شوم به آنچه تکلّم کنم به آن ؟ حضرت فرمود : مادَرِ تو عزای تو بگیرد ای معاذ ! آیا به روی در آتش می اندازند مردمان را غیر آنچه به زبان جاری ساخته‌اند ؟ (۲)

و در **خصال** صدوق از امام زین العابدین عليه السلام روایت است که زبان فرزندان آدم هر روز مُشْرف می شود بر سایر اعضای او و می‌گوید : چگونه صبح کردید ؟ آنها در جواب می‌گویند : به‌خوبی اگر تو ما را واگذاری ، و او را قسم می دهند که ما را به بلا

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۱، ص ۱۳۳؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۱۵۷.

(۲) ورّام، مسعود بن عیسی، **مجموعه ورّام**، ج ۱، ص ۱۰۵؛ شیخ بهایی، محمّد بن الحسین، **کشکول**، ج ۱، ص ۵.

نیندازی، و می‌گویند: غیر این نیست که به‌سبب تو ای زبان ثواب داده می شویم[1]. و آن را نیز در **کافی** روایت کرده[2]. و روایت سابقه را نیز بدون ذکر معاذ گفته[3].

و صدوق نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که پدرم به من فرمود: ای فرزند! کسی که مصاحب رفیق بد شود سالم نمی‌ماند، و هرکه در مواضع سوء داخل شود متّهم می‌شود، وکسی که مالک زبان خود نباشد نادم می‌شود، پس انشا فرمود:

عَوِّدْ لِسَانَكَ قَوْلَ الْخَيْرِ تُحَظَّ بِهِ ... إِنَّ اللِّسَانَ لِمَا عَوَّدْتَ يَعْتَادُ

مُوَكَّلٌ يَتَقَاضى ما سَنَنْتَ لَهُ ... فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ فَانْظُرْ كَيْفَ يَعْتَادُ[4]

در بیان اینکه سه چیز موجب فساد و هلاکت است و سه چیز باعث نجات و سلامت است

و نیز از آن حضرت از پدر خود روایت است که نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز هلاک کننده است، و سه چیز نجات دهنده است؛ امّا آن سه چیز که هلاک کننده است: نقض بیعت، ترک سنّت و مفارقت جماعت مؤمنین. و امّا آن سه چیز که نجات دهنده است آن است که نگاه‌داری زبان خود را، گریه کنی بر گناه خود، و ملازم شوی خانه خود را[5].

در بیان فضیلت سکوت و خاموشی

و در جمله‌ای از کتب معتبره مثل **کافی** و غیر آن از حضرت باقر علیه السلام روایت

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۱، ص ٦.

(۲) کلینی، محمّد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۱۱۵.

(۳) همان.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۱، ص ۱٦۹.

(۵) همان، ج ۱، ص ۸۵.

کرده‌اند:

«إِنَّمَا شِيعَتُنَا الْخُرْسُ» [۱].

طریحی فرموده: خَرَس ـ به تحریک ـ آفتی است که به زبان می‌رسد و مانع از کلام است [۲] و در اینجا سکوت از غیر خداست.

و در **مجموعه** است از نبیّ اکرم ﷺ که اکثر خطای فرزند آدم در زبان است [۳].

و نیز از آن حضرت روایت است که مرد تکلّم می‌کند به کلمه‌ای و نمی‌داند به کجا رسیده است و باعث می‌شود غضب خداوند را تا روز قیامت [٤].

و در **کافی** به سند صحیح از حضرت امام رضا علیه‌السلام آمده است که علامت فقه، علم، حلم و خاموشی است. به درستی که خاموشی سبب محبّت و دلیل بر هر خیر است [٥].

و پیغمبر ﷺ فرمود که نگاه‌دار زبان خود را که آن صدقه است بر تو، و نمی‌شناسد بنده حقیقت ایمان را تا اینکه حفظ کند زبان خود را [٦].

و در **وسائل الشیعه** و جمله‌ای از **کتاب صدوق** است که: عبادت نشده است خدا به چیزی بهتر از خاموشی و رفتن به بیت الله [۷].

---

(۱) کلینی، محمّد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۱۱۳.

(۲) طریحی، فخرالدین بن محمّد، **مجمع البحرین**، ج ۱، ص ۵۰۳.

(۳) ورّام، مسعود بن عیسی، **مجموعه ورّام**، ج ۱، ص ٤.

(٤) همان، ج ۱، ص ۸.

(٥) کلینی، محمّد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۱۱۳.

(٦) همان، ج ۲، ص ۱۱٤.

(۷) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۲۱۲؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ٥، ص ۲۰۱.

در بیان مؤلّف کتاب *جامع الأخبار* و اشتباه جمعی در تعیین آن

و در کتاب **جامع الأخبار** که مؤلّف آن محمّد بن محمّد است، چنانچه در ***أمل الآمل*** به آن تصریح فرموده [1] وگفته که اسم خود را در فصل تقلیم اظفار ذکرکرده، و این ضعیف نیز آن را در آن مقام در نسخهٔ قدیمه یافتم، و مجلسی در **بحار** صاحب آن را مجهول دانسته با اعتراف به اینکه از متأخّرین است [2]، وکیف کان نسبت آن به صدوق قطعاً اشتباه است، وکذا آنچه صادر شده از قلم شریف شیخ حرّ در ***إیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*** از نسبت به ولد شیخ طبرسی صاحب **مکارم الاخلاق** [3] صریحاً بخطّه الشّریفِ عَلیٰ مَا حَکَاهُ شَیْخُنَا ﷺ فِی ***نَفَسِ الرَّحْمَانِ*** [4] و بعضی به والد ایشان صاحب تفسیر، و بعضی به حسن بن محمّد السبزواری، و بعضی به شیخ جلیل جعفر بن محمّد الدوربستی ـ بضمّ الدال وفتح الباء ـ من بلاد الرّی [5]، و در این زمان نیز معروف است به درشت، و قرائن این اشتباهات را در کتاب ***سفینة القماش*** نوشته‌ام.

مؤلّف آن از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که راحت انسان در حبس لسان است [6].

---

(۱) حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **أمل الآمل**، ج ۲، ص ۷۵؛ سبزواری، محمّد بن محمّد، **جامع الأخبار**، ص ۱۰.

(۲) مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۱، ص ۱٤.

(۳) حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعة**، ص ۲۸؛ سبزواری، محمّد بن محمّد، **جامع الأخبار**، ص ۱۰.

(٤) نوری، میرزا حسین، **نفس الرحمان**، ص ۱۳٤؛ سبزواری، محمّد بن محمّد، **جامع الأخبار**، ص ۱۰.

(۵) سبزواری، محمّد بن محمّد، **جامع الأخبار**، ص ۱۰.

(٦) همان، ص ۲٤۷.

در بیان آفت لسان و آنچه مترتّب می‌شود بر آن

و فرموده :

«سُكوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةُ الإِنْسَانِ» (۱).

و فرموده :

«بَلَاءُ الإِنْسَانِ مِنَ اللِّسَانِ» (۲).

و فرموده :

«البَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ» (۳).

و فرموده :

«فِتْنَةُ اللِّسَانِ أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ السَّيْفِ» (٤).

و نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که حفظ کند لقلقه و قبقبه و ذبذبه؛ یعنی زبان و شکم و فرج خود را داخل بهشت می شود (۵).

و فرمود: از شرار ناس کسی است که مردمان از زبان او بپرهیزند (٦).

و در ***نهج البلاغه*** است از امیرالمؤمنین علیه السلام که :

«اَلْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ فَصِرْتَ فِي وَثَاقِهِ. فَاخْزُنْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْزُنُ ذَهَبَكَ وَوَرِقَكَ. فَرُبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً» (۷).

و فرمود: هر چیزی را که نمی دانی مگو، بلکه هر چیزی را هم که می دانی مگو؛ زیرا که خداوند واجب فرموده بر همهٔ جوارح تو واجباتی را که سؤال خواهد فرمود

---

(۱) سبزواری، محمّد بن محمّد، **جامع الأخبار**، ص ۲٤۷.

(۲) همان.

(۳) همان.

(٤) همان، ص ۲٤۸.

(۵) همان، ص ۲٤۹.

(٦) همان.

(۷) **نهج البلاغه**، ص ٥٤۳، حکمت ۳۸۱.

از تو روز قیامت [۱].

و فرمود:

«مَا مَزَحَ امْرُؤٌ مَزْحَةً إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً» [۲].

خلاصه آنکه مزاح نامناسب خلاف عقل است. و در دیوان منسوب به آن حضرت است که:

لَا تَمْزَحَنَّ الرِّجَالَ إِنْ مَزَحُوا ... لَمْ أَرَ قَوْماً تَمَازَحُوا سَلِمُوا

فَالْجُرْحُ جُرْحُ اللِّسَانِ تَعْلَمُهُ ... وَرُبَّ قَوْلٍ يَسِيلُ مِنْهُ دَمُ [۳]

و معلوم است که زبان را می‌شود در اموری صرف کرد که سبب رضوان خداوند و رفعت درجات عالیه باشد.

در بیان غرض وضع این رساله و اسم آن

پس این رساله را وضع کردم در بیان اوراد و ادعیهٔ مختصره که غالب عوام بتوانند به آن قیام نمایند و به‌سبب اشتغال به آن، زبان خود را از هرزه و لغوگویی نگاه دارند، و این قاصر در ثواب با ایشان شریک باشم که **الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ** [۴].

و انجام آن در ضمن مقدّمه و دوازده باب به‌عدد اسامی مبارکهٔ میمونهٔ ائمّه طاهرین علیهم‌السلام مصوّر گردید، و نامیده شد به: «***فاكهة الذاكرين***».

در بیان مأخذ و مستند آنچه در این رساله ذکر می‌شود

وجمیع آن الّا نادری، مستخرج است از اصول معتبرهٔ اصحاب رحمهم‌الله که صحیح

---

(۱) **نهج البلاغه**، ص ٥٤٤، حکمت ۳۸۲.

(۲) همان، ص ٥٥٥، حکمت ٤٥٠.

(۳) الأعلمی، جمعه حسین، **دیوان امام علی** علیه‌السلام، ص ١٣٤.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ٤، ص ۳۸۰؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ١٦، ص ١٢٤.

است طرق آنها ، وجایز است از برای این ضعیف روایت آنها، مثل کتب صدوقین ، شیخین ، مجلسیّین ، ***فقه الرضا*** علیه‌السلام ، ***مکارم الاخلاق*** ، کتب شیخ ثقهٔ متبحّر جلیل ابراهیم بن علی الجَبَعیّ ـ بفتح الباء الموحّدة ـ الکفعمیّ ، کتب شیخ حرّ ، شهید ثانی ، فیض ، محقّق اردبیلی ، کتب ثلاثهٔ شیخ بهائی از ***مصباح العابدین*** ، ***مفتاح الفلاح*** و ***جامع عبّاسی*** ، و گاهی از ***مخلاة*** و***کشکول*** نیز نقل می شود ، و کتاب تلمیذ ایشان ، ***عمل السنّة*** بافقیّ .

وکتب سیّد اجل ، نظیر مجلسی در تبحّر ، آقا سیّد هاشم بحرینی ، وکتب سیّد عماد صاحب کرامات باهره علی بن طاووس ، وکتب بعض اجلّاء معاصرین ، و ***صحیفهٔ علویّه*** تصنیف شیخ عبدالله بن صالح السماهیجی ، وبعض کتب سیّد کبیر ثقهٔ متبحّر نهایة التبحّر کما یشهد به تفسیره بالمأثور الموسوم بـ«***خزائن الأنوار في فضل الأئمّة الأطهار*** علیهم‌السلام» في أکثر من ثلاثین مجلّداً بل کتابه الموسوم بـ«***جنّات الخلود***» الأمیر محمّد رضا الحسینيّ المعاصر للمجلسيّ .

وکتاب ***أنیس العابدین*** که از مؤلّفات محمّد بن محمّد از علمای دولت صفویّه است ، و بعضی از فضلا آن را برای خان آغا بیگم دختر شاه عبّاس ترجمه کرده است .

و قلیلی از باب تسامح در سنن از کتب عامّه نقل شده؛ مثل صحیحین ، ***مشکاة المصابیح*** ، ***الحصن الحصین*** ، ***خزینة الاسرار*** و غیرها ، چنانچه دأب علمای ما رضوان الله علیهم است آن را نیز نسبت به محلّ خود دادم ، وبالله التوفیق .

در بیان فهرست کتاب از مقدّمه و ابواب آن

امّا المقدّمه : پس در عظمت معاصی لسانیّه است .

باب اول : در ثواب دعا و تلاوت قرآن .

باب دوم : در صفات داعی و بعضی نمازها و دعاها برای قضای حوائج .

باب سوم: در یوم و لیلهٔ جمعه.

باب چهارم: در اذکار صبح و مغرب و ظهر.

باب پنجم: در آنچه هر روز خوانده شود و چند قنوت مختصر، و هرکه زیادت بخواهد رجوع کند به جزء اخیر ***بلد الامین*** کفعمی.

باب ششم: در ادعیهٔ حالات مکرّره؛ مثل لباس پوشیدن، غذا خوردن و نوشیدن.

باب هفتم: دعای وقت بیداری و آداب تهجّد.

باب هشتم: در آداب سجدهٔ شکر، مسواک کردن، اسم اعظم و نمازهای نافلهٔ غیر مرویّه.

باب نهم: در استحباب توسّل به ائمّهٔ طاهرین علیهم السلام و بعضی دعاها و زیارات، و در آن است دعاهای ایّام هفته و لعن صنمی قریش و نمازهای شب‌های هفته.

باب دهم: در ادعیهٔ متفرّقه برای امور مهمّه و مثوبات عظیمه.

باب یازدهم: در تعقیبات مختصره که در غالب کتب رایجه ذکر نشده و موجب مثوبات عظیمه است.

باب دوازدهم: در مقداری از ادعیهٔ متفرّقه و احراز نافعه، و در آن است حرز یمانی مقروّ بر حضرت حجّت و زیارت عاشورا به کیفیّت غیر مشهوره، وکُلُّ ذلكَ عَلىٰ مَا وَعَدْنَا مِنَ الاخْتِصَارِ.

وَمَا أَنَا إِلَّا قَطْرَةٌ مِنْ سَحَابَةٍ — وَلَوْ أَنَّنِي أَلَّفْتُ أَلْفَ كِتَابِ

امّا مقدّمه

پس در اشارهٔ اجمالیّه به عظمت گناهان که به زبان می شود ، اکتفا می شود به ذکر یک روایت در هریک از آنها و باقی حوالهٔ بر کتب مفصّله است .

در بیان اینکه شرک به خدا به سه چیز حاصل می‌شود

امّا شرک : پس به سه چیز حاصل می شود : به قلب؛ مثل آنکه اعتقاد کند شریک از برای واجب تعالی ، یا قائل به اتحاد و حلول شود ، یا معاد و معراج جسمانی را انکار کند ، یا خلود عذاب را از برای کفّار ، یا خلود را در نار قائل شود بدون عذاب، بلکه لَدغ حیّات و عقارب را لذّت بداند برای ایشان ، مثل محی الدین عربی و اتباع او. و بالجمله منکر ضروری از ضروریّات دین باشد .

و محقّق در *معارج الاصول* فرموده :

«جاحِدُ الْحُكْمِ الْمجمَعِ عَلَيْهِ كافِرٌ، لأَنَّهُ يَجْحَدُ مَا يُعْلَمُ حَقِّيَّتُهُ مِنَ الشَّرْعِ، وَتَبِعَهُ بَعْضٌ آخَرَ، وَأَنْكَرَهُ بَعْضُهُمْ، وَلَهُ وَجْهٌ» .

و به فعل ؛ مثل آنکه قرآن را مثلاً ـ نعوذ بالله ـ در قاذورات اندازد ، و هر چیز که توهین و استخفاف به دین باشد .

و به زبان؛ مثل سبّ نبی صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام .

و همهٔ اقسام آن، سبب خلود در آتش و عذاب است ، وکلام در قبول توبه از آن کلّیّةً امر دیگر است .

و امّا حکم و فتوای غیر اهل: پس خداوند آن را در سه آیه، فاسق، ظالم و کافر نامیده است، و حضرت صادق علیه‌السلام فرمود به ابن ابی لیلی ـ که از قضات عامّه است ـ: به چه حکم می‌کنی؟

گفت: به آنچه به من رسیده است از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام و ابوبکر و عمر.

فرمود: به تو رسیده از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که فرمود: علی داناتر است در علم قضا و حکم از شما؟

ابن ابی لیلی گفت: بلی.

فرمود: پس چگونه حکم می‌کنی به‌غیر حکم علی علیه‌السلام و حال آنکه این به تو رسیده است؟ پس چه خواهی گفت زمانی که آورده شوی به زمینی از نقره، بعد بگیرد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دست تو را پس واقف کند تو را در حضور خدا و بگوید: ای پروردگار من! این حکم کرده است به‌غیر حکم من [۱].

در بیان عقوبات فتوا دادن به غیر حقّ

شیخ جلیل محمّد بن یعقوب کلینی روایت کرده به سند صحیح از حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام که فرمود: کسی که فتوا دهد مردمان را به‌غیر علم و هدایت از خدا، لعنت کند او را ملائکهٔ رحمت و ملائکهٔ عذاب، و ملحق کنند به آن، گناه کسی که به فتوای او عمل کند [۲].

و کلینی، و برقی در ***محاسن***، و مجلسی در جزء اوّل ***بحار الانوار*** از حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام روایت کرده‌اند که: آنچه بدانید بگویید و آنچه ندانید نگویید، خدا عالم است، به درستی که مردی تکلّم می‌کند در آیه‌ای از قرآن، پس دور می‌شود به

---

(۱) کلینی، محمّد بن یعقوب، **کافی**، ج ۷، ص ۴۰۸.

(۲) همان، ج ۱، ص ۴۲.

این جهت از رحمت خدا بیشتر از فاصلهٔ آسمان و زمین[1].

و شهید در **منية المريد** و صدوق و مجلسی روایت کرده‌اند از نبیّ مکرّم ﷺ که فرمود: اشدّ الناس در روز قیامت مردی است که بکُشد پیغمبری را یا بکُشد او را پیغمبر، یا فتوا دهد مردم را به‌غیر علم وگمراه کند مردم را، یا صورت بسازد[2].

در حرمت کتمان علم

و بدان که کتمان علم بر کسی که بداند، حرام است؛ چنانچه در قرآن فرموده: «آنان که می‌پوشانند آنچه را نازل فرمودیم از بیّنات و هدایت بعد از آنکه بیان کردیم او را در کتاب از برای مردمان، آنها را لعنت می‌کند خدا و لعنت کنندگان»[3].

در **بحار** از **أمالی** شیخ طوسی روایت کرده از ابن مسعود که حضرت رسول ﷺ فرمود: هر مردی که خدا او را علم بدهد پس بپوشاند آن را با آنکه می داند، خدا او را مُلجَم کند به لجام از آتش[4].

و نیز از شیخ در آن کتاب از حضرت امام رضا علیه‌السلام از پدرانش از امیرالمؤمنین علیه‌السلام مروی است که پیغمبر ﷺ فرمود: چیزی نیست در علم مگر برای مستمعی که حفظ کند، یا عالمی که تنطّق کند به علم[5].

و در بیان آن ثواب عظیم است: در **منية المريد** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۱، ص ٤٢؛ برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٢٠٦؛ مجلسی محمّد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۲، ص ۱۱۹.

(۲) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **منية المريد**، ص ۱۵۱؛ مجلسی، محمّدباقر بن محمّد تقی، **بحارالأنوار**، ج ۲، ص۱۲۳.

(۳) بقره/۱۵۹.

(٤) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی طوسی**، ص ۳۷۷، مجلس ۱۳؛ مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۲، ص ٦٨.

(۵) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی طوسی**: ۳٦٩، مجلس ۱۳: مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار** ۲: ٦٨.

که حکمت را عظیم بشمار، پس بتحقیق که قرار نمی دهم آن را در قلبی مگر اینکه بیامرزم آن را، پس یاد بگیر حکمت را، بعد عمل کن، بعد بذل کن آن را تا برسی کرامت را در دنیا و آخرت [۱].

در فضل تحصیل علم، عمل به آن و تعلیم آن

و در تفسیر امام علیه‌السلام و **مُنیة المرید** و **بحار** است از حضرت صادق علیه‌السلام که فرمود: شنیدم از پدر خود که چون شیعیان محشور می‌شوند، خلعت می‌پوشند به‌قدر زیادتی علوم ایشان و کثرت اهتمام ایشان در ارشاد بندگان خدا، حتّی اینکه می‌پوشانند بر یکی از ایشان هزار هزار حلّه از نور [۲].

و حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: به‌درستی که یک رشتهٔ از آنها افضل است از آنچه شمس بر آن بتابد هزار هزار مرتبه و زیاده [۳].

در اینکه قدر و مرتبه شیعه به‌قدر روایت و معرفت است

و صدوق رحمه‌الله در **معانی الأخبار** که نسخهٔ صحیحه‌ای که خطّ مجلسی و مهر ایشان بر آن است و نزد احقر است، از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که ابو جعفر علیه‌السلام فرمود: ای فرزند! بشناس منازل و قدر و مرتبهٔ شیعه را به‌قدر روایت کردن ایشان از ما و معرفت ایشان؛ پس به‌درستی که معرفتْ فهمیدنِ روایت است، و به فهمِ روایات بالا می‌رود مرد به اقصی درجات ایمان. من نظر کردم در کتاب علی علیه‌السلام، پس دیدم در آن نوشته بود: قیمت هر مردی به قدر معرفت اوست [۴].

---

(۱) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **منیة المرید**، ص ۲۹.

(۲) **تفسیر امام حسن عسکری** علیه‌السلام، ص ۳۴۰؛ شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **منیة المرید**، ص ۲۵؛ مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۲، ص ۳.

(۳) **تفسیر امام حسن عسکری** علیه‌السلام، ص ۳۴۱؛ شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **منیة المرید**، ص ۲۵؛ مجلسی، محمّد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۲، ص ۳.

(۴) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **معانی الأخبار**، ص ۱.

و دیلمی در *ارشادالقلوب* احادیث بسیاری در این باب ذکرکرده است : منها : آنکه حضرت رسول ﷺ فرمود :

«نِعْمَ العَطِيَّةُ وَنِعْمَ الْهَدِيَّةُ الْمَوْعِظَةُ» [1].

منها : آنکه :

«مَا أَهْدَى الْمُسْلِمُ لِأَخِيهِ هَدِيَّةً أَفْضَلُ مِنْ كَلِمَةِ حِكْمَةٍ تَزِيدُهُ هُدًى أَوْ تَرُدُّهُ عَنْ رَدًّى» [2].

در فضیلت ارشاد، موعظه و تعلیم علم

و در روایت است: موعظه‌ای که نفع دهد، افضل از عبادت یک ساله است [3].

و از نبیّ خاتم ﷺ روایت کرده که: فضل کسی که ارشاد می‌کند بر فضل عابد، مثل من است بر ادنای شما [4].

و در روایتی نقل فرموده در آن کتاب که وحی فرمود به موسی ؑ که :

«تَعَلَّمِ الْخَيْرَ وَعَلِّمْهُ مَنْ لَا يَعْلَمْهُ فَإِنِّي مُنَوِّرٌ لِمُعَلِّمِي الْخَيْرِ وَمُتَعَلِّمِيهِ قُبُورَهُمْ حَتَّىٰ لَا يَسْتَوْحِشُوا فِي مَكَانِهِمْ» [5].

و در *روضة الواعظين* از امیرالمؤمنین ؑ مأثور است :

«أَحْسِنْ يُحْسَنْ إِلَيْكَ، إِرْحَمْ تُرْحَمْ، فَقُلْ خَيْراً تُذْكَرُ بِخَيْرٍ، وَصِلْ رَحِمَكَ يَزِيدُ اللهُ فِي عُمْرِكَ» [6].

---

(۱) دیلمی، حسن بن محمّد، **ارشاد القلوب**، ص ۱۳.

(۲) همان.

(۳) همان.

(٤) ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن ترمذی**، ج ٥، ص ٥٠، ح ٢٦٨٥؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّدتقی، **بحار الأنوار**، ج ٦٤، ص ٢٤٥.

(٥) دیلمی، حسن بن محمّد، **ارشاد القلوب**، ص ۱۳.

(٦) نیشابوری، محمّد بن احمد، **روضة الواعظين**، ج ٢، ص ٣٧٠.

در اینکه موعظه شأن حق تعالی و شغل انبیا و اوصیا بوده

و به جهت کثرت ثواب و علوّ مرتبه است که موعظه شغل انبیا و اوصیا بوده است ، کما قال الله تعالی :

﴿ أُدْعُ إِلىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ﴾ (۱).

وقال عزّ وجلّ :

﴿ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴾ (۲).

وقال حكايةً :

﴿ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴾ (۳).

وقال :

﴿ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً ﴾ (٤).

بلكه حق تعالی او را نسبت به خود داده و فرموده :

﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبىٰ وَيَنْهىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴾ (٥).

و فرموده :

﴿ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَداً ﴾ (٦).

و طول دادم این مطلب را به جهت اهتمام شارع به آن ، و اِعراض اغلب از آن .

---

(۱) نحل/۱۲۵.

(۲) ذاریات/۵۵.

(۳) شعراء/۱۳٦.

(٤) مائده/۳۲.

(٥) نحل/۹۰.

(٦) نور/۱۷.

در عقوبت شهادت دروغ

روایت کرده کلینی به سند صحیح از حضرت امام محمّد باقر عليه السلام که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که پنهان کند شهادتی را یا شهادت دهد به شهادتی که خون مسلمانی را هدر کند، یا مال مسلمانی را بگیرد ـ یعنی بناحق ـ بیاید در روز قیامت و از برای او صورت تاریکی باشد به‌قدر مَدِّ بَصَر، و در روی او گرفتگی باشد، و بشناسند خلایق او را به اسم و نسب او، و کسی که اداکند شهادتی که حق باشد تا احیاکند به او حقّ مسلمی را، بیاید در روز قیامت و از برای صورت او نوری باشد به‌قدر مَدِّ بصر، و بشناسند خلایق او را به اسم و نسب او[1].

در بیان عذاب عیب‌جویی، دو زبانی و نمّامی

و امّا عیب‌جویی، دو زبانی و نمّامی: پس حق تعالی در قرآن فرمود: «آنهایی که دوست دارند که اشاعه شود فاحشه در میان مؤمنین، از برای آنهاست عذاب الیم»[2].

و فرموده:

﴿ **هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ** ﴾[3].

و نیز فرموده: «ویل است برای هر هُمزه و لُمَزه»[4].

و همّاز عیّاب است، و همچنین هُمَزه و لُمَزه عیب کننده و طعن زننده در مردم است[5].

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۷، ص ۳۸۰.

(۲) نور/۱۹.

(۳) قلم/۱۱.

(٤) همزه/۱.

(٥) ورّام، مسعود بن عیسی، **مجموعه ورّام**، ج ۱، ص ۱۱٦؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۷۲، ص ۲۲۲.

و شیخ طبرسی از حسن بصری نقل کرده که هُمَزَه کسی است که در حضور طعن زند، و لُمَزه در پنهان [۱].

و در این آیه وعید شدید است از برای هر عیب‌جویی در آشکار و پنهان، و سعی‌کنندهٔ به فساد و سخنان زشت تا تفرقه اندازد میان دوستان.

نظم:

چون ردّ و قبول همه در پردهٔ غیب است زینهار کسی را نکنی عیب که عیب است

و در *مجمع البیان* طبرسی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که: دوست‌ترین شما در نزد خداوند کسانی هستند که خُلْق ایشان نیکوتر باشد، و قدم زنندهٔ در اکناف باشند ـ شاید مراد آن است که در جوانب و نواحی راه می‌روند، و خود را گُمنام دارند، و دوستی می‌اندازند در میان مردمان ـ و دشمن‌ترین شما نزد خداوند آنهایی هستند که راه می‌روند میان مردم به سخن‌چینی، و تفرقه می‌اندازند میان دوستان، و اظهار می‌کنند عیب‌های مردم را [۲].

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در *نهج البلاغه* فرموده که: نفع ندارد بنده را اگرچه به مشقّت بیندازد نفس خود را و خالص کند عمل خود را که از دنیا برود و ملاقات کند خدا را به یکی از این خصال و توبه نکرده باشد: در اینکه شریک قرار دهد از برای خدا در آنچه واجب گردانیده بر او، و اینکه هلاک کند نفس خود را ـ و در نسخه‌ای به غیظ ـ یا عیب کند به امری که غیر او کرده، یا طلب حاجت کند به مردم، یا اظهار بدعتی در دین خدا، یا ملاقات کند مردم را به دورویی، یا راه رود میان مردم به دو زبان [۳].

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۹ ـ ۱۰، ص ۸۱۸.

(۲) همان، ج ۹ ـ ۱۰، ص ۵۰۰.

(۳) **نهج البلاغه**، ص ۲۱٤، خطبه ۱۵۳.

در بیان حرمت غیبت و ذکر سرّ آن

و امّا غیبت : پس خداوند در قرآن فرموده : «غیبت نکند بعضی از شما بعضی را ، آیا دوست دارد که بخورد یکی از شما گوشت مرده برادر خود را»[۱]. یعنی چنانچه از خوردن گوشت مردهٔ برادران دینی احتراز دارید ، از غیبت هم احتراز داشته باشید ؛ زیرا که غایب چون زبان ندارد ، به‌مثل مرده است . پس بردن عِرض او چون خوردن گوشت اوست ؛ چون هر دو در خارج از حقیقت شخص است .

و در احادیث نبویّه است :

«إِيَّاكُمْ وَالْغِيْبَةَ فَإِنَّ الْغِيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزِّنَا» .

عرض کردند : چگونه غیبت از زنا سخت‌تر است ؟

فرمودند : زانی توبه می‌کند خدا قبول می‌کند ، و صاحب غیبت را نمی‌آمرزد تا صاحب غیبت راضی شود[۲].

گویا مراد آن وقت است که به مغتاب رسیده باشد ، و اگر نرسیده و ذکر آن اذیّت مغتاب است ، اقوی اقتصار بر ندامت و استغفار برای صاحب آن است[۳] ؛ چنانچه روایت سکونی است .

در بیان موضوع غیبت و مراد از آن

و شیخ زین الدین در ***کشف الرّیبة فی أحکام الغیبة*** فرموده : و از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت شده که روزی خطبه خواند و ربا را ذکر کرد و عظیم شمرد گناه آن را ، پس فرمود : درهمی از ربا عظیم‌تر است از سی و شش زنا ، و رباترین رباها عِرْض مسلم

---

(۱) حجرات/۱۲.

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **علل الشرائع**، ص ۵۵۷ ؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۲، ص ۲۸۴ ؛ سبزواری، محمّد بن محمّد، **جامع الأخبار**، ص ٤١٣.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۳۵۷ ؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۲، ص ۲۹۰.

است .

و فرمود: چون سؤال شد از غیبت که چه چیز است ؟ فرمود : ذِکْر مؤمن به آنچه کراهت دارد . اگر در آن موجود باشد ، پس غیبت کرده او را و اگر در آن نباشد ، بهتان و تهمت است [۱].

و مراد اظهار است چه به لسان ، چه به یَدْ ، چه به اشاره ، چه به سر و نحو آن باشد ، چنانچه محقّق اردبیلی رحمه‌الله و غیر ایشان از اصحاب فهمیده‌اند و در اخبار دیگر تصریح به آن شده [۲].

در حدیث از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله مأثور است :

«اَتَرْعَوُونَ عَن ذِكرِ الفاجِرِ حَتّی یَعرِفَهُ الناسُ، أُذْكُروهُ بِمَا فِيهِ يَحْذَرُهُ النَّاسُ» [۳].

یعنی ذکر کن فاجر را به آنچه در اوست از اوصاف که دارد، تا مردم از او حذر کنند .

در جواز غیبت متجاهر

و در روایت هارون بن الجهم است که :

«إِذَا جَاهَرَ الْفَاسِقُ بِفِسْقِهِ فَلَا حُرْمَةَ لَهُ وَلَا غِيْبَةَ» [٤].

و فرموده‌اند :

«مَنْ أَلْقَىٰ جِلْبَابَ الْحَيَاءِ فَلَا غِيبَةَ لَهُ» [٥].

---

(۱) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **کشف الریبه** ، ص ۵.

(۲) ورّام، مسعود بن عیسی، **مجموعه ورّام**، ج ۱، ص ۱۱۸.

(۳) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **کشف الریبه** ، ص ۳۵؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحارالأنوار**، ج ۷۵، ص ۲۳۲.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ٤٢ ، مجلس ۱۰ ؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه** ، ج ۱۲، ص ۲۸۹.

(٥) طبرسی، علی بن الحسن، **مشکاة الأنوار** ، ص ٢٣٤ ؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۸، ص ٤٦١.

و بالجمله از اخبار مستفیضه است؛ چنانچه شیخنا المرتضی الانصاری رحمه‌الله معترف به آن شده‌اند، بلکه قریب به تواتر است که حرمت از برای غیر متجاهر به فسق است و آنکه جایز است غیبت متجاهر (۱).

چنانچه ظاهر روایات نفی حرمت از برای متجاهر غیر ساتر که در آنها معتبره بلکه صحیحه نیز هست، آن است که غیبت متجاهر به فسق در غیر آنچه به آن متجاهر است نیز جایز است ، چنانچه مُصرّح به بلکه مُفْتیٰ به جماعتی از اعاظم است :

«منهم صاحب الجواهر وِفَاقاً لشیخه فِي موضعٍ من الجواهِر قَطْعِيّاً وإنِ احْتَاطَ بِهِ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ» (۲).

در اینکه جواز غیبت متجاهر مختصّ بما تجاهر فیه است

و شهید اوّل در *قواعد* فرموده : جایز است غیبت متظاهر مثل کافر و فاسق متظاهر :

«فَيَذْكُرُهُ بِمَا فِيهِ لَا بِغَيْرِهِ، وَمَنَعَ بَعْضُ النَّاسِ مِنْ ذِكْرِ الْفَاسِقِ وَأَوْجَبَ التَّعْزِيرَ بِقَذْفِهِ بِذٰلِكَ الْفِسْقِ ، وَقَدْ رَوىٰ بَعْضُ الأَصْحَابِ تَجْوِيزَ ذٰلِكَ» (۳).

بعد از عامّه نقل فرموده که حدیث : **«لَا غِيبَةَ لِفَاسِقٍ ـ أو ـ فِي فَاسِقٍ»** اصلی ندارد ، و بعد فرموده : اگر صحیح باشد ممکن است حمل آن بر نهی (٤).

امّا کسی که لذّت می‌برد به فسق و مسرور است به آن در شِعر خود یا کلام خود، جایز است حکایت کلام او ، انتهی (۵).

---

(۱) انصاری، شیخ مرتضی، **مکاسب**، ص ٤٤.

(۲) نجفی، محمّدحسن، **جواهر الکلام**، ج ۲۲، ص ٦٩.

(۳) شهید اوّل، محمّد بن مکی، **القواعد و الفوائد**، ج ۲، ص ١٤٨.

(٤) همان.

(۵) همان.

و ظاهر کلام ایشان کما تری، منع از ذکر غیر ما تَجَاهَرَ فیه است ، چنانچه **مختار** شهید ثانی [1] و اردبیلی در ***آیات الاحکام*** [2] و جمع دیگر است و موافق با عموم آیه و اصل حرمت مؤمن است ، مگر غرض صحیح دینی در آن باشد که جایز است بی‌اشکال ؛ نصّاً و فتویً.

و بدان که ذکر مؤمن به مکروه به قصد اهانت و منقصت در پیش کسی که مطّلع بر آن است نیز از اخبار، حرمت آن ظاهر است، ولو از باب استخفاف و تعییر و توهین مؤمن باشد [3].

و در بعضی اخبار تصریح است به آنکه غیبت است.

و در ***کافی*** به سندی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کفّارهٔ اغتیاب آن است که هر وقت به‌خاطر تو بیاید، طلب مغفرت کنی برای آن‌که غیبت او کرده‌ای [4].

در اینکه شنیدن غیبت بدون عذر و ضرورت مثل خود غیبت است

و بدان که شنیدن غیبت مثل خود غیبت است در غیر حال ضرورت ، و ردّ آن در صورت امکان واجب است، چنانچه اخبار مستفیضه بر آن دلالت دارد [5].

و صدوق در ***ثواب الاعمال*** روایت کرده از نبیّ اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله که: کسی که رد کند از برادر خود غیبتی که بشنود در مجلسی ، خداوند رد می‌کند از او هزار باب از بدی در دنیا

---

(۱) انصاری، شیخ مرتضی، **مکاسب**، ص ٤٤.

(۲) مقدس اردبیلی، احمد بن محمّد، **زبدة البیان فی أحکام القرآن**، ص ٤١٧.

(۳) کوفی اهوازی، حسین بن سعید، **کتاب المؤمن**، ص ٤٠، باب «حقّ المؤمن علی أخیه»؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۲، ص ٩٤.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٣٥٧.

(٥) سبزواری، محمّد بن محمّد، **جامع الأخبار**، ص ٤١٣؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۹، ص ١٢١.

و آخرت، و اگر رد نکند و به عجب آورد او را، بر او مثل گناه غیبت کننده است[۱].

و در حدیث مناهی در **فقیه** روایت کرده که: اگر رد نکند بر او و قادر باشد بر رد، هفتاد مرتبه مِثل گناه غیبت کننده دارد[۲].

و وجه زیادتی شاید آن باشد که ترک رد و منعِ غیبت کننده سبب آن است که جرئت می‌کند در این مقام نیز.

در بیان حرمت کذب و عقاب آن

و امّا کذب: پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که: مؤمن هرگاه دروغ گوید بدون عذر، لعنت کند او را هفتاد هزار ملک، و بیرون آید از قلب او گندی تا برسد به عرش، و بنویسد بر او خدا به این، هفتاد هزار زنا که آسان‌تر آنها مثل کسی است که با مادر خود زنا کند[۳].

و شیخ صدوق در ***خصال*** و شیخ ورّام روایت کرده‌اند از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود: ضامنم خانه‌ای را در اوّل بهشت و خانه‌ای را در وسط بهشت و خانه‌ای را در اعلای آن از برای کسی که ترک کند دروغ را هرچند به مزاح و شوخی باشد، و از برای صاحب خُلْق نیکو[۴].

در حرمت تهمت و عذاب آن

و امّا تهمت: صدوق در ***عیون اخبار الرضا*** علیه السلام روایت کرده از آن حضرت که: کسی که تهمت بگوید از برای مسلمی، خداوند حبس کند در قیامت او را در تلّی از

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۳۳۵.

(۲) همو، **من لا يحضره الفقيه**، ج ٤، ص ١٥.

(۳) سبزواری، محمّد بن محمّد، **جامع الأخبار**، ص ٤١٧؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۹، ص ٨٦.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ١، ص ١٤٤.

آتش تا مردم از حساب قیامت فارغ شوند، پس امر شود تا او را به آتش برند[۱].

در حرمت مدح غیر مستحق

و امّا مدح غیر مستحق: صدوق از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که: کسی که تعظیم کند صاحب دنیایی را و دوست دارد آن را به جهت طمع در دنیای او، غضب کند خدا بر او و در درجهٔ قارون در تابوت از آتش باشد در اسفل جحیم[۲].

و در حدیث مناهی در **فقیه** از آن حضرت روایت کرده که: کسی که مدح کند سلطان جور را یا خضوع کند برای طمع در دنیای او، قرین او باشد در آتش[۳].

و فرمود: خاک بر صورت مدح کنندگان بریزید[۴].

و امّا مدح به جهت دفع شر: مستحسن است، بلکه گاهی واجب می‌شود، و در اخبار بسیار است که:

«إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالىٰ الَّذِينَ يُكْرَمُونَ اتِّقَاءَ شَرِّهِمْ»[۵].

در حرام بودن نوحهٔ به باطل

و امّا نوحهٔ به باطل: پس آن نیز داخل در کذب است، و از ظاهر شیخ الطائفه در **مبسوط** و ابن حمزه، تحریم آن مطلقاً نقل شده، و دلیل ندارد، بلی در خصوص نوحهٔ در شب نهی وارد شده و آنکه ملائکه را اذیّت می‌کند و شاید مراد شدّت کراهت باشد[۶].

---

(۱) همو، **عیون أخبار الرضا** علیه السلام، ج ۲، ص ۳۳.

(۲) همو، **ثواب الأعمال**، ص ۳۳۱.

(۳) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ٤، ص ۱۱.

(٤) همان؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۷، ص ۱۸۳.

(۵) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۲، ص ۸۰.

(٦) بنگرید به: انصاری، شیخ مرتضی، **مکاسب**، ص ۵۵.

در بیان موضوع نوحهٔ به باطل

و مراد از نوحهٔ به باطل، تِعداد افعال قبیحه و صفات ذمیمه است؛ مثل اینکه قتل نفوس یا سرقت اموال می‌کرد، یا دربارهٔ میّت چیزهایی از کمالات او می‌گوید و آن را به آنها می‌ستاید که در آن نبوده، یا نامحرم صدای نوحه‌کننده را می‌شنود، اگرچه صوت راکلّیّةً عورت ندانیم و گناه آن بسیار عظیم است، و عذاب‌های بسیار سخت از برای نوحه کننده در آتش در اخبار ذکر شده، اختصار کردیم (۱).

در حرمت غنا، سبّ، فحش، مراء و جدال

و امّا غنا: پس خدا نهی فرموده که «اجتناب کنید قول زور را» (۲) و در صحیحهٔ هشام و غیر آن، تفسیر به غنا شده (۳).

و سؤال کرد مردی از حضرت باقر علیه‌السلام در خصوص غنا، پس فرمود: هرگاه خدای تعالی جدایی اندازد میان حق و باطل، غنا در میان کدام یک خواهد بود؟ گفت: با باطل. فرمود: حکم کردی به حق (٤).

و امّا سبّ و فحش: پس در صحیحهٔ ابی عبیده روایت شده که فحش از جفاست و جفا در آتش است (۵).

و در **کافی** روایت شده که: علامت شرکتِ شیطان در نطفهٔ کسی آن است که فحش بسیار گوید و باک نداشته باشد (٦).

و در روایت دیگر از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شده که: خدا حرام کرده است بهشت

---

(۱) همان.

(۲) حج/۳۰.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٦، ص ٤٣١.

(٤) همان، ج ٦، ص ٤٣٥.

(۵) همان، ج ۲، ص ۳۲۵.

(٦) همان، ج ۲، ص ۳۲۳.

را بر هر فحّاش بی‌حیایی که باک ندارد از گفتن و شنیدن، اگر تفحّص کنی او را یا حرام‌زاده است یا شریک شیطان[۱].

و امّا مِراء و جدال: در آخر ***روضه کافی*** از امام زین‌العابدین علیه السلام روایت کرده که: وای بر مادر کسی که لایزال مخاصمه کند، وای بر مادر کسی که بسیار باشد کلام او در غیر ذِکْرِ خدا، و او آثم و گناهکار است[۲].

در حرمت قسم به دروغ و مفاسد مترتّبهٔ بر آن

و امّا قَسم به دروغ: در ***معانی الأخبار*** روایت کرده است از سیّد سجّاد علیه السلام که: ذنوبی که تعجیل فنا می‌کند و شخص را هلاک می‌کند، قطع رَحِم است و قَسم دروغ و زنا و منعِ طریقِ مسلمین کردن[۳].

در حرمت کهانت و اِخبار از غائبات

و امّا اِخبار از غائبات به کهانت و غیر آن: روایت کرده در ***مستطرفات سرائر*** از مشیخه ابن محبوب از هیثم که به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که: در نزد ما در جزیره مردی است که اِخبار می‌دهد کسانی را که می‌آیند به نزد او و سؤال می‌کنند از چیزی که دزدیده شده و از مِثْلِ آن.

آن حضرت فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که راه رود به‌سوی کاهنی یا ساحری یا دروغگویی که تصدیق کند او را در آنچه گوید، پس به‌تحقیق که کافر شده به آنچه خدا نازل کرده از کتاب[٤].

---

(۱) همان.

(۲) همان، ج ۸، ص ۳۹۱.

(۳) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **معانی الأخبار**، ص ۲۷۱.

(٤) ابن ادریس، محمّد بن احمد، **مستطرفات سرائر**، ص ۵۹۳.

در حرمت استهزا و لغو

و امّا استهزا: صدوق در ***معانی الأخبار*** روایت کرده از حضرت سیّد سجّاد عليه‌السلام در تفسیر گناهانی که سبب نزول عذاب و نقمت است که: آن، معصیتِ عارف است و ظلم و تکبّر بر مردم و استهزا و سخریّه (۱).

و امّا لغو: پس در حدیث مِراء از ***روضهٔ کافی*** گذشت (۲).

و مرحوم فیض در ***محجّة البیضاء*** و نراقی روایت کرده‌اند که: در جنگ اُحُد پسری از اصحاب نبیّ اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله شهید شد که از گرسنگی سنگ بر شکم خود بسته بود، مادر او بر سر او نشست و خاک از رُخسار او پاک می‌کرد و می‌گفت: گوارا باد از برای تو بهشت! حضرت فرمود: چه می دانی که بهشت بر او گوارا خواهد شد؟! شاید سخنان بی‌فایده می‌گفته و منع می‌کرده چیزی که به او ضرری نداشته (۳).

و در **محجّه** در وفات کعب مثل آن را نیز ذکر کرده از حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله (٤).

در حرمت قذف مُحْصَن

و امّا قذف محصنات: یعنی نسبت زنا به زنان عفیفه دادن و همچنین مردان مسلم (۵)، پس در صریح قرآن وعدهٔ عذاب الیم بر آن داده و حدّ آن را هشتاد تازیانه مقرّر فرموده (٦).

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **معانی الأخبار**، ص ۲۷۰.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۸، ص ۳۹۱.

(۳) فیض کاشانی، محمّد بن شاه مرتضی، **محجّة البیضاء**، ج ۵، ص ۲۰۰.

(٤) همان.

(۵) سبزواری، محمّد بن محمّد، **جامع الأخبار**، ص ٤٤٥ و ٤٤٦؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۳، ص ۲٤۹.

(٦) نور/٤.

در حرمتِ برخی از امور

و در قرآن عزیز منع از اِکراه کنیزان بر زنا فرموده [۱].

و همچنین از تجسّس و به لقب‌های بد خواندن منع فرموده [۲] و فرموده:

﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً﴾ [۳].

و از وصیّت به حرام، جور بر وارث، نفی نسب، عقد معتدّه، مواعدهٔ جماع به او، ظِهار و حَلف بر حرام نهی فرموده.

و نَجْش ـ به‌تقدیم نون بر جیم ـ یعنی مواطات با بایع که گول زند مشتری را [٤]، تعییر مؤمن، شماتت، افشای سرّ مؤمن، نهی از معروف، امر به منکر و اعانت ظلمه به لسان ولو به شمردن خشت باشد نیز حرام است الی غیر ذلك؛ پس غافل مباش.

در بیان پاره‌ای از محرّمات لسانیّه

و در **کافی** از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت است که: کافر است کسی که تبرّی بجوید از نَسَبی، هرچند دقیق باشد [۵].

و از آن حضرت نیز روایت است که: خداوند عالم می‌فرماید: باید اذن بدهد به حرب با من کسی که اذیّت کند عبد مؤمن را، و باید ایمن باشد از غضب من کسی که اکرام کند بندهٔ مؤمن را [٦].

و در اخبار بسیار مذمّت توهین و اذلال مؤمن وارد شده، واینکه مثل محاربهٔ با

---

(۱) نور/۳۳.

(۲) حجرات/۱۱ و ۱۲.

(۳) بقره/۸۳.

(٤) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۱۳، ص ٢٨٦.

(۵) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۳۵۰.

(٦) همان.

خداست (۱).

و در صحیح از آن حضرت روایت شده که پیغمبر ﷺ فرمود: کسی که سرزنش کند مؤمنی را به چیزی، نمیرد مگر آنکه مبتلاگردد به آن و مرتکب شود آن را (۲).

و فرمود حضرت صادق علیه السلام: کسی که سرزنش کند مؤمنی را، خدا در دنیا و آخرت او را توبیخ فرماید (۳).

در بیان مفاسد مترتّبهٔ بر بعضی از معاصی در دنیا

و در **کافی** از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت نموده که: در کتاب رسول خدا ﷺ دیدم که هرگاه زنا ظاهر شود موت ناگهانی زیاد شود، و هرگاه کم‌فروشی کنند خدا ایشان را به قحطی بگیرد، و هرگاه زکات ندهند برکت از زراعت و میوه‌ها و معادن برداشته شود، و هرگاه جور بر احکام کنند معاونت ظلم و عدوان کنند، و هرگاه عهد را بشکنند و خلاف نذر و عهد کنند خداوند دشمن ایشان را بر ایشان مسلّط کند، و هرگاه قطع رحم کنند مال‌های ایشان را اشرار بگیرند، و هرگاه امر به معروف و نهی از منکر نکنند و متابعت نکنند خوبان از اهل بیت مرا، خداوند اشرار را بر ایشان مسلّط فرماید و خوبان دعا کنند و مستجاب نشود (٤).

در مذمّت خُلف وعده

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: وعده دادن به برادر خودت نذری است که کفّاره ندارد؛ پس کسی که خلاف وعده کند متعرّض غضب خدا شده و با خدا خلاف کرده، و این قول حق تعالی است:

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۳۵۳.

(۲) همان، ج ۲، ص ۳٥٦.

(۳) همان.

(٤) همان، ج ۲، ص ۳۷٤.

﴿ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴾ (۱)و (۲).

و فرمود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: کسی که ایمان به خدا و روز قیامت آورده باید وفا کند به وعدهٔ خود (۳).

در مواعدهٔ حضرت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با مردی در صحرا

نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وعده داد در صحرایی مردی را که اینجا می‌باشم تا بیایی، و آن مرد نیامد تا آفتاب اثر کرد، اصحاب گفتند: به سایه تشریف برید، فرمود: او را وعده داده‌ام در اینجا و اگر نیامد حشر من در اینجا خواهد بود، رواهُ فی ***الوسائلِ مِنَ العِلَلِ***، ورواهُ المجلسیُ فی جُمْلَة مِنْ کُتُبِهِ (٤).

و در روایت ***کافی***، اسماعیل صادق الوعد یک سال انتظار کشید (٥).

و بدان که اشهر استحباب آن است و آنکه در نزد خوبان مثل دَیْن است.

و نراقی مستنداً در ***عوائد الأیّام*** فتوا به وجوب وفا به وعده مطلقاً داده (٦).

در بیان محبوب‌ترین اشیا و مبغوض‌ترین آنها

در ***کافی*** و ***وسائل*** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده‌اند که مردی از قبیلهٔ خثعم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سؤال کرد از محبوب‌ترین اشیا؟ فرمود: ایمان به خدای عزّ وجل. عرض کرد که بعد از آن؟ فرمود: صله رحم. گفت: بعد از آن؟ فرمود: امر به معروف و نهی از منکر.

---

(۱) صف/۲.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٣٦٣ و ٣٦٤.

(۳) همان، ج ۲، ص ٣٦٤.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **علل الشرائع**، ج ۱، ص ۷۸؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۲، ص ١٦٥.

(٥) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۱۰۵.

(٦) نراقی، احمد بن محمّد مهدی، **عوائد الأیّام**، ص ۱۳۳.

گفت : از مبغوض‌ترین اشیا بفرما . فرمود : شرک به خدا . گفت : بعد از آن ؟ فرمود : قطع رحم . عرض کرد : بعد از آن ؟ فرمود : امر به منکر و نهی از معروف [۱].

و در **وسائل** از **عیون** و **أمالی** صدوق روایت کرده‌اند از حضرت رضا علیه‌السلام : کسی که ملاقات کند فقیر مسلمی را و سلام کند بر آن به خلاف سلام بر غنی ، ملاقات کند خدا را در قیامت در حالتی که بر او غضبناک باشد [۲].

و در **کافی** و **وسائل** از حضرت صادق علیه‌السلام مأثور است که اعظم ناس در حسرت کسی است که وصف کند عدل را و خود خلاف آن کند [۳].

و مرحوم فیض در **مفاتیح** ، تزکیهٔ نفس [٤] را حرام شمرده ، و اخبار در مذمّت مفاخرت نیز بسیار است [۵].

در مذمّت مفاخرت

و صدوق در **علل** نیز روایت کرده که دو مرد مفاخرت کردند در نزد امیرالمؤمنین علیه‌السلام ، فرمود : آیا فخر می‌کنید به جسدهای پوسیده و ارواحی که در آتش است ، اگر عقل داری و تقوا، فَطُوبیٰ لك و الّا الاغ بهتر از توست و تو بهتر از کسی نیستی [٦].

و در **ثواب الأعمال** روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه‌السلام که :

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۵، ص ۵۸.

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج ۲، ص ۵۲؛ همو، **أمالی**، ص ۳۵۹، مجلس ٦٨؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۲، ص ٦٤.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۲۹۹ و ۳۰۰؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱، ص ۹۳.

(٤) مراد از تزکیهٔ نفس، بی‌عیب شمردن خود از هر خطا و کاستی است؛ چنان که در سورهٔ نجم، آیه ۳۲ می‌فرماید: ﴿**فَلا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ**﴾؛ پس خودتان را پاک مشمارید.

(۵) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۳۲۸ و ۳۲۹.

(٦) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **علل الشرائع**، ص ۳۹۳، باب ۱۳۱.

«مَنْ صَنَعَ شَيْئاً لِلْمُفَاخَرَةِ حَشَرَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَسْوَدَ»[۱].

و در ***وسائل*** از حضرت صادق علیه‌السلام مأثور است که: هرگاه کسی مشورت کند با برادر دینی خود و او محض و خالص رأی خود را به او نگوید، خدا برطرف کند رأی او را؛ یعنی عقل او را[۲].

در نهی از سلام بر کفّار ابتداءً

و در اخبار بسیار نهی وارد شده از سلام بر کفّار[۳].

و در روایت ***قرب الاسناد*** است که: سلام نکنید بر اهل کتاب ابتداءً و اگر بر شما سلام کنند بگویید: «علیکم». و مصافحه نکنید با ایشان و به کنیه نخوانید ایشان را مگر در حال ضرورت[۴].

مؤلّف گوید: در گفتن علیکم به کفّار قصد کند که «سام»؛ یعنی مرگ بر شما باد. و اگر مضطر شود سلام کند هم ضرر ندارد و نفع به کافر هم ندارد.

چنانچه در ***کافی*** روایت کرده است که عبدالرحمان بن حجّاج به حضرت ابی الحسن علیه‌السلام عرض کرد که اگر به طبیب نصرانی احتیاج پیدا کنم سلام کنم بر او و دعا کنم برای دنیای او؟ فرمود: دعا کنید به توفیق او[۵].

در ذمّ قطع کلام برادر مسلم و سرگوشی

و در ***کافی*** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کسی که در بین کلام برادر مسلم خود متکلّم شود گویا صورت او را خراشیده[۶].

---

(۱) همو، **ثواب الأعمال**، ص ۳۰۴.

(۲) حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۲، ص ٤٤.

(۳) طبرسی، علی بن الحسن، **مشکاة الانوار**، ص ۱۹۸.

(٤) حمیری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، ص ۱۳۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦٤٨.

(٥) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦٥٠؛ حمیری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، ص ۳۱۱.

(٦) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦٦٠.

و از نجوا و درِگوشی در مجلس منع وارد شده و محمول بر کراهت است.

و صدوق در حدیث مناهی روایت کرده از رسول خدا ﷺ که: هرگاه کسی اذیّت کند همسایهٔ خود را خدای تعالی بوی بهشت را بر او حرام کند و مأوای او را جهنّم قرار دهد [۱].

و از گفتن لعنت به مؤمن نیز منع وارد شده.

در مذمّت لعن به غیر مستحق و اعانت بر مؤمن

و در ***کافی*** و ***قرب الاسناد*** و ***عقاب الأعمال*** وارد شده که لعن کردن غیر مستحق به لاعن برمی‌گردد [۲].

و در ***وسائل*** از ***أمالی***، ولد شیخ طوسی روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که: کسی که اعانت کند بر مؤمنی به بعض کلمه، ملاقات کند خدا را و نوشته باشد بر پیشانی او که مأیوس از رحمت خداست [۳].

در نهی از بیع قرآن

و نهی شده از خریدن قرآن و فرموده: ورق و جلد و حلیه او را ابتیاع کنید [٤].

در مفاسد مترتّبه بر سؤال بدون حاجت

ابن فهد در ***عُدّة الداعی*** از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: کسی که سؤال کند

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۳۳۳.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۳٦۰؛ حمیری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، ص ۱۰؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق) **ثواب الأعمال**، ص ۳۲۰.

(۳) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی**، ص ۱۹۸، مجلس ۷؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۲، ص ۳۰۵.

(٤) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۷، ص ۱۵۸.

بدون احتیاج ،گویا شراب خورده [1].

و حضرت باقر علیه السلام فرمود : قسم می‌خورم به خداوند که هرکه فتح باب سؤال کند ، بگشاید خدا بر او دَرِ فقر را [2].

و فرمود :کسی که بگشاید بر خود باب سؤال را ، بگشاید خدا بر او هفتاد در را از فقر که نبندد کمترین آنها را چیزی [3].

و در ***ثواب الأعمال*** و ***وسائل*** روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام :کسی که سؤال کند و در نزد او قوت سه روز باشد ، ملاقات کند خدا را و بر صورت اوگوشت نباشد [4].

و در ***کافی*** از حضرت صادق علیه السلام روایت شده : نیست کسی که سؤال کند از غیر حاجت مگر آنکه محتاج کند خدای تعالی او را به سؤال ، و آتش را بر او واجب کند [5].

و باقی مانده بعضی از معاصی لسانیّه از صورت عبارات و عقود محرّمه و غیر ذلك که از وضع رساله خارج است .

---

(۱) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۹۹.

(۲) همان.

(۳) همان؛ سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۳۷۹؛ ورّام، مسعود بن عیسی، **مجموعه ورّام**، ج ۱، ص ٤٥.

(٤) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۳۲۵.

(٥) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٤، ص ۱۹؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۳۲۵.

باب اوّل:

در ذکر ثواب ذِکْر، دعا و تلاوت قرآن

در بیان برخی از علامات اهل الله

شیخ حرّ عاملی رحمه‌الله در **جواهر السنیّه** ـ که اوّل مؤلّفات ایشان است ـ از **محاسن** برقی به سندش از حضرت علیّ بن الحسین علیهما‌السلام روایت کرده که موسی علیه‌السلام عرض کرد: ای پروردگار! کیست اهل تو که او را در سایهٔ عرش خود قرار می‌دهی روزی که به‌جز سایهٔ عرش تو سایه‌ای نیست؟

خطاب رسید: آنهایند که قلوب و دل‌های ایشان پاک است و دست ایشان خالی است، آنان که چون پروردگارشان را یاد کنند، جلال و عظمت مرا به یاد می‌آورند، و اکتفا می‌کنند به طاعت من، چنانچه اکتفا می‌کند طفل صغیر به شیر، آنها که می‌روند و جای می‌گیرند در مساجد من، چنانچه پناه می‌گیرند کرکس‌ها به آشیانه‌های خود، آنها که غضب می‌کنند از دیدن ارتکاب محرّماتِ من مثل پلنگ هرگاه غضب می‌کند، یا هرگاه کسی قصد او کند[1].

در علامات بندگانی که در پناه خدایند

و کلینی از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده که: خدا وحی فرمود به موسی علیه‌السلام که: من هم‌نشین کسی هستم که مرا ذکر کند.

موسی علیه‌السلام عرض کرد که: چه کسی در پناه تو هست روزی که پناهی به‌جز آن نیست؟ فرمود: آنها که مرا ذکر می‌کنند؛ پس من آنها را ذکر می‌کنم و دوستی

---

(۱) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۱٦.

می‌کنند در راه من؛ پس من آنها را دوست می دارم ، آنهایی که من چون اراده می‌کنم عذابی را بر اهل زمین نازل کنم از آنها یاد می‌کنم و به‌سبب ایشان عذاب را دفع می‌کنم [1].

و در **کافی** و **مصباح کفعمی** از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود : دعا کلید ظفر و نجاح است ، و مفتاح پیروزی و فلاح است ، و بهترین دعاها آن است که از قلب پاکیزه واقع شود ، و در مناجات سبب نجات است ، و به اخلاص و خلوص نیّت خلاصی از عذاب است ؛ پس هرگاه شما را فَزَع و ترسی روی دهد پناه به خدا برید [2].

در اینکه ذِکْر خدا موجب حفظ است

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که: آیا شما را دلالت کنم بر سلاحی که حفظ کند شما را از دشمنان ، و فراوان کند روزی شما را ؟

عرض کردند : بلی یا رسول الله .

فرمود : بخوانید پروردگار خود را در شب و روز که سِلاح مؤمن دعا است [3].

در اینکه هر چیزی حدّی دارد مگر ذِکْرِ خدا

و شیخ حرّ در کتاب **وسائل الشیعه** از **أمالی** شیخ طوسی روایت کرده از آن حضرت که: مؤمن همیشه در نماز است مادامی که در ذکر خدا باشد ، ایستاده باشد یا نشسته یا بر پهلو ، خداوند فرمود : ﴿ **الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَاماً وَقُعُوداً وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ** ﴾ [4][5].

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٤٩٦.

(۲) همان، ج ۲، ص ٤٦٨ ؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٧٦٩.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٤٦٨.

(٤) آل عمران/ ١٩١.

(۵) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی**، ص ۷۹، مجلس ۳؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**،

و کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: وحی شد به موسی علیه السلام که خوشحال مباش به کثرت مال، و وامگذار ذکر مرا در هر حال. به‌درستی که مال، گناهان را از خاطر می‌برد، و ترک ذِکْرِ من دل‌ها را به قساوت می‌اندازد[1].

در فضیلت اکثار ذکر خدا

شیخ ابن فهد در **عُدّه**، روایات بسیار شریفه صحیحه روایت کرده:

منها: از ابن قدّاح از حضرت صادق علیه السلام که: هیچ چیز نیست مگر آنکه از برای آن حدّی است غیر از ذِکر که نهایتی ندارد که به آن منتهی شود، بعد فرمود: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً** ﴾[2].

و فرمود: پدر من کثیر الذِّکْر بود، و در حال مَشْی، اکل طعام و تکلّم با قوم ذکر خداوند می‌کرد، و زبان او همیشه لا اله الّا الله می‌گفت، و ما را جمع می‌کرد و امر به ذکر می‌کرد تا طلوع خورشید، وهرکس از ما قرآن می‌خواند او را امر به تلاوت می‌کرد و الّا به ذکر، و در خانه‌ای که قرائت قرآن بسیار شود برکت آن بسیار شود، و محلّ نزول ملائکه و فرار شیطان شود، و در خانه‌ای که در آن ذکر خدا کم است برکت کم می‌شود و محلّ هجرت ملائکه و مأوای شیطان می‌باشد[3].

و شخصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد که کیست بهترین اهل مسجد؟ فرمود: «**أَكْثَرُهُمْ ذِكْراً**»[4].

ومنها: ابو بصیر از آن حضرت روایت کرده که شیعهٔ ما آنان‌اند که در خلوت ذکر

← ج ۷، ص ۱۵۰.

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۴۹۷.

(۲) احزاب/۴۱ و ۴۲.

(۳) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۴۸.

(۴) همان، ص ۲۴۹.

خدا را بسیار کنند [1].

ومنها: آن حضرت فرمود: خدا می‌فرماید:

«أُذْكُرْنِي فِي مَلَإٍ أَذْكُرْكَ فِي مَلَإٍ خَيْرٌ مِنْ مَلَئِكَ» [2].

ومنها: عن النبیّ صلی الله علیه و آله که: چهار چیز است که دارا نمی‌شود آن را مگر مؤمن: خاموشی و آن اوّل عبادت است، و تواضع برای خدا، و ذکر خدا در هر حال، و قلّت مال [3].

در اینکه آیات و اخبار مشحون است به فضائل ذِکْرِ الله تعالی

بالجمله آیات و اخبار متواتره و متضافره است به فضل ذکر الله، وکفایت است آیهٔ شریفهٔ:

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾ [4].

و در روایت است:

«أَنَا جَلِيسُ مَنْ ذَكَرَنِي» [5].

من که باشم که بر آن خاطر عـاطر گـذرم — لطف‌ها می‌کنی ای خاکِ دَرَت تاجِ سَرَم

و همچنین در جمیع حالات مشغول ذکر خدا بودن، مثل حال تخلّی و جماع و غیر ذلك به‌خصوص در وقت صبح و شام؛ چون فراغت و اجتماع حواس بیشتر است و مشاهدهٔ آثار قدرت در ذهاب لیل و نهار، سبب تذکّر حسنات عمل خود در شب و روز و تشبّه به جمیع کائنات که مشتغل‌اند به ذکر خدا و به عجزِ عجز خود

---

(۱) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲٤۹.

(۲) همان.

(۳) همان.

(٤) بقره/۱۵۲.

(۵) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۲۸ و ۲۹؛ خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤۱٦.

می شود .

حافظ :

الا ای یوسف مصری که کردت سلطنت مغرور

پدر را باز پُرس آخر کجا شد مهر فرزندی

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصودست

بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی (۱)

در اینکه افضلِ اذکار، ذِکْر جوارح و اعضا است

بدان که اقسام بسیار برای ذکر مذکور است ، و افضل آنها ذکر جوارح است ، و کذا اعضا که هرگاه بخواهد حرامی مرتکب شود از خدا یاد کند و حرام را ترک کند ، چنانچه در روایت ***خصال*** است، به این معنا که هرگاه عملی می‌کند به یاد خدا باشد حتّی در مباحات ؛ مثلاً در اکل غرضش قوّت بر عبادت ، و از جماع کسر شهوت و طلب ولد صالح ، و از معامله و تجارت توسعهٔ در عیال واعانت فقرا و محتاجین باشد (۲).

و در **خلاصة الاذکار** از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که فرمود :

«مَنْ أَطَاعَ اللهَ فَقَدْ ذَكَرَ اللهَ كَثِيراً وَإِنْ قَلَّتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَتِلَاوَتُهُ الْقُرْآنَ» (۳).

و این نیز ذکر قلب است در حقیقت که بهترین اقسام است ، و بلکه در حقیقت همان است .

تا فراموشت نگردد غیر حق — **در حقیقت نیستی ذاکر بدان**

چون فراموشت شود مادون آن — **ذاکری گرچه نجنبانی زبان**

---

(۱) حافظ، شمس‌الدین محمّد، **دیوان حافظ**، ص ۲۹٤.

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۲، ص ٦١٤.

(۳) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۳۰۲؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۵، ص ۲۵۷.

خود نیابی چاشنیِ ذکر دوست　　　تا کنی یاد خود و سود و زیـان

از جملهٔ آنها ذِکْر لسان است به‌شرط خضوع و انقیاد

و دیگر ذکر لسان است و اعظم مراتبش آن است که ذاکر محو شود در خضوع و انقیاد معبود که مستشعر به ذکر خود نباشد ، و چنان حبّ محبوب در آن راسخ شود که بالکلّیّه از خود غافل ، در ساحت عظمت و جلالت مشتاق حقیقی فانی ، توجّه به خود را حجابی بین ذاکر و مذکور داند .

حافظ :

حــجاب چــهرهٔ جــان مــی‌شود غــبارِ تــنم
خــوشا دمــی کــه از آن چــهره پـرده بـرفکنم
چنین‌قفس نه سزای چو من خُوش الحانی است
روم بــه گــلشنِ رضــوان کــه مــرغ آن چــمنم
عـــیان نشـــد کـــه چــرا آمــدم کــجا رفــتم
دریـــغ و درد کـــه غـــافل زکـــارِ خـــویشتنم
چگــونه طــوف کــنم در فــضای عــالم قــدس
کـــه در ســـراچـــهٔ تــرکیب تــخته‌بند تــنم
اگـــر زخـــون دلم بـــوی شـــوق مــی‌آید
عـــجب مـــدار کـــه هــم‌درد نــافهٔ خُـــتنم
مـــرا کــه مــنظر حــور است مسکــن و مأوی
چـــرا بــه کــوی خــرابــاتیان بــود وطــنم
طـــراز پــیرهن زرکشــم مَــبین چــون شــمع
کـــه ســـوزهاست نـــهانی درون پـــیرهنم

بیا و هستی حافظ زپیش او بردار

که با وجود تو کس نشنود زمن که منم [۱]

در نقل کلام شیخ بهائی ﷺ در آداب قرائت و ذکر

شیخ بهائی در تفسیر فاتحه می‌فرماید:

«إِنَّ الْقَرَاءَةَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ عَنْ قَلْبٍ حَاضِرٍ وَتَوَجُّهٍ كَامِلٍ بِحَيْثُ كُلَّمَا أَجْرَى الْقَارِي اسماً مِنْ تِلْكَ الأَسْمَاءِ الْعُلْيَا وَالنُّعُوتِ الْعُظْمىٰ عَلىٰ لِسَانِهِ أَوْ نَقَشَهُ عَلىٰ صَفْحَةِ جَنَانِهِ حَصَلَ لِلْمَطْلُوبِ مَزِيدَ انْكِشَافٍ وَانْجِلَاءٍ، وَأَحَسَّ هُوَ بِتَزَايُدِ قُرْبٍ وَاعْتِلَاءٍ، وَهٰكَذا شَيْئاً فَشَيْئاً إِلىٰ أَنْ يَتَرَقّىٰ مِنْ مَرْتَبَةِ الْبُرْهَانِ إِلىٰ دَرَجَةِ الْحُضُورِ وَالْعِيَانِ.

إلى قَوْلِهِ ﷺ: وَإِذَا تَرَقّىٰ حَالُهُ بِسَبَبِ مُلَازَمَةِ الأَذْكَارِ وَمُلَاحَظَةِ الآثَارِ إِلَى ارْتِفَاعِ الأَسْتَارِ وَاضْمِحْلَالِ جَمِيعِ الأَغْيَارِ لَمْ يَبْقَ سِوَى الْمَعْبُودِ بِالْحَقِّ وَالْجَمَالِ الْمُطْلَقِ عَرَفَ حَقِيقَةَ قَوْلِهِ تَعَالىٰ: ﴿فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ﴾ [۲] وَلَا يَخْفىٰ أَنَّ مُرَادَهُ الانْحِصَارَ فِي مَقَامِ الْحُبِّ وَالأَخْطَارِ وَالْحُضُورِ لَدَى الذَّاكِرِ بِالْعَيَانِ عَلىٰ مَا أَفَادَهُ رَئِيسُ الْمُوَحِّدِينَ لِذِعْلَبِ الْيَمَانِ وَإِنَّهُ وَلِيُّ التَّوْفِيقِ وَالإِيقَانِ».

و ایّاك كه گمان بری اعتباری و وجه صحّتی را از برای حرف‌ها و کفرهای طایفهٔ صوفیّه ورد اذکار و طریقه و اعمال ایشان را، فَإِنَّهُمْ حِزْبُ الشَّيْطانِ وَأَعْدَاءُ الرَّحْمٰانِ [۳]. و تخطئه ایشان را در ***سفينة القماش*** و در سایر کتب مستوفی کرده‌ایم بما لا مزيدَ عليهِ خُصوصاً في ***رسالة إكفاء المكائد***.

---

(۱) حافظ، شمس‌الدین محمّد، **دیوان حافظ**، ص ۲۲۹.

(۲) بقره/۱۱۵.

(۳) شیخ بهایی، محمّد بن الحسین، **مفتاح الفلاح**، ص ۲۹۱ ـ ۲۹۳.

اشاره به ردّ طریقهٔ صوفیّه

و از شیخ حرّ عاملی در اجوبهٔ بعضی مسائل نقل شده که رموز اخبار در ذمّ این طایفه به‌حدّ تواتر است، و قریب به هزار حدیث هست که معارض ندارد.

و در کتاب **ردّ صوفیّه** نیز نظیر این را فرموده‌اند.

در ذکر بعضی اخبار در ذمّ صوفیّه

و جمعی از علما از شیخ مفید در کتاب **ردّ بر حلّاج** بالاسناد از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت کرده‌اند که: کسی قائل به تصوّف نمی‌شود مگر محض خدعت یا ضلالت یا حماقت، وگناهی نیست بر کسی که خود را به تصوّف نامد برای تقیّه، و اعتقاد نکند به عقاید باطلهٔ ایشان.

و به سند صحیح از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت شده که:

«مَنْ ذُكِرَ عِنْدَهُ الصُّوفِيَّةُ وَلَمْ يُنْكِرْهُمْ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ فَلَيْسَ مِنَّا، وَمَنْ أَنْكَرَهُمْ فَكَأَنَّمَا جَاهَدَ الْكُفَّارَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله» (۱).

و در روایت شیخ بهائی رحمه‌الله در **کشکول** است که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: قومی از امّت من پیش از قیامت ظاهر شوند، اسم ایشان صوفیّه باشد، از من نیستند، یهود امّت من‌اند، حلقه می‌زنند و صداهای خود را به ذکر بلند می‌کنند، گمان می‌کنند از ابرارند وحال آنکه از اهل نارند، و اضلّ از کفّارند، از برای ایشان بانگی است مثل بانگ حمار.

«قَوْلُهُمْ قَوْلُ الأَبْرَارِ وَعَمَلُهُمْ عَمَلُ الْفُجَّارِ، وَهُمْ مُنَازِعُونَ لِلْعُلَمَاءِ لَيْسَ لَهُمْ إِيمَانٌ، وَهُمْ مُعْجِبُونَ بِأَعْمَالِهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ إِلَّا التَّعَبِ» (۲).

---

(۱) مقدس اردبیلی، احمد بن محمّد، **حدیقة الشیعه**، ص ۵۶۲؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۲، ص ۳۲۳.

(۲) ابن قاسم، محمّد بن محمّد، **الاثنا عشریه**، ص ۳٤.

و ایّاك ایّاك که گمان بری تصوّف را به احدی از علمای امامیّه کَثَّرَ اللهُ أَمْثَالَهُمْ.

در تبرئه مرحوم فیض رحمه‌الله از انتساب به آنها

صاحب ***مائدة العارفین*** از مرحوم فیض در موضعی از کلام ایشان نقل کرده که صوفیّه را بدگفته، و این ضعیف خودم بر جمله‌ای از آن درکتب او اطّلاع یافتم، من جمله درکلمات طریفه و حاشیه ***تفسیر صافی*** در سورهٔ اعراف.

و در ***رسالة الانصاف والایمان*** فرموده:

«خَدَعُوني بَهَتُوني أَخَذُوني غَلَبُوني وَعَدُوني كَذِبُوني، فَإِلىٰ مَنْ أَتَظَلَّمُ(۱)**. أَلَا أُشْهِدُكُمْ أَيُّهَا الإِخْوَانُ شَهَادَةً أَسْأَلُكُمْ عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَيْهَا أَنِّي مَا اهْتَدَيْتُ إِلَّا بِنُورِ الثَّقَلَيْنِ، وَمَا اقْتَدَيْتُ إِلَّا بِالأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ، وَبَرِئْتُ إِلَى اللهِ مِمَّا سِوىٰ هُدَى اللهِ، هُوَ أَهْدىٰ»** نه متکلّمم نه متصوّف نه متفلسف نه متکلّفم، بلکه مقلّد قرآن و حدیث پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و تابع اهل بیت آن سرورم، انتهى (۲).

و آنچه صاحب ***ریاض العارفین*** ازکتاب ***بشارة المصطفی*** للشیخ الجلیل عماد الدین طبری روایت کرده که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ التَّصَوُّفِ» (۳).

وقال صلی‌الله‌علیه‌وآله:

«لاَ تَطْعَنُوا عَلىٰ أَهْلِ التَصَوُّفِ وَالْخِرَقِ، فَإِنَّ أَخْلَاقَهُمْ أَخْلَاقُ الأَنْبِيَاءِ وَلِبَاسُهُمْ لِبَاسُ الأَنْبِيَاءِ» (٤).

وقال صلی‌الله‌علیه‌وآله:

---

(۱) کنتوری، سیداعجاز حسین بن محمّدقلی، **کشف الحجب والأستار**، ص ٦٤.

(۲) نمازی شاهرودی، علی بن محمّد، **مستدرك سفینة البحار**، ج ۸، ص ۳۰۲.

(۳) ابن الجوزی، عبدالرحمان بن علی، **الموضوعات**، ابن جوزی، ج ۳، ص ٤٩ در دنباله این حدیث می‌گوید: راوی این حدیث دروغگو و جعّال است.

(٤) الجراحی، اسماعیل بن محمّد، **کشف الخفاء**، ج ۲، ص ۳۵۱.

«رَاغِبُوا فِي دُعَاءِ أَهْلِ التَصَوُّفِ وَأَصْحَابِ الْجُوعِ وَالْـعَطَشِ، فَـإِنَّ اللهَ يَـنْظُرُ إِلَـيْهِمْ وَيَسْرَعُ فِي إِجَابَتِهِمْ».

و بر تقدير اغماض عين از سند آنها و عدم معارضهٔ با اخبار متواتره كه بعضى از آنها را در كتاب **معيشه** از امام صادق عليه السلام روايت كرده ، در كتاب ***كافى*** ردّ بر سفيان ثورى و امثال آن مسطور است ، و دانستى كه شيخ متبحّر عاملى نفى معارض براى اخبار ذامّه نموده ، محمول است بر عارف كامل متشرّع ، كما قيل :

«التَصَوُّفُ اكْتِسَابُ الْفَضَائِلِ وَمَحْوُ الرَّذَائِلِ ، التَصَوُّفُ تَرْكُ الْفُضُولِ وَحِفْظُ الأُصُولِ ، التَصَوُّفُ رَفْضُ الْهَوىٰ وَمُلَازَمَةُ التَّقْوىٰ ، التَصَوُّفُ شُكْرٌ عَلَى النِّعَمِ وَصَبْرٌ عَلَى النِّقَمِ».

و از شيخ شهيد نقل شده كه :

«الصُّوفِيَّةُ الْمُشْتَغِلُونَ بِالْعِبَادَةِ، الْمُعْرِضُونَ عَنِ الدُّنْيَا ، الْمُقْبِلُونَ عَلَى الآخِرَةِ»(۱).

و از ***عوالى اللآلئ*** ابن ابى جمهور از اميرالمؤمنين عليه السلام نقل كرده كه تصوّف چهار حرف است : تاء و صاد و واو و فاء ؛ تاء ترك و توبه و تُقىٰ است ، صاد صبر و صدق و صفا است ، واو ودّ و وِرْد و وفا است ، فاء فرد و فنا و فقر است(۲).

نور بخش :

قــدّوسيان عــالم عــلوى بـرند رشك	**بر حال آدمى كـه شـود مـظهر صـفات**
آن كس كه متّصف به صفات كمال شد	**حــقّا كـه هست عـلّت غـائىّ كـاينات**

للآخر :

خواهى كه شوى خلاصهٔ نوع بشـر	**بـايد كـه فـرامـوش كـنى نـام پـدر**
در فضل و ادب كوش به ميدان هنر	**كز اهل كمال و مـعرفت گـوى بـبر**

وللآخر :

تا چند اسير جـاه و حشـمت بـاشى	**در بند هواى حرص و شهوت بـاشى**

---

(۱) شهيد اوّل، محمّد بن مكى، **الدروس الشرعيه**، ج ۲، ص ۲۷۵.

(۲) ابن ابى‌جمهور، محمّد بن زين‌الدين، **عوالى اللآلئ**، ج ٤، ص ۱۰۵.

خواهی که ز هر کدورتی پاک شوی   باید که مقیم کوی عفّت باشی

از جملهٔ ذکرهای مخصوص خدا، ذکر ائمّهٔ طاهرین سلام الله علیهم اجمعین است

و بدان که در کتاب **کافی** از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که خداوند می‌فرماید: کسی که اهانت و خفّت به ولیّ من برساند با من جنگ کرده، و تقرّب نمی‌جوید به‌سوی من بندهٔ من به چیزی که دوست‌تر باشد به‌سوی من از آنچه واجب کرده‌ام بر او، و به درستی که تقرّب می‌جوید بندهٔ من به‌سوی من به نوافل تا آنکه او را دوست می‌دارم؛ پس هرگاه او را دوست دارم، می‌باشم گوش او که می‌شنود به او، و چشم او که می‌بیند به او، و زبان او که نطق می‌کند به آن، و دست او که می‌گیرد به آن. اگر بخواند مرا اجابت می‌کنم او را، و اگر سؤال کند مرا عطا می‌کنم او را [۱].

و اظهر آن است که مراد به نوافل مطلق مستحبّات باشد، مثل تلاوت قرآن و اوراد و قضای حوائج اِخوان الی غیر ذلك، چنانچه بعضی فحول علما فهمیده‌اند. و اخبار اهتمام به نمازهای نوافل یومیّه بسیار است [۲].

و دیگر از ذکرهای مخصوص که ذکر خداست ذکر ائمّهٔ طاهرین علیهم السلام است، [۳] چنانچه در اخبار بسیار از **کافی** و **بحار** و **وسائل** است [۴].

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۳۵۲.

(۲) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۳، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

(۳) فقیه شافعی ابن مغازلی در **مناقب** خود صفحه ۲۱۱ حدیث ۲۵۵ می‌گوید: مزیّن کنید مجالس خودتان را به ذکر یا علیّ، و در همین صفحه می‌گوید: نظر و نگاه کردن به صورت علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام عبادت است. و محبّ الدین طبری در کتاب **الریاض النضرة** ج ۲، ص ۱۹۶ ـ ۱۹۸، می‌گوید: نظر به علی بن ابی طالب علیه السلام عبادت است.

(۴) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۴۹۶ ـ ۵۰۰؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۱۵۳؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۷۵، ص ۴۶۸.

و در ***قرب الاسناد*** از حضرت صادق عليه‌السلام روايت كرده كه فرمود به فُضَيل كه: می‌نشينيد و حديث می‌كنيد ذكر ما را؟ عرض كرد: بلی. فرمود: من آن مجالس را دوست می دارم؛ پس اِحيا كنيد امر ما را، خدا رحمت كند كسی را كه احيا كند امر ما را، يا در نزد او ذكر شويم، پس اشک از چشم او بيرون بيايد، هرچند به‌قدر بال مگسی باشد خداوند می‌آمرزد گناهان او را اگرچه به‌قدر كف درياها باشد [۱].

و نيز برقی در ***محاسن*** اين حديث را ذكر كرده [۲].

واخبار بسيار است، و شطری در باب توسّل به ائمّهٔ طاهرين عليهم‌السلام إن شاء الله خواهد آمد [۳] در اين رساله با اخبار ثواب صلوات بر ايشان [٤] و لعن اعدای ايشان، مضافاً الی اخبار: «**أَفْضَلُ الأَعْمَالِ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَی الْـمُؤْمِنِ**» [٥] و اخبار تسلية المُصابين [٦].

از جملهٔ اعظم اذكار، تلاوت قرآن مجيد است

و ديگر از اعظم اذكار، تلاوت قرآن است.

و در كتاب ***وسائل الشيعه*** و ***مجمع البيان*** و غيرهما روايت كرده‌اند از حضرت رسول صلی‌الله‌عليه‌وآله كه: اهل قرآن اهل الله‌اند و خاصّان اويند [۷].

و نيز روايت نموده كه حضرت رسول صلی‌الله‌عليه‌وآله فرمود: اشراف امّت من حملهٔ

---

(١) حميری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، ص ٣٦؛ ابن بابويه، محمد بن علی (شيخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ٢٢٣.

(٢) برقی، احمد بن محمد، محاسن، ص ٦٣.

(٣) ابن بابويه، محمد بن علی (شيخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ١٨٥.

(٤) همان.

(٥) همان، ص ١٦٣.

(٦) همان، ص ٢٣٥ و ٢٣٦.

(٧) ديلمی، حسن بن محمّد، **أعلام الدين**، ص ١٠٠؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشيعه**، ج ٦، ص ١٦٨؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البيان**، ج ١ ـ ٢، ص ٨٤.

قرآن‌اند، و آنهایند که شب‌ها را به عبادت می‌گذرانند[۱].

و کلینی رحمه‌الله روایت کرده که اهل قرآن در اعلی درجهٔ بهشت خواهند بود سوای پیغمبران و مرسلین؛ پس ضعیف نشمارید اهل قرآن را و حقوق ایشان را که از برای ایشان در نزد خدای ایشان شأن و مکان عظیم است[۲].

و در **کافی** و **عُدّه** و غیرهما روایت کرده‌اند از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که: کسی که خداوند قرآن را به او عطا کند، پس گمان کند که به احدی عطا شده است بهتر از آنچه او را عطا کرده است، پس کوچک شمرده عظیم را که قرآن باشد، و حقیر شمرده او را، و عظیم شمرده حقیر را که غیر اوست[۳].

در اینکه تلاوت قرآن موجب خیر و زیادتی برکت منزل است

و در روایات معتبره بسیار است که تلاوت قرآن سبب خیر و زیادتی برکت منزل می‌شود، و نور می‌دهد برای اهل آسمان، چنان که نور می‌دهد خورشید از برای اهل زمین[۴].

در **عُدّه** از حسن بن ابی الحسن دیلمی روایت کرده که امام علیه‌السلام فرمودند که: قرائت قرآن افضل از ذکر است، و ذکر افضل است از صدقه، و صدقه افضل است از صوم، و صوم افضل است از هر چیز که سپر است از آتش[۵].

و در حدیثی در فضل قرآن آمده است که: هرکس طلب کند هدایت را در قرآن خدا او را هدایت می‌کند، و هرکس طلب کند هدایت را در غیر قرآن خدا او را گمراه

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ٤، ص ۳۹۹.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۶۰۳.

(۳) همان، ج ۲، ص ٦۰۵؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۸٦.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦۱۰.

(۵) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۸۷.

می‌کند [۱].

مؤلّف گوید: مثل کسانی که اِعراض از قرآن و اخبار اهل عصمت دارند، و استشفا و استهدا به کلام ملّای رومی و مثل آن از کتب حکمت و عرفان می‌جویند و فاسد می‌شوند.

در فضل تعلیم و تعلّم قرآن

سیّد بحرینی در ***تفسیر برهان*** از ***أمالی*** شیخ طوسی روایت کرده که پیغمبر صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرموده که: عذاب نمی‌فرماید خداوند عزّ وجلّ قلبی را که وِعای قرآن باشد [۲].

و در روایت دیگر فرموده‌اند: بهترین شما کسی است که تعلیم گیرد قرآن را و تعلیم دهد [۳].

و در روایت دیگر فرمود: آیا نیست کتاب خدا افضل اشیاء بعد از خداوند عزّوجلّ؟ [٤]

و نیز روایت شده از زمخشری در ***ربیع الابرار*** از اَنَس که پیغمبر صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای فرزند! غافل مشو از قرائت قرآن هرگاه صبح کنی و شام کنی؛ زیرا که قرآن زنده می‌کند دل‌هایی را که مرده‌اند، و نهی می‌کند از فحشا و منکر [۵].

در ***عُدّه*** و ***صافی*** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت است که قرآن عهد خداست به‌سوی خلق؛ پس سزاوار است از برای مسلم که نظر کند در عهد خدا و هر روز

---

(۱) ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، **روض الجنان و روح الجنان**، ج ۱، ص ۹.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی**، ص ۷، مجلس ۱؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ـ۲، ص ۸۵؛ بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱، ص ۱۱۱؛ متقی، علی بن حسام‌الدین، **کنز العمّال**، ج ۱، ص ۵۳٦، ح ۲٤۰۱.

(۳) بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱، ص ۱۱۱.

(٤) همان، ج ۱، ص ۱۱۲.

(۵) همان، ج ۱، ص ۱۱۸؛ زمخشری، محمود بن عمر، **ربیع الأبرار**، ج ۲، ص ۷۸.

پنجاه آیه را بخواند [۱].

و در **جامع الأخبار** از سلمان فارسی از نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: یا سلمان! ملازم قرائت قرآن شو که کفّارهٔ گناهان و سپر از آتش است، و نوشته می‌شود از برای قاری به هر آیه‌ای ثواب صد شهید، و عطا می‌شود به هر سوره‌ای ثواب پیغمبری [۲].

در وصیّت مجلسی اوّل به ثانی که هر روز یک جزء از قرآن با تدبّر بخواند

مؤلّف گوید: در اجازهٔ مجلسی اوّل دیدم که وصیّت می‌کند پسر خود آقا آخوند ملّا محمّد باقر را که هر روز یک جزء از قرآن با تدبّر بخواند، و هر روز قدری از مواعظ امیرالمؤمنین علیه السلام را به خصوص وصیّتی که در ***نهج البلاغه*** مخاطباً للحسنین علیهما السلام است مطالعه نماید [۳].

و این ضعیف، نفس خود را به تلاوت یک جزء می‌گیرم در شبانه روزی با تدبّر و مراجعهٔ تفاسیر عند الحاجه و ملاحظهٔ سطوری از مواعظ ائمّه علیهم السلام از ***نهج البلاغه*** با ملاحظه شرحی از شروح عند الحاجه، یا ***روضهٔ کافی***، یا ***روضهٔ وافی***، یا کتاب ایمان و کفر و هفدهم و عاشر **بحار**، و ***وسائل الشیعه***، بلکه حفظ به‌قدر امکان و وصیّت می‌کنم اولاد و اِخوان خود را به آن، و عوام ایشان را به مراجعهٔ تفاسیر فارسیّه، مثل دو تفسیر ملّا فتح الله و تفسیر ابوالفتوح و تفسیر مجلسی، و بر اخیر هنوز مطّلع نشده‌ام، و ***معراج السعاده*** و ***عین الحیاة*** و ***ابواب الجنان*** را مراجعه نمایند.

---

(۱) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۹۱؛ فیض کاشانی، محمّد بن شاه‌مرتضی، **تفسیر صافی**، ج ۱، ص ۵۹.

(۲) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۱۳؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ٤، ص ۲۵۷.

(۳) **نهج البلاغه**، ص ٤۲۱، نامه ٤۷؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۲، ص ۱۸۰.

در بیان جمع بین اخبار در افضلیّت قرآن و دعا

بدان که بعضی اخبار دلالت دارد که قرائت قرآن افضل است از دعا،[۱] چنانچه گذشت. و بعضی دلالت دارد که دعا افضل است از تلاوت[۲] و آیهٔ شریفهٔ ﴿**قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ**﴾[۳] شاهد صدق است بر این.

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده در **کافی** که: مستجاب می‌شود از برای او به تعجیل در دنیا یا به تأخیر در آخرت، و یا از گناهان او می‌ریزد به‌قدر آنچه خوانده خدا را مادامی که نخواند خدا را به آنچه گناه باشد.

و جمع میان اخبار به آن است که هر وقت اقبال قلب به هریک بهتر باشد از تلاوت و دعا، آن مقدّم خواهد بود، یا آنکه می‌شود که هر دو از قبیل طعام و آب باشند در حفظ مراتب معنویّه و ترقّیات به مقامات عالیه، و وجوه دیگر نیز متصوّر است.

فصلٌ

در بیان ثواب آیات و سور مخصوصه

و غرض بیان مستطرفات آن است که بدان که در روایت صدوق از حضرت صادق علیه السلام و روایت اُبیّ بن کعب از حضرت رسول صلی الله علیه و آله از برای هر سوره‌ای ثواب جداگانه‌ای روایت شده که در تفاسیر عامّه و خاصّه و **مصابیح** مسطور است[٤].

---

(۱) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۸۷.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ص ۳۸۹؛ نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۵، ص ۳۳.

(۳) فرقان/۷۷.

(٤) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۳۰ ـ ۱۵۸؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۹۲ ـ ۳۰۲؛ خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ۳۸۷ ـ ٤۰۱؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ۱، ص ۵۵۲، «باب فضل قراءة

←

در بیان ثواب گفتن بسمله

امّا ثواب تسمیه بسمله : در بعضی از کتب از روایت جابر است که حق تعالی فرمود به نبیّ ﷺ که: هرکس از امّت تو یک بار بگوید : «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**»، در دیوان اعمال او عبادت پسندیدهٔ هفتصد ساله بنویسم .

و بعضی از مؤلّفات محمّد باقر شریف قمّی روایت دارد که رسول خدا ﷺ فرمود : کسی که بگوید «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**» نوشته می شود از برای او به هر حرفی از آن، چهار هزار حسنه ، و محو می شود از او چهار هزار گناه .

و صاحب ***جامع الأخبار*** فصلی در فضل آن ذکر کرده و اخبار غریبه ایراد کرده :

منها : از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که هرکه بگوید : «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**» خداوند بنا کند از برای او در بهشت هفتاد هزار قصر از یاقوت سرخ ، و در هر قصری هفتاد هزار خانه از لؤلؤ سفید باشد ، و در هر خانه هفتاد هزار سریر از زبرجد سبز باشد ، و فوق هر سریری هفتاد هزار فرش از سُندُس و استبرق ، و بر آن زوجه‌ای از حور العین که هفتاد گیسو داشته باشد مزیّن به درّ و یاقوت ، و نوشته باشد بر طرف راست صورت او : «**مُحَمَّدٌ رسولُ الله**» و بر طرف چپ : «**عَلِيٌّ وَلِيُّ الله**» و بر جبین او : «**الحَسَن**» و بر چانه او : «**الحُسَين**» و بر دو لب او : «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**» (۱).

و نیز از آن حضرت روایت کرده که: هرگاه بنده در وقت خواب این کلمهٔ طیّبه را بگوید ، خدا امر فرماید ملائکه را که تا صبح حسنات از برای او بنویسند (۲).

← القرآن» ؛ بخاری، محمّد بن اسماعیل، **صحیح بخاری**، ج ۹، ص ۷۳ ، «باب فضائل القرآن» ؛ ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن ترمذی**، ج ۵، ص ۱۵۵ ـ ۱۷۰.

(۱) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۲۰ ؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحارالأنوار**، ج ۹۲، ص ۲۵۸.

(۲) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۲۰.

و آن حضرت فرمود: کسی که بخواهد خداوند او را از نوزده زبانهٔ جهنّم محافظت نماید این کلمهٔ طیّبه را بگوید؛ زیرا که نوزده حرف است و هر حرفی سبب آزادی از یکی از ملائکهٔ موکّل بر آتش است [۱].

و آن حضرت فرمود: هرگاه طفل را معلّم تعلیم دهد «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**»، خدای عزّ وجل خلاص شدن از آتش را برای او، پدر، مادر و معلّمش می‌نویسد [۲].

در اینکه «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ» اسم الله الاکبر یا اسم الله الاعظم است

ابن طاووس در ***مهج الدعوات*** از کتاب ***فضل الدعاء*** تألیف سعد بن عبدالله قمّی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**» اسم الله الاکبر است. یا فرموده: اسم الله الاعظم است [۳].

و در ***مجموعهٔ ورّام*** از انس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که: کسی که کاغذی از زمین بردارد که این آیه بر آن مکتوب باشد برای عظمت اسم خدا که پامال نشود، در نزد خدا از صدّیقین باشد، و از پدر و مادر او عذاب سبک شود هرچند کافر باشند [٤].

حدیث شریفی در بیان فضیلت «بسم الله» و فاتحة الکتاب

مجلسی در کتاب دعا و قرآن و بعضی اکابر از تفسیر امام علیه‌السلام روایت کرده‌اند که چون سلیمان را عطا شد «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**» عرض کرد: یا رب! چه بسیار

---

(۱) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۱۹.

(۲) همان.

(۳) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۳۱٦.

(٤) ورّام، مسعود بن عیسی، **مجموعه ورّام**، ج ۱، ص ۳۲.

کلمات شریفه است که بهتر است از جمیع مملکت من. خطاب رسید : چگونه چنین نباشد و حال آنکه هیچ عبد و کنیزی نیست که بخواند مرا به آن مگر آنکه واجب می‌کنم از برای آن، ثواب هزار مقابل آنچه واجب می‌کنم برای کسی که تصدّق کند به هزار برابرِ آنچه مملکت توست.

ای سلیمان! این هفت آیه است که نمی‌دهم تمام آن را مگر به محمّد صلی الله علیه و آله که فاتحة الکتاب تا آخر آن باشد.

سلیمان خواهش کرد که تمام آن را به او عطا کند، خطاب رسید که بپرهیز از آنکه طلب کنی درجهٔ محمّد صلی الله علیه و آله را، پس بیرون کنم تو را از مُلک، چنان که بیرون کردم آدم علیه السلام را از بهشت؛ چون اقتراح کرد و تناول نمود از شجره‌ای که محمّد صلی الله علیه و آله اصل آن است، و اکبر فرع آن علی علیه السلام است، و سائر اغصان او آل محمّد علیهم السلام به‌قدر مراتب ایشان [1].

مؤلّف گوید: در چند نسخه از تفسیر امام علیه السلام که به من رسیده یافتم آن را اگرچه در ***برهان*** و ***صافی*** نقل نشده است.

و شطری از ثواب این آیهٔ کریمه را در کتاب ***کبریت احمر*** و ***نور المعرفه*** ذکر کرده‌ام، و اخبار واردهٔ در این را و اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام در یک شب تمام تفسیر آن را برای ابن عبّاس می‌فرمودند و تمام نشد [2] از ***برهان*** بحرینی و غیره در سائر کتب نوشته‌ام.

و مترجم ***غایة المرام*** از کتاب ***سعد السعود*** ابن طاووس، و در جلد نوزدهم **بحار** از کتاب ***علم لَدُنّی*** ابوحامد غزالی ذکر کرده که وقتی علی علیه السلام حکایت می‌کرد عهد موسی را، فرمود: کتاب شرع موسی چهل شتر بار بود. پس فرمود: اگر خدا و رسول صلی الله علیه و آله رخصت دهند مرا شروع کنم در شرح معانی الف فاتحه [الحمد لله ربّ

---

(۱) **تفسیر إمام حسن عسکری** علیه السلام، ص ۵۹۱؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۲۴، ص ۳۸۳.

(۲) قاینی بیرجندی، محمّد باقر بن محمّد تقی، مولا محمّد حسن، **کبریت أحمر**، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

العالمين] تا به‌قدر آن [چهل شتر بار] شود [1].

و نیز از ابی عمر زاهد که اسم او محمّد بن عبدالواحد است و قاضی منصور در کتاب خود به اسناد خود روایت کرده که علی علیه‌السلام تکلّم کرد از برای ابن عبّاس در تفسیر الف الحمد یک ساعت، و در لام یک ساعت، و در میم یک ساعت، بعد در دال آن تا به صبح [2].

و در تفسیر محمّد بن الحسن نقّاش: در حاء آن نیز یک ساعت، و آنکه ابن عبّاس گفت: ندیدم علم خود و علم جمیع اصحاب رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله را در جنب علم علی علیه‌السلام مگر مثل قطره‌ای در جنب دریا [3].

و شهید ثانی در ***اسرار الصلاة*** و ابن ابی جمهور احسائی در ***عوالی*** و بحرینی در **برهان** روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود:

«لَوْ شِئْتُ لَأَوْقَرْتُ سَبْعِينَ بَعِيراً مِنْ تَفْسِيرِ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ» [4].

و خوب گفته قائل:

وَكَمْ أَشَارُوا وَكَمْ أَبْدُوا وَكَمْ سَتَرُوا ... وَالْفَضْلُ يَظْهَرُ مِنْ زَادٍ وَمُسْتَتَرِ

و دیگری گوید:

وَكَأَنَّنِي بِكَ وَالْخَلَائِقُ كُلُّهَا ... خُرْسٌ وَمَا فِي الْخَلْقِ غَيْرُكَ نَاطِقُ

قَدْ قَامَ رِضْوَانٌ وَمَالِكٌ وَلَهُمُ ... إِلَىٰ شَفَتَيْكَ طَرْفٌ وَامِقُ

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **سعد السعود**، ص ۲۸٤؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحارالأنوار** ج ۹۲، ص ۱۰٤.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **سعد السعود**، ص ۲۸۵؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحارالأنوار** ج ۹۲، ص ۱۰٤.

(۳) قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینابیع المودّه**، ج ۱، ص ۲۱٦.

(٤) ابن ابی‌جمهور، محمّد بن زین الدین، **عوالی اللآلئ**، ج ٤، ص ۱۰۲؛ ابن شهرآشوب، محمّد بن علی، **مناقب آل ابی‌طالب**، ج ۲، ص ٤۳؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۲، ص۱۰۳؛ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینابیع المودّه**، ج ۱، ص ۲۰۵.

مَــنْ جَـاءَ بِـالْقَوْلِ الْـبَلِيغِ فَـنَاقِلٌ عَــنْهُمْ وَإِلَّا فَــهْوَ عَــنْهُمْ سَـارِقُ

در ذکر برخی از ثواب و خواص تلاوت فاتحة الکتاب

امّا ثواب فاتحة الکتاب : در تفسیر ***مجمع البیان*** طبرسی و ***الجُنّة الواقیه*** و غیرهما از حضرت رسول ﷺ روایت کرده‌اند : کسی که قرائت کند این سوره را گویا قـرائت کرده دو ثُلث قرآن را ، وگویا تصدّق کرده بر هر مؤمن و مؤمنه (۱).

در ***مجمع البیان*** روایت شده همین خبر بعینه و در آن است که گویا قرائت کرده تمام قرآن را (۲).

و در روایت دیگر : آن شفای از هر درد است مگر مرگ (۳).

و در روایت دیگر از نبی ﷺ منقول است که: هرکس قرائت کند آن را با اعتقاد به موالات محمّد وآل محمّد علیهم‌السلام و مُنقاد امر او باشد ، و ایمان آورنده باشد به ظاهر و به باطن ، عطا فرماید خدا به هر حرفی از آن، حسنه‌ای که بهتر باشد هریک از آن از دنیا و آنچه در دنیاست از اصناف اموال و خیرات ، وکسی که گوش دهد به قاری آن ، خواهد بود از برای او ثُلْثِ آنچه برای قاری است (٤).

پس باید بسیار اهتمام کنید هریک از شما در این خیر عظیم و غنیمت بزرگ . نرود وقت آن، پس باقی بماند حسرت آن .

و این را در ***تفسیر امام و برهان*** نیز از امیرالمؤمنین علیه‌السلام از نبیّ مـختار ﷺ روایت

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ۸۸؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۳۸.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ۸۸.

(۳) همان؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۳۸.

(٤) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۳۹؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ۸۸.

کرده‌اند [۱].

در بیان استشفا به سوره مبارکهٔ حمد

کلینی در ***کافی*** روایت کرده از حضرت صادق علیه‌السلام به سند صحیح که اگر حمد قرائت شود هفتاد مرتبه بر میّتی و زنده شود عجب نیست [۲].

و شیخ در ***امالی*** نیز از آن حضرت روایت کرده که هفت مرتبه آن را در جبین صاحب علّت بخوانند و اگر زائل نشد هفتاد بار، من ضامنم عافیت او را [۳].

در ***بلد الامین*** از نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده: کسی که قرائت کند حمد را بر آب چهل دفعه و بر مریض ریزد شفا یابد [۴].

در ***برهان*** از ***ربیع الابرار*** روایت کرده که رد نمی‌شود دعایی که اوّل آن «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**» باشد، و امّت من در قیامت آن را می‌گویند، پس حسنات ایشان در میزان سنگین می‌شود. اهل محشر می‌گویند: چه بسیار سنگین است حسنات این شخص که از امّت محمّد است، انبیا می‌گویند: ابتدای کلام ایشان سه اسم از اسماء الله بود که اگر در کفّهٔ میزان گذاشته شود و جمیع دنیا در کفّهٔ دیگر، ترجیح بیابد بر آنها [۵].

و این را ابن ورّام در مجموعهٔ خود آورده.

مؤلّف گوید: و این سه اسم شریف در سورهٔ مبارکهٔ حمد غیر از «بسم الله» باز

---

(۱) **تفسیر إمام حسن عسکری** علیه‌السلام، ص ۲۹؛ بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱، ص ۲۲۰.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦۲۳.

(۳) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی**، ص ۲۸٤، مجلس ۱۰.

(٤) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ٥۲٦.

(٥) بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱، ص ۲۲٦؛ زمخشری، محمود بن عمر، **ربیع الابرار**، ج ۲، ص ۳۳٦.

مذکور است .

در دفع شدن عذاب از قرائت «الحمد للّه ربّ العالمین»

قاضی بیضاوی از یمانی از نبی ﷺ روایت کرده که: خداوند عزّ وجلّ به قضای حتم بر قومی عذاب می‌فرستد و طفلی از ایشان در مکتب «الحمدُ للّه ربّ العالمین» قرائت می‌کند ، خداوند می‌شنود و از ایشان چهل سال عذاب را برمی‌دارد (۱).

و در *تفسیر فارسی ابوالفتوح رازی* آن است که تا به آخر عذاب را برمی دارند (۲).

و از ابن مسعود از رسول خدا ﷺ روایت کرده که :

«مَنْ قَرَأَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ أَرْبَعَةَ آلافِ حَسَنَةٍ، وَمَحىٰ عَنْهُ أَرْبَعَةَ آلافِ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ أَرْبَعَةَ آلافِ دَرَجَةٍ» (۳).

در فضیلت استعاذه و خاصیّت آن

در *تفسیر کبیر فخر رازی* گوید : استعاذه نفی عقاید و اعمال باطله است ، و «بسم الله» اثبات اعمال و عقاید صحیحه است به فضل خدای تعالی ، و چون نقایص و عیوب ما غیر متناهی است و همچنین کمالات حضرت باری تعالی ، پس در هر لحظه و آنی واجب است گفتن **«أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ»** (٤).

و از روایت **تفسیر امام حسن عسکری** علیه السلام ظاهر است که «أعوذُ باللهِ» استعاذهٔ از

---

(۱) بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزيل**، ج ۱، ص ۱۱ ؛ ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، **روض الجنان و روح الجنان**، ج ۱، ص ۱۵.

(۲) ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، **روض الجنان و روح الجنان**، ج ۱، ص ١٦.

(۳) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۲۰ ؛ دیلمی، شیرویه بن شهردار، **فردوس الأخبار**، ج ٤، ص ٢٦ ، ح۵۵۷۳ ؛ سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، **الدرّ المنثور**، ج ۱، ص ۱۰.

(٤) فخر رازی، محمّد بن عمر، **تفسیر کبیر**، ج ۱، ص ۹۲.

شرور مردم نیز می‌باشد؛ چون آنها نیز شیاطین می‌باشند [۱].

و در ادعیهٔ وقت خواب می‌آید ان شاء الله تعالی که قرائت حمد در وقت خواب، ثواب تصدّق چهار هزار دینار دارد.

در فضیلت سورهٔ توحید و جحد

و امّا ثواب سورهٔ توحید: در **کافی** به سند صحیح از حضرت صادق علیه‌السلام از پدرش روایت کرده که «قُل هوَ اللهُ أحد» ثُلث قرآن است، و «قُل یا أیُّها الکافرون» رُبْع قرآن [۲].

و نیز از آن حضرت روایت است که فرمود: هرکه ایمان به خدا و روز قیامت دارد وا نگذارد «قُل هُو الله أحد» را در عقب نمازهای واجب خود؛ زیرا که هرکه بخواند آن را خدا جمع کند برای او خیر دنیا و آخرت را و بیامرزد او و والدین او را و اولاد او را [۳].

و در نسخه‌ای: اولاد اولاد او را.

و در **تفسیر بیضاوی** از نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که شنید آن حضرت که مردی قرائت می‌کرد، فرمود: واجب شد. گفتند: چه واجب شد یا رسول الله؟ فرمود: **«وَجَبَ لَهُ الْجَنَّةُ»** [٤].

و صدوق و طبرسی در **مجمع البیان** از عمران بن حصین روایت کرده که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علی علیه‌السلام را در سپاهی امیر قرار داد، چونکه مراجعت کردند سؤال کردند از ایشان از علی علیه‌السلام، عرض کردند: هر خیری در او بود الّا اینکه در اثنای هر

---

(۱) **تفسیر إمام حسن عسکری** علیه‌السلام، ص ۱۹.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦۲۱.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦۲۲؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱٥٦.

(٤) بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل**، ج ۲، ص ٥۸۲.

نماز «قُل هو الله أحد» می‌خواند. حضرت رسول ﷺ از علی ؑ سؤال کرد سبب را، عرض کرد: این برای محبّت من بود به «قُل هو الله أحد». نبی ﷺ فرمود: «**مَا أَحْبَبْتَهَا حَتّیٰ أَحَبَّكَ اللهُ**»؛ یعنی دوست نداشتی «قل هو الله أحد» را تا خدای عزّ وجل تو را دوست داشت[۱].

در اینکه باید سه مرتبه «کذلك اللهُ ربّي» بعد از «قُل هو الله أحد» بگوید

طبرسی در تفسیر ***مجمع البیان*** خود ذکر «**كَذٰلِكَ اللهُ رَبِّي**» را بعد از قرائت «قل هو الله» سه مرتبه بیان کرده[۲].

و در باب ادعیهٔ خواب بیاید وصیّت نبی ﷺ به بعضی ازواج که هر شب تمام قرآن را پیش از خواب خوانده باش؛ یعنی «قُل هو الله أحد» را بخوان.

و خبر امیرالمؤمنین ؑ و سلمان فارسی معروف است[۳].

و در کتاب **مجتنی** از ابن عبّاس از رسول خدا ﷺ روایت شده در حدیث طویلی در مدح ثواب این سوره که غریب است جدّاً آنکه کسی که بخواند آن را خداوند موکّل کند به او صد هزار مَلک که او را حفظ کنند از پیش روی و خلف، و استغفار کنند برای او، و بنویسند برای او حسنات تا روز قیامت، و غرس کنند برای او به هر حرفی درختی که صد هزار شاخه داشته باشد، بر هر شاخی به‌عدد ریگ روان بُسر که هر بُسری به قدر سبوهای هَجر که لحساء باشد که نور او مابین زمین و آسمان را نور دهد، و خداوند می‌فرماید که جزا می‌دهم هرکه مرا طاعت کند به قدر اعمال

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **توحید**، ص ۹۴؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۹ ـ ۱۰، ص ۸۶۳؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۶، ص ۴۹؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۵، ص ۳۶.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۹ ـ ۱۰، ص ۸۶۳.

(۳) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **معانی الأخبار**، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

ایشان از ثواب مگر کسانی که سورهٔ اخلاص می‌خوانند ؛ زیرا که ایشان دوست دارند قرائت آن را در شب و روز، پس ایشان را فضیلت دادم بر سایر اهل بهشت [۱].

و حدیث سعد بن معاذ معروف است ، و در **کافی** مسطور است [۲].

در بیان اینکه در محافظت بر چهار قُل نفع عظیم مترتّب است

و در محافظت بر قرائت ذات القلاقل که این سوره (اخلاص) و «قُل یا أیّها الکافرون» و معوّذتین باشد نفع عظیم است در طول عمر و حفظ مال [۳].

و در **کافی** از حضرت صادق عليه‌السلام روایت است که: هرکه در وقت بیرون رفتن‌از منزل خود «قُل هو الله أحد» را بخواند ده مرتبه، درحفظ خدا باشد تابه منزل خود برگردد [٤].

و آن را در **عُدّه** و **برهان** نیز آورده‌اند و آنکه هر وقت بخوابد بخواند آن را، پنجاه هزار ملک او را حفظ کنند تا صبح [۵].

در بیان ثواب قرائت سورهٔ توحید ایضاً

و در روایت صدوق در کتاب **توحید** : کفّارهٔ پنجاه سال گناه شود .

و در بعضی نسخ : هرگاه صد مرتبه بخواند [٦].

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **المجتنى من الدعاء المجتبى**، ص ٢٤ ـ ٢٨ «ضمیمه **مهج الدعوات**».

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦٢٢.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٥٢٤ ؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۸، ص ۹۱.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥٤٢.

(۵) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۹۸ ؛ بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱۰، ص ٤٦٢ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۲، ص ۳۵۱.

(٦) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **توحید**، ص ۹۵ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۲، ص ۳۵۱.

و در **عُدّه** است که هرگاه بر او جمعه بگذرد؛ یعنی هفته‌ای که در آن «قُل هو الله أحد» را نخوانده و بمیرد ، بر دین ابی لهب بمیرد ، وکسی که مرض و شدّت به آن برسد و در آن مرض و شدّت «قُل هو الله أحد» را نخواند و بمیرد در آن ، از اهل آتش است (۱).

در آنکه مَثَل امیرالمؤمنین علیه‌السلام مَثَل «قُل هو الله أحد» است

و در تفسیر **برهان** از **مناقب** اخطب خوارزم روایت کرده که نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود به علی علیه‌السلام : مَثَل تو مَثَل «قُل هو الله أحد» است که هرکه سه بار قرائت کند برابر ختم قرآن است ، هرکس تو را به قلب خود تنها دوست داشته باشد ثُلْثِ ایمان را دارد ، و هرکس تو را به قلب و لسان و یَد دوست دارد؛ یعنی به دست نیز یاری کند تمام ایمان را دارد ، و قسم به حقّ آن خداوندی که مرا بحق فرستاده ، اگر تو را اهل زمین دوست می داشتند، چنانچه اهل آسمان دوست دارند، یکی از ایشان را خدا عذاب نمی‌کرد (۲).

و از ***تفسیر ابن ماهیار*** روایت کرده این را و آنکه نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود در بیان آنکه از برای دوست علی علیه‌السلام به قلب تنها ثواب ثُلث عبادات است ، و به قلب و لسان و ید تمام آن (۳).

و در روایتی به‌جای عبادات ، عبادت امّت است (٤).

و در ***خواصّ القرآن*** است که نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود : هرکه این سوره را قرائت کند یاگوش

---

(۱) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۹۸ و ۲۹۹.

(۲) در **مناقب** خطیب خوارزمی نیست بلکه در **مناقب** ابن مغازلی صفحه ٦٩ ، ح ۱۰۰ است ؛ بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱۰ ، ص ٤٦٦.

(۳) قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینابیع المودّه**، ج ۱، ص ۳۷٦؛ بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱۰، ص ٤٦٥.

(٤) بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱۰، ص ٤٦٥.

دهد ، خدا دوست دارد آن را و کسی که خدا او را دوست دارد ، نجات یابد و آن امان از هر آفت است (١).

در ثواب خواندن «قُل هو الله أحد» و هدیه نمودن برای اموات

و از حضرت صادق علیه‌السلام منقول است که: هرکه این سوره را بخواند و ثواب آن را هدیه اموات قرار دهد ، ثواب قرائت جمیع قرآن را دارد (٢).

و در ***صحیفة الرضا*** علیه‌السلام از آن حضرت است که: هرگاه در قبرستان سوره توحید را یازده بار بخواند و ثواب آن را به اموات دهد به عدد اموات اجر یابد (٣).

و از آن حضرت است که علی علیه‌السلام فرمود: نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگام سفر در نماز بعد از حمد در رکعت اُولی «قُل یا أیّها الکافرون» تلاوت می‌کرد و در رکعت دوم بعد از حمد «قُل هو الله أحد» را ، و می‌فرمود: جمع کردم از برای شما ثُلث و رُبع قرآن را (٤).

در بیان ثواب سورهٔ قدر ، خاصیّت و فوائد آن

در ثواب سورهٔ قدر در ***مجمع البیان*** و ***صافی*** از امام محمّد باقر علیه‌السلام روایت کرده‌اند که: هرکه این سوره را بلند بخواند مثل این است که شمشیر خود را کشیده در راه خدا جهاد کند ، و کسی که آهسته بخواند مثل کسی است که در خون خود غوطه‌ور شده در راه خدای تعالی ، و هرکه آن را ده مرتبه بخواند خدا هزار گناه از او محو کند (٥).

---

(١) همان، ج ١٠، ص ٤٦٧؛ قرشی، عبدالرحمان بن علی بن احمد، **خواصّ القرآن**، مخطوط.

(٢) بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ١٠، ص ٤٦٧.

(٣) **صحیفة الرضا** علیه‌السلام، ص ٦٣؛ بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ١٠، ص ٤٦٧.

(٤) **صحیفة الرضا** علیه‌السلام، ص ٧١؛ بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ١٠، ص ٤٦٧.

(٥) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ٩ ـ ١٠، ص ٧٨٤؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٢، ←

و سیّد بحرینی در ***برهان*** از ***خواصّ القرآن*** روایت کرده که قاری این سوره ثواب روزهٔ ماه رمضان و درک شب قدر و ثواب جهاد دارد ، و هرکه بر باب مَخْزَنی خواند از هر آفت محفوظ باشد تا صاحب آن آنچه در آن پنهان کرده درآورد و فرمود : قاری ، رفیق بهترین مخلوق؛ یعنی خود آن حضرت باشد [۱].

و از حضرت صادق علیه‌السلام روایت است که: خواندن آن بعد از عشا پانزده مرتبه امان است تا شب دیگر ، و اگر هفت مرتبه قرائت کند آن را در هر شبی که باشد ایمن است تا صبح ، و هرگاه بخواند آن را بر طلا و نقره و هر متاعی ، از هر آفتی محفوظ باشد [۲].

وکفعمی در ***جُنّة الواقیه*** روایت کرده که کسی که از آب آن [آبی که سوره قدر بر آن خوانده شده] بخورد ، خداوند قلب و چشم او را نور عطا کند و حکمت و دانش را روزی اوکند ، و اگر مهموم و مسافر و مریض بخواند به حاجت خود برسد ، وکسی که در وقت زوال آن را بخواند صد مرتبه ، پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در خواب بیند [۳].

بیضاوی از نبی مختار صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که: قرائت او مثل روزهٔ ماه رمضان واحیای شب قدر است [٤].

کفعمی در حواشی **بلد الامین** اخبار غریبه‌ای در فضل آن ذکر کرده [٥]، و ما بعضی از آن را در کتاب ***سفینة القماش*** ذکر کردیم و اینجا نیز بعضی را ذکر می‌کنیم :

← ص ٦٢١؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ١٥٢؛ فیض کاشانی، محمّد بن شاه‌مرتضی، **تفسیر صافی**، ج ٥، ص ٣٥٣.

(١) بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ١٠، ص ٣٣٤.

(٢) همان.

(٣) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤٦٠.

(٤) بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل**، ج ٢، ص ٥٦٩؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤٥١.

(٥) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ٣٣.

از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: نوری که روز قیامت پیش روی مؤمن راه می‌رود چنانچه خداوند فرموده:

﴿ يَسْعىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ ﴾ (۱) نورِ قرائت «إنّا أنزلناه» است (۲).

و کسی که بخواند آن را صبح ده مرتبه و وقت زوال ده مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه به تعب اندازد دو هزار کاتب را سی سال که برای او حسنات بنویسند، و از برای قرائت آن هر روز هفتاد و شش مرتبه، ثواب بی‌نهایتی وارد است (۳).

و از حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام روایت کرده: کسی که حفظ کند «إنّا أنزلناه» را تمام علم را حفظ کرده، و خداوند ابا فرموده از اینکه عرش و کرسی در میزان سنگین‌تر باشد از ثواب قاری «إنّا أنزلناه»، و ثواب قاری آن را غیر از خدا کسی نمی‌نویسد، و روح او را غیر از خدا کسی قبض نمی‌کند، و اگر صبح بخواند تا شام هزار ملک او را حفظ کنند، و اگر شام بخواند تا صبح هزار ملک او را حِراست کنند، و ثواب قرائت آن، مثل اجر عمل به قرآن است، و از برای آن زبان و دو لب است، و خداوند عزّ وجل دمیده در آن از روح خود، چنانچه در آدم دمیده، و آن در بیت المعمور است و طواف می‌کند به آن هر روز صد هزار ملک، و تعظیم می دارند آن را تا شام، و در قوائم عرش است و طواف می‌کند به آن در نزد هر قائمه صد هزار ملک تا روز قیامت و آن در خزائن رحمت است (٤).

---

(۱) حدید/۱۲.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه مصباح**، ص ۵۸۷؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ٤، ص ٣٦٢.

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۲، ص ۳۲۹.

(٤) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه مصباح**، ص ۵۸۸؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ٤، ص ٣٦٤ و ٣٦٥.

ثواب آیات آخر سوره بقره

﴿ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ﴾ تا آخر سوره

در **تفسیر بیضاوی** روایت کرده که چون بنده آن را بخواند در نافله ،گفته شود : «**قَدْ فَعَلْتُ**»؛ یعنی این دعا را مستجاب کردم (۱).

و از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که: کسی که بخواند آخر سورهٔ بقره را در شب کفایت کند او را از قیام به عبادت (۲).

و در ***مجمع البیان*** نیز این دو حدیث را از نبی ﷺ روایت کرده (۳).

و قاضی نیز از آن حضرت روایت کرده که خداوند نازل فرمود دو آیه از کنوز جنّت که نوشته آن را خدای رحمان به یَدِ قدرت خود ، پیش از خلق مخلوق به دو هزار سال ، و کسی که بعد از عشا قرائت کند آن را کفایت می‌کند آن را از قیام لیل (٤).

و فرمود که سورهٔ بقره فسطاط قرآن است؛ پس یادگیرید آن را که تعلّم آن برکت است ، و ترک آن حسرت و ندامت است ، و استطاعت ندارد آن را بَطَله ، و بَطَله سَحَره‌اند (۵).

و در بعض کتب است که هرکه در روز یکشنبه چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت آن ﴿ **آمَنَ الرَّسُولُ** ﴾ [بقره/ ۲۸۵] را بخواند بعد از حمد ، ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار عرفه او را باشد ، و هشت درِ بهشت برای اوگشوده شود (٦).

---

(۱) بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل**، ج ۱، ص ۱٤۷ ؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ـ۲، ص ٦۹۲ .

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ٦۹۲ .

(۳) همان.

(٤) بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل**، ج ۱، ص ۱٤۷.

(۵) همان.

(٦) **نزهة الزاهد**، ص ۲۵٦.

اشاره به فضل سورهٔ بقره

و در **مجمع البیان** از **تفسیر کلبی** روایت کرده به اسناد او از ابن عبّاس که نبی صلی الله علیه و آله شنید صدایی، پس سر به آسمان بلند کرد، دید دری از آسمان گشوده، ملکی بر آن حضرت نازل شد و عرض کرد: خداوند بشارت می‌دهد تو را به دو نور که عطا نفرموده آن را به پیغمبری پیش از تو: فاتحة الکتاب و خواتیم سوره بقره، هیچ‌کس قرائت نمی‌کند این دو را مگر آنکه حاجت او را برمی‌آورم[۱].

و از عبدالله بن مسعود روایت است که در شب معراج در نزد سدرة المنتهی سه چیز به نبی صلی الله علیه و آله عطا شد: نماز پنج گانه و آیات سورهٔ بقره و آنکه خدا بیامرزد مقمحات[۲] امّت او را غیر از مشرکین[۳].

مؤلّف گوید: یعنی کبائر را چنانچه فرموده:

﴿إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾[٤].

طبرسی در **جوامع** از نبی صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود:

«أُوتِيتُ خَوَاتِيمَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مِنْ كَنْزٍ تَحْتَ الْعَرْشِ لَمْ يُؤْتَهُنَّ نَبِيٌّ قَبْلِي»[٥].

و در **مجمع البیان** از ابن مسعود روایت کرده که هرگاه مردی از اصحاب ما سورهٔ بقره را تعلیم می‌گرفت در میان ما عظیم بود[٦].

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ٦۹۲.

(۲) مقمحات: گناهان کبیره.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ٦۹۲.

(٤) نساء/۳۱.

(٥) طبرسی، حسن بن الفضل، **جوامع الجامع**، ج ۱، ص ۱٥۷ (آخر سوره بقره).

(٦) همو، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ٦۹۲.

در ثواب چهار آیه از اوّل سورۀ بقره و آیة الکرسی و دو آیۀ بعد از آن و سه آیه از آخر بقره

و در ***کافی*** و ***ثواب الاعمال*** صدوق آورده‌اند که حضرت سجّاد علیه‌السلام فرمود : حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود : هرکه چهار آیه از اوّل سورۀ بقره و آیة الکرسی را با دو آیه بعد از آن و سه آیه از آخر سورۀ بقره بخواند، نبیند در نفس و مال خود چیزی راکه مکروه او باشد ، و شیطان نزدیک او نیاید ، و قرآن را فراموش نکند [۱].

و این را شیخ ابن فهد نیز در ***عُدّه*** آورده [۲].

و در **صحیح مسلم** روایت کرده از نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله که: آورده می شود قرآن و اهل قرآن که به او عمل کرده‌اند روز قیامت و سورۀ بقره و آل عمران و سه مَثَلْ زَد نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله ، پس فرمود :گویا آن دو سوره دو قطعه ابرند یا دو سایه یا دو جماعت از مرغان می‌باشند که سایه انداخته‌اند بر صاحب خود و از برای او محاجّه می‌کنند [۳].

و از عقبة بن عامر روایت کرده که ما در صفّه بودیم که نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله بیرون آمد و فرمود :کدام یک از شما دوست داردکه هر صبح برود به بطحا یا عقیق ـکه دو محلّ می‌باشند در مدینه ـ و بیاورد دو ناقۀ فربه عظیمة السنام به‌غیر گناه و قطع رحِم . عرض کردیم : یا رسول الله ! همۀ ما این را می‌خواهیم . فرمود : پس چرا صبح نمی‌کنید در مسجد و یاد بگیرید یا قرائت کنید دو آیه که بهتر است از برای شما از دو ناقه و سه آیه از سه ناقه و چهار آیه از چهار ناقه و از عددهای آنها از شتران [٤].

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦۲۱ ؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۳۱.

(۲) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۹٤.

(۳) قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم** ، ج ۲، ص ۱۹۷، کتاب فضائل القرآن ، ح۱۸۷٦ ؛ ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن**، ج ٥، ص ۱٦۰ ، ح۲۸۸۳.

(٤) قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم** ، ج ۲، ص ۱۹۷، کتاب فضائل القرآن ، ح۱۸۷۳.

در فضیلت و ثواب آیة الکرسی و خواص و فوائد آن

در **صحیح مسلم** از اُبیّ بن کعب از نبی ﷺ روایت کرده که فرمود: یا ابا المنذر! آیا می دانی کدام آیه از کتاب خدا بزرگ‌تر است؟ عرض کردم: ﴿**اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ**﴾ (۱)، دست خود را بر سینهٔ من زد، فرمود: گوارا باد تو را علم یا ابا المنذر (۲).

و در **صحیح بخاری** از اَبو هریره روایت کرده که شخصی آمد مرا وگفت: هرگاه در رختخواب بِرَوی قرائت کن آیة الکرسی را تا در حفظ خدا باشی و شیطان به تو نزدیک نشود تا صبح، من آن را به نبی ﷺ عرض کردم، فرمود: راست گفته به تو آن دروغگو، و او شیطان بود (۳).

قاضی در تفسیرش از نبی ﷺ روایت کرده که: اعظم آیه‌ای که در قرآن است آیة الکرسی است، کسی که قرائت کند آن را خداوند ملکی را بفرستد که بنویسد حسنات برای او و محو کند از گناهان او تا فردا همان وقت (٤).

و فرمود: هرکه قرائت کند آیة الکرسی را در عقب هر نماز واجبی داخل بهشت شود، و مواظبت نمی‌کند بر آن مگر صدّیق یا عابدی، و هرکه قرائت کند آن را در خوابگاه خود، خدا ایمن کند او را بر نفس او و همسایهٔ او و خانه‌های اطراف او (۵).

و این دو حدیث آخر را طبرسی در دو تفسیر خود آورده از علی ؑ که فرمود: از نبیِّ شما بر منبر شنیدم و حدیث اُبیّ راکه گذشت آورده و در آخر آن است که قسم به کسی که جان محمّد ﷺ به دست اوست که برای این آیه زبان و دو لب است که

---

(۱) بقره/ ۲۵۵.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ٦۲۵؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ۲، ص ۱۹۹، کتاب فضائل القرآن، ح ۱۸۸۵.

(۳) بخاری، محمّد بن اسماعیل، **صحیح بخاری**، ج ٤، ص ۹۲، کتاب فضائل القرآن، باب ۱۰، فضل سوره بقره، ح ۵۰۱۰.

(٤) بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل**، ج ۱، ص ۱۳٤.

(۵) همان؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ٦۲٦.

تقدیس خدا می‌کند در نزد ساق عرش [۱].

و از ثعلبی روایت کرده که نبی صلی الله علیه و آله فرمود : هرکه بخواند آیة الکرسی را در عقب هر نماز واجبی ، خود خداوند متولّی شود قبض روح او را ، و ثواب کسی یابد که قِتال کند در رکاب انبیای خدا تا شهید شود [۲].

در بیان اینکه آیة الکرسی سیّد کلام‌هاست

و نیز ثعلبی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که نبی صلی الله علیه و آله فرمود : یا علی ، سیّد کلام قرآن است ، و سیّد قرآن سورهٔ بقره است ، و سیّد سورهٔ بقره آیة الکرسی . یا علی ، به‌درستی که آن پنجاه کلمه است و هر پنجاه ، برکت است [۳].

صدوق و طبرسی این هر دو بزرگوار از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده‌اند :کسی که آیة الکرسی را یک مرتبه بخواند خداوند هزار مکروه از مکاره دنیا و آخرت از او دفع می‌کند که آسان‌ترین مکاره دنیا فقر باشد و از آخرت عذاب قبر باشد [٤].

و از حضرت صادق علیه السلام است که: هر شیء ذِرْوه‌ای [٥] دارد و ذِروهٔ قرآن آیة الکرسی است [٦].

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ٦٢٥.

(۲) همان، ج ۱ ـ ۲، ص ٦٢٦؛ ثعلبی، احمد بن محمّد، **الکشف و البیان**، ج ۱، ص ٥٠٢.

(۳) ثعلبی، احمد بن محمّد، **الکشف و البیان**، ج ۱، ص ۱۷۸؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ٦٢٦.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ۸۸، مجلس ۲۱ ؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ٦٢٦ ؛ عیاشی، محمّد بن مسعود، **تفسیر عیّاشی**، ج ۱، ص ۱۳٦ ؛ سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۲٤.

(٥) ذروه : نوک ، قلّه ، بالای هر چیز راگویند (**فرهنگ معین**، ج ۲، ص ۱٦٠٨).

(٦) عیاشی، محمّد بن مسعود، **تفسیر عیّاشی**، ج ۱، ص ۱۳٦ ؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ٦٢٦.

و این دو روایت در جمله‌ای از کتب اصحاب مذکور است.

و کفعمی در *جُنّة الواقیه* روایت کرده که از نبیّ ﷺ سؤال شد: کدام سورهٔ قرآن افضل است؟ فرمود: سورهٔ بقره است. عرض شد: کدام آیه افضل است؟ فرمود: آیة الکرسی.

ونبی ﷺ امیر قرار داد بر لشکری کوچک‌ترین ایشان را به جهت آنکه سورهٔ بقره را حفظ داشت[۱].

کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: قرائت آیة الکرسی در وقت خواب ایمنی از فالج است، و اگر قرائت کند بعد از هر فریضه، او را گزنده ضرر نرساند[۲].

ایضاً حدیث شریفی در فضل آیة الکرسی

و در *تفسیر ابی الفتوح رازی* اخبار و حکایات ملیحه‌ای در باب آیة الکرسی آورده[۳].

و در *تفسیر برهان* از *امالی* شیخ طوسی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: نمی‌بینم مردی راکه عقل، او را به اسلام دلالت کند و حال آنکه بخوابد تمام شب را تا این آیه را بخواند: ﴿**اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ**﴾ تا ﴿**الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ**﴾[٤]. پس فرمود: اگر بدانید فضل آن را در هیچ حال ترک نمی‌کنید آن را، به‌درستی که نبیّ ﷺ فرمود: عطا شدم آیة الکرسی را از گنج زیر عرش، و عطا نشده است به هیچ پیغمبری پیش از من، و [حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:] هیچ شب نگذشت مگر اینکه می‌شنیدم که نبی ﷺ آن را تلاوت می‌کرد، ومن در هر شبی آن را سه وقت تلاوت می‌کنم، به‌خدا سوگند ترک نمی‌کنم آن را از زمانی که از نبی ﷺ

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۳۸.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦۲۱.

(۳) ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، **روض الجنان و روح الجنان**، ج ۱، ص ٤۳۹ ـ ٤٤۱.

(٤) بقره/ ۲۵۵.

شنیدم این خبر را. ابو امامه باهلی راوی حدیث می‌گوید : به‌خدا سوگند ترک نکردم قرائت آن را از وقتی که شنیدم این خبر را از علی بن ابی طالب علیه السلام[۱].

مؤلّف گوید : من هم ترک نمی‌کنم آن را تا ﴿ **هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** ﴾ بعد از این حدیث ، گرچه اکثر اخبار و کلام مفسّرین دلالت دارد که مراد از آن تا ﴿ **وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ** ﴾ است و در بعض اخبار تلاوت تا ﴿ **هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** ﴾ است .

در بیان ثواب آیهٔ ﴿ شَهِدَ اللهُ ﴾ و ﴿ قُلِ اللَّهُمَّ ﴾

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: چون این آیات را حق تعالی اراده فرمود که نازل فرماید ، به عرش آویختند و گفتند : ما را به سوی اهل گناه و خطا نازل می‌فرمایی ؟ پس خدا وحی فرمود به ایشان که نازل شوید ، قسم به‌عزّت و جلال خودم که نمی‌گوید شما را احدی از آل محمّد علیهم السلام و شیعهٔ ایشان در عقب نمازهای واجب مگر آنکه نظر کنم به وی در هر روز هفتاد نظر ، و در هر نظری هفتاد حاجت او را برآورم ، و معاصی او را بیامرزم ، و آن آیات ؛ أُمّ الکتاب و ﴿ **شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ** ﴾[۲] و آیة الکرسی[۳] و آیهٔ ﴿ **قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ** ﴾[٤] است[٥].

برای قضای حوائج

و نیز از **أمالی** شیخ از امام رضا علیه السلام از پدرانش روایت کرده است که: هرگاه کسی را حاجتی باشد ، صبح پنج شنبه طلب نماید آن را و قرائت کند از آخر آل عمران و

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی**، ص ۵۰۸ ، مجلس ۱۸ ؛ متقی، علی بن حسام الدین، **کنز العمّال**، ج ۲، ص ۳۰۱ ، ح۴۰۵۹ .

(۲) آل عمران / ۱۸ .

(۳) بقره / ۲۵۵ .

(٤) آل عمران / ۲٦ .

(٥) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦۲۰ .

آية الكرسى و «إنّا أنزلناه» و أُمّ الكتاب راكه در اينها حوائج دنيا و آخرت است [۱].

مؤلّف گويد : مراد از آخر آل عمران آيات ﴿**إِنَّ فِى خَلْقِ ٱلسَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ**﴾ تا ﴿**إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ**﴾ [۲] است، چنانچه در روايت **نهج البيان** از صادقين عليهما السلام روايت شده كه: آيات آخر آل عمران در حقّ على عليه السلام و جماعتى از اصحاب آن حضرت نازل شده كه حديث و فضل آن عظيم است [۳].

و لهذا طبرسى فرموده : و مشهور شده روايت از نبى صلى الله عليه و آله كه فرمود :

«**وَيْلٌ لِمَنْ لَاكَهَا بَيْنَ فَكَّيْهِ وَلَمْ يَتَأَمَّل مٰا فِيهَا**»؛ يعنى : واى بر كسى كه قرائت كند اين آيات را و تأمّل در مفاد آن نكند [٤].

و نيز روايت شده از ائمّه از آل محمّد عليهم السلام كه: قرائت آن وقت قيام به صلاة ليل است و اگر وقت نبود بعد از دو ركعت نافلهٔ فجر [٥].

و ايضاً قرائت آن موجب تفكّر در خلقت آسمان و زمين است ، و همچنين بهشت و دوزخ [٦].

و از نبى صلى الله عليه و آله روايت است كه: تفكّر يک ساعت بهتر است از عبادت هفتاد سال [۷].

و در روايت ديگر : شصت سال [۸].

---

(۱) طوسى، محمّد بن الحسن، **أمالى**، ص ۲۷٦؛ **نزهة الزاهد**، ص ۲۷٦.

(۲) آل عمران/ ۱۹۰ ـ ۱۹٤.

(۳) فرات كوفى، فرات بن ابراهيم، **تفسير فرات كوفى**، ج ۱، ص ۹۹.

(٤) طبرسى، حسن بن الفضل، **مجمع البيان**، ج ۱ ـ ۲، ص ۹۰۸؛ فيض كاشانى، محمّد بن شاه‌مرتضى، **تفسير صافى**، ج ۱، ص ۳۷۸، سوره آل عمران ذيل آيه ۱۹٤.

(٥) طبرسى، حسن بن الفضل، **مجمع البيان**، ج ۱ ـ ۲، ص ۹۰۸.

(٦) همان، ج ۱ ـ ۲، ص ۹۱۰.

(۷) عيّاشى، محمّد بن مسعود، **تفسير عيّاشى**، ج ۲، ص ۲۰۸؛ نورى طبرسى، ميرزا حسين، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۱، ص ۱۸۳؛ مجلسى، محمد باقر بن محمّد تقى، **بحار الأنوار**، ج ٦۸، ص ۳۲۷.

(۸) مجلسى، محمد باقر بن محمّد تقى، **بحار الأنوار**، ج ٦٦، ص ۲۹۳.

و در **صافی** فرموده :

«إِنَّمَا اخْتَلَفَ لِاخْتِلَافِ مَرَاتِبِ التَّفَكُّرِ وَدَرَجَاتِ الْمُتَفَكِّرِينَ وَأَنْوَاعِ الْمُتَفَكَّرِ فِيهِ»[۱].

در بیان فضیلت معوّذتین [ناس، فلق]، خواص و فوائد آن

فضل معوّذتین و سورهٔ کوثر : در بعضی کتب روایت شده است که چون در سفری خوفی پیش آید بر گِرد خود خطّی کشد و آیة الکرسی و اخلاص و معوّذتین و این آیه را بخواند : ﴿ **قُل لَن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَـٰنَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ** ﴾[۲] از خوف ایمن شود و هیچ آدمی و جن به او ضرر نرساند.

صدوق روایت کرده : کسی که معوّذتین و «قُل هُوَ اللهُ أحد» را در سه رکعت شفع و وتر بخواند گفته شود : یا عبدالله ! بشارت باد تو را که وتر تو قبول است[۳]. ـ یعنی دو رکعت اوّل معوّذتین و در رکعت آخر «قُل هُوَ اللهُ أحد» را بخواند که سه سوره در سه رکعت خوانده شود ـ.

چنانچه از روایت شیخ در **تهذیب** مستفاد می‌شود[٤].

و اگر در هر رکعت هر سه سوره را بخواند نیز جایز است و جمع بین چند سوره در نافله خوب است.

در بیان فضیلت معوّذتین و بعضی سور دیگر

در **کافی** و **برهان** روایت است که هر شب اگر هر کدام از معوّذتین را سه مرتبه و «قُل هُوَ اللهُ أحد» را صد مرتبه و اگر نتواند پنجاه مرتبه بخواند اگر تا پیری بر آن

---

(۱) فیض کاشانی، محمّد بن شاه‌مرتضی، **تفسیر صافی**، ج ۱، ص ۳۷۷، سوره آل عمران ذیل آیه ۱۹۱.

(۲) توبه/۵۱.

(۳) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۵۸.

(٤) طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب الأصول**، ج ۲، ص ۱۲۷.

مواظبت کند یا برای او بر این مواظبت کنند، محفوظ باشد تا روز قبض روح او[1].

و در **جوامع** و **مجمع** از نبی ﷺ روایت است: کسی که قرائت کند «قُل أعوذُ بربّ الفلق» و «قُل أعوذُ بربّ الناس» را گویا قرائت کرده جمیع کتبی را که بر انبیاء نازل شده[2].

و عقبة بن عامر از نبی ﷺ روایت کرده: نازل [شد] بر من آیاتی که مثل آنها نازل نشده که معوّذتان باشد[3].

و مسلم در **صحیح** خود در کتاب فضل القرآن [حدیثِ] اخیر را روایت کرده و گفته که عقبه از برترین و بزرگان اصحاب محمّد ﷺ بود[4].

محمّد بن اسماعیل بخاری در کتاب فضائل القرآن از **صحیح** خود روایت کرده از عایشه که نبی ﷺ را هرگاه دردی عارض می‌شد معوّذتین را بر خود می‌خواندند و می‌دمیدند و چون درد آن حضرت شدیدتر می‌شد من بر او می‌خواندم مُعوّذتین را[5].

و نیز عایشه از نبی ﷺ روایت کرده که آن حضرت هر شب در فراش خواب دو کف مبارک خود را جمع می‌کرد با هم و معوّذتین و «قُـل هُـوَ الله أَحَـد» را در آن می‌خواند و مسح می‌کرد به آن دو کف، سر و صورت و جمیع بدن خود را آنچه

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۶۲۳؛ بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱۰، ص ۴۷۹.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۹ ـ ۱۰، ص ۸۶۴؛ حویزی، عبدعلی بن جمعه، **نور الثقلین**، ج ۵، ص ۷۱۶.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۹ ـ ۱۰، ص ۸۶۴؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ۲، ص ۲۰۱، کتاب فضائل القرآن، باب ۴۶، ح ۲۶۴ ـ ۸۱۴.

(۴) قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ۲، ص ۲۰۱، کتاب فضائل القرآن، باب ۴۶، ح ۲۶۵ ـ ۸۱۴.

(۵) بخاری، محمّد بن اسماعیل، **صحیح بخاری**، ج ۵، ص ۱۳۹، کتاب فضائل القرآن، باب ۱۴، ح ۵۰۱۶.

دست می‌رسید ، این را سه مرتبه انجام می‌داد [۱].

و ابوخدیجه از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت کرده که: جبرئیل نازل شد بر نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله در مرض آن حضرت و افسون خواند آن حضرت را به معوّذتین و «قُل هو الله أحَد» و گفت :

«بِسْمِ اللهِ أُرْقِيكَ و اللهُ يَشْفِيكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُؤْذِيكَ خُذْهَا فَلْيُهَنِّيكَ» [۲].

قاضی ناصرالدین عبدالله البیضاوی از نبیّ صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که: هرگز قرائت نشده دو سوره که دوست‌تر باشد و اَرْضی [خشنودتر] بُود در نزد خدا از این دو سوره که معوّذتین باشد [۳].

وکسی که سورهٔ «إنّا أعطيناك» را بخواند خداوند او را از انهار بهشت بیاشاماند و به عدد هر قربانی که در روز عید قربان باشد تا قیامت ثواب دهد ، چنانچه در ***مجمع البیان*** و ***جوامع*** وکفعمی و غیر آن است [٤].

فصلٌ في النوادر

در استحباب نگاه داشتن مُصحف در خانه

در **عُدّه** فرموده : مستحب است که در خانه مصحفی نگاه دارد بنابر فرمایش امام صادق علیه‌السلام که فرمود : باید در خانه مصحفی باشد تا شیطان را دور کند [۵].

و حضرت صادق علیه‌السلام از پدران خود روایت کرده که مردی به نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله شکایت

---

(۱) همان، ح۵۰۱۷.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۹ ـ ۱۰، ص ۸٦۷، مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۱۸، ص ۷۲.

(۳) بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل**، ج ۲، ص ۵۸۳.

(٤) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۹ ـ ۱۰، ص ۸۳۵؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۵۲.

(۵) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۸۹.

کرد از درد سینه ، فرمود : استشفا به قرآن بجوی [۱].

وحسین بن احمد منقری از حضرت امام موسی علیه السلام روایت کرده که: کسی که به آیهٔ قرآن طلب کند کفایت شر از مشرق تا مغرب را ، کفایت کند او را هرگاه با یقین باشد [۲].

و از حضرت علی علیه السلام روایت است که به جهت حفظ از دزدان در فراش خواب بخواند : ﴿ **قُلِ ادْعُوا اللهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ** ﴾ تا آخر سورهٔ اسراء ، و هرگاه این دو آیه را در فراش خود بخواند ، محفوظ باشد از هر شیطان و جبّاری تا صبح [۳].

به جهت ترسیدن از امری

و در بعضی کتب روایت شده برای آنکه بتواند بیدار باشد تلاوت این دو آیه نافع است ، وهرگاه بترسی از امری صد آیه از هر کجای قرآن که خواهی بخوان و بگو : «**اللّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي البَلاءَ**» ایمن باشد ، و آیهٔ سُخره ﴿ **إِنَّ رَبَّكُمُ اللهُ الَّذي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضَ** ﴾ تا ﴿ **رَبُّ الْعَالَمِينَ** ﴾ در سورهٔ اعراف برای حفظ از شیاطین مجرّب و مأثور است [٤].

و برای آن حکایتی است که در ***عدّة الداعی*** مسطور است [٥].

و بعد از قرائت «قُل یا أیّها الکافرون» ده مرتبه در وقت طلوع شمس روز جمعه دعا مستجاب است [٦].

و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود : کسی که صد آیه از هر کجا که

---

(۱) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۹۲.

(۲) همان، ص ۲۹۳.

(۳) همان، ص ۲۹۳ و ۲۹٤، آیه در سوره اسراء/ ۱۱۰.

(٤) همان، ص ۲۹٤، آیه در سوره اعراف/ ٥٤.

(٥) همان، ص ۲۹٤.

(٦) همان، ص ۲۹۷.

بخواهد از قرآن تلاوت کند و بعد هفت مرتبه «یا الله» بگوید اگر بر سنگی بخواند خداوند آن سنگ را بشکافد [۱].

و خواندن «ألهاكم التكاثر» وقت خواب سبب ایمنی از عذاب قبر است [۲].

و قرائت «حمٓ سجده» سبب در سایه بودن در روز قیامت است [۳].

برای بیدار شدن در شب هر وقت بخواهد

آخر سورهٔ کهف را هرگاه کسی در فراش بخواند هر وقت بخواهد بیدار شود [٤]، مکرّر تجربه شده.

مقدّس اردبیلی نیز در ***زبدة البیان*** فرموده: مکرّر تجربه کرده‌ام این را [٥].

و در ***عُدّه*** و غیر آن از نبی صلی الله علیه و آله روایت شده که: هرگاه بخواند آن را در وقت خواب، نوری بلند شود تا مسجد الحرام و میان آن ملائکه باشند که استغفار کنند برای آن تا صبح [٦].

در فضیلت قرائت قرآن

* در **کافی** روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: به عجب نمی‌آورد مرا آنکه قرائت کنی قرآن را در کمتر از یک ماه؛ یعنی با تدبّر و تأنّی باید خواند [۷].

---

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۳۰.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۵۳؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۹۷.

(۳) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱٤۰.

(٤) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۹۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦۳۲.

(٥) مقدس اردبیلی، احمد بن محمّد، **زبدة البیان**، ص ۱۳٤ و ۱۳٥.

(٦) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۳٤.

(۷) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦۱۷.

* و در روایتی در شهر رمضان هر شب یک ختم وارد شده [۱].

* یکی به امام موسی علیه‌السلام عرض کرد که چهل ختم قرآن یا بیشتر یا کمتر در ماه مبارک رمضان قرائت می‌کنم و روز عید فطر یک ختم برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و یک ختم برای علی علیه‌السلام و یک ختم برای فاطمه علیهاالسلام قرار می دهم ، وکذلك سایر امامان تا به شما منتهی شود ، پس چه چیز است برای من ؟

فرمود : برای تو آن است که با آنها باشی در روز قیامت .

عرض کرد : الله اکبر ، این برای من است ؟

سه مرتبه فرمود : بلی [۲].

و از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود : مرد اعجمی از امّت من به عجمیّه قرآن می خواند و ملائکه به عربی بالا می برند [۳].

در ***خصال*** است که نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود : چهار سوره است که مرا پیر کرد : «هود» و «واقعه» و «مرسلات» و «عمّ یتساءلون» [٤].

در فضیلت خواندن بعضی از سور قرآنی در اوقات مخصوصه

و در برخی ازکتب که تألیف بعضی از علماست روایت شده که قرائت «یٰسٓ» در صبح ، «فتح» در ظهر ، «نبأ» در عصر ، «تبارك الذي» در مغرب و «إذا وقعت» در عشا سبب غنا و عزّت است [۵].

در ***خصال*** صدوق و ***امالی*** از ابن عبّاس روایت کرده که از برای خداوند سه حرمت است که مِثل آنها نیست : کتاب خداوند و آن نور و حکمت است ، وکعبهٔ خدا که

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦١٨.

(۲) همان.

(۳) همان، ج ۲، ص ٦١٩.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۱، ص ۱۹۹.

(۵) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ٧٦، ص ۳۱۹.

توجّه به غیر او را قبول نمی‌کند ، و عترت پیغمبر شما که در آن کتاب شریک‌اند (۱).

در اینکه سه چیز به خدا شکایت می‌کنند

در **کافی** از امام جعفر صادق علیه‌السلام مأثور است که: سه چیز به خدا شکایت می‌کند : مسجد خرابی که اهل آن در آن نماز نکنند ، و عالمی که در میان جهّال باشد ، و مصحفی که مُعلّق آویخته باشد و غبار بر آن نشسته و تلاوت نشده باشد (۲).

و از امام محمّد باقر علیه‌السلام روایت است که: قاریان قرآن سه قسم‌اند : بعضی آن را مایهٔ معاش خود قرار داده که ملوک به آنها وظیفه می‌دهند و به آن تکبّر می‌کنند ، و بعضی آن را تلاوت می‌کنند و به آن عمل نمی‌کنند ، و بعضی شب‌ها را به تلاوت آن بیدار می‌مانند و در نمازهای خود می‌خوانند ، و روزها روزه می‌دارند ، و خدا عذاب را به برکت ایشان برمی‌دارد و باران را نازل می‌کند و ایشان از کیمیا کمیاب‌ترند (۳).

و در روایت دیگر است که دو صنف اوّل در آتش‌اند (٤).

در ثواب سورهٔ انعام

در بیان ثواب سورهٔ «انعام» در **کافی** و **مجمع** و **تفسیر برهان** و غیرها از حضرت صادق علیه‌السلام روایت است که: این سوره یک مرتبه نازل شد و **هفتاد هزار** ملک به مشایعت آن نازل شدند ، پس آن را تعظیم و تکریم کنید ، و به درستی که اسم خدا در **هفتاد** موضع آن است ، و اگر بدانند مردمان که چه ثوابی در قرائت آن است ، ترک

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۱، ص ١٤٦.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٦١٣.

(۳) همان، ج ۲، ص ٦٢٧ ؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ١٦٩ ، مجلس ٣٦ ؛ همو، **خصال**، ج ۱، ص ١٤٢ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۲، ص ۱۷۸.

(٤) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۲، ص ۱۸۲.

نمی‌کنند تلاوت آن را[۱].

و طبرسی و بیضاوی و دیگران از حضرت رسول ﷺ روایت کرده‌اند: هرکه بخواند آن را، هفتاد هزار ملک به‌عدد هر آیه‌ای از آن به مدّت یک شبانه روز طلب رحمت کنند برای او[۲].

مؤلّف گوید: عدد آیات آن، صد و شصت و پنج آیه است.

در **مجمع** و **مصباح** کفعمی است از جابر انصاری که هرکه سه آیهٔ از اوّل «انعام» را قرائت کند الی قوله تعالی: ﴿ **وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ** ﴾[۳] موکّل گرداند خدا به او چهل هزار ملک که بنویسند برای او مثل عبادت خود را تا روز قیامت، و از آسمان هفتم ملکی نازل شود و عمودی از آهن در دست او باشد که هر شیطانی که بخواهد او را وسوسه کند بزنند او را ... (الخبر)[٤].

و عیّاشی مثل روایت کلینی را نقل کرده و روایت کرده که فرمود آن حضرت بعد از آن: هرکه را حاجتی باشد که بخواهد برآورده شود؛ چهار رکعت نماز کند به «فاتحة الکتاب» و «انعام» یعنی به دو سلام، و اگر نتواند از حفظ بخواند از روی قرآن بخواند، و بعد از قرائت در نماز بگوید:

«يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، يَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، يَا مَنْ لا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ضَعْفِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي وَمَسْكَنَتِي فَإِنَّكَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِحَاجَتِي يَا مَنْ رَحِمَ الشَّيْخَ يَعْقُوبَ حِينَ رَدَّ عَلَيْهِ يُوسُفَ قُرَّةَ عَيْنِهِ، يَا مَنْ رَحِمَ أَيُّوبَ بَعْدَ طُولِ بَلَائِهِ، يَا مَنْ رَحِمَ مُحَمَّداً وَمِنَ الْيُتْمِ

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۶۲۲؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۳ ـ ٤، ص ٤۲۲؛ بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۳، ص ۵۲۱؛ بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل**، ج ۱، ص ۳٤۰.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۳ ـ ٤، ص ٤۲۲.

(۳) انعام / ۳.

(٤) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۳۹.

آوَاهُ وَنَصَرَهُ عَلىٰ جَبَابِرَةِ قُرَيْشٍ وَطَوَاغِيتِهَا وَأَمْكَنَهُ مِنْهُمْ يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ» این کلمهٔ آخر را مکرّر می‌گویی . به‌حقّ آن خداوندی که جانم به‌دست اوست که اگر جمیع حوائج خود را از خدا بخواهی، برآورده شود[1].

در فوائد نوشتن آن به مُشک و زعفران

و در **تفسیر برهان** این را روایت کرده و فرموده که از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده که: هرکه بنویسد آن را به مشک و زعفران و بیاشامد آن را شش روز متوالی، خیر بسیاری داده می‌شود، و هیچ ضرری نمی‌رسد او را، و عافیت می‌یابد از دردها و اَلَم‌ها به اذن خدای تعالی[2].

مؤلّف گوید: اخبار این باب زیاد است و بعضی در لابه‌لای مطالب این کتاب خواهد آمد؛ إن شاء الله تعالی.

---

(۱) عیّاشی، محمّد بن مسعود، **تفسیر عیّاشی**، ج ۱، ص ۳۵۳؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ٤، ص ٤٢٢؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۸، ص ۱۳۳؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۱۵۵.

(۲) بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۳، ص ۵۲۳.

باب دوم:

در صفات داعی، وقت آن و مکان آن

نقل کلام ابن طاووس رحمه‌الله در بیان صفات داعی

و ابتدا می شود به ترجمهٔ آنچه سیّد جلیل علی بن موسی بن طاووس رحمه‌الله در کتاب *مهج الدعوات* ذکر کرده و روایات واردهٔ در آن را ذکر نمی‌کنم ؛ زیرا که غرض اختصار است ، و فرموده :

از صفات داعی آن است که ابتدا کند به حمد خداوند جلّ جلاله و ثنای او ، و صلوات بر محمّد و آل محمّد ؛

و آنکه بداند که دعای او در پنهانی بهتر است از آشکار ؛

و آنکه قلب او غافل و لاهی نباشد ؛

و غذا و لباس او از حرام نباشد ؛

و مظلمهٔ عباد در گردن او نباشد ؛

و اگر ظلم کرده بر کسی از او عذر بخواهد ؛

و آنکه در حال دعا پاکیزه و با نیّت صادقه و خالصه باشد ؛

و امید اجابت از جانب خداوند عزّ وجل داشته باشد ؛

و جبّار نباشد ؛

و دعا نکند به دفع ظلمی که خود مثل آن را انجام داده باشد بر دیگری ؛

و اینکه از گناهان اجتناب و احتراز کند بعد از دعا تا وقت اجابت ؛

و آنکه در حال دعا از گناهان توبه کند ؛

و آنکه در قطع رحم دعا نکند ؛

و دوست بر دوست نفرین نکند که در حدیث از نبی ﷺ وارد شده که درخواست نمود از خدا که نفرین دوست را بر دوست اجابت نکند.

و بر اهل عراق نفرین نکند، چنانچه در جزء اوّل کتاب ***التجمیل*** از ترجمهٔ محمّد بن احمد بن حاتم روایت شده که خداوند نهی فرمود ابراهیم را که نفرین کند بر اهل عراق.

و آنکه پاک کند طعام خود را از حرام و شبهات؛

و در دست او انگشتر از نقره باشد که نگین او فیروزه باشد که از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده که رسول ﷺ فرمود که خداوند می‌فرماید: من حیا می‌کنم که بنده‌ام دست خود را بلند کند و در آن انگشتر نقره و فیروزه باشد و او را محروم برگردانم.

و آنکه در دست او انگشتر از عقیق باشد که از آن حضرت روایت شده: بلند نمی‌شود به سوی خدا کفی که دوست‌تر باشد از کفی که در او انگشتر عقیق باشد[۱]. تمام شد کلام سیّد علیه الرحمه.

در حکایت کلام کفعمی در ارکان و اسباب و اوقات و اجنحهٔ دعا

و کفعمی فرموده: بدان که از برای دعا ارکان، اسباب، اوقات و اجنحه‌ای است.

پس ارکان دعا شش است: حضور قلب، رقّت، استکانت، خشوع، تعلّق قلب به خداوند و منقطع شدن از اسباب.

واسباب دعا: صلوات فرستادن بر محمّد و آل اوست؛ یعنی پیش از دعا و بعد از آن.

و اوقات آن، سحرهاست.

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۳۵۹.

و اجنحه [بال] آن صدق است[۱].

در اینکه اسباب استجابت پنج چیز است

و در آن کتاب (**مصباح** کفعمی) و ***عُدّة الداعی*** مذکور است ، خلاصهٔ آن، آن است که : اسباب استجابت پنج است :

اوّل : وقت آن و آن مهم است و اعظم آن روز جمعه است که هرکس در آن دعا کند و حرمت آن را بدارد بر خدا واجب است که او را از آتش آزاد کند ، و هرکس که ضایع کند حرمت آ ن را بر خدا واجب است که او را در آتش اندازد ، خصوصاً در دو ساعت ، یکی وقت ظهر و دیگر ساعت آخر روز باشد ، و تمام شب جمعه ، و ساعت هفتم هر شب ، و ثلث آخر از هر شب ، و وقت زوال هر روز ، و وقت هبوب رياح (وزش بادها) ، و نزول باران ، و وقت اذان و قرائت قرآن ، و ایّام شریفه[۲].

و در **کافی** اخباری در این اوقات روایت شده[۳].

دوم : مکان ، مثل مسجد و حرم و روضات مقدّسه ائمّه علیهم‌السلام خصوصاً حایر امام حسین علیه‌السلام و مقابر علما و صلحا .

سوم : عقب افعالی مثل نماز ، و سؤال مريض برای عیادت کننده ، و سائل برای معطی خود ، و حاج برای ملاقات کننده قبل از ارتکاب ذنوب .

چهارم : حالات داعی مثل روزه‌دار و مریض و مجاهد و گزاردن حجّ و بکاء و اجتماع مؤمنین .

پنجم : انضمام بعض امور به دعا، مثل صلاة و حمد و ثنا[٤].

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح کفعمی**، ص ۷۷۰.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٧٦٣؛ همو، **بلد الأمین**، ص ٦٠٤ و ٦٠٥؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمّد، **عدّة الداعی**، ص ٤٥ و ٤٦.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٤٧٦ و ٤٧٧.

(٤) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٧٦٤.

بعضی ادعیه و اوراد قبل از دعا

و در روایت عیص بن القاسم این است که هرگاه طلب کنید حاجتی را تمجید کنید و حمد کنید خداوند عزیز جبّار را و بگویید:

«يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطىٰ وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً، يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ وَيَقْضِي مَا أَحَبَّ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الأَعْلىٰ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيءٌ، يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ».

پس فرمود: اسمای خداوند عزّ وجل را بسیار بگو؛ زیراکه اسامی خدا بسیار است [۱].

ایضاً روایت کرده از حضرت صادق علیه‌السلام که بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ وَجَمَالِكَ وَكَرَمِكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا» و حاجت خود را به‌جای کذا و کذا بگوید [۲].

و طبری به سند صحیح از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده، در این دعا که ثنا بر خدای عزّ وجل نیکوست، می‌گویی:

«يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُيُونُ، وَلَا تُخَالِطُهُ الظُّنُونُ، وَلَا تَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ، وَلَا تُغَيِّرُهُ الْحَوَادِثُ، وَلَا الدُّهُورُ، أَنْتَ تَعْلَمُ مَثَاقِيلَ الْجِبَالِ وَمَكَائِيلَ الْبِحَارِ وَعَدَدَ قَطْرِ الأَمْطَارِ، وَعَدَدَ وَرَقِ الأَشْجَارِ وَعَدَدَ مَا يُظْلِمُ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَيُشْرِقُ عَلَيْهِ النَّهَارُ، وَلَا تُوَارِي مِنْهُ سَمَاءٌ سَمَاءً، وَلَا أَرْضٌ أَرْضاً، وَلَا بَحْرٌ إِلَّا يَعْلَمُ مَا فِي قَعْرِهِ، وَلَا جَبَلٌ إِلَّا يَعْلَمُ مَا فِي وَعْرِهِ، اِجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ، وَخَيْرَ عَمَلِي خَوَاتِمَهُ، وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ أَلْقَاكَ فِيهِ» [۳].

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٤٨٥؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ٦٠٧.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥٧٩.

(۳) ابن طاووس، علی بن موسی، **المجتنی من الدعاء المجتبی**، ص ١٢، ضمیمه «**مهج الدعوات**».

و آن حضرت دعا را در قبال طلایی را که عربی به منظور تعارف از بعضی معادن برای ایشان آورده بود بخشیدند که آن را در نماز خود بخواند [۱].

و در روایت علیّ بن حسان از حضرت صادق علیه‌السلام است که بگو :

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيءٌ، وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيءٌ، وَأَنْتَ الظَّـاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيءٌ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» [۲].

دعای دیگر در ثنای الهی که قبل از درخواست باید خوانده شود

و در ***کافی*** و ***مصباح*** کفعمی و ***صحیفهٔ علویّه*** است که از دعای آن حضرت بود در مدحت خدای عزّ وجل قبل از درخواست :

«يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا فَعَّالاً لِمَا يُرِيدُ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الأَعْلَىٰ، يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيءٌ» [۳].

و در ***کافی*** روایت است که ابو جعفر علیه‌السلام فرمود : آیا تعلیم ندهم به تو دعایی را که ما اهل بیت را هرگاه محزون کند امری یا از سلطان می‌ترسیم می‌خوانیم ؟ گفتم : بلی ، پدر و مادرم فدای تو باد یابن رسول الله . فرمود : بگو :

«يَا كَائِناً قَبْلَ كُلِّ شَيءٍ، وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيءٍ، وَيَا بَاقِيَ بَعْدَ كُلِّ شَيءٍ، صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا»، یعنی به‌جای کذا وکذا حاجت خود را بگوید [۴].

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱۷۶ .

(۲) همو، **بلد الأمين**، ص ٦٠٧ ؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کـافی**، ج ۲، ص ۵۰۳ و ٥٠٤ ؛ سـماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفهٔ علویّه**، ص ۷۸.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٤٨٤ ؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٧٦٦ ؛ سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفهٔ علویّه**، ص ۷۸.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥٦٠ .

ایضاً دعای دیگر که قبل از حاجت باید خواند

و در آن کتاب است به سند بسیار صحیح که معاویة بن عمّار به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که آیا تخصیص نمی دهی مرا به دعایی ؟ فرمود : بلی ، بگو :

«**یَا وَاحِدُ یَا مَاجِدُ یَا أَحَدُ یَا صَمَدُ یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ ، یَا عَزِیزُ یَا کَرِیمُ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ ، یَا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَیَا خَیْرَ مَنْ أَعْطیٰ ، یَا اللهُ یَا اللهُ یَا اللهُ قُلْتَ ﴿ وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِیبُونَ ﴾**» ثمّ قال أبو عبدالله علیه السلام : کان رسول الله صلی الله علیه و آله یقول : «**نَعَمْ لَنِعْمَ الْمُجِیبُ أَنْتَ وَنِعْمَ الْمَدْعُوُّ وَنِعْمَ الْمَسْؤُولُ ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَبَرُوتِكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِمَلَكُوتِكَ وَدِرْعِكَ الْحَصِینَةِ وَبِجَمْعِكَ وَأَرْکَانِكَ کُلِّهَا وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَبِحَقِّ الْأَوْصِیَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي کَذا وَکَذا**»[1].

در ذکر بعضی ادعیه قبل از دعا

و ایضاً قبل از دعا ده مرتبه بگوید : «**یَا اللهُ**» ، و ده مرتبه : «**یَا رَبَّاهُ**» ، و ده مرتبه : «**یَا رَبِّ**» ، و ده مرتبه : «**یَا سَیِّدَاهُ**» ، و ده مرتبه : «**یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ**» ، و هفت مرتبه : «**صَلِّ عَلَیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**» ، و در سجده بگوید : «**یَا اللهُ یَا رَبَّاهُ یَا سَیِّدَاهُ**» و بعد حاجت خود را بخواهد[2].

ونیز تقدیم دعا برای چهل نفر از برادران دینی اسباب استجابت است با آنکه ثواب دعا از برای ایشان بی‌نهایت عظیم است ، وگاه هست بنده‌ای را که به آتش بَرَند ، مؤمنین از برای او شفاعت کنند که این بنده بر ما دعا کرد[3].

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۸٤.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۷٦۸.

(۳) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۱۸۲.

دعا بعد از فراغ از دعا

و عبدالله بن سنان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: هرگاه بعد از دعا بگوید : «**مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ**» خداوند عزّ وجل بفرماید : بندهٔ من تسلیم شد برای امر من ، حاجت او را برآورید (۱).

و در **عُدّه** فرموده که در روایت دیگر از علی علیه السلام است : هرکه دوست دارد که دعای او مستجاب شود ، بعد از فراغ از دعا بگوید :

«**مَا شَاءَ اللهُ اسْتِكَانَةً لِلَّهِ ، مَا شَاءَ اللهُ تَضَرُّعاً إِلَى اللهِ ، مَا شَاءَ اللهُ تَوَجُّهاً إِلَى اللهِ ، مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**» (۲).

وکفعمی در حاشیهٔ ***بلد الامین*** از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: دعای بعد از هفت مرتبه «**مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ**» مستجاب است (۳).

و اگر این دعا راکه در تفسیر امام علیه السلام است که برای حرق و غرق و سرق است هر صبح در اوّل دعا بخواند از جهاتی فائده دارد در اجابت و آن این است :

«**بِسْمِ اللهِ مَا شَاءَ اللهُ ، لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللهُ ، بِسْمِ اللهِ مَا شَاءَ اللهُ ، لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللهُ ، بِسْمِ اللهِ مَا شَاءَ اللهُ ، مَا يَكُونُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللهِ ، بِسْمِ اللهِ مَا شَاءَ اللهُ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، بِسْمِ اللهِ مَا شَاءَ اللهُ ، وَصَلَّى اللهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ**» (٤).

و بدان که از آداب است که اگر تأخیر در اجابت شود برگشت کند به دعا و

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۲۱؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۱۱.

(۲) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۱۱.

(۳) کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه بلد الأمین**، ص ۲۸.

(٤) **تفسیر إمام حسن عسکری** علیه السلام، ص ۱۹، حرق: سوختن، غرق: فرو رفتن در آب، سرق: دزدیدن (**فرهنگ عمید**).

مأیوس نشود؛ زیرا خداوند دوست دارد بنده‌ای را که بسیار دعا می‌کند[۱].

در اینکه عمده اسباب استجابت دعوات بلکه قبولی طاعات، قوت حلال است

و بدان که عمدهٔ اسباب استجابت دعا و دعوات و قبولی طاعات و نیل سعادات و مقامات، قوت حلال است، و امر در آن خطیر است، وگاه باشد که آن‌قدر کم باشد که پوست را بر استخوان چسباند.

و در حدیث قدسی وارد است که حرام مثل آب رود می‌آید، وحلال قطره قطره.

و در زمان ماکه قطره قطره هم ممکن نیست، خصوص هرگاه خواهد از شبهات و مکروهات احتراز کند.

و در کتاب ***کافی*** این حدیث وارد است که حضرت صادق علیه السلام هزار اشرفی به مصادف غلام خود دادند و به تجارت به مصر فرستاد و چون متاع ایشان خرید داشت قسم خوردند که هر دیناری را به دو دینار کمتر نفروشند، و به این قسم فروش یافت، چون مصادف مراجعت کرد دوکیسه هرکدامی هزار اشرفی خدمت حضرت گذاشت، حضرت فرمود: این ربح و نفع زیاد است، چگونه معامله کردی؟ کیفیّت را بیان کرد، حضرت فرمود: سبحان الله! قسم می‌خورید که یک دینار را دو دینار کمتر نفروشید! بعد حضرت فرمود: حاجت به چنین منفعتی ندارم، و یک کیسه را برداشت، پس فرمود: ای مصادف! جهاد و مجادلهٔ به شمشیر آسان‌تر است از طلب حلال[۲].

و در ***عُدّه*** از نبی صلی الله علیه و آله است که: کسی که باک نداشته باشد که قوت او و از حلال باشد یا از حرام، خداوند باک ندارد که او را از هر دری از درهای جهنّم داخل جهنّم

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٤٨٨ و ٤٨٩.

(۲) همان، ج ٥، ص ١٦١.

کند [۱].

و از حدیث قدسی نقل کرده که عمل کردن با قوت حرام، مثل بردن آب با غربال و بنا نهادن بر روی آب است [۲].

در *تفسیر برهان* و حسن بن ابی الحسن دیلمی ، صاحب *ارشاد القلوب* ، روایت کرده‌اند از حذیفهٔ یمانی مرفوعاً که قومی وارد قیامت می‌شوند که حسنات ایشان مثل کوه‌ها باشد ، خداوند آنها را غبار پراکنده می‌گرداند و امر می‌فرماید که آنها را به آتش برند ، پس فرمود : آگاه باشید آنها کسانی هستند که نماز و روزه به‌جای می‌آوردند و قدری از شب مشغول به عبادت بودند، لیکن هرگاه چیزی از حرام ممکن می‌شد می‌گرفتند [۳].

و در *کافی* نیز قریب به این مأثور است از حضرت صادق علیه‌السلام [۴].

و اخبار شریفه خوبی در این باب در ذیل آیهٔ شریفه ﴿**وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُوراً**﴾ [۵] آقا سیّد هاشم بحرینی جمع فرموده .

و در آنچه ذکر شده البتّه کفایت است؛ إن شاء الله تعالی .

در بیان فائدهٔ مهمّه که موجب استجابت دعا است

در **بحار** کتاب صلاة و **مصباح** شیخ طوسی و **مکارم الاخلاق** روایت است از سماعة ابن مهران از ابو عبدالله علیه‌السلام که فرمود : هرگاه یکی از شما مریض شود طبیب طلب می‌کند و آن را چیزی می‌دهد ، و هرگاه شما را حاجت به کسی باشد دربان او

(۱) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۸۲.

(۲) همان، ص ۳۰۳.

(۳) بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۷، ص ۱۵۰؛ دیلمی، حسن بن محمّد، **إرشاد القلوب**، ج ۱، ص ۱۹۱.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۵، ص ۱۲٦.

(۵) فرقان/۲۳.

را رشوه می‌دهد ، پس هرگاه یکی از شما را امر مشکلی پیش آید به خدای تعالی ملتجی شود و طهارت بگیرد و تصدّق کند ؛ کم باشد یا زیاد ، پس داخل مسجد شود و دو رکعت نماز به‌جای آورد ، پس حمد و ثنای حق تعالی نماید ، و صلوات بر نبی و اهل بیت او فرستد ، و بگوید :

«**اللّٰهُمَّ إنْ عَافَيْتَنِي مِمَّا أَخَافُ مِنْ كَذا وَكَذا**» .

و حاجت خود را بگوید ، خداوند حاجت او را برآورد [۱] .

و در *تهذیب* و *من لا یحضره الفقیه* چنین است : «**اِنْ عَافَيْتَنِي مِنْ مَرَضِي اَوْ رَدَدْتَنِي مِنْ سَفَرِي اَوْ عَافَيْتَنِي مِمَّا اَخَافُ كَذا وكَذا**» [۲] .

و در بیان آن فرموده که جواب «إنْ» مقدّر است و آن «فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذٰلِكَ» است [۳] .

و بعضی گفته‌اند : جواب التزام نذر است [٤] ، و آن بعید است .

مؤلّف گوید : بهتر آن است که طهارت را غسل قرار دهد ، و اگر غیر جنابت باشد ، وضو نیز پیش از غسل بسازد .

در بیان نماز و دعایی که موجب سرعت اجابت است

و **مکارم** از حضرت صادق علیه‌السلام نقل کرده که: چون ثلث شب بگذرد ، برخیزد و دو رکعت نماز به‌جای آورد ، در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ مبارکه «تبارك الذي بيده الملك» را ، و در رکعت دوم بعد از حمد سورهٔ «تنزیل سجده» را بخوان ، و بعد از آیهٔ سجده سجدهٔ تلاوت را در بین نماز به‌جای آور و بعد از نماز بخوان :

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ٤٧٧ ؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۳۲۵ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۸، ص ۳۵۱ .

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، ج ۳، ص ۱۸۳ ؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۵۵۸ .

(۳) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۵۵۸ .

(٤) همان.

«يَا رَبِّ، قَدْ نَامَتِ الْعُيُونُ، وَغَارَتِ النُّجُومُ، وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، لَنْ يُوَارِي عَنْكَ لَيْلٌ دَاجٍ، وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ، وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ، وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ، وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ، يَا صَرِيخَ الْأَبْرَارِ وَغِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ بِرَحْمَتِكَ اسْتَغَثْتُ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِ لِي حَاجَةَ كَذَا، وَلَا تَرُدَّنِي خَائِباً وَلَا مَحْرُوماً، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس این در سرعت اجابت مثل اخذ به ید است،[1] [یعنی به زودی حاجت او برآورده خواهد شد].

و کلینی در کتاب **تعبیر رؤیا** روایت کرده از حضرت امام رضا علیه السلام که پدرم فرمود: ای فرزند! هرگاه تو را شدّتی روی دهد بسیار بگو: «**يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ**» و آن چیز که در خواب بینی مثل آن است که در بیداری بینی[2].

و کفعمی روایت کرده که گفتن «**يَا قَاهِرَ الْعَدُوِّ**» صد و یازده مرتبه تأثیر عظیم در دفع شدائد و حصول مقاصد دارد.

مؤلّف گوید: دعاهای متعلّقه به این مهمّات خواهد آمد؛ ان شاء الله تعالی.

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱۳۰.

(۲) راوندی، سعید بن هبة‌الله، **دعوات**، ص ۴۵؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۱۶۲.

باب سوم:

در بیان مختصری
از اوراد و اعمال شب و روز جمعه

بدان که فضیلت این شب و روز بسیار عظیم است، و روایات آن در کتب اصحاب ما زیاد است که تقریباً هزار حدیث است [1].

در ذکر بعضی از احادیث واردهٔ در فضیلت شب و روز جمعه

و در **بحار** و غیر آن است که نیست در زمین روزی که شمس در آن غروب کند که بیشتر باشد آزادشدگان از آتش در آن از روز جمعه [2]. و حرمت این روز را طیور و وحوش می‌شناسند و به یکدیگر می‌گویند: «سلامٌ عَلَیْکُمْ هٰذا یَوْمٌ صالِحٌ» [3].

وکسی‌که در شب و روز آن بمیرد، از ضغطهٔ (فشار) قبر وعذاب جهنّم آزاد است [4].

و در **خصال** از رسول خدا ﷺ روایت است که جمعه بیست و چهار ساعت است، خدا آزاد می‌کند در هر ساعت آن، ششصد هزار از آتش [5].

و در **بحار** از نبیّ مختار علیه وعلی آله صلوات الملك الجبّار روایت است که: از برای خدا در هر جمعه ششصد هزار آزاد شده است از آتش جهنّم که همه

---

(۱) فضایل روز جمعه را ببینید در: ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ٤٥ ـ ٥٠.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ٤١٥.

(۳) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ٦، ص ٦٥.

(٤) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ٦، ص ۲۳۰؛ غزالی، محمّد بن محمّد، **إحياء علوم الدين**، ج ۱، ص ۱۷۸؛ سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، **الجامع الصغير**، ج ۱، ص ٣٦٠.

(٥) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۲، ص ۳۹۲.

مستوجب عذاب و آتش می‌باشند [۱].

و از امام جعفر صادق عليه‌السلام روایت شده است که فرمود: اجتناب کنید از گناهان در شب جمعه که گناه آن از عقاب مضاعف است، و ثواب حسنه مضاعف است، و کسی که ترک کند معصیت خدا را در شب جمعه خدا می‌آمرزد آنچه راگذشته در آن، و گفته می‌شود که عمل را از سر گیر، و کسی که معصیت خدا کند در شب جمعه خداوند مؤاخذه می‌فرماید او را به جمیع آنچه در عمر خود معصیت کرده و عذاب او را مضاعف می‌فرماید به سبب این معصیت، و هرگاه روز جمعه شود، بلند کنند ماهیان دریاها سرهای خود را وکذا حیوانات صحراها، و ندا کنند که: پروردگارا! ما را مؤاخذه به عذاب نفرمایی به گناهان بنی آدم [۲].

و روایت کرده در حدیث طویلی از حضرت صادق عليه‌السلام که: در روز جمعه و عیدین خدا اذن می‌دهد ارواح مؤمنین راکه بر ناقه‌های بهشتی سوار شوند بروند به زیارت اهل خود و آنچه را مکروه ایشان باشد ملائکه مخفی می‌دارند از ایشان، و مواضع قبور خود را زیارت می‌کنند، و بعد از نماز جمعه که مردم به منازل خود برمی‌گردند ارواح مؤمنین به غرفات جنان برمی‌گردند [۳].

در ثواب صدقه دادن در شب و روز جمعه

شیخ مفید روایت کرده در **مقنعه** که خداوند اختیار کرد از هر چیزی چیزی را، از ایّام جمعه را اختیار کرد و آن افضل ایّام است [٤].

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۱۳۰.

(۲) قمی، جعفر بن احمد، **جامع الأحادیث** ـ کتاب العروس ـ، ص ۱۵۳، نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ٦، ص ۷۳؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۲۸۳.

(۳) **الأُصول الستّة عشر** ـ أصل زید نرسی ـ، ص ٤۳؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۲۸٤.

(٤) مفید، محمّد بن محمّد بن النعمان، **مقنعه**، ص ۲۵؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**،

و در **بحار** از کتاب **عروس** تألیف شیخ فقیه ابوجعفر قمّی که صاحب تصانیف لطیفی است و اعاظم اصحاب از کتب او نقل می‌کنند و از عجائب است که از بیان حال ایشان علمای رجال غفلت کرده‌اند و احادیث شریفه‌ای را روایت کرده‌اند، منها: از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: صدقه در شب جمعه به هزار است و در روز جمعه به هزار[1].

یعنی درهمی به هزار درهم محسوب است که در اوقات دیگر بدهد.

و در جمله‌ای از کتب معتبره به سندهای عالی از امام محمّد باقر علیه‌السلام روایت شده که: خداوند عالم هر شب جمعه ندا می‌کند از فوق عرش خود از اوّل شب تا آخر شب که آیا نیست بندهٔ مؤمنی که بخواند مرا از برای دنیا و آخرت پیش از طلوع صبح تا اجابت کنم او را؟ آیا نیست بندهٔ مؤمنی که توبه و بازگشت کند به‌سوی من پیش از صبح تا گناهان او را بیامرزم؟ آیا نیست بنده‌ای که تنگ گرفته باشم بر او روزی را و سؤال کند زیادتی روزی را از من تا زیاد کنم روزی او را؟[2]

در ***ارشاد القلوب*** دیلمی روایت کرده که در هر شب جمعه ملکی ندا می‌کند از آسمان به هر لغتی که ای ابنای عشرین [فرزندان بیست ساله، جوانان]! حذر کنید از دنیا[3].

و کفعمی از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که: روز جمعه سیّد روزهاست و افضل است از روز عید فطر و قربان، وکسی که حقّ و حرمت آن را نگاه دارد لازم است بر خدا که او را از آتش آزاد کند، و کسی که حقّ و حرمت آن را ضایع کند آن را داخل

← ج ۸۹، ص ۲۸٦.

(۱) قمی، جعفر بن احمد، **جامع الأحادیث** ـ کتاب **العروس** ـ، ص ۱۵۳؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۲۸۲.

(۲) قمی، جعفر بن احمد، **جامع الأحادیث** ـ کتاب **العروس** ـ، ص ۱۵۲.

(۳) دیلمی، حسن بن محمّد، **إرشاد القلوب**، ج ۱، ص ۱۹۳.

جهنّم کند مگر آنکه توبه کند [۱].

در اینکه سنّت است که در پنج شنبه مهیّا شود از برای جمعه

و در **مصباح العابدین** تألیف شیخ بهائی ﷺ فرموده: چون روز پنج شنبه شود سنّت است که خود را آماده سازد از برای جمعه به ناخن گرفتن، و موی پشت لب گرفتن، امّا ناخن یک انگشت را بگذارد که روز جمعه بگیرد، و رفتن به حمّام و غسل جمعه کردن، اگر می داند که در روز جمعه ممکن نیست، سنّت است [۲].

در استحباب خواندن دعای کمیل در شب جمعه و بعضی ادعیه دیگر و بسیاری از سور قرآنی

و امّا از اعمال این شب: پس بخواند دعای کمیل بن زیاد را [۳] و آن دعای دیگر را که اوّل آن این است: «**اللّٰهُمَّ یَا شَاهِدَ کُلِّ نَجْوىٰ**» [٤].

و مرحوم مجلسی ﷺ هر دو را در **زاد المعاد** که نسخهٔ آن بحمد الله بسیار شایع است؛ دعای اوّل را در ادعیهٔ نیمه شعبان، و دعای دوم را در اعمال شب عرفه از ماه ذی الحجّه ایراد فرموده، و در سائر کتب نیز مسطور است به‌خصوص دعای کمیل.

وکفعمی در **جنّة الأمان الواقیه** نیز آن را در اعمال نیمهٔ شعبان ذکر کرده؛ پس غافل مباش [٥].

و در **مصباح** شیخ و **جمال الأُسبوع** ابن طاووس و **بحار** آمده که مستحب است که

---

(۱) عاملی، کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۱۹.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۲٦.

(۳) همان، ص ۷۷٤.

(٤) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **زاد المعاد**، ص ۲٤۷.

(٥) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح کفعمی**، ص ٥٥٥؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۷۷٤.

در این شب از قرآن سورهٔ «بنی اسرائیل» و «کهف» و «طواسین»[۱] و «الم سجده» و «مدثّر» و «لقمان» و «حم سجده» و «صٓ» و «حم دخان» و «واقعه» را بخواند[۲].

و حقیر سورهٔ «بنی اسرائیل» را ترک نمی‌کنم، چون در روایت شیخ طبرسی در **جوامع** است که قاریِ آن شب جمعه از اصحاب قائم عجّل الله فرجه می‌باشد[۳].

و در ***جمال الأسبوع*** سورهٔ «احقاف» و «طور» و «اقتربت» را فرموده[٤].

و از برای قرائت سورهٔ «نساء» و «اعراف» و «هود» و «ابراهیم» و «حجر» و «الرحمن» و «صافّات» نیز ثواب عظیم است.

وگذشت که «یٰسٓ» را در هر شب خواندن ثواب جزیل دارد[٥].

در استحباب خواندن سورهٔ «جمعه» و «أعلیٰ» در نماز عشای شب جمعه و سورهٔ «جمعه» و «منافقین» در ظهر و عصر آن

و در نماز مغرب و عشای آن سورهٔ «جمعه» و «أعلیٰ» را بخواند که حضرت صادق علیه‌السلام فرمود که: واجب است بر هر مؤمنی که شیعهٔ ما باشد که بخواند در شب جمعه سورهٔ «جمعه» و «أعلیٰ» را و در صلاة ظهر، «جمعه» و «منافقین» را، پس هرگاه چنین کند گویا عمل کرده به عمل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و ثواب و جزای او بر خدا بهشت است و آن را طبرسی در ***مجمع البیان*** از منصور بن حازم از حضرت

---

(۱) سوره‌های شعراء، نمل و قصص را گویند.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۳۳؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأُسبوع**، ص ۱۹۰؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۲۸۹.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ٥ ـ ٦، ص ٦۰۷.

(٤) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۱۹۰؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحارالأنوار**، ج ۸۹، ص ۲۸۹.

(٥) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۳۸؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ٦، ص ۲٤۷.

صادق علیه السلام[1] روایت کرده.

منصور از اجلّای اصحاب آن حضرت است وکتابی دارد که شیخ طوسی آن را در فهرست **رجال** روایت می‌فرماید[2]، پس ظاهر آن است که طبرسی روایت را از اصل کتاب او اخذ فرموده.

و صدوق رحمه الله نیز در ***ثواب الأعمال*** روایت را ذکر فرموده[3].

پس حکم به ضعف سند، چنانچه از محقّق اردبیلی رحمه الله در ***زبدة البيان*** واقع شده، شایسته نیست[4]، با آنکه در **بحار** از کتاب **عروس** تألیف أبو جعفر قمّی روایت کرده به سند او از أبو الصلاح کنانی از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: قرائت کن در شب جمعه در نماز مغرب سورهٔ «جمعه» و «قل هو الله أحد» را، و قرائت کن در صلاة عشا سورهٔ «جمعه» و «سبّح اسم ربّك الأعلى» را، و در نماز صبح سورهٔ «جمعه» و «قل هو الله أحد»، و در ظهر، سورهٔ «جمعه» و «منافقین»، و در عصر روز جمعه سورهٔ «جمعه» و «قل هو الله أحد»[5].

و این روایت نیز مؤیّد صحّت است و دلالت دارد که مراد، قرائت در نماز شب جمعه است که مغرب و عشا باشد، و اظهر آن است که مراد آن است که در دو رکعت اوّل مغرب این دو سوره را بخواند؛ یعنی در رکعت اوّل «حمد» و سورهٔ «جمعه»، و در رکعت دوم «حمد» و سوره «أعلىٰ» را بخواند، و همچنین در عشا،

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۹ ـ ۱۰، ص ۴۲۷؛ حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **وسائل الشیعه** ج ٦، ص ۱۲۰.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **رجال طوسی**، ص ۳۲۳.

(۳) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱٤٦.

(٤) مقدس اردبیلی، احمد بن محمّد، **زبدة البیان فی أحکام القرآن**، ص ۱۱۷.

(٥) قمی، جعفر بن احمد، **جامع الأحادیث** ـ کتاب **العروس** ـ، ص ۱٤۹؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۳۱۱ و۳۵۳؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ٤، ص ۲۰۸.

چنانچه محقّق اردبیلی رحمه الله در **زبدة البیان** و علّامهٔ حلّی در **مختلف الاحکام** فهمیده‌اند [۱].

و صدوق واجب دانسته در ظهر جمعه قرائت سورهٔ «جمعه» و «منافقین» را در غیر حال سفر و ترس و خوف و فوت حاجت [۲].

دعای مختصری در شب جمعه با ثواب عظیم

و برای خواندن این دعا در شب جمعه ثواب عظیم وارد شده :

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ مِنْ أَوَّلِ الدُّنْيَا إِلىٰ فَنَائِهَا، وَمِنَ الآخِرَةِ إِلىٰ بَقَائِهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلىٰ كُلِّ نِعْمَةٍ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» [۳].

و از برای این دعا حکایتی است که آن را در کتاب **سفینة القماش** نوشتم، و در **رسالهٔ عمل لیلهٔ جمعه** نیز مسطور است، ولیکن بعضی از مشایخ ما آن را در کتاب **فیض القدسی** تکذیب نموده و فرموده : در هیچ کتاب دعایی از کتب مجلسی و غیر ایشان ذکر این دعا نیست .

حقیر گوید : تسامح در سنن مقتضی اکتفا به نقل بعضی از اصحاب است ، والله العالم .

دعا در سجدهٔ آخر نافله مغرب در شب جمعه

و صدوق روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام : کسی که بگوید در سجدهٔ آخر نافلهٔ مغرب در شب جمعه ، و اگر هر شب بگوید افضل است :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

---

(۱) مقدس اردبیلی، احمد بن محمّد، **زبدة البیان فی أحکام القرآن**، ص ۱۱۸.

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ۵۱۲، مجلس ۹۳.

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۵، ص ۳۵، کتاب الإجازات.

وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيمِ». هفت مرتبه ، از نماز بیرون رود و حال آنکه گناهان او آمرزیده شده باشد (۱).

در استحباب دعا و استغفار بسیار در این شب

و مستحب است که بسیار دعا و استغفار کند در این شب از برای خود و برادران دینی و همسایگان (۲).

بلکه حضرت فاطمه عليها السلام دعا کرد تمام شب جمعه را از برای غیر خود ، و حضرت امام حسن عليه السلام سبب را سؤال کرد ، فرمود : اوّل باید به همسایگان دعا کرد، بعد برای خود (۳).

و در *مصباح العابدين* این استغفار در آخر روز پنج شنبه مستحب است :

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ لَا يَسْتَطِيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفاً وَلَا عَدْلاً وَلَا نَفْعاً وَلَا ضَرّاً وَلَا حَيَاةً وَلَا مَوْتاً وَلَا نُشُوراً، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً» (٤).

---

(۱) ابن بابويه، محمّد بن على (شيخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ٤٢٤، ح ١٢٥١؛ مجلسى، محمد باقر بن محمّد تقى، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۳۱۱، قمى، جعفر بن احمد، **جامع الأحاديث - كتاب العروس -**، ص ۱۵۰.

(۲) مجلسى، محمد باقر بن محمّد تقى، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۳۱۳.

(۳) همان.

(٤) طوسى، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ٢٢٦، و نيز دعايى از كتاب **نزهة الزاهد**، ص ۲۷۷ از امام موسى كاظم عليه السلام نقل شده كه در آخر روز پنج شنبه خوانده شود : اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ نُورِ النَّبِيِّينَ وَمُودِعَ نُورِ الصُّوَرِ لِلْعَالَمِينَ وَدَيَّانَ حَقَائِقِ يَوْمِ الدِّينِ وَالْمَالِكَ لِحُكْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالْمُسَبِّحِينَ وَالْعَالِمَ بِكُلِّ تَكْوِينٍ ، أَشْهَدُ بِعِزَّتِكَ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَحِجَابِكَ الْمَنِيعِ عَلىٰ أَهْلِ الطُّغْيَانِ ، يَا خَالِقَ رُوحِي وَمُقَدِّرَ قُوَّتِي وَالْعَالِمَ بِسِرِّي وَجَهْرِي لَكَ سُجُودِي وَعُبُودِي وَلِعَدُوِّكَ عُنُودِي يَا مَعْبُودِي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَإِلَيْكَ أُنِيبُ وَأَنْتَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ .

از برای طلب حاجت، وسعت رزق و ادای قرض

در **بحار** و ***مصباح المتهجّد*** و ***جمال الأسبوع*** روایت است که هرکه را حاجتی باشد ، سه شنبه و چهارشنبه و پنج شنبه را روزه دارد ، و وقت عشا تصدّق کند به چیزی پیش از افطار ، و در شب جمعه بعد از نماز عشا سجده کند و در سجده بگوید :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَعَيْنِكَ الْمَاضِيَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَقْضِيَ دَيْنِي وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي».

پس هرکس مواظبت کند بر این ، خداوند روزی‌اش را وسیع کند ، و قرض او را ادا نماید [1].

و در **بحار** و ***مصباح المتهجّد*** و غیرهما در دعای شب جمعه آمده :

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ حَتّىٰ كَأَنِّي أَرَاكَ ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَلَا تُشْقِنِي بِمَعَاصِيكَ ، وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ حَتّىٰ لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ ، وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي ، وَمَتِّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي ، وَانْصُرْنِي عَلىٰ مَنْ ظَلَمَنِي ، وَأَرِنِي فِيهِ قُدْرَتَكَ يَا رَبِّ ، وَأَقْرِرْ بِذٰلِكَ عَيْنِي . اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلىٰ هَوْلِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَأَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِماً ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ آمِناً ، وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ ، وَاكْفِنِي مَؤُونَتِي وَمَؤُونَةَ عِيَالِي وَمَؤُونَةَ النَّاسِ ، وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ .

اللَّهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَهْلٌ لِذٰلِكَ أَنَا ، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي فَأَهْلٌ لِذٰلِكَ أَنْتَ ، وَكَيْفَ تُعَذِّبُنِي يَا سَيِّدِي وَحُبُّكَ فِي قَلْبِي ، أَمَا وَعِزَّتِكَ لَئِنْ فَعَلْتَ ذٰلِكَ بِي لَتَجْمَعَنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ قَوْمٍ طَالَ مَا عَادَيْتُهُمْ فِيكَ .

اللَّهُمَّ بِحَقِّ أَوْلِيَائِكَ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ارْزُقْنَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَالْمُحَافَظَةَ عَلَى الصَّلَوَاتِ اللَّهُمَّ إِنَّا أَحَقُّ خَلْقِكَ أَنْ تَفْعَلَ ذٰلِكَ بِنَا .

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأُسبوع**، ص ۱۲۲؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۳۱؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۲۸۷؛ نوری، طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ٦، ص ۱۱۱.

اللّٰهُمَّ افْعَلْهُ بِنَا بِرَحْمَتِكَ.

اللّٰهُمَّ ارْفَعْ ظَنِّي إِلَيْكَ صَاعِداً، وَلَا تُطْمِعَنَّ فِيَّ عَدُوّاً وَلَا حَاسِداً، وَاحْفَظْنِي قَائِماً وَقَاعِداً وَيَقْظَانَ وَرَاقِداً.

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي سَبِيلَكَ الْأَقْوَمَ وَقِنِي حَرَّ جَهَنَّمَ وَحَرِيقَهَا الْمُضْرَمَ، وَاحْطُطْ عَنِّي الْمَغْرَمَ وَالْمَأْثَمَ وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ الْعَالَمِ.

اللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي مِمَّا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»][1].

و دعای دیگر در اعمال روز جمعه می‌آید.

در بیان مختصری از نمازهای شب جمعه

و امّا نمازهای این شب بسیار است و چون نماز، افضل عبادات است[2] و معراج مؤمن[3] و سبب تقرّب هر مؤمن پرهیزگار[4] است، ذکر چند نمازی در این مختصر لازم است.

شیخ طوسی در **مصباح**، و شیخ حرّ در **وسائل**، و مجلسی در **بحار**، و شیخ بهائی و دیگران از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که هرکه بگزارد در شب جمعه بین نماز مغرب و عشا دوازده رکعت و بخواند در هر رکعت «حمد» یک مرتبه و «قل هو الله أحد» چهل مرتبه، ملاقات کنم او را بر صراط و مصافحه کنم با او، وکسی که من با او مصافحه [نمایم] کفایت کنم او را از حساب و میزان[5].

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۳۸ و ۲۳۹؛ **نزهة الزاهد**، ص ۲۰۹؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۲۹۶.

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۲، ص ۲۲۶؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۳، ص ۳٤.

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۲، ص ۳۰۳.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ۲٦٥؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۲۱۰.

(٥) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۲۸؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل**

و نیز از آن حضرت روایت کرده‌اند که: کسی که بگزارد در شب جمعه دو رکعت نماز و بخواند در آن دو رکعت «فاتحة الکتاب» و «إذا زلزلت الأرض» را پانزده مرتبه، ایمن گرداند خداوند او را از عذاب قبر و ترس‌های روز قیامت [۱].

و مراد آن است که در هر رکعت یک بار «حمد» را بخواند. و بعضی مؤلّفین از اصحاب این نماز را روایت کرده‌اند با این زیادتی که بعد از فراغ بگوید: «**یَا حَيُّ یَا قَيُّومُ**» که خدا شرّ آسمان و زمین را از او دورگرداند، و از هیچ آدمی و پری به او ضرر نرسد [۲].

و نیز روایت کرده از رسول خدا ﷺ که: کسی که به‌جا آورد چهار رکعت نماز در شب جمعه و روز جمعه و بخواند در هر رکعت «قل هو الله أحد» را پنجاه مرتبه؛ یعنی بعد از «حمد» به دو سلام، گناه او آمرزیده شود اگرچه مثل کف دریا باشد [۳].

و در روایت دیگر در شب جمعه و در آخر نماز یعنی بعد از فراغ می‌گوید:

«**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ**» [٤].

و نیز از آن حضرت روایت است: کسی که بگزارد در شب جمعه یا روز آن، یا شب پنج شنبه یا روز آن، یا روز دوشنبه چهار رکعت به دو سلام، و بخواند در هر رکعت «حمد» را هفت مرتبه، و یک مرتبه «إنّا أنزلناه» را، و هرگاه فارغ شد از همه صد مرتبه بگوید: «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**»، و صد مرتبه: «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَبْرَئِيلَ**» عطا کند به او خداوند در بهشت هفتاد هزار قصر [٥].

← **الشیعه**، ج ۷، ص ۳۹۱؛ **نزهة الزاهد**، ص ۲۰۷؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۳۲۵.

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۲۸.

(۲) **نزهة الزاهد**، ص ۲۰۷.

(۳) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۲۹.

(٤) همان.

(٥) همان، ص ۲۲۸؛ **نزهة الزاهد**، ص ٢٦١.

و نیز از آن حضرت است: کسی که در شب جمعه چهار رکعت نماز بگزارد؛ یعنی به دو سلام که در هر رکعتی دویست و پنجاه مرتبه سورهٔ «قل هو الله أحد» را بخواند بعد از «حمد»، نمیرد تا ببیند بهشت را یا برای او دیده شود[۱].

و در **بحار** کتاب صلاة، دعایی طولانی از برای شب جمعه مسطور است[۲].

در فضیلت قرائت «حمٓ دخان» در این شب

و در **مشکاة** از ***صحیح ترمذی*** روایت است: کسی که قرائت کند «حمٓ دخان» را در شب جمعه آمرزیده است[۳].

مؤلّف گوید: اگر سوره‌های قرآنی را که در این شب وارد است در نمازهای نافلهٔ شب بخواند کفایت می‌کند، چنانچه اگر این نمازها که گذشت از نوافل شب حساب کند خوب است.

و شیخ طوسی در **مجالس** به سند خود از نبی ﷺ روایت کرده که فرمود: یا اباذر! به‌درستی که خداوند عیسی را فرستاد به رهبانیّت، و من مبعوث شده‌ام به دین حنفیّهٔ سمحهٔ سهله، و دوست دارم زنان و بوی خوش را، و نور چشم من در نماز است.

ای اباذر! هر مردی که نماز مستحبّی بگزارد هر روز دوازده رکعت سوای نمازهای فریضه، از برای او واجب است خانه‌ای در بهشت عنبر سرشت[٤].

و **مصباح** نیز جزء اخیر را روایت کرده، و این شامل نوافل مرتّبه نیز می‌شود،

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۲۹.

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۳۱۹.

(۳) ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن ترمذی**، ج ۵، ص ۱۶۳، ح ۲۸۸۸، کتاب فضائل القرآن.

(٤) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی**، ص ۵۲۸، مجلس ۱۹؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۸، ص ۱۱۶؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۰، ص ۳۴۳ و ۳٤٤.

چنانچه در **بحار** اعتراف نموده[1].

و یحتمل که مراد غیر از مرتّبه باشد، و در **بحار** خصوص روز را فهمیده‌اند[2] و بعید نیست که مراد شبانه روز باشد.

بنابراین اهتمام در نوافل یومیّه و غیر آن را در شبانه روز جمعه نباید ترک کند، والله الموفّق.

جهت دفع تنگی معیشت

و در بعضی کتب روایت شده: کسی که معیشت بر او تنگ باشد روز پنج شنبه را روزه بدارد و شب جمعه نصف شب برخیزد و استغفار کند صد مرتبه، و صلوات بر نبی و آل او بفرستد صد مرتبه، بعد بخواند آیهٔ ﴿**وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ**﴾[3] را که در سورهٔ «طلاق» است صد مرتبه و بخوابد، می‌بیند بیرون رفتن از تنگی را، و بر او درهای روزی به اذن الله تعالی گشوده می‌شود.

و در ***مصباح العابدین*** روایت است: هرکه را غمی پیش آید در شب جمعه غسل کند و جامهٔ پاک بپوشد و چهار رکعت نماز بگزارد، در رکعت اوّل «حمد» یک بار و ﴿**أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ**﴾[4] صد بار، و در رکعت دوم «حمد» یک بار و آیهٔ ﴿**أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ**﴾[5] صد بار، و در رکعت سوم «حمد» یک بار و ﴿**نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ**﴾[6] صد بار، و در رکعت چهارم «حمد» یک بار و ﴿**إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً**

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۰، ص ۳٤٤.

(۲) همان.

(۳) طلاق/۷.

(٤) غافر/ ٤٤.

(۵) شوری/ ۵۳.

(٦) صف/ ۱۳.

مُبيناً﴾ [۱] صد بار ، و بعد از نماز صد بار بگوید : **﴿ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴾** [۲] پس سجده کند و صد بار بگوید : «**أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ**» هنوز سر از سجده برنداشته که حاجت او برآورده شود ، مجرّب است .

در بیان صلوات در شب و روز جمعه

و سنّت است که در شب و روز جمعه صد مرتبه یا زیاده بگوید :

«**اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ**» [۳].

در بیان اعمال و اذکار روز جمعه

و امّا روز جمعه: پس بخواند در آن هر قدر ممکن شود از قرآن ، و به‌جا آورد از اعمال خیر آنچه میسّر شود ؛ زیراکه ثواب در آن مضاعف است [٤].

وگاه بود که بعضی از ائمّه می‌خواستند تصدّق کنند، به تأخیر می‌انداختند تا روز جمعه [٥].

و حضرت سجّاد عليه‌السلام امر فرمود کنیز خود سکینه را که روز جمعه هیچ سائلی را محروم نکند [٦].

---

(۱) فتح / ۱.

(۲) بقره / ۲۸۵.

(۳) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۳۳. و در روز پنجشنبه هم سفارش و تأکید شده است که این صلوات را هزار مرتبه بگویید.

(٤) قمی، جعفر بن احمد، **جامع الأحادیث** ـ کتاب **العروس** ـ ، ص ۱۵۷.

(٥) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۲۷٤.

(٦) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **علل الشرائع**، ج ۱، ص ٤٥ ؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ٤۱۲ و ٤۱۳.

و حضرت امام محمّد باقر علیه السلام هر جمعه یک اشرفی تصدّق می دادند [۱].

و از شیخ مفید در **مقنعه** از حضرت صادق علیه السلام روایت است که: صدقه در شب و روز جمعه بهتر است [۲].

فضیلت صلوات در روز جمعه

و در شب و روز جمعه صلوات بسیار باید فرستاد که ثواب‌های عظیم از ائمّه صادقین علیهم السلام روایت شده.

حتّی آنکه در ***وسائل الشیعه*** مسنداً از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده: چیزی نیست که خدا بدان عبادت کرده شود روز جمعه که دوست‌تر باشد در نزد خدا از صلوات بر محمّد و آل آن حضرت [۳].

و از عمر بن یزید روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام به او فرمود: سنّت است که صلوات بفرستی بر محمّد وآل او در هر جمعه هزار مرتبه، ودر سائر ایّام صد مرتبه [٤].

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده: کسی که صد مرتبه بر من صلوات فرستد در روز جمعه، خداوند شصت حاجت از برای او رواکند؛ سی از آن در دنیا، و سی در آخرت [۵].

و شیخ طوسی در **مصباح** فرموده: مستحب است زیاد صلوات فرستادن بر نبی و

---

(۱) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ج ۱، ص ۵۹.

(۲) مفید، محمّد بن محمّد بن النعمان، **مقنعه**، ص ٢٦.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ٤٢٩؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۳۸۸.

(٤) قمی، جعفر بن احمد، **جامع الأحادیث** ـ کتاب **العروس** ـ، ص ۱۵۸؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۳۸۷.

(۵) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۸۷.

آل او در روز جمعه ، و اگر متمکّن از هزار مرتبه شود در آن ثواب بسیار است[۱].

در کیفیّت صلوات در روز جمعه

و سیّد ابن طاووس در **جمال الأسبوع** و علّامهٔ مجلسی در **بحار** از زید شحّام از حضرت صادق علیه‌السلام روایت نموده‌اند که فرمود : نیست عملی در روز جمعه افضل از صلوات بر محمّد و آل او اگرچه صد و یک مرتبه باشد . گفتم : چگونه بگوییم ؟ فرمود :

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتُكَ وَصَلَوَاتُ مَلاَئِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَجَمِيعِ خَلْقِكِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ» [۲].

در بیان مقداری از ثواب صلوات در شب و روز جمعه

و نیز در آن کتاب روایت است که حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود : در عصر پنج شنبه نازل می‌شوند ملائکه از آسمان و با ایشان قلم‌هایی از طلا و صحیفه‌هایی از نقره است ، نمی‌نویسند عصر پنج شنبه و شب جمعه و روز آن تا غروب شمس مگر ثواب صلوات بر محمّد و آل محمّد را[۳].

و شهید ثانی در **رسالهٔ وجوب صلاة جمعه** عیناً از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که: بسیار در هر جمعه بر من صلوات بفرستید که هرکس بیشتر در هر روز جمعه بر من صلوات فرستد نزدیک‌تر به من خواهد بود ، وکسی که صلوات فرستد روز جمعه صد مرتبه بر من ، وارد قیامت شود در حالتی که در صورت او نوری باشد ، وکسی که روز جمعه صلوات فرستد بر من هزار مرتبه، نمیرد تا ببیند محلّ خود را در

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲٤۹ و ۳٤٤.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأُسبوع**، ص ۲۳٤.

(۳) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأُسبوع**، ص ۱۸۳ ؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ٤۲٤ ؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۳۸٦.

بهشت .

و يک صلوات طولانى در روز جمعه وارد است كه آن در ضمن دعاهاى هر روز ماه مبارک رمضان در *زاد المعاد* مسطور است [۱].

دعاى صبح روز جمعه

و صبح جمعه اين دعا را بخواند :

«أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّةِ اللهِ وَذِمَّةِ مَلَائِكَتِهِ وَذِمَمِ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَذِمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَذِمَمِ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمْ فِي عِلْمِ اللهِ وَطَاعَتِهِ كَمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» [۲].

و سيّد ابن طاووس و مجلسى و ديگران به سندهاى معتبره روايت كرده‌اند كه حضرت صادق عليه السلام فرمود : هركس بگويد روز جمعه بعد از نماز صبح پيش از آنكه تكلّم كند با كسى :

«اللَّهُمَّ مَا قُلْتُ فِي جُمُعَتِي هٰذِهِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ حَلَفْتُ فِيهَا مِنْ حَلْفٍ أَوْ نَذَرْتُ فِيهَا مِنْ نَذْرٍ فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَيْ ذٰلِكَ كُلِّهِ، مَا شِئْتَ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ كَانَ، وَمَا لَمْ تَشَأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ واغْفِرْ لِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي، اللَّهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَعَلَيْهِ صَلَوَاتِي، وَمَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتِي عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» .

كفّارهٔ گناه او از جمعه تا جمعهٔ ديگر خواهد بود .

و در بعضى از روايات از ماه تا ماه و از سال تا سال آمده است [۳].

---

(۱) مجلسى، محمد باقر بن محمّد تقى، **زاد المعاد**، ص ۱۵۹ .

(۲) **نزهة الزاهد**، ص ۲۱۲ ؛ ابن طاووس، على بن موسى، **جمال الأُسبوع**، ص ۲۲۰ .

(۳) ابن طاووس، على بن موسى، **جمال الأُسبوع**، ص ۲۲۷ ؛ همو، **الإقبال**، ص ۵۵۰؛ **نزهة الزاهد**، ص ۲۳۳ ؛ مجلسى، محمد باقر بن محمّد تقى، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۳۳۲ .

خواندن سورهٔ «جحد» قبل از طلوع آفتاب در جمعه سبب اجابت دعاست

و كفعمى در **بلد الامين** روايت كرده: خواندن سورهٔ «قل يا أيّها الكافرون» ده بار پيش از طلوع آفتاب روز جمعه سبب استجابت دعاست [۱].

در **بحار** و **جمال الأسبوع** از محمّد بن سنان روايت شده كه فرمود: اى محمّد بن سنان! آيا خوانده‌اى در اين روز دعاى واجب را، و آن روز جمعه بود، عرض كردم: چيست آن مولاى من؟ فرمود: بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْيَوْمُ الْجَدِيدُ الْمُبَارَكُ الَّذِي جَعَلَهُ اللهُ عِيداً لِأَوْلِيَائِهِ الْمُطَهَّرِينَ مِنَ الدَّنَسِ، الْخَارِجِينَ مِنَ الْبَلْوىٰ، الْمَكْرُورِينَ مَعَ أَوْلِيَائِهِ، الْمُصَفَّيْنَ مِنَ الْعَكَرِ، الْبَاذِلِينَ أَنْفُسَهُمْ فِي مَحَبَّةِ أَوْلِيَاءِ الرَّحْمٰنِ تَسْلِيماً، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَاماً دَائِماً أَبَداً».

و التفات مى‌كنى به جانب آفتاب و مى‌گويى:

«السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ، وَالنُّورُ الْفَاضِلُ الْبَهِيُّ، أُشْهِدُكِ بِتَوْحِيدِي لِلَّهِ لِتَكُونِي شَاهِدِي إِذَا ظَهَرَ الرَّبُّ لِفَصْلِ الْقَضَاءِ وَفِي الْعَالَمِ الْجَدِيدِ.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُشَوِّهَ خَلْقِي، وَأَنْ تُرَدِّدَ رُوحِي فِي الْعَذَابِ بِنُورِكَ الْمَحْجُوبِ عَنْ كُلِّ نَاظِرٍ، نَوِّرْ قَلْبِي فَإِنِّي أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ خَاضِعٍ، وَإِلىٰ وَلِيِّكَ بِبَدَنٍ خَاشِعٍ، وَإِلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ بِفُؤَادٍ مُتَوَاضِعٍ، وَإِلَى النُّقَبَاءِ الْكِرَامِ وَالنُّجَبَاءِ الْأَعِزَّةِ بِالذُّلِّ، وَأَرْغِمُ أَنْفِي لِمَنْ وَحَّدَكَ لَا إِلٰهَ غَيْرُكَ وَلَا خَالِقَ سِوَاكَ، وَأُصَغِّرُ خَدِّي لِأَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْفِي عَنْكَ كُلَّ ضِدٍّ وَنِدٍّ فَإِنِّي أَنَا عَبْدُكَ الذَّلِيلُ الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي، وَأَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي حَطَّهَا عَنِّي وَتَخْلِيصِي مِنَ الْأَدْنَاسِ وَالْأَرْجَاسِ.

إِلٰهِي وَسَيِّدِي قَدِ انْقَطَعْتُ عَنْ ذَوِي الْقُرْبىٰ وَاسْتَغْنَيْتُ بِكَ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا مُتَعَرِّضاً

---

(۱) عاملى كفعمى، ابراهيم بن على، **مصباح**، ص ٤٦١.

لِمَعْرُوفِكَ ، أَعْطِنِي مِنْ مَعْرُوفِكَ مَعْرُوفاً تُغْنِينِي بِهِ عَمَّنْ سِوَاكَ» (۱).

در **رسالة** شهيد ثانى از انس از رسول خدا ﷺ روايت فرموده : كسى كه اين كلمات را هفت مرتبه در شب جمعه بگويد پس اگر بميرد در آن شب ، داخل بهشت مى‌شود ، وكسى كه روز جمعه بگويد و بميرد در آن روز ، داخل بهشت مى‌شود :

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ أَمَتِكَ ، وَفِي قَبْضَتِكَ وَنَاصِيَتِي بِيَدِكَ ، أَمْسَيْتُ عَلىٰ عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ، أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ ، أَبُوءُ بِعَمَلِي وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» (۲).

فضيلت زيارت پدر و مادر و صالحين از اموات در روز جمعه

و نيز در آن رساله است كه نبى اكرم ﷺ فرمود : هركه زيارت كند پدر و مادر خود را يا يكى را در هر جمعه ، آمرزيده شود و از نيكوكاران نوشته شود (۳).

و بعضى صالحين فرموده‌اند : مردگان زيارت كنندگان خود را در روز جمعه ، و يک روز پيش و يک روز بعد مى‌دانند (٤).

و از انس روايت است كه نبى اكرم ﷺ فرمود : كسى كه روز جمعه بعد از نماز جمعه بخواند «قل هو الله أحد» را صد مرتبه ، و صد مرتبه صلوات بر نبى فرستد ، و هفتاد مرتبه بگويد :

«اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ ، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ».

خدا صد حاجت او را برآورد ؛ هشتاد از حوائج آخرت و بيست از حوائج

---

(۱) ابن طاووس، على بن موسى، **جمال الأُسبوع**، ص ۲۲۹ و ۲۳۰ ؛ مجلسى، محمد باقر بن محمّد تقى، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۳۳۲ و ۳۳۳.

(۲) **نزهة الزاهد**، ص ۲۱۰.

(۳) مجلسى، محمد باقر بن محمّد تقى، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۳۵۹.

(٤) همان.

دنیا[۱].

و این روایت اخیره راکفعمی در **جنّة الأمان الواقیه** از نبی اکرم ﷺ روایت کرده، و صلوات بر نبی و آل آن حضرت را نیز روایت کرده[۲].

مؤلّف گوید: در زمانی که نماز جمعه را نخواند دعاهای آن را بعد از نماز ظهر به قصد قربت مطلقه قرار دهد.

در فائده خواندن حمد، معوّذتین و توحید در روز جمعه

و کفعمی نیز روایت کرده که خواندن سورۀ «توحید» هفت مرتبه بعد از نماز جمعه امان است تا جمعۀ دیگر[۳].

و در روایت دیگر: خواندن «حمد»، «معوّذتین» و «توحید» هر کدام هفت مرتبه در روز جمعه امان و حفظ است تا جمعه دیگر[٤].

و از **مسند** أبو حنیفه و **جامع** ابن وهب نیز در این باب روایت شده[٥].

و ضرر ندارد این‌گونه روایات در آنچه شرعیّت آن بالاصل ثابت است؛ به جهت آنکه ائمّۀ طاهرین علیهم‌السلام در اخبار صحیحه فرموده‌اند: کسی که ثواب عملی به او برسد و او آن عمل را به امّید ثواب به‌جا آورد، خدا همان ثواب را به او دهد هرچند معصوم آن را نفرموده باشد[٦].

بلی، آنچه تشریع آن معلوم نباشد، مثل بعضی از نمازهای روز جمعه که زیاده بر دو رکعت به یک سلام است به این اخبار مشروع نمی‌شود. و جمعی از علما قاعدۀ

---

(۱) همان؛ **نزهة الزاهد**، ص ۲٤٥؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۲۲.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۲۱.

(۳) همان.

(٤) همان.

(٥) همان.

(٦) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۲، ص ۲٥٦.

تسامح را تا اینجا نیز آورده‌اند ، و این ضعیف است .

در کیفیّت صلوات مابین ظهر و عصر

و کفعمی از **جامع بزنطی** که از ثقات اصحاب امام رضا علیه السلام است روایت کرده : کسی که صلوات بفرستد بر محمّد و آل محمّد در مابین ظهر و عصر، معادل هفتاد رکعت نماز است [۱].

و حضرت صادق علیه السلام فرمود : هرکه بعد از نماز صبح و بعد از نماز جمعه بگوید :
«اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتَكَ وَصَلَوَاتَ مَلاَئِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» .
تا یک سال گناه بر او نوشته نشود [۲].

در بیان تعقیب نماز صبحِ روز جمعه

و آنچه مختص است به تعقیب نماز صبح جمعه آن است که بخواند «حمد» را یک مرتبه و «قل هو الله أحد» را هفت مرتبه ، در رکعت بعدی «حمد» را یک مرتبه و «قُل أعوذ بربّ الفلق» را هفت مرتبه ، بعد بگوید :
««اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشْوُهَا الْبَرَكَةُ ، وَعُمَّارُهَا الْمَلاَئِكَةُ مَعَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَبِينَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلاَمُ» .

پس صلوات فرستد به این روش :
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتّىٰ لَا تَبْقىٰ صَلَوَاتٌ ، اللَّهُمَّ وَبَارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتّىٰ لَا تَبْقىٰ بَرَكَةٌ ، اللَّهُمَّ وَسَلِّمْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتّىٰ لَا يَبْقىٰ سَلَامٌ ، اللَّهُمَّ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ حَتّىٰ لَا تَبْقىٰ رَحْمَةٌ» [۳].

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤٢٢ .
(۲) همان.
(۳) همان، ص ٤٢٢ و ٤٢٣.

دعا در روز جمعه و ثواب آن

و از حضرت صادق عليه‌السلام روايت شده كه: هركه اين دعا را روز جمعه بخوانـد، خدا بيامرزد هرگناهى راكه در آن هفته انجام داده باشد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُكَ السَّعَةَ وَالدَّعَةَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالْأَمْنَ وَالصِّحَّةَ وَالْيَقِينَ وَالْعِصْمَةَ وَالْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْقَصْدَ وَالشُّكْرَ وَالصَّبْرَ وَالْحِلْمَ وَالْبِرَّ وَالتَّقْوىٰ وَالتَّوْفِيقَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا لِلْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا، وَاعْمُمْ بِذٰلِكَ يَا رَبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَقَرَابَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ يَا رَبِّ، وَمَنْ أَحْبَبْتُهُ وَأَحَبَّنِي، وَوَلَدْتُهُ وَوَلَدَنِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ عَلىٰ طَاعَتِكَ، والصَّبْرَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ الصَّبْرَ لِحُكْمِكَ وَالصِّدْقَ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ، وَحَقَائِقَ الْإِيمَانِ، وَالشُّكْرَ لِنِعْمَتِكَ، وَالنَّظَرَ إِلىٰ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ فَإِنَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[(۱)].

در ترغيبِ خواندن ادعيه صحيفهٔ كامله

و دعاى روز جمعه را از صحيفهٔ كامله و دعاى مختصر آن را از ايّام هفته بخواند.

و در خواندن جميع دعاهاى صحيفه در همه وقت اهتمام كند كه مرحوم مجلسى اوّل رحمه‌الله در عالمِ رؤيا كتاب دعايى از حجّت غائب عجّل الله فرجه طلب كردند و آن حضرت صحيفه را به ايشان دادند.

تأكيد در به‌جا آوردن غسل جمعه

و غسل جمعه را ترك نكند[(۲)].

و حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله، اميرالمؤمنين عليه‌السلام را فرمود: اگر جميع مال خود را بدهى

---

(۱) **نزهة الزاهد**، ص ۲۳٤.

(۲) قمى، جعفر بن احمد، **جامع الأحاديث** ـ كتاب **العروس** ـ، ص ۱٦۰.

و آن روز راگرسنه باشی این کار را انجام بده و غسل جمعه را ترک مکن [۱].

و در حدیث است که کسی که بدون عذر غسل جمعه را ترک کند منافق است.

و بعضی از علما فرموده‌اند: خداوند را در هوا شهری است که دیوار آن مثل سطح بیضهٔ مرغ، و هفتاد هزار در دارد، و در هر دری است به‌قدر فرزندان آدم هزار هزار مرتبه، هرگاه روز جمعه شود می‌گویند: خدا بیامرزد کسی راکه غسل جمعه کند.

و بدان که در سفر رخصت داده شده از برای زنان ترک آن [۲].

و شیخ حرّ از کلینی به سند صحیح از زراره روایت کرده که حضرت باقر علیه‌السلام فرمود: ترک مکن غسل جمعه را در روز جمعه که سنّت است ـ تا آنکه فرمود: ـ واجب است غسل در روز جمعه [۳].

و مراد از وجوب، تأکّد استحباب است جمعاً بین الاخبار علی الاقوی. و بعضی از اصحاب به وجوب قائل شده‌اند، و آن ظاهراً فرموده کلینی است، و در **کافی** در عنوان باب، به وجوب غسل جمعه تعبیر فرموده [٤].

نقل عبارات بعضی از فحول علما در باب غسل جمعه

و در **فقیه** فرموده:

«غُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَاجِبٌ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ، فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ، إِلَّا أَنَّهُ رُخِّصَ

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأُسبوع**، ص ٣٦٦؛ مجلسی، محمدباقر بن محمّدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۱، ص ۱۲۹.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ٤٠.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ٤١٧؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۳، ص ۳۱۷و ۳۱۸.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ٤١.

لِلنِّسَاءِ فِي السَّفَرِ لِقِلَّةِ الْمَاءِ»[۱].

و در عبارت دیگر فرمود:

«وَغُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ سُنَّةٌ وَاجِبَةٌ»[۲].

و در **مجالس** فرموده:

«الْغُسْلُ فِي سَبْعَةَ عَشَرَ مَوْطِناً».

بعد، غسل جمعه را در آن جمله ذکر نموده، و این غسل را مثل سایر اغسال مندوبه به اجمال ذکر کرده[۳] و از اینجا استحباب ظاهر می‌شود.

و در **بحار** بعد از نقل وجوب از صدوقین، فرموده: آن احوط است[٤].

و صریح **مقنعه** و **تهذیب** استحباب مؤکّد آن است[٥]؛ و آن نیکوست.

در ذمّ ترک غسل جمعه

و در **کافی** و **بحار** و **وسائل** از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است: هرگاه کسی را ملامت می‌کرد می‌فرمود: به‌خدا تو عاجزتری از کسی که ترک کند غسل جمعه را، پس کسی که غسل کند، از جمعه تا جمعهٔ دیگر پاک می‌شود[٦].

و شیخ طوسی در **تهذیب** روایت کرده از عمّار ساباطی که سؤال کرد از حضرت صادق علیه السلام از مردی که فراموش کند غسل جمعه را و نماز کند؟ فرمود: اگر در وقت است بر اوست که غسل کند و اعاده کند نماز را، و اگر وقت گذشته جایز است نماز

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ۱۱۱.

(۲) همان.

(۳) همو، **أمالی**، ص ٥۱٥، مجلس ۹۳؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذيب الأحكام**، ج ۱، ص ۱۱٤.

(٤) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۱، ص ۱۲۲.

(٥) طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذيب الأحكام**، ج ۱، ص ۳٦٦ و ج ٤، ص ۲۸۱.

(٦) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ٤۲؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۳، ص ۳۱۸؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ٤۱، ص ۱۲۳.

او ، و آن را حمل بر استحباب فرموده [۱].

در بیان وقت آن

و امّا وقت آن از صبح تا زوال است ، و نزدیک به ظهر افضل است [۲].

در **بحار** فرموده : محقّق ادّعای اجماع فرموده بر اختصاص استحباب به ما قبل زوال، چنانچه مشهور است [۳].

وشیخ در موضعی از کتاب **خلاف** فرموده : وقت آن تا هنگامی است که نماز جمعه را بگزارد ، و ظاهر از بعضی اخبار، امتداد وقت آن تا آخر روز است ، و اگر بعد از زوال قصد ادا و قضا نکند نیکوست [٤].

و حکم ثانی که افضلیّت قرب زوال باشد ، صدوق در **فقیه** آن را ذکر کرده است [٥].

و بعضی از اصحاب نیز فرموده‌اند ، و آن در ***فقه الرضا*** علیه‌السلام مسطور است ، این خبر با شهرت بین قدما کافی است ، و توقّف بعضی از متأخّرین در آن، لعدم النص، تمام نیست [٦].

در بیان زمان قضای آن

و امّا قضای بعد از زوال و روز شنبه ، مشهور بین اصحاب است [۷].

و ظاهراً بیشتر ، عدم فرق بین فوات عمدی و عذری و نسیانی است ، و ظاهر

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، ج ۱، ص ۱۱۲.
(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۱۱۱.
(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۱، ص ۱۲۵.
(٤) همان.
(٥) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۱۱۱.
(٦) **فقه الرضا** علیه‌السلام، ص ۱۷۵، باب ۲۲.
(۷) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۱۱۱.

صدوق اشتراط عذر یا نسیان است ، و عدم اشتراط اقواست لإطلاق الأخبار المعتبرة .

و فرق نیست در ظاهر اکثر و متفاهم عرفی اخبار و حکمت بین شب شنبه و غَدِ [صبح] آن ، بلکه شاید أقرب به جمعه افضل باشد .

و محقّق در **حواشی تهذیب** و مجلسی در **بحار** در شب شنبه اشکال فرموده با اعتراف به آنکه ظاهر اکثر است لاحتمال اشتراط المماثله (۱).

و در **فقه الرضا** عليه‌السلام مسطور است :

«فَإِنْ فَاتَكَ الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَضَيْتَ يَوْمَ السَّبْتِ أَوْ بَعْدَهُ مِنْ أَيَّامِ الْجُمُعَةِ» (۲).

و اگر رجاءً به آن عمل کند خوب است .

و در **بحار** قائل به آن شده و روایت دیگر بر طبق آن ندیده (۳).

در استحباب تقدیم آن در پنج شنبه در صورت خوف فوت در روز جمعه

وکسی که بترسد فوت آن را در روز جمعه ، مستحب است که مقدّم بدارد غسل را در روز پنج شنبه (٤).

و در حال غسل بگوید آنچه را روایت کرده ابو ولّاد از حضرت صادق عليه‌السلام :

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (٥).

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۱، ص ۱۲٦ .

(۲) **فقه الرضا** عليه‌السلام، ص ۱۲۹ ، باب ۸ ؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۲، ص ۵۰۷ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۱، ص ۱۲۵ .

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۱، ص ۱۲۵ و ۱۲٦ .

(٤) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشيعه**، ج ۳، ص ۳۱۹ .

(٥) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۱، ص ۱۲۸ .

شهید آن را در **نفلیّه** در باب غسل جمعه روایت کرده [۱].

و در باب غسل جنابت روایت کرده که مستحب است در اثنای غسل بگوید :

«اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجْرِ عَلىٰ لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَالثَّـنَاءَ عَـلَيْكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُوراً وَشِفَاءً وَنُوراً إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ».

بعد از فراغ بگوید :

«اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي، وَزَكِّ عَمَلِي، وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْراً لِي، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

و کفعمی در **مصباح** نیز این را روایت کرده [۲].

در استحباب خواندن صد مرتبه سورهٔ قدر

و از **جامع** ابن وهب روایت کرده که خواندن صد مرتبه سورهٔ «إنّا أنزلناه في ليلة القدر» در روز جمعه مستحب است [۳].

همچنین او و دیگران روایت کرده‌اند که دعای عشرات را در عصر جمعه خواندن مستحب است [٤].

استحباب تنظیف در روز جمعه

و مستحب است در این روز شستن سر را به خطمی که آن امان است از برص و جنون، و سبب وسعت روزی است، و ناخن و شارب گرفتن سنّت مؤکّد است، و شارب را قدری پایین‌تر بچیند بهتر است، و اگر ناخن او بلند نباشد کارد را بر آن مرور دهد، و چیزی از آن را بساید، و در حال ناخن گرفتن و شارب چیدن بگوید :

---

(۱) شهید اوّل، محمّد بن مکی، **نفلیّه**، ص ۱۳۲ (با کمی اختلاف).

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱۲.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۲۲.

(٤) همان، ص ۸۷.

«بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلىٰ سُنَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»[۱].

استحباب گرفتن ناخن و سبیل در روز جمعه

وکلینی روایت کرده :کسی که بگیرد از ناخن و سبیل خود چیزی در روز جمعه و بگوید : «**بِسْمِ اللهِ عَلىٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**» ، خدا بنویسد از برای او به هر موی و هر ریزهٔ ناخنی آزادی بنده‌ای را ، و نرسد او را مرضی غیر از مرض مرگ[۲].

در استحباب استعمال بوی خوش در روز جمعه بلکه در سایر ایّام

و مستحب مؤکّد است در این روز بوی خوش استعمال کردن،[۳] بلکه هر روز اگر بتواند، چنانچه صدوق در ***خصال*** از حضرت رضا علیه‌السلام روایت کرده : سزاوار نیست مرد را که واگذارد بوی خوش را در هر روز ، و اگر نتواند یک روز در میان استعمال کند ، و اگر نتواند در هر جمعه ترک نکند این را[٤].

و در روایت دیگر : از برای خدای عزّ اسمه بر هر مکلّفی در روز جمعه حق است ،گرفتن سبیل و ناخن و مَسِّ چیزی از بوی خوش[٥].

در بیان برخی از آداب دیگر

و مستحب است جماع با حلیله در این شب و روز[٦].

و لباس نو و نظیف پوشیدن و با وقار بودن[۷].

---

(۱) همان، ص ٤۲۰ و ٤۲۱ و نیز رجوع شود به حاشیه کتاب.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ٤۱۷.

(۳) همان.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۲، ص ۳۹۲.

(٥) همان.

(٦) قمی، جعفر بن احمد، **جامع الأحادیث** ـ کتاب **العروس** ـ، ص ۱٥٤.

(۷) همان.

و مواظبت بر اجتناب از محرّمات و سخنان لغو و شعر باطل ؛ چنانچه از روزهای دیگر بهتر باید داشت . و همچنین در هر زمان و مکان باید مواظب باشد [۱].

و مستحب است خوشحال کردن اهل بیت خود را به خریدن میوه وگوشت و نحو آن از برای ایشان [۲]، و خوردن انار [۳].

در **مصباح** فرموده : روایت شده در خوردن انار در روز جمعه و شب آن که فضیلت بسیار دارد [٤].

و در ***وسائل*** روایت کرده که اگر در وقت صبح [٥] قبل از خوردن و تناول نمودن شیئی ، انار بخورد خداوند چهل روز قلب او را منوّر گرداند ، و شیطان را از او دفع کند [٦].

و حضرت صادق علیه‌السلام هر شب جمعه انار می‌خوردند [۷].

و خوردن برگ کاسنی پیش از زوال ممدوح است [۸].

و برقی روایت کرده : کسی که هفت برگ کاسنی بخورد در روز جمعه قبل از زوال ، داخل بهشت گردد [۹].

---

(۱) همان.

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۲، ص ۳۹۱.

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۹، ص ۳۱٤.

(٤) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤۲۰.

(٥) لا یخفی که در نسخه‌ای به‌جای «وقت صبح» «ناشتا» آمده، به این وضع که اگر ناشتا انار بخورد قلب او منوّر شود. (منه)

(٦) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٥٤۳ ؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۲٥، ص ۱٥۷.

(۷) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٥٤۰ ؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۲٥، ص ۱٥۳.

(۸) مستغفری، جعفر بن محمّد، **طبّ النبی** صلی‌الله‌علیه‌وآله، ص ۳۰.

(۹) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٥۱۰.

و اظهر استحباب روزهٔ این روز است ولو بانفراده ، و اگر روز دیگر را از ماقبل یا مابعد ضمّ کند بهتر است .

و در **صحيفة الرضا** عليه‌السلام مسطور است که حضرت امیر المؤمنین عليه‌السلام در وقت وضوی نافلهٔ روز جمعه می خواندند :

«بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ وَاَكْرَمِ الْأَسْمَاءِ وَاَشْرَفِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللهِ الْقَاهِرِ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَا قَلْبِي بِالْإِيمَانِ وَرَزَقَنِي الْإِسْلاَمَ . اللَّهُمَّ تُبْ عَلَيَّ وَطَهِّرْنِي ، وَاقْضِ لِي بِالْحُسْنىٰ فِي عَافِيَةٍ وَفِي عَاقِبَةِ أَمْرِي وَجَمِيعِهِ ، وَأَرِنِي كُلَّ الَّذِي أُحِبُّ فِي الْعَاجِلَةِ وَالْآجِلَةِ . افْتَحْ لِي أَبْوَابَ الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ» [1].

و در **جمال الأسبوع** و صلاة **بحار** بعد از هر دو رکعتی از نافله دعایی دارد که این مختصر وسعت آن را ندارد [2].

و بعد از فراغ از نافله ، قبل از نماز واجبِ روز جمعه بگوید : **«سُبْحَانَ رَبِّي وَبِحَمْدِهِ وَأَسْتَغْفِرُ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»** صد مرتبه، تا خداوند عزّ وجلّ برای او مسکنی در جنّت بنا کند .

و نیز بگوید آنچه امیرالمؤمنین عليه‌السلام می فرمود بعد از نافلهٔ زوال :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلاَئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلِينَ ، اللَّهُمَّ لَكَ الْغِنَاءُ عَنِّي وَبِيَ الْفَاقَةُ إِلَيْكَ ، أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ إِلَيْكَ ، أَقَلْتَنِي عَثْرَتِي ، وَسَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبِي ، فَاقْضِ يَا اللهُ حَاجَتِي ، وَلَا تُعَذِّبْنِي بِقَبِيحِ مَا تَعْلَمُ مِنِّي ، فَإِنَّ عَفْوَكَ وَجُودَكَ يَسَعُنِي» .

پس به سجده رود و بگوید :

«يَا أَهْلَ التَّقْوىٰ وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ ، يَا اللهُ يَا بَرُّ يَا رَحِيمُ ، أَنْتَ أَبَرُّ بِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَمِنْ

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۲۵۸.

(۲) همان، ص ۳۷۰ ـ ۴۰۲.

جَمِيعِ الْخَلَائِقِ، اقْلِبْنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي، مُجَاباً دُعَائِي، مَرْحُوماً صَوْتِي، قَدْ كَشَفْتَ أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ عَنِّي»[۱].

در فضیلت این صلوات در روز جمعه و حکایت مردی که نسبت سرقت به او داده بودند

در **بحار** و **مصباح** کفعمی از صاحب کتاب ***الرسائل*** روایت کرده‌اند: مردی را آوردند خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و جماعتی شهادت دادند که ناقه‌ای را دزدیده است، پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله اراده کرد که دست راست آن مرد را قطع نماید، آن مرد این صلوات را خواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّىٰ لَا تَبْقَىٰ مِنْ صَلَوَاتِكَ شَيْءٌ، وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ مِنْ رَحْمَتِكَ شَيْءٌ، وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ مِنْ بَرَكَاتِكَ شَيْءٌ، وَسَلِّمْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ مِنْ سَلَامِكَ شَيْءٌ».

پس ناقه به تکلّم آمد و به برائت آن مرد شهادت داد، پس نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چون این صلوات را خواند ملائکه را دیدم کوچه‌های مدینه را می‌پیمودند تا حایل شوند میان من و او، پس فرمود به آن مرد: صورت خود را بر صراط روشن‌تر از ماه شب چهارده خواهی دید[۲].

و بدین مضمون روایت دیگر از کفعمی گذشت، که شرح آن را در حاشیه نقل فرموده.

و دعای وقت زوال را که خواهد آمد، بخواند.

---

(۱) همان، ص ۴۰۱؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۷، ص ۷۱.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۴۲۳، فصل ۳۳؛ مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۰، ص ۶۷.

در کیفیّت صلوات بعد از نماز روز جمعه

و بعد از نماز عصر جمعه ده مرتبه بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَعَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَعَلىٰ أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ»[1].

و چنانچه شهید در **ذکریٰ** روایت کرده، در تعقیب نماز عصر روزهای دیگر هفت مرتبه بخواند.

و در روایتی دیگر عددی ذکر نشده و «عَلَيْهِمْ» مقدّم است بر «السّلام»، و در **ذکریٰ** «وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ» آورده است.

و در **بحار** نیز موافق با **ذکری** از روایت بزنطی با **سرائر** نقل شده که حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: هرکس بگوید بعد از عصر روز جمعه و یا روز دیگر «اللّهُمَّ صَلِّ» تا آخر، از برای او مثل عبادت جنّ و انس در آن روز خواهد بود.

در بیان فضیلت استغفار

بدان که استغفار بعد از عصر هفتاد مرتبه، کفّارهٔ هفتاد سال گناه است، اگر از خود ندارد از والدین او، و اگر نه از خویشان او، و اگر نه از همسایگان او.

و در **نفلیّه** فرموده: مختص است عصر و مغرب به هفتاد مرتبه استغفار، و صورت آن این است که بگوید:

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»[2].

و شعر خواندن و احادیث جاهلیّت و کلمات بیهوده را ترک کند.

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ٤٤٥؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤٢٢.

(۲) شهید اوّل، محمّد بن مکی، **نفلیّه**، ص ۱۳۲.

کیفیّت به‌جا آوردن نوافل در روز جمعه

و نوافل ظهرین را با آن چهار رکعت دیگر که در این روز زیاد می شود همه را افضل آن است که پیش از زوال بگزارد به این طریق که : شش رکعت را در وقت پهن شدن شمس ، و شش رکعت را در وقت بلند شدن آفتاب ، و شش رکعت را در وقت نزدیک به ظهر که تقریباً آفتاب به دائرهٔ نصف النهار رسیده قبل از رسیدن آن بخواند ، و دو رکعت را متصل به زوال بخواند بعد از زوال .

و در روایتی قبل از زوال به اندکی آمده .

و اگر همه را بعد از زوال بگزارد نیز جایز است .

خواندن دعای ندبه و نماز جعفر طیّار عليه السلام

و دعای ندبه راکه مجلسی رحمه الله در ***زاد المعاد*** و ***تحفة الزائر*** ذکر فرموده ، بخواند (۱).

و بعضی از مشایخ در ***نجم الثاقب*** از ***مزار*** قدیمی که مؤلّف آن معاصر شیخ طبرسی صاحب ***احتجاج*** بوده روایت کرده که در شب جمعه نیز دعایی مروی است که باید بخواند (۲).

و نماز جعفر طیّار عليه السلام راکه عامّه و خاصّه ذکر کرده‌اند و معروف است به صلاة تسبیح و در ***زاد المعاد*** است ، بخواند که بهترین وقت آن هنگام بالا آمدن آفتاب در روز جمعه است (۳).

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **زاد المعاد**، ص ۴۹۱؛ همو، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۲، ص ۱۰۴؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۵۵۳.

(۲) نوری، میرزا حسین، **نجم الثاقب**، ص ۴۴۶.

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **زاد المعاد**، ص ۵۲۰ ـ ۵۲۸؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۲۸۱. طریقهٔ خواندن نماز جعفر طیّار : چهار رکعت است به دو تشهّد و دو سلام. در رکعت اول بعد از حمد «إذا زلزلت» می‌خواند و در رکعت دوم سورهٔ «والعادیات» و در رکعت سوم «إذا جاء نصر الله» و در رکعت چهارم «قل هو الله أحد» و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت، پانزده مرتبه ←

و اگر نوافل را بدین صورت یا به طریق نماز حضرت رسول و امیرالمؤمنین و فاطمه سلام الله علیهم اجمعین بگزارد خوب است .

خواندن زیارت عاشورا (۱) و بعضی از زیارات دیگر

و زیارت عاشورا که در هر روز وارد شده ثواب عظیم دارد ، و از برای برآمدن حوائج بی‌نظیر است ، اگر در هر روز نمی‌خواند در این روز که ثوابش مضاعف است و اختصاص دارد، مناسب است که ترک نکند ، به انضمام زیارت حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام و بعضی از زیارات .

و دعاهای توجّه به ائمّه عليهم السلام خصوص امام زمان عجّل الله تعالی فرجه و از ایشان فراموش نکند، چنانچه از ما فراموش ندارند که ذکر ایشان ذکر خدای تعالی جلّ شأنه است ، و تأسّف بر غیبت امام حجّة بن الحسن عليه السلام و چگونه تأسّف نمی‌خورد بر آن و تأسّف می‌خورد بر دنیا و یا درهم یا شیئی که از او مفقود شود .

← می‌گوید : «سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَر» و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه می‌گوید و چون سر از رکوع برمی‌دارد ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آن که برخیزد ده مرتبه. در هر چهار رکعت چنین می‌کند که مجموع سیصد مرتبه شود .

(۱) برای خواندن زیارت عاشورای معروفه رجوع شود به **مفاتیح الجنان** ، امّا زیارت عاشورای آسانی به نقل از بعضی علماء رحمهم الله نقل شده که بیان می‌گردد : علّامه شریف شیروانی در کتاب خود «**الصدف المشحون**، ج ۲، ص ۱۹۹» و حاج شیخ نصرالله شبستری در «**لؤلؤ النضيد**، ص ۲٦٥» و شیخ علی اکبر نهاوندی در «**گلزار أکبری** ، ص ۲» و شیخ محمّد حسین نخبة الفقهاء در «**أنيس المقلّدين**، ص ۸» و علّامه أمینی در «**أدب الزائر** ، ص ٦٠» و آقابزرگ تهرانی در «**الذريعة**، ج ۱۵، ص ۲۹» و غیر اینها از حضرت امام هادی عليه السلام نقل نموده‌اند که آن حضرت فرمود : کسی که لعن زیارت عاشورای مشهور را یک مرتبه بخواند و بعد ۹۹ مرتبه بگوید : «اللهم العنهم جميعاً» مانند کسی است که آن را صد مرتبه خوانده باشد ؛ و همچنین سلام کسی که سلام آن زیارت را یک مرتبه بخواند ، و سپس ۹۹ مرتبه بگوید : «السلام على الحسين وعلى عليّ بن الحسين وعلى أولاد الحسين وعلى أصحاب الحسين» مانند کسی است که صد مرتبه خوانده باشد .

و باید دوست نداشته باشد بقای کسانی که غاصب حقّ آن حضرت می‌باشند هرچند به این شخص احسان کنند، چنانچه ابن طاووس در **کشف المحجّه** فرزند خود را وصیّت می‌فرماید و مکرّر آن حضرت در اخبار به غریب و طرید و وحید و شرید و مظلوم وصف شده.

استحباب دعا در تعجیل فرج

و باید برای تعجیل فرج زیاد دعا کرد.

و روایت شده که افضل اعمال در روز جمعه صد مرتبه گفتن: «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ**» است [۱].

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین اعمال امّت من انتظار فرج است [۲].

و حضرت امیر علیه السلام فرمود: منتظر امر ما مانند کسی است که در خون خود غلتیده باشد، چنانچه صدوق در **کمال الدین** روایت کرده.

در فضیلت دعا از برای حضرت بقیّة الله

و ابن طاووس در کتاب **مضمار** روایت کرده از محمّد بن علی طرازی که به سند معتبر روایت کرده از حمّاد بن عثمان که حضرت صادق علیه السلام در نماز صبحِ بیست و یکم ماه مبارک رمضان بعد از آنکه نماز شب را می‌خواندند، اذان و اقامه فرمود و بعضی از غلامان خود را طلبید که با آن حضرت نماز صبح را به جماعت بخوانند، و در رکعت اوّل بعد از حمد «إنّا أنزلناه»، و در دوم «قل هو الله احد» خواند، و چون فارغ شدیم از تسبیح و تقدیس و ثنای بر خداوند و صلوات بر محمّد و آل او و دعای از برای جمیع مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات از اوّلین و آخرین به سجده افتاد و می‌فرمود:

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۴۵۰.

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۴، ص ۳۸۳.

«لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ...».

تا آخر كه دعايى طولانى است ، و در اواخر آن فرمود :

«أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ لِفَرَجِ مَنْ بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَوْلِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَبِهِ تُبِيدُ الظَّالِمِينَ وَتُهْلِكُهُمْ ، عَجِّلْ ذٰلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»[۱].

و سيّد ابن طاووس در فصل هشتم از كتاب ***فلاح السائل*** بعد از ذكر ترغيب در دعا از براى برادران و اخوان فرموده كه هرگاه اين فضل دعا از براى اخوان توست، چگونه خواهد بود فضل دعا براى سلطان تو كه سبب وجود توست كه اگر نبود آن جناب نمى‌آفريد خداوند تو را و نه احدى از مكلّفين را ، پس حذر كن از آنكه مقدّم دارى خود را يا احدى از خلايق را بر آن جناب[۲].

و دعاهاى مخصوصه از ائمّه عليهم السلام وارد است ، و در **بحار** و غيره مسطور است[۳].

و شيخ معاصر جليل وحيد ، بسيارى را در ***نجم الثاقب*** كه به فارسى مرقوم داشته‌اند و نظير ندارد در باب خود ذكر نموده‌اند[٤].

در استحباب تصدّق براى حفظ وجود مبارك آن حضرت

و در اين روز و هر روز و هر وقت تصدّق براى حفظ وجود مبارك امام عصر عليه السلام مستحب است .

و سيّد ابن طاووس در ***كشف المحجّه*** وصيّت فرموده فرزند خود را كه حوائج آن حضرت را بر حوائج خود وقتى كه نماز حاجت مى‌خوانى مقدّم دار ، و صدقه‌اى از جانب آن حضرت را پيش از جانب خود ، و از جانب هركس كه گرامى است نزد تو قرار ده .

---

(١) ابن طاووس، على بن موسى، **فلاح السائل**، ص ٤٤ ـ ٤٦.

(٢) همان، ص ٤٥.

(٣) مجلسى، محمد باقر بن محمّد تقى، **بحار الأنوار**، ج ٨٩، ص ٣٣٣ و ٣٤٢.

(٤) نورى، ميرزا حسين، **نجم الثاقب**، ص ٤٤٢ و ٤٤٣.

و معلوم است که ائمّه برای سلامتی خود از شرور امرا در صبح و شام و اوّل هر ماه و اوّل سفر و حالات دیگر صدقه می دادند.

در بیان قیام در هنگام ذکر حضرت حجّة الله به جهت تعظیم و احترام

و در وقت ذکر القاب آن حضرت برخیز که آن تعظیم رسول صلی الله علیه و آله و ائمّه علیهم السلام است، چنانچه سیّد احمد مفتی شافعی مکّی معاصر، اعتراف به آن کرده.

شعر:

قَلِیلٌ لِمَدْحِ الْمُصْطَفَی الْخَطُّ بِالذَّهَبِ عَلیٰ وَرَقٍ مِنْ خَطِّ أَحْسَنَ مَنْ کَتَبَ
وَأَنْ تَخْلُصَ الْأَشْرَافُ عِنْدَ سَمَاعِهِ قِیَاماً صُفُوفاً أَوْ جِثِیّاً عَلَی الرُّکَبِ

و امّا ذکر اسم آن حضرت، مشهور حرمت آن است، و خواجه نصیرالدین و صاحب ***کشف الغمّه*** و شیخ بهائی به جواز قائل شده‌اند، و احوط ترک است.

و از برای مرحوم میرداماد کتابی است در تحریم و ردّ بر شیخ متقدّم معاصر ایشان.

و در حوائج خود متوسّل به آن جناب شود، و جمله‌ای از علما «ابا صالح» را که گمشدگان در راه را هدایت می‌فرماید، آن جناب می دانند.

و سیّد ابن طاووس فرموده: من بعد از زیارت آن حضرت این بیت را می خوانم و می‌گویم به اشاره:

نَزِیلُكَ حَیْثُ مَا اتَّجَهَتْ رِکَابِي وَضَیْفُكَ حَیْثُ کُنْتُ فِي الْبِلَادِ (۱)

و شیخ کفعمی فرموده بعد از ذکر دعاهایی از این باب که دیدم به آب طلا اینها را در کتاب بعضی از اصحاب.

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۳۸ و ۳۹.

دعا در وقت زوال روز جمعه

و در **مصباح** شیخ و **جمال** ابن طاووس است که در وقت زوال بخواند:

«يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا بَارِئَ النَّسَمِ، يَا عَلِيَّ الْهِمَمِ، يَا مُغْشِيَ الظُّلَمِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ، يَا مُونِسَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، يَا عَالِماً لَا يُعَلَّمُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا مَنِ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنىٰ، ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، سُبْحَانَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»[۱].

و بعد از هر دو رکعت نافله بخواند این دعای خوش مضمون را که شیخ بهائی در **مفتاح** ذکر فرموده:

«اللّٰهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي، وَخُذْ إِلَى الْخَيْرِ بِنَاصِيَتِي، وَاجْعَلِ الْإِيمَانَ مُنْتَهىٰ رِضَايَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي، وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي أَرْجُو مِنْكَ، وَاجْعَلْ لِي وُدّاً وَسُرُوراً لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَهْداً عِنْدَكَ»[۲].

در فضیلت خواندن دعای عشرات در روز جمعه

و سیّد ابن طاووس فرموده از مهمّات است خواندن دعای عشرات بعد از صلاة عصر روز جمعه، و روایت شده که نباید خوانده شود مگر با طهارت و رو به قبله، و مطّلع شدم بر پنج روایت از آن که نسخه‌ها با یکدیگر اختلاف دارد[۳].

و در کتاب ***مهج الدعوات*** فرموده: بر شش نسخه مطّلع شدم. دو روایت را در ادعیه وقت غروب ذکر کردم و دیگری را در تعقیب صبح درکتاب ***عمل یوم و لیله***، و یک روایت را در تعقیب عصر روز جمعه از کتاب ***مهمّات***، و یک روایت را در ***اغاثة***

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ٤١٠.

(۲) شیخ بهایی، محمّد بن الحسین، **مفتاح الفلاح**، ص ١٤٦.

(۳) فضیلت و ثواب دعای عشرات را بنگرید به: ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ١٤٥ و ١٤٦.

الداعی واعانة الساعی، و دو روایت را در اینجا؛ یعنی *مهج الدعوات* ذکر می‌کنم، بعد در روایت دوم فرموده که از جانب خدا دانستم که این ارجح است از روایت سابقه[۱].

و سیّد صاحب کرامات بوده‌اند، و گاه قاصد از حضرت علیه السلام به نزد ایشان می‌آمد، پس تعجّبی از این نحو کلام از ایشان نیست. و شیخ متبحّر وحید در عصر خود در تتبّع و کتابخانه که بسیاری از آنها از میان رفته، بعد از ایشان ابراهیم بن علی کفعمی این دعای عشرات را در **مصباح** در ادعیهٔ هر صبح و شام ذکر فرموده، و فرموده: افضل وقت آن بعد از عصر روز جمعه است[۲].

و در ***بلد الامین*** نیز آن را ذکر فرموده‌اند[۳].

و در **بحار** در ادعیه روز جمعه نیز آن را به اختلاف روایت در فضیلت و در سند و متن این دعا ذکر کرده[٤].

و فضل این دعا بی‌نهایت عظیم است.

در بیان مقداری از فضیلت دعای عشرات

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود به حضرت امام حسین علیه السلام که: تو را خبر می‌دهم به چیزی که اصل آن از خداوند عزّ وجل است، هرگاه بخوانی این دعا را صبح و شام مشغول می‌شوند هزار هزار ملک که عطا می‌شوند هریک قوّت هزار هزار کاتب را در سرعت نوشتن که ثواب آن را بنویسند، و هزار هزار ملک که هرکدام قوّت هزار هزار دارند شروع می‌کنند برای تو به استغفار، و بنا می‌شود برای تو هزار هزار قصر در فردوس، و در هر قصری هزار خانه است، و بنا می‌شود برای تو در جنّات عدن هزار شهر، و در هر روزی نوشته می‌شود برای تو به عدد هر

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۱٤٥.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸۷.

(۳) همو، **بلد الأمین**، ص ۲٤.

(٤) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ۲۷۱.

نفسی از جن و انس هزار هزار حسنه ، و محو می شود هزار هزار گناه ، و بلند شود از برای تو هزار هزار درجه ، و هر حاجت که بخواهی برآورده شود ، آن را از غیر شیعیان خود مخفی نمای . و روایت طویل است (۱).

در بیان خواندن دعای شریف سمات در ساعت آخر روز جمعه

و نیز دعای سمات از مهمّات است که در ساعت آخر روز جمعه خوانده شود، و مشتمل بر اسم اعظم است ، و در اجابت دعای بعد از آن بی‌نظیر است . و از عثمان بن سعید، نائب حضرت حجّت عجّل الله تعالی فرجه روایت شده ، و از قدیم تمام علما اعتنا به قرائت آن داشته‌اند ، و در دو کتاب کفعمی ، و کتب شیخ الطائفه ، و سیّد ، و **بحار** و غیرهما مسطور است (۲).

و وصیّت می‌کنم نفس خود را و اخوان خود را به مواظبت و محافظت بر این دعا، مثل محافظت بر تلاوت قرآن ، والله الموفّق .

در بیان ترغیب نمودن به نماز جمعه

و نماز جمعه را مهما امکن بدون عذر نباید ترک کرد اگرچه قوّت دادیم در ***وثیقة الفقهاء*** و ***عين الباصرة فی شرح التبصرة*** که وجوب تخییری دارد مثل این زمان ، ولکن فضل آن عظیم است و امر آن شدید .

و در روایت صحیحه است که کسی که ترک کند نماز جمعه را سه جمعه متوالیه ، خداوند مُهر کند قلب او را (۳).

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۱٤٥ و ۱٤٦.

(۲) همو، **جمال الأسبوع**، ص ۵۳۳؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمين**، ص ۸۹؛ همو، **مصباح**، ص ٤۲۳؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۳۷٤؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۰، ص ۹٦ و ۹۹.

(۳) طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذيب الأحكام**، ج ۳، ص ۲۳۸.

و حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود : خداوند واجب کرده بر شما جمعه را؛ پس کسی که ترک کند آن را در حیات من یا بعد از موت من به جهت استخفاف یا انکار ، و حال آنکه برای او امام عادلی باشد، خداوند جمع نکند پراکندگی او را ، و مبارک نکند امر او را ، و نماز و زکات و حجّ و صوم و برّ او قبول نیست تا توبه کند .

نقله المخالف والمؤالف کما فی ***مفاتیح الفیض*** رحمه‌الله . و حدیث اوّل را در ***صحیحین*** و ***مشکاة المصابیح*** نیز آورده‌اند ، و روایات بسیار است .

در نقل کلام مرحوم فیض رحمه‌الله در نماز جمعه

و در رساله وجوب عینیّه صلاة جمعه که مرحوم فیض نوشته‌اند و مسمّی است به «***شهاب الثاقب***» ، و مجلسی اوّل تمام روایات خاصّه و عامّه را که در کتب فقهیّه و غیر آن و احادیثی را که بعضی صریح است در وجوب عینی مستمرّ و بعضی ظاهر است در آن آورده ؛ زیرا که اشعار به تخییر و توقّف بر اذن نیست؛ مثل قوله صلی‌الله‌علیه‌وآله : **«کُتِبَتْ عَلَیْکُمُ الْجُمُعَةُ فَرِیضَةً وَاجِبَةً إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ»**.

تا آنکه از رسالهٔ شهید ثانی اخباری در وجوب صلاة نقل کرده ، و ادّعای شهید نیز نقل مخالف و مؤالف خبر اخیر است که از ***مفاتیح*** نقل کردیم .

و آنکه فرمود : اخبار از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّه علیهم‌السلام بسیار است بر وجوب آن و تحریض بر آن ، و اگر نبود مگر آیهٔ شریفه در سورهٔ جمعه، از برای اولوا الابصار ذوی الاعتبار کافی بود .

بعد فیض ادّعای اجماع کرده از محدّثین شیعه که بنای ایشان بر تمسّک به کتاب و کلام عترت است و بر منهاج اصحاب ائمّه و حواریّین ایشان بوده‌اند ، و اعتبار نمی‌کرده‌اند اصول فقهیّه منسوبه به عامّه را ، و استعمال نمی‌کرده‌اند آن چیزی را که مشتمل است بر آن از مصطلحات محدثهٔ بعد از نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ مثل اجماع و اجتهاد و قیاس و استحسان و غیر ذلك ، و اقوال ایشان نمی‌میرد، بلکه باقی است تا روز

قیامت ، و اقوال ایشان نزدیک است که حجّت باشد به‌غیر دلیل برای ما به جهت عدم تجاوز ایشان مضمون احادیث معصومیّه را ، و قرب زمان ایشان به ائـمّه ، و وقوف به اسرار ایشان ، و اطّلاع ایشان بر آنچه مطّلع نشـده‌انـد بـر آن مـتأخّرون ، ومتّفق است کلمهٔ ایشان رحمهم الله جمیعاً بر وجوب عینی و فرض حتمی تا روز قیامت بدون اشتراط اذن و تجویز ، و جمعی از متأخّرین نیز موافقت کرده‌اند ایشان را .

پس ذکر فرموده مثل شهید ثانی و سبط ایشان صاحب ***مدارک*** و مـحقّق شـیخ حسن ولد شهید ﷫ ، و شیخ محمّد ولد او ، و محقّق سبزواری ، و فخر الدین بـن طریحی نجفی الی غیرهم .

در نقل کردن مرحوم فیض ﷫ کلام مجلسی اوّل را در نماز جمعه

و فرموده که فقیه عارف محمّد تقی بن مجلسی اطال الله بقائه در ***رسالهٔ مبسوطه*** که تحقیق مسئله و اثبات وجوب عینی در آن کرده بدون اشتراط اذن و تجاوز کـرده نهایت را بعد از نقل آیات منیره و اخبار کثیره و ذکر وجوه دلالت ، فرموده : پس از مجموع احادیث رؤیت شده آنچه دلالت می‌کند بر وجوب صـریحاً از صِـحاح و حسان و موثّقات و غیرها چهل حدیث است ، و آنچه به ظاهر خود دلالت دارد پنجاه حدیث ، و آنچه بر مشروعیّت دلالت دارد فی الجمله اعمّ از وجوب عینی و تخییری نود حدیث ، و آنچه به عموم دلالت دارد بر وجوب یا فـضل آن بـیست حدیث است ، الی آخر کلامه ، زید فی اکرامه واکرام علماءنا جمیعاً .

در بیان اینکه نماز جمعه واجب تخییری است در زمان غیبت

و صاحب ***حدائق*** نیز مثل این کلمات را فرموده و اصرار بلیغی در اشتهار وجوب عینی نموده ، ولیکن انصاف آن است که اخبار معارضه مـثل شـهرت بـر خـلاف اوست .

و ملّا محمّد باقر بهبهانی در تعلیقهٔ **مدارک**، قدری از آنها را ذکر فرموده.

و شیخ جلیل معاصر در **مستدرک الوسائل**، زیاد جمع نموده است به‌خصوص از کتاب **جعفریّات** که از اصول صحیحه مشهوره قدیمه است کما فی **الاقبال** والنجاشی **والذّکری** وحاشیة **بحار الأنوار** وغیرها.

و راه احتیاط سبیل نجات است.

و غرض از نقل این جمله، تنبیه بر فضل و احتیاط جمعه است، تا اگر مؤمنین امام عادلی در عصری و مصری ببینند، البتّه جمعه را ترک نکنند، والله الموفّق.

در بیان دعای دیگر در شب و روز جمعه

و در **مصباح** طوسی است که مستحب است در شب جمعه و هر روز جمعه هریک هفت مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ أَمَتِكَ، وَفِي قَبْضَتِكَ، وَنَاصِيَتِي بِيَدِكَ، أَمْسَيْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ بِعَمَلِي وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي، فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» [1].

در ذکر نماز دیگر در روز جمعه

و از حمید بن مثنّی روایت کرده و این کتاب از اصول قدماست، و شیخ به سند صحیح در **فهرست** آن را روایت کرده، و جمله‌ای از ثقات آن را از حمید روایت نموده‌اند، مثل فضالة بن ایّوب و صفوان و ابن عقده، و حمید از حضرت امام جعفر صادق عليه‌السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه روز جمعه شود دو رکعت نماز بگزار و در هر رکعت شصت مرتبه سورهٔ اخلاص بخوان، و در رکوع بگوی: **«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»** سه مرتبه یا هفت مرتبه اگر بخواهی، و هرگاه سجده کنی بگو:

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۳۸؛ **نزهة الزاهد**، ص ۲۱۰.

«سَجدَ لَكَ سَوَادِي وَخَيَالِي، وَآمَنَ بِكَ فُؤَادِي، وَأَبُوءُ إِلَـيْكَ بِـالنِّعَمِ، وَأَعْـتَرِفُ لَكَ بِالذَّنْبِ الْعَظِيمِ، عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أَبْلُغُ مِدْحَتَكَ، وَلَا أُحْصِي نِعْمَتَكَ، وَلَا الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلىٰ نَفْسِكَ، عَمِلْتُ سُوءاً، وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

حمید گفت: عرض کردم درکدام ساعت از جمعه به‌جای آورم این را؟ فرمود: هرگاه روز بلند شود مابین صبح و زوال آفتاب. پس فرمود: کسی که این را به‌جای آورد قرائت کرده قرآن را چهل مرتبه.

و این نماز را **بحار** از **مصباح** شیخ و **جمال الأسبوع** روایت کرده [۱].

در کیفیّت نماز دیگر در روز جمعه

و نیز شیخ از حضرت صادق علیه‌السلام از آبای خود از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که: هرکه بگزارد چهار رکعت نماز در روز جمعه پیش از صلاة جمعه یا ظهر، و در هر رکعت بخواند حمد را ده مرتبه و «قُل أعوذ بربّ الناس» و «قُل أعوذ بربّ الفلق» و «قُل هو الله أحد» و «قُل یا أیّها الکافرون» و آیة الکرسی هریک را ده مرتبه، و در روایت دیگر: «إنّا أنزلناه» و آیهٔ «شَهِدَ اللهُ» را نیز ده مرتبه، و بعد از فراغ از نماز استغفار کند صد مرتبه، بعد بگوید: «سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» صد مرتبه، و صلوات فرستد بر نبی و آل او صد مرتبه، دفع کند خداوند از او شرّ اهل آسمان و اهل زمین را، تا آخر خبر [۲].

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۷۹؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۸۰؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

در بیان ثواب این نماز

مؤلّف گوید: آخر خبر را که شیخ علیه الرحمه ذکر نفرموده، سیّد در ***جمال الأسبوع*** ذکر فرموده و مشتمل بر ثواب عظیم است جدّاً، مِن جمله آنکه دفع شرّ شیطان و شرّ هر سلطان جابری را ، و برآورد برای او هفتاد حاجت در دنیا و هفتاد در آخرت ، و در هر ساعت از بیست و چهار ساعت آزاد کند برای کرامت صاحب این نماز هفتاد هزار انسان را که مستحقّ آتش باشند ، و هفتاد هزار ملک از برای او حسنات بنویسند ، و دفع گناهان و رفع درجات کنند ، و طلب مغفرت کنند از برای او ، و صلوات بر او بفرستند تا بمیرد .

و اگر مرد و زنی که ایشان را اولاد نشود این نماز را بخوانند با این دعا ، خداوند فرزند کرامت فرماید به ایشان ، و اگر بمیرد بعد از این صلاة کامله ، خداوند ثواب هفتاد هزار شهید برای او بنویسد ، و چون فارغ شود از این نماز عطا فرماید به عدد هر قطره‌ای که از آسمان به زمین آمده و به عدد گیاهان روی زمین ، و بنویسد برای او مثل اجر ابراهیم و موسی و زکریّا و یحیی علیهم‌السلام ، و باب غنا را بر او گشاده و باب فقر بر او بسته شود ، و مار و عقرب او را نگزد ، و غرق نشود ، و سوخته نشود ، و لقمه در گلوی او نبندد [۱].

و حضرت صادق علیه‌السلام فرمود : من ضامنم برای او که خداوند نظر کند به‌سوی او در هر روز سیصد و شصت مرتبه ، و هرکه را خدا به او نظر فرماید ، رحمت و مغفرت خود را بر او نازل فرماید [۲].

و سیّد بعد از این نماز دعای طویلی ذکر کرده [۳].

و در **بحار** فرموده که ذکر این دعا مختصّ به سیّد است و امّا اصل نماز آن مشهور

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۳۰۰ و ۳۰۲.

(۲) همان، ص ۳۰۲.

(۳) همان، ص ۳۰۳ و ۳۲۰.

است ، و علّامه در **منتهی** ، و شهید در **ذکری** ، و دیگران مثل شیخ، آن را بی دعا ذکر نموده‌اند .

مؤلّف گوید : کفعمی و شیخ حر آن را مثل شیخ ذکر کرده‌اند .

و غیر از اینها نیز نمازهای بسیاری برای شبانه روز جمعه در ***مصباح المتهجّد*** شیخ و سایر کتب مسطور است (۱) ، و قدری در باب نهم ان شاء الله تعالی بیاید .

و این ضعیف نوافل جمعه را به کیفیّت این نمازها می‌گزارم ، و اگر کسی وقت آن وسعت داشته باشد که اینها را غیر از نوافل مرتّبه قرار دهد احسن است .

در مقداری از فضائل روز جمعه

صدوق در ***امالی*** و سیّد در ***جمال الأسبوع*** به سند خود از موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده‌اند که: به‌درستی که برای روز جمعه هزار نفحه از رحمت است ، عطا می‌فرماید هر بنده‌ای را از آن آنچه بخواهد ؛ پس هرکه بخواند «إنّا أنزلناه» را بعد از عصر جمعه صد مرتبه ، عطا فرماید تمام هزار نفحه را (۲).

و مثل آن را نیز مرحوم محمّد باقر مجلسی علیه الرحمه ذکر نموده .

و در باب صلاة حوائج ، نماز و دعای غریبی روایت کرده‌اند از کتاب ***دلائل الامامه*** طبری ، و ***فرج المهموم*** سیّد ابن طاووس از ابو الحسین بن ابی البَغْل الکاتب که در نصف شب جمعه امام عصر حجّة بن الحسن علیه الصلاة وعلی آبائه الطاهرین در مشهد موسی بن جعفر علیهما السلام به او تعلیم دادند و حکایت آن طویل است (۳).

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۷۹.

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ٤٨٥، مجلس ٨٨، ح ١١. فضیلت و ثواب سوره قدر را بنگرید به : ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ٤٥٢ و ٤٥٣.

(۳) طبری، محمّد بن جریر، **دلائل الإمامه**، ص ٥٥١ ـ ٥٥٣؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فرج المهموم**، ص ٢٤٥ ـ ٢٤٧.

در بیان نمازی در نصف شب جمعه که از ناحیهٔ مقدّسه بیرون آمده برای طلب حاجت

و در کتاب ***مهج الدعوات*** از کتاب ***کنوز النجاح*** شیخ طبرسی روایت کرده که از ناحیه مقدّسه رسیده که هرگاه کسی را به خدا حاجتی باشد غسل کند شب جمعه بعد از نصف شب و در مصلّای خود دو رکعت نماز بگزارد ، و در هر رکعتی حمد و سورهٔ توحید را یک مرتبه بخواند ، و در ﴿ **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِين** ﴾ در هر رکعتی صد مرتبه آن را تکرار کند ، و در مرتبه صدم حمد را تمام کند ، و ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه بگوید ، پس این دعا را بخواند تا خداوند هر حاجت او را برآورد مگر آنکه قطع رحم باشد ، و دعا این است :

«اللّٰهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ ، مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَغَفَرَ . اللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَداً ، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكاً ، مَنّاً مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنّاً مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلٰهِي لَا عَلىٰ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلٰكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرَ ظَالِمٍ ، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ» .

پس بگوید : «یا کریمُ یا کریمُ» تا نفس قطع شود ، بعد بگوید :

«يَا آمِناً مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَاناً لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَسَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتّىٰ لَا أَخَافَ أَحَداً وَلَا أَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَداً إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، يَا كَافِيَ إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ ، يَا كَافِيَ مُوسىٰ فِرْعَوْنَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ» پس اسم او را بیاورد .

پس سجده کند و سؤال کند حاجت خود را و تضرّع به‌سوی خدا کند[1].

در بیان دعای عظیم الشأنی در شب جمعه

و نیز روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه‌السلام که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به سلمان تعلیم فرمود این دعا را و فرمود: قسم به آن‌که مرا به‌حق فرستاده که اگر بر آهن خوانده شود گداخته شود و ذوب گردد، و اگر بر آب خوانده شود بایستد، و اگر بر مجنون خوانده شود شفا یابد، و اگر بر حامله خوانده شود وضع حمل بر او آسان شود، و اگر چهل شب جمعه بخواند آمرزیده شود گناهانی که میان او و آدمیان و میان او و خداوند باشد، و خدا قاری آن را با اهل بیت او و مؤذّن شهر او و اهل شهر او بیامرزد، و شأن این دعا به نهایت عظیم است:

«**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ اللهُ وَأَنْتَ الرَّحْمٰنُ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ الْوَدُودُ الشَّهِيدُ الْقَدِيمُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْعَلِيمُ الصَّادِقُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ الشَّكُورُ الْغَفُورُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ذُوالْقُوَّةِ الْمَتِينُ، الرَّقِيبُ الْحَفِيظُ ذُوا الْجَلَالِ وَالإِكْرَامِ، الْعَظِيمُ الْعَلِيمُ الْغَنِيُّ الْوَلِيُّ الْفَتَّاحُ الْمُرْتَاحُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْعَدْلُ الْوَفِيُّ الْوَلِيُّ الْحَقُّ الْمُبِينُ الْخَلَّاقُ الرَّزَّاقُ الْوَهَّابُ التَّوَّابُ الرَّبُّ الْوَكِيلُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الدَّيَّانُ الْمُتَعَالِي الْقَرِيبُ الْمُجِيبُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ الْوَاسِعُ الْبَاقِي الْحَيُّ الدَّائِمُ الَّذِي لَا يَمُوتُ الْقَيُّومُ النُّورُ الْغَفَّارُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ.**

ذُوالطَّوْلِ الْمُقْتَدِرُ، عَلَّامُ الْغُيُوبِ، اَلْبَدِيءُ الْبَدِيعُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الدَّاعِي الظَّاهِرُ الْمُقِيتُ الْمُغِيثُ الدَّافِعُ الضَّارُّ النَّافِعُ الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ الْمُطْعِمُ الْمُنْعِمُ الْمُهَيْمِنُ الْمُكْرِمُ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ الْحَنَّانُ الْمُفْضِلُ الْمُحْيِيُ الْمُمِيتُ الْفَعَّالُ لِمَا يُرِيدُ، مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۲۹۴ و ۲۹۵.

تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الخَيْرُ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْـمَيِّتِ، وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَفَـالِقُ الْـحَبِّ وَالنَّوىٰ، يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

اللَّهُمَّ مَا قُلْتُ مِنْ قَوْلٍ أَوْ حَلَفْتُ مِنْ حَلْفٍ أَوْ نَذَرْتُ مِنْ نَذْرٍ فِي يَوْمِي هٰذَا وَلَيْلَتِي هٰذِهِ فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَيْ ذٰلِكَ كُلِّهِ، مَا شِئْتَ مِنْهُ كَانَ وَمَا لَمْ تَشَأْ لَمْ يَكُنْ، فَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ عِنْدَكَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي وَيَسِّرْ أُمُورِي وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَأَغْـنِنِي بِكَـرَمِ وَجْهِكَ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَصُنْ وَجْهِي وَيَدِي وَلِسَانِي عَنْ مَسْأَلَةِ غَيْرِكَ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»[1].

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۹۲ و ۹۳.

باب چهارم:

در مختصری
از اذکار وقت صبح، مغرب و ظهر

خداوند در سورهٔ دهر فرموده : ﴿وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾[1]؛ یعنی ذکر کن خداوند را وقت صبح و طرف عصر تا مغرب.

و نیز در سورهٔ آل عمران فرموده : ﴿وَسَبِّحْ بِالعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾[2]؛ یعنی تسبیح و تنزیه پروردگار کن در دو طرف روز.

این دو آیه و نظائر این دو آیه دلالت دارد بر فضیلت ذکر در این دو وقت، و منافات ندارد با تفسیر آن به نمازهای مفروضه.

صدوق و مفید علیهما الرحمه روایت کرده‌اند که ملکی نازل می شود با صحیفه‌ای، که عمل فرزند آدم را صبح و شام در آن می‌نویسد؛ پس در این دو وقت، خیر املاکنید تا گناهان میان این دو وقت برای شما آمرزیده شود[3].

دعا در وقت طلوع صبح صادق

و شیخ طوسی در **مصباح** فرموده چون صبح صادق طالع شود بگو:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ صَاحِبُنَا فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْضِلْ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَتْمِمْهَا عَلَيْنَا عَائِذاً بِاللهِ مِنَ النَّارِ، عَائِذاً بِاللهِ مِنَ النَّارِ، عَائِذاً بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

---

(۱) دهر [انسان] /۲۵.

(۲) آل عمران /٤١.

(۳) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **امالی**، ص ٤٦٤، مجلس ۸۵، ح۱۵؛ عیّاشی، محمّد بن مسعود، **تفسیر عیّاشی**، ج ۱، ص ٦٧.

بعد بگويد :

«يَا فَالِقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا أَرىٰ وَمُخْرِجَهُ مِنْ حَيْثُ أَرىٰ ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِنَا هٰذَا صَلَاحاً وَأَوْسَطَهُ فَلَاحاً وَآخِرَهُ نَجَاحاً» .

بعد بگويد :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ فَالِقِ الإِصْبَاحِ ، سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْمَسَاءِ وَالصَّبَاحِ . اللَّهُمَّ صَبِّحْ آلَ مُحَمَّدٍ بِبَرَكَةٍ وَسُرُورٍ وَقُرَّةِ عَيْنٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ . اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُنْزِلُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا تَشَاءُ فَأَنْزِلْ عَلَيَّ وَعَلىٰ أَهْلِي مِنْ بَرَكَةِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ رِزْقاً وَاسِعاً تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ» [۱].

در بيان دعاى صبح و شام

و سيّد ابن طاووس در ***فلاح السائل*** از امام جعفر صادق عليه‌السلام روايت كرده كه: در صبح و شام دست خود را بر سر خود بگذار، پس بر صورت خود پايين بياور و مجامع ريش خود را بگير و بگو :

«أَحَطْتُ عَلىٰ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي مِنْ غَائِبٍ وَشَاهِدٍ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ، لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ، وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» .

پس هرگاه صبح آن را بگويى محفوظ باشى در نفس خود و مال و فرزندان تا شام ، وهرگاه در شام بگويى محفوظ باشى تا صبح [۲]. و آن را شيخ در ***مصباح المتهجّد*** آورده بدون دست بر صورت كشيدن و لحيه راگرفتن [۳].

---

(۱) طوسى، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۷۵ و ۱۷۶ ؛ **نزهة الزاهد**، ص ۱۷٤ .

(۲) ابن طاووس، على بن موسى، **فلاح السائل**، ص ۲۲۲ و ۲۲۳ .

(۳) طوسى، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۸٦ .

در ذکر دعای پیش از طلوع آفتاب

و در **کافی** به سند صحیح از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت کرده که: هیچ عبدی نیست که بگوید پیش از طلوع آفتاب :

«اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ كَبِيراً وَسُبْحَانَ اللهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيراً لَا شَرِيكَ لَهُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

مگر آنکه ملکی می‌گیرد آن را در میان بال خود و به آسمان اوّل می‌برد ، ملائکه می‌گویند : چه همراه داری ؟ می‌گوید : کلماتی که مردی از مؤمنین گفته و آن این است . ملائکه می‌گویند : خدا رحمت کند گوینده این کلمات را ، و همچنین در هر آسمانی تا عرش ، پس حملهٔ عرش بعد از دعای برای گوینده این کلمات ، می‌گویند : بِبَر و بسپار این را به حفظهٔ کنوز که این کلمات کنوز است [1].

دعا در وقت صبح

و از حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام روایت کرده که در صبح بگو :

«أَصْبَحْتُ بِاللهِ مُؤْمِناً عَلىٰ دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَدِينِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ وَدِينِ الأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ ، آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ ، وَأَعُوذُ بِاللهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلِيٌّ وَالأَوْصِيَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَرْغَبُ إِلَى اللهِ فِيمَا رَغِبُوا إِلَيْهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ» [2].

دعای دیگر در وقت صبح

و نیز به سند صحیح از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که امام زین العابدین علیه‌السلام در صبح می‌فرمودند :

«أَبْتَدِئُ يَوْمِي هٰذا بَيْنَ يَدَيْ نِسْيَانِي وَعَجَلَتِي ، بِسْمِ اللهِ وَمَا شَاءَ اللهُ».

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۲۶.

(۲) همان، ج ۲، ص ۵۲۲ و ۵۲۳.

پس هرگاه بنده این را بگوید مجزی است از آنچه فراموش کند در آن روز [۱].

دعای انبیاء در وقت صبح

و از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: سه چیز است که در انبیاء علیهم‌السلام بوده از آدم علیه‌السلام تا محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله که هرگاه صبح می‌کردند می‌گفتند:

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَاناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَيَقِيناً حَتّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي» [۲].

فرموده بعضی از اصحاب زیاده کرده در آن دعا این را:

«حَتّىٰ لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ، أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّه وَلَا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» [۳].

و در بسیاری از کتب معتبره از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت کرده‌اند که هرکه انگشتری که نگین عقیق داشته باشد و بعد از دمیدن صبح پیش از آنکه کسی را ببیند انگشتر را بگرداند و نگین آن را به کف دست آورد و نظر بر آن کرده سورهٔ «إنّا أنزلناه» را بخواند و بگوید:

«آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ».

نگاه‌دارد در آن روز او را از هر بدی [۴].

خواندن سه آیه از سورهٔ انعام وقت صبح

از **تفسیر وسیط** واحدی منقول است که کسی که بخواند سه آیه از اوّل سورهٔ انعام

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۲۳.

(۲) همان، ج ۲، ص ۵۲٤.

(۳) همان.

(٤) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۳، ص ۲۹۷.

تا ﴿ تَكْسِبُونَ ﴾ در وقت صبح خدا موکّل گرداند به او هفتاد هزار ملک را که او را حفظ کنند ، و اعمال ایشان را تا روز قیامت از برای او بنویسند ، و ملکی از آسمان هفتم نازل شود با عمودی از آهن و هرگاه شیطان اراده کند که شرّی در قلب او اندازد بزند شیطان را به آن عمود ، و بین او و شیطان هفتاد هزار حجاب قرار دهد ، الخبر [۱].

دعای صبح و شام به جهت دفع فقر و پریشانی

در ***روضه کافی*** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود که: هرکس نعمت خدا بر او وارد شود بسیار بگوید : «**لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**» پس فرمود : پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مدتی مردی از انصار را ندید ، پس فرمود : چه چیز سبب غیبت تو شد ؟ عرض کرد : فقر و طول مرض . فرمود : آیا تعلیم ندهم تو را دعایی که هرگاه بگویی فقر از تو برود ؟ عرض کرد : بلی یا رسول الله . فرمود : هرگاه صبح کنی و شام کنی بگو :

«**لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً**» .

آن مرد گفت : به‌خدا قسم که سه روز بیش آن را نگفتم که فقر و مرض من زایل شد .

و حدیث و دعای اخیر را **بحار** و **محاسن** برقی روایت کرده‌اند [۲].

دعا در وقت صبح قبل از طلوع آفتاب، و عصر پیش از غروب

و از ***امالی*** شیخ مفید روایت کرده که حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند که: هرکس صبح بگوید پیش از طلوع آفتاب و شام پیش از غروب :

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۴۳۹.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۸، ص ۹۳؛ برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۴۳.

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ، وَالْإِسْلَامَ كَمَا وَصَفَ، وَالْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ، وَالْكِتَابَ كَمَا أَنْزَلَ، وَأَنَّ اللهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ» و به خیر و نیکی یاد کند محمّد ﷺ و آل او را، و درود و سلام بفرستد بر محمّد ﷺ و آل او، خدا بگشاید بر او هشت درِ بهشت، و به او بفرماید داخل شو از هر دری که خواهی (۱).

در بیان صلوات در صبح و شام برای حفظ از شرّ دشمن و وسعت رزق و انواع خیر

و در **جامع الأخبار** روایت کرده این صلوات‌ها را برای حفظ از شرّ دشمنان، وسعت رزق، انواع خیر و رفیق پیغمبر باشد در جنّت، هر صبح و هر شام سه مرتبه:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي المَلإِ الْأَعْلىٰ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ. اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُؤْيَتَهُ، وَارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ، وَتَوَفَّنِي عَلىٰ مِلَّتِهِ، وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِيّاً سَائِغاً هَنِيئاً لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَداً إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ كَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَلَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِي فِي الْجِنَانِ وَجْهَهُ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَاماً» (۲).

در بیان دعای دیگر در وقت صبح و شام

در ***تاریخ ابن خلّکان*** روایت کرده از ابن عبّاس که هرگاه در صبح و شام بگوید:

«بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، اعْتَصَمْتُ بِاللهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ، حَسْبِيَ اللهُ

---

(۱) مفید، محمّد بن محمّد بن النعمان، **أمالی**، ص ۸٤و ۸۵، مجلس ۹، ح٦.

(۲) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۵۹؛ **نزهة الزاهد**، ص ۱۱۷.

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

ایمن گردد از سوختن، فرو رفتن در آب ، ویران شدن خانه و هر آفتی ، و مهدی عبّاسی به برکت آن نجات یافت از گرسنگی و تشنگی و هلاکت (۱).

و بحرینی در سورهٔ احزاب از **تفسیر برهان** از صدوق روایت کرده که حضرت صادق علیه‌السلام فرمود : هرکس در عقب صلاة صبح و صلاة مغرب بگوید پیش از آنکه پای خود را بگرداند یا با کسی تکلّم کند :

««إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَذُرِّيَّتِهِ».

خدا صد حاجت او را برآورد ؛ هفتاد در دنیا و سی در آخرت (۲).

ایضاً دعای دیگر در آن دو وقت

و محمّد بن الجزری در کتاب ***حصن الحصين*** روایت کرده از نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله که: اگر بنشینم با قومی که ذکر می‌کنند خداوند را بعد از نماز صبح دوست‌تر دارم از اینکه چهار بنده از اولاد اسماعیل آزاد کنم ، و اگر بنشینم با قومی که ذکر می‌کنند خدا را بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب دوست‌تر دارم از آزاد کردن چهار بنده .

و روایت کرده که بگوید :

«أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ هٰذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَسُوءِ الْكِبَرِ ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ وَعَذَابٍ فِي الْقَبْرِ».

---

(۱) ابن خلّکان، احمد بن محمّد، **وفيات الأعيان**، ج ۲، ص ۲۹۸.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۸۷ ؛ **نزهة الزاهد**، ص ۹۰ و ۱۲۲ ؛ سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۵۹.

و بگوید :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهِرَمِ وَسُوءِ الْكِبَرِ وَفِتْنَةِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ فِي الْقَبْرِ» (۱).

و بگوید :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي، وَآمِنْ رَوْعَتِي. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي» (۲).

و بگوید :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقَالَنَا يَوْمَنَا وَلَمْ يُهْلِكْنَا بِذُنُوبِنَا».

می‌فرمود این حمد را رسول خدا ﷺ زمانی که آفتاب طالع می‌شد.

و نیز می‌فرمود :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَنَا هٰذا الْيَوْمِ وَأَقَالَنَا فِيهِ عَثَرَاتِنَا وَلَمْ يُعَذِّبْنَا بِالنَّارِ».

و در **مشکاة** نیز اکثر آن و در **صحاح** نیز مسطور است (۳).

در بیان فوائد خواندن این آیات در وقت صبح و شام

و در **مشکاة** از ***سنن ابی‌داود*** روایت کرده از ابن عبّاس که رسول خدا ﷺ فرمود: که هرگاه در وقت صبح این آیات را بخواند :

﴿فَسُبْحَٰنَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ * وَلَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيّاً وَحِينَ تُظْهِرُونَ * يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ وَيُحْيِ

---

(۱) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ۴۳۳؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجّاج، **صحیح مسلم**، ج ٤، ص ۲۰۸۹، کتاب الذکر، ح ٤٨، باب ١٥.

(۲) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤٣٦؛ أبوداود، سلیمان بن اشعث، **سنن أبی داود**، ج ٥، ص ٣١٥، کتاب الأدب، باب ما یقول إذا أصبح، ح ٥٠٧٥.

(۳) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤٣٦.

الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ ﴾[1] دریافته آنچه فوت شده در آن روز او را از خیر، و هرگاه وقت شام بگوید دریافته آنچه فوت شده او را در آن شب از خیر؛ یعنی داده شود ثواب همه[2].

و نیز ابو داود روایت کرده که نبی ﷺ هر صبح سه مرتبه می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ».

در ذکر چند دعا در وقت صبح

و نواوی در کتاب ***اذکار*** روایت کرده که آن حضرت می‌فرمود:

«أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْعَظَمَةُ لِلَّهِ، وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا سَكَنَ فِيهِمَا لِلَّهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ هٰذَا الْيَوْمِ صَلَاحاً وَأَوْسَطَهُ نَجَاحاً وَآخِرَهُ فَلَاحاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

و احمد و دارمی آورده‌اند که می‌فرمود:

«أَصْبَحْنَا عَلىٰ فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَعَلىٰ دِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ مِلَّةِ أَبِينَا إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ».

ایضاً در دعای دیگر در وقت صبح و هنگام خفتن

در **بحار** از **دعوات** راوندی روایت کرده که حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام به یزید گفت: پدرم از جدّم روایت کرده که بعد از نماز صبح پیش از آنکه با کسی تکلّم کند برمی‌داشت تسبیح کوچک را و می‌گفت:

---

(۱) روم/ ۱۷ ـ ۱۹.

(۲) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤٣٦؛ أبو داوود، سلیمان بن اشعث، **سنن أبی داود**، ج ۵، ص ۳۱۵ و ۳۱٦، کتاب الأدب، ح۵۰۷٦، باب ۱۱۰؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸٤؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۲۸ و ۵۲۹.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أُسَبِّحُكَ وَأُحَمِّدُكَ وأُهَلِّلُكَ وَأُكَبِّرُكَ وَأُمَجِّدُكَ بِعَدَدِ مَا أُدِيرُ بِهِ سَبْحَتِي».

و بعد تسبیح را می‌گردانید و با مردم تکلّم می‌کرد به آنچه اراده می‌کرد از غیر تکلّم به تسبیح، و می‌فرمود: این از برای او حساب می‌شود و حرز است از برای او تا به رختخواب برود. و هرگاه در وقت خواب بگوید مثل این را و تسبیح را بگذارد در زیر سر خود تا صبح از برای او ذکر حساب می‌شود (۱).

مؤلّف گوید: در شام عوض «أَصْبَحْتُ»، «أَمْسَيْتُ» بگوید و ظاهر آن است که باقی را بدون تغییر بخواند.

دعا در وقت شنیدن اذان صبح و اذان مغرب

و به روایت صدوق چون اذان صبح را بشنود بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِقْبَالِ نَهَارِكَ وَإِدْبَارِ لَيْلِكَ وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَأَصْوَاتِ دُعَاتِكَ وَتَسْبِيحِ مَلَائِكَتِكَ أَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

و هرگاه اذان مغرب را بشنود مثل این را بگوید مگر «بِإِقْبَالِ لَيْلِكَ وَإِدْبَارِ نَهَارِكَ»، که اگر در آن شب بمیرد با توبه بمیرد (۲).

دعای دیگر در وقت صبح

در **بحار** منقول است که هرگاه خوشحال شود به آنکه در نامهٔ عمل او نوشته شود شهادتین و درهای هشت‌گانه بهشت برای اوگشاده شود و بگویند: ای ولیّ خدا! از هر دری که خواهی داخل شو، باید چون صبح کند بگوید: .

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ بِاللَّيْلِ بِقُدْرَتِهِ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً وَنَحْنُ فِي

---

(۱) قطب راوندی، سعید بن هبة‌الله، **دعوات**، ص ۶۱ و ۶۲؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۴۵، ص ۲۰۰.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۸۳.

عَافِيَةٍ مِنْهُ بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ مَرْحَباً بِالْحَافِظَيْنِ وَحَيَّاكُمَا اللهُ مِنْ كَاتِبَيْنِ».

و از یمین و شمال ملتفت شود و بگوید :

«أُكْتُبَا رَحِمَكُمَا اللهُ بِسْمِ اللهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ عَلَى ذٰلِكَ أَحْيَا وَعَلَيْهِ أَمُوتُ وَعَلَيْهِ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللهُ إِقْرَءْ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنِّي السَّلَامَ» [۱].

و این دعا را باکمی تغییر ابن فهد در ***عُدّه*** [۲] و بهائی در ***مفتاح الفلاح*** [۳] وکفعمی در ***بلد الامین*** [٤] و **مصباح** [٥] ذکر کرده‌اند ، و در **حاشیه *بلد الامین*** بعد از صلاة صبح از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت شده است [٦].

در بیان دعای حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله بر درِ خانه حضرت امیر علیه‌السلام در هر فجر

و در روایت عامّه و خاصّه است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در نزد هر فجر بر درِ خانهٔ علی و فاطمه علیهماالسلام می‌ایستاد و می‌فرمود :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ ، سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِ اللهِ وَنِعْمَتِهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عِنْدَنَا ، نَعُوذُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ ، نَعُوذُ بِاللهِ مِنْ صَبَاحِ النَّارِ ، نَعُوذُ بِاللهِ مِنْ مَسَاءِ النَّارِ».

بعد می‌فرمود :

«الصَّلَاةَ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸۰.

(۲) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲٦۷ و ۲٦۸.

(۳) شیخ بهائی، محمّد بن الحسین، **مفتاح الفلاح**، ص ٦۹ و ۷۰.

(٤) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الامین**، ص ٦۲.

(٥) همو، **مصباح**، ص ۹٦.

(٦) همو، **حاشیه بلد الأمین**، ص ٤.

و آية تطهير را بر ايشان مى خواند [۱].

و شيخ طوسى در *امالى* از سلمان روايت كرده كه نبى ﷺ فرمود : اى سلمان ! در وقت صبح بخوان :

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا شَرِيكَ لَكَ ، أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ» .

سه مرتبه ، و در شام مثل آن را يعنى : «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ» بعد از شهادت مذكوره بگويد تا گناهان مابين آن آمرزيده شود [۲].

در بيان فضيلت تسبيح تربت و دعا در وقت دست گرفتن آن

و در *تحفة الزائر* و اكثر كتب ادعيه و فقهيّه مأثور است به سند معتبر از حضرت صادق عليه السلام كه: هرگاه بخواهد كسى تربت امام حسين عليه السلام ايمنى بخشد او را از هر خوفى بايد كه تسبيحى از خاک تربت آن حضرت ساخته در دست بگيرد و سه مرتبه اين دعا را بخواند :

«أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ وَجَوَارِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُحَاوَلُ وَلَا يُطَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ وَغَاشِمٍ وَمِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ وَهِيَ وَلَاءُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحْتَجِزاً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ حَصِينِ الإِخْلَاصِ فِي الإِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ ، جَمِيعاً مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ ، وَبِهِمْ أُوَالِي مَنْ وَالَوْا وَأُعَادِي مَنْ عَادَوْا ، وَأُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا ، فَأَعِذْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِيهِ ، يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الأَعَادِيَ عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ ، إِنَّا ﴿جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ

---

(۱) ابن بابويه، محمد بن على (شيخ صدوق)، **امالى**، ص ۱۲٤ ، مجلس ۲۹ ، ح ۱٤ ، وآيه تطهير در سوره احزاب / ۳۳.

(۲) طوسى، محمّد بن الحسن، **امالى**، ص ۱۸٦ ، مجلس ۷ ، ح ۱۵ ؛ مفيد، محمّد بن محمّد بن النعمان، **امالى**، ص ۲۲۸ ، مجلس ۲۷ ، ح ۱ ؛ متقى، على بن حسام الدين، **كنز العمّال**، ج ۲، ص ۱۳۹ ، ح ۳٤۹۵.

خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴾» (۱).

پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم مالد و بگوید :

«اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَكَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوءٍ».

اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام (۲).

در بیان فضیلت دعای فراش منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

مؤلّف گوید : این دو دعا معروف است به دعای فراش امیرالمؤمنین علیه السلام ، و از آن حضرت روایت است که هر صبح و شام باید بخواند ، و شبی که بر فراش رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابیدند این دعا را خواندند، از شرّ کفّار محفوظ ماندند .

و در روایت دیگر مذکور است که هرکه از پادشاهی یا غیر آن ترسد، چون از خانه بیرون آید چنین کند تا حرزی باشد او را از شرّ دشمنان .

و در سماء والعالمِ **بحار** از ***أمالی***، ولد شیخ طوسی روایت کرده از امام جعفر صادق علیه السلام که: اگر در صبح سه مرتبه و در شام سه مرتبه بخواند هر روزی که بخواهد توجّه به هر سمت کند؛ یعنی به سفر رود، به او ضرر نرسد؛ یعنی نُحوستِ آن روز و آن سمت به او ضرر نرساند (۳).

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، مخطوط ؛ همو، **تحفة الزائر** ؛ همو، **بحار الأنوار**، ج ۵۹، ص ۲۵؛ سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه** ، ص ۲۸٦ ؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸٦؛ همو، **بلد الأمین**، ص ۲۷؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۸۱؛ طبرسی، حسن بن الفضل. **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۲۵ ؛ شیخ بهائی، محمّد بن الحسین، **مفتاح الفلاح**، ص ٦۸. و آیه در سورهٔ کهف / ۹۰.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۲٤ و ۲۲۵ ؛ قطب راوندی، سعید بن هبة‌الله، **دعوات**، ص ۱۸٦ و ۱۸۷ ؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۵۰۸ و ۵۰۹ .

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۵۹، ص ۲٤.

و سیّد رضی در **نهج البلاغه** فرمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در بسیاری از اوقات این دعا را می‌خواندند؛ چون مشتمل بر مطالب عالیه است[1].

و در **صحیفه علویّه** آن را در اوراد صبح آن حضرت آورده، اینجا ذکر شد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُصْبِحْ بِي مَيِّتاً وَلَا سَقِيماً وَلَا مَضْرُوباً عَلَى عُرُوقِي بِسُوءٍ، وَلَا مَأْخُوذاً بِأَسْوَإِ عَمَلِي، وَلَا مَقْطُوعاً دَابِرِي، وَلَا مُرْتَدّاً عَنْ دِينِي، وَلَا مُنْكِراً لِرَبِّي، وَلَا مُسْتَوْحِشاً مِنْ إِيمَانِي، وَلَا مُلْتَبِساً عَقْلِي، وَلَا مُعَذَّباً بِعَذَابِ الْأُمَمِ مِنْ قَبْلِي، أَصْبَحْتُ عَبْداً مَمْلُوكاً ظَالِماً لِنَفْسِي، لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَلَا حُجَّةَ لِي وَلَا أَسْتَطِيعُ أَنْ آخُذَ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَنِي، وَلَا أَتَّقِيَ إِلَّا مَا وَقَيْتَنِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ، أَوْ أَذِلَّ فِي عِزَّتِكَ، أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ، أَوْ أُضَامَ فِي سُلْطَانِكَ، أَوْ أُضْطَهَدَ وَالْأَمْرُ لَكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِي، وَأَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعَمِكَ عِنْدِي. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ أَوْ نَفْتَتِنَ عَنْ دِينِكَ أَوَ تَتَابَعَ بِنَا أَهْوَاؤُنَا دُونَ الْهُدَى الَّذِي جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ»[2].

دعا در وقت صبح و شام به جهت ایمنی از خوف و قضای حوائج

و در **حیاة الحیوان** آورده که هرکه بگوید این کلمات را در صبح و شام و خائف باشد ایمن گردد و حاجت او رواگردد:

«يَا مَنْ لَهُ وَجْهٌ لَا يَبْلَى وَنُورٌ لَا يُطْفَى وَاسْمٌ لَا يُنْسَى وَبَابٌ لَا يُغْلَقُ وَسَتْرٌ لَا يُهْتَكُ وَمُلْكٌ لَا يُنْفَى، أَسْأَلُكَ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي»[3].

---

(۱) **نهج البلاغه**، ص ۳۳۲، خطبه ۲۱۵.

(۲) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۲۸٤.

(۳) دمیری، محمّد بن موسی، **حیاة الحیوان**، ج ۱، ص ۵۲.

دعای مشتمل بر اسم اعظم برای قضای حوائج

ایضاً آورده که اسم اعظم خدا در این دعا است و برای هر حاجت که بخواند روا شود:

«﴿ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴾ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ الأَحَدُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ»(۱).

وهرکه این دعا را یک‌بار بخواند ثواب آن ملکی دارد که یک‌بال درمشرق ویک بال در مغرب دارد، و هفتاد سر، و در هر سری هفتاد هزار روی، و بر هر رویی هفتاد هزار دهان، وبر هر دهانی هفتاد هزار زبان، وبر هر زبانی ده نوع تسبیح خدای تعالی می‌کند.

دعای منسوب به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اشاره به فوائد آن

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: یا علی، بیاموز به فرزندان و اصحاب خودکه این دعا را با خود نگاه دارند تا در میان آدمیان و حیوانات و جانوران با هیبت باشند و هیچ کس قصد آنان نتواند، و شرح آن بسیار است؛ چون غرض اصلی دعاست مختصر شد:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الإِيمَانِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الإِسْلَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الإِحْسَانِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الامْتِنَانِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الْقُرْآنِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَجَمِيعِ الأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا، أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هٰذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْيَوْمِ

---

(۱) همان.

وَشَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكِبْرِ وَالْكُفْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا وبِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ آمَنَّا وَبِكَ نُحْيِي وَبِكَ نُمِيتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، أَصْبَحْنَا عَلَى فِطْرَةِ الإِسْلَامِ وَكَلِمَةِ الإِخْلَاصِ وَعَلَى دِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى مِلَّةِ أَبِينَا إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحْنَا بِالْخَيْرِ فَمِنْكَ بِنِعْمَةٍ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الشُّكْرُ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيْنَا وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً كَثِيراً».

و در شرح این دعا هست که به قصد هرحاجت که بخواند یا با خود داشته باشد روا شود، و هرکه با خود داشته باشد، خدای تعالی سیصد و شصت هزار مرتبه به وی نظر رحمت کند، وهر روز هفتاد هزار عمارت عالی از یاقوت سرخ از برای او بنا کند، والله اعلم.

دعای منسوب به حضرت صدّیقه عليها‌السلام که به سلمان تعلیم نمودند در هر صبح و شام

و بخواند این دعا راکه سیّد ابن طاووس در *مهج الدعوات* (١) و راوندی در *خرائج* (٢) و مجلسی در **بحار** (٣) و دیگران به سند معتبر روایت کرده‌اند از سیّدهٔ نساء که آن حضرت به سلمان فرمود که آن را هر صبح و شام بخواند، و اگر خواهی که نرسد تو را اذیّت تب، مادامی که زنده در دار دنیا باشی، پس مواظبت کن بر این دعا:

---

(١) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ٧.

(٢) قطب راوندی، سعید بن هبة‌الله، **الخرائج والجرائح**، ج ٢، ص ٥٣٣ و ٥٣٤.

(٣) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ٤٣، ص ٦٧.

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللهِ النُّورِ، بِسْمِ اللهِ نُورِ النُّورِ، بِسْمِ اللهِ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ، بِسْمِ اللهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الأُمُورِ، بِسْمِ اللهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ. الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَأَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيٍّ مَحْبُورٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ».

سلمان گفت: به‌خدا قسم که این دعا را به زیاده از هزار نفر تعلیم دادم از اهل مدینه و مکّه که به تب گرفتار بودند، شفا یافتند [۱].

در فضیلت خواندن دعای عشرات در صبح و شام

و بخواند دعای عشرات را هر صبح و شام، چنانچه شیخ در ***مصباح المتهجّد*** [۲] وکفعمی [۳] و ابن طاووس [٤] و مجلسی روایت کرده‌اند [٥]. و سیّد در ***مهج الدعوات*** ثواب به غایت عظیم برای آن روایت کرده [٦]. و در صلاة ***بحار الانوار*** فرموده که این دعا اسانید بسیار دارد و اختلاف بسیار به‌حسب اختلاف روایات، و سیّد در ***جمال الأسبوع*** به سه سند، آن را از امام محمّد باقر علیه‌السلام با اجر جزیل و ثواب عظیم برای قرائت آن در صبح و شام و عصر روز جمعه آورده [۷].

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۷.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۷٤.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸۷.

(٤) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ٤٥۳.

(٥) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ۲۷۱.

(٦) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۱٤۹.

(۷) همو، **جمال الأسبوع**، ص ٤٥۳.

خواندن این آیه در صبح و شام برای ایمنی از مار و عقرب

و هرگاه در صبح و شام بگوید: ﴿سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ * إِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ مار و عقرب به او ضرر نرساند [۱].

روایت کرده این را ابوالقاسم قشیری در تفسیرش.

و ایضاً بخواند برای امن از ضرر شیاطین و موذیات:

«أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِ اللهِ وَكَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمٰنُ» [۲].

اشاره به فضیلت حرز مذکور در مهج الدعوات

و بخواند حرزی را که سیّد در ***مهج الدعوات*** از امام زین العابدین علیه‌السلام روایت کرده که به فرزند خود امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمودند که: این را از علم نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله به ارث می‌بریم و دوست‌تر است در نزد ما از دنیا و آنچه در اوست از مال و جاه و رحال [۳] و سلاح، و هزار ملک او را از هر شرّی حفظ می‌کنند و ثواب صد صدّیق دارد [٤]، و ذکر دعا از وضع رساله خارج است.

دعای دیگر در هر صبح و شام

و هر صبح و شام سه مرتبه بگوید:

«سُبْحَانَ اللهِ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ».

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۲۲؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۱٤۱، آیه در سوره صافّات / ۷۹ ـ ۸۱.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۳۱؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۱۵۱.

(۳) رحال: اسباب و اثاث (**فرهنگ عمید**).

(٤) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۱۱ ـ ۱٦.

تا از مرگ بد محفوظ ماند [۱].

و این آیه را بخواند از سورهٔ روم:

﴿ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ * وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ وَعَشِيّاً وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴾ [۲].

و در بعضی روایات بعد از آن بخواند:

﴿ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾.

که ثواب‌های عظیم در بعض از تفاسیر برای آن ذکر شده [۳].

حرز حضرت امام جعفر صادق عليه السلام در وقت صبح

و این حرز از امام جعفر صادق عليه السلام مروی است که صبح باید خواند، چنانچه شیخ بهائی رحمه الله در **مفتاح** آن را ذکر نموده‌اند:

«أَسْتَوْدِعُ اللهَ الْعَلِيَّ الأَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ».

سه بار آن را بخواند [۴].

---

(۱) همو، **المجتنی من الدعاء المجتبی**، ص ۳۸ «ضمیمه **مهج الدعوات**»؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸٤؛ همو، **بلد الأمین**، ص ۵۱.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸٤، آیه در سوره روم / ۱۷ ـ ۱۸؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۹۹.

(۳) بنگرید ثواب این آیه [صافّات / ۱۸۰ ـ ۱۸۲] را در **تفسیر صافی** ج ۵، ص ۲۸۸ و تفاسیر دیگر ذیل این آیه.

(٤) شیخ بهائی، محمّد بن الحسن، **مفتاح الفلاح**، ص ۱۲؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸٤.

دعای حضرت نوح در صبح و شام

و شیخ طبرسی و شیخ صدوق در **فقیه** و شیخ حرّ و مجلسی و دیگران روایت کرده‌اند که حضرت نوح علیه السلام هر صبح و شام ده مرتبه می‌گفت:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَمَا أَمْسىٰ بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي دِينِي أَوْ دُنْيَايَ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا».

به این سبب عبد شکور نامیده شد [۱].

دعای حضرت خلیل الرحمان در صبح و شام

در ***وسائل*** از ***علل الشرائع*** صدوق روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر قوله تعالی: ﴿**وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى**﴾ [۲] که هرگاه صبح و شام می‌کرد مکرّر می‌گفت:

«أَصْبَحْتُ وَرَبِّي مَحْمُودٌ، أَصْبَحْتُ لَا أُشْرِكُ بِاللهِ شَيْئاً وَلَا أَدْعُو مَعَ اللهِ إِلٰهاً آخَرَ وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً» [۳].

و روایت کرده از آن حضرت که ترک مکن خواندن این دعا را سه مرتبه در صبح و شام:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ».

به‌درستی که پدرم می‌فرمود: این از دعای مخزون است [٤].

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۲۳؛ **نزهة الزاهد**، ص ۱۱۵.

(۲) نجم/۳۷.

(۳) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **علل الشرائع**، ج ۱، ص ۳۷؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۲۲٦.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥۳٤.

دعای منسوب به حضرت امیر علیه‌السلام در صبح و شام

در کتاب ***کافی*** و ***صحیفهٔ علویّه*** از آن حضرت روایت است که علی علیه‌السلام در صبح و شام می‌گفت :

«**الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ**» سه مرتبه «**اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَ مِنْ فَجْأَةِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَبِشِدَّةِ قُوَّتِكَ وَبِعِظَمِ سُلْطَانِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذا**».

پس حاجت خود را ذکر کن [۱].

در ذکر ثواب تسبیح، تحمید و تهلیل از هریک صد مرتبه در صبح و شام

در ***مشکاة المصابیح*** از ترمذی روایت کرده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود که: کسی که بگوید : «**سُبْحَانَ اللهِ**» در صبح صد مرتبه ، و در شام صد مرتبه ، مثل کسی است که صد حجّ کند ، و کسی که حمد کند خدا را در صبح صد مرتبه ، و در شام صد مرتبه ، مثل کسی است که بر صد اسب در راه خدا سوار شود و جهاد کند ، و کسی که «**لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ**» بگوید در صبح صد مرتبه ، و در شام صد مرتبه ، مثل کسی است که صد نفر از فرزندان اسماعیل علیه‌السلام را آزاد کند ، و کسی که تکبیر بگوید صد مرتبه در صبح ، و صد مرتبه در شام ، هیچ کس عبادات او بیشتر نباشد از این کس در این روز مگر کسی که بگوید مثل آن را یا زیادتر بگوید [۲].

و در کتاب ***فلاح السائل*** و **بحار** از کتاب ***فضل الدعاء*** تألیف سعد بن عبدالله روایت

---

(۱) همان، ج ۲، ص ۵۲۷؛ سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۲۸۳.

(۲) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ۴۲۱؛ ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن**، ج ۵، ص ۴۸۰؛ کتاب **الدعوات** ، باب ۶۱ ، رقم ۳۴۷۱ ؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۸.

کرده‌اند که ثواب صد تکبیر صد بنده آزاد کردن است [۱].

و از ***ثواب الاعمال*** به روایت جعفر بن سلیمان افضل از آن است [۲].

در فضیلت دعای منسوب به حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله

و روایت کرده از **سنن** ابی داود و ترمذی نیز که نبی صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بگوید:

«سُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي السَّمَاءِ، وَسُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ، وَسُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ بَيْنَ ذٰلِكَ، وَسُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ، واللهُ أَكْبَرُ مِثْلُ ذٰلِكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلُ ذٰلِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مِثْلُ ذٰلِكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ مِثْلُ ذٰلِكَ».

افضل است از شماره بسیار که تسبیح بگوید و با سنگ‌ریزه و نحو آن بشمارد [۳].

و در «مثل ذلك» دو وجه محتمل است، چنانچه شرّاح **مشكاة** گفته‌اند.

دعا به‌جهت رفع هموم و ادای دیون

در باب ادعیهٔ اوقات از ***سنن ابی داود*** روایت کرده از ابو سعید خدری که مردی گفت: دیون و هموم بسیار بر من وارد شد. نبی صلی الله علیه و آله فرمود: تو را تعلیم کنم کلامی که هرگاه بگویی خدای تعالی غم تو را زایل کند و قرض تو را ادا کند؟ عرض کردم: بلی. فرمود: در صبح و شام بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ».

آن مرد گفت: چنین کردم، خدا غم مرا زایل کرد و قرض مرا ادا کرد [٤].

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۸، ص ۲۵۲؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۲۲.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۲۵.

(۳) ابوداود، سلیمان بن اشعث، **سنن أبي داود** ج ۱، ص ٣٣٦، ح ۱۵۰۰.

(٤) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشكاة المصابيح**، ج ۱، ص ٤٤٥؛ ابوداود، سلیمان بن اشعث، **سنن أبي داود**، ج ۲، ص ۱۹۵، کتاب **الصلاة**، باب استعاذه، ح ۱۵۵۵.

ایضاً به جهت ادای قرض

و روایت کرده از ترمذی و بیهقی در ***دعوات کبیر*** که قرض‌داری آمد به‌نزد علی علیه‌السلام که از ادای قرض خود عاجز شده بود، و شکایت کرد به آن حضرت، فرمود: آیا تعلیم ندهم تو را کلماتی که نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله به من تعلیم داد که اگر بر تو مثل کوه بزرگی قرض باشد خداوند از تو ادا کند؟ بگو:

«اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ» (۱).

و روایت کرده این را شیخ کفعمی نیز در ***حواشی بلد الامین***.

و از احمد و بیهقی و ابن ماجه در ***دعوات کبیر*** روایت کرده از امّ سلمه که نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از نماز فجر می‌گفت:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً وَعَمَلاً مُتَقَبَّلاً، وَرِزْقاً طَيِّباً» (۲).

مؤلّف گوید: این دعای مختصر جامع خوبی است و از ادعیه جامعه مختصره آن حضرت قدری در باب ادعیه هر روز خواهد آمد، ان شاء الله.

سیّد ابن طاووس از خطّ جدّ خود مسنداً از انس روایت کرده که نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هرکه بگوید: **«سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ»** در صبح یک مرتبه، خداوند بفرستد ملکی را به بهشت، که با او باشد جاروبی از نقره که به آن از گل بهشت که از مشک اذفر است جمع کند، پس از برای او درخت بنشاند و دیواری بر او بکشد و دری بر آن قرار دهد و قفل زند و بر باب آن بنویسد: هذا بستان فلان بن فلان (۳).

---

(۱) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤٤٥؛ ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن**، ج ۵، ص ۵۲۳؛ کتاب **الدعوات**، ح۳۵۶۳؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ٦١؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۵۲۵، همو، **مصباح**، ص ۱۷٤؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۳۰۱ و ۳۰۲.

(۲) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤۵۳؛ ابن ماجه، محمّد بن یزید، **سنن**، ج ۱، ص ۲۹۸، کتاب **اقامة الصلاة**، ح ۹۲۵.

(۳) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۲٤.

در ذکر ثواب دعای دیگر

و سیّد از اصل کتاب حسنی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که هرکه بگوید: «**سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ**» به غیر عُجْب، خداوند محو کند از او هزار گناه، و ثبت کند برای او هزار حسنه و هزار شفاعت، و بلند کند برای او هزار درجه، و خلق کند از آن کلمه مرغی را سفید که بگوید: «**سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ**» تا قیامت، و ثواب آن برای گوینده این کلمه نوشته شود [1].

در **بحار** از خطّ شهید نقل است که از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت شده که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از مقالید سؤال کرد، فرمود: یا علی! سؤال عظیمی کردی، مقالید آن است که بگویی صبح ده مرتبه و شام ده مرتبه:

«**لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ، سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، هُوَ الأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**».

کسی که بگوید صبح آن را ده مرتبه، خداوند شش خصلت به او عطا فرماید:

اوّل آنکه: او را از ابلیس و جنود او حفظ فرماید.

دوم آنکه: در بهشت زیاده از کوه اُحد به او ثواب دهد.

سوم آنکه: درجه‌ای به او دهد که نرسند به آن درجه مگر ابرار.

چهارم: حور العین به او تزویج کند.

پنجم: دوازده ملک حاضر شوند و بنویسند آن را تا روز قیامت و شهادت دهند از برای او.

ششم: مثل کسی باشد که قرائت کرده باشد تورات و انجیل و زبور و قرآن را، و مثل کسی باشد که حجّ و عمره قبول شده به‌جای آورده باشد، و اگر آن روز یا آن

---

(۱) همان.

شب یا آن ماه بمیرد در میان شهدا باشد [۱].

در بیان دعای دیگر بعد از صبح

در **وسائل** و جمله‌ای از کتب، از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که بگویید بعد از صبح :

«**الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ، الْحَمْدُ لِفَالِقِ الإِصْبَاحِ**» سه مرتبه «**اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي بَابَ الأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْيُسْرُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ هَيِّئْ لِي سَبِيلَهُ وَبَصِّرْنِي مَخْرَجَهُ. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ مَقْدُرَةً عَلَيَّ بِالشَّرِّ فَخُذْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ وَمِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَاكْفِنِيهِ بِمَا شِئْتَ وَمِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ**» [۲].

در ذکر دعا در وقت طلوع آفتاب

و از کتاب **امالی** شیخ طوسی روایت کرده از امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود که رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز صبح وقت طلوع آفتاب می‌گفت :

«**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيراً طَيِّباً عَلَى كُلِّ حَالٍ**».

این را از برای شکر حق تعالی می‌گفت [۳].

و از **کافی** از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که: هرکس صبح کند و چهار مرتبه بگوید : «**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**» پس به‌تحقیق ادا کرده شکر آن شب را [٤].

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ۲۸۱.

(۲) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۲۲۷ ؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۲۸.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۷۷، ح ۲۱۹۱ ؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۰۳.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۰۳.

دعای قبل از طلوع آفتاب و غروب آن

و در **کافی** و غیر آن روایت کرده‌اند از آن حضرت که دعا پیش از طلوع شمس و پیش از غروب آن سنّت واجب است ، می‌گویی با طلوع شمس و غروب آن :

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» .

می‌گویی این را ده مرتبه ، و می‌گویی :

«أَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ إِنَّ اللهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» .

ده مرتبه پیش از طلوع شمس و پیش از غروب ، پس اگر فراموش کنی قضا کن آن را چنانچه نماز را قضا می‌کنی اگر فراموش کنی [۱] .

دعای بعد از مغرب

و در **کافی** روایت است که هرکه بخواند این دعای اوّل را که **«لا إله إلّا الله وحده»** تا آخر بعد از نماز مغرب ده مرتبه ، ملاقات نکند خداوند را بنده‌ای که عمل او افضل باشد از این بنده مگر کسی که مثل آن را به‌جا آورده باشد [۲] .

دعای دیگر در صبح و شام

شیخ ابراهیم کفعمی در **حاشیه بلد الامین** از ***انوار تمیمی*** روایت کرده از نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله که فرمود : هرکه وقت صبح بگوید :

«فَاللهُ خَيْرٌ حَافِظاً وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ، إِنَّ وَلِيِّيَ اللهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ، حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» .

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۳۲ و ۵۳۳ ؛ **نزهة الزاهد**، ص ۱۹۰ ؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۲٤.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۳۳.

خداوند در آن روز او را حفظ کند [۱].

و صاحب ***طبّ المریدین*** روایت کرده که هرکه در صبح و شام هفت مرتبه بگوید :

«حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ».

خداوند کفایت کند او را ؛ صادق باشد یا کاذب [۲].

دعا برای زیادتی حافظه

در ***جنّة الواقیه*** است که برای زیادتی حافظه بعد از نماز صبح قبل از تکلّم بگوید :

«يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ فَلَا يَفُوتُ شَيْئاً عِلْمُهُ وَلَا يَؤُودُهُ» [۳].

شیخ صدوق در **فقیه** روایت کرده که شیبه هذلی گفت : یا رسول الله ، تعلیم ده کلامی که خدا نفع بخشد مرا به آن ، و سبک و مختصر فرماید . فرمود : هرگاه نماز صبح را بگزاری بگو ده مرتبه :

«سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

تا خدا عافیت بخشد تو را به آن از کوری و جنون و جذام و فقر و پیری [٤].

دعای دیگر در وقت بین الطلوعین

و از حضرت امام موسی علیه السلام روایت است برای فقر ، و جمع خیر دنیا و آخرت که بگوید بعد از نماز تا طلوع شمس، یعنی در مابین این دو :

«سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ».

راوی حدیث گفت : حال من از همهٔ خویشاوندانم پریشان‌تر بود ، به اندک زمانی میراثی به من رسید از کسی که نمی‌دانستم بین من و او خویشاوندی باشد و حال

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸۲.

(۲) همان.

(۳) همان، ص ۱۹۹.

(٤) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۷۵.

توانگرترین ایشانم ، و این نیست مگر از برکت آنچه عبد صالح مولای من تعلیم به من نمود (۱).

و در **بحار** آن را از ***عدّة الداعی*** و ***کافی*** روایت کرده که در عقب صلاة فجر ده مرتبه بخواند (۲).

و روایت **مکارم الاخلاق** نیز «**في دُبُرِ صَلاَةِ الفجرِ إلى أن تَطْلُعَ الشـمسُ**» است (۳) مِثل **فقیه** ، و محتمل است که مراد تکرار آن تا طلوع شمس باشد ، و کفعمی نیز ده مرتبه آورده (٤).

دعا در وقت صبح و شام برای رفع فقر، ضرر و مرض

و در ***بلد الامین*** و **بحار** روایت است از کتاب ***طریق النجاة*** که هرگاه فقری یا ضرری تو را نازل شود بگو در صبح و شام ده مرتبه :

«**وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً**».

که نبی صلى الله عليه وآله تعلیم داد آن را به مردی از انصار که به آن حضرت شکایت کرد ، پس گفت : سه روز آن را خواندم فقر و مرض از من زائل شد (٥).

و در **مصباح** کفعمی و **حاشیهٔ بلد الامین** از حضرت صادق علیه السلام مروی است که:

---

(۱) **نزهة الزاهد**، ص ۱۸۹ ؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۵۰ ؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۲۸.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۵۰ ؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ٦١ ؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ٨٦، ص ١٣١.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ٣٤.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۲۸؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٦٤.

(٥) **نزهة الزاهد**، ص ۱۹۰ ؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۲٦ و ۵۲ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۸، ص ۲۹٤ ؛ عیّاشی، محمّد بن مسعود، **تفسیر عیّاشی**، ج ۲، ص ۳۲۰.

هرکه بیماری داشته باشد در عقب نماز صبح چهل مرتبه تا چهل روز بگوید :

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» .

و مسح کند بر موضع مرض، سلامتی حاصل شود باذن الله تعالی .

و فرموده در **حاشیه** که در بعض کتب اصحاب دیدم که مردی مبتلا شد به مرضی که اطبّا عاجز شدند ، روزی نظر کرد دید در اوّل آن روایت شده از امام جعفر صادق علیه‌السلام که: کسی که مرضی داشته باشد باید بگوید در عقب صبح چهل مرتبه این کلمات را ، پس آن مرد گفت آن را چهل روز ، سلامتی حاصل شد [1].

وفرموده پدرم: شیخ زین الاسلام والمسلمین علی بن‌الحسن صاحب اعتقاد عظیم به مضمون این روایت بود ، و بعد از آن حکایت غریبی در این باب از نفع آن آورده [2].

دعا در وقت صبح که موجب وسعت رزق است

و نیز کفعمی در دوکتاب خود روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه‌السلام که: کسی که صبح کند و این کلمات را نگوید خوف آن است که روزی از او فوت شود ، این است :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي نَفْسَهُ وَلَمْ يَتْرُكْنِي عَمْيَانَ الْقَلْبِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي مِنْ سَائِرِ الأُمَمِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي يَدِهِ وَلَمْ يَجْعَلْهُ فِي أَيْدِي النَّاسِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ عَوْرَتِي وَلَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ النَّاسِ» [3].

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱٤۸ ؛ همو، **حاشیه بلد الأمین**، ص ٥٥ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۸، ص ۱۹ و ٦٤ ؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۷۲ .

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ٦٤ .

(۳) کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه بلد الأمین**، ص ۳٤ ؛ همو، **مصباح**، ص ۱۷۰ ، فصل ۲۰ ؛

و از ***تاریخ علی بن انجب*** روایت کرده که کسی که مواظبت کند بر این دعا، اسباب رزق برای او فراهم آید:

«اللَّهُمَّ يَا سَبَبَ مَنْ لَا سَبَبَ لَهُ، يَا سَبَبَ كُلِّ ذِي سَبَبٍ، يَا مُسَبِّبَ الأَسْبَابِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ» (۱).

دعای هر صبح و شام جهت ایمنی از جانوران و عقرب

و از کتاب ***توکل***، ابن ابی الدنیا روایت کرده که کسی که از جانوران و عقارب بترسد هر صبح و شام بگوید:

﴿ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴾ (۲).

دعا برای دفع کیک

و در بعضی کتب است که اگر این کلمات را هفت مرتبه بر قدح آب بخواند و بعد هفت بار بگوید:

«إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللهِ فَكُفُّوا شَرَّكُمْ وَأَذَاكُمْ عَنَّا».

و آب را بر حوالی خود پاشد از شرّ کیک ایمن گردد (۳).

و از ***فوائد*** قطیعی آورده که کسی که صبح و شام بگوید:

«بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ

← سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۲۸۱.

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱۷۰؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **المجتنی من الدعاء المجتبی**، ص ۴۰، «ضمیمه **مهج الدعوات**».

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۲۱. و آیه در سوره ابراهیم / ۱۲.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۰۲.

الْعَلِيمُ».

هیچ چیز به او ضرر نرساند [۱].

دعا برای ایمنی از عقرب و مار و دزد

وکسی که اوّل شب و اوّل روز بگوید :

«عَقَدْتُ زُبَانِيَ الْعَقْرَبِ وَلِسَانَ الْحَيَّةِ وَيَدَ السَّارِقِ بِقَوْلِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

ایمن شود از عقرب و مار و دزد [۲].

و در ***قاموس اللغه*** گفته : «**زُبَانَيَا العَقْرب ـ بالضمّ ـ قَرْنَاهَا**» [۳].

دعای دیگر در صبح و شام

در **جامع** از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که هرکه: هر صبح بگوید :

«أَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

و بخواند آیه آخر سورهٔ حشر ﴿**لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ**﴾ تا ﴿**وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ**﴾ [٤] موکّل کند خدا بر او هفتاد هزار مَلک که حفظ کند او را و طلب رحمت و مغفرت کند از برای او تا شب ، و اگر در آن روز بمیرد شهید مرده باشد ، و اگر در شب بخواند از برای او این ثواب باشد .

---

(۱) همان، ص ۲۲۱.

(۲) همان.

(۳) ابن منظور، محمّد بن مکرّم، **لسان العرب**، ج ۱۳، ص ۱۹۵ ، ماده زبن ؛ طریحی، فخرالدین بن محمّد، **مجمع البحرين**، ج ۲، ص ۷٦٥.

(٤) حشر / ۲۱ ـ ۲٤.

دعای دیگر بعد از نماز صبح جهت ایمنی از بلاها

و از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده که: هرکه بگوید بعد از نماز صبح پیش از آنکه تکلم کند:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» هفت مرتبه، خدا دفع کند از او هفتاد نوع از بلا، و کسی که بگوید آن را بعد از نماز مغرب پیش از تکلّم، دفع کند از او هفتاد نوع از بلاکه آسان‌تر آنها جذام و برص است [۱].

و در **بحار** است که حضرت امام حسن عليه‌السلام بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب تکلّم نمی‌فرمودند اگرچه می‌خواستند آن حضرت را به کلام وادارند [۲].

و صدوق در ***ثواب الاعمال*** از صبّاح بن سیّابه روایت کرده که حضرت صادق عليه‌السلام به او فرمود: بعد از فجر بگو صد مرتبه: **«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»** تا خدا روی تو را از آتش نگاه دارد [۳].

در بیان ثواب خواندن ده مرتبه سوره قدر

و کفعمی در ***حاشیهٔ بلد الامین*** آورده که هرکس سورهٔ «إنّا أنزلناه» را بخواند بعد از صبح ده مرتبه، و در وقت زوال ده مرتبه، و بعد از عصر ده مرتبه، به تعب اندازد دو هزار کاتب را سی سال که برای او ثواب بنویسند [٤].

دعای نزدیک غروب

در **بحار** و جمله‌ای از کتب روایت است که چون نزدیک غروب شود این دعا را بخواند که کفّارهٔ گناهان گذشته در آن روز باشد، و در **بحار** و ***فلاح السائل*** و ***حواشی***

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۳۱.

(۲) به همین مضمون رجوع شود به مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ۱۲۹.

(۳) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۸٦.

(٤) کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه بلد الأمین**، ص ۳۳.

کفعمی است که اگر در آن شب یا در آن ماه یا در آن سال بمیرد شهید مرده باشد :

«يَا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اخْتِمْ لِي فِي يَوْمِي هٰذا بِخَيْرٍ ، وَشَهْرِي بِخَيْرٍ ، وَسَنَتِي بِخَيْرٍ ، وَعُمْرِي بِخَيْرٍ» .

و بگوید :

«اللَّهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلىٰ دِينِكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ ، اللَّهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي ، وَانْشُرْ عَلَيَّ مِن رَحْمَتِكَ ، وَإِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ شَقِيّاً فَاجْعَلْنِي سَعِيداً فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ» [۱].

در بیان فضیلت خواندن سورهٔ توحید یازده مرتبه بعد از نماز صبح

در ***ثواب الأعمال*** است از امیرالمؤمنین علیه‌السلام که: هرکه نماز صبح بگزارد و بعد یازده مرتبه بخواند سورهٔ «قُل هو الله أحد» را در آن روز ، گناه بر او ننویسند هرچند بینی شیطان به‌خاک مالیده شود [۲].

خواندن دعای صباح حضرت امیر علیه‌السلام وقت صبح

و بخواند دعای صباح مشهوراً از امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در **سفینه**؛ یعنی کتاب ***کشکول*** که مشتمل بر متفرقات بود به‌خطّ آن حضرت یافته شد ، و آن را در **بحار** از ***اختیارات*** ابن باقی نقل کرده ، و **جامع *صحیفهٔ علویّه*** نیز آن را از آن حضرت روایت فرموده است [۳].

و بخواند آنچه بتواند از تعقیبات که در کتب اصحاب است و قدری در باب

---

(۱) همو، **بلد الأمين**، ص ۲۳ ؛ همو، **مصباح**، ص ١٦؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۳، ص ۲٦٧ و ٢٦٨ ؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۲۲.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۵۷ .

(۳) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۲۸۸ ـ ۲۹۲ .

یازدهم بیاید، و از قرآن به‌خصوص پنجاه آیه.

در تصدّق نمودن در اوّل صبح و برداشتن عصا

و تصدّق کند اوّل صبح به آنچه بر او آسان باشد برای سلامتی خود [۱].

و هرگاه بخواهد بیرون رود عصا بردارد که دفع شیطان می‌کند و سبب وسعت رزق است [۲]، چنانچه در **فقیه** روایت است [۳].

و طبرسی در ***مجمع البیان*** روایت کرده از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود:

«تَعَصَّوْا فَإِنَّهَا مِنْ سُنَنِ إِخْوَانِيَ النَّبِيِّينَ» [٤].

و در حدیث مشهور است که آن حضرت فرمود:

«مَنْ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَلَمْ يَأْخُذِ العَصَا عَدَلَهُ» [٥].

و آن را در کتب اخبار ندیدم، ولیکن سیّد شهید متبحّر نور الله در ***احقاق الحق*** به‌نحو مسلّم ارسال کرده وكفى به.

در بیان دعا در وقت ظهر

در **فقیه** روایت کرده که حضرت امام محمّد باقر علیه السلام به محمّد بن مسلم فرمود: محافظت کن بر این دعا در وقت ظهر مثل محافظت بر چشم خود:

«سُبْحَانَ اللهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً» [٦].

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **الأمان من أخطار الأسفار والأزمان**، ص ۳۸ و ۳۹؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۵۲۱.

(۲) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۳۳۲.

(۳) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۲، ص ۲۷۰.

(٤) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

(٥) حلبی، علی بن ابراهیم، **سیره حلبیّه**، ج ۱، ص ۸۳؛ اکبرزاده، محمود، **الأربعینات**، ص ۵۲۸.

(٦) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۲۲۵؛ طوسی، محمّد بن

و در **بحار** از تلعکبری دعا را چنین روایت کرده :

«لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً» (۱).

دعای در وقت زوال که از ادعیهٔ سرّ لیلهٔ معراج است

و در **بحار**، ***مصباح کبیر*** و ***فلاح السائل*** این دعا را از ادعیهٔ سرّ که در معراج نبی صلی الله علیه و آله وحی شد، چنانچه در ***بلد الامین*** به تمام ادعیه و در **بحار** با سند ضبط است، در وقت زوال ذکر فرموده‌اند و آنکه هرگاه این را بگوید خداوند می‌فرماید :کفایت می‌کنم او را آنچه کفایت می‌کنم عباد صالحین را و او را ولیّ خود قرار می‌دهم ، این است :

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ جُمْلَتُهُ وَتَفْسِيرُهُ كَمَا اسْتَحْمَدْتَ بِهِ إِلىٰ أَهْلِهِ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ لَهُ وَأَلْهَمْتَهُمْ ذٰلِكَ الْحَمْدَ كُلَّهُ.

اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كَمَا جَعَلْتَ رِضَاكَ عَمَّنْ بِالْحَمْدِ رَضِيتَ عَنْهُ لِيَشْكُرَ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كَمَا رَضِيتَ بِهِ لِنَفْسِكَ وَقَضَيْتَ بِهِ عَلىٰ عِبَادِكَ حَمْداً مَرْغُوباً فِيهِ عِنْدَ الْخَوْفِ مِنْكَ لِمَهَابَتِكَ، وَمَرْهُوباً عِنْدَ أَهْلِ العِزَّةِ بِكَ لِسَطَوَاتِكَ، وَمَشْكُوراً عِنْدَ أَهْلِ الإِنْعَامِ مِنْكَ لإِنْعَامِكَ.

فَسُبْحَانَكَ رَبَّنَا مُتَكَبِّراً فِي مَنْزِلَةٍ تَدَهْدَهَتْ أَبْصَارُ النَّاظِرِينَ وَتَحَيَّرَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ بُلُوغِ عِلْمِ جَلَالِهَا، تَبَارَكْتَ فِي مَنَازِلِكَ العُلىٰ كُلِّهَا، وَتَقَدَّسْتَ فِي الآلَاءِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا يَا أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ.

← الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۸ ؛ شیخ بهائی، محمّد بن الحسن، **مفتاح الفلاح**، ص ١٤٥ ؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ٩٦ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۷، ص ٥٥.

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۷، ص ٥٤ ؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ٦.

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الكَبِيرُ ، لِلْفَنَاءِ خَلَقْتَنَا وَأَنْتَ الكَائِنُ لِلْبَقَاءِ فَلَا تَفْنىٰ وَلَا نَبْقىٰ ، وَأَنْتَ العَالِمُ بِنَا وَنَحْنُ أَهْلُ الغِرَّةِ وَالغَفْلَةِ بِكَ عَنْ شأنِكَ ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا تَغْفَلُ وَلَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ، بِحَقِّكَ يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجِرْنِي مِنْ تَحْوِيلِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا يَا كَرِيمُ» (۱).

در بيان استحباب قرائت سوره قدر ده مرتبه در زوال بعد از نافله ظهر

شيخ در **مصباح** و غير ايشان فرموده‌اند : مستحب است در زوال قرائت سورۀ «إِنّا أنزلناه» ده مرتبه ، و بعد از فراغ از هشت ركعت نافله بيست و يک مرتبه (۲).

سيّد در ***فلاح السائل*** فرموده : وقت زوال ، وقت اجابت دعا و دست از كار كشيدن و برآمدن حوائج بزرگ است تا مقدار چهار ركعت به تأنّی و آرام در آن وقت گزاردن (۳).

و نافلۀ ظهر ثواب و مدح عظيم در اخبار دارد .

در فضيلت قرائت سورۀ توحيد ، قدر و آية الكرسی در هر ركعت از نمازهای مستحبی

و روايت كرده از حضرت صادق عليه السلام كه: كسی كه «قل هو الله» و «إنّا أنزلناه» و آية الكرسی در هر ركعت از نمازهای مستحبی خود بخواند عمل او اعظم اعمال آدميّين است . و مراد بعد از حمد است بنا بر مشهور (٤).

---

(۱) كفعمی، ابراهيم بن علی، **بلد الأمين**، ص ٦ و ٧؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ٢٨ و ٢٩؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ٨٧، ص ٥٥.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ٢٩.

(۳) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ٩٦.

(٤) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ٨٥، ص ٣٦.

دعای فرج وقت زوال

و چون وقت اجابت دعاست مناسب است که این دعای شریف را مقدّم بدارد که در کتاب **جعفریّات** که از اصول معتبرهٔ قدمای اصحاب است از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده که آن حضرت شکایت نمود نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای حاجتی، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آیا نیاموزم تو را کلماتی که هدیه آورده آنها را جبرئیل علیه‌السلام از برای من و آن نوزده حرف است که نوشته شده از آنها چهار بر پیشانی جبرئیل، [و چهار بر پیشانی میکائیل]، و چهار بر پیشانی اسرافیل، و چهار بر دور کرسی، و سه بر حول عرش، و دعا نکرده به آن کلمات مکروبی و نه درمانده‌ای و نه مهموم و مغمومی و نه کسی که بترسد از سلطان یا شیطان مگر آنکه کفایت کند او را خدای عزّ وجل، این است:

«يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، وَيَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ، وَيَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ، وَيَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ، وَيَا فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ، وَيَا رُكْنَ مَنْ لَا رُكْنَ لَهُ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، يَا عِزَّ الضُّعَفَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى، يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَىٰ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، أَسْأَلُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ [لَكَ] سَوَادُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ النَّهَارِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَنُورُ الْقَمَرِ وَدَوِيُّ الْمَاءِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالإِكْرَامِ» (۱).

و امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌نامید این دعا را به دعای فرج.

مؤلّف گوید: چهار دعای دیگر نیز موسوم است به دعای فرج، بعضی بیاید؛ ان شاء الله تعالی.

---

(۱) کوفی، محمّد بن محمّد بن اشعث، **جعفریّات**، ص ۲۴۸، کتاب الرؤیا.

باب پنجم:

در بیان مقداری از آنچه در هر شبانه روز باید خوانده شود

در بیان دعای هر روز

شیخ کلینی به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: هرکه بگوید هر روز ده مرتبه:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلٰهاً وَاحِداً أَحَداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً».

بنویسد خداوند از برای او چهل و پنج هزار حسنه، و محو کند از او چهل و پنج هزار گناه، و بلند کند از برای او چهل و پنج هزار درجه.

و در روایتی دیگر می‌گوید: بوده باشد حرز از شیطان و سلطان و حفظ از گناه کبیره [1].

وآن را صدوق در ***ثواب الأعمال*** و ***توحید*** روایت نموده و ذکر ده مرتبه ندارد، و زیاده کرده که ثواب دوازده ختم قرآن داشته باشد، و بنا کند خدا از برای او خانه‌ای در بهشت [2].

دعای دیگر از برای هر روز

در کتاب ***ثواب الأعمال*** و ***مقباس المصابیح*** و ***محاسن برقی*** از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: هرکه هر روز پانزده مرتبه بگوید:

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۱۹؛ برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۳۱.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۲۳؛ همو، **توحید**، ص ۳۰.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ حَقّاً حَقّاً، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ إِيماناً وَتَصْدِيقاً، لَا إِلَه إِلَّا اللهُ عُبُودِيَّةً وَرِقّاً».

خداوند رو بیاورد به او و رو از او نگرداند تا داخل بهشت کند او را [۱].

و در *خصال* از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که به علی بن الحسین علیهما السلام عرض کردم: چیست آن پنج کلمه‌ای که فرمودی خدا را به آن ستایش کنید؟ فرمود:

«سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ».

و از برای هریک ثوابی ذکر فرموده [۲].

به جهت حفظ از درد و رنج

و به جهت حفظ از درد و رنج هر روز بخواند:

«أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى الأَشْيَاءِ كُلِّهَا، أُعِيذُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمٰوَاتِ وَأُعِيذُ نَفْسِي بِمَا لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ مِنْ دَاءٍ، وَأُعِيذُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَشِفَاءٌ».

چنانچه در *صحیفهٔ علویّه* است [۳].

برای امان از آتش جهنّم

و در گفتن هفت مرتبه:

«أَسْأَلُ اللهَ الْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ».

آتش می‌گوید: خداوندا! امان ده او را از من [٤].

---

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ٢٤؛ برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٣٢.

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **خصال**، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۷۲.

(۳) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ٢٢٤.

(٤) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۲۲۲.

برای ایمنی از فقر

وگفتن سی مرتبه : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» هر روز امان از فقر است [۱]. وصدوق در جمله‌ای از کتب خود روایت کرده که کسی‌که بگوید صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» افضل مردم باشد در آن روز مگر کسی که زیاده‌تر گفته باشد آن را [۲].

دعای هر روز به جهت ادای شکر نعمت

در **وسائل الشیعه** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: هرکه گوید هفت مرتبه در هر روز «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلىٰ كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَائِنَةٌ» به‌درستی که به‌جای آورده شکر نعمت آنچه گذشته و آنچه باقی است [۳].

ایضاً برای آمرزش گناهان، سکرات مرگ، فشار قبر و اهوال قیامت

در **بلد الامین** و **مقباس المصابیح** مجلسی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که: هرکه هر روز ده مرتبه این دعا را بخواند حق تعالی هزارگناه کبیره او را بیامرزد ، و او را از سکرات مرگ ، فشار قبر و صد هزار نوع هول قیامت نجات دهد ، و از شرّ شیطان و لشکرهای او محفوظ گردد ، و قرضش ادا و غمّ و همّش زایل گردد ، دعا این است :

«أَعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ ، وَلِكُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ مَا شَاءَ اللهُ ، وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلِكُلِّ رَخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ ، وَلِكُلِّ أُعْجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللهِ ، وَلِكُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ، وَلِكُلِّ ضِيقٍ حَسْبِيَ اللهُ ، وَلِكُلِّ قَضَاءٍ وَقَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ ، وَلِكُلِّ عَدُوٍّ اعْتَصَمْتُ بِاللهِ ، وَلِكُلِّ طَاعَةٍ وَمَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» [۴].

---

(۱) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۳۲، طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی**، ص ۲۷۹، مجلس ۱۰، ح ۷۲.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ٤٤، مجلس ۱۱؛ همو، **ثواب الأعمال**، ص ۱۸؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۳، ص ۱۷۱ و ۲۰۵.

(۳) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۲۲۳.

(٤) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸۲؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**،

برای ایمنی از فقر و تنگدستی

و در **مقباس** روایت کرده که صد مرتبه «**لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ**» راگفتن در هر روز امان است از فقر و تنگدستی [۱].

وکلینی از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: استغفار و گفتن «**لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ**» افضل عبادات است [۲].

و از حضرت امام رضا عليه‌السلام روایت است که مَثَل استغفار مَثَل برگ درخت است که حرکت داده شود پس بپاشد، و استغفارکنندهٔ از گناه که ترک گناه نکند، مثل استهزاءکنندهٔ به پروردگار خود است [۳].

در بیان اینکه در هر امری باید بسمله گفته شود

در تفسیر امام حسن عسکری عليه‌السلام روایت کرده از پدران آن حضرت از علی عليه‌السلام که مردی به آن حضرت عرض کرد که: بنما به‌من گناهی که در این مجلس انجام دادم. فرمود: آن است که ترک کردی در هنگامی که نشستی گفتن «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**» را، به‌درستی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مرا خبر داد از خدای عزّوجلّ که هر امر ذی بالی که ذکر نشود در او «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**» ابتر است [٤].

مؤلّف گوید: مراد آن حضرت شاید آن است که چون ترک کردی سنّتی از سنن پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را معصیت کردی؛ چون معصیت به معنای مخالفت است، خواه

← ج ۵، ص ۳۷۹؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۷، ص ۵.

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱٦۲؛ سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱٤٤.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥١٦ و ٥١٧.

(۳) همان، ج ۲، ص ٥٠٤.

(٤) **تفسیر إمام حسن عسکری** عليه‌السلام، ص ۲۵.

واجب و خواه مستحب ، چنانچه خدا فرمود : ﴿ **وَعَصىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوىٰ** ﴾ (۱).

دعایی که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله تعلیم ابوذر فرمود

در **صحیح مسلم** و **مشکاة *المصابیح*** روایت است از ابوذر که از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم که: کدام کلام افضل است ؟ فرمود : آنچه خدا برای ملائکه خود اختیار کرده «**سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ**» (۲).

ایضاً دعای دیگر از آن سرور

و در آن دوکتاب از جویریه بنت حارث بن ابی ضرارکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را آزاد فرمود و عقد کرد، روایت کرده که صبحی رسول خدا صلی الله علیه و آله از نزد او بیرون رفتند و او در محلّ عبادت خود نشسته بود ، وقت ظهر که آن حضرت به خانه آمدند باز او را در محلّ عبادت او دیدند ، فرمودند : تو بر آن حالتی که از تو جدا شدم ؟گفت : بلی . نبی صلی الله علیه و آله فرمود : بعد از تو چهار کلمه را سه مرتبه گفتم ، اگر وزن شود به آنچه تو امروز گفتی راجح بر آن باشد :

«**سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ**» (۳).

و در **مشکاة** از **شرح *السنّه*** روایت کرده که موسی علیه السلام عرض کرد که: مرا تعلیم ده چیزی که تو را به آن بخوانم . خطاب رسید که بگو : «**لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ**» . عرض کرد : آن را همه می‌گویند ، مرا تخصیص ده . خطاب رسید که: اگر هفت آسمان و آنچه در آنهاست غیر از من و هفت زمین در کفّه‌ای گذارده شود ، «**لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ**» در کفّهٔ راجح

---

(۱) طه/۱۲۱.

(۲) قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ٤، ص ۲۰۹۳، کتاب **الذکر**، باب فضل «سبحان الله»، ح ۸٤ ـ ۲۷۳۱ ؛ خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤۱۹.

(۳) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤۲۰ ؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ٤، ص ۲۰۹۰، کتاب **الذکر**، باب التسبیح، ح ۷۹ ـ ۲۷۲٦.

باشد بر آنها[۱].

در استحباب استغفار

و روایت کرده از ترمذی و ابوداود که نبی ﷺ فرمود که: کسی که بگوید:
«أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».
آمرزیده شود، اگرچه از جهاد گریخته باشد[۲].
و امّا ابن عبّاس روایت کرده در آیهٔ ﴿ **إِلَّا اللَّمَمَ** ﴾[۳] که پیغمبر ﷺ فرمود:
إِنْ تَغْفِرِ اللّٰهُمَّ تَـغْفِرْ جَـمّاً وَأَيُّ عَـبْدٍ لَكَ لَا أَلَـمَّا
روایت کرده که آن حضرت قرائت کرد: ﴿ **يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً** ﴾[٤] **وَلاَ يُبَالِي**.

ایضاً در فضیلت استغفار

و در باب ادعیهٔ اوقات روایت کرده از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که فرمود: نبی ﷺ خندید، عرض کردم: از چه خندیدی یا رسول الله؟ فرمود: به‌درستی که خداوند تعجّب می‌کند هرگاه بندهٔ او بگوید: «**رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي**» و می‌فرماید: می‌داند بندهٔ من که گناهان را غیر از من کسی نمی‌آمرزد.

ایضاً در بیان ثواب استغفار

و کلینی رحمه‌الله از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: هرکه بگوید هر روز بیست و

---

(۱) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤١٩.

(۲) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤٢٨؛ ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن**، ج ۵، ص ۵۳۱، کتاب **الدعوات**، ح ۳۵۷۷؛ ابوداود، سلیمان بن اشعث، **سنن أبی‌داود**، ج ۲، ص ۱۷۸، باب في الاستغفار، ح ۱۵۱۷.

(۳) نجم/۳۲.

(٤) زمر/ ۵۳.

پنج مرتبه :

«اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ» .

بنویسد خدا از برای او به عدد هر مؤمنی که گذشته و به عدد هر مؤمنی که باقی است تا روز قیامت حسنه‌ای ، و محو کند از او سیّئه‌ای ، و بلند کند از برای او درجه‌ای [۱].

در بیان مهر حور العین

و در ***وسائل الشیعه*** از برقی در ***محاسن*** روایت کرده که حسین بن خالد سؤال کرد از حضرت ابی الحسن علیه‌السلام از سبب آنکه مهر السنّه پانصد درهم است ؟ فرمود : خدا واجب کرده بر خود که تکبیر نگوید مؤمنی صد تکبیر ، صد تسبیح ، صد تحمید ، صد تهلیل و صد صلوات بر محمّد و آل محمّد و بعد بگوید : «**اللّٰهُمَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ**» مگر آنکه خدا تزویج کند به او حوری ، و این را مهر او قرار دهد [۲].

وکلینی و صدوق در پاره‌ای از کتب خود این را ذکر کرده‌اند [۳].

در ثواب گفتن «ما شاء الله» در یک مجلس هزار مرتبه

و نیز از برقی در ***محاسن*** از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت کرده که: کسی که بگوید «**مَا شَاءَ اللّٰهُ**» در یک مجلس هزار مرتبه ، خدا حج را نصیب او کند ، پس اگر نکرد به تأخیر بیندازد تا نصیب کند او را ، و بسیار صلوات بفرستد [٤].

و هر روز صد مرتبه وارد است، چنانچه گذشت .

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۲۹ ؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸۲.

(۲) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۳۱۳؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۲۱، ص ۲٤۵.

(۳) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، ج ۲، ص ۸٤؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۵، ص ۳۷٦.

(٤) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٤۲.

دعای موسوم به فرج

و فاضل متبحّر سیّد علی خان مدنی در کتاب ***کلم الطیّب*** از جدّ خود نقل کرده که این دعای فرج است:

«اللّٰهُمَّ يَا وَدُودُ يَا وَدُودُ يَا وَدُودُ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، يَا فَعَّالاً لِمَا يُرِيدُ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي مَلأَ أَرْكَانَ عَرْشِكَ، وَبِقُدْرَتِكَ الَّتِي قَدَرْتَ بِهَا عَلىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا مُبْدِءُ يَا مُعِيدُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلٰهَ الْبَشَرِ، يَا عَظِيمَ الْخَطَرِ، مِنْكَ الطَّلَبُ وَإِلَيْكَ الْهَرَبُ، وَقِّعْ بِالْفَرَجِ، يَا مُغِيثُ أَغِثْنِي» این دعا را سه مرتبه بگوید (۱).

تسبیح جبرئیل علیه‌السلام

در **بحار** از ***جنّة الامان*** و کفعمی در مواضعی و شیخنا المحدّث الجلیل النوری در ***دارالسلام*** روایت کرده‌اند که کسی که تسبیح جبرئیل را یک سال کامل هر روز یک مرتبه بگوید، نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند:

«سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الأَحَدِ، سُبْحَانَ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الأَعْلىٰ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالىٰ» (۲).

دعای دیگر در هر روز

شیخ و ابن باقی فرموده‌اند: این دعا را هر روز باید خواند، و کفعمی فرموده دعایی است عظیم الشأن رفیع المنزله:

---

(۱) مدنی، سید علیخان، **کلم الطیّب**، ص ۶۰.

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۷، ص ۶؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی. **مصباح**، ص ۸۳.

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُشْرِقِ الْحَيِّ الْبَاقِي الْكَرِيم، وَأَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْقُدُّوسِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوَاتُ وَالأَرَضُونَ وَانْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُصْلِحَ شَأْنِي كُلَّهُ» [۱].

ایضاً دعای هر روز

در **جُنّه** و **بحار** روایت است که هرکه بگوید هر روز «**جَزَى اللهُ مُحَمَّداً عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ**» خداوند قرار دهد هفتاد کاتب را تا قیامت برای او حسنات بنویسند [۲].

دعا در وقت ناخن گرفتن و سبیل گرفتن

و در ***دعوات*** راوندی و ***جامع الأخبار*** و ***مستدرك الوسائل*** روایت است از ائمّهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که بگیر ناخن خود را و بگیر از سبیل خود و ابتداکن به انگشت کوچک از دست چپ و ختم کن به انگشت کوچک دست راست، و در وقت گرفتن ناخن و شارب بگو:

«**بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ**».

پس عطا می‌فرماید خدای تعالی به هر ریزه‌ای آزاد کردن بنده‌ای، و مریض نشود به غیر مرض موت [۳].

و حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمود: ناخن گرفتن روزی را زیاد می‌کند [۴].

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه مصباح**، ص ۸۲، به نقل از ابن باقی؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۰۲.

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۷، ص ۷.

(۳) قطب راوندی، سعید بن هبةالله، **دعوات**، ص ۷۸؛ سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۳۳۵؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۱، ص ٤١٦، باب ٥٤، ح ۲.

(٤) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ٤٢.

برای دفع طاعون و وبا

و برای دفع طاعون و وبا خواندن این دعا هر روز وارد است و مجرّب است:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ سَكِّنْ هَيْبَةَ صَدَمَةِ قَهْرَمَانِ الْجَبَرُوتِ بِاللَّطِيفَةِ النَّازِلَةِ الْوَارِدَةِ مِنْ فَيَضَانِ الْمَلَكُوتِ حَتّىٰ نَتَشَبَّثَ بِأَذْيَالِ لُطْفِكَ عَنْ إِنْزَالِ قَهْرِكَ، وَنَعْتَصِمَ بِكَ عَنْ إِنْزَالِ سَخَطِكَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْكَامِلَةِ وَالْقُدْرَةِ الشَّامِلَةِ بِرَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ يَا رَبِّ سَكِّنْ سَكِّنْ سَكِّنْ يَا حَيُّ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ.

اللَّهُمَّ يَا وَلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُجِيبَ الدُّعَاءِ، وَيَا كَاشِفَ الْبَلَاءِ اِصْرِفْ عَنَّا وَعَنْ أَوْلَادِنَا وَأَقْرِبَائِنَا الْقَحْطَ وَالطَّاعُونَ وَالْوَبَاءَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ وَعَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ وَبِحُرْمَةِ الْأَئِمَّةِ وَالشُّهَدَاءِ، وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلٰكِنَّ اللهَ رَمىٰ، وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَناً، يَا غَوْثَاهُ يَا غَوْثَاهُ يَا غَوْثَاهُ أَغِثْنَا يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا دَائِمُ يَا قَائِمُ يَا وِتْرُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الطَّعْنِ وَالطَّاعُونِ وَمِنْ مَوْتِ الْفُجْأَةِ وَمِنْ سُوءِ الْقَدَرِ وَالْقَضَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ مَضَرَّةِ الْحُمّىٰ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ ذٰلِكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ النُّجَبَاءِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[۱].

دعای مأثور از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله

در صحیحین و **جامع** این دعا از نبی صلّی الله علیه و آله مأثور است:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَجَهْلِي وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي جِدِّي وَهَزْلِي وَخَطَئِي وَعَمْدِي وَكُلُّ ذٰلِكَ عِنْدِي. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ وَأَنْتَ عَلىٰ كُلِّ

---

(۱) چند سطری از این دعا را بنگرید به: **کلم الطیّب**، ص ۴۳؛ نیشابوری، عبدالله و حسین فرزندان بسطام، **طبّ الائمه** علیهم السلام، ص ۳۵۱.

شَيءٍ قَدِيرٌ» [۱].

و مسلم روایت کرده از دعای آن حضرت :

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي ، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي ، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي ، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ» [۲].

و از عبدالله بن مسعود روایت کرده که آن حضرت می‌فرمود :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدىٰ وَالتُّقىٰ وَالْعَفَافَ وَالْغِنىٰ» [۳].

در فضیلت عادت دادن زبان به استغفار

و جزری در **حصن حصین** از **کتاب زهد** از لقمان روایت کرده که عادت ده زبان خود را به گفتن «**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي**» که خدا را ساعاتی است که دعا رد نمی‌شود.

و صلاة و تسبیح راکه نماز جعفر طیّار است با فضیلت آن از حضرت رسول ﷺ خطاباً به عبّاس بن عبدالمطّلب برای هر روز روایت کرده.

در فضیلت تسبیحات اربعه و حولقه

و اخباری که در فضیلت گفتن تسبیحات اربعه و همچنین در باب «**لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**» [۴] در آن کتاب و **بحار**، **جامع الاخبار** و کتب کفعمی وارد

---

(۱) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ۴۵۱؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ٤، ص ۲۰۸۷، کتاب **الذکر**، باب التعوّذ، ح ۷۰ ـ ۲۷۱۹.

(۲) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ۴۵۱؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ٤، ص ۲۰۸۷، کتاب **الذکر**، باب التعوّذ، ح ۲۷۲۰.

(۳) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ۴۵۱؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ٤، ص ۲۰۸۷، کتاب **الذکر**، باب التعوّذ، ح ۲۷۲۱.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۲۱.

است از حیّز احصا خارج است [۱].

و ابن عساکر را کتابی است در فضل حولقه [۲].

اشاره به فضیلت صلوات و اینکه حذف آل از تعصّب ناشی شده

وکذلك در فضیلت صلوات بر حضرت ختمی مرتبت و آل امجاد آن حضرت رساله‌ها از خاصّه و عامّه بسیار نوشته، و آن در **حصن حصین** و غیر آن ازکتب عامّه مسطور است [۳].

وصاحب ***ینابیع المودّه*** اعتراف کرده به آنکه حذف آل از صلوات از تعصّب ناشی شده [٤].

مؤلّف گوید: مناسب این است که این شعر را که سیّد محمّد نازلی در ***خزینة الاسرار*** از امام شافعی نقل کرده برای ایشان خوانده شود:

قُضَاةُ الدَّهْرِ قَدْ ضَلُّوا فَقَدْ بَانَتْ خِسَارَتُهُمْ   فَبَاعُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ

دعای منسوب به حضرت پیغمبر صلّی الله علیه و آله

در **مشکاة** از **صحیح ترمذی** و ابوداود و ابن ماجه روایت کرده از ابن عبّاس از دعای نبی صلّی الله علیه و آله:

«رَبِّ أَعِنِّي وَلَا تُعِنْ عَلَيَّ، وانْصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ، وَامْكُرْ لِي وَلَا تَمْكُرْ عَلَيَّ، وَاهْدِنِي وَيَسِّرِ الْهُدىٰ لِي وَانْصُرْنِي عَلىٰ مَنْ بَغَى عَلَيَّ. رَبِّ اجْعَلْنِي لَكَ شَاكِراً، لَكَ ذَاكِراً،

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۳، ص ١٦٦ ـ ١٧٥.

(۲) بنگرید فضل حولقه را در: سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ١٤٣؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۳، ص ٢٧٤؛ ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن**، ج ٥، ص ٥٣٢، کتاب **الدعوات**، باب ١٢٠.

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ٩٤، ص ٤٧ ـ ٧٢.

(٤) قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینابیع المودّه**، ج ۱، ص ۳۷؛ علّامه قندوزی حنفی مؤلف **ینابیع المودّه** می‌گوید: «نسأل الله أن يعصمنا عن التعصّب».

لَكَ رَاهِباً، لَكَ مُطَوِّعاً، لَكَ مُخْبِتاً إِلَيْكَ أَوَّاهاً مُنِيباً، رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَاغْسِلْ حَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَثَبِّتْ حُجَّتِي، وَسَدِّدْ لِسَانِي، وَاهْدِ قَلْبِي، وَاسْلُلْ سَخِيمَةَ صَدْرِي» [1].

دعای مروی از حضرت سیّدالشهدا عليه‌السلام از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله

و این دعا را در عقب دعاهای تعقیب نماز بخواند که صدوق در **عیون** روایت کرده که امام حسین عليه‌السلام فرمود: وارد شدم بر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله و در نزد آن حضرت بود أُبیّ ابن کعب، پس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به من فرمود: «**مَرحباً بكَ يا أبا عبداللهِ يَا زَيْنَ السَّمٰوَاتِ وَالأَرَضِينَ**».

أُبیّ گفت: یا رسول الله، چگونه غیر تو زینت آسمان‌ها و زمین‌ها می‌باشد؟

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: قسم به آن کس که مرا به‌راستی برای خلق فرستاده که حسین بن علی در آسمان بزرگ‌تر است از او در زمین، و از طرف راست عرش است که حسین چراغ هدایت وکشتی نجات است، و امام استوار، مایه عزّت و افتخار و دریای علم وگنجینه است، و به‌درستی که خدا در صلب او ذرّیهٔ طیّبهٔ مبارکهٔ زکیّه قرار داده است، و دعواتی به او تعلیم کرده که هیچ مخلوقی به او دعا نکند مگر آنکه خدا او را محشور کند و حال اینکه حسین عليه‌السلام شفیع او باشد در آخرت، و خداوند غصّه او را زائل کند، قرض او را ادا کند به برکت این دعا، امر او را به اصلاح آورد، راه او را واضح کند، قوّت دهد او را بر دشمن، و عیوب او آشکار نخواهد شد.

ابیّ گفت: آن دعا چیست یا رسول الله؟

فرمود: هرگاه از نماز خود فارغ می‌شوی در حالتی که نشسته‌ای می‌گویی:

---

(۱) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشكاة المصابيح**، ج ۱، ص ۴۵۱؛ ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن ترمذی**، ج ۵، ص ۵۱۷ و ۵۱۸، باب دعاء النبی صلى‌الله‌عليه‌وآله، ح ۳۵۵۱؛ ابو داود، سلیمان بن اشعث، **سنن أبی داود**، ج ۲، ص ۱۷۵، ۱۷۶، کتاب **الصلاة**، باب ما یقول الرجل إذا سلم، ح ۱۵۱۰؛ ابن ماجه، محمّد بن یزید، **سنن ابن ماجه**، ج ۲، ص ۱۲۵۹، کتاب **الدعاء**، باب دعاء رسول الله صلى‌الله‌عليه‌وآله، ح ۳۸۳۰.

«اللّهُمَّ إنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ وَمَعَاقِدِ عَرْشِكَ وَسُكَّانِ سَمٰوَاتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي، فَقَدْ رَهِقَنِي مِنْ أَمْرِي عُسْراً فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي يُسْراً».

پس به‌درستی که خدا امر تو را آسان می‌کند، و به تو شرح صدر مرحمت می‌فرماید، و در حال رفتن از دنیا تلقین می‌کند به تو شهادت «لا إله إلّا الله» را.

و روایت کرده اصل دعا را با سایر ادعیه برای باقی ائمّه از ولد حسین علیه السلام که روایت مشتمل بر آن است در *جنّة الواقیه*، و شهادت داده به صحّت سند آن (۱).

ایضاً دعای دیگر مروی از آن سرور

و دعای مختصر جامعی نیز از آن حضرت روایت کرده و آن این است:

«اللّهُمَّ إنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدىٰ، وَأَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوىٰ، وَمُنَاصَحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ، وَعَزْمَ أَهْلِ الصَّبْرِ، وَحَذَرَ أَهْلِ الْخَشْيَةِ، وَطَلَبَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَزِينَةَ أَهْلِ الْوَرَعِ، وَخَوْفَ أَهْلِ الْجَزَعِ حَتّىٰ أَخَافَكَ اللّهُمَّ مَخَافَةً تَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ، وَحَتّىٰ أَعْمَلَ بِطَاعَتِكَ عَمَلاً أَسْتَحِقُّ بِهِ كَرَامَتَكَ، وَحَتّىٰ أُنَاصِحَكَ فِي التَّوْبَةِ خَوْفاً لَكَ، وَحَتّىٰ أُخْلِصَ لَكَ فِي النَّصِيحَةِ حُبّاً لَكَ، وَحَتّىٰ أَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي الأُمُورِ حُسْنَ ظَنٍّ بِكَ، سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ، سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» (۲).

دعای حسنین علیهما السلام

و **صحیفهٔ علویّه** دعای جامعی آورده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به حسنین علیهما السلام تعلیم داد:

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **عیون أخبار الرضا** علیه السلام، ج ۱، ص ۵۹ و ۶۰؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۳۰۴.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۱۵۷؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۴، ص ۱۹۱.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلىٰ كُلِّ نِعْمَةٍ وَأَشْكُرُكَ عَلىٰ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ، وَأَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (۱).

و از برای آن حضرت دو دعاست که در روز عاشورا به آن دعا کرد: یکی از آن دو را مفید در *ارشاد* نقل کرده و در *کتاب مقتل* آن را نوشتیم، و دیگری را کفعمی در *جُنّه* آورده، ان‌شاء الله آن را در فصل مناجات خواهیم آورد.

دعای منسوب به حضرت ختمی مرتبت و بیان ثواب آن

و از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که: هرکه یک بار بخواند این دعا را ثواب هفتاد هزار پیغمبر به او بدهند، و هرکه بخواند یا با خود داشته باشد هفت درِ دوزخ بر او بسته شود، و هرکه بخواند یا با خود داشته باشد حق تعالی او را بیامرزد و ثواب عظیمی برای آن در بعضی کتب ادعیه یافتم، و آن دعا این است:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ بَارِكْ وَادْفَعْ عَنَّا بَلَايَانَا يَا رَؤُوفُ لَبَّيْكَ، اشْفَعْ لَبَّيْكَ، وارْحَمْ لَبَّيْكَ، وَإِنَّ اللهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً كَثِيراً دَائِماً أَبَداً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

در بیان دعای عهد با حضرت حق جلّ شأنه

و این دعای عهد را طبرسی در **مجمع *البیان*** و دیگران از ابن مسعود روایت کرده‌اند، و این در صبح و شام وارد است، ولیکن ظاهر آن است که در هر وقت جایز باشد، چنانچه ظاهر آیه است ﴿إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمٰنِ عَهْداً﴾ (۲). و روایت آن است که آن حضرت روزی به اصحاب خود فرمود: آیا عاجز می‌شود یکی از شماکه بگیرد در صبح و شام در نزد خدا عهدی را ؟ اصحاب عرض کردند: چگونه

---

(۱) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۳۸۳.

(۲) مریم/۸۷.

است این؟ فرمود: می‌گویی:

«اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّكَ إِنْ تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي تُقَرِّبْنِي مِنَ الشَّرِّ وَتُبَاعِدْنِي مِنَ الْخَيْرِ، وَإِنِّي لَا أَثِقُ إِلَّا بِرَحْمَتِكَ فَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْداً تُوَفِّنِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ».

پس هرگاه این را بگوید مهر شود و در زیر عرش گذاشته شود، و چون روز قیامت شود منادی ندا کند: کجایند آنهایی که در نزد خدا از برای ایشان عهدی است؟ پس به بهشت داخل می‌شوند[1].

ایضاً دعای عهد به روایت دیگر

و شیخ در **مصباح** و کفعمی روایت کرده‌اند این عهد را به این طریق:

«اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ، إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَمَا وُعِدَ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَأَنَّ الإِيمَانَ حَقٌّ، وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ، وَأَنَّ الإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ، وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ، وَأَنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبّاً وَبِالإِسْلَامِ دِيناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيّاً وَبِعَلِيٍّ وَلِيّاً وَبِالْقُرْآنِ كِتَاباً وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَئِمَّتِي.

اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي، وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَعُدَّتِي عِنْدَ الأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي،

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۵ ـ ۶، ص ۸۲۰ با اختلاف؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۸۹؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۵۳؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۶، ص ۱۵۲.

وَأَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، وَإِلهي وَإِلهُ آبَائِي، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَآنِسْ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْداً يَوْمَ أَلْقَاكَ مَنْشُوراً» (۱).

دعای منسوب به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود به حضرت امیر علیه السلام که تعلیم اهل بیت و شیعیان خود کند

شیخ و کفعمی در **مصباح**، **بلد الامین** و **جنّه** فرموده‌اند که نبی صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: تعلیم بده آن را به اهل بیت و شیعیان خود؛ پس بتحقیق که تعلیم داد آن را به من جبرئیل (۲).

و روایت کرده‌اند از آن حضرت که مستحب است که هرگاه کسی را وفات حاضر شد و مردان جمع شدند، این را بخواند و وصیّت کند (۳).

و کفعمی آن را در ادعیهٔ صباح و مساء نیز آورده.

و از ادعیهٔ سرّ که روایت کرده‌اند که خداوند فرمود: یا محمّد، هرکه بخواهد از امّت تو حفظ و یاری مرا، بگوید در صبح و شام و وقت خواب:

«آمَنْتُ بِرَبِّي وَهُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلٰهُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُنْتَهىٰ كُلِّ عِلْمٍ، وَرَبُّ كُلِّ رَبٍّ، وَأُشْهِدُ اللهَ عَلىٰ نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَالذُّلِّ وَالصِّغَارِ، وَأَعْتَرِفُ بِحُسْنِ صَنَايِعِ اللهِ إِلَيَّ، وَأَبُوءُ

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۷ و ۸؛ محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱٤ و ۱۵. و کفعمی رحمه الله در **حاشیه بلد الأمین**، ص ۳ برای دعای عهد شرحی نوشته است که عیناً برای خوانندگان عزیز مرقوم می‌داریم:

«من کتبه یوم الأحد ودخل علی سلطان أو أمیر قضی حاجته، ومن کتبه یوم الاثنین وحمله وسافر ربحت تجارته، ومن کتبه یوم الثلاثاء وحمله وطلب التزویج من قوم زوّجوه، وإن کتبه المحبوس یوم الأربعاء وحمله أُطلق، ومن کتبه یوم الخمیس بعد زوال الشمس وحمله وخاصم قهر خصمه، ومن کتبه یوم الجمعة وعلّقه علی دکان کثر ربوته، ومن کتبه یوم السبت وعلّقه علی من یرید الصلح بینه وبین قوم أو بین امرأة وزوجها حصل الصلح بإذن الله تعالی».

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۵.

(۳) همان، ص ۱٤؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۳ و ٤.

عَلىٰ نَفْسِي بِقِلَّةِ الشُّكْرِ وَأَسْأَلُ اللهَ فِي يَوْمِي هٰذا وَفِي لَيْلَتِي هٰذِهِ بِحَقٍّ مَا يَرَاهُ لَهُ حَقّاً عَلَى مَا يَرَاهُ مِنِّي رِضاً وَإِيمَاناً وَإِخْلَاصاً وَرِزْقاً وَاسِعاً وَيَقِيناً خَالِصاً بِلَا شَكٍّ وَلَا ارْتِيَابٍ.

حَسْبِيَ إِلٰهي مِنْ كُلِّ مَنْ هُوَ دُونَهُ، وَاللهُ وَكِيلِي مِنْ كُلِّ مَنْ سِوَاهُ، آمَنْتُ بِسِرِّ عِلْمِ اللهِ كُلِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ، وَأَعُوذُ بِمَا فِي عِلْمِ اللهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ، سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِمَا خَلَقَ، اللَّطِيفِ فِيهِ، الْمُحْصِي لَهُ، القَادِرِ عَلَيْهِ، مَا شَاءَ اللهُ كَانَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ»[1].

صد مرتبه حولقه در هر روز ایمنی از بلاها است

محمّد بن محمّد در **جامع الأخبار** روایت کرده که هرگاه کسی بگوید در روزی صد مرتبه: «**لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**» خداوند هفتاد نوع بلا از او دور کند که آسان‌تر آنها همّ است[2].

جهت ایمنی از فقر

و کسی که هر روز بگوید: «**لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**»، نرسد او را فقری هرگز[3].

برای آمرزش گناهان

از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده: هیچ مؤمنی نیست که روزی یا شبی چهل گناه کبیره از او واقع شود، پس بگوید در حال پشیمانی:

«**أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ ذُوالْجَلَالِ**

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸۵؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۳۱۹.

(۲) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۴۴؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۳، ص ۱۹۰، ح ۳۰.

(۳) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۴۴.

وَالإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ».

مگر آنکه خدا بیامرزد آن گناهان را برای او، و خیری نیست درکسی که هر روزی زیاده از چهل گناه کند[1].

ایضاً جهت مغفرت

و در **کافی** روایت کرده از امام محمّد باقر عليه‌السلام که: هرکه بگوید در عقب نمازهای واجب پیش از آنکه پای خود را بگرداند:

«**أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ**» سه مرتبه.

خدا بیامرزد گناهان او را، اگرچه مثل کف دریا باشد[2].

در **جامع الاخبار** روایت کرده که هرکس بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار کند بیامرزد خدا برای او گناهانش را[3].

دعای وقت خواب

و از نبی صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده که: کسی که بگوید در موقع خواب:

«**أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ**» سه مرتبه.

خدا بیامرزد گناهان او را، اگرچه به‌قدر کف دریا و برگ درختان و عدد ریگ روان و به‌عدد روزهای دنیا باشد[4].

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۴۳۸، ح۷؛ فتال نیشابوری، محمّد بن احمد، **روضة الواعظین**، ص ۳۲۶؛ سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ١٤٦.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۴۳۸؛ سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ١٤٨.

(۳) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ١٤٦.

(٤) همان، ص ١٤٨؛ ترمذی، محمّد بن عیسی، **سنن**، ج ۵، ص ۴۳۸ و ۴۳۹، کتاب **الدعوات**، باب ۱۷، ح۳۳۹۷؛ ابن حنبل، احمد بن محمّد، **مسند أحمد**، ج ۳، ص ۱۰؛ دیلمی، شیرویة بن شهردار، **فردوس الأخبار**، ج ٤، ص ۱۵، ح٥٥٣٩.

در بعض از کتب معتبره از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت است که: نمی خوابم هرگز تا تصدّق کنم به چهار هزار دینار ، و آزاد کنم بنده‌ای را ، و قربانی کنم برای خدا یک قربانی .

گفتند : چگونه می شود این ؟

فرمود : شنیدم از حبیب خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که کسی که بخواند فاتحة الکتاب را چون به رختخواب خود برود، پس گویا تصدّق کرده چهار هزار دینار در راه خدا ، و کسی که بگوید :

«سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

پس گویا بنده‌ای آزاد کرده ، و هرگاه آیة الکرسی بخواند، پس گویا برای خدا قربانی کرده [1].

ایضاً در وقت خواب

و نیز از نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که به بعض ازواج خود فرمود : نخواب مگر آنکه تمام قرآن را قرائت کنی ، مرا و پیغمبران را شفیع خود کنی ، و حج و عمرهٔ قبول شده به‌جای آوری . عرض کردم : چگونه می شود این در یک ساعت ؟! آن حضرت تبسّم نمود و فرمود : هرگاه «قل هو الله أحد» را سه مرتبه بخوانی گویا قرآن را تمام خوانده‌ای [2]، و هرگاه بگویی :

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ جَمِيعِ الأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ».

---

(۱) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۳۷؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۶، ص ۱۷۲.

(۲) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشكاة المصابيح**، ج ۱، ص ۳۹۰؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحيح مسلم**، ج ۱، ص ٥٥٦، باب فضل قراءة «قُل هو الله أحد».

مرا و انبیای دیگر را شفیع خود کرده‌ای [۱]، و هرگاه بگویی :
«اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ».
ایشان را راضی گردانیده‌ای [۲]، و هرگاه بگویی :
«سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».
درک نموده‌ای ثواب حجّ و عمرهٔ مقبول [۳].

دعای دیگر هنگام خواب

در مشکاة از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت‌کرده که نبی صلی الله علیه و آله در وقت خواب می‌گفت:
«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْثَمَ، اللَّهُمَّ لا يُهْزَمُ جُنْدُكَ وَلَا يُخْلَفُ وَعْدُكَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الجَدِّ مِنْكَ الجَدُّ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ» [٤].

جهت رفع بیداری از خواب

و روایت کرده که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: برای آنکه خوب بخوابی وقتی به رختخواب می‌روی این دعا را بخوان:
«اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظَلَّتْ، وَرَبَّ الأَرَضِينَ وَمَا أَقَلَّتْ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينَ وَمَا أَضَلَّتْ كُنْ لِي جَاراً مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعاً أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَوْ أَنْ يَبْغِي عَنْ جَارِكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» [٥].

---

(١) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ٨٦، ص ٦٨.
(٢) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٨٢.
(٣) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٤٠.
(٤) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ١، ص ٤٣٧؛ ابوداود، سلیمان بن اشعث، **سنن أبی‌داود**، ج ٥، ص ٣٠١ و ٣٠٢، کتاب **الأدب**، باب ١٠٧، ح ٥٠٥٢.
(٥) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ٢٨٤ با اختلاف.

ایضاً دعای دیگر

و در **مصباح کبیر** و **بحار** برای آنکه او را خواب آید این دعا را بخواند :

«سُبْحَانَ اللهِ ذِي الشَّأْنِ دَائِمِ السُّلْطَانِ ، عَظِيمِ الْبُرْهَانِ ، كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» .

پس بگوید :

«يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ ، وَيَا كَاسِيَ الْجُنُوبِ الْعَارِيَةِ ، وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوقِي الضَّارِبَةِ ، وَائْذَنْ لِعَيْنِي نَوْماً عَاجِلاً» [۱].

برای دیدن میّت خود در خواب

و برای آنکه مردهٔ خود را در خواب ببیند این دعا را بخواند :

«اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ ، وَالإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ ، مِنْكَ بَدَتِ الأَشْيَاءُ وَإِلَيْكَ تَعُودُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَمَنْجَاهُ ، وَمَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ ، فَأَسْأَلُكَ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِبِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اللَّذَيْنِ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرِيَنِي مَيِّتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا» [۲].

در بیان آداب توسّل به ائمّه علیهم‌السلام برای قضای حوائج

بعضی از اجلّای معاصرین در کتاب ***نجم الثاقب في الإمام الغائب*** ، از ***اختصاص*** شیخ مفید علیه الرحمه روایت کرده‌اند از امام موسی علیه‌السلام که: هرکه را حاجتی است به‌سوی خدا و اراده کند که ما را ببیند و مقام و مرتبهٔ خود را بداند ، پس غسل نماید

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ٧٦، ص ١٩٧ ؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤٧ .

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤٧ ؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ٢٨٦ .

اوّل شب و مناجات کند به ما یعنی توسّل به ما، وتوسّط ماکه او را به‌حقّ ما قسم دهد که ما را به او بنمایاند، و مقام او را در نزد ما به او نشان دهد، پس فرمود که خواهد دید ما را و او را خدا به‌سبب ما می‌آمرزد، و بر او محلّ او پوشیده نمی‌شود.

و از اینجاست که علمای اعلام غسل را برای رؤیت امام علیه‌السلام مستحب دانسته‌اند، چنانچه مرحوم بحر العلوم در «درّة» می‌فرماید در ضمن اغسال مستحبّه:

ورؤیـة الإمـامِ فـي المـنام **لِدَرْكِ ما يُقْصَدُ مِنْ مَـرامِ** [1]

جهت خواب دیدن حضرت خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله

و از بعض مجامع معتبره روایت کرده که هرکس اراده کند که ببیند سیّد بریّات صلی‌الله‌علیه‌وآله را در خواب، پس دو رکعت نماز کند بعد از نماز عشا به هر سوره که خواهد، آنگاه بخواند این دعا را صد مرتبه:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، يَانُورَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ الأُمُورِ بَلِّغْ مِنِّي رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَرْوَاحَ آلِ مُحَمَّدٍ تَحِيَّةً وَسَلَاماً» [2].

وآن را در *خزینة الاسرار* دیدم، و در آن **«بَلِّغْ عَنِّي رُوحَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ»** الی آخر است.

برای دیدن حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خواب

و ابن طاووس در *فلاح السائل* فرموده: برای دیدن امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خواب این دعا را در وقت خوابیدن بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ وَأَيَادِيهِ بَاسِطَةٌ لَا تَنْقَضِي، أَسْأَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطُفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ إِلَّا كَفىٰ أَنْ تُرِيَنِي مَوْلَايَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي

---

(۱) نوری، میرزا حسین، **نجم الثاقب**، ص ۴۸۷.

(۲) همان، ص ۴۸۸.

مَنَامِي»[1].

جهت خواب دیدن خیر و شر مطلب خود را

کفعمی در **جنّه** از کتاب ***لفظ الفوائد*** آورده که هرگاه در نزد خواب خود قرائت کند: ﴿**أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا**﴾ تا آخر سورهٔ کهف، پس بگوید:

«**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرِنِي بَيَاضاً وَحُمْرَةً إِنْ كَانَ لِي فِي كَذا وَكَذا خِيَرَةٌ، وَإِنْ كَانَ لِي فِي كَذا وَكَذا شَرّاً فَأَرِنِي سَوَاداً وَحُمْرَةً**».

بعد از آن بخوابد، اگر آن عمل که می‌خواهد بکند خیر باشد سفید و سرخی در خواب بیند، و اگر بد باشد سیاهی و سرخی در خواب بیند[2].

مؤلّف گوید: این عاصی تجربه کرده‌ام آن را و چنین بود، و به‌جای کذا وکذا مطلب خود را ذکر کند.

ایضاً به‌جهت خواب دیدن حضرت سیّد المرسلین صلّی الله علیه وآله

جامع خزینة الاسرار از خواصّ سوره کوثر آورده که کسی که قرائت کند سورهٔ کوثر را در شب جمعه هزار مرتبه و صلوات بر نبی و آل آن حضرت بفرستد هزار مرتبه و بخوابد، آن حضرت را در خواب بیند[3].

چنان‌که در ***خواصّ القرآن*** است، و من تجربه کرده‌ام آن را به این صیغه «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ مَعْلُومٍ لَكَ**» و بسیاری از برادران دینی ما این سوره را با این صلوات تجربه کرده‌اند و دیده‌اند آن حضرت را.

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۸٦.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٤٩.

(۳) همو، **حاشیه مصباح**، ص ٤٨.

ایضاً جهت دیدن آن بزرگوار در خواب

و سیّد جلیل نبیل بحرانی در ***تفسیر برهان*** از ***خواص القرآن*** آورده که هـرکه شب جمعه بخواند صد مرتبه این سوره [کوثر] را آن سرور را در خواب بـبیند مـعاینه چنانچه بوده‌اند [۱].

جامع خزینة الاسرار و ***جلیلة الاذکار*** محمّد بن علی النازلی از کتاب ***حدائق الاخبار*** روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود : کسی که در شب جمعه دو رکـعت نماز بکند و در هر رکعت فاتحة الکتاب یک مرتبه ، آیة الکرسی یک مرتبه و «قل هو الله أحد» را پانزده مرتبه بخواند و هرگاه از نماز فارغ شود هزار مرتبه بر من صلوات بفرستد ، مرا در آن شب در خواب ببیند ، و تمام نشود آن هفته تا مرا ببیند ، و از برای اوست حسن خاتمه و شفاعت آن حضرت در بهشت ، و آمرزیده شود با پدر و مادر خود ، وگویا قرآن را دوازده مرتبه ختم کرده ، و سکرات موت بر او آسان شود ، و عذاب از او برداشته شود ، و ایمن شود از فزع روز قیامت ، و خداوند به لطف و کرم خود حوائج دنیا و آخرت او را برآورد [۲].

اشاره به فضیلت و ثواب زیارت عاشورا و جامعهٔ کبیره

و از جمله امور مهمّه زیارت عاشوراست. اگر بتواند هر روز بـه‌جای بـیاورد ، بنویسد خدا برای او هر وقت که بخواند ، هزار هزار حسنه ، و محو کند از او هزار هزار گناه ، و بلند کند برای او هزار هزار درجه ، و با شهدای کربلا باشد ، و نوشته شود برای او ثواب هر پیغمبری و رسولی ، و ثواب زیارت هرکس که آن حضرت را زیارت کرده باشد از روزی که شهید شده ، چنانچه در اخبار صحیحه است [۳].

---

(۱) بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱۰، ص ٤٣١.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۱۱۹.

(۳) ابن قولویه، جعفر بن محمّد، **کامل الزیارات**، ص ۱۷۵ و ۱۷٦.

و از بعضی ثقات نقل شده که خدمت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه یا یکی دیگر از اولیاء الله رسیده و او را امر فرمودند سه مرتبه به نمازهای نافله ، سه مرتبه به خواندن زیارت جامعهٔ کبیره و به خواندن زیارت عاشورا (۱).

و از یکی از صلحا نیز به سند معتبره کالسابق به ما رسیده در خوابی که دید وآن طویل است و قرائن قطعیّه صدق دارد که حضرت امام حسین علیه‌السلام در شب اوّل قبر سه مرتبه زیارت کردند زنی راکه مواظبت بر زیارت عاشورا داشت ، و در مرتبهٔ سوم امر فرمودند که ملائکه ، عذاب را از تمام اهل آن قبرستان بردارند به خاطر حرمت آن زن .

در بیان کیفیّت خواندن زیارت عاشورا

و امّا کیفیّت آن زیارت ، اگرچه روایت خالی از تشویش نیست، چنانچه مرحوم مجلسی عطّر الله مرقده در کتب ثلاثهٔ خود فرموده، (۲) ولیکن به‌نظر قاصر این ضعیف حاصل می‌شود به آنکه متوجّه کربلای معلّی شود ، و اگر بر بام بلندی یا صحرای وسیعی باشد افضل است ، و صد مرتبه تکبیر بگوید ، و اشاره کند به‌سوی آن حضرت به سلام مختصری ، و دو رکعت نماز زیارت بخواند ، و بعد تکبیر بگوید ، و اگر صد مرتبه بگوید افضل است ، و شروع کند به زیارت مشهوره که اوّل آن این است : «**السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِاللهِ**» و آخر آن آنکه در سجود بگوید : «**اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ**» و دو رکعت نماز بخواند ، و در این صورت ان شاء الله عمل به روایت شده با مراعات احتیاط (۳).

و مرحوم حجّة الاسلام آقا سیّد محمّد باقر اصفهانی رشتی نوّر الله مرقده از

---

(۱) قمی، شیخ عبّاس، **مفاتیح الجنان**، ص ۹۱۲ ، حکایت سیّد رشتی .

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **زاد المعاد**، ص ۳۷۵.

(۳) ابن قولویه، جعفر بن محمّد، **کامل الزیارات**، ص ۱۷۶ ـ ۱۷۹ ؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۲٦۹ و ۲۷۱ ؛ قمی، شیخ عبّاس، **مفاتیح الجنان**، ص ۷٥٤.

روایت فهمیده اکتفا به تکبیر، توجّه و خواندن متن زیارت مشهوره [۱]. و آن قریب است جدّاً بعد از تأمّل.

و این عاصی اوّل زیارت ششم حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام [۲] یا زیارت دیگر از آن حضرت را می‌خوانم و دو رکعت یا زیاده نماز زیارت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌خوانم و بعد به‌قرار مزبور عمل می‌کنم، و بعد از فراغ، دعای معروف به دعای علقمه را می‌خوانم، وکفعمی نیز عدد تکبیر را صد مرتبه ذکر فرموده [۳]. و اگر هر روز نتواند بخواند اقلاً جمعه‌ای یک مرتبه خوب است آن را ترک نکند.

دعای روز عاشورا

و در بعضی روایات است که هرکه در روز عاشورا این دعا را بعد از زیارت امام حسین علیه‌السلام بخواند البته به سلامت بماند تا عاشورای سال دیگر.

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، سُبْحَانَ اللهِ مِلْءَ الْمِيزانِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجىٰ مِنَ اللهِ إِلَّا إِلَيْهِ، سُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ الشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَعَدَدَ كَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» [۴].

بعد از آن ده بار صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد و این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، يَا فَارِجَ كَرْبِ ذِي النُّونِ، يَا جَامِعَ شَمْلِ يَعْقُوبَ، يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ، يَا غَافِرَ ذَنْبِ دَاوُدَ، يَا سَامِعَ دَعْوَةِ مُوسىٰ وَهَارُونَ، يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلىٰ جَمِيعِ الأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۴۸۲ ـ ۴۸۵.

(۲) قمی، شیخ عبّاس، **مفاتیح الجنان**، ص ۵۸۱.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۴۹۱.

(۴) طوسی، محمّد بن الحسن، **حاشیه مصباح المتهجّد**، ص ۷۲۸.

وَاقْضِ حَاجَتِي فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[۱].

اشاره به فوائد قرائت چهار قل

و در مواظبت بر خواندن ذات القلاقل؛ یعنی چهار سوره که ابتدا شده به «قل» بعد از بسم الله، نفع عظیم است در طول عمر و زیادتی مال[۲].

جهت دفع شدائد

و گفتن «**يَا قَاهِرَ الْعَدُوِّ**» صد و یازده مرتبه تأثیر عظیم دارد در دفع شدائد و حصول مقاصد.

برای حاجات

و از ثقات شنیده شده و مجرّب است که از برای برآمدن حاجات، دفع و رفع کربات و حصول سرور در جمیع آنات، سورهٔ نصر و سوره یٰسٓ تا ﴿**وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ**﴾[۳] در نزد استهلال شهور سال بخواند.

بعضی از فضلای معاصرین در کتاب خود آورده‌اند که از مرحوم میرداماد طاب ثراه نقل شده که آن مرحوم از حضرت صاحب الامر صلوات الله وسلامه علیه وعلی آبائه الطاهرین مشافهةً استماع نموده‌اند که در حال اضطرار در امور، یک هفته بعد از هر فریضه بخواند که ان شاء الله به انجام مقرون می‌شود، و مکرّر تجربه شده این است:

«**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، إِلٰهِي بِحَقِّ الْخَمْسَةِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ وَعَلِيٍّ وَصِيِّ رَسُولِكَ وَفَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطَيْ رَسُولِكَ وَبِعِزَّةِ جَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ**

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **حاشیه مصباح المتهجّد**، ص ۷۲۸.

(۲) قطب راوندی، سعید بن هبةالله، **دعوات**، ص ۸۵.

(۳) یٰسٓ/۱۲.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَرَجاً وَمَخْرَجاً بِرَحْمَتِكَ الَّتِي لَا يَتَلَكَّأُ مِنْ إِجَابَتِهَا شَيْءٌ فِي السَّمٰوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ تَضَايَقِي تَنْفَرِجِي تَضَايَقِي تَنْفَرِجِي تَضَايَقِي تَنْفَرِجِي».

دعای غلبه بر دشمن

جامع صحیفهٔ علویّه و **تحفهٔ رضویّه** شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی بحرینی روایت کرده‌اند که از دعای امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود بر دشمن:

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُعَادِيَ لَكَ وَلِيّاً أَوْ أُوَالِيَ لَكَ عَدُوّاً، وَأَرْضىٰ لَكَ سَخَطاً أَبَداً، اللّٰهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَصَلَوَاتُنَا عَلَيْهِ، وَمَنْ لَعَنْتَهُ فَلَعْنَتُنَا عَلَيْهِ. اللّٰهُمَّ مَنْ كَانَ فِي مَوْتِهِ فَرَجٌ لَنَا وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ فَأَرِحْنَا مِنْهُ وَأَبْدِلْنَا بِهِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ لَنَا مِنْهُ حَتّىٰ تُرِيَنَا مِنْ عِلْمِ الْإِجَابَةِ مَا نَعْرِفُه فِي أَدْيَانِنَا وَمَعَايِشِنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۱).

برای طلب مغفرت

و می‌خواند در طلب مغفرت:

«اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ لِي بِالْمَغْفِرَةِ. اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا وَأَيْتُ مِنْ نَفْسِي وَلَمْ تَجِدْ لَهُ وَفَاءً عِنْدِي. اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ [بِلِسَانِي] ثُمَّ خَالَفَهُ قَلْبِي. اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي رَمَزَاتِ الْأَلْحَاظِ وَسَقَطَاتِ الْأَلْفَاظِ وَسَهَوَاتِ الْجَنَانِ وَهَفَوَاتِ اللِّسَانِ» (۲).

به جهت طلب عفو

و از دعای آن حضرت است در طلب عفو:

«يَا مَنْ عَفىٰ عَنِّي وَعَنْ مَا خَلَوْتُ مِنَ السَّوْءَاتِ فِي بَيْتِي وَغَيْرَ بَيْتِي، يَا مَنْ لَمْ

(۱) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۳۰۰.

(۲) همان، ص ۱۲٦؛ **نهج البلاغه**، ص ۱۰٤، خطبه ۷۸.

يُؤَاخِذْنِي بِارْتِكَابِ الْمَعَاصِي عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ عَفْوَكَ» [۱].

دعای در وقت رؤیت هلال

و هرگاه نظر می‌فرمود به هلال می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هٰذَا الشَّهْرِ وَنُورَهُ وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَطَهُورَهُ وَرِزْقَهُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ أَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالأَمْنِ وَالإِيمانِ وَالسَّلَامَةِ وَالإِسْلَامِ وَالْبَرَكَةِ وَالتَّقْوىٰ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضىٰ» [۲].

به جهت استشفای از مرض

و در استشفای از مرض بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ اَوْ صَبْراً عَلىٰ بَلِيَّتِكَ، وَخُرُوجاً إِلىٰ رَحْمَتِكَ» [۳].

جهت درد شکم

و از برای درد شکم بعد از آشامیدن آب گرم بگوید:

«يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا رَبَّ الأَرْبَابِ، يَا إِلٰهَ الآلِهَةِ، يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ، يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ، اشْفِنِي بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ فَأَنَا أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ» [۴].

برای دفع تب

و از برای تب بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ جِلْدِيَ الرَّقِيقَ وَعَظْمِيَ الدَّقِيقَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَرِيقِ يَا أُمَّ مِلْدَمٍ إِنْ

---

(۱) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۱۲۸.

(۲) همان، ص ۲۱٤.

(۳) همان، ص ۲۲٤.

(٤) همان، ص ۲۲٦.

كُنْتِ آمَنْتِ بِاللهِ فَلَا تَأْكُلِي اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِي الدَّمَ، وَلَا تَفُورِي مِنَ الْفَمِ وَانْتَقِلِي إِلىٰ مَنْ يَزْعُمُ أَنَّ مَعَ اللهِ إِلٰهاً آخَرَ فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَاشَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» (۱).

جهت خوف از حرق و غرق

و در خوف از حرق و غرق بخواند:

﴿ إِنَّ وَلِيِّيَ اللهُ الَّذِى نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴾ (۲) ﴿ وَمَا قَدَرُوا اللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمٰوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴾ (۳)و (۴).

برای دفع ثالول (۵)

و از برای ثالول می‌خواند در نقصان ماه، هفت روز متوالی:

﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴾ (۶) **﴿ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسّاً، فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثّاً ﴾** (۷)و (۸).

---

(۱) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۲۲۸.

(۲) اعراف/۱۹۶.

(۳) زمر/۶۷.

(۴) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۲۲۹.

(۵) برجستگی روی پوست دست را گویند و به آن زگیل و گندمه نیز گفته می‌شود (**فرهنگ معین**، ج ۲، ص ۱۷۴۴).

(۶) ابراهیم/۲۶.

(۷) واقعه/۵ ـ ۶.

(۸) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۲۲۹.

به جهت ادای قرض

و از برای ادای دَین بخواند:

«اللَّهُمَّ يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَمُنَفِّسَ الْغَمِّ وَمُذْهِبَ الْأَحْزَانِ وَمُجِيبَ دَعْوَةِ الْـمُضْطَرِّينَ، يَـا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، أَنْتَ رَحْمَانِي وَرَحْمَانُ كُلِّ شَيْءٍ فَارْحَمْنِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَتَقْضِيَ عَنِّي الدَّيْنَ كُلَّهُ»[۱].

برای پیدا شدن گم شده

و برای پیدا شدن گم شده بعد از دو رکعت نماز بگو:

«اللَّهُمَّ يَا رَادَّ الضَّالَّةِ رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي»[۲].

دعا موقع مدح مردم

وقتی مردم تو را مدح کردند بگو:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَأَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي خَيْراً مِمَّا يَظُنُّونَ، وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ»[۳].

هنگام دخول مسجد

و در نزد دخول مسجد پیش از افتتاح صلاة:

«يَا مَنْ ﴿ يَسْأَلُهُ مَنْ فِى السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِى شَأْنٍ ﴾ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ مِنْ شَأْنِكَ شَأْنَ حَاجَتِي، وَاقْضِ لِي فِي شَأْنِكَ حَاجَتِي وَحَاجَتِي إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ الْعِتْقُ مِنَ النَّارِ وَأَنْ تُقْبِلَ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ»[٤].

---

(۱) همان، ص ۲۹۷.

(۲) همان، ص ۳۳٤.

(۳) همان.

(٤) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحيفه علويّه**، ص ۳۵۷.

دعا در سحر بعد از دو رکعت نافله صبح

و در سحر هر شبی در عقب دو رکعت نافله صبح می‌خواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي وَإِنْ كَانَتْ فَظِيعَةً فَإِنِّي مَا أَرَدْتُ بِهَا قَطِيعَةً، وَلَا أَقُولُ لَكَ الْعُتْبىٰ لَا أَعُودُ بِمَا أَعْلَمُهُ مِنْ خَلَّتِي، وَلَا أَسْتَتِمُّ التَّوْبَةَ لِمَا أَعْلَمُهُ مِنْ ضَعْفِي وَقَدْ جِئْتُ أَطْلُبُ عَفْوَكَ وَوَسِيلَتِي إِلَيْكَ كَرَمُكَ. فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْرِمْنِي بِمَغْفِرَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۱).

جهت ایمنی از شرّ شیطان

در **بلد الأمین** و **بحار** از امیرالمؤمنین علیه السلام است که قرائت آیه سُخْره (۲) که در سورهٔ اعراف است ایمنی است از شرّ شیاطین، و ملائکه او را حفظ می‌کنند.

و اگر سورهٔ قدر را یازده مرتبه وقت خواب قرائت کند، خداوند خلق کند نوری راکه هوا را پر کند به عرض و درازی تا حجب نور فوق عرش باشد، و در هر درجه از آن هزار ملک باشد، و از برای هر ملکی هزار زبان، و از برای هر زبانی هزار لغت، و استغفار کند برای قاری آن تا زوال شب؛ پس آن نور را خدا در جسد قاری آن قرار دهد تا روز قیامت (۳).

و در روایت دیگر: ثواب آن، لوح محفوظ را پر کند (٤).

و در روایت دیگر: آن سوره را صد مرتبه در شب بخواند، بهشت را پیش از

---

(۱) همان، ص ۱۲۱.

(۲) مقصود از آیهٔ سُخره آیه ٥٤ سوره اعراف است: ﴿**إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثاً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ**﴾.

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۷٦، ص ۲۰٦؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه بلد الأمین**، ص ۳۳.

(٤) کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه بلد الأمین**، ص ۳۳.

صبح ببیند [۱].

فضیلت خواندن سوره توحید و معوّذتین در شب

و در آن دو کتاب از رسول خدا ﷺ روایت است: کسی که بخواند توحید و معوّذتین را هر شب ده مرتبه، چنان است که تمام قرآن را ختم کرده و از گناه بیرون آید مثل روز تولّد خود، و اگر در آن شب و روز بمیرد شهید باشد.

و در روایت دیگر: قرائت توحید در رختخواب کفّارهٔ پنجاه سال گناه است، و هزار ملک او را حفظ کنند [۲].

ثواب قرائت آیهٔ ﴿شَهِدَ اللهُ﴾ در شب

و در قرائت آیهٔ ﴿**شَهِدَ اللهُ**﴾ [۳] خلق فرماید هفتاد هزار ملک که تا قیامت برای او استغفار کنند [٤].

ثواب خواندن سورهٔ واقعه در شب

شیخ در **تهذیب** روایت کرده از حضرت صادق علیه‌السلام که: هرکه قرائت کند سورهٔ واقعه را در شب پیش از خواب، ملاقات کند خداوند را در حالتی که صورت او مثل ماه باشد در شب چهارده.

و قرائت سورهٔ تکاثر سبب ایمنی از عذاب قبر است [۵].

---

(۱) همان.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ۲۲، مجلس ٤، ح۳؛ همو، **توحید**، ص ۹۵؛ همو، **ثواب الأعمال**، ص ١٥٦.

(۳) آل عمران / ۱۸.

(٤) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ۷۱۷، آیه در سوره آل عمران /۱۸.

(۵) بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ۱۰، ص ۳۹۵.

دعای در وقت خواب

شیخ جلیل جمال السالکین احمد بن فهد حلّی در *عُدّة الداعی* روایت کرده از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که وقت خواب دست زیر صورت طرف راست بگذارد و بگوید:

«بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ عَلىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَوِلَايَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللهُ طَاعَتَهُ، مَا شَاءَ اللهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ».

تا از دزد و خرابی خانه ایمن باشد، و ملائکه برای او استغفار کنند (۱).

دعای صبح و شام برای دفع حریق

و نیز روایت کرده که به ابوالدرداء گفتند: خانه تو سوخته؟ گفت: نه، تا سه نفر آمدند و همین خبر را آوردند، همان جواب گفت، بعد معلوم شد که خانه‌های اطراف سوخته و خانه آن نسوخته، گفتند: از کجا دانستی که خانه تو نسوخته؟ گفت: شنیدم از نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله که کسی که بگوید این کلمات را در صبح، آن روز بدی به او نرسد، وکسی که بگوید آن را در شام، در آن شب هیچ بدی به او نرسد، ومن آن را گفتم، و آن این است:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، مَا شَاءَ اللهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، أَعْلَمُ أَنَّ اللهَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۲).

---

(۱) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۸۲؛ **نزهة الزاهد**، ص ۱۳۷.

(۲) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۷۱.

دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله در وقت سرخی خورشید

و نیز روایت کرده از امام محمّد باقر علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه که خورشید سرخ می‌شد بر قلّهٔ کوه، چشم‌های آن حضرت پر از اشک می‌شد، پس می‌فرمود:

«أَمسىٰ ظُلْمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ، وَأَمْسَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَأَمْسىٰ خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ، وَأَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ، وَأَمْسىٰ فَقْرِي مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ، وَأَمْسىٰ وَجْهِيَ الْبَالِي الفَانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الْكَرِيمِ.

اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ، وَغَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ، وَجَلِّلْنِي كَرَامَتَكَ، وَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ» (۱).

دعای هنگام غروب آفتاب

و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که: هرگاه شام نظر کنی به خورشید که می‌خواهد غروب کند بگو:

«بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَصِفُ وَلَا يُوصَفُ، وَيَعْلَمُ وَلَا يُعْلَمُ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْكَرِيمِ وَبِاسْمِ اللهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرىٰ وَمِنْ شَرِّ مَاظَهَرَ وَمَابَطَنَ وَمِنْ شَرِّ مَا وَصَفْتُ وَمَا لَمْ أَصِفْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و فرمود: این امان است از هر درنده، شیاطین و ذرّیّهٔ او، و از هر گزنده‌ای و خوانندهٔ آن از دزد و غول نمی‌ترسد (۲).

---

(۱) کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه بلد الأمین**، ص ۲۱؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۲۱؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۶۹.

(۲) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۶۹؛ **نزهة الزاهد**، ص ۱۱۶؛ برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۳۶۹.

دعای موجب سعادت

در **کافی** به سند موثّق کالصحیح از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده که فرمود : خداوند تبارک و تعالی تمجید می‌فرماید نفس خود را به آنچه خود را تمجید می‌فرماید ، اگر کسی در حال شقاوت باشد بگوید آن را خدای عزّ وجل او را به سعادت درآورد ، می‌گویی :

«أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدَأَ الْخَلْقُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ ، أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ ، أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ ﴿ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾ [۱] أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ وَالْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ» [۲].

مؤلّف گوید : ظاهر روایت مذکوره آن است که این دعا را هر روز سه مرتبه بخواند ، و روایت شیخ در **مصباح** دلالت بر یک مرتبه دارد و در آن است که خداوند حاجت دعاکننده به آن را برآورد و او را سعید گرداند [۳].

دعای بعد از نمازها

در ***جامع الاخبار*** روایت کرده که فقرا به خدمت حضرت رسول صلى الله عليه وآله عرض کردند :

---

(۱) حشر/۲۳ و ۲٤.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥١٦.

(۳) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۷۹.

یا رسول الله ، اغنیا مثل ما نماز می‌خوانند و روزه می دارند، در حالی که از برای ایشان مال است که انفاق می‌کنند و تصدّق می‌کنند . حضرت رسول ﷺ فرمود : بعد از نماز بگویید «**سُبْحَانَ اللهِ**» سی و سه مرتبه ، و «**الْحَمْدُ لِلَّهِ**» سی و سه مرتبه و «**اللهُ أَكْبَرُ**» سی و چهار مرتبه و «**لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ**» ده مرتبه ؛ پس شما می‌رسید این کسی را که بر شما سبقت گرفته و سبقت نمی‌گیرد بر شما کسی که بعد از شماست (۱).

در ***فقه الرضا*** علیه‌السلام مسطور است که وامگذار تسبیح حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را بعد از هر فریضه و آن صد تسبیح است و استغفار کن در عقب آن هفتاد مرتبه تا جمیع گناهان تو آمرزیده شود (۲).

در فضیلت تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام و استغفار

در کتاب **بحار** است در حدیثی که اگر این دعا را بعد از هر نماز بخواند گناهان او آمرزیده شود، اگرچه به عدد ستاره‌ها ، قطره‌های آسمان و سنگ و خاک زمین باشد :

«يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ ، يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ السَّائِلُونَ ، يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ ، أَذِقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَرَحْمَتِكَ» .

و آن را در **صحیفهٔ علویّه** آورده (۳).

---

(۱) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۴۰ ؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۰۵ ؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۲۵ ؛ ابن ابی‌جمهور، محمّد بن زین‌الدین، **عوالی اللآلئ**، ج ۱، ص ۳۵۰.

(۲) **فقه الرضا** علیه‌السلام، ص ۱۲۸، باب صلاة یوم الجمعة.

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۷، ص ۱۸۲ ؛ سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۳۶۶ ؛ قمی، شیخ عبّاس، **مفاتیح الجنان**، ص ۲۶ ، تعقیبات مشترکه.

تعقیب نمازها

و نیز از دعای تعقیب آورده که می‌فرمود :

«إِلٰهِي هٰذِهِ صَلَاتِي صَلَّيْتُهَا لَا لِحَاجَةٍ مِنْكَ إِلَيْهَا وَلَا رَغْبَةٍ مِنْكَ فِيهَا إِلَّا تَعْظِيماً وَطَاعَةً وَإِجَابَةً لَكَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ . إِلٰهِي إِنْ كَانَ فِيهَا خَلَلٌ أَوْ نَقْصٌ مِنْ رُكُوعِهَا أَوْ سُجُودِهَا لَا تُؤَاخِذْنِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْقَبُولِ وَالْغُفْرَانِ» .

و می‌فرمود :

«سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَىٰ أَهْلِ مَمْلِكَتِهِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ . اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُوراً وَبَصَراً وَفَهْماً وَعِلْماً إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [۱].

دعای در وقت صبح و شام

درکتب معتبره از امام زین العابدین علیه‌السلام روایت است که فرمود : باک ندارم هرگاه این دعا را بخوانم اگر جمیع عالم دشمن من باشند ضرر نتوانند رسانید . و علما رضي الله عنهم آن را از ادعیهٔ صباح و مساء شمرده‌اند :

«بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَإِلَى اللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَإِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي . اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الإِيْمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ قِبَلِي ، وَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ» [۲].

---

(۱) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۳۶۶ و ۳۶۷؛ قمی، شیخ عبّاس، **مفاتیح الجنان**، ص ۲۶.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۶۳.

دعای بعد از نماز صبح

در **فقیه** روایت کرده از مسمع که گفت: نماز خواندم با حضرت صادق علیه‌السلام چهل روز نماز صبح را چون از نماز فارغ می‌شد دو دست خود را به آسمان بلند می‌کرد و می‌گفت:

«أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ. اللَّهُمَّ إِنَّا عَبِيدُكَ وَأَبْنَاءُ عَبِيدِكَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ حَيْثُ نَحْتَفِظُ وَمِنْ حَيْثُ لَا نَحْتَفِظُ. اللَّهُمَّ احْرُسْنَا مِنْ حَيْثُ نَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لَا نَحْتَرِسُ. اللَّهُمَّ اسْتُرْنَا مِنْ حَيْثُ نَسْتَتِرُ وَمِنْ حَيْثُ لَا نَسْتَتِرُ. اللَّهُمَّ اسْتُرْنَا بِالْغِنىٰ وَالْعَافِيَةِ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ وَارْزُقْنَا الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ» (۱).

جهت دفع آسیب‌ها

در *اختیار* ابن باقی روایت است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به من این دعا را تعلیم داد، و قرائت آن بعد از نماز صبح سلامتی از همهٔ آسیب‌هاست:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا عَالِماً بِكُلِّ خَفِيَّةٍ، يَا مَنِ السَّمَاءُ بِقُدْرَتِهِ مَبْنِيَّةٌ، يَا مَنِ الْأَرْضُ بِقُدْرَتِهِ مَدْحِيَّةٌ، يَا مَنِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِنُورِ جَلَالِهِ مُضِيئَةٌ، يَا مَنِ الْبِحَارُ بِقُدْرَتِهِ مَجْرِيَّةٌ، يَا مُنْجِيَ يُوسُفَ مِنْ رِقِّ الْعُبُودِيَّةِ، يَا مَنْ يَصْرِفُ كُلَّ نِقْمَةٍ وَبَلِيَّةٍ، يَا مَنْ حَوَائِجُ السَّائِلِينَ عِنْدَهُ مَقْضِيَّةٌ، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يَغْشىٰ، وَلَا وَزِيرٌ يُرْشىٰ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي فِي سَفَرِي وَحَضَرِي وَلَيْلِي وَنَهَارِي وَيَقْظَتِي وَمَنَامِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ» (۲).

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۳۸؛ **نزهة الزاهد**، ص ۱۸۲.

(۲) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسایل**، ج ۵، ص ۹۰؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۳، ص ۱۹۲.

دعای بعد از فرائض جهت تقرّب به خداوند متعال

شیخ حرّ در ***جواهر السنیّه فی الاحادیث القدسیّه*** که اوّل مؤلّفات ایشان است و کفعمی روایت کرده‌اند که خدا وحی فرمود: یا محمّد، بگو به آنها که اراده دارند که تقرّب بجویند به من که بدانید به علم یقین که این کلام افضل آن چیزی است که تقرّب می جویید به من بعد از فرائض، و آن این است:

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يُصْبِحْ وَلَمْ يُمْسِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ أَحْسَنُ إِلَيْهِ صَنِيعاً مِنِّي، وَلَا لَهُ أَدْوَمُ كَرَامَةً وَلَا عَلَيْهِ أَبْيَنُ فَضْلاً وَلَا بِهِ أَشَدُّ تَفَرُّقاً وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ حِياطَةً وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفاً مِنْكَ عَلَيَّ، وَإِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدِّدُونَ مِثْلَ تَعْدِيدِي فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ أَنِّي أُشْهِدُكَ بِنِيَّةِ صِدْقٍ بِأَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَالطَّوْلَ فِي إِنْعَامِكَ عَلَيَّ، وَقِلَّةِ شُكْرِي لَكَ فِيهَا يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَةٍ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَطَوِّقْنِي أَمَاناً مِنْ حُلُولِ سَخَطِكَ لِقِلَّةِ الشُّكْرِ، وَأَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ إِتْمَامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ الرَّحْمَةِ، وَأَمْطِرْنِي خَيْرَكَ، وَلَا تُقَايِسْنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي، وَامْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ، وَاجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ لَكَ خَالِصاً، وَلَا تَجْعَلْهُ لِلُزُومِ شُبْهَةٍ وَلَا فَخْرٍ وَلَا رِيَاءٍ يَا كَرِيمُ».

پس به درستی که هرگاه بگوید این را، دوست می دارند او را اهل آسمان‌های من و می‌نامند او را بندهٔ شکور (۱).

دعایی که در آخر تعقیبات نماز باید خواند

علّامهٔ مجلسی در ***مقباس المصابیح*** از سیّد ابن طاووس روایت کرده که واجب و لازم است که در آخر دعاها که در تعقیب نماز می خواند این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ إِلَيْكَ وَأَقْبَلْتُ بِدُعَائِي عَلَيْكَ رَاجِياً إِجَابَتَكَ، طَامِعاً فِي مَغْفِرَتِكَ، طَالِباً مَا وَأَيْتَ بِهِ عَلىٰ نَفْسِكَ، مُتَنَجِّزاً وَعْدَكَ إِذْ تَقُولُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ،

---

(۱) حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **الجواهر السنیّه**، ص ۱۸۸؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸۶؛ **نزهة الزاهد**، ص ۱۱۹.

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْبِلْ اِلَيَّ بِوَجْهِكَ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي يَـا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ» [۱].

دعای جامع

در بعض کتب از ترمذی از ابو امامه روایت کرده که رسول خدا ﷺ دعا کرد به دعای بسیاری که ما نفهمیدیم ، پس گفتم : یا رسول الله ! خواندی به دعای بسیار که ما حفظ نکردیم ، آن حضرت فرمود : آیا دلالت نکنم شما را به چیزی که جامع همهٔ اینها باشد ، می‌گویید :

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَعَلَيْكَ الْبَلاَغُ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُـوَّةَ إِلَّا بِاللهِ» [۲].

و از عایشه مرفوعاً نقل شده : کسی که روزی بیست و پنج مرتبه بگوید :

«اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ» .

پس اگر بمیرد بر رختخواب خود ، خدا به او اجر شهید کرامت فرماید .

و در کتاب **حصن حصین** است که کسی که استعاذه بجوید از شیطان ده مـرتبه خداوند ملکی به او موکّل کند که شیاطین را از او دفع نماید .

در فائده استعاذه و حولقه

و در جمله‌ای از کتب از *مدارک* که از کتب عامّه است در ذیل آیهٔ ﴿ **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَهُ مَخْرَجاً** ﴾ [۳] روایت کرده که عوف بن مالک اشجعی پسر او را مشرکین اسیر کردند، او به نزد رسول ﷺ عرض کرد که پسرم را مشرکین اسیر کردند و از فقر خود

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

(۲) بخاری، محمّد بن اسماعیل، **الأدب المفرد**، ص ۱۴۷.

(۳) طلاق/۲.

نیز شکایت کرد. آن حضرت فرمود : از خدا بترس و صبر کن و بسیار بگو : «**لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**». پس به خانه برگشت و به زوجه خود گفت: پیغمبر ﷺ مرا و تو را امر کرده است که بسیار «**لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ**» بگوییم ، آن زن گفت : خوب چیزی است که ما را به آن امر فرموده؛ پس این را می‌گفتند ، در خانه خود بودند که پسر او در راکوبید و با او صد شتر بود که دشمن را غافل گردانیده وگرفته بود آنها را[1].

دعای حضرت ختمی مرتبت ﷺ

و روایت کرده‌اند که این دعا را حضرت رسول ﷺ ترک نمی‌کرد :

«**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي. اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَآمِنْ رَوْعَتِي. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي**».

دعایی که آن حضرت و اصحاب بر آن مداومت داشتند

و اکثر دعای آن حضرت و اصحاب او این بود :

﴿**رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ**﴾[2].

و ابن طاووس در ***مهج الدعوات*** روایت کرده که در زمان غیبت مهدی عليه‌السلام این دعا را باید بخواند :

«**اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ وَعَرَّفْتَنِي رَسُولَكَ وَعَرَّفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَّفْتَنِي نَبِيَّكَ وَعَرَّفْتَنِي وُلَاةَ أَمْرِكَ. اللَّهُمَّ لَا آخُذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَلَا وَاقِيَ إِلَّا مَا وَقَيْتَ. اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي**

---

(۱) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۵، ص ۳۷۲و ۳۷۳؛ قطب راوندی، سعید بن هبة الله، **دعوات**، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.

(۲) بقره / ۲۰۱.

عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِوَلَايَةِ مَنِ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ»(۱).

دعای غریق

دعای دیگر معروف به دعای غریق مروی از حضرت صادق علیه‌السلام:

«يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلىٰ دِينِكَ»(۲).

فصل

در بیان قنوتات

از مناسبات این باب است ایراد بعض قنوتات مختصره مأثوره از ائمّه طاهرین علیهم‌السلام.

شیخ بهایی در *مفتاح الفلاح* فرموده از ادعیهٔ مختصره که لایق است در قنوت فرائض و نوافل خوانده شود آن چیزی است که روایت شده از امام جعفر صادق علیه‌السلام و آن این است:

«إِلٰهِي كَيْفَ أَدْعُوكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ، وَكَيْفَ لَا أَدْعُوكَ وَقَدْ عَرَفْتُ حُبَّكَ فِي قَلْبِي وَإِنْ كُنْتُ عَاصِياً. مَدَدْتُ إِلَيْكَ يَداً بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً وَعَيْناً بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً، مَوْلَايَ أَنْتَ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ وَأَنَا أَسِيرُ الْأُسَرَاءِ، أَنَا الْأَسِيرُ بِذَنْبِي الْمُرْتَهَنُ بِجُرْمِي، إِلٰهِي لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذَنْبِي لَأُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ، وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي بِجَرِيرَتِي لَأُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ، وَلَئِنْ أَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَهَا أَنِّي كُنْتُ أَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، اللَّهُمَّ إِنَّ الطَّاعَةَ تَسُرُّكَ، وَالْمَعْصِيَةَ لَا تَضُرُّكَ، فَهَبْ لِي مَا يَسُرُّكَ وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»(۳).

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۳۳۲.

(۲) همان.

(۳) شیخ بهائی، محمّد بن الحسین، **مفتاح الفلاح**، ص ۲۴۱.

ایضاً قنوت دیگر

و در آن کتاب نیز فرموده از ادعیه مختصره که نیکوست قنوت به آن در وسعت وقت و آن این است :

«اللّٰهُمَّ إِنَّ كَثْرَةَ الذُّنُوبِ تَـكُفُّ أَيْدِيَنَا عَنِ انْبِسَاطِهَا إِلَيْكَ بِالسُّؤَالِ ، وَالْمُدَاوَمَةَ عَلَى الْمَعَاصِي تَمْنَعُنَا عَنِ التَّضَرُّعِ وَالابْتِهَالِ ، وَالرَّجَاءَ يَحُثُّنَا عَـلَى سُـؤَالِكَ. يَـا ذَا الْـجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ فَإِنْ لَمْ يَعْطِفِ السَّيِّدُ عَلىٰ عَبْدِهِ فَمِمَّنْ يَبْتَغِي النَّوَالَ. فَلَا تَرُدَّ أَكُفَّنَا الْمُتَضَرِّعَةَ إِلَيْكَ إِلَّا بِبُلُوغِ الآمَالِ ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ أَشْرَفِ الأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ» (۱).

مؤلّف گوید : انسب آنکه بخواند آنچه را امام رضا عليه‌السلام در قنوت می خواندند و آن این است :

«رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الأَعَزُّ الأَجَلُّ الأَكْرَمُ» (۲).

دعای مشتمل بر مطالب عظیمه

و مناسب است که بعد از این ، دعای ابوذر را بخواند که در ***کافی*** و ***جامع الاخبار*** و غیرهما مسطور است و مشتمل بر مطالب عظیمه است :

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الأَمْنَ وَالإِيمَانَ بِكَ ، وَالتَّصْدِيقَ بِنَبِيِّكَ ، وَالْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ ، وَالْغِنَى عَنْ شِرَارِ النَّاسِ» (۳).

دعای منسوب به حضرت مجتبی عليه‌السلام

و نیز اگر آن را بگوید که علّامهٔ حلّی در ***تذکره*** و مجلسی در ***بحار*** و ابن اثیر در ***أسد الغابة فی معرفة الصحابة*** روایت کرده از حضرت امام حسن مجتبی عليه‌السلام که فرمود :

---

(۱) شیخ بهائی، محمّد بن الحسین، **مفتاح الفلاح**، ص ۲۵۹.

(۲) همان، ص ۲٤۰.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۸۷ ؛ سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۳٦٥.

حضرت رسول ﷺ به من تعليم داد كلماتى براى قنوت ، و آن اين است :

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ ، وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ. إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضىٰ عَلَيْكَ ، إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ ، وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ» (۱).

قنوت مروىّ از حضرت باقر عليه‌السلام

يا اين را بگويد كه در **فقيه** از زراره از حضرت امام محمّد باقر عليه‌السلام روايت كرده كه: در قنوت همه نمازهاى واجب غير از جمعه بگويد :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِوُلْدِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي وَإِخْوَانِيَ الْمُؤْمِنِينَ فِيكَ الْيَقِينَ وَالْعَفْوَ وَالْمُعَافَاةَ وَالرَّحْمَةَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (۲).

قنوت مختصر ديگر

و از قنوتات مختصره است :

«سُبْحَانَ مَنْ دَانَتْ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْأَرْضُ بِالْعُبُودِيَّةِ ، سُبْحَانَ مَنْ تَفَرَّدَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاقْضِ حَوَائِجِي وَحَوَائِجَهُمْ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ» .

و افضل نمازها ، نمازى است كه قنوت او طول داده شود (۳).

---

(۱) مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، **بحار الأنوار**، ج ۸۵، ص ۲۰۹.

(۲) ابن بابويه، محمّد بن على (شيخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ۳۱۸.

(۳) همو، **أمالى**، ص ۴۱۱، مجلس ۷۶، ح۷. قال رسول الله ﷺ : «أطولكم قنوتاً في دار الدنيا أطولكم راحةً يوم القيامة في الموقف».

در بیان قنوت مفصّل

و شیخ طوسی در **مصباح المتهجّد** وکفعمی در **مصباح** فرموده‌اند : مستحب است که در قنوت فریضه صبح بعد از قرائت پیش از رکوع بخواند :

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، يَا اللهُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ.

اللَّهُمَّ مَنْ كانَ أَصْبَحَ ثِقَتُهُ وَرَجَاؤُهُ غَيْرُكَ فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، يَا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ ارْحَمْ ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ طَوْلاً مِنْكَ، وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ أُمُورِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۱).

در بیان قنوت روز جمعه

و امّا قنوت در نماز جمعه، ابو بصیر از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده که قنوت روز جمعه در رکعت اول بعد از قرائت می‌گویی :

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنِ اخْتَرْتَهُ لِدِينِكَ وَخَلَقْتَهُ لِجَنَّتِكَ، اللَّهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (۲).

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۷٦؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٦٤.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ٤۱۲ و ٤۱۳.

و مشهور استحباب یک قنوت دیگر است در بعد از رکوع رکعت دوم نماز جمعه و احوط ترک آن است ، والله العالم .

باب ششم:

در ادعیه‌ای که در حالات مختلفه باید خواند و مکرّر شود در شبانه روز

دعای هنگام گذاردن عمّامه بر سر

در **مكارم الاخلاق** از كتاب **نجات** نقل كرده كه هرگاه عمامه بر سر گذاری این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيمَاءِ الْإِيمَانِ، وَتَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ، وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الإِسْلَامِ، وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِي» (۱).

دعای وقت پوشیدن زیر جامه

و در وقت پوشیدن زیر جامه بگوید:

«اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي، وَآمِنْ رَوْعَتِي، وَأَعِفَّ فَرْجِي، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذٰلِكَ نَصِيباً وَلَا لَهُ إِلىٰ ذٰلِكَ وُصُولاً فَيَصْنَعَ إِلَيَّ الْمَكَائِدَ وَيُهَيِّجَنِي لِارْتِكَابِ الْمَحَارِمِ» (۲).

دعای وقت پوشیدن جامهٔ نو

و این دعا را رسول خدا صلی الله علیه و آله تعلیم كرد به امیرالمؤمنین علیه السلام كه در وقت پوشیدن جامهٔ نو بخواند و فرمود كه هركه این را بخواند آمرزیده شود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ اللِّبَاسِ مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَةٍ أَسْعَىٰ فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ وَأَعْمُرُ فِيهَا مَسَاجِدَكَ» (۳).

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۲۶۱.

(۲) همان، ج ۱، ص ۲۲۶.

(۳) كلینی، محمد بن یعقوب، **كافی**، ج ۶، ص ۴۵۸.

دعای در وقت پوشیدن کفش و نعلین

و در **مکارم الأخلاق** از کتاب **نجات** نقل کرده که کفش و نعلین را نشسته بپوش و در وقت پوشیدن بگو:

«بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ» (۱).

دعای وقت کندن آنها

و در وقت کندن ایستاده بکَن و بگو:

«بِسْمِ اللهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَقِّي بِهِ قَدَمَيَّ مِنَ الأَذىٰ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلَى صِرَاطِكَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِيِّ» (۲).

دعای در وقت انگشتر به‌دست کردن

در **فقه الرضا** علیه‌السلام مذکور است که در وقت انگشتر در انگشت کردن بگو:

«اللَّهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيمَاءِ الإِيمَانِ، وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ، وَاجْعَلْ عَاقِبَتِي إِلَى خَيْرٍ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْأَكْرَمُ».

دعای در وقت سرمه کشیدن

در **مکارم الأخلاق** روایت کرده که در وقت سرمه کشیدن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي» (۳).

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۲۶۸.

(۲) همان.

(۳) همان، ج ۱، ص ۱۱۱.

ایضاً دعای دیگر

و صدوق در **مقنع** روایت کرده که در وقت سرمه کشیدن بگو :

«اللَّهُمَّ نَوِّرْ بَصَرِي ، وَاجْعَلْ فِيهِ نُوراً أَبْصُرُ بِهِ حِكْمَتَكَ ، وَأَنْظُرُ بِهِ إِلَيْكَ يَوْمَ أَلْقَاكَ ، وَلَا تَغْشَ بَصَرِي ظَلْمَاءَ يَوْمَ أَلْقَاكَ»[۱].

و در روایت عامّه است که بگوید :

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْكَعْبَةِ وَبَانِيهَا وَفَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا نَوِّرْ بَصَرِي وَبَصِيرَتِي وَسِرِّي وَسَرِيرَتِي»[۲].

جهت زیادتی نور چشم

و از برای نور چشم مجرّب است ، وارد شده که آیینه را به دست چپ می‌گیری و چون صورت خود را در آینه دیدی ، بگو :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْسَنَ وَأَكْمَلَ خَلْقِي وَحَسَّنَ خُلْقِي وَخَلَقَنِي خَلْقاً سَوِيّاً وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّاراً شَقِيّاً ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي زَيَّنَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي ، اللَّهُمَّ كَمَا أَحْسَنْتَ خَلْقِي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَسِّنْ خُلْقِي وَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَزَيِّنِّي فِي عُيُونِ خَلْقِكَ وَجَمِّلْنِي فِي عُيُونِ بَرِيَّتِكَ وَارْزُقْنِي الْقَبُولَ وَالْمَهَابَةَ وَالرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[۳].

دعای در وقت گسترانیدن سفره

منقول است که چون سفره در نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌گسترانیدند این دعا را می‌خواندند :

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ مَا أَحْسَنَ مَا تَبْتَلِينَا ، سُبْحَانَكَ مَا أَحْسَنَ مَا تُعْطِينَا ، سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرَ مَا تُعَافِينَا ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيْنَا وَعَلىٰ فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ

---

(۱) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۱، ص ٤٤٠ و ٤٤١.

(۲) همان، ج ۱، ص ٤٤٦، به نقل از کتاب **خلاصة الکلام فی أمراء البلد الحرام**.

(۳) ابن طاووس، علی بن موسی، **الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان**، ص ۳۷.

وَالْمُسْلِمَاتِ»[۱].

و حضرت امام زین العابدین علیه السلام این دعا را می خواند:

«اللَّهُمَّ هٰذا مِنْ مَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَعَطَائِكَ فَبَارِكْ لَنَا فِيهِ وَسَوِّغْنَاهُ وَارْزُقْنَا خَلَفاً إِذَا أَكَلْنَاهُ وَرُبَّ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِ رَزَقْتَ فَأَحْسَنْتَ، اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ»[۲].

دعای هنگام برچیدن سفره

و چون سفره را برمی داشتند این دعا را می خواندند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلىٰ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلاً»[۳].

دعای در وقت دیدن میوهٔ تازه

و چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله میوهٔ تازه می دیدند می‌بوسیدند و بر هر دو دیده می‌گذاشتند و می‌فرمودند:

«اللَّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوَّلَهَا فِي عَافِيَةٍ فَأَرِنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ»[٤].

و در کتاب **حصن حصین** روایت است که چون با شخص مریضی غذا خوری، بگو:

«بِسْمِ اللهِ ثِقَةً بِاللهِ».

و بعد از غذا بگوید:

«اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَأَبْدِلْنَا بِهِ خَيْراً مِنْهُ»[٥].

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٦، ص ۲۹۳؛ برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٤۳٥.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٦، ص ۲۹٤؛ برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٤۳۳.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٦، ص ۲۹٤.

(٤) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۳۱٥؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ۲۱۹، مجلس ٤٥، ح٦.

(٥) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٤۹۱.

و اگر شیر باشد :

«اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَزِدْنَا مِنْهُ»[۱].

دعای در وقت دست شستن از طعام

و چون دست بشوید بگوید :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ، الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا فَهَدَانَا وَأَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكُلَّ بَلَاءٍ حَسَنٍ أَبْلَانَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ غَيْرَ مُودَعٍ وَلَا مُكَافِيً، وَلَا مَكْفُورٍ وَلَا مُسْتَغْنًى عَنْهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَ وَسَقىٰ مِنَ الشَّرَابِ وَكَسىٰ مِنَ الْعُرىٰ وَهَدىٰ مِنَ الضَّلَالَةِ وَبَصَّرَ مِنَ الْعَمىٰ وَفَضَّلَنَا عَلىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلاً وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

دعای هنگام رفتن به سفر

و رسول خدا ﷺ فرمود که: هرگاه بخواهی هیبت تو از همهٔ اصحاب تو بیشتر و توشهٔ تو بهتر باشد، در وقت خروج به سفر «قُل یا أیّها الکافرون» و «إذا جاء نصر الله» و «قُل هو الله أحد» و «قُل أعوذ بربّ الفلق» و «قل أعوذ بربّ الناس» با «بسم الله» بخوان و ختم کن قرائت آنها را به «بسم الله» و این دعای سفر را هر روز یک بار بخوان :

«اللَّهُمَّ أَسْعِدْنَا بِهٰذِهِ الْحَرَكَةِ، وَأَمْدِدْنَا بِالْيُمْنِ وَالْبَرَكَةِ وَقِنَا سُوءَ الْقَدَرِ، وَاكْفِنَا مُهِمَّاتِ السَّفَرِ، وَقَرِّبْ لَنَا الْبُعْدَ وَالنَّأْيَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا السَّيْرَ وَالسُّرىٰ، ووَفِّقْنَا لِطَيِّ الْمَرَاحِلِ، وَأَنْزِلْنَا خَيْرَ الْمَنَازِلِ، وَاحْفَظْ مُخَلَّفِينَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِأَحْسَنِ آمَالِنَا وَأَمَانِينَا سَالِمِينَ غَانِمِينَ تَائِبِينَ، رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلاً مُبَارَكاً وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[۲].

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۴۲۱.

(۲) نوری، میرزا حسین، **صحیفه علویّه ثانیه**، ص ۲۰۹.

دعا در وقت عطسه کردن

و هرکس در موقع عطسه بگوید : «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلىٰ كُلِّ حَالٍ» درد دندان و درد گوش هرگز نبیند [۱].

فضیلت یاد نمودن حضرت سیّدالشهدا علیه السلام، اهل بیت و اصحاب او و لعن بر کشندگان او هنگام آشامیدن آب

از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: هر بنده‌ای که آب بخورد و امام حسین علیه السلام ، اهل بیت و اصحاب او را یاد کند و لعنت کند بر کشندگان او ، حق تعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار درجه برای او بلند کند ، و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد ، و حق تعالی در روز قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر محشور گرداند ، و اگر به این نحو بگوید خوب است :

«صَلَوَاتُ اللهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ، وَلَعْنَةُ اللهِ عَلىٰ قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ وَأَعْدَائِهِ».

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون آب می‌آشامیدند این دعا را می‌خواندند :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْباً زُلَالاً وَلَمْ يَسْقِنَا مِلْحاً أُجَاجاً وَلَمْ يُؤَاخِذْنَا بِذُنُوبِنَا» [۲].

جهت دفع مرض

در کتاب ***کافی*** از حضرت صادق علیه السلام روایت است که برای دفع مرض می‌فرمود :

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَيَّرْتَ أَقْوَاماً فَقُلْتَ ﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِن دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلاً﴾ [۳] فَيَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ ضُرِّي وَلَا تَحْوِيلَهُ عَنِّي أَحَدٌ

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱۶۳ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۷۶، ص ۵۲.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۶، ص ۳۸۴.

(۳) إسراء / ۵۶.

غَيْرُهُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْشِفْ ضُرِّي وَحَوِّلْهُ إِلىٰ مَنْ يَدْعُو مَعَكَ إِلٰهاً آخَرَ لَا إِلٰهَ غَيْرُكَ»[۱].

دعای در وقت شنیدن فوت مؤمن و هنگام نظر به جنازه

در *دعوات راوندی* روایت است که چون وفات مؤمن را بشنود، بگوید:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَإِنَّا إِلىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ، اللَّهُمَّ اكْتُبْهُ فِي الْمُحْسِنِينَ وَاخْلُفْهُ فِي عَقِبَةِ الْآخِرِينَ وَاجْعَلْ كِتَابَهُ فِي عِلِّيِّينَ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ»[۲].

ایضاً روایت کرده که امام زین العابدین علیه‌السلام چون نظر می‌نمود به جنازه‌ای، می‌فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ»[۳].

و به روایت *فقه الرضا* علیه‌السلام، بگو:

«اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ هٰذا مَا وَعَدَنَا اللهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللهُ وَرَسُولُهُ. كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ. هٰذا سَبِيلٌ لَا بُدَّ مِنْهُ. إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيماً لِأَمْرِهِ وَرِضاً بِقَضَائِهِ واحْتِسَاباً لِحُكْمِهِ وَصَبْراً لِمَا قَدْ جَرىٰ عَلَيْنَا مِنْ حُكْمِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا خَيْرَ غَائِبٍ نَنْتَظِرُهُ»[٤].

دعای حین ارادهٔ جماع

و حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: هرگاه ارادهٔ جماع داشته باشی بگو:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ، اللَّهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ مِنِّي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ خَلِيفَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكاً وَلَا نَصِيباً وَلَا حَظّاً وَاجْعَلْهُ مُؤْمِناً

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥٦٤.

(۲) قطب راوندی، سعید بن هبة‌الله، **دعوات**، ص ۲٥۸.

(۳) همان، ص ۲٦۰.

(٤) **فقه الرضا** علیه‌السلام، ص ۱۷٦.

مُخْلِصاً مُصَفًّى مِنَ الشَّيْطَانِ وَرِجْزِهِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ»[(۱)].

و در **حصن حصين** روايت است كه چون انزال شود بگويد:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيمَا رَزَقْتَنِي نَصِيباً».

دعاى هنگام وداع مسافر

و چون بخواهد وداع كند براى سفر بگويد به مسافر:

«أَسْتَوْدِعُ اللهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامُ»[(۲)].

ادعيهٔ وقت روانه شدن مسافر، و پاى نهادن در ركاب و بعد از سوار شدن

و چون مسافر روانه شود بگويد به او:

«زَوَّدَكَ اللهُ التَّقْوىٰ، وَغَفَرَ ذَنْبَكَ، وَيَسَّرَ لَكَ الْخَيْرَ حَيْثُمَا كُنْتَ».

و چون پاى در ركاب نهد **«بِسْمِ اللهِ»** بگويد، و بعد از سوار شدن بگويد:

«سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ».

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» سه مرتبه، **«اللهُ أَكْبَرُ»** سه مرتبه، **«لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ»** يک مرتبه.

«سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و بگويد:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هٰذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوىٰ وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضىٰ، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هٰذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ

---

(۱) كلينى، محمد بن يعقوب، **كافى**، ج ۵، ص ۵۰۳.

(۲) طبرسى، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۵۳۲؛ خطيب تبريزى، محمّد بن عبدالله، **مشكاة المصابيح**، ج ۱، ص ۴۴۳.

وَالْوَلَدِ»[۱].

دعای بعد از مراجعت از سفر

و بعد از مراجعت از سفر این دعای آخر را به زیادتی :
«آئِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ»[۲] می‌خوانی .

جهت دفع درندگان و هر امر ترسناکی

و از برای دفع درندگان و هر امر ترسناکی بخواند :
«اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَاحْفَظْنَا بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَارْحَمْنَا بِقُدْرَتِكَ عَلَيْنَا لَا نَهْلِكَ وَأَنْتَ رَجَاؤُنَا ، يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ»[۳].

و در **مکارم الاخلاق** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت است که: اسمای خدای تعالی را بسیار بگویید و صلوات بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بفرستید و بگویید :
«اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ مَا أَكُفُّ بِهِ وَجْهِي وَأُؤَدِّي بِهِ أَمَانَتِي وَأَصِلُ بِهِ رَحِمِي وَيَكُونُ عَوْناً لِي عَلَى الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ»[٤].

برای برآمدن حاجات

و از امام محمّد باقر علیه‌السلام روایت است که فرمود : این دعا را بخوان و من ضامنم قضای حاجت تو را :

---

(۱) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤٤٠ ؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ۲، ص ۹۷۸ ، کتاب **الحجّ** ، باب ۷۵ ، ما یقول إذا رکب إلی سفر الحجّ ، ح ٤۲٥ ـ ۱۳٤۲ .

(۲) خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ٤٤٠ ؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ۲، ص ۹۷۸، ح ٤۲٥ ـ ۱۳٤۲ .

(۳) دمیری، محمّد بن موسی، **حیاة الحیوان**، ج ۱، ص ۱۰ .

(٤) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱۷ .

«اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلىٰ طَلِبَتِي، وَتَعْلَمُ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي»[1].

جهت ترس از دشمن یا غیر آن

و در نزد ترس از دشمن یا غیر آن سورهٔ مبارکهٔ لإیلاف بخواند که مجرّب است.

جهت گریختن حیوان و پیدا شدن یار و مددکار

و اگر حیوانی بگریزد بگوید:

«أَعِينُونِي يَا عِبَادَ اللهِ رَحِمَكُمُ اللهُ».

و اگر در امری مددکاری بخواهد سه مرتبه بگوید:

«يَا عِبَادَ اللهِ أَعِينُونِي».

مددکاری پیدا شود، مجرّب است.

دعای در وقت تراشیدن سر و شانه کردن

در ***فقه الرضا*** علیه‌السلام مذکور است که در حین شروع در سر تراشیدن بگو:

«بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ، حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً سَاطِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [وبعد از فراغ می‌گویی:] **اللَّهُمَّ زَيِّنِّي بِالتُّقىٰ وَجَنِّبْنِي الرَّدىٰ، وَجَنِّبْ شَعْرِي وَبَشَرِي الْمَعَاصِي وَجَمِيعَ مَا تَكْرَهُ مِنِّي، فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعاً وَلَا ضَرّاً»**[2].

و حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: کسی که اراده شانه کردن داشته باشد شانه را به‌دست راست بگیرد در حالتی که نشسته باشد و بر بالای سر بگذارد و پیش سر را شانه کند و بگوید:

---

(۱) همان، ج ۲، ص ۲۰؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۹۴.

(۲) **فقه الرضا** علیه‌السلام، ص ۳۹۴؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۱۳۸.

«اللَّهُمَّ حَسِّنْ شَعْرِي وَبَشَرِي وَطَيِّبْهُمَا وَاصْرِفْ عَنِّي الْوَبَاءَ».

پس عقب سر را شانه کند و بگوید :

«اللَّهُمَّ لَا تَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ قِيَادِي فَتَرُدَّنِي عَلَىٰ عَقِبِي».

دعای در وقت شانه کردن ابرو و ریش

پس ابروها را شانه کند و بگوید :

«اللَّهُمَّ زَيِّنِّي بِزِينَةِ الْهُدىٰ».

پس ریش را از طرف بالا به زیر شانه کند و شانه را بر سینه بمالد و بگوید :

«اللَّهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْغُمُومَ وَوَحْشَةَ الصَّدْرِ وَوَسْوَسَةَ الشَّيْطَانِ».

پس از پایین ریش به‌طرف بالا شانه کند و سورهٔ «إنّا أنزلناه في ليلة القدر» را بخواند [۱].

دعای هنگام نظر بر قبر

در ***فقه الرضا*** عليه‌السلام و ***مستدرک الوسائل*** روایت است که چون نظر تو بر قبر افتد بگو :

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفَرِ النِّيرَانِ» [۲].

و بگو :

«اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَصَعِّدْ إِلَيْكَ رُوحَهُ وَلَقِّهْ مِنْكَ رِضْوَاناً» [۳].

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۱٦٦.

(۲) **فقه الرضا** عليه‌السلام، ص ۱۷۰؛ قطب راوندی، سعيد بن هبة‌الله، **دعوات**، ۲٦٤؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجد**، ص ۱۹ و ۲۰.

(۳) **فقه الرضا** عليه‌السلام، ص ۱۷۰؛ قطب راوندی، سعيد بن هبة‌الله، **دعوات**، ص ۲٦۹.

دعای در وقت زیارت اهل قبور

در *کامل الزیارات* روایت است که در زیارت قبور بگو:

«السَّلَامُ عَلىٰ أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، رَحِمَ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ» (۱).

راوندی در *لبّ اللباب* روایت کرده که امیرالمؤمنین عليه السلام زیارت نمود مقبره‌ای را پس فرمود:

«السَّلَامُ عَلىٰ أَهْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مِنْ أَهْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ يَا أَهْلَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ كَلِمَةَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ».

پس هاتفی آواز داد که یافتیم این کلمه را نجات دهندهٔ از هر مهلکه (۲).

دعای در نزد قبر میّت

در **مستدرک** از شهید آورده که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هرکه بگوید در نزد قبر میّت سه مرتبه:

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَن لَا تُعَذِّبَ هٰذَا الْمَيِّتِ».

خداوند تا قیامت عذاب را از آن میّت بردارد (۳).

دعای در وقت روغن مالیدن و بخور کردن

و وارد است که چون روغن را بر کف بریزی بگو:

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَالزِّينَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَالشَّنَآنِ فِي

---

(۱) ابن قولویه، جعفر بن محمّد، **کامل الزیارات**، ص ۳۲۲؛ خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ۳۲۵؛ قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحیح مسلم**، ج ۲، ص ۶۶۹ و ۳۷۱؛ **کتاب الجنائز**، ص ۲۷۸، ح ۱۰۴ ـ ۹۷۵، باب ۳۵.

(۲) نوری، میرزا حسین، **صحیفه علویّه ثانیه**، ص ۴۲ و ۴۳ به نقل از: **لبّ اللباب** قطب راوندی.

(۳) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۲، ص ۳۷۲؛ قطب راوندی، سعید بن هبة‌الله، **دعوات**، ص ۲۷۰.

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»[۱].

و سیّد ابن طاووس روایت کرده که حضرت رسول ﷺ در وقت بخورکردن این دعا را می‌خواندند :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ ، اللَّهُمَّ طَيِّبْ عَرْفَنَا[۲] **وَزَكِّ رَوَائِحَنَا وَأَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا وَاجْعَلِ التَّقْوىٰ زَادَنَا وَالْجَنَّةَ مَعَادَنَا وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ إِيَّانَا وَكَرَامَتِكَ لَنَا إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»**[۳].

دعای در هنگام بوییدن گل سرخ

در ***طبّ النبی*** ﷺ روایت است که آن حضرت فرمود : هرکه می‌خواهد که ببوید بوی مرا پس باید ببوید گل سرخ را[٤].

و امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند : هرکه گل را بگیرد و ببوید و بر دیده‌ها گذارد و بگوید :

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

هنوز بر زمین نگذاشته باشد که گناهان او آمرزیده شود[٥].

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الاخلاق**، ج ۱، ص ۱۱۱ ؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٦، ص ۵۱۹و ۵۲۰.

(۲) عَرْف : رایحه ، بوی خوش (**فرهنگ عمید**).

(۳) ابن طاووس، علی بن موسی، **الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان**، ص ۳٦ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۷۳، ص ۱٤۳.

(٤) مستغفری، جعفر بن محمّد، **طب النبیّ** ﷺ، ص ۳۰.

(٥) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۱۰۱ ؛ فتال نیشابوری، محمّد بن احمد، **روضة الواعظین**، ج ۲، ص ۳۲۷ ؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ۲۱۹ ، مجلس ٤٥ ، ح۷.

دعای در وقت رخت کندن در حمّام

و از آن حضرت منقول است که در وقت رخت کندن در رخت کَنِ حمّام بگوید :

«**اللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّي رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِي عَلَى الإِيمَانِ**».

پس چون داخل خانه اوّل حمّام شوی بگو :

«**اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَأَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ أَذَاهُ**».

و چون داخل خانه دوم شوی ، بگو :

«**اللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الرِّجْسَ وَطَهِّرْ جَسَدِي وَقَلْبِي**».

و چون داخل خانه سوم شوی بگو :

«**نَعُوذُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ وَنَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ**».

و مکرّر این دعا را بخوان تا وقت بیرون آمدن از آن خانهٔ گرم [1].

دعای در وقت جامه پوشیدن

و در وقت جامه پوشیدن بگو :

«**اللّٰهُمَّ أَلْبِسْنِي التَّقْوىٰ وَجَنِّبْنِي الرَّدىٰ**» [2].

دعای در هنگام دیدن کسی در حال خروج از حمّام

و منقول است که چون کسی را ببیند از حمّام بیرون آید بگوید :

«**طَابَ مَا طَهُرَ مِنْكَ وَطَهُرَ مَا طَابَ مِنْكَ**» [3].

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۱۲۳ ؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ۱۱۳.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۱۲٤ ؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ۱۱٤.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۱، ص ۱۲۷.

دعای در وقت نوره کشیدن

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه پیش از نوره کشیدن اندکی از نوره بردارد و ببوید و بر سر بینی بگذارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ كَمَا أَمَرَنَا بِالنُّورَةِ».

نوره او را نسوزاند (۱).

و از حضرت علیّ بن الحسین علیه السلام منقول است که: هرکه موقع مالیدن نوره بر بدن این دعا را بخواند، خداوند او را از چرک‌ها و کثافت‌های دنیوی و از گناهان پاک گرداند و به عوض آن موها موهایی کرامت فرماید که در آن موها گناه نکند و به عدد هر مویی که از بدنش ریخته ملکی خلق فرماید که از برای او تسبیح الهی کند تا روز قیامت و به درستی که یک تسبیح از ملائکه برابر است ثوابش با ثواب هزار تسبیح، و دعا این است:

«اللَّهُمَّ طَيِّبْ مَاطَهُرَ مِنِّي، وَطَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّي، وَأَبْدِلْنِي شَعْراً طَاهِراً لَا يَعْصِيكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ. فَحَرِّمْ شَعْرِي وَبَشَرِي عَلَى النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِي وَطَيِّبْ خُلُقِي وَزَكِّ عَمَلِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَلْقَاكَ عَلَى الْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِكَ وَرَسُولِكَ، عَامِلاً بِشَرَائِعِكَ، تَابِعاً لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آخِذاً بِهِ مُتَأَدِّباً بِحُسْنِ تَأْدِيبِكَ وَتَأْدِيبِ رَسُولِكَ وَتَأْدِيبِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ غَذَوْتَهُمْ بِأَدَبِكَ وَزَرَعْتَ الْحِكْمَةَ فِي صُدُورِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِعِلْمِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ» (۲).

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۱۱۹.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٦، ص ۵۰۷؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۲، ص ٦٧.

دعای در وقت غسل جنابت

و مستحب است که در وقت غسل جنابت این دعا را بخواند:
«اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي، وَتَقَبَّلْ سَعْيِي وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْراً لِي [1]، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ» [2].

دعای بعد از وضو یا غسل جنابت

در ***تفسیر امام حسن عسکری*** علیه‌السلام مذکور است که هرکه بعد از وضو یا غسل جنابت این دعا را بخواند خدا گناهان او را بریزد و او را بیامرزد، چنان‌که برگ از درختان بریزد، و به هر قطره‌ای از قطرات وضو و غسل او حق تعالی ملکی خلق فرماید که عبادت کند و ثواب عبادت از او باشد، وگناهان او آمرزیده شود، و دعا این است:
«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّكَ وَخَلِيفَتُكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَنَّ أَوْلِيَائَهُ خُلَفَائُكَ وَأَوْصِيَائُكَ» [3].

دعای هنگام شروع در غسل عید فطر و بعد از آن

و از حضرت صادق علیه‌السلام روایت است که: چون خواهی غسل عید فطر به‌جای آوری در زیر سقف به‌جای آور و چون خواهی شروع کنی بگو:
«اللَّهُمَّ إِيمَاناً بِكَ وَتَصْدِيقاً بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعِ سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ» [4].
و چون از غسل فارغ شوی بگو:

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ۴۳.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب**، ج ۱، ص ۳۶۷.

(۳) **تفسیر إمام حسن عسکری** علیه‌السلام، ص ۵۲۱؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱، ص ۳۹۸.

(٤) مجلسی، محمد باقر بن محمّد تقی، **زاد المعاد**، ص ۲۲۷.

«اللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الرِّجْسَ»[1].

دعای هنگام دخول بیت الخلاء

و چون خواهد داخل بیت الخلاء شود این دعا را بخواند :

«بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الرِّجْسِ النَّجِسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»[2].

ادعیه در حالات بودن در بیت التخلیه

و چون عورتش باز شود چون درست بنشیند بگوید :

«اللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الْقَذىٰ وَالأَذىٰ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»[3].

پس بگوید :

«اللّٰهُمَّ كَمَا أَطْعَمْتَنِيهِ طَيِّباً فَأَخْرِجْهُ مِنِّي خَبِيثاً فِي عَافِيَةٍ»[4].

چون نظر او بر فضله افتد بگوید :

«اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِي الْحَرَامَ»[5].

و چون نظر به آب استنجاء کند بگوید :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوراً وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً»[6].

و چون خواهد استنجاء کند بگوید :

«اللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ، وَوَفِّقْنِي لِمَا يُقَرِّبُنِي

---

(۱) همان.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ۱۶.

(۳) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۲۳.

(٤) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱، ص ۳۰۸.

(۵) همان، ج ۱، ص ۳۳۳.

(٦) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۳.

مِنْكَ يَا ذَا الجَلَالِ وَالإِكْرَامِ»[۱].

و چون برخيزد دست بر شكمش مالد و بگويد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اَمَاطَ عَنِّي الأَذىٰ وَهَنَّأَنِي طَعَامِي وَشَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبَلْوىٰ»[۲].

و چون خواهد بيرون آيد دست بر شكمش مالد و بگويد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لَذَّتَهُ وَأَبْقىٰ فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ وَأَخْرَجَ عَنِّي أَذاهُ، يَا لَهَا نِعْمَةً يَا لَهَا نِعْمَةً يَا لَهَا نِعْمَةً لَا يَقْدِرُ الْقادِرُونَ قَدْرَهَا»[۳].

اين كلمات اخيره سه مرتبه وارد شده.

دعای در وقت عطسه

و منقول است كه چون كسی عطسه كند انگشت شهادت بر روی بينی گذارد و بگويد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، رَغِمَ أَنْفِي لِلَّهِ رَغْماً دَاخِراً صَاغِراً غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ».

امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: چون كسی عطسه كند به او بگويد: «**يَرْحَمُكَ اللهُ**» و او در جواب بگويد: «**يَغْفِرُ اللهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ**»[٤].

دعای هنگام بيرون رفتن از خانه

در حديث موثّق از امام محمّد باقر عليه السلام منقول است كه: هركه در وقت بيرون آمدن از خانه اين دعا را بخواند حق تعالی كارهای دنيا و آخرت او را برآورد:

«بِسْمِ اللهِ حَسْبِيَ اللهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

---

(۱) همان.

(۲) كفعمی، ابراهيم بن علی، **بلد الأمين**، ص ۳.

(۳) همان.

(٤) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ١٦٤؛ **فقه الرضا** عليه السلام، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ»[۱].

دعای در وقت افروختن چراغ و خاموش نمودن آن

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: چون چراغ را به اندرون خانه بیاورند بگو:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً نَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَلَا تَحْرِمْنَا نُورَكَ يَوْمَ نَلْقَاكَ وَاجْعَلْ لَنَا نُوراً إِنَّكَ نُورٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»[۲].

و چون چراغ را خاموش کنند این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»[۳].

دعای هنگام دخول در بازار

و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که: هرکه در وقت داخل شدن بازار بگوید:

«سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

به عدد آنچه خداوند تبارک و تعالی خلق کرده است تا قیامت به او ثواب کرامت فرماید[٤].

و در روایت **حصن حصین** از «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» است و آنکه خداوند هزار هزار حسنه برای او ثبت کند و هزار هزار گناه از او محو کند، و هزار هزار درجه بلند کند، و

---

(۱) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۳۵۱.

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۷۶، ص ۱۶۵.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۴۳؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۷۶، ص ۱۶۵.

(٤) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۷، ص ٤۰۹.

خانه‌ای در بهشت برای او بنا کند.

ایضاً دعای دیگر در وقت دخول بازار

و در وقت دخول بازار بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هٰذا السُّوقِ وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُصِيبَ فِيهَا يَمِيناً فَاجِرَةً أَوْ صَفْقَةً خَاسِرَةً».

جهت پیدا شدن گم‌شده یا ضالّه

و اگر حیوانی از او برود یا چیزی گم شود دو رکعت نماز کند و بگوید:

«بِسْمِ اللهِ يَا هَادِيَ الضَّالِّ وَرَادَّ الضَّالَّةِ أُرْدُدْ عَلَيَّ ضَالَّتِي بِعِزَّتِكَ وَسُلْطَانِكَ فَإِنَّهَا مِنْ عَطَائِكَ وَفَضْلِكَ» (۱).

برای دفع درد عقرب گزیده

و موضع عقرب گزیده را به آب و نمک مسح کند و بر آن «قل یا أیّها الکافرون» و«قل أعوذ بربّ الفلق» و «قُل أعوذ بربّ الناس» بخواند (۲).

دعای هر روز ماه صفر

در هر روز ماه صفر بخواند این دعا را تا از بلاها ایمن باشد، و در بعض نسخ هر روز ده مرتبه بخواند:

«اللَّهُمَّ يَا شَدِيدَ الْقُوىٰ، يَا شَدِيدَ الْمِحَالِ، يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ، ذَلَّتْ بِعِزَّتِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ يَا مُنْعِمُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُفْضِلُ فَاكْفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ، يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَصَلَّى اللهُ

---

(۱) عسکری حسنی سمنانی، محمّدحسن، **منهاج العارفین**، ص ۲۰۳۸.

(۲) همان، ص ۲۰۴۳.

عَلىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ» [۱].

دعای چهارشنبهٔ آخر ماه صفر

و اگر این دعا را در روز چهارشنبهٔ آخر ماه صفر بنویسد و در کوزهٔ آب اندازد، هرکه از آن آب بیاشامد تا سال دیگر از هر بلا در امان باشد:

«ا ب ا ا لا ما أصبحت طاه ا ع لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ».

نماز و دعای در وقت تحویل سال

و در وقت تحویل حَمَل [۲] این را بنویسد به مِشک و زعفران و با خود داشته باشد:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ا لا لا ۹ ااا ۹ ۸ ۹ ۱۱۱۸ لا = ااا ص يحصى».

علّامهٔ حلّی در کتاب ***عمل السّنه*** روایت کرده که در وقت تحویل دو رکعت نماز حاجت بخواند، در هر رکعت حمد یک مرتبه و «إذا جاء نصرُ اللهِ» سه مرتبه، و بعد از اتمام صد مرتبه بگوید:

«يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ، وَاجْعَلْ لَنَا هٰذِهِ السَّنَةَ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا بِالْفَتْحِ وَالسَّلَامَةِ وَالْعِزِّ وَالإِقْبَالِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الأَطْهَارِ».

---

(۱) **منهاج العارفین**، ص ۱۰۷۸، و در **مفاتیح الجنان**، ص ٤٨٥ در اعمال ماه صفر از مرحوم فیض چنین نقل شده است: «يَا شَدِيدَ الْقُوىٰ وَيَا شَدِيدَ الْمِحالِ، يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ، ذَلَّتْ بِعَظَمَتِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ فَاكْفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ» روزی ده مرتبه.

(۲) حَمَل: برج اوّل از دوازده برج فلکی برابر با ماه فروردین (عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، ج ۱، ص ۸۰۷).

ایضاً دعای دیگر در هر روز ماه صفر

دعای دیگر که در هر روز ماه صفر بخواند تا بلا دفع گردد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هٰذِهِ الأَزْمَانِ وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلىٰ شُرُورِ الزَّمَانِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ وَجَمَالِ قُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُجِيرَنِي مِنْ شَرِّ هٰذِهِ السَّنَةِ وَقِنَا شَرَّ مَا قَضَيْتَ فِيهَا وَأَكْرِمْنَا فِي شَهْرِ الصَّفَرِ يَا كَرِيمَ الظَّفَرِ وَاخْتِمْهُ بِالسَّعَادَةِ وَالسَّلَامَةِ لِي وَلِأَوْلِيَائِي وَلِأَقْرِبَائِي وَأَوْلَادِي وَجَمِيعِ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

جهت دفع مرض

دعای مریض:

«بِسْمِ اللهِ أَرْقِيكَ بِسْمِ اللهِ أَشْفِيكَ مِنْ كُلِّ إِرْبٍ يُؤْذِيكَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (۱).

و هرگاه هفت مرتبه بگوید:

«أَسْأَلُ اللهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ عُوفِيَ».

اگر اجل آن مریض نرسیده باشد شفا یابد (۲).

دعای ختم قرآن مجید

و در موقع ختم قرآن بخواند آنچه امیرالمؤمنین علیه‌السلام می خواندند:

«اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي، وَنَوِّرْ بِالْقُرْآنِ بَصَرِي، وَأَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي، وَأَعِنِّي عَلَيْهِ مَا أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ» (۳).

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۲۴۶؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۱۷.

(۲) همان.

(۳) **نزهة الزاهد**، ص ۲۱۳؛ سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۳۸۹.

باب هفتم:

در ادعیهٔ وقت خواب و بیداری و آداب تهجّد

و قدری از آن در باب سابق گذشت.

دعای وقت خواب

در حدیث صحیح از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام منقول است که: هرگاه کسی دست راست در زیر سر گذارد و بخوابد، این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجىٰ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ».

و بعد از آن، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند [1].

ایضاً دعای دیگر در وقت خواب

و در حدیث صحیح دیگر فرمود: ترک نکند این دعا را وقت خواب:

«أُعِيذُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ» [2].

کلینی در **کافی** از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده: در رختخواب خود بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي احْتَبَسْتُ نَفْسِي عِنْدَكَ فَاحْتَبِسْهَا فِي مَحَلِّ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَإِنْ رَدَدْتَهَا

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۴۳؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذيب الأحكام**، ج ۲، ص ۱۱۶، ح ۴۳۵؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ۴۷۰.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۴۴؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذيب الأحكام**، ج ۲، ص ۱۱۶، ح ۴۳۶.

إلىٰ بَدَنِي فَارْدُدْهَا مُؤْمِنَةً عَارِفَةً بِحَقِّ أَوْلِيَائِكَ حَتّىٰ تَتَوَفَّاهَا عَلىٰ ذٰلِكَ»[۱].

در فضیلت دعای دیگر در وقت خواب

و در حدیث صحیح منقول است که این دعا را بعد از خوابیدن در رختخواب سه مرتبه بخواند از گناهان بیرون آید مثل روزی که از مادر متولد شده:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتىٰ وَيُمِيتُ الأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»[۲].

ایضاً در بیان فضیلت دعای دیگر

کفعمی در ***جُنّة الواقیه*** روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! شب گذشته چه کار کردی؟ علی علیه السلام عرض کرد: هزار رکعت نماز خواندم. فرمود: آن چگونه بود؟ علی علیه السلام گفت: از شما شنیدم که هرکه در وقت خواب بگوید سه مرتبه: **«يَفْعَلُ اللهُ مَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ بِعِزَّتِهِ»** ثواب هزار رکعت نماز دارد[۳].

جهت دفع عقرب

و از امام محمّد باقر علیه السلام منقول است که: هرکه در شب این دعا را بخواند تا صبح او را عقرب و هیچ گزنده نگزد:

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»[٤].

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥٣٦؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ٤٤.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۸٤.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱٥۲؛ همو، **حاشیه بلد الأمین**، ص ۳٤.

(٤) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ٤٧؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ٤٧۱؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، ج ۲، ص ۱۱۷.

فضیلت سورۀ واقعه و الملک در وقت خواب

و فرمود : هرکه سورۀ «إذا وقعت الواقعة» را هر شب بخواند پیش از خـواب ، در قیامت روی او مثل ماه شب چهارده باشد [۱].

و منقول است که هرکه در وقت رفتن به خواب سورۀ «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ المُلْك» بخواند پس بگوید چهار مرتبه :

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَاماً».

حق تعالی دو ملک موکّل گرداند که به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله روند و بگویند : فلان شخص تو را سلام می‌رساند ؛ پس حضرت فرماید : بر او باد سلام و رحمت و برکات .

در فضیلت سورۀ مبارکۀ یٰسٓ

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه سورۀ یٰسٓ بخواند پیش از خواب ، حق تعالی هزار ملک به او موکّل گرداند که او را از شرّ شیطان و هر بلایی محافظت نمایند [۲].

در بیان فضیلت بعض سوره‌های دیگر در آن وقت

«قل هو الله أحد» ، «قل یا أیّها الکافرون» و آیة الکرسی وارد است [۳].

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله آیة الکرسی می‌خواندند و بعد از آن می‌گفتند :

---

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱٤٤ ؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۳٤ ؛ خطیب تبریزی، محمّد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**، ج ۱، ص ۳۹۸ ؛ بیهقی، احمد بن الحسین، **شعب الایمان**، ج ۲، ص ٤۹۱ ، باب في تعظیم القرآن.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۳۸.

(۳) سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۲٤.

«بِسْمِ اللهِ آمَنْتُ بِاللهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَفِي يَقْظَتِي»[۱].

و سورهٔ مبارکه «ألهاكم التكاثر» بخواند تا از عذاب قبر ایمن گردد[۲].

و صد و یازده مرتبه نیز سورهٔ «قُل هو الله أحد» وارد شده و ثواب عظیم دارد، و به یک مرتبه اکتفا نیز می‌شود[۳].

کفعمی نیز در **حاشیه بلد الامین** از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که: هرکه قرائت کند توحید و معوّذتین را هر شب در وقت خواب، چنان است که قرائت کرده تمام قرآن را، و به هر آیه از قرآن ثواب نبیّی از انبیا دارد، و ازگناهان بیرون آید مثل روزی که از مادر متولّد شده باشد، و اگر در آن شب و یا آن روز بمیرد ثواب شهید دارد[٤].

در بیان فضیلت استغفار در وقت خواب

و نیز از آن حضرت روایت شده که هرگاه سه مرتبه بگوید در وقت خواب:

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

آمرزیده شود اگرچه گناهان مثل کف دریاها یا رَمْل روان و مثل ایّام دنیا باشد، و صد مرتبه استغفار نیز ثواب عظیم دارد[۵].

در ذکر بعض سور و آیات دیگر در آن وقت

«قل أعوذ بربّ الناس»، «قل أعوذ بربّ الفلق»، ده آیه از اوّل سورهٔ و الصافّات و ده آیهٔ از آخر آن نیز وارد است[٦].

و یازده مرتبه سورهٔ «إنّا أنزلناه في ليلة القدر» بخواند که خداوند یازده ملک بر او

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥۳٦.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱٥۳.

(۳) همان، ص ۱٥٦، ح ٥ و ۷.

(٤) کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه بلد الأمین**، ص ۳٤.

(٥) همان.

(٦) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥۳٦.

موکّل گرداند که او را حفظ کنند از شیاطین تا صبح .

جهت ایمنی از دزد، خراب شدن خانه، فقر و گزنده

اگر آیات ﴿ **قُلِ ادْعُوا اللهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ** ﴾[1] را تا آخر سورهٔ بنی اسرائیل بخواند ، از دزد ایمن شود .

و این را از سورهٔ فاطر بخواند : ﴿ **إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضَ أَن تَزُولاَ وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِن بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيماً غَفُوراً** ﴾[2] تا خانه بر سر او خراب نشود[3].

و در حدیث معتبر منقول است از حضرت علی بن الحسین عليه‌السلام که: هرکه وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پریشانی از او برود و هیچ گزنده به او ضرر نرساند :

«**اللَّهُمَّ أَنْتَ الأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ ، وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ ، اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الأَرَضِينَ السَّبْعِ وَرَبَّ التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**»[4].

در ذکر بعضی از آیات دیگر در وقت خواب

و منقول است که هرکه سه مرتبه آیة الکرسی ، یک مرتبه آیهٔ ﴿ **شَهِدَ اللهُ** ﴾ ، آیهٔ سُخْره و آیهٔ آخر «حم سجده» را بخواند حق تعالی دو ملک موکّل او گرداند که شیاطین را از او دور کند ، و سی ملک را امر فرماید که تسبیح ، تحمید ، تهلیل و

---

(۱) إسراء/ ۱۱۰.

(۲) فاطر/۴۱.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۴۷ ؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، ج ۲، ص ۱۱۷ ، ح ۴۴۰ ؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۳۴.

(۴) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۳۴.

تکبیر خدا بگویند، واستغفار کنند تا بیدار شدن او، و ثواب همه از او باشد[۱].

جهت بیدار شدن از خواب هر وقت که بخواهد

و آیهٔ ﴿**قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ**﴾[۲] را بخواند تا هر وقت که بخواهد بیدار شود[۳].

و بخواند:

«اللَّهُمَّ لاَ تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ، وَأَنْبِهْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبُ لِي، وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِينِي، وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَسْتَغْفِرُ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

که خداوند دو ملک بفرستد که او را بیدار کنند، اگر بیدار نشود امر کند آن دو ملک را که برای او استغفار کنند، و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد، و هر حاجت که بخواهد برای او برآورد[٤]. و این در حدیث معتبر از حضرت امام موسی علیه‌السلام منقول است، والله العالم.

در بیان آداب بیداری

و امّا آداب بیداری: در صحیفهٔ علویّه است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در حال غلتیدن بر رختخواب خود در حال خواب می‌خواندند:

«لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَسُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۳۹، آیهٔ ﴿**شَهِدَ اللهُ**﴾ آل عمران/ ۱۸، ۱۹، آیهٔ سُخْره: اعراف/ ٥٤.

(۲) آیهٔ آخر سورهٔ کهف.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ٤٩؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۹۹.

(٤) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۳٤؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ٤٩؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

الْعَالَمِينَ».

و چون می‌نشست بعد از خواب می‌خواند :

«حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبَادِ، حَسْبِيَ الَّذِي هُوَ حَسْبِي ، حَسْبِي مُذْكُنْتُ حَسْبِي ، حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»(۱).

در آداب دیدن خواب خوب یا بد

و کفعمی روایت کرده از حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که: اگر خواب نیک دیدی حمد کن خدای تعالی را و ذکر مکن آن را مگر از برای کسی که دوست دارد تو را ، و اگر خواب بد دیدی بینداز آب دهن خود را از طرف چپ خود سه مرتبه ، و پناه ببر به خداوند عزّ وجلّ از شیطان ملعون ، و خبر مده به آن احدی را ، پس نمی‌بینی ضرر از آن(۲).

و وارد است که هرگاه در شب از خواب برخیزی بگو :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَأَعْبُدَهُ»(۳).

و هرگاه بانک خروس‌ها را شنیدی بگو :

«سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ ، لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»(٤).

پس هرگاه برخیزی نظر کن در اطراف آسمان و بگو :

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُوَارِي عَنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ ، وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ ، وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ ، وَلَا

---

(۱) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۳۸۱.

(۲) کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه بلد الأمین**، ص ۳۵.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۳۸ ؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۰۹ ؛ طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۵۲ و ۵۳ ؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۳۵.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۳۸ ؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۳۵.

ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ، وَلَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ تُدْلِجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ تُدْلِجُ الرَّحْمَةَ عَلىٰ مَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ، تَعْلَمُ خَائِنَةَ الأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، غَارَتِ النُّجُومُ وَنَامَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلٰهِ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

بعد پنج آیه از آخر سورهٔ آل عمران ﴿ **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ** ﴾ تا ﴿ **إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ** ﴾ را بخوان [۱].

در استحباب مسواک زدن بعد از خواب

بعد از خواب مسواک کن و وضو بگیر، وهرگاه دست خود را در آب گذاری بگو:

«**بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ**» [۲].

و چون از وضو فارغ شوی بگو:

«**الحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**».

در بیان ادعیهٔ وضو

مؤلّف گويد: بهتر آن است كه جميع ادعيهٔ وضو را بخواند، چون نظر به آب وضو كند بگويد:

«**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوراً وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً**».

و چون دست در آب گذارد دعای گذشته را بخواند.

و چون مضمضه كند بگويد:

«**اللَّهُمَّ لَقِّنِّي حُجَّتِي يَوْمَ أَلْقَاكَ، وَأَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ**».

و در حال استنشاق بگويد:

---

(۱) كفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمين**، ص ۳۵؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجد**، ص ۱۱۰، ۱۱۱؛ آیه در سوره آل عمران/ ۱۹۰ ـ ۱۹٤.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۱۲.

«اللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشَمُّ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَ طِيبَهَا».

و چون صورت را بشوید بگوید:

«اللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ، وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ فِيهِ الوُجُوهُ».

و در حال شستن دست راست بگوید:

«اللّٰهُمَّ أَعْطِنِي كِتابِي بِيَمِينِي وَالْخُلْدَ فِي الْجِنَانِ بِيَسَارِي، وَحاسِبْنِي حِسَاباً يَسِيراً».

و در حال شستن دست چپ بگوید:

«اللّٰهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي، وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي، وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إلى عُنُقي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّيرَانِ».

و در حال مسح سر بگوید:

«اللّٰهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَفْوِكَ».

و در حال مسح پاها بگوید:

«اللّٰهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَيَّ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»[۱].

دعای بعد از فراغ از وضو و در حال ایستادن به نماز

و چون از وضو فارغ شود و از برای نماز ایستاد، بگوید آنچه در صحیح سابق از امام محمّد باقر علیه السلام وارد است:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَإِلَى اللهِ وَمَا شَاءَ اللهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِكَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِكَ، وَافْتَحْ لِي بَابَ تَوْبَتِكَ، وَأَغْلِقْ عَنِّي بَابَ مَعْصِيَتِكَ، وَكُلِّ مَعْصِيَةٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللّٰهُمَّ أَقْبِلْ عَلَيَّ

---

(۱) تمام ادعیه وضو را بنگرید: شیخ بهائی، محمّد بن الحسین، **مفتاح الفلاح**، ص ۱۹، ۲۰؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱۰؛ همو، **بلد الأمین**، ص ۳؛ سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۶۳ و ۱۶۶.

بِوَجْهِكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ» (۱).

پس با کمال خضوع و خشوع به نماز بایستد که آن روح نماز است، و خداوند مؤمنین را به آن وصف کرده: ﴿ **الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ** ﴾ (۲).

آداب دخول مسجد

و در وقت دخول مسجد نیز این دعای گذشته مأثور است.

و حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: مثل کسی نماز بخوان که می‌خواهد نماز را وداع کند، و هفت تکبیر بگوید به عدد حُجُب سبع که سنّت مؤکّد است (۳).

دعای هنگام افتتاح نماز

و در روایت صحیحه از امام جعفر صادق علیه‌السلام وارد است که فرمود: هرگاه اراده کنی افتتاح نماز را پس دو کف خود را بلند کن و آنها را بگشا و سه تکبیر بگو، بعد بگو:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» (٤).

بعد دو تکبیر بگوید و بگوید:

«لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيكَ ذَلِيلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، مِنْكَ وَبِكَ وَلَكَ وَإِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا وَلَا مَفَرَّ مِنْكَ، وَلَا

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب**، ج ۲، ص ۱۲۳.

(۲) مؤمنون/۲.

(۳) شیخ بهائی، محمّد بن الحسین، **مفتاح الفلاح**، ص ٣٤؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ٥٧، مقصود از حُجُب سبع یا آسمان‌های هفت‌گانه است، یا معاصی سبعه است که حجاب قبولی اعمال هستند که عبارت‌اند از: ١ ـ شرک ٢ ـ کشتن افراد ٣ ـ نسبت زنا به زنان محترم ٤ ـ خوردن مال یتیم ٥ ـ زنا ٦ ـ فرار از جنگ ٧ ـ عاق والدین.

(٤) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ١٥.

مَهْرَبَ اِلَّا إِلَيْكَ، سُبْحَانَكَ وَحَنَانَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ»[۱].

بعد دو تکبیر بگوید و بگوید :

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ»[۲].

در استحباب استعاذه قبل از قرائت در رکعت اول

بعد بگوید :

«أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ».

و حمد بخواند[۳].

در استحباب تکبیرات سبع افتتاحیه در هر نماز علی الأشهر و الأقوی

و در روایتی فرمود : هرگاه افتتاح صلاة کنی بگو اگر خواهی سه مرتبه و اگر خواهی پنج مرتبه و اگر خواهی هفت مرتبه، و همه مجزی است، لکن اگر در جماعت باشد و مصلّی امام باشد یکی را بلند بگوید، و بعض از علما منحصر دانسته‌اند مشروعیّت هفت تکبیر را به نمازهای واجب[۴].

و بعضی زیاد کرده [اند هفت تکبیر را در] اوّل نماز شب و یک رکعت وتر را، و بعضی اوّل نافله زوال و اوّل نافلۀ مغرب را، و دو رکعت احرام را. و أقوی چنانچه از اکثر و اشهر علما نقل شده، استحباب آن است در هر نماز.

و بهتر آن است که در غیر نمازهای واجب، قصد خصوصیّت نکند و به قصد ذکر

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱۵.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ۳۱۰ و ۳۱۱.

(۳) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ٦، ص ۲٤.

(٤) همان، ج ٦، ص ۳۲ ـ ۳٤.

بگويد .

و مستحب است كه پيش از شروع در نوافل شب دو ركعت نماز مختصر بخواند كه در ركعت اوّل بعد از حمد «قل هو الله أحد» بخواند و در ركعت دوّم «قل يا أيّها الكافرون»[۱] .

و در **مصباح** دعايى بعد از آن دو ركعت نقل فرموده[۲] .

و از حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام روايت شده كه بعد از آن دو ركعت اين دعـا را مى‌خواندند كه اوّل آن اين است : **«اللّٰهُمَّ إِلَيْكَ حَنَتْ قُلُوبُ الْمُخْبِتِينَ»** تا آخر[۳] .

در استحباب دو ركعت نماز قبل از نماز شب

و نيز شيخ در **مصباح** روايت كرده كه هيچ بنده‌اى نيست كه بـرخـيزد، پس دو ركعت نماز كند و در سجود از براى چهل نفر از برادران دينى خود دعا كند كه ايشان را به اسم ايشان و پدر ايشان بخواند مگر آنكه هرچيز از خدا سؤال كند به او عطا كند[٤] .

در بيان كيفيّت نماز شب و آداب آن

پس شروع كند به نماز شب ، و آن هشت ركعت است : دو ركعت دو ركعت ، مثل نماز صبح ، به هر سوره كه خواهد ، و بهتر آن است كه بعد از حمد سوره‌هاى بزرگ بخواند ، و زياده از يک سوره هم بخواند جايز است ، و از روى قرآن هم جايز است ، و از حفظ بهتر است .

و مستحب است كه ركوع و سجود را طول دهد ، و دعاى دست را نيز هرچـه

---

(۱) طوسى، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجد**، ص ۱۱۵؛ **نزهة الزاهد**، ص ۱۵۰ .

(۲) طوسى، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۱۵ .

(۳) تمام دعا را بنگريد به: نورى، ميرزا حسين، **صحيفه علويّه ثانيه**، ص ۱۶۲ .

(٤) طوسى، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجد**، ص ۱۱۵ .

طول دهد سبب آسانی حساب قیامت وکمی توقّف در صحرای محشر است [۱].

و اگر آن نمازها را به کیفیّت نماز حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله، حضرت امیر علیه‌السلام، حضرت فاطمه سلام الله علیها و جعفر طیّار علیه‌السلام بخواند هم جایز است، بلکه بهتر.

و بعد از این هشت رکعت دو رکعت نماز شفع بگزارد.

در کیفیّت نماز شفع و ذکر دعای بعد از آن

و در بعض کتب اصحاب ذکر شده که بعد از نماز شب و شفع این دعا را بخواند که دعای خوش مضمونی است:

«إِلٰهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ فِيهِ الْقَاصِدُونَ وَأَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ، وَلَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزُ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبُ تَمُنُّ بِهَا عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمْنَعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةُ مِنْكَ، وَهَا أَنَا ذَا عَبْدُكَ الْفَقِيرُ إِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ، فَإِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ وَكَرَمِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ اللّٰهُمَّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» [۲].

در استحباب قنوت در نماز شفع علی الأظهر

و بعضی علما قنوت در نماز شفع را مشروع نمی‌دانند؛ چون ظاهر بعضی از

---

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ۴۱۱، مجلس ۷۶، ح۷؛ همو، **ثواب الأعمال**، ص ۵۵.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجد**، ص ۱۳۲؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۵۱ ـ ۵۲. این دعا در شب نیمه شعبان هم خوانده می‌شود.

اخبار آن است که تمام سه رکعت نماز شفع و وتر یک نماز است.

و اظهر آن است که قنوت در آن مستحب است.

و در **عیون اخبار الرضا** علیه السلام روایت کرده که حضرت امام رضا علیه آلاف التحیّة والثناء در نماز شفع قنوت می‌خواندند.

و اگر این دعا را در قنوت یا قنوتات دیگر نیز بخواند نیکوست اگرچه افضل کلمات فرج است که «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ**» است تا آخر[1]. و از آن است «**وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ**» بعد از «**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**» بنا بر اقوی، چنانکه در روایات بسیار وارد است و ترک آن، چنانچه در چندین روایت است نیز جایز است، و دعا این است:

«**اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ حَاجَةٍ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا مُفَرِّجَ كُلِّ كُرْبَةٍ، يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ، يَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَىٰ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْأَئِمَّةِ الْهَادِيَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُكَ يَا اللهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ**».

و این بعد از رکعت هشتم از نوافل عصر و در تعقیب ظهر وارد است[2]. و در **مصباح** شیخ و کفعمی به اندک تفاوت ذکر شده.

و اگر به فارسی هم قنوت بخواند جایز است علی الاقوی، و احوط ترک آن

---

(۱) **نزهة الزاهد**، ص ۸۵، کلمات فَرَج.

(۲) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۱۸؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۶۲ و ۶۳.

است [۱].

در بیان کیفیّت آداب نماز وتر

و بعد از دو رکعت شفع یک رکعت نماز وتر را بخواند ، و هر سوره که بعد از حمد بخواند جایز است ، و همچنین هر دعایی که خواهد در قنوت آن بخواند کافی است .

در استحباب دعا از برای چهل مؤمن

و بهتر آن است که در آن اوّل دعا کند از برای چهل نفر مؤمن ؛ خواه مرده باشند و خواه زنده که از اسباب استجابت است ، امید آنکه این عاصی محمّد باقر بن محمّد حسن را نیز یاد کنند ، و به این نحو دعا کند :

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِفُلانِ بْنِ فُلانٍ وفُلانِ بْن فُلانٍ» .

و اسم ایشان را و اسم پدران ایشان را اگر بداند بگوید تا چهل نفر کامل شوند ، و هفت مرتبه بگوید :

«هٰذا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ» .

و هفتاد مرتبه بگوید :

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» .

و سیصد مرتبه بگوید : **«الْعَفْو الْعَفْو»** .

و به غیر این ترتیب نیز جایز است ، و اگر یکی از آنها یا دو تا را هم بخواند جایز است؛ مثل آنکه هفتاد استغفار را تنها بگوید یا سیصد **«الْعَفْو»** را [۲].

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱۷.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۳٦.

در فضیلت استغفار در آخر ماه

و حضرت صادق عليه السلام فرمود: کسی که در آخر ماه بگوید: **«أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»** هفتاد مرتبه [۱]، و مواظبت کند بر این تا یک سال، خدا او را آمرزش روزی کند.

قنوت نماز وتر

و اگر این دعا را بخواند که ابن ابی عقیل نقل کرده که حضرت صادق عليه السلام امر می‌فرمود اصحاب خود را که بعد از کلمات فرج در نماز خود بخوانند نیکوست:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخَصَتِ الأَبْصَارُ وَنُقِلَتِ الأَقْدَامُ وَرُفِعَتِ الأَيْدِي وَمُدَّتِ الأَعْنَاقُ، وَأَنْتَ دُعِيتَ بِالأَلْسُنِ وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ فِي الأَعْمَالِ، رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَتَظَاهُرَ الأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَوُقُوعِ الْفِتَنِ بِنَا فَفَرِّجْ ذٰلِكَ اللَّهُمَّ بِعَدْلٍ تُظْهِرُهُ وَإِمَامِ حَقٍّ نَعْرِفُهُ إِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ» [۲].

و اگر لفظ «آمین» را احتیاطاً نگوید شاید بهتر باشد، و اگرچه أقوی آن است که در غیر آخر فاتحة الکتاب مبطل نیست، والله العالم.

قنوت طولانی دیگر مشتمل بر مطالب عالیه

و قنوت طولانی در نماز وتر روایت شده است اگر بخواند مشتمل بر مطالب عالیه است، و اگر نتواند بخواند از روی نسخه بخواند، و در **مصباح** شیخ رحمه الله مذکور است و آن این است:

«لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا فَوْقَهُنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٤۳۸.

(۲) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ٤، ص ٤۰٤، به نقل از کتاب **ذکری** شهید، ص ۱۸٤.

الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، يَا اللهُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بِلَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَدِيدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ ضَعِيفٍ ، وَمِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَالْبَرَدِ وَمِنْ شَرِّ الْهَامَّةِ وَالْعَامَّةِ وَاللَّامَّةِ وَالْحَامَّةِ .

اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ أَمْسىٰ أَوْ أَصْبَحَ وَلَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ فَإِنِّي أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ وَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي فِي الأُمُورِ كُلِّهَا ، فَاقْضِ لِي خَيْرَ كُلِّ عَافِيَةٍ ، يَا أَكْرَمَ مَنْ سُئِلَ ، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطىٰ ، وَيَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرىٰ وَلاَ تُرىٰ وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الأَعْلىٰ وَإِلَيْكَ الرُّجْعىٰ وَالْمُنْتَهىٰ وَلَكَ الْمَمَاتُ وَالْمَحْيَا وَإِنَّ لَكَ الآخِرَةَ وَالأُولىٰ .

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزىٰ .

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ ، وَنَجِّنِي مِنَ النَّارِ فِيمَنْ نَجَّيْتَ ، وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ ، إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضىٰ عَلَيْكَ ، وَتُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ ، وَتَسْتَغْنِي وَيُفْتَقَرُ إِلَيْكَ ، وَالْمَصِيرُ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ ، يَعِزُّ مَنْ وَالَيْتَ وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ ، وَلَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ ، آمَنْتُ بِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَتَتَابُعِ الْفَنَاءِ وَشَمَاتَةِ الأَعْدَاءِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالأَحِبَّاءِ وَالإِخْوَانِ وَالأَوْلِيَاءِ وَعِنْدَ مُعَايَنَةِ الْمَوْتِ وَعِنْدَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ هٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ التَّائِبِ الطَّالِبِ الرَّاغِبِ إِلَى اللهِ ، أَسْتَجِيرُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ ، أَسْتَجِيرُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ ،

أَسْتَجِيرُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ»[۱].

و به روایتی هفت مرتبه این کلمه را بگوید. پس دست‌ها را بلند کند و بگوید:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضَ [عَلىٰ مِلَّةِ إِبْراهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَمِنْهَاجِ عَلِيٍّ] حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلىٰ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأُولِي الْعَزْمِ مِنَ الْمُرْسَلِينَ وَالأَنْبِيَاءِ الْمُنْتَجَبِينَ وَالأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ أَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ.

اللَّهُمَّ عَذِّبْ كَفَرَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ وَجَمِيعَ الْمُشْرِكِينَ وَمَنْ ضَارَعَهُمْ مِنَ الْمُنَافِقِينَ فَإِنَّهُمْ يَتَقَلَّبُونَ فِي نِعْمَتِكَ وَيَجْعَلُونَ الْحَمْدَ لِغَيْرِكَ فَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُونَ وَعَمَّا يَصِفُونَ عُلُوّاً كَبِيراً.

اللَّهُمَّ الْعَنِ الرُّؤَسَاءَ وَالْقَادَةَ وَالأَتْبَاعَ مِنَ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ الَّذِينَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ.

اللَّهُمَّ أَنْزِلْ بِهِمْ بَأْسَكَ وَنِقْمَتَكَ فَإِنَّهُمْ كَذَبُوا عَلىٰ رَسُولِكَ وَبَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَأَفْسَدُوا عَلىٰ عِبَادِكَ وَحَرَّفُوا كِتَابَكَ وَغَيَّرُوا سُنَّةَ نَبِيِّكَ.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَوْلِيَاءَهُمْ وَأَعْوَانَهُمْ وَمُحِبِّيهِمْ واحْشُرْهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقاً.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَعَلىٰ أَئِمَّةِ الْهُدىٰ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ»[۲].

ایضاً ادعیهٔ در قنوت نماز وتر

آنگاه دعا کند برادران مؤمن را، و بهتر آن است که چهل نفر را دعا کند که سبب استجابت دعاست، چنانکه گذشت، و آنچه که گذشت به‌عمل آورد و بگوید:

«رَبِّ أَسَأْتُ وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَبِئْسَ مَا صَنَعْتُ وَهٰذِهِ يَدَايَ يَا رَبِّ جَزَاءً بِمَا كَسَبَتْ،

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۳۳ ـ ۱۳۵.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.

وَهٰذِهِ رَقَبَتِي خَاضِعَةً لِمَا أَتَيْتُ بِهِ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي الرِّضَا حَتّٰى تَرْضىٰ، لَكَ الْعُتْبىٰ لَا أَعُودُ [فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ]» (۱).

دعای بعد از سر برداشتن از رکوع در نماز وتر

چون سر از رکوع بردارد و بایستد این دعا را بخواند :

«هٰذَا مَقَامُ مَنْ حَسَنَاتُهُ نِعْمَةٌ مِنْكَ، وَسَيِّئَاتُهُ بِعَمَلِهِ وَذَنْبُهُ عَظِيمٌ، وَشُكْرُهُ قَلِيلٌ، وَلَيْسَ لِذٰلِكَ إِلَّا دَفْعُكَ و رَحْمَتُكَ.

إِلٰهِي طُمُوحُ الآمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدَيْكَ، وَمَعَاكِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَقَطَّعَتْ إِلَّا عَلَيْكَ، وَمَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَّت إِلَّا إِلَيْكَ. فَإِلَيْكَ الرَّجَاءُ وَإِلَيْكَ الْمُلْتَجَا، وَيَا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ، وَيَا أَجْوَدَ مَسْؤُولٍ، هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي يَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ بِأَثْقَالِ الذُّنُوبِ أَحْمِلُهَا عَلَى ظَهْرِي وَمَا أَجِدُ إِلَيْكَ شَافِعاً سِوَى مَعْرِفَتِي بِأَنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ رَجَاهُ الطَّالِبُونَ وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ وَأَمَّلَ مَا لَدَيْهِ الرَّاغِبُونَ، يَا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ وَأَطْلَقَ الأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ وَجَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ عَلىٰ عِبَادِهِ كِفَاءً لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْ لِلْهُمُومِ عَلىٰ عَقْلِي سَبِيلاً وَلَا لِلْبَاطِلِ عَلىٰ عَمَلِي دَلِيلاً، وَافْتَحْ لِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ يَا وَلِيَّ الْخَيْرِ [بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ]» (۲).

خواندن تسبیح حضرت زهرا عليها السلام بعد از نماز وتر و دعای بعد از آن

و چون سلام دهد تسبیح فاطمهٔ زهرا عليها السلام را بخواند، و سه بار بگوید :

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا بَرُّ يَا رَحِيمُ يَا غَنِيُّ يَا كَرِيمُ ارْزُقْنِي مِنَ التِّجَارَةِ أَعْظَمَهَا فَضْلاً وَأَوْسَعَهَا رِزْقاً وَخَيْرَهَا لِي عَاقِبَةً فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۵۳.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۵۳؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۳، ص ۴۲؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۷، ص ۲۷۷.

عَاقِبَةَ لَهُ»[۱].

پس سه مرتبه بگويد:

«الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ، الْحَمْدُ لِفَالِقِ الإِصْبَاحِ، [الْحَمْدُ لِنَاشِرِ الأَرْوَاحِ]»[۲].

دعای حزین

و دعای حزین را بخواند و آن این است:

«أُنَاجِيكَ يَا مَوْجُودُ فِي كُلِّ مَكانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدَائِيَ فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَقَلَّ حَيَائِي.

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَيَّ الأَهْوَالِ أَتَذَكَّرُ وَأَيَّهَا أَنْسىٰ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْمَوْتُ لَكَفىٰ، كَيْفَ وَمَا بَعْدَ الْمَوْتِ مَا هُوَ أَعْظَمُ وَأَدْهىٰ. يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ حَتّىٰ مَتىٰ وَإِلىٰ مَتىٰ أَقُولُ لَكَ الْعُتْبىٰ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرىٰ وَلَا تَجِدُ عِنْدِي صِدْقاً وَلَا وَفَاءً، فَيَا غَوْثَاهُ ثُمَّ وَاغَوْثَاهُ بِكَ يَا اللهُ مِنْ هَوىً قَدْ غَلَبَنِي وَمِنْ عَدُوٍّ قَدْ اسْتَكْلَبَ عَلَيَّ، وَمِنْ دُنْيَا قَدْ تَزَيَّنَتْ لِي، وَمِنْ نَفْسٍ أَمَّارَةٍ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي.

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ إِنْ كُنْتَ رَحِمْتَ مِثْلِي فَارْحَمْنِي، وَإِنْ كُنْتَ قَبِلْتَ مِثْلِي فَاقْبَلْنِي يَا قَابِلَ السَّحَرَةِ اقْبَلْنِي، يَا مَنْ لَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّفُ مِنْهُ الْحُسْنىٰ، يَا مَنْ يُغَذِّينِي بِالنِّعَمِ صَبَاحاً وَمَسَاءً ارْحَمْنِي يَوْمَ آتِيكَ فَرْداً شَاخِصاً إِلَيْكَ بَصَرِي، مُقَلِّداً عَمَلِي قَدْ تَبَرَّأَ جَمِيعُ الْخَلْقِ مِنِّي نَعَمْ وَأَبِي وَأُمِّي وَمَنْ كانَ لَهُ كَدِّي وَسَعْيِي، فَإِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي فَمَنْ يَرْحَمُ فِي الْقَبْرِ وَحْشَتِي وَمَنْ يُنْطِقُ لِسَانِي إِذَا خَلَوْتُ بِعَمَلِي وَسَائَلْتَنِي عَمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، فَإِنْ قُلْتُ نَعَمْ فَأَيْنَ الْمَهْرَبُ مِنْ عَدْلِكَ، وَإِنْ قُلْتُ لَمْ أَفْعَلْ قُلْتَ أَلَمْ أَكُنِ الشَّاهِدَ عَلَيْكَ. فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ أَنْ تَلْبَسَ الأَبْدَانُ سَرَابِيلَ الْقَطِرَانِ، عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا مَوْلَايَ قَبْلَ أَنْ تُغَلَّ الأَيْدِي إِلَى الأَعْنَاقِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَخَيْرَ الْغَافِرِينَ»[۳].

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٥٤.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ١٤٤.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٥٤.

بدان که اگر چنانچه بعد از طلوع فجر هم بیدار شود، جایز است که پیش از نماز صبح، اوّل نوافل لیل را به‌جا آورد علی الاظهر، چنانچه در روایات بسیار است،[1] ولیکن آن را عادت قرار ندهد.

در بیان حکم نافلهٔ صبح

دو رکعت نافلهٔ صبح را جایز است که پیش از صبح به‌جا آورد هرگاه نوافل شب راگزارده و اگر نه بعد از صبح صادق به‌جا آورد.

و مستحب است که در قنوت صبح این دعا را بخواند: «**لَا إِلَـهَ إِلَّا اللهُ الْـحَلِيمُ الْكَرِيمُ**» تا آخر آنچه در باب قنوتات گذشت[2].

اگر همیشه پیش از شروع در دعا بگوید:

«**يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ يَا دَائِمَ الْمَعْرُوفِ يَا كَثِيرَ الْخَيْرِ**».

و بعد حاجت خود را بطلبد برآورده است، چنانچه در **مخلاة** شیخ بهائی رحمه الله است[3]. و حضرت یعقوب آن را خواند، خطاب به او رسید که اگر یوسف مرده باشد او را برای تو زنده می‌گردانم[4].

در استحباب دو سجده بعد از نماز وتر

و مستحب است بعد از نماز وتر دو سجده که در اوّل پنج مرتبه بگو:

«**سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ**»[5].

پس می‌نشینی و آیة الکرسی می‌خوانی، بعد دفعهٔ دوم سجده می‌کنی و آن را

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ٤٨٦.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۷٦؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۵، ص ۲٦۰.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۹۵.

(٤) همان.

(۵) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۷٦.

پنج مرتبه می‌گویی ، و کفعمی ثواب عظیم برای آن ذکر کرده [۱]. و در صلاة **بحار** نیز مسطور است .

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۵۵ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۷، ص ۳۰۸.

باب هشتم:

در آداب سجدهٔ شکر، مسواک زدن، اسم اعظم و بعضی از نمازهای نافلهٔ غیر از رواتب

امّا آداب سجدهٔ شکر : پس بدان‌که در آن فضل عظیم و ثواب جسیم است و آن مستحب است در نزد هر نعمت جدیده و دفع بلیّه و بعد از هر نماز، واجب باشد یا مستحب ، و بعد از نماز واجب ثواب عظیم دارد [1] و تأکید آن بیشتر است .

حدیث شریفی در بیان فضیلت سجده شکر

درکتاب ***من لا یحضره الفقیه*** روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود : سجدهٔ شکر واجب است بر هر مسلمانی و تمام می‌کنی به آن نماز خود را ، و راضـی و خشنود می‌گردانی به آن پروردگار خود را ، و به عجب می‌آیند از تو ملائکه .

و بنده هرگاه نمازگزارد و سجدهٔ شکر را به‌جا آورد، می‌گشاید خداوند تبارک و تعالی حجاب بین بنده و ملائکه ، پس می‌فرماید : ای ملائکه من ! نظر کنید به‌سوی این بندهٔ من که فریضهٔ مرا به‌جای آورده و تمام کرده عهد مرا ، پس سجده کرده از برای من ، چیست جزای او در نزد من ؟ پس ملائکه می‌گویند : ای پروردگار مـا ! رحمت تو . خدا می‌فرماید : بعد چیست از برای او ؟ ملائکه می‌گویند : کفایت مهمّ او . بعد می‌فرماید : چیست از برای او ؟ پس آن حضرت فـرمود : بـاقی نـمی‌ماند چیزی از خیر مگر آنکه ملائکه او را می‌گویند ، پس می‌فرماید : شکر می‌کنم او را چنانچه شکر کرد از برای من ، و رو می‌آورم بر او به فضل خود ، و می‌نمایم به او

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی، (شیخ صدوق)، **علل الشرائع**، ص ۳٦۰؛ همو، **عیون أخبار الرضا** علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۱؛ همو، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۲۹، باب ٤۷؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۵ و ٦.

روی خود را[۱].

مؤلّف گوید: یعنی روی اولیای خود را به او می‌نمایم و ایشان را رفیق او می‌گردانم.

استحباب سجده شکر از برای تجدّد هر نعمتی و دفع هر بلایی

علّامه مجلسی در *مقباس المصابیح* فرموده: اجماع علمای شیعه است که سجدهٔ شکر مستحب است در وقت متجدّد شدن نعمتی یا دفع بلایی، و بهترین افرادش سجدهٔ بعد از نماز است برای شکر توفیق ادای نماز[۲].

و روایت کرده که حضرت رسول ﷺ پیاده شد برای شکر نعمتی و به‌جای آورد و سوار شد[۳].

و آنکه امام زین العابدین علیه‌السلام برای هر نعمتی که به‌خاطر می‌آورد سجدهٔ شکر می‌کرد، و برای دفع هر بلایی، و چون آیه‌ای تلاوت می‌فرمود که در آن ذکر سجده بود سجده می‌نمود[۴].

و از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده که هر مؤمنی که سجدهٔ شکر کند در غیر نماز، حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده گناه محو کند، و ده درجه در بهشت از برای او بلند کند[۵].

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۳۳ و ۳۳٤.

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۷۱، ص ۳۵.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۸۰؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۱۸؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۷۱، ص ۳۵.

(٤) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۶، ص ۲۳۹.

(۵) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۳۲؛ حرّ عامی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۵.

در کیفیّت سجدهٔ شکر

وکیفیّت سجدهٔ شکر آن است که دو ذراع خود را بر زمین پهن کند و سینهٔ خود را بر زمین بچسباند اگرچه بر ما یصحّ السجود علیه نباشد ، وکمتر چیزی که کفایت می‌کند آن است که سه مرتبه بگوید : **«شُکراً لِلّٰه»**، چنانچه در روایت ابـو الحسـن اسدی است ، پس طرف راست و چپ صورت را بر ما یصحّ السجود [۱] علیه گذارد به همین تعداد ، پس پیشانی را بگذارد باز سه مرتبه **«شُکراً لِلّٰه»** بگوید [۲].

در بیان ذکر سجدهٔ شکر

و روایت است که امام زین العابدین عليه‌السلام در سجدهٔ شکر صد مرتبه می‌فرمود : **«الْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْراً»** ، و در هر ده مرتبه از آن یک مرتبه می‌فرمود : **«شُكْراً لِلْمُجِيبِ»** و بعد می‌گویی :

«يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَداً ، وَلَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ ، وَيَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَداً ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ» .

پس تضرّع می‌کنی و حوائج خود را می‌خواهی [۳].

در بیان دعای سجدهٔ شکر

و اگر این دعا را بخواند که در **صحیفهٔ علویه ثالثه و خامسه** است و بسیار دعـای خوش مضمونی است بسیار مناسب است :

«اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الإِيمَانُ بِكَ مَنّاً مِنْكَ عَلَيَّ لَا مَنّاً مِنِّي عَلَيْكَ ، وَتَرَكْتُ مَعْصِيَتَكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ أَنْ أَدْعُوَ لَكَ وَلَداً أَوْ أَدْعُوَ لَكَ شَرِيكاً مَنّاً مِنْكَ عَلَيَّ لَا مَنّاً مِنِّي عَلَيْكَ ، وَعَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءٍ عَلَى غَيْرِ

---

(۱) آنچه سجده بر آن صحیح است .

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۳۳.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۷.

وَجْهِ مُكَابَرَةٍ وَلاَ مُعَانَدَةٍ وَلاَ اسْتِكْبَارٍ عَنْ عِبَادَتِكَ وَلاَ جُحُودٍ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلاَ بِخُرُوجٍ عَنْ دِينِكَ وَلٰكِنِ اتَّبَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِيَ الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَيَّ وَالْبَيَانِ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرُ ظَالِمٍ أَنْتَ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي وَتَرْحَمْنِي فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[1].

ذکر سجدهٔ شکر بعد از تعقیب نماز ظهر

و مستحب است که بعد از تعقیب نماز ظهر در سجدهٔ شکر صد مرتبه بگوید: «**شُكْراً لِلَّهِ**»، یا صد مرتبه در سجدهٔ شکر بگوید: «**شُكْراً شُكْراً**» یا «**عَفْواً عَفْواً**»[2]. و اگر بخواهد طول دهد آن را، بگوید آنچه راکه عبدالله بن جندب از حضرت موسی ابن جعفر عليه‌السلام روایت کرده که فرمود: می‌گویی در سجدهٔ شکر:

«**اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ مَلاَئِكَتَكَ وَأَنْبِيَائَكَ وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ رَبِّي، وَالإِسْلاَمَ دِينِي وَمُحَمَّداً نَبِيِّي، وَعَلِيّاً وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَىٰ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَئِمَّتِي بِهِمْ أَتَوَلَّىٰ وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّأُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُنْشِدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ**»[3] این جزء اخیر را سه مرتبه بگوید، و احتمال دارد که اگر همه را سه مرتبه بگوید بهتر باشد، چنانچه مرحوم کرباسی در **منهاج** فرموده.

پس بگوید:

«**اللَّهُمَّ إِنِّي أُنْشِدُكَ بِإِيوَائِكَ عَلَىٰ نَفْسِكَ لِأَعْدَائِكَ لِتُهْلِكَنَّهُمْ بِأَيْدِينَا وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ**

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۳۹؛ ابن بابويه، محمّد بن على (شيخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ۳۳۳.

(۲) ابن بابويه، محمّد بن على (شيخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ۳۳۲؛ حرّ عاملى، محمد بن الحسن، **وسائل الشيعه**، ج ۷، ص ۱۶؛ مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، **بحار الأنوار**، ج ۸۶، ص ۱۹۷.

(۳) ابن بابويه، محمّد بن على (شيخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ۳۲۹ و ۳۳۰؛ حرّ عاملى، محمد بن الحسن، **وسائل الشيعه**، ج ۷، ص ۱۵.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُنْشِدُكَ بِإِيوَائِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» سه مرتبه .

پس بگويد : «**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ**» سه مرتبه .

پس خدّ [طرف صورت] راست بر زمين گذارد و بگويد :

«**يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ، وَيَا بَارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ**» سه مرتبه .

پس خدّ چپ را بر زمين گذارد و بگويد :

«**يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَيَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ ، قَدْ وَعِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي**» سه مرتبه .

پس به سجده برگردد و صد مرتبه بگويد : «**شُكراً شُكراً**» پس حاجت خود را از خداوند طلب نمايد إن شاء الله برآورده مى شود [۱].

در ترک کردن سجدهٔ شکر هنگام تقيه

و ترک کن سجدهٔ شکر را در نزد مخالف و تقيّه کن در ترک آن [۲].

و از آن حضرت روايت است که دعا در سجدهٔ شکر بعد از سه رکعت مغرب مستجاب مى شود [۳].

آداب بعد از سجدهٔ شکر

و مستحب است که بعد از سجده دست را بر مواضع سجود مسح کند، پس دست بر موضع چپ از صورت خود بکشد و بعد بر پيشانى از طرف راست صورت بکشد و بگويد :

---

(۱) ابن بابويه، محمّد بن على (شيخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.

(۲) همان.

(۳) همان.

«بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الْغَمَّ وَالْحُزْنَ» سه مرتبه [۱].

و بعضی از علمای اصحاب مستحب دانسته‌اند تکبیر را بعد از بلند نمودن سر از آن سجود.

وبعضی دیگر فرموده: باکی نیست به تکبیر گفتن در حال شروع و رفع رأس از آن.

و فرموده‌اند: مستحب است مسح موضع سجده و مرور دادن دست بر صورت و سایر بدن [۲]، والله العالم.

در بیان آداب مسواک زدن

امّا آداب مسواک و فضیلت آن: در کتاب **فقیه** از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که: همیشه جبرئیل مرا وصیت می‌کرد به مسواک تا آنکه ترسیدم بیخ دندان‌های من ضعیف شود یا دندان‌های من بریزد [۳].

در بیان استحباب مسواک زدن و فضیلت آن

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که: جبرئیل نازل شد و امر به مسواک، حجامت و خِلال نمود [٤].

و فرمود: چهار چیز از سنّت‌های پیغمبران است: عطر استعمال کردن،

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۳۱.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۸. کفعمی رحمه الله می‌فرماید در سجده شکر می‌گویی: بسم الله الّذي لا إله إلّا هو عالم الغيب والشهادة الرّحمن الرّحيم اللّهمّ إنّي أعوذ بك من الهمّ والغمّ والحزن والسُّقم والعُدم والصّغار والذّلّ والفواحش ما ظهر منها وما بطن.

(۳) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۵۲؛ برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ٥٦٠؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الاخلاق**، ج ۱، ص ۱۱٤.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۵۲.

مسواک ، مباشرت زنان ، و خضاب به حنا[۱].

و نیز فرمود : دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت به‌غیر مسواک[۲].

در کتاب **تذکره** روایت کرده که مسواک از حنفیّه[۳] است و آن ده سنّت است ، پنج از آن در سر است و پنج از آن در بدن . امّا آنچه در سر است : مضمضه و استنشاق و مسواک و شارب گرفتن و میان مو را باز نمودن از برای کسی که موی آن بلند باشد ، و کسی که باز نکند خداوند جدا کند میان آن را به ارّه‌ای از آتش . و امّا آنچه در بدن است، پس ختنه ، استنجاء ، موی عانه راگرفتن ، ناخن‌گرفتن وموی زیر بغل راکندن[٤].

در بیان خواصّ و فوائد مسواک زدن

و در ***جامع الاخبار*** از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که: کسی که مسواک بزند هر روز یک مرتبه خداوند از او راضی شود ، وکسی که مسواک بزند روزی دو مرتبه پس بر پا داشته سنّت پیغمبران را ، و بنویسد خدا از برای او به هر نماز که بگزارد صد رکعت ، و از فقر غنی شود ، و بوی دهن او پاکیزه شود ، و حافظه او زیاد شود ، و محکم شود گوشت بیخ دندان او ، و طعام بر اوگوارا شود ، و برود درد دندان‌های او ، و رفع شود از او بیماری ، و مصافحه کند با او ملائکه به سبب آنکه نور بر او بینند ، و پاکیزه شود دندان‌های او ، و مشایعت کنند او را ملائکه در وقت رفتن او از خانه ، و استغفار می‌کنند از برای او حملهٔ عرش وکرّوبیان ، و بنویسند از برای او

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الاخلاق**، ج ۱، ص ۱۱٦؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ٥۲.

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ٥٤.

(۳) دین سهل و آسان.

(٤) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ٥٤.

به‌عدد هر مؤمن و مؤمنه ثواب هزار سال، و بلند كند از براى او هزار درجه، و بگشايد خداوند براى او درهاى بهشت راكه داخل شود از هر دركه خواهد، و نامهٔ او را به‌دست راست او عطا فرمايد، و حساب كند براى او حساب آسانى، و بگشايد خدا بر او درهاى رحمت را، و بيرون نرود از دنيا تا مكان خود را در بهشت ببيند، و به تحقيق كه اقتدا كرده به انبيا، و كسى كه به انبيا اقتدا كند با ايشان در بهشت داخل شود، و كسى كه مسواک بزند هر روز نرود از دنيا تا ببيند حضرت ابراهيم عليه‌السلام را در خواب، و بوده باشد در روز قيامت در شمارهٔ انبيا، و روا كند از براى او هر حاجت از دنيا و آخرت را، و بوده باشد در روز قيامت در زير سايهٔ عرش، روزى كه سايه‌اى نيست غير از سايهٔ او در بهشت، و رفيق ابراهيم و همهٔ پيغمبران باشد [1].

ايضاً روايت كرده كه دو ركعت نماز با مسواک بهتر است از هفتاد ركعت بى‌مسواک [2].

دعاى هنگام مسواک زدن

و اين دعا را در وقت مسواک زدن بخواند، چنانكه در **منهاج** روايت كرده است:

«اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي حَلَاوَةَ نِعْمَتِكَ، وَأذِقْنِي بَرْدَ رَوْحِكَ، وَأَطْلِقْ لِسَانِي بِمُنَاجَاتِكَ، وَقَرِّبْنِي مِنْكَ مَجْلِساً، وَارْفَعْ ذِكْرِي فِي الأَوَّلِينَ. اللّٰهُمَّ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطىٰ حَوِّلْنَا مِمَّا تَكْرَهُ إِلىٰ مَا تُحِبُّ وَتَرْضىٰ، وَإِنْ كَانَتِ الْقُلُوبُ قَاسِيَةً وَكَانَتِ الأَعْيُنُ جَامِدَةً وَإِنْ كُنَّا أَوْلىٰ بِالْعَذَابِ فَأَنْتَ أَوْلىٰ بِالْمَغْفِرَةِ. اللّٰهُمَّ أَحْيِنِي فِي عَافِيَةٍ وَأَمِتْنِي فِي عَافِيَةٍ» [3].

---

(۱) سبزوارى، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، ص ۱۵۱؛ خواص و فضيلت مسواک را بنگريد به: طبرسى، حسن بن الفضل، **مكارم الاخلاق**، ج ۱، ص ۱۱٤ ـ ۱۱۹؛ ابن بابويه، محمد بن على (شيخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۳٤؛ برقى، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۵۵۸ ـ ۵٦٤.

(۲) ابن بابويه، محمّد بن على (شيخ صدوق)، **من لا يحضره الفقيه**، ج ۱، ص ۵٤.

(۳) قطب راوندى، سعيد بن هبةالله، **دعوات**، ص ۱٦۱؛ نورى طبرسى، ميرزا حسين، **مستدرک الوسائل**،

و کراهت دارد مسواک زدن در حمام که باعث بوی بد دهان می شود. و تأکید می شود استحباب آن در وقت هر وضو، چنانچه صدوق از حضرت پیغمبر ﷺ روایت کرده که اگر شاقّ نمی‌بود بر امّت من هرآینه واجب می‌کردم مسواک را بر ایشان در وقت وضوی هر نمازی [۱].

و همچنین در وقت هر نماز مستحب است.

در بیان اسم اعظم

و امّا اسم اعظم: در ***مهج الدعوات*** به سند خود از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که به اصحاب خود فرمود: آیا تعلیم ندهم شما را اسم اعظم، بخوانید سورهٔ حمد، «قل هو الله أحد»، آیة الکرسی و «إنّا أنزلناه»، بعد روی به قبله کنید و طلب کنید از خدا آنچه می خواهید [۲].

و روایت کرده از حضرت امام رضا علیه السلام که «**اسْمُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ**» است [۳].

و به روایت امام زین العابدین علیه السلام:

«**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ اللهُ اللهُ اللهُ اللهُ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ**» [۴].

و صالح بن عبدالله المری گفت: در خواب کسی این دعا را به من تعلیم داد و دعا نکردم به آن مگر مستجاب شد:

→ ج ۱، ص ۳۷۱.

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **علل الشرائع**، ص ۲۹۳، ح ۱؛ همو، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۵۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ۲۲، ح ۱.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۳۱٦.

(۳) همان، ص ۳۱۷.

(٤) همان، ص ۳۱۹.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ المَكْنُونِ الْمُبَارَكِ الطَّاهِرِ المُطَهَّرِ المُقَدَّسِ» (۱).

و غالب قطّان گفته که من بیست سال آرزو داشتم که اسم اعظم را بدانم، در خواب به من این دعا را تعلیم دادند و من دعا نکردم به این دعا مگر مستجاب شد:

«يَا فَارِجَ الْغَمِّ، وَيَا كَاشِفَ الْهَمِّ، وَيَا مُوفِيَ الْعَهْدِ وَيَا حَيُّ، وَيَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (۲).

دعای حضرت یعقوب

و ملک الموت به یعقوب عليه‌السلام تعليم كرد وگفت: نمی‌خوانی به این دعا خدا را مگر اینکه مستجاب می‌شود:

«يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَداً وَلَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ».

و بعد از آن حاجات خود را سؤال کند (۳).

و امّا نمازهای هفته

ابن طاووس در ***جمال الأُسبوع*** به سند خودش از امام حسن عسکری عليه‌السلام روایت کرده، چنانچه در ***وسائل الشیعه*** آن را نقل کرده که هرکس نماز بگزارد در روز شنبه چهار رکعت، در هر رکعت آیة الکرسی، فاتحة الکتاب و «قُل هو الله» را بخواند، خداوند او را در درجه پیغمبران صالحین قرار دهد، و نیکو رفیقان‌اند ایشان.

و هرکس روز یک شنبه چهار رکعت نماز بخواند، در هر رکعت حمد و «تبارك الذي بيده الملك» قرائت کند، خداوند او را در بهشت قرار دهد.

و اگر در روز دوشنبه ده رکعت نماز بخواند، در هر رکعت حمد یک مرتبه، و ده مرتبه «قُل هو الله أحد»، قرار دهد خداوند برای او نوری که قیامت را روشن کند.

و اگر در روز سه شنبه شش رکعت نماز بگزارد، در هر رکعت فاتحه، و آیه ﴿آمَنَ

---

(۱) همان.

(۲) همان.

(۳) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۳۱۹ و ۳۲۰.

الرَّسُولُ﴾ [بقره / ۲۸۵] تا آخر ، و«إذا زلزلت» را یک مرتبه بخواند ، خداوند گناهان او را بیامرزد مثل روزی که از مادر متولّد شده باشد .

وکسی که روز چهار شنبه چهار رکعت بگزارد ، در هر رکعت فاتحه ، «قُل هو الله أحد» و«إنّا أنزلناه» را یک مرتبه بخواند ، خداوند گناهان او را بیامرزد و زوجه‌ای از حور العین به او تزویج کند .

وکسی که در روز پنج شنبه ده رکعت نماز بخواند در هر رکعت فاتحة الکتاب یک مرتبه و «قل هو الله أحد» را ده مرتبه ، ملائکه بگویند : سؤال کن تا عطا شوی .

وکسی که روز جمعه چهار رکعت بگزارد و در هر بار فاتحة الکتاب ، «تبارك الذي بيده الملك» و «حم سجده» را بخواند ، خداوند او را از اهل بهشت کند ، شفاعت او را در حقّ اهل بیت او قبول کند ، و از فشار قبر و ترس‌های قیامت او را ایمن گرداند .

راوی گوید : در وقت به‌جا آوردن [این نمازها ، حضرت] فرمود : مابین طلوع آفتاب و زوال است [۱] .

نماز هر روز برای دفع مرض

و در **وسائل** و **مصباح** کفعمی روایت کرده‌اند از حضرت صادق علیه‌السلام که: هرکس هر روز چهار رکعت پیش از زوال بگزارد که در هر رکعت حمد یک مرتبه و سورهٔ قدر را بیست و پنج مرتبه بخواند ، مریض نشود مگر به مرض موت [۲] .

نماز حاجت

امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمودند : هرگاه حاجتی داری وضوی نیکی بگیر، بعد دو رکعت نماز بگزار و خداوند را به عظمت یاد کن و صلوات بر نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله بفرست و بعد

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۴۰ ـ ۴۲.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۴۰۷ ؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۸، ص ۱۷۱.

از سلام بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَأَنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ مُقْتَدِرٌ وَبِأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُنْجِحَ لِي طَلِبَتِي. اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ».

پس طلب کن حاجات خود را(۱).

نماز به جهت ادای دین

و نیز در *کافی* از آن حضرت به جهت ادای دین روایت کرده که وضوی نیکویی بگیرد و نماز با تمام رکوع و سجود بگزارد و بعد بگوید:

«يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللهِ رَبِّكَ وَرَبِّي رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَسْأَلُكَ نَفْحَةً كَرِيمَةً مِنْ نَفَحَاتِكَ وَفَتْحاً يَسِيراً وَرِزْقاً وَاسِعاً أَلُمُّ بِهِ شَعْثِي وَأَقْضِي بِهِ دَيْنِي، وَأَسْتَعِينُ بِهِ عَلىٰ عِيَالِي»(۲).

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۳، ص ۴۷۸؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۵۲۷.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۵۲ و ج ۳، ص ۴۷۳؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱۱۹.

باب نهم:

در استحباب توسّل به ائمّهٔ طاهرین علیهم السلام، بعضی از زیارات، دعاهای مأثوره در آن و نمازهای شب‌های هفته

کلینی به سند خود روایت کرده از داود رقّی که گفت: بیشتر اصرار امام جعفر صادق علیه السلام در دعا این بود که خدا را به حقّ پنج تن می‌خواند؛ یعنی رسول الله، امیرالمؤمنین، فاطمه، حسن و حسین سلام الله علیهم [1].

در اینکه توسّل به محمّد و آل آن بزرگوار موجب نجات از آتش جهنّم است

شیخ صدوق در ***ثواب الاعمال*** به سند خود از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که به‌درستی که بنده مکث می‌کند در آتش هفتاد خریف، و هر خریفی هفتاد سال است، پس سؤال می‌کند از خداوند به‌حقّ محمّد و اهل بیت او صلوات الله علیهم که بر او رحم فرماید، پس وحی می‌فرماید به جبرئیل که فرود آی به‌نزد بندهٔ من و او را بیرون آور، و وحی می‌فرماید به این بنده که بندهٔ من چند وقت است که مرا می‌خوانی؟ می‌گوید: آن قدر که نمی‌دانم شمارهٔ آن را، پس خدای عزّوجل می‌فرماید: آگاه باش، قسم به عزّت و جلال من که اگر سؤال نمی‌کردی از من به‌حقّ محمّد و آل محمّد هرآینه طول می‌دادم تو را در آتش، ولیکن واجب کرده‌ام بر خود که سؤال نکند بنده مرا به‌حقّ محمّد و اهل بیتش مگر آنکه بیامرزم آنچه بین من و آن بوده است از گناه، به‌تحقیق که آمرزیدم تو را امروز [2].

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۸۰.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

در توسّل حضرت آدم علیه‌السلام به محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام و قبول شدن توبهٔ او

و صدوق و غیر آن روایت کرده‌اند از ابن عبّاس که گفت: سؤال کردم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از کلماتی که فرا گرفت آن را آدم علیه‌السلام از پروردگار خود و خداوند را به آن خواند، پس خدا توبهٔ او را قبول کرد؟ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: سؤال نمود از خداوند به‌حقّ محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام، پس خداوند توبهٔ او را قبول کرد (۱).

و این در کتب احادیث از ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام به طریق معتبره روایت شده (۲).

در بیان توسّل انبیای عظام به آن بزرگواران

و باز صدوق رحمه‌الله در *امالی* روایت کرده که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کراهت دارد که عبد تزکیه کند نفس خود را به گفتار، ولیکن من می‌گویم به‌درستی که آدم علیه‌السلام چون گناه کرد توبهٔ او این بود که گفت: خداوندا! سؤال می‌کنم تو را به‌حقّ محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام که گناه مرا بیامرزی، پس خداوند آمرزید او را، و نوح چون داخل کشتی شد و از غرق ترسید، گفت:

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ».

پس خداوند او را نجات داد.

و حضرت ابراهیم علیه‌السلام چون در آتش افتاد عرض کرد:

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا».

پس خداوند آتش را بر او سرد و سلامت گردانید (۳).

---

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **امالی**، ص ۷۰، مجلس ۱۸، ح ۲.

(۲) همو، **خصال**، ص ۲۷۰، ح ۸؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۹۸ و ۹۹؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۱۱، ص ۱۷۶.

(۳) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **امالی**، ص ۱۸۱، مجلس ۳۹، ح ٤؛ فتال نیشابوری، محمّد بن احمد، **روضة الواعظین**، ص ۲۷۲.

و به‌درستی که موسی علیه‌السلام چون عصای خود را انداخت و ترسید، خداوند را قسم داد به‌حقّ محمّد و آل محمّد که او را ایمن گرداند؛ پس خداوند به او وحی فرمود که مترس که بر سحرهٔ فرعون غالب می‌شوی[1].

مؤلّف گوید: ترس موسی از آن بود که بر مردم جاهل مشتبه شود باطلِ سحره و غالب شود باطل به شبهه بر حقّ، چنانچه در ***نهج البلاغه*** از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت شده[2].

توسّل به پیغمبر و آل او جهت برآمدن حاجات

احمد بن فهد در ***عدّة الداعی*** روایت کرده که سلمان فارسی گفت: شنیدم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که فرمود: به‌درستی که حق تعالی می‌فرماید: ای بندگان! آیا نیست از برای شما حاجت‌های بزرگ که برآورده نمی‌شود مگر به آنکه نزد یکدیگر شفیع قرار دهید که شفاعت برآورده شود، بدانید که گرامی‌ترین خلق به‌سوی من محمّد و برادر او علی است و بعد از آن ائمّه طاهرین وسیله به‌سوی من می‌باشند؛ پس باید بخواند مرا کسی که اراده نفع دارد به محمّد و آل طاهرین او تا حاجت او را برآورم به بهتر قسمی از آنچه برمی‌آید حاجت او[3].

و شیخ حرّ در کتاب ***وسائل الشیعه*** از ***تفسیر امام حسن عسکری*** علیه‌السلام همین مضمون را روایت کرده و بعد از آن امام حسن عسکری علیه‌السلام فرموده‌اند: خداوند می‌فرماید: چگونه رد کنم دعای کسی را که مرا سؤال کند به حبیب و برگزیده من، و ولیّ و حجّت من، روح من، نور و آیت من، باب من، درِ رحمت من، وجه من، و نعمت من، آگاه باشید که من خلق کرده‌ام ایشان را از نور عظمت خود و قرار داده‌ام اهل

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱۷۸.

(۲) **نهج البلاغه**، ص ۵۱، خطبه ٤.

(۳) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۱٦۳ و ۱٦٤.

کرامت خود و اهل ولایت خود، پس کسی که سؤال کند مرا و عارف به‌حقّ ایشان و مقام ایشان بوده باشد واجب کرده‌ام بر خود اجابت او را، و این حق است بر من[1].

مؤلّف گوید: اخبار از طرق عامّه و خاصّه متواتر است به مضمون مسطور، و اینکه دعا محجوب است از آسمان و اجابت نمی‌شود تا ابتدا شود در آن به صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام[2]، و چه گمان می‌بری به کسانی که واسطهٔ بین خلق و رزق جمیع خلق می‌باشند، و جمیع خلق و انبیا و اولیا در روز قیامت محتاج به ایشان‌اند. چنانچه احادیث آن را با سند در ***مفتاح الفردوس*** ذکر کرده‌ام.

و نیز روایت کرده که هرگاه حاجتی باشد به خداوند بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ وَقَدْراً مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِّ ذٰلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذٰلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا» و به‌جای «کذا وکذا» حاجت خود را ذکر کند که آن حاجت برآورده می‌شود ان شاء الله[3].

و اکثر دعاهای وارده پُر است از صلوات بر ایشان و توسّل به ایشان، چنان‌که واضح است بر کسی که ملاحظه نماید دعاهای ***صحیفه کامله*** را، و از این جهت است قدح بعضی از علما در مناجات خمسة عشر از امام علیه‌السلام به‌جهت خالی بودن از صلوات و توسّل به ائمّه طاهرین علیهم‌السلام، لیکن مرحوم شیخ مرتضی در باب عدالت آن را صریحاً نسبت داده‌اند به امام علیه‌السلام. و ممکن است که خبر حدسی باشد نه روایتی؛ پس غافل مباش، والله العالم وانبیاؤه.

و در دعاهای مختصرهٔ ایّام ماه مبارک رمضان نیز کلام است و آنکه از عامّه است

---

(۱) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۱۰۱؛ **تفسیر إمام حسن عسکری** علیه‌السلام، ص ٦٨.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ١٨٦.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥٦٢.

به همین سبب وغیر آن .

در بیان دعایی که خواندن آن موجب سرور محمّد و آل محمّد است

در **مصباح** کفعمی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: هرکه بخواهد مسرور کند محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام را باید بگوید :

«اللَّهُمَّ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطىٰ ، وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ ، وَيَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الآخِرِينَ ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْمَلَإِ الأَعْلىٰ ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْمُرْسَلِينَ . اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً وَآلَهُ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالرِّفْعَةَ وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ . اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ أَرَهُ فَلَمْ تَحْرِمْنِي فِي الْقِيامَةِ رُؤْيَتَهُ ، وَارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ ، وَتَوَفَّنِي عَلىٰ مِلَّتِهِ ، وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِيّاً سائِغاً هَنِيئاً لاَ أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَداً ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِي فِي الْجِنَانِ وَجْهَهُ . اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاَماً» [۱].

بدانکه شیخ شهید در **دروس** فرموده : مستحب است زیارت نبی و ائمّه در روز جمعه اگرچه از دور باشد ، وهرگاه بر مکان بلند برود و از آنجا زیارت کند بهتر است .

و مرحوم مجلسی در جلد بیست و دوم **بحار** این قول راکه تخییر زائر باشد در اختیار مکان عالی و غیر آن، قوّت داده به‌جهت عموم بعضی از اخبار ، و فرموده : بهتر آن است در مکان عالی یا صحرایی باشد ؛ چون در بسیاری از اخبار چنین وارد شده [۲].

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۴۲۳ ؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۸۷ و ۱۸۸ .

(۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۱، ص ۳۶۷ ؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۱۴، ص ۵۸۰ .

پس اگر کسی بخواهد متوسّل به ائمّه هدی صلوات الله علیهم شود شایسته است ابتدا نماید به زیارت از دور، دو رکعت نماز زیارت بگزارد پیش از سلام یا بعد از آن، و به هر نحوی که بتواند سلام کند خوب است، چنانچه حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: هرگاه یکی از شما دور باشد، پس باید برود بر پشت بام منزل خود و دو رکعت نماز بگزارد و اشاره کند با صلوات به سوی قبور؛ زیرا که آن به ما می‌رسد. هرگاه زیارت ما شود بهتر است، ولکن «أتیتُكَ زائراً» نگوید، بلکه به‌جای آن بگوید:

«قَصَدْتُكَ بِقَلْبِي زَائِراً إِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِكَ، وَوَجَّهْتُ سَلَامِي إِلَيْكَ لِعِلْمِي أَنَّهُ يَبْلُغُكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعزَّ».

چنانچه شیخ طوسی در **تهذیب** فرموده [۱].

و کفایت می‌کند که سه دفعه بگوید: **«صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ»** [۲] یا بگوید: **«يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا أَبَا عَبْدِاللهِ»** [۳]، چنانچه خود علیّ بن طیّار به امام جعفر صادق علیه‌السلام عرض کرد: من بسیاری از اوقات از امام حسین علیه‌السلام یاد می‌کنم، چه بگویم؟ فرمود: بگو: **«صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِاللهِ»**. پس به‌درستی که سلام به آن حضرت می‌رسد چه دور باشد چه نزدیک، و دو رکعت نماز زیارت بگزارد و بعد از آن حاجت خود را از خداوند طلب کند [٤].

و اگر یکی از زیارات جامعه را بخواند بهتر است.

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، ج ٦، ص ۱۰۳؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ١٤، ص ٥٧٧.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٤، ص ٥٧٠.

(۳) **تفسیر إمام حسن عسکری** علیه‌السلام، ص ٤١٣.

(٤) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٤، ص ٥٧٥؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، ج ٦، ص ۱۰۳.

در بیان اینکه هریک از معصومین را برای یک مطلبی شفیع خود گرداند

و در روایت وارد شده که شفیع خود گرداند به جهت امور دنیا حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را، و حضرت امیر علیه السلام را به‌جهت انتقام از دشمنان، و علی بن الحسین علیه السلام را به‌جهت نجات از پادشاهان و نجات از شیاطین، و امام محمّد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام را به جهت طلب آخرت و خشنودی خدا، و امام موسی کاظم علیه السلام را برای طلب عافیت از بلاها، و امام رضا علیه السلام را برای سلامتی در سفرها و دریاها و صحراها، و امام محمّد تقی علیه السلام را به جهت امور معاش و امام علی النقی علیه السلام را جهت عطاها و نیکی بر آدمیان و آنچه طلب می‌کنی از حق تعالی، و امام حسن عسکری علیه السلام را برای آخرت، و امام صاحب الزمان عجّل الله تعالی فرجه را پس وقتی که کارد به‌گلوی تو برسد استغاثه به آن حضرت کن و بگو: «**يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَغِثْنِي أَدْرِكْنِي**»(۱).

مؤلّف گوید: این کنایه از آن است که هرگاه بلا بر کسی به شدّت برسد آن وقت متوسّل به صاحب الزمان عجّل الله فرجه بشود.

و دعایی که مشتمل است بر توسّل هریک از ائمّه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در امور وارده در این حدیث، مرحوم آخوند ملّا محمّد باقر مجلسی رحمه الله در مزار **بحار** و ***تحفة الزائر*** ذکر کرده‌اند و دعایی دیگر که مشتمل است بر توسّل به ائمّه علیهم السلام. چون نسخهٔ **تحفه** الحمد لله بسیار است اینجا ذکر نکردیم(۲).

زیارت از دور برای سیّدالشهدا علیه السلام مشتمل بر توسّل به ائمّهٔ هدی

و همچنین کیفیّت صلوات بر ائمّه علیهم السلام را هرکس توفیق یافت، آنجا ببیند و زیارتی از دور که مشتمل است بر توسّل به ائمّهٔ اطهار علیهم السلام در حوائج عظام از برای

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۲، ص ۲۵۰.

(۲) همان، ج ۱۰۲، ص ۲۳۱ ـ ۲۵٤.

سیّدالشهدا علیه‌السلام در مزار **بحار** از کتاب عتیقی در زیارات که در نجف اشرف به‌نظر شریف ایشان رسیده بود ذکر فرموده‌اند، اینجا آن را ایراد کردم تا کسانی که محروم می‌باشند از سواد عربی نیز از رجوع به این مختصر منتفع شوند، و آن این است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ وَشَاهِدَ يَوْمِ الدِّينَ، السَّلَامُ عَلىٰ جَدِّكَ رَسُولِ اللهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلىٰ أَبِيكَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلىٰ أُمِّكَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلىٰ أَخِيكَ وَشَقِيقِكَ الْحَسَنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ وَآبَائَكَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِكَ وَأَبْنَائَكَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ بَعْدِكَ مَوَالِيَّ وَأَوْلِيَائِي، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَصْفِيَاءُ اللهِ وَخِيَرَتُهُ وَحُجَّةُ اللهِ الْبَالِغَةِ عَلَى خَلْقِهِ، انْتَجَبَكُمْ بِعِلْمِهِ وَأَصْفِيَاءَ لِدِينِهِ، وَقَوَّاماً بِأَمْرِهِ، وَخُزَّاناً لِعِلْمِهِ. وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَمَعَادِنَ لِكَلِمَاتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لِوَحْيِهِ وَشُهَدَاءَ عَلىٰ عِبَادِهِ، وَأَنَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ اسْتَرْعىٰ بِكُمْ خَلْقَهُ، وَأَوْرَثَكُمْ كِتَابَهُ، وَخَصَّكُمْ بِكَرَائِمِ الإِيمَانِ وَالتَّنْزِيلِ، وَآتَاكُمُ التَّأْوِيلَ وَجَعَلَكُمْ تَابُوتَ حِكْمَتِهِ وَعَصَائِبَ عُرْوَتِهِ، وَمَنَاراً فِي بِلَادِهِ، وَضَرَبَ لَكُمْ مَثَلاً مِنْ نُورِهِ، وَأَجْرىٰ فِيكُمْ مِنْ رُوحِهِ، وَعَصَمَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، فَبِكُمْ تَمَّتِ النِّعْمَةُ، واجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ، وَائْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ، فَلَكُمُ الطَّاعَةُ الْمَفْرُوضَةُ وَالْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَأَنْتُمْ أَوْلِيَاؤُهُ النُّجَبَاءُ وَعِبَادُهُ الْمُكْرَمُونَ.

أَدْعُوكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ مِنْ بُعْدِ الْبِلَادِ وَالْمَسَافَةِ زَائِراً مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ وَافِداً بِقَلْبِي نَحْوَكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ فَعَلَيْكَ سَلَامُ اللهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ، أَدْعوكَ زَائِراً وَافِداً عَائِذاً بِكَ مُسْتَجِيراً مِمَّا حَمَّلْتُ عَلىٰ نَفْسِي وَاحْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي فَكُنْ لِي شَفِيعاً إِلىٰ رَبِّي وَرَبِّكَ فَإِنَّ لِي ذُنُوباً وَأَوْزَاراً وَلَكَ عِنْدَ اللهِ مَقَامٌ مَعْلُومٌ وَجَاهٌ عَظِيمٌ.

اللَّهُمَّ يَارَبَّ الْأَرْبَابِ صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ إِنِّي عُذْتُ بِوَلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ فَافْكُكْ رَقَبَتِي

مِنَ النَّارِ آمَنْتُ بِاللهِ وَبِمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ وَأَتَوَلّىٰ آخِرَكُمْ بِمَا أَتَوَلّىٰ بِهِ أَوَّلَكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ مِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ فَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزّىٰ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِهِ الطَّاهِرِينَ يَا اللهُ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ، فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

والسَّلَامُ عَلىٰ مَلَائِكَةِ اللهِ الْعُكُوفِ فِي فِنَائِكَ وَعَلَى الشُّهَدَاءِ الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ الثَّاوِينَ حَوْلَكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ وَبِحَقِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ نَبِيِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ وَبِحَقِّ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى سَيِّدَةِ النِّسَاءِ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطَيْ نَبِيِّ الْهُدىٰ وَرَضِيعَيِ النِّدا، وَبِحَقِّ عَلِيٍّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَقُرَّةِ عَيْنِ النَّاظِرِينَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ الْخَلَفِ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ مِنَ الصَّادِقِينَ وَبِحَقِّ مُوسَى الصَّالِحِ مِنَ الصَّالِحِينَ، وَبِحَقِّ عَلِيٍّ الرِّضَا مِنَ الرَّاضِينَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الخَيِّرِ مِنَ الْخَيِّرِينَ، وَبِحَقِّ الصَّابِرِ عَلِيٍّ الشَّكُورِ مِنَ الصَّابِرِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ التَّقِيِّ مِنَ التَّقِيِّينَ وَالسَّجَّادِ الثَّانِي وَمَكَابِدِ لَيْلَةِ التَّمَامِ بِالسَّهَرِ، وَبِحَقِّ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالرُّوحِ الطَّيِّبَةِ وَالْخَلَفِ الصَّادِقِ وَحُجَّتِكَ وَبَيِّنَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَمَنْ هُمْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُخَاصِمُونَ سَمِيِّ نَبِيِّكَ وَمُظْهِرِ دِينِكَ وَالنَّاصِرِ لِأَوْلِيَائِكَ وَالْقَاطِعِ لِأَعْدَائِكَ فِي عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ.

اللَّهُمَّ فَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِشَأْنِهِمْ عِنْدَكَ فَإِنَّ لَهُمْ عِنْدَكَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ تُبْ عَلَيَّ يَا تَوَّابُ، وَافْتَحْ عَلَيَّ أَبْوَابَ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَعَلىٰ أَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَتِي وعَلىٰ جَمِيعِ عِبَادِكَ مِنْ اِخْوانِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَالمُؤْمِنَاتِ وَأَعِذْنِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَتِي وَأَهْلِ عِنَايَتِي وَإِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنَ الْفَقْرِ فِي الدُّنْيَا وَمِنَ النَّارِ فِي الآخِرَةِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي وَلَا إِلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَلَا أَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا أَكْثَرَ وَأَصْلِحْ لِي وَلِأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَتِي وَأَخَوَاتِي شَأْنَنَا كُلَّهُ وَاكْفِنِي وَإِيَّاهُمْ مَا أَهَمَّنَا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ فِتْنَةِ الدَّجَّالِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَعَلىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً»[۱].

در بيان استغاثه به حضرت صاحب الزمان عجّل الله فرجه

در جلد بيست و دوم **بحار** كه در زيارات است از بعض كتب مزار روايت كرده: استغاثۀ به صاحب الزمان عليه السلام در هركجا باشى دو ركعت نماز بگزارى به حمد و يک سوره و برخيز زير آسمان، روى به قبله و بگو:

«سَلامُ اللهِ الْكامِلِ التَّامِّ، الشَّامِلِ الْعامِّ، وَصَلَواتُهُ وَبَرَكاتُهُ الْقائِمَةُ التَّامَّةُ عَلىٰ حُجَّةِ اللّٰهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبادِهِ، وَسُلَالَةِ النُّبُوَّةِ وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صاحِبِ الزَّمانِ، وَمُظْهِرِ الإِيمانِ، وَمُعْلِنِ أَحْكامِ الْقُرْآنِ، مُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَناشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقائِمِ الْمَهْدِيِّ، الْإِمامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ، الطَّاهِرِ وَابْنِ الأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ ابْنِ الأَوْصِياءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهادِي الْمَهْدِيِّ ابْنِ الأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ.

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَمُسْتَوْدِعِ حُكْمِ الْوَصِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلايَ يَا صاحِبَ الزَّمانِ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْحُجَجِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلامَ مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوِلَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الإِمامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلاً وَفِعْلاً، وَأَنَّكَ الَّذِي يَمْلأُ الأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً فَعَجَّلَ اللهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ اللهُ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصارَكَ وَأَعْوانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ ما وَعَدَكَ فَهُوَ أَصْدَقُ الْقائِلِينَ ﴿ **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ** ﴾[۲].

يَا مَوْلَايَ يَا صاحِبَ الزَّمانِ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، حاجَتِي كَذا وَكَذا فَاشْفَعْ لِي فِي نَجاحِها،

---

(۱) مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۱، ص ۳۷۱ ـ ۳۷۳.

(۲) قصص/۵.

فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ شَفاعَةً مَقْبُولَةً وَمَقاماً مَحْمُوداً، فَبِحَقِّ مَنِ اخْتَصَّكُمْ لِأَمْرِهِ، وَارْتَضاكُمْ بِسِرِّهِ، وَبِالشَّأْنِ الَّذِي [لَكُمْ عِنْدَ اللهِ] بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللهَ تَعالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي وَإِجابَةِ دَعْوَتِي وَكَشْفِ كُرْبَتِي»(۱).

و هر دعا که خواهی بکن که برآورده است ان شاء الله.

در بیان نماز حضرت حجّة الله عجّل الله فرجه

علی بن طاووس در کتاب **جمال الأسبوع** ذکر کرده نماز حضرت حجّت عجّل الله فرجه را به این نحو که آن دو رکعت است، بخواند در هر رکعت سورهٔ مبارکه حمد را تا ﴿**إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**﴾؛ پس مکرّر می‌کند آن را، یعنی ﴿**إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**﴾ صد مرتبه، پس خواندن حمد را تمام می‌کند، و بعد از آن، سوره اخلاص را که «قُل هو اللهُ أحد» است می‌خواند یک مرتبه و در عقب نماز می‌گوید:

«اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَضَاقَتِ الأَرْضُ بِمَا وَسِعَتِ السَّمَاءُ، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكىٰ، وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ، وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْ إِعْزَازَهُ. يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اكْفِيانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، انْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، احْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ، يَا مَوْلايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ» پس سه مرتبه بگوید: «الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، الأَمَانَ الأَمَانَ الأَمَانَ»(۲).

در بیان نمازهای هدیهٔ حضرت رسول و ائمّه علیهم السلام در روز جمعه و سایر ایّام هفته

شیخ طوسی در **مصباح** و دیگران روایت کرده‌اند از ائمّه علیهم السلام که مستحب است

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۱، ص ۳۷۳ و ۳۷۴.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۲۸۰ و ۲۸۱.

که انسان در روز جمعه هشت رکعت نماز بگزارد و بعد از هر دو رکعت سلام بگوید ، چهار رکعت را هدیهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله گرداند ، و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت فاطمه سلام الله علیها، و در روز شنبه چهار رکعت بخواند و هدیه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گرداند ، و همچنین هر روز چهار رکعت بخواند و هدیهٔ امامی گرداند به‌ترتیب ، تا آنکه روز پنج‌شنبه چهار رکعت بخواند و هدیهٔ امام جعفر صادق علیه السلام گرداند ، و باز در روز جمعه هشت رکعت بخواند و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و چهار رکعت هدیهٔ حضرت فاطمه علیها السلام گرداند ، و در روز شنبه چهار رکعت هدیهٔ حضرت امام موسی علیه السلام گرداند ، و هر روز چهار رکعت بگزارد و هدیهٔ امامی کند تا روز پنج‌شنبه چهار رکعت بخواند هدیهٔ صاحب الزمان ، و در میان هر دو رکعت این دعا را بخواند :

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلامُ حَيِّنَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ ، اللَّهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلىٰ وَلِيِّكَ فُلانٍ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْهُ إِيَّاهَا وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِي نَفْسِكَ وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ». و اسم آن امام را بگو که نماز را برای هدیهٔ به او به‌جا می‌آوری ، و هر دعا که خواهی بکن[1].

در بیان حدیث شریفی

بدانکه صقر بن ابی دلف از امام علیّ النقی علیه السلام روایت کرده که از آن حضرت سؤال کردم از معنای حدیث نبوی صلی الله علیه و آله که فرمود : **«لا تُعادوا الأيّامَ فتُعاديكم»**؛ یعنی دشمن مدارید روزها راکه شما را دشمن دارد ، آن حضرت فرمود : بلی ، ایّام ماییم ، مادامی که قائم است آسمان و زمین ، پس سبت [شنبه] اسم رسول است ، و اَحَد [یک‌شنبه] امیرالمؤمنین علیه السلام ، واثنین [دوشنبه] حسن و حسین علیهما السلام ، و ثلاثاء [سه‌شنبه] علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد علیهم السلام ، و اربعاء

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۸۵ و ۲۸٦.

[چهارشنبه] موسى بن جعفر و على بن موسى و محمّد بن على و مَن، و خميس [پنج‌شنبه] پسر من حسن، و جمعه پسر پسر من است، و بر او جمع مى‌شود گروهى كه برحقّ‌اند، پس اين معناى حديث است، پس دشمن مداريد ايشان را در دنيا، كه دشمن بدارند شما را در آخرت (1).

در بيان زيارت حضرات معصومين عليهم‌السلام

و امّا زيارات ائمّه عليهم‌السلام در ايّام هفته كه علما ذكر كرده‌اند اين است:

زيارت حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله در روز شنبه:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُهُ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ. وَغَلَظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتَّىٰ أَتيٰكَ الْيَقِينُ، فَبَلَغَ اللهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرَضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ، وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ، وَصَفِيِّكَ وَصِفْوَتِكَ، وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللهَ تَوَّاباً رَحِيماً﴾ (2) إِلٰهِي فَقَدْ أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي،

---

(1) ابن بابويه، محمد بن على (شيخ صدوق)، **معانى الأخبار**، ص ۱۲۳، ح ۱؛ همو، **خصال**، ص ۳۹٤، ح ۱۰۲؛ فتال نيشابورى، محمّد بن احمد، **روضة الواعظين**، ص ۳۹۲.

(2) نساء/٦٤.

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْها لِي، يَا سَيِّدَنا أَتَوَجَّهُ بِكَ وَبِأَهْلِ بَيْتِكَ إِلَى اللهِ تَعالىٰ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيَغْفِرَ لِي».

پس سه بار بگويید:

«إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

و بگوييد:

«أُصِبْنا بِكَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِنا، فَمَا أَعْظَمَ الْمُصِيبَةَ بِكَ حَيْثُ انْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْيُ، وَحَيْثُ فَقَدْنَاكَ، إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ. يَا سَيِّدَنا يَا رَسُولَ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آلِ بَيْتِكَ الطّاهِرِينَ، هٰذَا يَوْمُ السَّبْتِ وَهُوَ يَوْمُكَ، وَأَنَا فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ. فَأَضِفْنِي وَأَجِرْنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ، وَمَأْمُورٌ بِالإِجارَةِ، فَأَضِفْنِي وَأَحْسِنْ ضِيَافَتِي، وَأَجِرْنا وَأَحْسِنْ إِجَارَتَنا، بِمَنْزِلَةِ اللهِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ آلِ بَيْتِكَ، وَبِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَهُ، وَبِمَا اسْتَوْدَعَكُمْ مِنْ عِلْمِهِ فَإِنَّهُ أَكْرَمُ الأَكْرَمِينَ»[۱].

مؤلّف گويد: زيارت حضرت فاطمه سلام الله عليها را با زيارت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله نيز به‌جا آورد مناسب است، و آن در روايتی چنين وارد شده:

«السَّلامُ عَلَيْكِ يَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكِ الَّذِي خَلَقَكِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكِ وَكُنْتِ لِمَا امْتَحَنَكِ بِهِ صَابِرَةً، وَنَحْنُ لَكِ أَوْلِيَاءُ مُصَدِّقُونَ، وَلِكُلِّ مَا أَتىٰ بِهِ أَبُوكِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَتىٰ بِهِ وَصِيُّهُ عَلَيْهِ السَّلامُ مُسَلِّمُونَ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ إِذْ كُنَّا مُصَدِّقِينَ لَهُمْ أَنْ تُلْحِقَنَا بِتَصْدِيقِنا بِالدَّرَجَةِ الْعَالِيَةِ لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلَايَتِهِمْ عَلَيْهِمُ السَّلامُ»[۲].

در بيان زيارت حضرت اميرالمؤمنين علیه‌السلام در روز يک شنبه

زيارت اميرالمؤمنين علیه‌السلام روز يک شنبه كه متعلّق به آن حضرت است به روايتِ كسی كه ديد در بيداری كه امام زمان عجّل الله فرجه چنين زيارت كردند، چنانچه در

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۲۹ و ۳۰.

(۲) همان، ص ۳۲.

جمال الأسبوع و در مزار **بحار** است :

«السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ ، وَالدَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ الْمُثْمِرَةِ بِالنُّبُوَّةِ الْمُونِقَةِ بِالإِمَامَةِ ، وَعَلىٰ ضَجِيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ وَالْحَافِّينَ بِقَبْرِكَ ، يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا يَوْمُ الأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِاسْمِكَ وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ ، فَأَضِفْنِي يَا مَوْلَايَ وَأَجِرْنِي ، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَمَأْمُورٌ بِالإِجَارَةِ ، فَافْعَلْ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ ، وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ وَآلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللهِ ، وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ ، وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ» (۱).

در بيان زيارت حضرت امام حسن مجتبى عليه السلام در روز دوشنبه

زيارت ابو محمّد الحسن الزكى و ابو عبدالله الحسين سيّدى شباب اهل الجنّة عليهما السلام در روز دوشنبه ، به روايت شيخ جليل محمّد بن على الطرازى كه در زيارت امام حسن عليه السلام بگو :

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ [سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ] ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيَانَ حُكْمِ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَرُّ الْوَفِيُّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الأَمِينُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّأْوِيلِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِي الْمَهْدِيُّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصِّدِّيقُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ

---

(۱) ابن طاووس، على بن موسى، **جمال الأسبوع**، ص ۳۰ و ۳۱ ؛ مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، **بحار الأنوار**، ج ۵۳، ص ۲۷۱.

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ»[۱].

در بیان زیارت حضرت سیّدالشهدا علیه السلام در روز دوشنبه

و بگو در زیارت امام حسین علیه السلام:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً وَجَاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّىٰ أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَعَلَيْكَ السَّلَامُ مِنِّي مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَعَلىٰ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. أَنَا يَا مَوْلَايَ مَوْلىً لَكَ وَلِآلِ بَيْتِكَ، سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَهْرِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، لَعَنَ اللهُ أَعْداءَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللهِ تَعَالَى مِنْهُمْ. يَا مَوْلَايَ يَا أَبا مُحَمَّدٍ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبا عَبْدِ اللهِ، هٰذَا يَوْمُ الإِثْنَيْنِ وَهُوَ يَوْمُكُما وَبِاسْمِكُما وَأَنَا فِيهِ ضَيْفُكُما، فَأَضِيفانِي وَأَحْسِنا ضِيافَتِي، فَنِعْمَ مَنِ اسْتُضِيفَ بِهِ أَنْتُمَا، وَأَنَا فِيهِ مِنْ جَوارِكُما فَأَجِيرانِي، فَإِنَّكُمَا مَأْمُورانِ بِالضِّيافَةِ وَالإِجارَةِ، فَصَلَّى اللهُ عَلَيْكُمَا وَآلِكُمَا الطَّيِّبِينَ»[۲].

زیارت حضرت سجّاد، امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام

زیارت امام زین العابدین علیه السلام، امام محمّد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام در روز سه شنبه:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خُزَّانَ عِلْمِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا تَراجِمَةَ وَحْيِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَئِمَّةَ الْهُدىٰ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَعْلَامَ التُّقىٰ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلَادَ رَسُولِ اللهِ، أَنَا عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ، مُعادٍ لِأَعْدائِكُمْ، مُوَالٍ لِأَوْلِيَائِكُمْ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي، صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكُمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوالىٰ آخِرَهُمْ كَمَا تَوَالَيْتُ أَوَّلَهُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَهُمْ، وَأَكْفُرُ

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۳۲و ۳۳.

(۲) همان، ص ۳۳و ۳٤.

بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزّیٰ. صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكُمْ يَا مَوالِيَّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْعَابِدِينَ وَسُلَالَةَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَاقِرَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَادِقاً مُصَدَّقاً فِي الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ، يَا مَوالِيَّ هٰذَا يَوْمُكُمْ وَهُوَ يَوْمُ الثُّلَاثَاءِ، وَأَنَا فِيهِ ضَيْفٌ لَكُمْ وَمُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، فَأَضِيفُونِي وَأَجِيرُونِي بِمَنْزِلَةِ اللهِ عِنْدَكُمْ وَآلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»[1].

زیارت حضرت امام موسی، امام رضا، امام محمّد تقی و امام علیّ النقی علیهم‌السلام در روز چهارشنبه

زیارت حضرت امام موسی، امام رضا، امام محمّد تقی و امام علیّ النقی علیهم‌السلام در روز چهارشنبه که متعلق به ایشان است:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا نُورَ اللهِ فِي ظُلُمَاتِ الأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى آلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي، لَقَدْ عَبَدْتُمُ اللهَ مُخْلِصِينَ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتّیٰ أَتَاكُمُ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللهُ أَعْدَاءَكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسیٰ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ ابْنَ مُحَمَّدٍ، أَنَا مَوْلًى لَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَجَهْرِكُمْ، مُتَضَيِّفٌ بِكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هٰذَا وَهُوَ يَوْمُ الأَرْبَعَاءِ، وَمُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، فَأَضِيفُونِي وَأَجِيرُونِي بِآلِ بَيْتِكُمُ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»[2].

زیارت حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام در روز پنج شنبه

زیارت حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام در روز پنج شنبه که متعلّق به آن

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۳۴ و ۳۵.

(۲) همان، ص ۳۵ و ۳۶.

حضرت است؛ چون خمیس به معنای لشکر است، به جهت آنکه پنج طایفه[۱] می‌شوند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ وَخَالِصَتَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثَ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ اَنَا مَوْلىً لَكَ وَلِآلِ بَيْتِكَ وَهٰذَا يَوْمُكَ وَهُوَ يَوْمُ الْخَمِيسِ وَاَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَمُسْتَجِيرٌ بِكَ فِيهِ، فَاَحْسِنْ ضِيَافَتِي وَاِجَارَتِي بِحَقِّ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»[۲].

زیارت حضرت صاحب الزمان عجّل الله فرجه در روز جمعه

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَانُورَ اللهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفَرَّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، عَجَّلَ اللهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأُولَاكَ وَأُخْرَاكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ تَعَالىٰ بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلىٰ يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ لَكَ وَالتَّابِعِينَ وَالنَّاصِرِينَ لَكَ عَلىٰ أَعْدائِكَ، وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ. يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آلِ بَيْتِكَ، هٰذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلىٰ يَدِكَ، وَقَتْلُ الْكافِرِينَ بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ،

---

(۱) لشکر کاملی که مرکّب باشد از مقدمه، قلب، میمنه، میسره و ساقه. (زبیدی، محمّد بن محمّد، **تاج العروس**، مادهٔ خمس).

(۲) همان، ص ۳۶ و ۳۷.

وَمَأْمُورٌ بِالضِّيافَةِ وَالْإِجارَةِ، فَأَضِفْنِي وَأَجِرْنِي صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ»[1].

در اینکه از اسباب توسّل به ائمّه لعن بر دشمنان ایشان است

بدانکه از اسباب توسّل به ائمّه لعن بر دشمنان ایشان است ، و ثواب لعن را در غیر این مقام نوشته‌ام . و شیخ طریحی در **منتخب** و مجلسی در جلد هفتم **بحار الانوار** حدیث شریفی در این باب روایت کرده‌اند و آن در ***تفسیر امام حسن عسکری*** علیه السلام است که مجملش ، آن است که تمام ملائکه آسمان‌ها و زمین‌ها می‌شنوند صدای لعن کننده را و موافقت می‌کنند در لعن ، و دعا می‌کنند که خداوندا بیامرز آن مؤمن را و حضرت حق تعالی روح او را از برگزیدگان عباد خود قرار می دهد .

و اکتفا می‌نماییم در این مختصر به لعن صنمی قریش که در روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام مداومت می‌فرمود بر آن در شب و روز و سحرها ، و آن را بعضی از جامعین در ***صحیفهٔ علویّه*** ذکر کرده‌اند ، و روایت شده که به هر حاجت که خوانده شود با اخلاص برآورده می‌شود ، و امیرالمؤمنین علیه السلام آن را در تعقیبات نماز می‌خواندند و می‌فرمودند که خوانندهٔ آن مانند کسی است که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله جنگ کرده باشد در بدر و اُحد و حنین به هزار هزار تیر ، و کفعمی آن را در ***بلد الامین*** در باب قنوتات از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده ، و نیز در **مصباح** خود در اعمال ماه شعبان از آن حضرت مرسلاً روایت نموده است و آن این است :

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْعَنْ صَنَمَيْ قُرَيْشٍ وَجِبْتَيْهَا وَطَاغُوتَيْهَا وَإِفْكَيْهَا وَابْنَتَيْهِمَا اللَّذَيْنِ خَالَفَا أَمْرَكَ وَأَنْكَرَا وَحْيَكَ وَجَحَدَا إِنْعَامَكَ وَعَصَيَا رَسُولَكَ وَقَلَّبَا دِينَكَ

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۳۷ و ۳۸.

وَحَرَّفَا كِتَابَكَ وَأَحَبَّا أَعْدَائَكَ وَجَحَدَا آلائَكَ وَعَطَّلَا أَحْكَامَكَ وَأَبْطَلَا فَرَائِضَكَ وَأَلْحَدَا فِي آيَاتِكَ وَعَادَيَا أَوْلِيَائَكَ وَوَالَيَا أَعْدَائَكَ وَخَرَّبَا بِلَادَكَ وَأَفْسَدَا عِبَادَكَ.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا وَأَتْبَاعَهُمَا وَأَوْلِيَائَهُمَا وَأَشْيَاعَهُمَا وَمُحِبِّيهِمَا فَقَدْ أَخْرَبَا بَيْتَ النُّبُوَّةِ وَرَدَمَا بَابَهُ وَنَقَضَا سَقْفَهُ وَأَلْحَقَا سَمَائَهُ بِأَرْضِهِ وَعَالِيَهُ بِسَافِلِهِ، وَظَاهِرَهُ بِبَاطِنِهِ، وَاسْتَأْصَلَا أَهْلَهُ وَأَبَادَا أَنْصَارَهُ وَقَتَلَا أَطْفَالَهُ وَأَخْلَيَا مِنْبَرَهُ مِنْ وَصِيِّهِ وَوَارِثِ عِلْمِهِ، وَجَحَدَا إِمَامَتَهُ وَأَشْرَكَا بِرَبِّهِمَا فَعَظِّمْ ذَنْبَهُمَا وَخَلِّدْهُمَا فِي سَقَرَ ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ * لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ﴾ (١).

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ بِعَدَدِ كُلِّ مُنْكَرٍ أَتَوْهُ، وَحَقٍّ أَخْفَوْهُ، وَمِنْبَرٍ عَلَوْهُ، وَمُؤْمِنٍ أَرْجَوْهُ، وَمُنَافِقٍ وَلَّوْهُ، وَوَلِيٍّ آذَوْهُ، وَطَرِيدٍ آوَوْهُ، وَصَادِقٍ طَرَدُوهُ، وَكَافِرٍ نَصَرُوهُ، وَإِمَامٍ قَهَرُوهُ، وَفَرْضٍ غَيَّرُوهُ، وَأَثَرٍ أَنْكَرُوهُ، وَشَرٍّ آثَرُوهُ، وَدَمٍ أَرَاقُوهُ، وَخَيْرٍ بَدَّلُوهُ، وَكُفْرٍ نَصَبُوهُ، وَإِرْثٍ غَصَبُوهُ، وَفَيْءٍ اقْتَطَعُوهُ، وَسُحْتٍ أَكَلُوهُ، وَخُمْسٍ اسْتَحَلُّوهُ، وَبَاطِلٍ أَسَّسُوهُ، وَجَوْرٍ بَسَطُوهُ، وَنِفَاقٍ أَسَرُّوهُ، وَغَدْرٍ أَضْمَرُوهُ، وَظُلْمٍ نَشَرُوهُ، وَوَعْدٍ أَخْلَفُوهُ، وَأَمَانٍ خَانُوهُ، وَعَهْدٍ نَقَضُوهُ، وَحَلَالٍ حَرَّمُوهُ، وَحَرَامٍ أَحَلُّوهُ، وَبَطْنٍ فَتَقُوهُ، وَجَنِينٍ أَسْقَطُوهُ، وَضِلْعٍ دَقُّوهُ، وَصَكٍّ مَزَّقُوهُ، وَشَمْلٍ بَدَّدُوهُ، وَعَزِيزٍ أَذَلُّوهُ، وَذَلِيلٍ أَعَزُّوهُ، وَحَقٍّ مَنَعُوهُ، وَكِذْبٍ دَلَّسُوهُ، وَحُكْمٍ قَلَّبُوهُ.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ بِكُلِّ آيَةٍ حَرَّفُوهَا وَفَرِيضَةٍ تَرَكُوهَا، وَسُنَّةٍ غَيَّرُوهَا، وَرُسُومٍ مَنَعُوهَا، وَأَحْكَامٍ عَطَّلُوهَا، وَبَيْعَةٍ نَكَثُوهَا، وَدَعْوَةٍ أَبْطَلُوهَا وَبَيِّنَةٍ أَنْكَرُوهَا، وَحِيلَةٍ أَحْدَثُوهَا، وَخِيَانَةٍ أَوْرَدُوهَا، وَعَقَبَةٍ ارْتَقَوْهَا، وَدِبَابٍ دَحْرَجُوهَا، وَأَزْيَافٍ لَزِمُوهَا، وَشَهَادَاتٍ كَتَمُوهَا، وَوَصِيَّةٍ ضَيَّعُوهَا.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مَكْنُونِ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ لَعْناً كَثِيراً أَبَداً دَائِماً دَائِباً سَرْمَداً لَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ وَلَا نَفَادَ لِعَدَدِهِ، لَعْناً يَغْدُوا أَوَّلُهُ وَلَا يَرُوحُ آخِرُهُ، لَهُمْ وَلِأَعْوَانِهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَمَوَالِيهِمْ وَالْمُسَلِّمِينَ لَهُمْ، وَالْمَائِلِينَ إِلَيْهِمْ وَالنَّاهِضِينَ بِاحْتِجَاجِهِمْ وَالْمُقْتَدِينَ بِكَلَامِهِمْ وَالْمُصَدِّقِينَ بِأَحْكَامِهِمْ».

---

(١) مدثّر / ٢٧ و ٢٨.

پس چهار مرتبه بگوید :
«اللَّهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذاباً يَسْتَغِيثُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (۱).

در کیفیّت توسّل و اشاره به بعض فوائد توسّل

و بهتر آن است که دعای توسّل را بعد از نمازی قرار دهد خواه نمازهای مخصوصه و خواه غیر آن ، و ثواب آن نماز را هدیه آن امام گرداند ؛ زیرا که در روایت است که آن بزرگواران در وقت مرگ شخص به او می‌گویند که هدیه تو به ما رسید ، و حال وقت تلافی کردن ما است ؛ پس می‌فرمایند حضرت عزرائیل را که به آسانی قبض روح او را نماید ، فلذا قلیلی از صلوات وارده در ایّام هفته ذکر می‌شود .

در بیان نمازهای هریک از شب‌ها و روزهای هفته

بدانکه شیخ طوسی در **مصباح** ، علی بن طاووس در **جمال الأسبوع** ، مجلسی در **بحار** ، و شیخ حرّ در **وسائل** و دیگران نمازهای بسیار در ایّام هفته ذکر کرده‌اند و ***ثواب‌های عظیم برای آن روایت نموده‌اند و به مقتضای روایات صحیحه ، آن ثواب‌ها از برای به‌جا آورنده آنها هست اگرچه سند آنها ضعیف است ، و ما اقتصار می‌کنیم به ذکر یک نماز در هریک از شب‌ها و روزها که ثواب عظیم بر آن وعده داده شده از مثل عبادات یک ساله به عدد هر یهودی و نصاری، بلکه عبادت هزار سال به عدد یهودی و نصاری ، و در بعضی ثواب حجّ و عمره و آزاد کردن هزار بنده در راه خدا که آن بندگان از فرزندان اسماعیل و نحو آن باشند ، و اختصار می‌شود به ذکر اصل آن نمازها که روایت شده از نبیّ صلی الله علیه و آله .***

نماز شب شنبه : چهار رکعت است به دو سلام ، و همچنین در مابعد [که نمازهای چهار رکعتی به دو سلام است] ، هر رکعت حمد یک مرتبه ، آیة الکرسی سه مرتبه و «قل هو الله» یک مرتبه ، و بعد از فراغ ، سه مرتبه آیة الکرسی بخواند .

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۵۵۲ ؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۲، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

نماز روز شنبه: چهار رکعت است، در هر رکعت حمد یک مرتبه و «قل یا أیّها الکافرون» سه مرتبه، و بعد از فراغ، یک مرتبه آیة الکرسی.

نماز شب یک شنبه: چهار رکعت است، در هر رکعت حمد یک مرتبه و آیة الکرسی و «سبّح اسم ربّك الأعلی» و «قل هو الله أحد» را نیز یک مرتبه بخواند.

نماز روز یک شنبه: چهار رکعت است، در هر رکعت حمد یک مرتبه، ﴿**آمَنَ الرَّسُولُ**﴾[1] تا آخر سوره یک مرتبه.

نماز شب دوشنبه: چهار رکعت است، در هر رکعت حمد هفت مرتبه، «إنّا أنزلناه» یک مرتبه، صد مرتبه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، و صد مرتبه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَبْرَئِيلَ».

نماز روز دوشنبه: دو رکعت است، در هر رکعت حمد، آیة الکرسی، «قُل هو الله أحد»، «قل أعوذ بربّ الفلق» و «قل أعوذ بربّ الناس» هر یک یک مرتبه، و بعد از فراغ ده مرتبه استغفار نماید، و ده مرتبه صلوات بر نبی و آل آن حضرت صلی الله علیه و آله بفرستد، و مثل نماز شب آن نیز وارد شده است با ثواب‌های بسیار.

نماز شب سه شنبه: به روایت امام حسن عسکری علیه السلام شش رکعت است، در هر رکعت فاتحة الکتاب، ﴿**آمَنَ الرَّسُولُ**﴾ تا آخر، و «إذا زلزلت الأرض» هریک یک مرتبه.

نماز روز سه شنبه: به روایت ***جمال الأسبوع*** دو رکعت است، در هر رکعت سورهٔ مبارکهٔ حمد، «والتینِ والزیتونِ» و «قُل هو اللهُ أحد» هر کدام را یک مرتبه بخواند تا به عدد هر قطره باران ده حسنه و به‌عدد هر شیطان مَریدی شهری از طلا به او عطا فرماید.

نماز شب چهارشنبه: به روایت از نبی صلی الله علیه و آله دو رکعت است، در هر رکعت

---

(۱) بقره / ۲۸٤.

حمد، آیة الکرسی، «قُل هو الله» و معوّذتین هریک سه مرتبه.

نماز روز چهارشنبه: دو رکعت است، در هر رکعت فاتحة الکتاب و «إذا زلزلت الأرض» یک مرتبه و «قل هو الله أحد» سه مرتبه بخواند.

نماز شب پنج شنبه: بین نماز مغرب و عشا دو رکعت، در هر رکعت حمد یک مرتبه و آیة الکرسی، «قُل یا أیّها الکافرون» و معوّذتین هریک پنج مرتبه، و بعد از فراغ استغفار نماید پانزده مرتبه، و قرار دهد ثواب آن را از برای پدر و مادر خود تا حقّ ایشان را ادا کرده باشد.

و ایضاً مستحب است در شب پنج شنبه چهار رکعت، در هر رکعت حمد هفت مرتبه و «إنّا أنزلناه» یک مرتبه، و بعد از فراغ صد مرتبه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، و صد بار «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَبْرَئِيلَ»، تا عطا کند او را حق تعالی هفتاد قصر.

نماز روز پنج‌شنبه: بین نماز ظهر و عصر دو رکعت، در رکعت اوّل حمد یک مرتبه و آیة الکرسی صد مرتبه، و در رکعت دوم حمد و «قُل هو الله أحد» و صد مرتبه استغفار، و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت.

و به روایت امام حسن عسکری علیه السلام ده رکعت است، در هر رکعت فاتحة الکتاب و «قل هو الله أحد» ده مرتبه.

نماز روز جمعه: از آن حضرت روایت است که چهار رکعت است، در هر رکعت می‌خواند حمد، «تبارك الّذي بيده الملك» و حم سجده تا مستوجب بهشت شود، و شفاعت او در حقّ اهل بیت او قبول شود، و از عذاب قبر ایمن گردد، و آن حضرت فرمود: مابین طلوع شمس تا زوال، وقت این نماز است.

وگذشت که به روایت منقولهٔ از امام منتظر عجّل الله تعالی فرجه بهترین اوقات نماز جعفر طیّار علیه السلام وقت بلند شدن آفتاب است در روز جمعه.

أعاننا الله وجميع إخواني المؤمنين على لزوم طاعته وانقياد أمره وطَلَبِ مَرْضاتِهِ، بِحَقِّ النَّبيِّ مُحمَّدٍ صلّى اللهُ عليهِ وآلِهِ الطَّيِّبينَ الطَّاهِرِينَ صلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ

أَجْمَعِينَ ، وَلَعْنَةُ اللهِ عَلىٰ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلىٰ يَوْمِ الدِّينِ آمِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ [1].

(۱) نمازهای روز و شب و ایّام هفته را كه مرحوم بیرجندی بیان نموده است بنگرید به: **نزهة الزاهد**، ص ۲۵۱ ـ ۲۸۲؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۲۱ ـ ۲۳٤؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **جمال الأسبوع**، ص ۱۳٤ ـ ۱٥٤؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشيعه**، ج ۸، ص ۱۷٤ ـ ۱۸۰؛ نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرك الوسائل**، ج ٦، ص ۳٥٥ ـ ۳۷۸؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۷، ص ۳۲٥ ـ ۳۲۷.

باب دهم:

در دعاهای متفرّقهٔ مهم

علاوه بر آنچه در باب ششم گذشت

جهت استشفای از امراض

کفعمی در *بلد الامین* خود روایت کرده از امام مهدی عجّل الله فرجه که: هرکس این دعا را بنویسد در ظرف تازه با تربت امام حسین علیه السلام و بشوید و بخورد شفا یابد از مرض خود:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ دَوَاءً وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءً وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ كِـفَاءً، هُـوَ الشَّافِي شِفَاءً، وَهُوَ الْكَافِي كِفَاءً، إِذْهَبِ الْبَأْسَ بِرَبِّ النَّاسِ شِفَاءً لَا يُغَادِرُهُ سُقْمٌ، وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النُّجَبَاءِ» (۱).

برای آسان شدن ولادت

در **صحیفهٔ علویّه** است که امیرالمؤمنین علیه السلام برای آسان شدن ولادت می‌نوشت و بر حامل می‌بست:

«يَا خَالِقَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ وَمُخْرِجَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ، وَمُخَلِّصَ النَّفْسِ مِنَ النَّـفْسِ خَلِّصْهَا» (۲).

جهت درد دندان و شکم

و از برای دفع درد دندان بعد از نماز صبح مسح بر موضع سجود می‌فرمود و بعد از آن مسح ضرس موجوع [دندانی که درد می‌کرد] می‌فرمود و می‌گفت:

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۵۳، ص ۲۲۶.

(۲) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۲۲۷.

«بِسْمِ اللهِ وَالشَّافِي اللهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ» (۱).

و از برای دفع درد شکم بعد از آشامیدن آب گرم می‌فرمود:

«يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ، يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ، يَا رَبَّ الأَرْبَابِ، يَا إِلٰهَ الآلِهَةِ، يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ، يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ، اشْفِنِي بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ» (۲).

دعای حفظ از حیوانات مؤذیه

دعا به‌جهت حفظ از حیوانات مؤذیه از **مكارم الأخلاق**:

«يَا أَرْضُ رَبِّي وَرَبُّكِ اللهُ أَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّكِ وَشَرِّ مَا فِيكِ وَشَرِّ مَا خُلِقَ فِيكِ وَمِنْ شَرِّ مَا يُحَاذَرُ عَلَيْكِ، أَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ أَسَدٍ وَأَسْوَدَ وَحَيَّةٍ وَعَقْرَبٍ مِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿**أَفَغَيْرَ دِينِ اللهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ**﴾ (۳) الْحَمْدُ لِلَّهِ بِنِعْمَتِهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ صَاحِبْنَا فِي السَّفَرِ وَأَفْضِلْ عَلَيْنَا فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (٤).

جهت خوف از سلطان و دفع دشمن

و نزد سلطان بگو:

«خَيْرُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَشَرُّكَ تَحْتَ قَدَمَيْكَ، وَأَنَا أَسْتَعِينُ بِاللهِ عَلَيْكَ» (٥).

برای دفع دشمن بگو:

«اللَّهُمَّ اطْرُقْهُ بِبَلِيَّةٍ لَا أُخْتَ لَهَا، وَأَبِحْ حَرِيمَهُ يَا مَنْ يَكْفِى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ١٥٤.

(۲) همان.

(۳) آل عمران/۸۳.

(٤) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ١٦١. بعد سوره مبارکه «ألهاکم التکاثر» بخوان که در امانی از کلّ حیوانات موذی.

(٥) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ١٤٩.

شَيْءٌ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِي مَؤُونَتَهُ بِلَا مَؤُونَةٍ مِنِّي»[۱].

برای ترس از کسی

چون از کسی ترسد بگوید:

«حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، أَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَقُوَّتِهِمْ وَأَمْتَنِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ»[۲].

جهت ادای قرض

وکفعمی در ***بلد الامین*** فرموده برای ادای قرض بسیار بگوید:

«يَا ذَا الْجَلَالِ وَالإِكْرَامِ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اِقْضِ عَنِّي دَيْنِي»[۳].

ایضاً از برای ادای قرض

و از کتاب ***لئالئ*** علی بن فضل الله الحسینی الراوندی آورده که مردی به حضرت عیسی علیه‌السلام شکایت از قرض کرد، فرمود: بگو:

«اللَّهُمَّ يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَمُنَفِّسَ الْغَمِّ وَمُذْهِبَ الأَحْزَانِ وَمُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَرَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، أَنْتَ رَحْمَانِي وَرَحْمٰنُ كُلِّ شَيْءٍ فَارْحَمْنِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَتَقْضِي بِهَا عَنِّي الدَّيْنَ».

پس اگر به‌قدر روی زمین بر تو قرضی باشد ادا شود[۴].

جهت فقر و فاقه

در **حاشیه *بلد الأمین*** از طبرانی آورده که اهل صفّه شکایت کردند از فقر به خدمت

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.

(۲) همان، ص ۱۵۰.

(۳) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۵۲۵.

(۴) ابن طاووس، علی بن موسی، **المجتنی من الدعاء المجتبی**، ص ۳۹، «ضمیمه **مهج الدعوات**».

حضرت رسول ﷺ، فرمود: بگویید:

«اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ»(۱).

صلاة الفقير: منقول است از حضرت صادق علیه السلام که دو رکعت نماز بگزارد و بعد از نماز سجده کند و بگوید:

«يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ، يَا عَلِيُّ يَا سَيِّدَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِكُمَا أَسْتَغِيثُ إِلَى اللهِ تَعَالىٰ، يَا اللهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ أَسْتَغِيثُ بِكُمَا يَا غَوْثَاهُ يَا اللهُ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ» وتعداد ائمّه علیهم السلام را یاد کند وبگوید: «بِكُمْ أَتَوَسَّلُ إِلَى اللهِ تَعَالىٰ عَزَّ وَجَلَّ».

در همان ساعت به فریاد او رسد خدای تعالی(۲).

برای ادای قرض و فراوانی مال

«في *تفسير البرهان* عن العيّاشيّ عن عبدالله بن سنان قال: شكوت إلى أبي عبدالله علیه السلام، فقال: ألا أُعلِّمُكَ شيئاً إذا قلته قضى الله دَينَكَ وأنعش حالك؟ فقلت: ما أحوَجَني إلى ذلك، فَعَلَّمَهُ هذا الدعاء، قل دبُرَ صلاة الفجر: توكَّلْتُ ... الخ».

در **تفسیر برهان** از حضرت صادق علیه السلام روایت است برای ادای قرض و فراوانی مال، بعد از نماز صبح بگوید:

«تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ وَمِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَالسُّقْمِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَأَدَاءِ حَقِّ النَّاسِ إِلَى النَّاسِ»(۳).

---

(۱) کفعمی، ابراهیم بن علی، **حاشیه بلد الأمین**، ص ۳۱.

(۲) نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرك الوسائل**، ج ٦، ص ۳۸٤.

(۳) عیّاشی، محمّد بن مسعود، **تفسیر عیّاشی**، ج ۲، ص ۳۲۰؛ بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**، ج ٦، ص ١٨٦، ح٦٥٩٨؛ **نزهة الزاهد**، ص ۱۸۰.

برای قضای حوائج و مطالب

«في مكارم الأخلاق قال الصادق عليه‌السلام : مَن قرأ مائة آية من أيّ آي القرآن شاءَ ثمّ قال : سبع مرّات «يا اللهُ»، فلو دعا على الصّخرة فَلَقَها [۱]» [۲].

امام صادق عليه‌السلام فرمود : هركس بخواند صد آيه از هركجاى قرآن كه باشد ، سپس هفت مرتبه بگويد : «يا الله»، اگر بر سنگى خوانده شود آن سنگ شكافته شود .

و نيز در آن كتاب است دعاى اميرالمؤمنين عليه‌السلام در حاجت :

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الحَلِيمُ الكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ هُوَ ، يَا مَنْ لَيْسَ هُوَ إِلَّا هُوَ يَا هُوَ ، يَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ» [۳].

و على عليه‌السلام پسران خود را فرمود كه: هرگاه شما را حاجتى عظيم باشد در دِين يا در دنيا ، وضو بسازيد و دست‌ها را برداريد و بگوييد : **«يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ»** هفت نوبت تا مستجاب شود [٤].

جهت دفع همّ و غم و ناراحتى

و از ابوالحسن اوّل عليه‌السلام منقول است كه: هيچ كس نيست كه ناراحتى به او برسد، پس سر خود را به آسمان بلند كند و بگويد : **«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ»**، الّا آنكه غم و ناراحتى او زايل مى‌شود [۵].

---

(۱) فلق : شكافته شدن (**مجمع البحرين** : فلق).

(۲) طبرسى، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱٤۱ ؛ ابن بابويه، محمد بن على (شيخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۳۰ ؛ قطب راوندى، سعيد بن هبة‌الله، **دعوات**، ص ٤۵ ؛ مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۱٦۲ .

(۳) طبرسى، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱٤۵ .

(٤) همان، ج ۲، ص ۱٤٦ .

(۵) طبرسى، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱٤۷ .

برای ادای قرض

و از حسین بن خالد روایت است که مرا در بغداد سیصد هزار دینار قرض بود و چهار صد هزار درهم از مال خود نزد مردم داشتم ، و مرا مهلت نمی‌دادند که از ایشان بگیرم و قرض خود را اداکنم ، پس نامه‌ای به ابوالحسن عليه‌السلام نوشتم و در آن شرح حال خود را نوشتم ، جواب نوشت : در عقب هر نماز بخوان :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَرْحَمَنِي بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَرْضىٰ عَنِّي بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَغْفِرَ لِي بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» سه نوبت اعاده کن بعد از هر نماز فریضه که حاجت تو برآورده می‌شود؛ ان شاء الله .

راوی گوید : بر این مداومت نمودم ، والله چهار ماه نگذشت که قرض من ادا شد و چهار هزار درهم دیگر زیاد آمد [1].

جهت دفع ترس از ظالم و دفع شرّ او

و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود : وقتی که بترسی از ظالم و بخواهی دفع شرّ او بکنی طلب هلال کن در اوّل ماه و چون هلال را ببینی ، بایست در جایی که اعتماد داشته باشی به قدم‌ها و بر وجه خطاب و اشاره به هلال بگو :

﴿أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِن نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ﴾ [2] اللَّهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلَاءِ طَمّاً وَغُمَّهُ بِالْغَمَاءِ غَمّاً ، وَارْمِهِ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ وَطَيْرِكَ أَبَابِيلَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ» .

پس این را در شب دوم و سوم بگو ، و اگر در ماه اوّل مراد حاصل نشد در ماه دوم

---

(۱) همان؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

(۲) بقره/۲۶٦.

و سوم این عمل کن، البته در ماه چهارم به این محتاج نخواهد شد؛ ان شاء الله [1].

ایضاً برای دفع شرّ ظالم

و حضرت صادق عليه السلام فرمود به شکایت کننده که بگو:

«يَا نَاصِرَ الْمَظْلُومِ الْمَبْغِيِّ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ ظَلَمَنِي وَبَغَى عَلَيَّ فَابْتَلِهْ بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ، وَبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ».

هرکس بر ظالم خود سه نوبت این دعا را بخواند، در پیشانی او علامت بلا ظاهر گردد و بعد از آن به فقر مبتلا گردد [2].

برای زیادتی رزق

و دعای رزق از حضرت صادق عليه السلام:

«اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ فَأَنْزِلْهُ، وَإِنْ كَانَ فِي الأَرْضِ فَأَظْهِرْهُ، وَإِنْ كَانَ قَرِيباً فَأَعْطِنِيهِ، وَإِنْ كَانَ قَدْ أَعْطَيْتَنِيهِ فَبَارِكْ لِي فِيهِ وَجَنِّبْنِي عَلَيْهِ الْمَعَاصِيَ وَالرَّدىٰ» [3].

جهت دفع غضب و شرّ

و وقتی که امام جعفر صادق عليه السلام نزد منصور رفت و او را غضب شدید بود، این دعا خواند غضب آن ملعون سست شد:

«يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ كُرْبَتِي، أُحْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَاكْنُفْنِي بِكَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ» [4].

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱٤۸؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۰٦، با کمی اختلاف.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱٤۹.

(۳) همان، ج ۲، ص ۱٥۰.

(٤) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱٥٥.

جهت ترس از دزد

به جهت ترس دزد بخواند:

﴿ **قُلِ ادْعُوا اللهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ** ﴾ (۱) تا آخر سوره (۲).

برای به یاد آوردن چیزی

به روایت سکونی از امام جعفر صادق علیه‌السلام که به جهت یاد آوردن چیزی دست بر پیشانی گذارد و بگوید:

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُذَكِّرَ الْخَيْرِ وَفَاعِلَهُ، وَالآمِرَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُذَكِّرَنِي مَا أَنْسَانِيهِ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ» (۳).

آیات و کلمات شریفه

ذکر کلماتی که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به عبدالله بن سلام فرمود که اگر ملائکه هفت آسمان و زمین جمع شوند که وصف آن کنند تا قیامت نتوانند از هزار جز یکی وصف نمایند، و فرمود: اینها را ثواب بسیار است که در کتاب نمی‌گنجد، از **مکارم الاخلاق** ابو نصر ولد شیخ طبرسی فرمود: خدا را سجده کنید و چون سر از سجده برداشتید بگویید:

«يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ، أَنْتَ الْمَرْهُوبُ مِنْكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ يَا نُورَ النُّورِ أَنْتَ الَّذِي احْتَجَبْتَ دُونَ خَلْقِكَ فَلَا يُدْرِكُ نُورَكَ نُورٌ، يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ، أَنْتَ الرَّفِيعُ الَّذِي ارْتَفَعْتَ فَوْقَ عَرْشِكَ مِنْ فَوْقِ سَمَائِكَ فَلَا يَصِفُ عَظَمَتَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، يَا نُورَ النُّورِ قَدِ اسْتَنَارَ بِنُورِكَ أَهْلُ سَمَائِكَ وَاسْتَضَاءَ بِضَوْئِكَ أَهْلُ أَرْضِكَ، يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ، أَنْتَ الَّذِي لَا إِلٰهَ غَيْرُكَ تَعَالَيْتَ

---

(۱) اسراء/۱۱۰.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ٤٦؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۱۰۷.

(۳) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۳۳۹.

عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَرِيكٌ وَتَعَظَّمْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ وَلَدٌ، وَتَكَرَّمْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَبِيهٌ، وَتَجَبَّرْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ ضِدٌّ، فَأَنْتَ الْمَحْمُودُ بِكُلِّ لِسَانٍ، وَأَنْتَ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَأَنْتَ الْمَذْكُورُ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَزَمَانٍ، يَانُورَ النُّورِ، كُلُّ نُورٍ خَامِدٌ لِنُورِكَ، يَا مَلِيكَ كُلِّ مَلِيكٍ، يَفْنِي غَيْرُكَ يَا دَائِمُ، كُلُّ حَيٍّ يَمُوتُ غَيْرُكَ، يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ، الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ، ارْحَمْنِي رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهَا غَضَبَكَ، وَتَكُفُّ بِهَا عَذَابَكَ، وَتَرْزُقُنِي بِهَا سَعَادَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَتَحُلَّنِي بِهَا دَارَكَ الَّتِي تَسْكُنُهَا خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوىٰ، وَيَا مُنْتَهىٰ كُلِّ شَكْوىٰ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ وَيَا أَمَلَاهُ وَيَا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ، أَسْأَلُكَ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ، أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ» (۱).

در بیان حضرت حق تعالی را حمد کردن

روایت است از ابو حمزه که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا خبر دهم به تو حمدی که کفایت کند تو را از جمیع حمدها؟ گفتم: بلی یا رسول الله. فرمود: بگو:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلىٰ جَمِيعِ نِعَمِكَ كُلِّهَا حَتّىٰ يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلىٰ مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضىٰ» (۲).

و فرمود: سی دفعه خواندن «سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ» بعد از نماز دفع می‌کند از افتادن، سوختن، غرق شدن، افتادن در چاه، مردن بد، خوردن جانوران درّنده، و از بلاهایی که نازل می‌شود از آسمان در آن روز و هنّ

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱۴۳ ـ ۱۴۴. برای تمام حوائج خوانده شود، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۳۵۵، ح ۱۱.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۷۸؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۳، ص ۲۱۵.

الباقیات [۱].

در بیان فضیلت عصا به‌دست گرفتن

و درکتاب **فردوس** از انس بن مالک روایت شده‌که فرمود: آیا عاجز است یکی از شما که عصایی بردارد که در پایین او سر نیزه باشد که بدی‌ها را از راه منع کند و جانوران موذی را بکشد.

و فرمود: برداشتن عصا علامت مؤمن است و سنّت و طریق انبیا است [۲].

و نیز از امّ سلمه روایت است که آن حضرت ﷺ فرمود: با عصا راه رفتن از تواضع است، و هرکس با عصا راه رود به هر قدمی از برای او حسنه‌ای بنویسند، و هزار درجه پایه او را بلند می‌کنند [۳].

و در **مجمع البیان** است از نبی ﷺ که فرمود: عصا بردارید که آن از سنن برادران مرسلین من است [٤].

دعای قبل از دعا کردن

و باز در **مکارم** از امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود: پیش از دعا بگویید:

«يَا مَنْ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَمَا فِي قَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الأَعْلىٰ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» [٥].

---

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ٢٦ و ٢٧؛ همو، **معاني الأخبار**، ص ٣٢٤.

(۲) دیلمی، شیرویه بن شهردار، **فردوس الأخبار**، ج ۱، ص ٣٩٥، ح ١٥٩٤ و ج ٢، ص ٢٣٦، ح ٢٥٧٢.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۱، ص ٥٢٢؛ دیلمی، شیرویه بن شهردار، **فردوس الأخبار**، ج ٤، ص ٢١٩، ح ٦٦٦١.

(٤) طبرسی، حسن بن فضل، **مجمع البيان**، ج ٣ ـ ٤، ص ٧٠٦.

(٥) طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ٢، ص ١٦؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٢، ص ٤٨٤، ح ٢.

و این را در **صحیفهٔ علویّه** نیز آورده، چنانچه گذشت [۱].

و صدوق در **أمالی** و کفعمی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده‌اند که هرگاه عبد در سجده بگوید : «**يَا اللهُ، يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ**» سه مرتبه ، خداوند در جواب می‌گوید : «**لَبَّيْكَ عَبْدِي**» بخواه حاجت خود را [۲].

در اینکه اسباب اجابت دعا چهار چیز است

و امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود : اسباب اجابت دعا چهار چیز است : اخلاص باطن ، خلوص نیّت ، معرفت وسیله ، و انصاف در التماس کردن .

دعای هنگام دخول مسجد و خروج از آن

و روایت است که در حین دخول مسجد بگوید :

«**بِسْمِ اللهِ وَالسَّلَامُ عَلىٰ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ**» [۳].

و نیز روایت است که بعد از بیرون آمدن از مسجد بگوید :

«**اللَّهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ، وَصَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ، وَانْتَشَرْتُ فِي أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ وَاجْتِنَابَ مَعْصِيَتِكَ وَسَخَطِكَ، وَالْكِفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ**» [۴].

---

(۱) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۷۸.

(۲) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **أمالی**، ص ۳۳۵، مجلس ٦٤، ح٦.

(۳) **نزهة الزاهد**، ص ۱۲۲.

(٤) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۷۲؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۲۲۰.

دعایی که حضرت حجّة الله عليه السلام به حضرت صادق عليه السلام نسبت دادند

ابو جعفر محمّد بن جریر طبری امامی روایت کرده از محمّد بن احمد انصاری که گفت : حاضر بودم در مکّه و جماعتی به‌قدر سی نفر طواف می‌کردند و نبود در میان ایشان مخلصی ـ یعنی شیعه‌ای ـ غیر از محمّد بن قاسم ، پس روز ششم ذی حجّه جوانی را دیدم مشغول طواف بود و بر او بود ازاری و جامهٔ احرام ، و در دست او بود دو نعل ، چون او را دیدیم از هیبت او همه برخاستیم و تعظیم کردیم و سلام نمودیم بر او ، پس با روی گشاده نشست و ما در اطراف او ، پس نظر به راست و چپ کرد و فرمود : می دانید ابو عبدالله چه می‌گفت ؟ می‌گفت :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَقُومُ بِهِ السَّمَاءُ وَبِهِ تَقُومُ الأَرْضُ وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ، وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ وَقَدْ أَحْصَيْتَ بِهِ عَدَدَ الرِّمَالِ وَزِنَةَ الْجِبَالِ وَكَيْلَ الْبِحَارِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً» [1].

دعایی که به حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام نسبت دادند

بعد برخاست و مشغول طواف شد و ما نیز برخاستیم . و فردای آن روز نیز باز آمد با روی گشاده نشست و نظر به یمین و یسار کرد و فرمود : می دانید امیرالمؤمنین عليه السلام چه می‌فرمود بعد از صلاة واجب ، می‌فرمود :

«إِلَيْكَ رُفِعَتِ الأَصْوَاتُ، وَلَكَ عَنَتِ الْوُجُوهُ، وَلَكَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ، وَإِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الأَعْمَالِ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا خَيْرَ مَنْ أَعْطَىٰ، يَا صَادِقُ، يَا بَارِئُ، يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالدُّعَاءِ وَوَعَدَ الإِجَابَةَ، يَا مَنْ قَالَ ﴿ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ﴾ [2] يَا مَنْ

---

(۱) طبری، محمّد بن جریر، **دلائل الإمامة**، ص ۵۴۲ و ۵۴۳؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحارالأنوار**، ج ۹۴، ص ۱۸۸ و ج ۹۵، ص ۱۵۷. و نام این دعا «إلحاح» است.

(۲) غافر/۶۰.

قَالَ : ﴿ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴾ (۱) وَيَا مَنْ قَالَ ﴿ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَحْمَةِ اللهِ ﴾ (۲) لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ ، هَا أَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ ، الْمُسْرِفُ وَأَنْتَ الْقَائِلُ : ﴿لَا تَقْنَطُوا مِن رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً﴾ (۳) [فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي]» (٤).

باز دعای دیگر که آن سرور به آن بزرگوار نسبت دادند

پس باز به یمین و یسار نظر کرد و فرمود : می دانید امیرالمؤمنین عليه السلام در سجدهٔ شکر چه می‌گفت ؟ می‌گفت :

«يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ إِلَّا كَرَماً وَجُوداً ، يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا سَعَةً وَعَطَاءً ، يَا مَنْ لا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ ، يَا مَنْ لَهُ مَا دَقَّ وَجَلَّ ، لَا يَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي الَّذِي أَنتَ أَهْلُهُ فَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالتَّجَاوُزِ ، يَا رَبِّ ، يَا اللهُ ، لا تَفْعَلْ بِيَ الَّذِي أَنَا أَهْلُهُ فَإِنِّي أَهْلُ الْعُقُوبَةِ وَلَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ لِي عِنْدَكَ أَبُوءُ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا كَيْ تَعْفُوَ عَنِّي ، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي ، وَأَبُوءُ إِلَيْكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلِّ خَطِيئَةٍ احْتَمَلْتُهَا وَكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا. رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمْ إِنَّكَ أَنْتَ الأَعَزُّ الأَجَلُّ الأَكْرَمُ» .

و برخاست و داخل طواف شد و برخاستیم (۵).

---

(۱) بقره/۱۸۶.

(۲) زمر/۵۳.

(۳) همان.

(٤) طبری، محمّد بن جریر، **دلائل الإمامة**، ص ۵٤۳ و ۵٤٤ ؛ **نزهة الزاهد**، ص ۹۷ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹٤، ص ۱۸۸.

(۵) طبرسی، محمّد بن جریر، **دلائل الإمامة**، ص ۵٤٤.

ایضاً دعایی که به حضرت سیّد سجّاد عليه‌السلام نسبت دادند

روز دیگر در همان وقت آمد و باز برخاستیم و نشست و به راست و چپ نظر کرد و فرمود: عليّ بن الحسين عليه‌السلام در سجود خود در این موضع ـ و اشاره به حِجْر اسماعیل زیر ناودان کرد ـ می‌گفت:

«عُبَيْدُكَ بِفِنَائِكَ، مِسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ، سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ، يَسْأَلُكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ».

بعد نظر به راست و چپ کرد و به محمّد بن قاسم فرمود: «**أَنْتَ عَلىٰ خَيْرٍ إِنْ شَاءَ الله**» و همواره این امر را محمّد بن قاسم می‌گفت، پس از آن حضرت برخاست و داخل طواف شد و باقی نماند از ما احدی مگر آنکه الهام شد آن دعا و یاد گرفتیم ذکر آن حضرت را تا آخر آن روز.

آنگاه ابو علی گفت: آیا می‌شناسید این مرد را؟ محمّد بن قاسم گفت: به‌خدا قسم که او صاحب الزمان شماست. گفتم: از کجا دانستی؟ گفت: نزدیک به سه سال است که می‌خوانم خدا را که با چشم خود ببینم آن حضرت را.

پس در عشای عرفه باز دیدم آن حضرت را که دعا می‌کرد، پس رفتم به نزد آن حضرت و سؤال کردم که «**مِمَّنْ هُوَ؟**» **قال**: «**مِنَ النَّاسِ**». گفتم: «**مَنْ هُمْ؟**» فرمود: «**بنو هاشم**». گفتم: «**أيُّ بَنِي هاشم؟**» **قال**: «**مِنْ أعلاها ذروة وأسناها**». گفتم: «**مِمَّنْ؟**» **قال**: «**مَنْ فَلَقَ الهَامَ وأَطْعَمَ الطَّعَامَ وَصَلّىٰ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ**». دانستم که علوی است بعد از نظرم مفقود شد، سؤال کردم از مردم اطراف خود که می‌شناسید این علوی را؟ گفتند: بلی هر ساله با ما پیاده حج می‌کند. گفتم: سبحان الله! نمی‌بینم اثر مشی او را و پیادگی را.

پس به مزدلفه برگشتیم محزون بر مفارقت او و خوابیدم. در آن شب حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله را در خواب دیدم که فرمود: «**رَأَيْتَ طَلِبَتَكَ**». گفتم: که ای سیّد من! فرمود: آنکه را در عشیّه دیدی صاحب الزمان توست. پس گفت: فراموش کردم

امر او را تا این وقت که حدیث کردم[۱]. و آن را در جلد سیزدهم **بحار** ازکتاب **غیبت** شیخ طوسی روایت کرده است[۲].

در بیان دعای منسوب به حضرت یعقوب علیه‌السلام

عیّاشی و علیّ بن ابراهیم از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده‌اند که یعقوب علیه‌السلام دعاکرد به این دعا:

«یَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ، یَا کَرِیمَ الْمَعُونَةِ، یَا خَیْراً کُلَّهُ، ایتِنِي بِرَوْحٍ مِنْكَ وَفَرَجٍ مِنْ عِنْدِكَ».

پس جبرئیل نازل شد و به یعقوب گفت: آیا تعلیم ندهم به تو دعایی که خداوند را به آن بخوانی تا رد فرماید دو چشم تو را و دو پسر تو را؟گفت: بلی،گفت: بگو:

«یَا مَنْ لَا یَعْلَمُ أَحَدٌ کَیْفَ هُوَ وَحَیْثُ هُوَ وَقُدْرَتَهُ إِلَّا هُوَ، یَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَکَبَسَ الأَرْضَ عَلَی الْمَاءِ وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الأَسْمَاءِ، ایتِنِي بِرَوْحٍ مِنْكَ وَفَرَجٍ مِنْ عِنْدِكَ».

پس صبح طالع نشد تا آنکه پیراهن فرزند او را آوردند و خداوند چشم او را به او رد نمود و فرزند او را[۳].

جهت دفع فقر و تنگدستی

علی بن محمّد المالکی در ***فصول المهمّه*** از امام زین العابدین علیه‌السلام روایت کرده است که وصیّت می‌فرمود به اولاد خود که هرگاه مصیبتی یا تنگدستی به شما رسد وضو بسازید و چهار رکعت یا دو رکعت نماز بگزارید و بعد بگویید:

«یَا مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوَیٰ، یَا سَامِعَ کُلِّ نَجْوَیٰ، یَا شَافِيَ کُلِّ بَلْوَیٰ، وَیَا عَالِمَ کُلِّ خَفِیَّةٍ، وَیَا

---

(۱) طبری، محمّد بن جریر، **دلائل الإمامة**، ص ٥٤٤ و ٥٤٥.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **الغیبة**، ص ۲۵۹ ـ ۲۶۲؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹٤، ص ۱۸٤ ـ ۱۹۰.

(۳) عیّاشی، محمّد بن مسعود، **تفسیر عیّاشی**، ج ۲، ص ۱۹۵؛ قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، ج ۱، ص ۳۵۲ و ۳۵۳.

كَاشِفَ مَا يَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، وَيَا مُنْجِيَ مُوسىٰ، وَيَا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ، وَيَا مُتَّخِذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ الْغَرِيبِ الْفَقِيرِ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِ مَا هُوَ فِيهِ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

که البته خدا حاجت او را برمی‌آورد[1].

در بیان بعضی از اسباب جالبهٔ رزق

في *خزائن النراقي* فائدة، قال المحقّق الطوسيّ ﷺ: مِن أقوى الأسبابِ الجالِبَةِ للرِّزْقِ إقامَةُ الصَّلَواتِ بالتَّعْظِيمِ والخُضُوعِ والخُشُوعِ وقِرائَةُ سُورَةِ الواقِعَةِ باللَّيْلِ وَوَقْتِ العِشاءِ وقِرائَةِ سُورَةِ يٰسٓ وَالْمُلْكِ وَقْتَ الصُّبْحِ، وَمِمَّا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ أَنْ تَقُولَ كُلَّ يَوْمٍ بَعْدَ انْشِقَاقِ الْفَجْرِ إِلَى وَقْتِ الصَّلَاةِ مَائَةَ مَرَّةٍ:

محقّق طوسی می‌گوید: جهت زیادتی روزی دو رکعت نماز با خضوع و خشوع می‌خوانی، همچنین در وقت عشا سوره واقعه، و صبح سوره‌های یٰس و مُلك را می‌خوانی، همچنین بعد از فجر صادق تا وقت نماز صد مرتبه می‌گویی:

«سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

وأَن تقولَ: [و می‌گویی:]

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» كُلَّ يومٍ صباحاً ومَساءً مَائَةَ مَرَّةٍ.

وَأَنْ تقولَ بعد صلاةِ الْفَجْرِ كُلَّ يَومٍ: [و هر روز بعد از نماز صبح می‌گویی:]

«الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ» ثلاثاً وثلاثينَ، و«اللهُ أَكْبَرُ» أربعاً وثلاثين، وبعد صلاةِ المغربِ أيضاً.

وتَسْتَغْفِرُ اللهَ سبعين مرّةً بعد صلاةِ الْفَجْرِ وتُكْثِرُ مِنَ قَوْلِ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ

---

(۱) ابن صباغ، علی بن محمّد، **الفصول المهمّه**، ص ۲۰۶.

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»[۱].

جهت دفع گرفتاری

وفيه عن الإمام أبي عبدالله عليه السلام قال: إذا عَسُرَ عَلَيْكَ فَصَلِّ عِنْدَ الزَّوَالِ رَكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الأُولىٰ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَقُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ وَإِنَّا فَتَحْنَا إِلَى قَوْلِهِ: وَيَنْصُرَكَ اللهُ نَصْراً عَزِيزاً، وَفِي الثانية بِفاتحةِ الكتابِ وقُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ وَأَلَمْ نَشْرَحْ[۲].

برای دفع درد دندان

وفيه عن بعض الفُضلاء والصّالحين لِوَجَعِ الضِّرْسِ وهذه الكَيْفِيَّةِ قد جَرَّبناها ونحنُ وغَيْرُنا مِنَ الْعُلَمَاءِ وَهِي إذا أَتاكَ السَّائِلُ فَاقْرَءِ الْبَسْمَلَةَ اثْنَي عَشَرَ مَرَّةً وَاسْأَلْهُ مِنْ اسمِ أُمِّهِ وَاقْرءِ الْبَسْمَلَةَ اثْنَي عَشَرَ مَرَّةً وَاسْأَلْهُ مِنْ اسمِ أَبِيهِ وَاقْرَءِ الْبَسْمَلَةَ اثْنَي عَشَرَ مَرَّةً وَاسْأَلْهُ مِنْ وَجَعِ الضِّرْسِ هَلْ هُوَ شبطيّ أو ضربان، واقْرَءِ البَسْمَلَةَ اثْنَي عَشَرَ مَرَّةً ثُمَّ مُرْهُ بِأَنْ يَضَعَ إِصْبَعَهُ عَلَى الضِّرْسِ الْمَوْجُوعِ وَاقْرَءْ هٰذِهِ الْعَوْذَةَ حَتَّى تَسْكُنَ وَهِيَ هٰذِهِ:

بعضی از بزرگان گفته‌اند برای درد دندان این دعا مجرّب است: شخصی که دندان او درد می‌کند هر وقت پیش تو آمد، بسم الله الرحمن الرحیم را دوازده مرتبه بخوان و نام مادر او را بپرس و دوازده مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم را بخوان و سپس نام پدرش را بپرس و دوازده مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم را بخوان، سؤال کن که درد دوام دارد یا مقطعی است، نیز دوازده مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم بخوان، بعد انگشت خود را به دندانی که درد می‌کند بگذارد و این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، أُسْكُنْ أَيُّهَا الضِّرْسُ الْمَضْرُوسِ فِي الْحَنَكِ الْمَغْرُوسِ فِي اللَّحْمِ الْمَحْبُوسِ بِقُدْرَةِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، اللهُ خَلَقَكَ وَفِي اللَّحْمِ أَنْبَتَكَ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ

---

(۱) نراقی، احمد بن محمّد مهدی، **خزائن**، ص ۴۳۴. ختم «لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» هفتاد هزار مرتبه به جهت مطالب و مقاصد عظیمه بسیار مجرّب است. همان، ص ۳۶۵.

(۲) همان، ص ۸۰. در اغلب کتب ادعیه بزرگان نوشته‌اند که این مجرّب است.

الْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسْفاً فَيَذَرُهَا قَاعاً صَفْصَفاً لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجاً وَلَا أَمْتاً أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هٰذِهِ اللهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللهُ مِائَةَ عَامٍ مُتْ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بِقُدْرَةِ مَنْ لَا يَمُوتُ»[۱].

دعای هنگام رفتن به‌سوی تعلّم و درس

شیخ زین الدین علیه الرحمه در **منیة المرید** روایت کرده از رسول خدا ﷺ که در وقت بیرون رفتن برای درس این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ، وَأَزِلَّ أَوْ أُزَلَّ، وَأَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، وَأَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ، عَزَّ جَارُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ».

پس بگوید:

«بِسْمِ اللهِ حَسْبِيَ اللهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ ثَبِّتْ جَنَانِي وَأَدِرِ الْحَقَّ عَلَىٰ لِسَانِي»[۲].

و ادامه دهد ذکر خدا را تا مجلس درس، و اگر بعد از دعای اوّل بخواند:

«اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي، وَزِدْنِي عِلْماً، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلىٰ كُلِّ حَالٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ»[۳].

و بعد از درس دعا کند به این دعا؛ زیرا هر که با گروهی جمع شود و دعا کند، دعای او باید چنین باشد:

«اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتَكَ، وَمِنَ الْيَقِينِ مَا يُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبُ الدُّنْيَا. اللَّهُمَّ مَتِّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا

---

(۱) نراقی، احمد بن محمّد مهدی، **خزائن**، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

(۲) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **منیة المرید**، ص ۹۶.

(۳) همان، ص ۹۹ و ۱۰۰.

مَا حَيِيْتَنَا وَاجْعَلْه الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلىٰ مَنْ ظَلَمَنَا وَانْصُرْنَا عَلىٰ مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ دُنْيَانَا أَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا [بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ]» (۱).

برای رفع تنگی معیشت، مکاره و امراض

بعضی علما ذکر کرده‌اند که از برای تنگی معیشت بگوید: «**حَسْبِيَ اللهُ**» صد و چهل و شش مرتبه.

و از برای دفع شرّ هر مکروهی در دنیا و آخرت بگوید: «**اعْتَصَمْتُ بِاللهِ**» هزار و نود و نه مرتبه.

کفعمی علیه الرحمه در **مصباح** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: هرکس مرضی داشته باشد به اخلاص بگوید:

﴿ **وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ** ﴾ (۲).

و دست خود را بر موضع علّت بکشد شفا یابد (۳).

و از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت است که به‌جهت جمیع امراض بخواند بر آنها:

«**يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ الدَّاءِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْزِلْ عَلىٰ وَجَعِي الشِّفَاءَ**» (٤).

دعای جهت استشفا از مرض

و از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که: دعا نمی‌کند بنده به این کلمات از برای مرض مگر آنکه خداوند شفا بدهد آن مریض را اگر موت او مقدّر نباشد، آن کلمات

---

(۱) همان، ص ۱۰۰.

(۲) إسراء/۸۲.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱۵۲.

(٤) همان.

این است:

«أَسْأَلُ اللهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمَ أَنْ يَشْفِيَكَ» (۱).

جهت زیادتی حفظ

و در آن کتاب است که به‌جهت زیادتی حفظ بعد از نماز صبح هر روز پیش از تکلّم بگوید:

«يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ فَلَا يَفُوتُ شَيْئاً عِلْمُهُ وَلَا يَؤُودُهُ» (۲).

برای دفع کیک

و از برای دفع کیک چون به فراش خود رفت بگوید:

«أَيُّهَا الْأَسْوَدُ الوَثَّابُ الَّذِينَ لَا يُبَالُونَ بِغَلَقٍ وَلَا بَابٍ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِأُمِّ الْكِتَابِ أَنْ لَا تُؤْذُونِي وَأَصْحَابِي إِلىٰ أَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَئُوبَ الصُّبْحُ بِمَا آبَ» (۳).

و طبرسی در ***مجمع البیان*** از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که آیهٔ شریفهٔ ﴿ **وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا** ﴾ (٤) تا آخر آیه بر قدحی بخواند و بگوید:

«إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللهِ فَكُفُّوا شَرَّكُمْ وَأَذَاكُمْ عَنَّا».

بعد آب را بر اطراف خود بپاشد (٥).

---

(۱) همان، ص ۱۵۲.

(۲) همان، ص ۱۹۹.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۰۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۷۱؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۲۸۵، با اختلاف.

(٤) ابراهیم/۱۲.

(٥) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۰۲؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ٥ - ٦، ص ٤٧١.

جهت دفع ضرر عقرب و هر حیوان موذی

در *کافی*، *مفتاح الفلاح* بهائی و غیرهما روایت کرده‌اند از حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام که: اگر بگوید این را، من ضامنم که عقرب و هیچ حیوانی ضرر نرساند او را تا صبح:

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۱).

در بیان اذکار و ادعیهٔ در وقت خواب

در کتاب *مجمع البیان* روایت کرده از انس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که: هرکس آیهٔ ﴿ **شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ** ﴾ (۲) را که در سورهٔ آل عمران است در وقت خواب بخواند خداوند خلق فرماید از آن، هفتاد هزار خلق را که استغفار کنند از برای او تا روز قیامت (۳).

جهت ادای قرض

و از معاذ بن جبل روایت کرده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بخواند ﴿ **قُلِ اللَّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ** ﴾ (٤) تا ﴿ **بِغَيْرِ حِسَابٍ** ﴾ (٥) که در همین سوره است و بعد بگوید:

«يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا تُعْطِي مِنْهُمَا مَا تَشَاءُ وَتَمْنَعُ مِنْهُمَا مَنْ تَشَاءُ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي».

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۷۰ و ۵۷۱؛ شیخ بهائی، محمّد بن الحسن، **مفتاح الفلاح**، ص ۲۲۱.

(۲) آل عمران/۱۸.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مجمع البیان**، ج ۱ ـ ۲، ص ۷۱۷.

(٤) آل عمران/۲٦.

(٥) آل عمران/۲۷.

که اگر به اندازهٔ روی زمین از طلا قرض داشته باشد خداوند تعالی آن را ادا می‌فرماید[۱].

و از برای قرائت سورهٔ مبارکه حمد، آیة الکرسی، ﴿**شَهِدَ اللهُ**﴾ و ﴿**قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ**﴾ بعد از هر نماز فریضه ثواب عظیم روایت کرده‌اند.

در بیان فوائد مواظبت بر خواندن اشعار حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام

از یافعی در ***ریاض الریاحین*** نقل شده که سلطانی جوهر گران قیمتی به یکی از غلامان خود داده بود آن را شکسته بود و کمال خوف داشت، مواظبت بر این اشعار امیرالمؤمنین علیه‌السلام داشت، کسی بیرون آمد گفت: سلطان می‌گوید: زود جوهر را خُرد کرده و ساییده بیاور؛ به‌جهت آنکه طبیب معالجه به آن کرده، و مکرّر برای رفع مکروه و قضای حوائج تجربه شده:

وَكَمْ لِلَّهِ مِنْ لُطْفٍ خَفِيٍّ	**يَدُقُّ خِفَاهُ عَنْ فَهْمِ الزَّكِيِّ**
وَكَمْ يُسْرٍ أَتىٰ مِنْ بَعْدِ عُسْرٍ	**وَفَرَّجَ كُرْبَةَ الْقَلْبِ الشَّجِيِّ**
وَكَمْ أَمْرٍ تُسَاءُ بِهِ صَبَاحاً	**وَتَأْتِيكَ الْمَسَرَّةُ بِالْعَشِيِّ**
إِذَا ضَاقَتْ بِكَ الأَحْوَالُ يَوماً	**فَثِقْ بِالْوَاحِدِ الْفَرْدِ الْعَلِيِّ**
تَوَسَّلْ بِالنَّبِيِّ فَكُلُّ خَطْبٍ	**يَهُونُ إِذا تُوُسِّلَ بِالنَّبِيِّ**
وَلَا تَجْزَعْ إِذَا مَا نَابَ خَطْبٌ	**فَكَمْ لِلَّهِ مِنْ لُطْفٍ خَفِيٍّ**
وَبِالْمَوْلَى الْعَلِيِّ أَبي تُرَابٍ	**وَبِالنُّورِ الْبَهِيِّ الْفَاطِمِيِّ**
وَبِالأَطْهَارِ أَهْلِ الذِّكْرِ حَقّاً	**سُلَالَةَ أَحْمَدَ وُلْدِ الْوَصِيِّ**

و در ***صحیفه علویّه*** آورده که آن حضرت این اشعار را در نزد هر شدّتی می‌خواندند و آن را تا «الفرد العليّ» ذکر کرده[۲].

---

(۱) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۵۲۵؛ همو، **مصباح**، ص ۱۷٤.

(۲) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۲۷۷.

در خواصّ نقشی که اسم اعظم است

از شیخ طبرسی نقل شده که بر سنگی یافته‌اند که نقش بود بر آن مضمون اشعاری که در دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و بر آن سنگ بود که این اسم اعظم است و با خود داشتن آن به‌جهت حفظ از بلیّات و آفات و قضای حوائج مجرّب است، و از اشعار صورت نقش معلوم است و آن این است :

ثَلَاثُ عِصِيٍّ صُـفِّفَتْ بَـعْدَ خَـاتَمٍ ... عَلَى رَأْسِهَا مِـثْلُ السِّـنانِ المُـقَوَّمِ
وَمِـيمٌ طَـمِيسٌ أَبْـتَرٌ ثُـمَّ سُـلَّمٌ ... إلیٰ كُـلِّ مَأْمُـولٍ وَلَـيْسَ بِسُـلَّمِ
وَأَرْبَـعَةٌ مِـثْلُ الأَصَـابعِ صُـفِّفَتْ ... يُشيرُ إِلَى الْخَيْرَاتِ مِنْ غَيْرِ مِعْصَمِ
وَهَـاءُ شَـقيق ثُـمَّ واو مُـقَوَّسٌ ... عَلَيْها إذا يَـبْدُو كَأُنْـبوبِ مَـحْجَمِ
فَيا حَامِلَ الاسم الَّذِي لَيْسَ مِـثْلَهُ ... تَـوَقَّ مِـنَ الأَسْـوَاءِ تُـنْجَ وَتُسْـلَم
فَـذٰلِكَ اِسْـمُ اللهِ جَـلَّ جَـلَالُهُ ... إِلَى كُلِّ مَـخْلُوقٍ فَـصِيحٍ وَمُعْجَمِ

وهذه صورته ✻ ۱۱ آ م ۱۱۱۱ هو [۱].

جهت هلاک دشمن

در *حیوة الحیوان* مسطور است که هرگاه سورهٔ فیل را بخواند در ده روز متوالی هر روز صد مرتبه که هزار مرتبه در ده روز بشود و قصد کند هلاک آن را که می‌خواهد و بنشیند روز دهم بر سر آب جاری بگوید :

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَاضِرُ الْمُحِيطُ بِمَكْنُونَاتِ السَّرائِرِ وَالضَّمَائِرِ، اللَّهُمَّ عَزَّ الظَّـالِمُ وَقَـلَّ النَّاصِرُ وَأَنْتَ الْمُطَّلِعُ الْعَالِمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَاناً ظَلَمَنِي وَآذَانِي وَلَا يَشْهَدُ بِذٰلِكَ غَيْرُكَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَالِكُهُ فَأَهْلِكْهُ، اللَّهُمَّ سَرْبِلْهُ سِرْبَالَ الْهَوانِ وَقَمِّصْهُ بِقَمِيصِ الرَّدىٰ، اللَّهُمَّ اقْصِفْهُ».

این کلمه اخیره را ده مرتبه بگوید و بعد بگوید :

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۳۱۱، اشعار در حاشیه همین صفحه است با اختلاف.

﴿فَأَخَذَهُمُ اللهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللهِ مِنْ وَاقٍ﴾ [1].

خداوند او را هلاک فرماید [2].

(۱) غافر / ۲۱.

(۲) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۰٤.

باب یازدهم:

در تعقیبات مختصره
که کمتر در کتب رایجه ذکر شده

و ابتدا کنیم به مشترکهٔ از آنها.

در بیان تعقیبات مشترکه

بدانکه افضل تعقیبات بعد از سه تکبیر، تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها و علی ابیها وبعلها وبنیها می‌باشد.

در فضیلت تسبیح زهرا علیهاالسلام

پس روایت است از رسول خدا صلی الله علیه و آله که: هرکه مواظبت کند بر آن در عقب هر نماز واجب، بهشت بر او واجب گردد[1].

و روایت است از حضرت صادق علیه السلام که: هرکه بگوید آن را پیش از آنکه پای خود را بگرداند بعد از فریضه، گناهان او آمرزیده شود[2].

و در ***مصباح الأنوار*** و جمله‌ای از کتب معتبره است که آن حضرت فرمود: تسبیح فاطمه سلام الله علیها در هر روز عقب هر نماز محبوب‌تر است در نزد خداوند عزّ وجلّ از هزار نماز در هر روز[3].

و شیخ مفید در **مقنعه** روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر پنج نماز واجب را ادا کنم بدون نوافل و در عقب هر نماز از فرائض، تسبیح زهرا علیهاالسلام را بگویم دوست‌تر دارم از آنکه بگزارم در شبانه‌روزی هزار رکعت و ترک کنم تسبیح

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۱۶۵.

(۲) همان.

(۳) همان، ص ۱۳۵؛ **نزهة الزاهد**، ص ۹۰.

زهرا علیهاالسلام را در بین آنها [۱].

در بیان فضیلت و خواص تسبیحات اربعه

و سیّد رضی الدین بن طاووس در ***فلاح السائل***، شهید در ***اربعین*** و دیگران روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله روزی به اصحاب خود فرمود: اگر جمع کنید آنچه دارید از جامه و آنیه [ظرف‌ها] و بالای یکدیگر بگذارید آیا به آسمان می‌رسد؟ گفتند: نه یا رسول الله. فرمود: آیا دلالت کنم شما را به چیزی که اصل آن در زمین باشد و سر او به آسمان برسد و در آن باشد؟ گفتند: بفرما یا رسول الله. فرمود: هرگاه از نماز واجب فارغ شوید بگویید سی مرتبه:

«سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ».

که اصل آن در زمین و فرع آن در آسمان است و برطرف می‌کند سوختن، غرق شدن، افتادن در چاه، خوردن درّندگان، مردن بد و هر بلایی را که در آن روز از آسمان نازل گردد [۲].

در فضیلت تسبیح تربت حضرت سیّدالشهدا علیه‌السلام

و اگر تسبیحی از تربت حضرت سیّدالشهدا علیه‌السلام باشد ثواب افضل است؛ چه به هر تسبیحی چهار صد حسنه به او دهند و چهارصد گناه از او محو نمایند، و چهارصد حاجت از او روا شود، و چهارصد درجه برای او بلند شود [۳].

بلکه در ***ذِکْرَی*** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: هرکه بوده باشد با او

---

(۱) مفید، محمّد بن محمّد بن النعمان، **مقنعه**، ص ۱٤۰.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۱٦٥؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۷٦؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۲٦، ح ٤؛ همو، **معانی الأخبار**، ص ۳۲٤، ح ۱.

(۳) نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرك الوسائل**، ج ٥، ص ٥٦.

تسبیحی از خاک قبر امام حسین علیه السلام، نوشته شود تسبیح کننده و هرچند نباشد تسبیح کننده[۱].

و در **بلد الأمین** روایت است که هرکه دور بدهد تربت امام حسین علیه السلام را و بگوید:

«سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ».

پس بنویسند برای او شش هزار حسنه، و محو کنند شش هزار گناه، و بلند کنند شش هزار درجه، و اذن بدهند او را در شفاعت به‌مثل و عدد اینها[۲].

در استحباب کبود بودن رنگ ریسمان تسبیح مذکور

و در **بحار** از حضرت صادق علیه السلام روایت است که: ریسمان تسبیح به رنگ کبود، و عدد آنها سی و چهار باشد[۳].

و در روایت دیگر، سی و سه دانه وارد است[۴].

در بیان دعای خضر

شیخ مفید در **أمالی** خود روایت کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام در موقعی که طواف می‌نمود مردی را دید که چسبیده بود به پردهٔ کعبه و می‌گفت:

«يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ السَّائِلُونَ، يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ، أَذِقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ».

امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: این دعای تو است؟ آن مرد عرض کرد: شنیدی آن را؟ فرمود: بلی. پس گفت آن مرد: بخوان آن را در عقب هر نماز؛ پس به‌خدا

---

(۱) شهید اوّل، محمّد بن مکی، **ذکری**، ص ۱۶۱، مسأله ۱۶؛ نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرک الوسائل** ج ۵، ص ۵۴ و ۵۵.

(۲) نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۵، ص ۵۵.

(۳) همان، ج ۵، ص ۵۶؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۵، ص ۳۴۱؛ تویسرکانی، محمّد نبی، **لئالئ الأخبار**، ج ۳، ص ۴۱۰ ـ ۴۱۲.

(۴) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۵، ص ۳۴۰.

قسم که نمی خواند آن را در عقب نمازها هیچ مؤمنی مگر آنکه آمرزیده شود گناهان او اگرچه به‌عدد ستاره‌های آسمان و قطره‌های باران و سنگریزه‌ها و خاک‌ها باشد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: به‌درستی که علم آن در نزد من است. آن مرد گفت: راست فرمودی یا امیرالمؤمنین، ﴿ **وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ** ﴾ [1]؛ یعنی تو از من داناتری، و آن مرد خضر علیه‌السلام بود [2].

برای زیادتی قوّهٔ حافظه

در ***فلاح السائل*** روایت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: هرگاه بخواهی که هرچه بشنوی و بخوانی حفظ کنی، پس این دعا را در عقب هر نماز بخوان:

«سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَىٰ أَهْلِ مَمْلِكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُوراً وَبَصَراً وَفَهْماً وَعِلْماً إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [3].

در بیان ثواب بعضی از تعقیبات

در ***کنز الفوائد*** کراجکی روایت است که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله این را بعد از هر نماز می‌خواندند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَنَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هٰؤُلَاءِ الْأَرْبَعِ» [4].

---

(۱) یوسف /۷٦.

(۲) مفید، محمّد بن محمّد بن النعمان، **أمالی**، ص ۹۲، مجلس ۱۱، ح ۱.

(۳) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۱٦۸.

(٤) کراجکی، محمّد بن علی، **کنز الفوائد**، ج ۱، ص ۳۸۵؛ نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۵، ص ٦۹ و ۷۰.

در ***اعلام الدین*** دیلمی روایت است از رسول خدا ﷺ که: هرگاه بخواند سه آیه از سورهٔ روم و یک آیه از آخر والصافّات و این دعا را در عقب هر نماز فریضه و نافله ، عطا شود حسنات به عدد ستاره‌ها ، قطرات باران ، برگ درختان و خاک زمین ، و هرگاه بمیرد هر حسنه‌ای ده حسنه در قبر او داخل شود :

﴿ فَسُبْحَانَ اللهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ وَعَشِيّاً وَحِينَ تُظْهِرُونَ ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ ﴾ [۱] **﴿ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَسَلاَمٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾** [۲].

برای زیادتی عمر

و از برای زیادتی عمر در عقب هر نماز بگوید :

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، اللَّهُمَّ إِنَّ الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَلَا تَسُؤْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي» [۳].

پس هرگاه بخواهی اسامی دوستان خود را به تفصیل یاد کن ، و اگر بخواهی همان اجمال «أحبّتي» کافی است .

ابو محمّد هارون بن موسی تلعکبری فرمود : شخصی این دعا را می‌خواند و یکصد و بیست و هشت سال به‌خوبی عمر کرد تا از زندگی دلتنگ شد؛ پس ترک آن کرد ، وفات یافت [٤].

---

(۱) روم/۱۷ ـ ۱۹.

(۲) دیلمی، حسن بن محمّد، **أعلام الدّين**، ص ۳۵۲و ۳۵۳، و آیه در سوره صافّات /۱۸۰ ـ ۱۸۲.

(۳) **نزهة الزاهد**، ص ۹٦.

(٤) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۱٦۸.

و ابن طاووس در ***فلاح السائل*** فرموده: صاحب دعا آن‌قدر عمر کرد که از حیات دلتنگ شد، و آن را از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده [۱].

و در ***مکارم الاخلاق*** روایت کرده که اگر بر آن مواظبت کند از اصحاب قائم علیه‌السلام باشد [۲].

برای محافظت نفس، منزل، اولاد و مال

و در کتاب ***مکارم الاخلاق***، ***کافی***، ***مصباح*** و ***مقباس*** از آن حضرت روایت کرده‌اند که هرکه بگوید این کلمات را در نزد هر نماز واجب، حفظ شود در نفس، منزل، اولاد و مال خود:

«أُجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَدَارِي وَكُلَّ مَا هُوَ مِنِّي بِاللهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، وَأُجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَكُلَّ مَا هُوَ مِنِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» تا آخر سوره **«وَبِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ»** تا آخر سوره **«وَبِاللهِ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»** تا آخر که **«وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»** است و بهتر تا **«هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»**، چنانچه علّامه مجلسی نیز در ***مقباس المصابیح*** فرموده [۳].

دعای حضرت یوسف علیه‌السلام

در **مکارم** و بسیاری از کتب معتبره روایت است که جبرئیل علیه‌السلام به حضرت یوسف علیه‌السلام در زندان گفت که بگو در عقب هر نماز:

«اللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۱۶۸.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۳۵.

(۳) همان، ج ۲، ص ۳۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۴۹، ح۸؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۲۸، ح۹۶۱.

أَحْتَسِبُ» (۱).

بیان بعضی از تعقیبات دیگر

و روایت کرده که بگویید در عقب هر فریضه :

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، حَسْبِيَ اللهُ لِدِينِي، وَحَسْبِيَ اللهُ لِدُنْيَايَ، وَحَسْبِيَ اللهُ لِآخِرَتِي، وَحَسْبِيَ اللهُ لِمَا أَهَمَّنِي، وَحَسْبِيَ اللهُ لِمَنْ بَغىٰ عَلَيَّ، وَحَسْبِيَ اللهُ عِنْدَ مَسْأَلَةِ الْقَبْرِ، وَحَسْبِيَ اللهُ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَحَسْبِيَ اللهُ عِنْدَ الْمِيزانِ، وَحَسْبِيَ اللهُ عِنْدَ الصِّرَاطِ، وَحَسْبِيَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (۲).

در **بلد الامین** فرموده پس بگو :

«رَضِيتُ بِاللهِ رَبّاً وَبِالْإِسْلَامِ دِيناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيّاً، وَبِعَلِيٍّ إِمَاماً، وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسىٰ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَمُحَمَّدٍ الْخَلَفِ الصَّالِحِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَئِمَّةً وَسَادَةً وَقَادَةً بِهِمْ أَتَوَلّىٰ وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّأُ» (۳).

به‌جهت خلاص شدن محبوس

و می‌گویی :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ» (٤).

پس کفعمی در **حاشیه بلد الامین** و سیّد ابن طاووس فرموده‌اند که این دعا مستجاب است و محبوس هرگاه سه مرتبه بخواند خلاص می‌شود و مکرّر تجربه یافته. و از **شرح فاکهانی** روایت کرده که رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمود : هیچ دعایی

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۳۳.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۵۳ ؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۳٦ ؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۱۳.

(۳) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۱۳.

(٤) همان ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ۵۱.

محبوب‌تر از این دعا در نزد حق تعالی نیست .

و ایضاً در **حاشیه** از برای گفتن این چهار کلمه آینده ، ثواب بسیار ذکر کرده :

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ ، وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ ، وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَأَنْـزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ» (۱) .

برای عافیت از پریشانی ، دیوانگی ، خوره و انواع بلاها

سیّد ابن طاووس ، مجلسی و دیگران روایت کرده‌اند که هرکه بعد از تسبیح زهرا علیهاالسلام این دعا را بخواند حق تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد تا یک‌سال عافیت بیند از پریشانی ، فقر ، دیوانگی ، خوره ، پیسی ، مرگ بد و هر بلایی ، و نوشته شود برای او بهشت ، و اگر سالی یک مرتبه بخواند این ثواب برای او خواهد بود :

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ ﴿إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً﴾ (۲) **لَبَّيْكَ رَبَّنَا لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَّا لَهُمْ وَالْإِيمَانَ بِهِمْ وَالتَّصْدِيقَ لَهُمْ ، رَبَّنَا وَصَدَّقْنَا وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَآلَ الرَّسُولِ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ .**

اللَّهُمَّ صُبَّ عَلَيْنَا الرِّزْقَ صَبّاً صَبّاً بَلَاغاً لِلْآخِرَةِ عَلَيْنَا وَالدُّنْيَا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكَدٍ وَلَا مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا سَعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَطَيِّباً مِنْ وُسْعِكَ مِنْ يَدِكَ الْمَلْأَىٰ عَفَافاً لَا مِنْ أَيْدِي لِئَامِ خَلْقِكَ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

اللَّهُمَّ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي ، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي ، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي ، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي ، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي ، وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَىٰ لِسَانِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي .

اللَّهُمَّ لَا تَجِدْنِي حَيْثُ نَهَيْتَنِي ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِي ، وَارْحَمْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي إِنَّكَ

---

(۱) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۹؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ٤٥.

(۲) احزاب / ٥٦.

عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»[(۱)].

دعای حضرت صادق علیه السلام برای تحصیل سعادت

ابن طاووس در *فلاح السائل* می‌فرماید : از مهمّات است برای تحصیل سعادات ، اقتدا نمودن به حضرت صادق علیه السلام در آنچه ذکر می‌کنیم از دعوات ؛ پس روایت کرده از آن حضرت که روزی دیدم که پدرم تصدّق فرمود بر فقرای مدینه به هشت هزار دینار و آزاد فرمود اهل بیتی را که یازده نفر بودند ، پس مرا به تعجّب آورد ، پدرم فرمود : آیا دلالت نکنم تو را به چیزی که هرگاه یک مرتبه به‌جای آوری در عقب هر نماز واجبی بهتر است از آنچه دیدی که کردم ، اگرچه به اندازهٔ عمر نوح انجام دهم آن را ، می‌گویی در عقب هر نماز :

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ كُلُّ هٰذَا قَلِيلٌ ، يَا رَبِّ وَعَدَدَ خَلْقِكَ وَمِلْءَ عَرْشِكَ وَرِضىٰ نَفْسِكَ وَمَبْلَغَ مَشِيَّتِكَ وَعَدَدَ مَا أَحْصىٰ كِتَابُكَ وَمِلْءَ مَا أَحْصىٰ كِتَابُكَ وَزِنَةَ مَا أَحْصىٰ كِتَابُكَ وَمِثْلَ ذٰلِكَ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً لَا تُحْصىٰ ، وَمِنَ التَّحْمِيدِ وَالتَّعْظِيمِ وَالتَّقْدِيسِ وَالثَّنَاءِ وَالشُّكْرِ وَالْخَيْرِ وَالْمَدْحِ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَأَضْعَافُ ذٰلِكَ وَعَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ وَعَدَدَ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ شَيْءٍ وَمِلْءَ ذٰلِكَ كُلِّهِ وَأَضْعَافَ ذٰلِكَ كُلِّهِ أَضْعَافاً لَوْ خَلَقْتَهُمْ فَنَطَقُوا بِذٰلِكَ مُنْذُ قَطُّ إِلَى الْأَبَدِ لَا انْقِطَاعَ لَهُ يَقُولُونَ كَذٰلِكَ وَلَا يَسْأَمُونَ وَلَا يَفْتُرُونَ أَسْرَعَ مِنْ لَحْظِ الْبَصَرِ وَكَمَا يَنْبَغِي لَكَ وَكَمَا أَنْتَ لَهُ أَهْلٌ وَأَضْعَافَ مَا ذَكَرْتُ

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۱۳۵ و ۱۳۷ ؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ٦ ؛ نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۵، ص ۷۵.

وَزِنَةَ مَا ذَكَرْتُ وَعَدَدَ مَا ذَكَرْتُ وَمِثْلَ جَمِيعِ ذٰلِكَ كُلُّ هٰذَا قَلِيلٌ يَا إِلٰهِي تَبَارَكْتَ وَتَقَدَّسْتَ وَتَعَالَيْتَ عُلُوّاً كَبِيراً يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، أَسْأَلُكَ عَلىٰ أَثَرِ هٰذَا الدُّعَاءِ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنىٰ وَأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ أَنْ تُعَافِيَنِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»[۱].

ذکر تعقیب دیگر برای محافظت

کلینی در **کافی** روایت کرده از حضرت صادق علیه‌السلام که: هرگاه بگوید عقب هر نماز واجب:

«أَستَوْدِعُ اللهَ الْعَلِيَّ الْأَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ نَفْسِي ومَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ، أَسْتَوْدِعُ اللهَ نَفْسِي الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ».

حفظ کند آن را جبرئیل در بالی از بال‌های خود و محفوظ باشد در نفس، اهل و مال خود[۲].

ایضاً تعقیب دیگر

کفعمی، ابن باقی، **بحار** مجلسی، ***مستدرک الوسائل*** و شیخ شهید روایت کرده‌اند که هرکه اراده کند که خداوند عزّ وجل او را مطّلع نفرماید بر اعمال قبیحهٔ او و نامهٔ عمل او نشر نشود باید این دعا را در عقب هر نماز بخواند:

«اللّٰهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجىٰ مِنْ عَمَلِي، وَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي. اللّٰهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيماً فَعَفْوُكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي. اللّٰهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ فَرَحْمَتُكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي، لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[۳].

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ١٦٩ و ١٧٠.

(۲) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥٢٣.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۰؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۳، ص ۳۷ و ۳۸؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ٥، ص ٨٤.

دعا برای نیکی عاقبت

شیخ صدوق در **فقیه** روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه السلام که: هرکه بخواهد که از دنیا خالص و پاکیزه برود و کسی از او مظلمه‌ای طلب نکند باید در عقب نمازهای پنج‌گانه سورهٔ «قُل هو اللهُ أحد» را دوازده مرتبه بخواند، پس پهن کند دو دست خود را یعنی بگشاید و این دعا را که از دعاهای مخفیّه است که به هرکسی تعلیم نمی‌دهند یا از دعاهای اختیار شده است بنا بر نسخه‌ای، بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا، وَيَا مُطْلِقَ الأُسَارىٰ، يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِناً وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ سَالِماً وَأَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحاً وَأَوْسَطَهُ نَجَاحاً وَآخِرَهُ صَلَاحاً إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ».

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که این دعا را رسول خدا صلی الله علیه و آله به من تعلیم داد و مرا امر کرد که تعلیم دهم آن را به حسن و حسین علیهما السلام [(۱)].

ایضاً تعقیب دیگر

و در ***فقه الرضا*** علیه السلام مسطور است که هرگاه فارغ شدی از نماز دو دست خود را بلند کن و سه مرتبه تکبیر بگو در حالتی که نشسته باشی و بگو:

«لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» [(۲)].

---

(۱) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۲۴، ح۹۴۹؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، ج ۲، ص ۱۰۸، ح ۴۱۰؛ **نزهة الزاهد**، ص ۹۲؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۳۰.

(۲) **فقه الرضا** علیه السلام، ص ۱۱۵ با کمی اختلاف.

در بیان تعقیبات مشترکه

و تسبیح حضرت زهراعلیهاالسلام را بخوان و آن سی و چهار تکبیر است و سی و سه تسبیح و سی و سه تحمید، پس بگو:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ آلِ طٰهٰ وَيٰسٓ» (۱).

و بعد از آن دعا می‌کنی برای هرچه بخواهی و می‌گویی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلَكَ مُحَمَّدٌ وَآلُهُ وَأَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ كُلِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَآلُهُ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (۲).

مؤلّف گوید: اگر چنانچه آیهٔ شریفهٔ ﴿**سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ**﴾ (۳) را در آخر تعقیبات نیز بگوید به احادیث دیگر نیز عمل کرده؛ چه صدوق در **فقیه** روایت کرده که هرکه آخر قول او این باشد ثواب او از همه بیشتر باشد و به‌عدد هر مُسمّی یک حسنه به او دهند. و در آخر هر مجلس نیز روایت شده استحباب آن (٤).

و شیخ مفید در **مقنعه** فرموده: کمتر چیزی که کفایت می‌کند در تعقیب فریضه آن است که بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ.

---

(۱) همان.

(۲) همان.

(۳) صافات/۱۸۰.

(٤) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۳۳؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، ج ۲، ص ۱۰۷، ح ۴۰۷؛ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۹۴۸.

وَأَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ» (۱).

دعا و اذکار در سجدهٔ شکر

و کفایت می‌کند در سجدهٔ شکر آنکه بگوید در سجدهٔ اول «**شکراً شکراً شکراً لِلّٰهِ**» و بگوید در تعفیر یعنی گذاردن طرف صورت را بر موضع سجود مثل آن را، و در سجدهٔ دوم مثل آن را (۲).

کفعمی از **عُدّهٔ** ابن فهد حلّی روایت کرده که هرگاه بگوید این دعا را هر روز در عقب فریضه پیش از آنکه بگرداند پای خود را نوشته شود برای او چهل و پنج هزار هزار حسنه، و محو شود از او چهل و پنج هزار هزارگناه، و بلند شود برای او چهل و پنج هزار هزار درجه، و بوده باشد مثل کسی که قرائت کند قرآن را دوازده هزار مرتبه در آن روز، و بنا کند برای او خانه‌ای در بهشت، این است:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلٰهاً وَاحِداً أَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً» (۳).

و روایت شیخ صدوق در ***ثواب الاعمال*** و **توحید** چنین است در ثواب، و ندارد که در عقب نماز باشد، و البتّه هرگاه آن را در عقب نماز قرار بدهد افضل است (٤).

در استحباب بلند کردن دست‌ها را بالای سر بعد از فراغ از نماز

و بدانکه علّامه در **تحریر**، شهید در **نفلیّه** و**دروس** و دیگران فرموده‌اند مستحب است بعد از فراغ از نماز بلند کردن دست‌ها را بالای سر و انصراف از طرف راست

---

(۱) مفید، محمّد بن محمّد بن النعمان، **مقنعه**، ص ۱۳۹، باب ۱۰.

(۲) همان، ص ۱٤۰.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲٤؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲٦۲.

(٤) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۲۲ و ۲۳؛ همو، **توحید**، ص ۳۰.

مُصلّی ، و مراد به اوّل آن است که بعد از فراغ از تعقیب و ارادهٔ انصراف که دو دست را گشوده بلند کند به جهت ابتهال و تضرّع تا آنکه از محاذی سر بگذرد ، چنانچه مستفاد از اخبار است ، و علّامه فهمیده که به جهت تبرّکی بر سرگذارد .

و مجلسی اوّل در ***حديقة المتّقين*** فرموده : و اگر کسی وضو نگاه دارد او را تعقیب کننده می‌نویسند .

و چنین است در صلاة **بحار** از معاوية بن وهب روایت است که گفت : در کتب پدر خود دیدم به‌خطّ مولای ما موسی بن جعفر صلوات الله علیهما که از واجب حقّ ما بر شیعیان ما آن است که نگردانند پای خود را بعد از نماز فریضه تا آنکه بگویند :

«اللَّهُمَّ بِبِرِّكَ الْقَدِيمِ وَرَأْفَتِكَ، بِتَرْبِيَتِكَ اللَّطِيفَةِ وشَرَفِكَ، بِصَنْعَتِكَ الْمُحْكَمَةِ وَقُدْرَتِكَ، بِسَتْرِكَ الْجَمِيلِ وَعِلْمِكَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَحْيِ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ ، وَاجْعَلْ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَعُيُوبَنَا مَسْتُورَةً وَفَرَائِضَنَا مَشْكُورَةً وَنَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً وَقُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَنُفُوسَنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً وَعُقُولَنَا عَلىٰ تَوْحِيدِكَ مَجْبُورَةً وَأَرْوَاحَنَا عَلىٰ دِينِكَ مَفْطُورَةً وَجَوَارِحَنَا عَلىٰ خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً وَأَسْمَاءَنَا فِي خَوَاصِّكَ مَشْهُورَةً وَحَوَائِجَنَا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً، وَأَرْزَاقَنَا مِنْ خَزَائِنِكَ مَدْرُورَةً، أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، لَقَدْ فَازَ مَنْ وَالاكَ وَسَعِدَ مَنْ نَاجَاكَ ، وَعَزَّ مَنْ نَادَاكَ ، وَظَفَرَ مَنْ رَجَاكَ ، وَغَنِمَ مَنْ قَصَدَكَ ، وَرَبِحَ مَنْ تَاجَرَكَ

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي كَمَا تَعْلَمُ فَقْرِي إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ» [1].

در بیان تعقیبات مختصّه به نماز صبح

و امّا تعقیبات مختصّه ، پس آن نیز بسیار است و در ***مصابيح*** و ***مقباس المصابيح*** مجلسی ***شطر وافری*** مسطور است ، و از مهمّات آن این است :

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ٥٣ و ٥٤.

امّا صبح پس تأکید درتعقیب آن زیادتر است، و در خبر صحیح است که هرگاه یک ساعت بعد از نماز صبح و یک ساعت بعد از عصر خدا را یاد کند کفایت شود مهمّات او، و نشستن تا طلوع آفتاب در تعقیب، ثواب حجّ حضرت رسول صلی الله علیه و آله را دارد [۱].

و روایت است که ثواب آزاد کردن چهار بنده دارد [۲].

و نیز وارد است که ثواب آن، بهشت است، و بهتر است برای وسعت روزی از راه رفتن دو ماه در تجارت.

و حضرت امام رضا علیه السلام در خراسان بعد از نماز صبح مشغول تعقیب بودند تا طلوع آفتاب، پس کیسه‌ای می‌آوردند که در آن مسواک متعدّد بود و به هر کدام مسواک می‌کردند، و قدری کندر می‌جویدند، پس مصحف را می‌آوردند و از آن تلاوت می‌کردند [۳].

و از تعقیبات مختصّه آن است که هفتاد مرتبه بگوید: «**أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ**»؛ پس هفتاد هزار گناه او آمرزیده می‌شود [۴].

و شیخ طوسی در *أمالی* روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از نماز صبح صدا بلند می‌کردند و سه مرتبه می‌فرمودند:

«**اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَةً**».

و سه مرتبه:

«**اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دُنْيَاي الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ**

---

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ٦٩.

(۲) نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۵، ص ۵۹.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ٧٤؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ٦، ص ٤٦٠.

(٤) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۹۸؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۳، ص ۲۸۳.

إِلَيْهَا مَرْجِعِي» .

پس سه مرتبه :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نِقْمَتِكَ» .

پس سه مرتبه :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» [١].

و کلینی رحمه‌الله روایت کرده که هرکه بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید :

«مَا شَاءَ اللهُ كَانَ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» .

در آن روز مکروهی نبیند [٢].

و صدوق روایت کرده که هرکه بعد از نماز صبح یازده مرتبه سورهٔ «قُل هُوَ اللهُ أَحَدٌ» بخواند در آن روز گناهان او آمرزیده شود [٣].

و در ***بلد الامين*** و ***مقباس*** از حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که هر که هر روز سورهٔ «قُل هُوَ اللهُ أَحَدٌ» را ده مرتبه بخواند در آن روز هرچه شیطان سعی کند گناهی بر او نوشته نشود .

و هرکه بعد از نماز صبح چهل مرتبه این دعا را بخواند ـ و به روایتی سی مرتبه ـ علّت و مرض او زائل شود ، و نود و نه نوع بلا از او دفع گردد .

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» [٤].

---

(١) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی**، ص ١٥٨ ، مجلس ٦ ، ح١٧ .

(٢) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٢، ص ٥٣٠ .

(٣) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ١٥٧ .

(٤) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ٥٥ .

و بعضی به‌جای «تبارك الله أحسن الخالقين» ، «حَسْبُنَا اللّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (۱) را آورده‌اند ، و جمع میان هر دو خوب است (۲).

در **مقباس** از **اختیار** سیّد ابن باقی روایت است که هرکه هر صبح و شام بگوید : «رَضِيتُ بِاللهِ رَبّاً» خدا در قیامت او را راضی گرداند (۳).

قطب راوندی روایت کرده که رسول خدا ﷺ بعد از نماز صبح می‌گفت :

«اللَّهُمَّ مَتِّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي ، وَأَرِنِي ثَارِي فِي عَدُوِّي» (٤).

عیّاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هرگاه این دعا را در عقب صلاة صبح بخواند دَیْن او ادا شود و حال او به وسعت بگذرد :

«تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ وَمِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَالسُّقْمِ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَإِلَى النَّاسِ» (۵).

در **بلد الامین** و **بحار الانوار** روایت است از حضرت رسول ﷺ که به مردی فرمود : هرگاه صبح و شام کنی ده مرتبه بگو :

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً» .

و آن مرد سه روز این را گفت ، فقر و مرض از او زائل شد (٦).

---

(۱) نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرك الوسائل**، ج ۵، ص ۹۱ و ۹۲.

(۲) حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ۷، ص ۲۲۵.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۲۵.

(٤) قطب راوندی، سعید بن هبة‌الله، **دعوات**، ص ۸۲؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ۱۳۰.

(۵) عیّاشی، محمّد بن مسعود، **تفسیر عیّاشی**، ج ۲، ص ۳۲۰.

(٦) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۵۲؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**،

مؤلّف گوید: چون جمله‌ای از دعاهای وقت صبح گذشت، اینجا به این جمله اکتفا باشد.

در بیان تعقیبات مختصهٔ به نماز ظهر

و امّا تعقیب ظهر، پس دعای ***بیت المعمور*** گذشت، و در ***سرائر*** روایت کرده که صلوات بر نبی و آل آن حضرت صلی الله علیه و آله در بین ظهر و عصر معادل است با هفتاد رکعت[1]. و در نسخهٔ حقیر از **سرائر** و **بحار** مقیّد به جمعه نیست.

در ***فلاح السائل*** و **بحار** روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام در تعقیب نماز ظهر این دعا را می‌خواندند:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، وَلَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ، وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ، وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الأَمْرُ كُلُّهُ؛ عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ، وَأَنْتَ مُنْتَهَى الشَّأْنِ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ غُفْرَانِكَ بَعْدَ عَظَمَتِكَ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ، مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، مُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰوَاتٍ، مُعْطِيَ السُّؤُلَاتِ، وَمُبَدِّلُ السَّيِّئَاتِ، وَجَاعِلُ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ، وَالْمُخْرِجُ إِلَى النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرُ الذَّنْبِ وَقَابِلُ التَّوْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذُوالطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشىٰ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلّىٰ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الآخِرَةِ وَالأُولىٰ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ، وَلَكَ الْحَمْدُ

← ج ۸٦، ص ۲۵۷؛ برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۴۳.

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ۷۵؛ ابن ادریس، محمّد بن احمد، **مستطرفات السرائر**، ص ۵۷۷.

عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَغُرُوبِهَا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ نِعَمِكَ الَّتِي لَا تُحْصىٰ عَدَداً وَلَا تَنْقَضِي مَدَداً سَرْمَداً.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِيمَا مَضىٰ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِيمَا بَقِيَ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ أَمْرٍ، وَعُدَّتِي فِي كُلِّ حَاجَةٍ، وَصَاحِبِي فِي كُلِّ طَلِبَةٍ، وَأُنْسِي فِي كُلِّ وَحْشَةٍ، وَعِصْمَتِي عِنْدَ كُلِّ هَلَكَةٍ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَسِّعْ لِي فِي رِزْقِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي، وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لِي ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا غَمّاً إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا سُقْماً إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا دَيْناً إِلَّا قَضَيْتَهُ، وَلَا خَوْفاً إِلَّا آمَنْتَهُ، وَلَا حَاجَةً إِلَّا قَضَيْتَهَا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[1].

در بیان تعقیب صلاة عصر

و امّا تعقیب صلاة عصر، پس در **بحار** و **مصابیح** مسطور است.

و درکتب اخبار از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده که: هرکه بعد از عصر استغفار کند هفتاد مرتبه، بیامرزد خدای تعالی هفتصد گناه او را[2].

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۱۷۲ و ۱۷۳؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۶، ص ۶۴ و ۶۵.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۱۹۸ و ۱۹۹؛ نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۵، ص ۹۷.

و در **مستدرك الوسائل** روايت است كه بيامرزد خداوند گناه هفتاد ساله او را[۱].

و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله مأثور است كه هرگاه بعد از عصر اين استغفار را بگويد يک مرتبه خداوند عزّ وجلّ امر فرمايد دو ملک را به از بين بردن نـامهٔ گـناهان او هرچه بوده باشد:

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ، ذَا الْجَلَالِ وَالإِكْـرامِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَلَا ضَرّاً وَلَا مَوْتاً وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُوراً»[۲].

و از امام محمّد تقى عليه السلام روايت است كه: هركه بخواند سورهٔ قدر را ده مرتبه بعد از نماز عصر براى اوست به هر مرتبه، ثواب عمل خلائق در آن روز[۳].

در **فلاح السائل**، **بحار** و **مقباس المـصابيح** روايت است كـه امـيرالمـؤمنين عليه السلام در تعقيب نماز عصر اين دعا را مى‌خواندند:

«سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْـعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللهِ بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ، سُبْحَانَ اللهِ بِالْعَشِيِّ وَالإِبْكَارِ، فَسُبْحَانَ اللهِ حِـينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ وَعَشِيّاً وَحِـينَ تُـظْهِرُونَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ وَالْجَبَرُوتِ، سُـبْحَانَ الْـحَيِّ الَّـذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ اللهِ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الأَعْلىٰ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالىٰ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ.

اللَّهُمَّ إِنَّ ذَنْبِي أَمْسىٰ مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ، وَخَوْفِي مُسْـتَجِيراً بِأَمْـنِكَ، وَفَـقْرِي أَمْسـىٰ

---

(۱) نورى طبرسى، ميرزا حسين، **مستدرك الوسائل**، ج ۵، ص ۹۸.

(۲) همان، ج ٦، ص ۱۸۳؛ مجلسى، محمد باقر بن محمد تـقى، **بحار الأنـوار**، ج ۸٦، ص ۸۲ و ۸۳؛ ابن طاووس، على بن موسى، **فلاح السائل**، ص ۲۰۱.

(۳) ابن طاووس، على بن موسى، **فلاح السائل**، ص ۱۹۹.

مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ، وَذُلِّي أَمْسىٰ مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَعَظُمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَجْهُكَ رَبَّنَا أَكْرَمُ الْوُجُوهِ، وَجَاهُكَ أَعْظَمُ الْجَاهِ، وَعَطِيَّتُكَ أَفْضَلُ الْعَطَاءِ، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَتُعْصىٰ فَتَغْفِرُ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ الضُّرَّ وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ وَتُغْنِي الْفَقِيرَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَلَا يُجَازِي آلَائَكَ أَحَدٌ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»[۱].

در *امالی*، ولد شیخ از امام رضا علیه‌السلام روایت کرده است که: بعد از نماز عصر استغفار کن هفتاد و هفت مرتبه تا آمرزیده شود گناهان هفتاد و هفت سالهٔ تو، و اگر هفتاد و هفت سال نداری از پدر و مادر تو، و اگر نه از اقربای دیگر تو[۲].

در تعقیب صلاة مغرب

و امّا مغرب، پس در **کافی** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت است که هرگاه سه مرتبه بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ».

خیر بسیاری عطا شود[۳].

وگذشت که در تعقیب صبح و مغرب هفت مرتبه بگوید:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

زیراکه ایمنی است از جذام، برص، جنون و هفتاد نوع از بلا، و نوشته شود از سعدا و صدّیقین[٤].

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۰۲.

(۲) طوسی، محمّد بن الحسن، **امالی**، ص ۵۰۸، مجلس ۱۸، ح۱۷؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ۱۹۸؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ٦، ص ٤٨٣.

(۳) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ٥٤٥.

(٤) همان، ج ۲، ص ۵۳۱؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۳۰.

ایضاً در **کافی** روایت است که بعد از نماز مغرب دست خود را بکشد بر جبهۀ خود و سه مرتبه بگوید:

«بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الْهَمَّ وَالْحُزْنَ» (١).

دعای بعد از نماز صبح و مغرب جهت ایمنی از درد چشم

و برای ایمنی از درد چشم و عافیت دنیا و آخرت بگوید بعد از نماز صبح و مغرب:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، واجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي» (٢).

و شیخ طوسی در **تهذیب** روایت کرده که هرگاه نماز مغرب را بخواند و قدری تعقیب به‌جای آورد و تکلّم نکند تا دو رکعت نماز نافله بخواند، نوشته شود در علّیّین، و هرگاه چهار رکعت نافله بخواند ثواب حجّ مقبول دارد، و آن در **ثواب الاعمال** صدوق، **وسائل الشیعه**، **أمالی** و کتب دیگر نیز مسطور است (٣).

در **مصباح کفعمی** است که بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالسَّلَامَةَ فِي كُلِّ إِثْمٍ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالرِّضْوَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ، وَجِوَارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَام. اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

---

(١) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ٢، ص ٥٤٩.

(٢) همان، ج ٢، ص ٥٥٠ با کمی اختلاف؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ٢٣١.

(٣) طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، ج ٢، ص ١١٣؛ ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ٤٦٩؛ همو، **أمالی**، ص ٤٦٩، مجلس ٨٦، ح ٤؛ همو، **من لا یحضره الفقیه**، ج ١، ص ٢٢١؛ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، ج ٦، ص ٤٨٨.

أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»[۱].

در *فلاح السائل* و **بحار** از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در تعقیب مغرب این دعا روایت شده است:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي مَا كَانَ صَالِحاً، وَأَصْلِحْ مِنِّي مَا كَانَ فَاسِداً. اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْنِي عَلىٰ فَسَادِ مَا أَصْلَحْتَ مِنِّي وَأَصْلِحْ لِي مَا أَفْسَدْتُهُ مِنْ نَفْسِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ بَدَنِي بِعَافِيَتِكَ، وَنَالَتْهُ يَدِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ، وَبَسَطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِسَعَةِ رِزْقِكَ، وَاحْتَجَبْتُ فِيهِ عَنِ النَّاسِ بِسِتْرِكَ وَاتَّكَلْتُ فِيهِ عَلىٰ كَرِيمِ عَفْوِكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَنَدِمْتُ عَلىٰ فِعْلِهِ وَاسْتَحْيَيْتَ مِنْكَ وَأَنَا عَلَيْهِ، وَرَهِبْتُكَ وَأَنَا فِيهِ ثُمَّ رَاجَعْتُهُ وَعُدْتُ إِلَيْهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ عَلِمْتُهُ أَوْ جَهِلْتُهُ، ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيتُهُ، أَخْطَأْتُهُ أَوْ تَعَمَّدْتُهُ، هُوَ مِمَّا لَا أَشُكُّ أَنَّ نَفْسِي مُرْتَهِنَةٌ بِهِ وَإِنْ كُنْتُ نَسِيتُهُ وَغَفَلْتُ عَنْهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ جَنَيْتُهُ عَلىٰ نَفْسِي بِيَدِي وَآثَرْتُ فِيهِ شَهْوَتِي أَوْ سَعَيْتُ فِيهِ لِغَيْرِي أَوِ اسْتَغْوَيْتُ فِيهِ مَنْ تَابَعَنِي أَوْ كَابَرْتُ فِيهِ مَنْ مَنَعَنِي أَوْ قَهَرْتُهُ بِجَهْلِي، أَوْ لَطُفْتُ فِيهِ بِحِيلَةِ غَيْرِي، أَوِ اسْتَزَلَّنِي إِلَيْهِ مَيْلِي، وَهَوَايَ.

اللَّهُمَّ أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ وَشَارَكَنِي فِيهِ مَا لَمْ يَخْلُصْ لَكَ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا عَقَدْتُهُ عَلَى نَفْسِي ثُمَّ خَالَفَهُ هَوَايَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ وَجُدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ الْبَاقِي الدَّائِمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِنُورِهِ السَّمٰوَاتُ وَالأَرْضُ، وَكَشَفْتَ بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَدَبَّرْتَ بِهِ أُمُورَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُصْلِحَ شَأْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[۲].

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۳۸.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۳۷ و ۲۳۸؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی،

در بیان تعقیب نماز عشا

و امّا تعقیب عشا ، پس در **مصباح** شیخ طوسی ، ***فلاح السائل*** وکتب بسیار است ، آنچه حضرت صادق عليه‌السلام تعلیم داد به مردی که شکایت از فقر و بی‌برکتی تجارت خود کرد که در عقب نماز عشا به تأنّی بدون عجله بخواند و به اندک مدّتی فقر آن مرد زائل شد :

«اللّٰهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي ، وَإِنَّما أَطْلُبُهُ بِخَطَراتٍ تَخْطُرُ عَلىٰ قَلْبِي ، فَأَجُولُ فِي طَلَبِهِ الْبُلْدانَ ، فَأَنَا فِيمَا أَنَا طالِبٌ كَالْحَيْرانِ ، لَا أَدْرِي أَفِي سَهْلٍ هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ ، أَمْ فِي أَرْضٍ أَمْ فِي سَمَاءٍ ، أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ ، وَعَلىٰ يَدَيْ مَنْ ، وَمِنْ قِبَلِ مَنْ ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ ، وَأَسْبابَهُ بِيَدِكَ ، وَأَنْتَ الَّذِي تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ ، وَتُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ . اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ يا رَبِّ رِزْقَكَ لِي وَاسِعاً ، وَمَطْلَبَهُ سَهْلاً ، وَمَأْخَذَهُ قَرِيباً ، وَلَا تُعَنِّنِي بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقاً فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَأَنَا فَقِيرٌ إِلىٰ رَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَجُدْ عَلىٰ عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» (۱).

در **بحار** و **فلاح** روایت است که هرگاه سورهٔ مبارکهٔ «إنّا أنزلناهُ في ليلةِ القدر» را بعد از نماز عشا هفت مرتبه بخواند در ضمان خدای تعالی باشد تا صبح کند (۲).

در ***کافی*** روایت است که بعد از عشائین بگوید :

«اللّٰهُمَّ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَمَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ ، وَمَقَادِيرُ الْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ وَمَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ ، وَمَقَادِيرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلَانِ ، وَمَقَادِيرُ الْغِنىٰ وَالْفَقْرِ .

اللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَفِي جَسَدِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي .

← **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۹٦ ؛ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۱٦۸ ؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲٥٦ و ۲٥۷ ؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ٦۲.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲٥۷ ؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۸٦، ص ۱۲٥.

اللَّهُمَّ ادْرَأْ عَنِّي فَسَقَةَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَالْجِنِّ وَالإِنْسِ وَاجْعَلْ مُنْقَلَبِي إِلىٰ خَيْرٍ دَائِمٍ وَنَعِيمٍ لَا يَزُولُ» (۱).

و در **فقیه** و **تهذیب** در بین عشائین دارد ، و اگر به هر دو عمل کند خوب است (۲).

در ***فلاح السائل*** ، **بحار** و ***مقباس المصابیح*** از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که بعد از نماز عشا این دعا را می‌خواندند :

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ ، وَاكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ ، وَاغْفِرْ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالإِكْرَامِ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ .

اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَجَمِيعِ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ نِعَمِكَ .

اللَّهُمَّ تَوَلَّنِي فِيمَا عِنْدَكَ مِمَّا غِبْتُ عَنْهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي فِيمَا حَضَرْتُهُ ، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ وَلَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ ، وَأَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَرَجاً قَرِيباً وَصَبْراً جَمِيلاً وَرِزْقاً وَاسِعاً وَالْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، الأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالأَمْوَاتِ .

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُكْثِرُ ذِكْرَكَ ، وَيُتَابِعُ شُكْرَكَ ، وَيَلْزَمُ عِبَادَتَكَ ، وَيُؤَدِّي أَمَانَتَكَ .

اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِسَانِي مِنَ الكِذْبِ ، وَقَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ ، وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ ، وَبَصَرِي مِنَ

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۵۴۶ ؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۳۵ .

(۲) ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱، ص ۳۲۶ ؛ طوسی، محمّد بن الحسن، **تهذیب**، ج ۲، ص ۱۱۵ .

الْخِيَانَةِ، إِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ.

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظَلَّتْ، وَرَبَّ الأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقَلَّتْ، وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَتْ، وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَأَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَ كُلِّ شَيْءٍ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَإِلٰهَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَتَوَلَّانِي بِرَحْمَتِكَ وَتَشْمِلَنِي بِعَافِيَتِكَ وَتُسْعِدَنِي بِمَغْفِرَتِكَ وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ فَقَرِّبْنِي، وَعَلىٰ حُسْنِ الْخُلْقِ فَقَوِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَفِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَاحْرُسْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي وَجَمِيعِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَاحْفَظْنِي، وَاغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِسَائِرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا وَلِيَّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا نِعْمَ الْمَوْلىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ بِرَحْمَتِكَ يَا رَحِيمُ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَوَاتُهُ عَلىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ» (۱).

شیخ طوسی و دیگران روایت کرده‌اند که مستحب است بعد از نماز عشا هریک از سوره حمد، توحید و معوّذتین را ده مرتبه بخواند و ده مرتبه بگوید:

«سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ».

و ده مرتبه:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

و سنّت است که این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَأَسْبِغْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَمَتِّعْنِي بِالْعَافِيَةِ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي فِي سَمْعِي وَبَصَرِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِ بَدَنِي، اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۸۶، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[۱].

و در کتاب **طبّ الأئمّه** علیهم‌السلام روایت است برای محافظت نفس و مال بعد از نماز عشا بگوید:

«أُعِيذُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلِ بَيْتِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ»[۲].

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **مصباح المتهجّد**، ص ۹۷ و ۹۸.

(۲) نیشابوری، عبدالله و حسین فرزندان بسطام، **طبّ الأئمّه** علیهم‌السلام، ص ۲۲۶.

باب دوازدهم:

در ذکر مقداری از مناجات‌ها، احراز و ادعیهٔ متفرقه

مناجات اوّل که مناسب است در قنوت‌ها خوانده شود

مناجات اوّل مناجاتی است که مناسب است در قنوت‌ها خوانده شود و آن را حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام در قنوت نماز فجر در مسجد بنی کاهل قرائت فرمودند:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنَسْتَهْدِيكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَنَشْكُرُكَ وَلَا نكفُرُكَ وَنَخلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يُنْكِرُكَ.

اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْكَ نَسْعىٰ وَنَحْفَدُ، وَنَرْجُو رَحْمَتَكَ وَنَخْشىٰ عذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ كَانَ بِالْكَافِرِينَ مُحِيطاً.

اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنَا فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنَا فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا أَعْطَيْتَ، وَقِنَا شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضىٰ عَلَيْكَ، إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، وَلَا يَعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ.

﴿ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْراً كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾ [۱].

مناجات دوّم ایضاً مناسب است در قنوت‌ها خوانده شود

مناجات دوم مناجاتی است که آن را شهید، صدوق و غیرهما از حضرت امام

---

(۱) نوری، میرزا حسین، **صحیفه علویّه ثانیه**، ص ۷٤؛ همو، **مستدرك الوسائل**، ج ٤، ص ٤٠١ و ٤٠٢؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۰، ص ٤٥٢ و ٤٥٣، و آیه در سوره بقره/۲۸٦.

زین العابدین علیه السلام روایت کرده‌اند و آن نیز مناسب است که در قنوتات خوانده شود:

«سَيِّدِي سَيِّدِي، هٰذِهِ يَدَايَ وَقَدْ مَدَدْتُهُمَا إِلَيْكَ بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً، وَعَيْنَايَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةٌ، وَحَقٌّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلاً أَنْ تُجِيبَهُ بِالْكَرَمِ تَفَضُّلاً.

سَيِّدِي، أَمِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ بُكَائِي أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ رَجَائِي.

سَيِّدِي، أَلِضَرْبِ الْمَقَامِعِ خَلَقْتَ أَعْضَائِي أَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي.

سَيِّدِي، لَوْ أَنَّ عَبْداً اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ لٰكِنِّي أَعْلَمُ أَنِّي لَا أَفُوتُكَ.

سَيِّدِي، لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ غَيْرَ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ، وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ.

سَيِّدِي، مَا أَنَا وَمَا خَطَرِي، هَبْ لِي بِفَضْلِكَ وَجَلِّلْنِي بِسَتْرِكَ، وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ.

إِلٰهِي وَسَيِّدِي ارْحَمْنِي مَصْرُوعاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي، وَارْحَمْنِي مَطْرُوحاً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي صَالِحُ جِيرَتِي، وَارْحَمْنِي مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِي، وَارْحَمْ فِي ذٰلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحْشَتِي وَغُرْبَتِي وَوَحْدَتِي. فَمَا لِلْعَبْدِ مَنْ يَرْحَمُهُ إِلَّا مَوْلَاهُ».

پس بگوید در سجود یا غیر آن:

«أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفَىٰ، وَجَدِيدُهَا لَا يُبْلَىٰ، وَعَطْشَانُهَا لَا يُرْوَىٰ»[1].

مناجات سوم

مناجات سوم اشعاری است از ابو نؤاس موافق با فقرات مأثوره از ائمّهٔ

---

(۱) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **امالی**، ص ۱۸۲، مجلس ۳۹، ح ۵؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۱۰۰، ص ۴۴۸.

هدی علیه‌السلام :

يَـا رَبِّ اِنْ عَـظُمَتْ ذُنُـوبِي كَـثْرَةً — فَـلَقَدْ عَـلِمْتُ بِأَنَّ عَـفْوَكَ أَعْـظَمُ
إِنْ كَـانَ لَا يَـرْجُوكَ إِلَّا مُـحْسِنٌ — فَمَنِ الَّذِي يَدْعُو وَ يَرْجُو الْمُجْرِمُ
أَدْعُـوكَ رَبِّ كَـمَا أَمَـرْتَ تَـضَرُّعاً — فَإِذَا رَدَدْتَ يَـدِي فَـمَنْ ذَا يَـرْحَمُ
مَـالِي إِلَـيْكَ وَسِـيلَةٌ إِلَّا الرَّجَـا — وَجَـمِيلَ عَـفْوِكَ ثُـمَّ إِنِّـي مُسْـلِمُ
يَـا مَـنْ عَـلَيْهِ تَـوَكُّـلِي وَكِـفَايَتِي — اِغْـفِرْ لِـيَ الزَّلَّاتِ إِنِّـي آثِـمُ (۱)

مناجات چهارم

مناجات چهارم ابن فهد در **عُدّه** نقل کرده :

يَـا مَـنْ يُـرْجىٰ لِـلشَّدائِـدِ كُـلِّها — يَـا مَـنْ إِلَـيْهِ الْـمُشْتَكىٰ وَالْـمَفْزَعُ
يَا مَنْ خَزَائِنُ مُلْكِهِ فِي قَـوْلِ كُـنْ — أُمْـنُنْ فَـإِنَّ الْـخَيْرَ عِـنْدَكَ أَجْـمَعُ
مَالِي سِوىٰ فَـقْرِي إِلَـيْكَ وَسِـيلَةٌ — بِـالْافْتِقَارِ إِلَـيْكَ فَـقْرِي أَدْفَـعُ
مَالِي سِوىٰ قَـرْعِي لِـبابِكَ حِـيلَةٌ — وَلَـئِنْ رُدِدْتُ فَأَيَّ بَـابٍ أَقْـرَعُ
وَمَنِ الَّذِي أَدْعُـو وَأَهْـتِفُ بِـاسْمِهِ — إِنْ كَانَ فَـضْلُكَ عَـنْ فَـقِيرٍ يَـمْنَعُ
حَاشَا لِـمَجْدِكَ أَنْ يُـقَنِّطَ عَـاصِياً — الْفَضْلُ أَجْزَلُ وَالْمَوَاهِبُ أَوْسَعُ (۲)

مناجات پنجم

مناجات پنجم مختصری است از مناجات طویل از شیخ ابراهیم کفعمی در مصباح :

إِلهِـي لَكَ الْـحَمْدُ الَّـذِي لَا نِـهَايَةَ — لَـهُ وَيُـرى كُـلَّ الأَحَـانِينَ بَـاقِيا
وَشُكْراً يَفُوتُ العَدَّ رِ الرَّمْلَ والحَـصىٰ — وَنَـجْمَ السَّـمَا وَالْـقَطْرَ ثُـمَّ الأَوادِيـا
فَأَنْتَ الَّـذِي أَطْـعَمْتَنِي وَسَـقَيْتَنِي — وَلَـوْلَاكَ كُـنْتُ الدَّهْـرَ غَـرْثَانَ ظَـامِيَا

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۳۸۲و ۳۸۳.

(۲) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۳۵.

وَأَنْتَ الَّـذِي أَعْـزَزْتَنِي بَـعْدَ ذِلَّـةٍ وَصَـيَّرْتَنِي بَـعْدَ الإذالة غَـالِيَا
وَأَنْتَ الَّـذِي لَـمّا دَعَـوْتُكَ مُـخْلِصاً بِـلا مِـرْيَةٍ حَـقّاً أَجَـبْتَ دُعَـائِيَا
وَفِـي أَحْسَنِ التَّـقْوِيمِ رَبِّ خَـلَقْتَنِي وَسَيَّرْتَ لِـي فِـي الْخَافِقِينَ مَسَاعِيَا
وَمِنْ بَعْدِ هٰـذا عَـنْ صِـرَاطِكَ سَيِّدِي تَـنَكَّبْتُ إِذْ أَلفـى لأَمْـرِكَ عَـاصِيَا
فَكَـمْ زَلَّـةٍ أَثْـبَتَّهَا فِـي صَـحَائِفِي وَكُـنْتُ بِـهَا أَوْجَ الْـمَعَاصِي رَاقِـيَا
وَكَـمْ مِـنْ عُـهُودٍ خُـنْتُهَا مُـتَعَمِّداً وَصِرْتُ بِهَا عَنْ قُـرْبِ عَـفْوِكَ قَـاصِيَا
وَكَمْ لَذَّةٍ مِنْ بَعْدِهَا النَّـارُ لَـمْ أَخَـفْ عَـوَاقِـبَهَا بَـلْ كُـنْتُ فِـيهَا مُـوَالِـيَا
وَكَـمْ مِـنْ هَـوىً تَـابَعْتُهُ فَأَضَـلَّنِي فَأَصْبَحْتُ مِنْ أَثْوَابِ سُخْطِكَ كَـاسِيَا
وَكَـمْ وَاجِبٍ ضَـيَّعْتُهُ يَـوْمَ شَـقْوَتِي وَعَزْمِي أَضْحىٰ فِي الْـمَعَازِفِ قَـاضِيَا
فَيا نَـفْسُ هَـلَّا اعْـتَبَرْتِ بِـمَنْ مَـضىٰ وَدوُرُهُـمْ لِـلْمَوْتِ أَمْسَتْ خَـوَالِـيا
فَـهُمْ بِـبُطُونِ الأَرْضِ أَضْـحَوا رَهَـائِنا مَـحَاسِنُهُمْ فِـيهَا يُـرَيْنَ بَـوَالِـيَا
وَكَـمْ مِـنْ مَـلِيكٍ قَـدْ تَـمَكَّنَ مُـلْكُهُ سَقَاهُ الرَّدىٰ كَأْساً مِـنَ الْـمَوْتِ ظَـامِيَا
فَمَا مَنَعَتْ عَنْهُ الصَّـيَاصِي الَّـتِي بَـنَىٰ وَلَا كَـانَ بِـالأَمْوَالِ لِـلنَّفْسِ فَـادِيَا
وَلَـمْ يُـغْنِ عَـنْهُ جَـمْعُهُ وَجُـنُودُهُ وَأَصْـبَحَ مِـنْهُ نَـاظِرُ الْـعَيْنِ خَـاسِيَا
إِلهِـي لَـئِنْ أَخْـطَأْتُ كُـلَّ طَـرِيقَةٍ فَـإِنِّي أَصَـبْتُ الْـخَوْفَ مِـنْكَ إِلهِـيَا
نَـزَلْتُ بِـبَابِ الْـعَفْوِ أَرْجُـو إِجَـارَةً فَـعُرْبُ الْـفَلَا تُـولِي النَّـزِيلَ الأَمَـانِيَا
وَأَنْتَ أَمَـرْتَ الضَّـيْفَ يُـقْرِيَ ضَـيْفَهُ فَكُـنْ لِـي بِـعَفْوٍ مِـنْكَ يَـا رَبِّ قَـارِيَا
أَقِـلْنِي أَجِـرْنِي أَجْـزِنِي يَـا مُـؤَمَّلِي مَكَارِمَكَ الْعُظْمىٰ فَقَدْ جِئْتُ رَاجِيَا[1]

مناجات ششم

مناجات ششم از شهيد اوّل محمّد بن مكّى عليه الرحمه است:

عَظُمَتْ مُصِيبَةُ عَبْدِكَ الْمِسكِينِ فِي نَوْمِهِ عَنْ مَـهْرِ حُـورِ الْـعِينِ

(۱) عاملى كفعمى، ابراهيم بن على، **مصباح**، ص ۳۷۹ ـ ۳۸۲. اشعار تقطيع شده است.

الأَوْلِيَاءُ تَمَتَّعُوا بِكَ فِي الدُّجىٰ بِـــتَهَجُّدٍ وَتَـــخَشُّعٍ وَحَــنِينِ
فَطَرَدْتَنِي عَنْ قَرْعِ بَابِكَ دُونَـهُمْ أَتَرىٰ لِعَظْمِ جَـرَائِـمِي سَـبَقُونِي
أَوْجَدْتَهُمْ لَمْ يُـذْنِبُوا فَـرَحِمْتَهُمْ أَمْ أَذْنَبُوا فَـعَفَوْتَ عَـنْهُمْ دُونِـي
إِنْ لَمْ يَكُنْ لِلْعَفْوِ عِنْدَكَ مَـوْضِعٌ لِلْمُذْنِبِينَ فَأَيْنَ حُسْنُ ظُنُونِي [1]

در بیان مناجات هفتم

مناجات هفتم شکسته بسته‌ای است که بر خاطر جامع رساله محمّد بـاقر بـن محمّد حسن نزیل البیرجند جاری شده موافق آنچه در ***سفینة القماش*** نوشته‌ام:

إِلهِـي لَكَ الْـمَجْدُ الْـقَدِيمُ المُـؤَثَّلُ وَأَنْتَ رَحِـــيمٌ بَـــاذِلٌ وَمُـــؤَمَّلُ
عَـصَيْتُكَ فِـي الأَعْـوَامِ وَالدَّهْـرِ كُـلِّهَا مَــضَى الْـعُمْرُ إِنِّـي غَـافِلٌ مُـتَجَهِّلُ
وَلَا شَكَّ أَنِّـي أَكْـثَرُ النَّـاسِ جُـمْلَةً ذُنُــوباً وَأَمْــطَارُ الْـخَطِيئَاتِ وُبَّــلُ
تَبِعْتُ هَوىٰ نَفْسِي وَأَفْسَـدْتُ سِلْعَتِي فَـوَاسَـوْأَتىٰ إِذْ كَـانَ فِـي الْقَبْرِ مَـنْزِلُ
إِلهِـي ذُنُوبِي أَظْـلَمَتْ كُـلَّ مَشْهَدِي وَلَـيْسَ لَـهَا فِـي غَـيْرِ عَـفْوِكَ مَـوْئِلُ
نَسِـيتُ سَـبِيلَ البِـرِّ وَالصَّـبْرِ وَالتُّـقىٰ فَمَاذَا الَّذِي أَصْـنَعُ إِذِ الْـعُضْوُ مَـفْصَلُ
وَمِنْ بَعْدِ ذِكْرِ الْـبَعْثِ أَمْسَـيْتُ جَـالِباً عَـلَيَّ رِكَـابَ السُّـوءِ هَـا أَنَـا مُـغْفِلُ
فَيَابُـؤْسَ فِـعْلِي كَـيْفَ نَـاسَيْتُ مَـوْقِفِي وَحُــزْنِي وَإِذْلَالِــي إِذَا كَــانَ فَـيْصَلُ
إِلهِـي أَذِقْـنِي مِـنْ حَـلَاوَةِ عَـفْوِكَ فَـــإِنِّي بِـصِدْقٍ خَـائِفٌ مُـتَنَصِّلُ
وَبَــذْلِ حِـلْمِكَ لِـلْعُصَاةِ تَشَـبُّثِي فَـــطُوبىٰ لِـــعَبْدٍ نَــادِمٌ مُـتَمَلْمِلُ
إِلهِـي وَكُـنْ لِـي فِـي الْـمَوَاقِـفِ كُـلِّهَا فَمَنْ مَرْقَدِي فِي مَعْشَرِ الْفَوْزِ أَخْـضَلُ
إِلهِي أَقِـفْنِي مَـوْقِفَ الْـمُحْسِنِ الَّـذِي صَــحِيفَتُهُ مِــنْ طَــاعَةِ الرَّبِّ مُـثْقَلُ
فَإِنِّي وَإِنْ فَـرَّطْتُ فِـي جَـنْبِ سَـيِّدِي عَـــلَيْهِ عِـــتَاقُ الْـعَالَمِينَ مُسَــهَّلُ
وَلِـــي حَــقُّ تَأْمِـيلٍ وَحُـبُّ مُـحَمَّدٍ وَذَنْـــبِي إِلىٰ عَــوْنِ النَّـبِيِّ مُـحَوَّلُ

---

(۱) حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، **أمل الآمل**، ج ۱، ص ۱۸۲.

رَجَـوْتُ بِـحُبِّ الآلِ نَـيْلَ حَـوائِـجي / وَشَـــرِّي بِـــخَلْطِ الطِّـينَتَيْنِ مُـعَلَّلُ
عَـلىٰ مُـبْغِضِيهِمْ كُـلَّ حِـينٍ لَـعائِنٌ / وَفِـي بُـغْضِهِمْ مِـنْ أَهْـلِ لُبٍّ تَـوَغُّلُ
وَهُمْ مَعْشَرُ الأَصْحابِ ذُخْرِي وَأُهْبَتِي / وَفِـي كُـلِّ ضِـيْقي هـابِهِمْ مُـتَوَسِّلُ

مناجات هشتم

و آن مشتمل است بر مطالب دنيا و آخرت ، و در اعمال مسجد كوفه ، در كتب مزار مسطور است :

«اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي الإِيمانِ بِكَ مَنّاً مِنْكَ عَلَيَّ لا مَنّاً مِنِّي عَلَيْكَ ، وَأَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الأَشْياءِ لَكَ لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَداً ، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكاً ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ فِي أَشْياءَ كَثِيرَةٍ عَلىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكابَرَةِ لَكَ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُـبُودِيَّتِكَ ، وَلَا الْـجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ ، وَلٰكِنِ اتَّبَعْتُ هَوايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَيَّ وَالْبَيانِ ، فَإِنْ تُـعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرُ ظالِمٍ ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي وَتَرْحَمْنِي فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يا كَرِيمُ .

اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي لَمْ يَبْقَ لَها إِلَّا رَجاءُ عَفْوِكَ وَقَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحِرْمانِ ، فَإِنِّي أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ ما لا أَسْتَوْجِبُهُ ، وَأَطْلُبُ مِنْكَ ما لا أَسْتَحِقُّهُ .

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ وَأَنَا أَنَا ، أَنْتَ الْعَوَّادُ بِالْمَغْفِرَةِ ، وَأَنَا الْعَوَّادُ بِالذُّنُوبِ ، وَأَنْتَ الْـمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ ، وَأَنَا الْعَوَّادُ بِالْجَهْلِ .

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ يا كَنْزَ الضُّعَفاءِ ، يا عَظِيمَ الرَّجاءِ ، يا مُنْقِذَ الْغَرْقىٰ ، يا مُنْجِيَ الْهَلْكىٰ ، يا مُمِيتَ الأَحْياءِ ، يا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ ، أَنْتَ اللهُ لا إِلٰـهَ إِلَّا أَنْتَ ، الَّـذِي سَجَدَ لَكَ شُـعاعُ الشَّمْسِ ، وَدَوِيُّ الْماءِ ، وَحَفِيفُ الشَّجَرِ ، وَنُورُ الْقَمَرِ ، وَظُلْمَةُ اللَّيْلِ ، وَضَوْءُ النَّهارِ ، وَخَفَقانُ الطَّيْرِ ، فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يا عَظِيمُ بِحَقِّكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ ، وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ ، وَبِحَقِّكَ عَلىٰ عَلِيٍّ ، وَبِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ ، وَبِحَقِّكَ عَلىٰ فاطِمَةَ ، وَبِحَقِّ فاطِمَةَ عَلَيْكَ ، وَبِحَقِّكَ عَـلَى الْحَسَنِ ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ ، وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ ، وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ ، فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ عَلَيْكَ مِنْ أَفْضَلِ إِنْعامِكَ عَلَيْهِمْ ، وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ ، صَلِّ عَلَيْهِمْ يا رَبِّ صَلاةً دائِمَةً

مُنْتَهی رِضَاكَ ، وَاغْفِرْ لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ ، وَأَرْضِ عَنِّي خَلْقَكَ ، وَأَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ كَمَا أَتْمَمْتَها عَلىٰ آبائِي مِنْ قَبْلُ ، يَا كٓهيعٓصٓ .

اللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فِيما سَأَلْتُكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ» .

و بگو :

«إِلٰهِي اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ وَارْضَ عَنِّي ، وَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي فَقَدْ لَا يَرْضَى الْمَوْلىٰ عَنْ عَبْدِهِ ثُمَّ يَعْفُو عَنْهُ ، وَاجْعَلْ لِي إِلىٰ كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلاً ، وَفِي كُلِّ خَيْرٍ نَصِيباً ، وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ ، وَلَا تَقْنُطْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِكَ فَإِنَّهُ لَا يُؤْمِنُ مَكْرَكَ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرِينَ ، وَلَا يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَتِكَ إِلَّا الْقَوْمُ الضَّالُّونَ ، وَلَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِكَ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ، وَلَا تَفْتِنِّي بِانْغِلَاقِ أَبْوَابِ الْأَرْزَاقِ وَانْسِدَادِ مَسَالِكِهَا وَارْتِتاجِ مَذَاهِبِهَا ، وَافْتَحْ لِي مِنْ ذٰلِكَ فَتْحاً يَسِيراً ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ ضَنْكٍ مَخْرَجاً وَإِلىٰ كُلِّ سَعَةٍ مَنْهَجاً ، وَلَا تُفْقِرْنِي إِلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ» (۱).

در بیان مناجات نهم مرویّه از حضرت امیر علیه‌السلام

مناجات نهم از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت شده است :

«إِلٰهِي طَالَ مَا نَامَتْ عَيْنَايَ وَقَدْ حَضَرَتْ أَوْقَاتُ صَلَوَاتِكَ وَأَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ تَحْلُمُ عَنِّي يَا كَرِيمُ إِلىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ ، فَوَيْلٌ لِهَاتَيْنِ الْعَيْنَيْنِ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلىٰ تَحْرِيقِ النَّارِ .

إِلٰهِي طَالَ مَا مَشَتْ قَدَمَايَ فِي غَيْرِ طَاعَتِكَ وَأَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيّ تَحْلُمُ عَنِّي يَا كَرِيمُ إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ ، فَوَيْلٌ لِهَاتَيْنِ الْقَدَمَيْنِ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلىٰ تَحْرِيقِ النَّارِ .

إِلٰهِي طَالَ مَا رَكِبَتْ نَفْسِي مَا نَهَيْتَ عَنْهُ ، فَحَلِمْتَ عَنْهَا يَا كَرِيمُ إِلىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ ، فَوَيْلٌ لِهٰذَا الْجِسْمِ الضَّعِيفِ كَيْفَ يَصْبِرُ عَلىٰ تَحْرِيقِ النَّارِ .

إِلَهِي لَيْتَ السِّبَاعَ قَسَّمَتْ لَحْمِي عَلىٰ أَطْرَافِ الْجِبَالِ وَلَمْ أَسْمَعْ ذِكْرَ جَهَنَّمَ وَسَلَاسِلِهَا

---

(۱) شهید اوّل، محمّد بن مکی، **المزار**، ص ۲۲۵ با اختلاف.

وَأَغْلَالِهَا، وَلَمْ أَقُمْ بَيْنَ يَدَيْكَ.

إلهي لَيْتَنِي كُنْتُ طَيْراً فِي الْهَوَاءِ مِنْ فَرَقِكَ.

إلهي الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ الزَّقُّومُ طَعَامِي.

إلهي الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ إِنْ كَانَ الْحَمِيمُ شَرَابِي.

إلهي الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ إِنْ كَانَ الْقَطِرَانُ لِبَاسِي.

إلهي الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِذَا قَدِمْتُ إِلَيْكَ وَأَنْتَ سَاخِطٌ عَلَيَّ فَمَنْ ذَا الَّذِي يُرْضِيكَ عَنِّي وَبِأَيِّ حَسَنَاتٍ سَبَقَتْ مِنِّي إِلَيْكَ فِي طَاعَتِكَ أَرْفَعُ بِهَا رَأْسِي وَيَنْطَلِقُ بِهَا لِسَانِي إِلَّا أَنَّ الرَّجَاءَ فِي رَحْمَتِكَ يَسْبِقُ مِنِّي. فَقَدْ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: ﴿نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ﴾ (۱).

و در کتاب دعای **بحار** مناجاتی مبسوط‌تر از این، که قریب به این عبارات را دارد از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت است با مناجات خمسة عشر و غیر آن، و در صحیفه خامسه نیز از مناجات‌های آن حضرت بسیار است؛ پس غافل مباش (۲).

در بیان مناجات دهم

مناجات دهم از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مروی است:

«إلهي أَدْعُوكَ بِلِسَانِ أَمَلِي حِينَ كَلَّ لِسَانُ عَمَلِي، إِنْ عَذَّبْتَنِي فَبِعَدْلِكَ، وَإِنْ عَفَوْتَ عَنِّي فَبِفَضْلِكَ. أَنَا أَعْلَمُ أَنِّي لَا أَصْلَحُ لِلْجَنَّةِ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي لَا أَصْبِرُ عَلَى النَّارِ فَمَا الْحِيلَةُ إِلَّا عَفْوُكَ.

اللَّهُمَّ اقْذِفْ فِي قَلْبِي رَجَاكَ وَاقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا أَرْجُو سِوَاكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۴، ص ۱۲۲ و ۱۲۳. این مناجات هم تقطیع شده و هم اختلاف زیادی با مصدر دارد. آیه در سوره حجر / ۴۹ و ۵۰.

(۲) رجوع شود به مناجات‌های حضرت سجّاد علیه السلام در مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۴، ص ۱۲۱ ـ ۱۷۳، ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۱۵۸ ـ ۱۶۸.

اشعار مرویّه از امیرمؤمنان علیه‌السلام

و مناسب است که بخواند این اشعار را :

قَرَعْتُ بَابَ الرَّجَا وَالْقَوْمُ قَدْ وَفَدُوا — وَقُمْتُ أَشْكُو إِلىٰ مَوْلَايَ مَا أَجِدُ

وَأَنْتَ يَا سَيِّدِي فِي كُلِّ نَائِبَةٍ — يَا مَنْ إِلَيْهِ لِكَشْفِ الضُّرِّ مُعْتَمَدُ

أَشْكُو إِلَيْكَ أُمُوراً كُنْتَ تَعْلَمُهَا — مَالِي إِلىٰ حَمْلِهَا صَبْرٌ وَلَا جَلَدُ

وَقَدْ مَدَدْتُ يَدِي بِالذُّلِّ صَاغِرَةً — إِلَيْكَ يَا خَيْرَ مَنْ مُدَّتْ إِلَيْهِ يَدُ

فَلَا تَرُدَّهَا يَا رَبِّ خَائِبَةً — وَبَحْرُ جُودِكَ مَلْآنٌ لِمَنْ يَرِدُ

فَقُلْتُ يَا رَاحِمِي قَبْلَ السُّؤالِ لَهُ — مَاذَا تَقُولُ لِمَنْ نَادَاكَ يَا أَحَدُ

مناجات یازدهم

مناجات یازدهم از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام منقول است :

يَا مَنْ إِلَيْهِ أَنِينُ الْعَبْدِ فِي النَّدَمِ — يَا مَنْ إِلَيْهِ دَوَاءُ الدَّاءِ وَالسَّقَمِ

نَامَ الْعُيُونُ وَعَيْنُ الْعَبْدِ سَاهِرَةٌ — يَبْكِي بِبَابِكَ وُسْطَ اللَّيْلِ فِي الظُّلَمِ

فَارْحَمْ بِفَضْلِكَ لَا تَنْظُرْ إِلىٰ عَمَلِي — إِنَّ الْكَرِيمَ كَثِيرُ الْخَيْرِ مِنْ عَدَمِ

أَذْنَبْتُ كُلَّ ذُنُوبٍ وَاعْتَرَفْتُ بِهَا — لٰكِنْ عَرَفْتُكَ فِي التَّوْحِيدِ وَالْكَلِمِ

لَا تَقْطَعَنَّ رَجَائِي مِنْكَ يَا سَنَدِي — يَا غَافِرَ الذَّنْبِ لِلرَّاجِينَ بِالْكَرَمِ

مناجات دوازدهم

مناجات دوازدهم از حضرت امام رضا علیه‌السلام نقل شده :

ذُنُوبِي مِثْلُ أَعْدَادِ الرِّمَالِ — عَصَيْتُكَ جَاهِلاً يَا ذَا الْمَعَالِي

وَلَا أَدْرِي حَالِي بَعْدَ مَوْتِي — فَهَبْ لِي تَوْبَةً يَا ذَا الْجَلَالِ

فَغَيِّر مَا تَرىٰ مِنْ سُوءِ حَالِي — نَجَاتٌ أَمْ نَكَالٌ فِي نَكَالِ

إِلىٰ مَنْ يَرْجِعُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا — إِلىٰ مَوْلَاهُ يَا مَوْلَى الْمَوَالِي

فَمَالِي غَيْرَ عَفْوِكَ مِنْ مَلَاذٍ — فَأَحْسِنْ مَا تَرىٰ مِنْ سُوءِ حَالِي

مناجات سیزدهم

مناجات سیزدهم در کتاب **مجتنی** روایت است از **تذییل** محمّد بن نجّار:

لَبِسْتُ ثَوْبَ الرَّجَا وَالنَّاسُ قَدْ رَقَدُوا — وَقُمْتُ أَشْكُو إِلىٰ مَوْلَايَ مَا أَجِدُ
وَقَدْ مَدَدْتُ يَدِي وَالضُّرُّ مُشْتَمِلٌ — إِلَيْكَ يَا خَيْرَ مَنْ مُدَّتْ إِلَيْهِ يَدُ[1]

ادعیهٔ فرج و دفع کرب و بلا

و نیز گوید در هر تنگی و شدّتی سه مرتبه بگوید:
«أَسْأَلُ اللّٰهَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ»[2] به تجربه هم رسیده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شدّت و تنگی که از مشرکین به او می‌رسید، می‌بست دست خود را و می‌فرمود:
«تَضَايَقِي تَفَرَّجِي»[3].
پس رو به قبله می‌کرد و می‌گفت:
«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اللَّهُمَّ كُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا فَإِنَّكَ أَشَدُّ بَأْساً وَأَشَدُّ تَنْكِيلاً»[4].
پس فرج نازل می‌شد پیش از آنکه بگشاید دست خود را.
و چون بر ظالمی وارد شدی بگو:
«حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»[5].
نمی‌بینی مگر خوبی.

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **المجتنی من الدعاء المجتبی**، ص ۲۱، «ضمیمه **مهج الدعوات**».
(۲) همان، ص ۳.
(۳) همان، ص ۲.
(٤) همان.
(٥) همان.

و در آن کتاب است که مردی حضرت رسول ﷺ را در خواب دید و طلب نمود از آن حضرت دعای فرجی را، فرمود به او که بگو:

«يَا مَنْ لَا يُسْتَحْيِیٰ مِنْ مسْأَلَةٍ، وَلَا يُرْتَجَى الْعَفْوُ إِلَّا مِنْ قِبَلِهِ أَشْكُوا إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفىٰ عَلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ مَا لَا يَعْظُمُ عَلَيْكَ. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

پس حاجت خود را بخواه[1].

دعا جهت استیصال دشمن

و دعای استیصال که به جهت دفع دشمن مجرّب است:

«اللَّهُمَّ غُمَّهُ بِالشَّرِّ غَمّاً، وَلُمَّهُ بِالشَّرِّ لَمّاً، وَطُمَّهُ بِالشَّرِّ طَمّاً، وَقُمَّهُ بِالشَّرِّ قَمّاً، وَأَطْرِقْهُ بِلَيْلَةٍ لَا أُخْتَ بِهَا، وَسَاعَةٍ لَا مُنْجِيَ لَهُ مِنْهَا»[2].

[دعا به‌جهت حیاة قلب]

و برای حیاة قلب مکرّر بگوید:

«يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُحْيِيَ قَلْبِي، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»[3].

[بیانِ ثواب سورهٔ توحید و نماز هنگام باران]

و در آن کتاب برای تلاوت سورهٔ مبارکهٔ توحید ثواب‌های عظیم آورده[4].

و از رسول خدا ﷺ روایت کرده که هرگاه در وقت نزول باران در شب یا روز دو رکعت نماز با خضوع و خشوع بخواند از برای او به‌عدد هر قطرهٔ از باران و به‌عدد

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **المجتنی من الدعاء المجتبی**، ص ٤، «**ضمیمه مهج الدعوات**».

(۲) همان، ص ٥.

(۳) همان، ص ۲۰.

(٤) همان، ص ٢٤ ـ ٢٨.

آنچه برويد به آن قطره در نامهٔ عمل او ده حسنه نوشته گردد[۱].

در بيان صحّت طرق حرز شريف يمانى

بدانكه از احراز عظيمهٔ نافعه حرز شريف يمانى است كه به طرق عديده صحيحه از حضرت اميرالمؤمنين عليه‌السلام روايت شده است براى دفع دشمنان و بليّات و قضاى حوائج ، و بر حضرت صاحب الأمر عليه‌السلام قرائت گرديده ، و از براى اين دعا نسخ بسيار است كه سيّد ابن طاووس در ***مهج الدعوات*** ، ***فلاح السائل*** و غير آن ، آنها را ذكر فرموده‌اند . و چون به طريق صحيح به نسخهٔ مقروّة بر امام زمان به احقر رسيده دوست داشتم كه در اين مجموعه ايراد نمايم ، و چنانچه اين احقر به طرق عديده از مشايخ از مولاى سمىّ [هم نام] خودم علّامهٔ مجلسى آن را مجازم و اهل زمان خود را به آن اجازه دادم :

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ ، عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ يَا شَكُورُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمِدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلىٰ مَا اخْتَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ ، وَأَوْصَلْتَ إِلَيَّ مِنْ فَضَائِلِ الصَّنَائِعِ ، وَأَوْلَيْتَنِي بِهِ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ ، وَبَوَّأْتَنِي بِهِ مِنْ مَظِنَّةِ الصِّدْقِ ، وَأَنَلْتَنِي مِنْ مِنَنِكَ الْوَاصِلَةِ إِلَيَّ ، وَأَحْسَنْتَ إِلَيَّ مِنِ انْدِفَاعِ الْبَلِيَّةِ عَنِّي ، وَالتَّوْفِيقِ لِي ، وَالْإِجَابَةِ لِدُعَائِي حِينَ أُنَادِيكَ دَاعِياً ، وَأُنَاجِيكَ رَاغِباً ، وَأَدْعُوكَ ضَارِعاً مُتَضَرِّعاً مُصَافِياً ، وَحِينَ أَرْجُوكَ رَاجِياً فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي جَاراً حَاضِراً حَفِيّاً بَارّاً ، وَفِي الْأُمُورِ نَاصِراً وَنَاظِراً ، وَلِلْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ غَافِراً ، وَلِلْعُيُوبِ سَاتِراً لَمْ أَعْدَمْ عَوْنَكَ وَبِرَّكَ وَإِحْسَانَكَ وَخَيْرَكَ لِي طَرْفَةَ عَيْنٍ مُذْ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْاخْتِبَارِ وَالْفِكْرِ وَالْاعْتِبَارِ لِتَنْظُرَ فِيمَا أُقَدِّمُ إِلَيْكَ لِدَارِ الْقَرَارِ .

---

(۱) همان، ص ۳۷.

فَأَنَا عَتِيقُكَ يَا إِلهِي مِنْ جَمِيعِ الْمَضَالِّ وَالْمَضَارِّ وَالْـمَصَائِبِ وَالْـمَعَائِبِ وَاللَّـوَازِبِ وَاللَّوَازِمِ وَالْهُمُومِ الَّتِي قَدْ سَاوَرَتْنِي فِيهَا الْغُمُومُ بِمَعَارِيضِ أَصْنَافِ الْبَلَاءِ، وَضُرُوبِ جَهْدِ الْقَضَاءِ.

وَلَا أَذْكُرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ، وَلَمْ أَرَ مِنْكَ إِلَّا التَّفْضِيلَ. خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ، وَصُنْعُكَ بِـي كَامِلٌ، وَلُطْفُكَ لِي كَافِلٌ، وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ، وَنِعَمُكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ، وَأَيَادِيكَ لَـدَيَّ مُتَظَافِرَةٌ.

لَمْ تَخْفِرْ جَوَارِي، وَصَدَّقْتَ رَجَائِي، وَصَاحَبْتَ أَسْفَارِي، وَأَكْرَمْتَ أَحْضَارِي، وَحَقَّقْتَ آمَالِي، وَشَفَيْتَ أَمْرَاضِي، وَعَافَيْتَ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، وَلَمْ تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي، وَرَمَيْتَ مَنْ رَمَانِي بِسُوءٍ، وَكَفَيْتَنِي شَرَّ مَنْ عَادَانِي.

فَحَمْدِي لَكَ وَاصِبٌ، وَثَنَائِي عَلَيْكَ مُتَوَاتِرٌ دَائِمٌ مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ بِأَلْوَانِ التَّسْبِيحِ لَكَ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّمْجِيدِ خَالِصاً لِذِكْرِكَ، وَمَرْضِيّاً لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ، وَإِخْلَاصِ التَّفْرِيدِ، وَإِمْحَاضِ التَّمْجِيدِ والتَّحْمِيدِ، بِطُولِ التَّعَبُّدِ وَالتَّعْدِيدِ.

لَمْ تُعَنْ فِي قُدْرَتِكَ، وَلَمْ تُشَارَكْ فِي إِلهِيَّتِكَ، وَلَمْ تُعْلَمْ لَكَ مَائِيَّةٌ وَمَاهِيَّةٌ فَتَكُونَ لِلأَشْيَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ مُجَانِساً، وَلَمْ تُعَايَنْ إِذْ حَبَسْتَ الأَشْيَاءَ عَلَى الْعَزَائِمِ الْـمُخْتَلِفَاتِ، وَلَا خَـرَقَتِ الأَوْهَامُ حُجُبَ الْغُيُوبِ إِلَيْكَ فَأَعْتَقِدَ مِنْكَ مَحْدُوداً فِي عَظَمَتِكَ.

لَا يَبْلُغُكَ بُعْدُ الْهِمَمِ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِتَنِ، وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ بَصَرُ النَّاظِرِينَ فِي مَجْدِ جَبَرُوتِكَ، ارْتَفَعَتْ عَنْ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ، وَعَلَا عَنْ ذِكْرِ الذَّاكِرِينَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ، فَلَا يَنْتَقِصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزْدَادَ، وَلَا يَزْدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْتَقِصَ، وَلَا ضِدٌّ شَهِدَكَ حِينَ فَطَرْتَ الْخَلْقَ، وَلَا نِدٌّ حَضَرَكَ حِينَ بَرَأْتَ النُّفُوسَ.

كَلَّتِ الأَلْسُنُ عَنْ تَفْسِيرِ صِفَتِكَ، وَانْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِكَ، وَكَيْفَ يُوصَفُ كُنْهُ صِفَتِكَ يَا رَبِّ وَأَنْتَ اللهُ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَزَلِيّاً أَبَدِيّاً سَرْمَدِيّاً دَائِماً فِي الْغُيُوبِ، وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ، وَلَمْ يَكُنْ إِلهٌ سِوَاكَ. حَارَتْ فِي بِحَارِ مَلَكُوتِكَ عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفْكِيرِ، وَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ، وَعَنَتِ الْوُجُوهُ بِذِلَّةِ

الاسْتِكَانَةِ لَكَ لِعِزَّتِكَ، وَانْقَادَ كُلُّ شَيءٍ لِعَظَمَتِكَ، وَاسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيءٍ لِقُدْرَتِكَ، وَخَضَعَتْ لَكَ الرِّقَابُ، وَكَلَّ دُونَ ذٰلِكَ تَحْبِيرُ اللُّغَاتِ، وَضَلَّ هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذٰلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسِيراً، وَعَقْلُهُ مَبْهُوتاً، وَتَفَكُّرُهُ مُتَحَيِّراً أَسِيراً.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً كَثِيراً دَائِماً مُتَوَالِياً مُتَوَاتِراً مُتَّسِعاً مُسْتَوْثِقاً يَدُومُ وَيَتَضَاعَفُ وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْمَعَالِمِ، وَلَا مُنْتَقِصٍ فِي الْعِرْفَانِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَكَارِمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَىٰ فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ، وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ، وَفِي الْبَرِّ وَالْبِحَارِ وَالْغُدُوِّ وَالآصَالِ وَالْعَشِيِّ وَالإِبْكَارِ، وَالظَّهِيرَةِ وَالأَسْحَارِ، وَفِي كُلِّ جُزْءٍ مِنْ أَجْزَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ.

اللَّهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ قَدْ أَحْضَرْتَنِي النَّجَاةَ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وَلَايَةِ الْعِصْمَةِ فَلَمْ أَبْرَحْ مِنْكَ فِي سُبُوغِ نَعْمَائِكَ وَتَتَابُعِ آلائِكَ مَحْرُوساً لَكَ فِي الرَّدِّ وَالامْتِنَاعِ، مَحْفُوظاً لَكَ فِي الْمَنَعَةِ والدِّفَاعِ عَنِّي، وَلَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي، وَلَمْ تَرْضَ عَنِّي إِلَّا طَاعَتِي فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَغِبْ وَلَا تُغِيبُ عَنْكَ غَائِبَةٌ، وَلَا تَخْفَىٰ عَلَيْكَ خَافِيَةٌ، وَلَنْ تَضِلَّ عَنْكَ فِي ظُلَمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئاً أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ فَلَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَأَضْعَافَ مَا حَمِدَكَ بِهِ الْحَامِدُونَ، وَمَجَّدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ، وَكَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ، وَسَبَّحَكَ بِهِ الْمُسَبِّحُونَ، وَهَلَّلَكَ بِهِ الْمُهَلِّلُونَ، وَعَظَّمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ، وَوَحَّدَكَ بِهِ الْمُوَحِّدُونَ حَتَّىٰ يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَحْدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَأَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ مِثْلُ حَمْدِ جَمِيعِ الْحَامِدِينَ، وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُوَحِّدِينَ وَالْمُخْلِصِينَ، وَتَقْدِيسِ أَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ، وَثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ وَالْمُصَلِّينَ وَالْمُسَبِّحِينَ، وَمِثْلُ مَا أَنْتَ بِهِ عَالِمٌ وَعَارِفٌ، وَهُوَ مَحْمُودٌ مَحْبُوبٌ وَمَحْجُوبٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي بَرَكَةِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ. فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ عَلَىٰ شُكْرِكَ.

ابْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَطَوْلاً، وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدْلاً، وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَمَزِيداً، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ وَاسِعاً اخْتِيَاراً وَرِضاً، وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ شُكْراً يَسِيراً صَغِيراً إِذْ

نَجَّيْتَنِي وَعَافَيْتَنِي مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَلَمْ تُسَلِّمْنِي لِسُوءِ قَضَائِكَ وَبَلَائِكَ، وَجَعَلْتَ مَلْبَسِي الْعَافِيَةَ، وَأَوْلَيْتَنِي الْبَسْطَةَ وَالرَّخَاءَ، وَشَرَعْتَ لِي مِنَ الدِّينِ أَيْسَرَ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ، وَسَوَّغْتَ لِي أَيْسَرَ الصِّدْقِ، وَضَاعَفْتَ لِي أَشْرَفَ الْفَضْلِ وَالْمَزِيدِ مَعَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ مِنَ الْـمَحَجَّةِ الشَّرِيفَةِ، وَبَشَّرْتَنِي بِهِ مِنَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ، وَاصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً، وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً، وَأَوْضَحِهِمْ حُجَّةً، وَأَرْفَعِهِمْ دَرَجَةً، وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِـهِ، وَعَلَىٰ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ، وَلَا يَمْحَقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ، وَلَا يُكَفِّرُهُ إِلَّا تَجَاوُزُكَ وَفَضْلُكَ، وَهَبْ لِي فِي سَاعَتِي هٰذِهِ وَيَوْمِي هٰذَا وَلَيْلَتِي هٰذِهِ وَشَهْرِي هٰذَا وَسَنَتِي هٰذِهِ يَقِيناً صَادِقاً يُهَوِّنُ عَلَيَّ مَصَائِبَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَأَحْـزَانَـهُمَا، وَيُشَوِّقُنِي إِلَيْكَ وَيُرَغِّبُنِي فِيمَا عِنْدَكَ، وَاكْتُبْ لِي عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ، وَبَلِّغْنِي الْكَرَامَةَ مِـنْ عِنْدِكَ، وَأَوْزِعْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الأَحَدُ الْمُبْدِئُ الرَّفِيعُ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ، وَلَا عَنْ قَضَائِكَ مُمْتَنَعٌ.

اللَّهُمَّ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ، فَاطِرُ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الأَمْرِ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرُّشْدِ، وَالشُّكْـرَ عَـلىٰ نِـعَمِكَ، وَأَسْأَلُكَ حُسْنَ عِبَادَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، وَأَسْأَلُكَ أَمْناً مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ، وَحَسَـدِ كُـلِّ حَاسِدٍ، وَظُلْمِ كُلِّ ظَالِمٍ، وَمَكْرِ كُلِّ مَاكِرٍ، وَكَيْدِ كُلِّ كَائِدٍ، وَغَدْرِ كُلِّ غَادِرٍ، وَسِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ، وَشَمَاتَةِ كُلِّ كَاشِحٍ. بِكَ أَصُولُ عَلَى الأَعْدَاءِ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَلَايَةَ الأَحِبَّاءِ وَالأَوْلِيَاءِ وَالْقُرَنَاءِ وَالأَقْرِبَاءِ. فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ مَا لَا أَسْتَطِيعُ إِحْصَاءَهُ وَلَا تَعْدِيدَهُ مِنْ عَوَائِدِ فَضْلِكَ وَعَوَارِفِ رِزْقِكَ وَأَلْوَانِ مَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ مِنْ إِرْفَادِكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْفَاشِي فِـي الْخَلْقِ حَمْدُكَ. الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُكَ. لَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ، وَلَا تُنَازَعُ فِي سُلْطَانِكَ وَمُلْكِكَ وَأَمْرِكَ. تَمْلِكُ مِنَ الأَنَامِ مَا تَشَاءُ وَلَا يَمْلِكُونَ مِنْكَ إِلَّا مَا تُرِيدُ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقْتَدِرُ الْقُدُّوسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ، تَرَدَّيْتَ بِالْمَجْدِ وَالْبَهَاءِ، وَتَعَظَّمْتَ بِالْعِزِّ وَالْعَلَاءِ، وَتَأَزَّرْتَ بِالْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ، وَتَغَشَّيْتَ بِالنُّورِ وَالضِّيَاءِ، وَتَجَلَّلْتَ بِالْمَهَابَةِ وَالْبَهَاءِ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْمَنُّ الْقَدِيمُ، وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ، وَالْمُلْكُ الْبَاذِخُ، وَالْجُودُ الْوَاسِعُ، وَالْقُدْرَةُ الْكَامِلَةُ، وَالْحِكْمَةُ الْبَالِغَةُ، وَالْعِزَّةُ الشَّامِلَةُ. فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا جَعَلْتَنِي مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ أَفْضَلُ بَنِي آدَمَ الَّذِينَ كَرَّمْتَهُمْ وَحَمَلْتَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْتَهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ، وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْتَهُمْ مِنْ أَهْلِهَا تَفْضِيلاً، وَخَلَقْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً صَحِيحاً سَوِيّاً سَالِماً مُعَافاً، وَلَمْ تَشْغَلْنِي بِنُقْصَانٍ فِي بَدَنِي عَنْ طَاعَتِكَ، وَلَمْ تَمْنَعْنِي كَرَامَتَكَ إِيَّايَ وَحُسْنَ صَنِيعِكَ عِنْدِي، وَفَضْلَ مَنَائِحِكَ لَدَيَّ، وَنَعْمَائِكَ عَلَيَّ.

أَنْتَ الَّذِي أَوْسَعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَفَضَّلْتَنِي عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ تَفْضِيلاً فَجَعَلْتَ لِي سَمْعاً يَسْمَعُ آيَاتِكَ، وَعَقْلاً يَفْهَمُ إِيمَانَكَ، وَبَصَراً يَرَىٰ قُدْرَتَكَ، وَفُؤَاداً يَعْرِفُ عَظَمَتَكَ، وَقَلْباً يَعْتَقِدُ تَوْحِيدَكَ فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَيَّ حَامِدٌ، وَلَكَ نَفْسِي شَاكِرَةٌ، وَبِحَقِّكَ شَاهِدَةٌ، فَإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ، وَحَيٌّ لَمْ تَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ، وَلَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ، وَلَمْ تَقْطَعْ رَجَائِي، وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النِّقَمِ، وَلَمْ تَمْنَعْ عَنِّي دَقَائِقَ الْعِصَمِ، وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ وَثَائِقَ النِّعَمِ.

فَلَوْ لَمْ أَذْكُرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَّا عَفْوَكَ عَنِّي وَالتَّوْفِيقَ لِي، وَالِاسْتِجَابَةَ لِدُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ صَوْتِي وَرَفَعْتُ رَأْسِي، وَانْطَلَقْتُ لِسَانِي وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ بِأَنْوَاعِ حَوَائِجِي فَقَضَيْتَهَا، وَأَسْأَلُكَ بِتَمْجِيدِكَ وَتَحْمِيدِكَ وَتَوْحِيدِكَ وَتَعْظِيمِكَ وَتَفْضِيلِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَهْلِيلِكَ وَإِلَّا فِي تَقْدِيرِكَ خَلْقِي حِينَ صَوَّرْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، وَإِلَّا فِي قِسْمَةِ الأَرْزَاقِ حِينَ قَدَّرْتَهَا لِي لَكَانَ فِي ذٰلِكَ مَا يَشْغَلُ شُكْرِي عَنْ جُهْدِي، فَكَيْفَ إِذَا فَكَّرْتُ فِي النِّعَمِ الْعِظَامِ الَّتِي أَتَقَلَّبُ فِيهَا أَوْ لَا أَبْلُغُ شُكْرَ شَيْءٍ مِنْهَا، فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفِظَهُ عِلْمُكَ، وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ، وَعَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ، وَأَضْعَافَ مَا تَسْتَوْجِبُهُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَكَ إِلَيَّ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي كَمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ فِيمَا مَضَىٰ مِنْهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ وَتَحْمِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ وَكِبْرِيَائِكَ وَكَمَالِكَ وَتَعْظِيمِكَ وَنُورِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعِلْمِكَ وَحِلْمِكَ وَعُلُوِّكَ وَوَقَارِكَ وَمَنِّكَ وَبَهَائِكَ وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ وَسُلْطَانِكَ وَعَظَمَتِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَإِحْسَانِكَ وَغُفْرَانِكَ وَامْتِنَانِكَ وَرَحْمَتِكَ وَنَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ وَعِتْرَتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ لَا تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ وَفَضْلَكَ وَجَمَالَكَ وَجَلَالَكَ وَفَوَائِدَ كَرَامَاتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَعْتَرِيكَ لِكَثْرَةِ مَا قَدْ نَشَرْتَ بِهِ مِنَ الْعَطَايَا عَوَائِقُ الْبُخْلِ وَلَا يَنْقُصُ جُودَكَ التَّقْصِيرُ فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَلَا تَنْفَدُ خَزَائِنَكَ مَوَاهِبُكَ الْمُتَّسِعَةُ، وَلَا تُؤَثِّرُ فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ مِنَحُكَ الْفَائِقَةُ الْجَمِيلَةُ الْجَلِيلَةُ، وَلَا تَخَافُ ضَيْمَ إِمْلَاقٍ فَتُكْدِي، وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفُ عَدَمٍ فَيَنْتَقِصَ مِنْ جُودِكَ فَيْضُ فَضْلِكَ.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْباً خَاشِعاً خَاضِعاً ضَارِعاً، وَبَدَناً صَابِراً وَلِسَاناً ذَاكِراً حَامِداً وَيَقِيناً صَادِقاً، وَرِزْقاً وَاسِعاً وَعِلْماً نَافِعاً، وَوَلَداً صَالِحاً، وَسِنّاً طَوِيلاً، وَامْرَأَةً صَالِحَةً، وَعَمَلاً صَالِحاً، وَعَيْناً بَاكِيَةً، وَتَوْبَةً مَقْبُولَةً، وَأَسْأَلُكَ رِزْقاً حَلَالاً طَيِّباً، وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ، وَلَا تُقَنِّطْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُبَعِّدْنِي مِنْ كَنَفِكَ وَجِوَارِكَ، وَأَعِذْنِي وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَرَوْحِكَ، وَكُنْ لِي أَنِيساً مِنْ كُلِّ رَوْعَةٍ وَوَحْشَةٍ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ، وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةٍ وَإِهَانَةٍ وَذِلَّةٍ وَعِلَّةٍ وَقِلَّةٍ وَمَرَضٍ وَبَرَصٍ وَفَقْرٍ وَفَاقَةٍ وَوَبَاءٍ وَبَلَاءٍ وَزَلْزَلَةٍ وَغَرَقٍ وَحَرَقٍ وَشَرَقٍ وَسَرَقٍ وَحَرٍّ وَبَرْدٍ وَجُوعٍ وَعَطَشٍ وَغَيٍّ وَضَلَالَةٍ وَغُصَّةٍ وَمِحْنَةٍ وَشِدَّةٍ فِي الدَّارَيْنِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

اللَّهُمَّ ارْفَعْنِي وَلَا تَضَعْنِي، وَادْفَعْ عَنِّي وَلَا تَدْفَعْنِي، وَأَعْطِنِي وَلَا تَحْرِمْنِي، وَأَكْرِمْنِي وَلَا تُهِنِّي، وَزِدْنِي وَلَا تَنْقُصْنِي، وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي، وَانْصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي، وَاسْتُرْنِي وَلَا تَفْضَحْنِي، وَآثِرْنِي فَلَا تُؤْثِرْ عَلَيَّ أَحَداً فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، وَفَرِّجْ هَمِّي، وَاكْشِفْ غَمِّي، وَأَهْلِكْ عَدُوِّي، وَاحْفَظْنِي وَلَا تُضَيِّعْنِي فَإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

اللَّهُمَّ مَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ أَمْرٍ، وَشَرَعْتَ فِيهِ بِتَوْفِيقِكَ وَتَدْبِيرِكَ فَتَمِّمْهُ لِي بِأَحْسَنِ الْوُجُوهِ كُلِّهَا وَأَصْلَحِهَا وَأَصْوَبِهَا فَإِنَّكَ عَلىٰ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَبِالإِجَابَةِ جَدِيرٌ، يَا مَنْ قامَتِ السَّمٰوَاتُ وَالأَرَضُونَ بِأَمْرِهِ، يَا مَنْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ، يَا مَنْ أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً دَائِماً أَبَداً فَضْلاً كَثِيراً وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»[1].

در آنچه باید قبل از حرز مذکور خوانده شود

و در بعضی کتب معتبره روایت است در کیفیّت حرز یمانی که گذشت به سند صحیح که اوّل حمد و آیة الکرسی را بخواند با نود و نُه اسم از اسامی مقدّسه به این طریق:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ الْوَهَّابُ الرَّازِقُ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْحَكَمُ الْعَدْلُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ الْغَفُورُ الشَّكُورُ الصَّبُورُ الْجَامِعُ الْمَانِعُ الْكَافِي الْحَفِيظُ الْمُقِيتُ الْحَسِيبُ الْجَلِيلُ الْكَرِيمُ الرَّقِيبُ الْمُجِيبُ الْوَاسِعُ الْحَكِيمُ الْوَدُودُ الْمَجِيدُ الْمَاجِدُ الْبَاعِثُ الشَّهِيدُ الْحَقُّ الْوَكِيلُ الْقَوِيُّ الْمَتِينُ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ الْمُحْصِيُّ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْوَاجِدُ الْوَاحِدُ الأَحَدُ الصَّمَدُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ الْمُقَدَّمُ الْمُؤَخَّرُ الأَوَّلُ الآخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْوَالِي الْمُتَعَالِي الْبَرُّ التَّوَّابُ الْمُنْتَقِمُ الْعَفُوُّ الرَّؤُوفُ مَالِكُ الْمُلْكِ ذُوالْجَلَالِ وَالإِكْرَامِ الرَّبُّ

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۲۵۲ ـ ۲۵۹؛ کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ۳۴۳ ـ ۳۴۹؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ۱۰۶ ـ ۱۱۰، با اختلاف.

الْمُقْسِطُ الْغَنِيُّ الْمُغْنِيُ الضَّارُّ النَّافِعُ النُّورُ الْهَادِي الْبَدِيعُ الْبَاقِي الْوَارِثُ الرَّشِيدُ الذَّارِئُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» [1].

در بیان آنچه بعد از حرز شریف می‌خوانی

و بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا لَطِيفُ أَغِثْنِي وَأَدْرِكْنِي بِحَقِّ لُطْفِكَ الْخَفِيِّ، وَأَهْلِكْ عَدُوِّي وَادْفَعْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ بِحَقِّ كَرَمِكَ وَبِحَقِّ كُنْ فَيَكُونُ، وَأَنْ تُسَخِّرَ لِيَ الْجِنَّ وَالإِنْسَ لِيُعِينُونِي فِي حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَمَنَاهِجِ الْمُوصِلَةِ إِلَى الآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس حرز را به طریقی که گذشت بخواند و چون فارغ شد به این اختتام ختم نماید:

«تَحَصَّنْتُ نَفْسِي بِالْحَيِّ الْقَيُّومِ وَدَفَعْتُ عَنِّي السُّوءَ بِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

پس این تسبیح را سه مرتبه قرائت کند و البته ترک ننماید:

«سُبْحَانَ اللهِ الْقَادِرِ الْقَاهِرِ الْقَوِيِّ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ بِلَا مُعِينٍ وَلَا ظَهِيرٍ».

در بیان اختتام دیگر از برای حرز مذکور

اختتام دیگر:

«اللَّهُمَّ فَرِّجْ هَمِّي وَاكْشِفْ غَمِّي وَأَهْلِكْ عَدُوِّي وَاقْضِ حَاجَتِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ حَقّاً حَقّاً.

اللَّهُمَّ تَفَضَّلْ عَلَيَّ وَأَحْسِنْ إِلَيَّ وَكُنْ لِي أَنِيساً وَلَا تَكُنْ عَلَيَّ.

---

(۱) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۳۱۸.

اللَّهُمَّ يَا لَطِيفُ أَغِثْنَا وَأَدْرِكْنَا بِحَقِّ لُطْفِكَ الْخَفِيِّ.

إلهي كَفىٰ عِلْمُكَ عَنِ الْمَقَالِ، وَكَفىٰ كَرَمُكَ عَنِ السُّؤَالِ يَا إِلٰـهَ الْـعَالَمِينَ وَيَـا خَـيْرَ النَّاصِرِينَ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ.

اللَّهُمَّ بِحَقِّ سِرِّ هٰذِهِ الأَسْرَارِ وَبِحَقِّ كَرَمِكَ الْخَفِيِّ وَبِحَقِّ الاِسْمِ الأَعْظَمِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَتُهْلِكَ عَدُوِّي وَتَصِلَنِي إِلىٰ مُرَادِي وَتَدْفَعَ عَنِّي شَـرَّ جَـمِيعِ عِـبَادِكَ يَـا أَرْحَـمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ وَآلِهِ الْمَعْصُومِينَ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ أَنْزِلْهُ الْمَقْعَدَ الْمُقَرَّبَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

جهت دیدن حضرت امیر عليه‌السلام در خواب

در کـتاب ***فـلاح السـائل*** روایت کـرده کـه هـرکس اراده کـند کـه حـضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام را در خواب ببیند چون به رختخواب خود رود این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ وَأَيَادِيهِ بَاسِطَةٌ لَا تَنْقَضِي أَسْأَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطُفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ إِلَّا كُفِيَ أَنْ تُرِيَنِي مَوْلَايَ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَنَامِي»[1].

دعایی که حضرت رسول صلى‌الله‌عليه‌وآله به حضرت فاطمه عليهاالسلام تعلیم فرمود

و در جلد پانزدهم ***بحار الانوار*** از کتاب ***مصباح الانوار*** روایت نموده که حضرت فاطمه سلام الله علیها زیارت کرد پدر خود را، آن حضرت فرمود: آیا توشه‌ای ندهم تو را؟ بگوی:

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ مُنْزِلُ التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، فَـالِقُ الْـحَبِّ

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **فلاح السائل**، ص ۲۸۵ و ۲۸۶.

وَالنَّوىٰ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، أَنْتَ الأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ واقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَأَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ، وَيَسِّرْ لِي كُلَّ الأَمْرِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»[۱].

و آن در ***مهج الدعوات*** ابن طاووس نیز مذکور است[۲].

برای حفظ از درندگان و حشرات الأرض

و در آن کتاب و **بلد الأمین** است از ادعیهٔ سرّ که هرگاه از درندگان و چهارپایان بترسد بگوید، ایمن گردد:

«يَا ذَارِئَ مَا فِي الأَرْضِ كُلِّهَا بِعِلْمِهِ بِعِلْمِكَ يَكُونُ مَا يَكُونُ مِمَّا ذَرَأْتَ لَكَ السُّلْطَانُ عَلىٰ مَا ذَرَأْتَ وَلَكَ السُّلْطَانُ الْقَاهِرُ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ دُونَكَ يَا عَزِيزُ يَا مَنِيعُ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيءٍ مِن كُلِّ شَيءٍ يَضُرُّ مِنْ سَبُعٍ أَوْ هَامَّةٍ أَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ يَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ إِدْرَأْهَا عَنِّي وَاحْجُزْهَا وَلَا تُسَلِّطْهَا عَلَيَّ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّهَا وَبَأْسِهَا يَا اللهُ ذَا الْعِلْمِ الْعَظِيمِ حُطْنِي بِحِفْظِكَ مِنْ مَخَاوِفِي يَا رَحِيمُ»[۳].

جهت ایمنی از بلیّات و مستجاب شدن دعوات

ایضاً از ادعیه سرّ که از احادیث قدسیّه است و به طرق عدیده رسیده و **مصباح** طوسی نیز از آن اخذ کرده، وارد است که یا محمّد! هرکس از امّت تو که بخواهد امان یابد از بلیّات و مستجاب شود دعای او بگوید وقتی که بشنود اذان مغرب را:

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ٤٠٦ با اختلاف.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ١٤٢.

(۳) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ٥٠٧؛ ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات**، ص ١٤٢؛ نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ج ۸، ص ١٤١؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۳۱۱.

«يَا مُسَلِّطَ نِقَمِهِ عَلىٰ أَعْدَائِهِ بِالْخِذْلَانِ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْعَذَابِ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ، وَيَا مُوَسِّعاً عَلىٰ أَوْلِيَائِهِ بِعِصْمَتِهِ إِيَّاهُمْ فِي الدُّنْيَا وَحُسْنِ عَائِدَتِهِ، وَيَا شَدِيدَ النَّكَالِ بالانْتِقَامِ، وَيَا حَسَنَ الْمُجَازَاةِ بِالثَّوَابِ، وَيَا بَارِئَ خَلْقِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَمُلْزِمَ أَهْلِهِمَا عَمَلَهُمَا، وَالْعَالِمُ بِمَنْ يَصِيرُ إِلىٰ جَنَّتِهِ وَنَارِهِ، يَا هَادِي، يَا مُضِلُّ، يَا كَافِي يَا مُعَافِي يَا مُعَاقِبُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاهْدِنِي بِهُدَاكَ، وَعَافِنِي بِمُعَافَاتِكَ مِنْ سُكْنىٰ جَهَنَّمَ مَعَ الشَّيَاطِينِ، وَارْحَمْنِي فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ، وَأَعِذْنِي مِنَ الْخُسْرَانِ بِدُخُولِ النَّارِ وَحِرْمَانِ الْجَنَّةِ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»(۱).

کلمات مبشّرات هنگام موت

و در **قرب الاسناد** از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: هر مؤمنی که این کلمات را بگوید من ضامنم که ملائکه در حال موت او را بشارت دهند و به هر کلمه‌ای از آن خانه‌ای در بهشت برای او بنا کنند:

«يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ»(۲).

دعای حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام

و نیز از آن حضرت روایت است که فرمود: پدر من این دعا را می‌خواند:

«اللَّهُمَّ هَبْ لِي حَقَّكَ وَأَرْضِ عَنِّي خَلْقَكَ وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، وَعَافِنِي مِمَّا يَنْفَعُكَ فَإِنَّ شِقَائِي لَا يَضُرُّكَ، وَعَذَابِي لَا يَنْفَعُكَ، فَإِنَّكَ تُعْطِي مَنْ يَسْأَلُكَ وَتَغْضَبُ عَلىٰ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ وَلَنْ يَفْعَلَ ذٰلِكَ أَحَدٌ غَيْرُكَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ»(۳).

و دعا می‌کرد:

---

(۱) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ٥١٤.

(۲) حمیری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، ص ۲.

(۳) همان، ص ۸ با اختلاف.

«اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِي الْعَافِيَةَ حَتَّى تُهَنِّئَنِي الْمَعِيشَةُ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ سَائِرِ خَلْقِكَ، وَلَا أَشْتَغِلُ عَنْ طَاعَتِكَ بِبَشَرٍ سِوَاكَ» [۱].

و نیز می‌گفت پدر من در دعای خود :

«رَبِّ أَصْلِحْ لِي نَفْسِي فَإِنَّهَا أَهَمُّ الأَنْفُسِ إِلَيَّ، رَبِّ أَصْلِحْ لِي ذُرِّيَّتِي فَإِنَّهُمْ يَدِي وَعَضُدِي، رَبِّ أَصْلِحْ لِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمْ لَحْمِي وَدَمِي، رَبِّ أَصْلِحْ لِي جَمَاعَةَ إِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي وَمُحِبِّي فَإِنَّ صَلَاحَهُمْ صَلَاحِي» [۲].

دعایی که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله تعلیم به حضرت امیر علیه‌السلام فرمود

شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن الشیخ، حافظ جعابی و ابن عقده روایت کرده‌اند که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به اصبغ بن نباته فرمود : آیا تعلیم بدهم تو را دعایی که از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم، بگو :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا كَانَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ».

بعد زد دست راست خود را بر شانه چپ اصبغ و فرمود : هرگاه بر ولایت ثابت بمانی خداوند به تو مهربان‌تر از نفس تو خواهد بود.

و آن را در **بحار** از کتاب ***بشارة المصطفی*** مسنداً آورده [۳].

جهت گم‌شده

و در کتاب **محاسن** برقی از ابو عبیدهٔ حذّاء روایت کرده که با امام محمّد باقر علیه‌السلام بودم که شتر من گم شد، آن حضرت فرمود : دو رکعت نماز به‌جای آور و بگو :

«اللَّهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ هَادِياً مِنَ الضَّلَالَةِ رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللهِ وَعَطَائِهِ».

---

(۱) همان.

(۲) همان.

(۳) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی**، ص ۱۷۳، مجلس ۶، ح ۴۴؛ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۳، ص ۲۱۱.

پس آن حضرت امر فرمود که مرا بر شتری از شتران آن حضرت سوار کردند از دور در بین راه سیاهی پیدا شد، آن حضرت فرمود: یا ابا عبیده! این شتر توست، و آن شتر من بود [۱].

در **مکارم الاخلاق** برای ردّ ضالّه و متاع گم شده از امام رضا عليه‌السلام آورده که آیهٔ ﴿ **وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ** ﴾ را تا ﴿ **فِي كِتَابٍ مُبِينٍ** ﴾ [۲] بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّالَّةِ وَتُنْجِي مِنَ الْعَمىٰ وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَرُدَّ ضَالَّتِي وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» [۳].

جهت ایمنی از ترس درنده

در کتاب **حیاة الحیوان** است که در هر خوفی از شیر یا غیر آن بگوید:

«اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَاحْفَظْنَا بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَارْحَمْنَا بِقُدْرَتِكَ عَلَيْنَا وَلَا تُهْلِكْنَا وَأَنْتَ رَجَاؤُنَا يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ».

و مجرّب است [٤].

برای برآمدن حاجت مطلوبهٔ از سلاطین و حکّام

و در بعضی از کتب است که در وقت مقابل شدن با سلاطین و حکّام بخواند مطلوب او برآید:

﴿ **وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَاباً يَلْقَاهُ مَنشُوراً** *

(۱) برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، ص ۳۶۳؛ طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۲۵۵.

(۲) أنعام / ۵۹.

(۳) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۲۳۲؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۱۲۳.

(٤) دمیری، محمّد بن موسی، **حیاة الحیوان**، ج ۱، ص ۱۰.

اِقْرَأْ کِتَابَکَ کَفیٰ بِنَفْسِکَ الْیَوْمَ عَلَیْکَ حَسِیباً ﴾[1].

جهت ایمنی از خوف سلطان جائر

شخصی که نزد سلطان ستمگر می‌رود و از او می‌ترسد بخواند ﴿ **کٓهیعٓصٓ** ﴾ را و انگشتان دست راست خود را به ترتیب هر حرفی ببندد، سپس ﴿ **حمٓ * عٓسٓقٓ** ﴾ را بخواند و انگشتان دست چپ خود را ببندد، سپس بخواند ﴿ **وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً** ﴾ و دست‌های خود را باز کرده و به صورت خود بکشد، در امان است.

وعن الصادق عليه السلام: من دخل على السلطان الجائر يخافه فليقرأ عندما يقابله ﴿ كٓهيعٓصٓ ﴾[2] ويضمّ أصابعه اليمنى كلّما قرأ حرفاً ضمّ اصبعاً ثمّ يقرأ: ﴿ حمٓ * عٓسٓقٓ ﴾[3] ويضمّ أصابعه اليسرى كذلك ثمّ يقرأ: ﴿ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً ﴾[4] ويفتحها في وجهه يكفى شرّه.

وروي أنّه يضمّ أصابع يديه كذلك ثمّ يقرأ في نفسه سورة الفيل فإذا وصل إلى قوله ﴿ تَرْمِيهِمْ ﴾[5] كرّر لفظ ﴿ تَرْمِيهِمْ ﴾ عشراً ويفتح في كلّ مرّة اصبعاً من الأصابع المعقودة»[6].

---

(۱) إسراء/۱۳ و ۱٤.

(۲) مريم/۱.

(۳) شورى/۱ ـ ۲.

(٤) طه/۱۱۱.

(٥) فيل/٤.

(٦) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ٥٣٦؛ ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، **عدّة الداعی**، ص ۲۹٤.

جهت به دست آوردن قلوب

و هرگاه این دعا را بخواند برگلاب یا آب و صورت خود را از آن بشوید هرکه به او نظرکند او را دوست دارد:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبّاً لِلّٰهِ﴾ (۱) ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاللهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ﴾ (۲)».

وكذلك للمحبّة اقرأ هذه الآيات سبع مرّاتٍ:

برای محبّت این آیات را هفت مرتبه بخواند:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَاعَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (۳).

بر چیزی از شیرینی یا قند بدمد به هرکس دهد، مقصود حاصل است و اگر بر سیب بخواند، عجائب ببیند.

تعویذی که در سفر باید با خود نگاه دارد

و تعویذی که در سفر باید با خود داشته باشد:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ، أَسْأَلُكَ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ الأَوَّلُ الْقَدِيمُ الأَبَدِيُّ الَّذِي لَا يَزُولُ وَلَا يَحُولُ، أَنْتَ اللهُ الْعَظِيمُ الْكَافِي لِكُلِّ شَيْءٍ الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ. اللّٰهُمَّ اكْفِنِي بِاسْمِكَ الأَعْظَمِ الأَجَلِّ الْوَاحِدِ الأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، وَحَجَبْتُ عَنِّي شُرُورَهُمْ وَشُرُورَ الأَعْدَاءِ كُلِّهِمْ وَسُيُوفَهُمْ وَبَأْسَهُمْ، وَاللهُ

---

(۱) بقره/۱٦٥.

(۲) آل عمران/۱٤.

(۳) توبه/۱۲۸.

مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ .

اللَّهُمَّ احْجُبْ عَنِّي شَرَّ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ بِحِجَابِكَ الَّذِي احْتَجَبْتَ بِهِ فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ سِلَاحِهِمْ، وَمِنَ الْحَدِيدِ وَمِنْ كُلِّ مَا يُتَخَوَّفُ وَيُحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شِدَّةٍ وَبَلِيَّةٍ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ بِهِ أَعْلَمُ، وَعَلَيْهِ أَقْدَرُ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً» (۱).

دعای شریفی که به هر نیّتی بخواند به اجابت مقرون است

منقول است از خطّ شیخ علیّ بن عبدالعالی که حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمود از امیرالمؤمنین علیه السلام که خواصّ تمام دعاها در این دعاست و به هر نیّتی که بخواند البتّه به اجابت مقرون گردد ان شاء الله :

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمِدُكَ عَلىٰ كُلِّ نِعْمَةٍ وَأَشْكُرُكَ عَلىٰ كُلِّ حَسَنَةٍ وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَأَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ، وَأَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» (۲).

جهت شوکت در نظر بزرگان و اُمراء

اگر شخصی این چهار آیه راکه در چهار سوره است بر کاغذی بنویسد و بر سر شخصی گذارد، در نظر بزرگان و اُمراء شوکت و منزلت پیدا می‌کند، این چهار آیه عبارت‌اند از :

هذه أربع آيات في أربع سُور إذا كتبت في ورقةٍ وجعلت على رأس رَجُل ودَخل على أرباب الجاه والأُمراء هابوا هيبة عظيمة وعظم شأنه :

الأُولى: سورة البقرة: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ﴾ (۳).

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **الأمان من أخطار الأسفار والأزمان**، ص ٦٤.

(۲) سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفه علویّه**، ص ۳۸۳.

(۳) بقره/٢٤٦.

الثانية : في آل عمران : ﴿ **لَقَدْ سَمِعَ اللهُ** ﴾ (۱).

الثالثة : في النساء ﴿ **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ** ﴾ (۲).

الرابعة : في المائدة : ﴿ **وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ** ﴾ (۳) إلى آخر الآيات (٤).

ما يتعبّد عند رؤية الهلال

من *المكارم* : ما يكتب عند رؤية الهلال : تكتب على يدك اليُسرى بسبّابة يمينك :

«محمّد وعليّ وفاطمة والحَسَن والحُسين وعليّ ومحمّد وجعفر وموسى وعليّ ومحمّد وعليّ والحسنِ وم ح م د».

وتكتب «قُل هُو اللهُ أحدٌ» إلى آخر السورة ثمّ تقول :

صاحب **مكام الأخلاق** مى‌گويد : وقت ديدن هلال ماه، با انگشت سبّابه دست راست خود بر كف دست چپ مى‌نويسى «محمّد وعليّ ...» و بعد «قل هو الله أحد» را تا آخر سوره مى‌نويسى و بعد مى‌گويى :

«اللَّهُمَّ إِنَّ النَّاسَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى الْهِلَالِ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلىٰ وُجُوهِ بَعْضٍ وَتَبَرَّكَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ وَإِنِّي نَظَرْتُ إِلىٰ أَسْمَائِكَ وَاسْمِ نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ وَأَوْلِيَائِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَإِلىٰ كِتَابِكَ فَأَعْطِنِي كُلَّ الَّذِي أُحِبُّ أَنْ تُعْطِيَنِيهِ مِنَ الْخَيْرِ وَاصْرِفْ عَنِّي كُلَّ الَّذِي أُحِبُّ أَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (٥).

براى طول عمر بخواند

و اين دعا را براى طول عمر بخواند :

---

(۱) آل عمران/۱۸۱.

(۲) نساء/۷۷.

(۳) مائده/۲۷.

(٤) نراقى، احمد بن محمّد مهدى، **خزائن**، ص ۱۱۰ با اختلاف.

(٥) طبرسى، حسن بن الفضل، **مكارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۱۳۸.

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، يَا أَجَلَّ مِنْ كُلِّ جَلِيلٍ وَيَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ، وَيَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمُدَّ فِي عُمْرِي مَدّاً إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَعْطِنِي مِنْ لَدُنْكَ عُمْراً طَوِيلاً يَا ذَا الْجَلَالِ وَالإِكْرَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

طریقه ختم سورهٔ مبارکهٔ «قُلْ هُوَ الله»

طریقه ختم «قُل هو الله أحد» به خطّ جمعی از اکابر از خطّ علاء الدولهٔ سمنانی برای برآمدن مهمّات، گشایش کارها، دفع دشمنان، معظّم شدن نزد سلاطین و دفع بلاها هفت مرتبه سوره فاتحة الکتاب بخواند و صد بار صلوات فرستد و هفتاد و نه بار سوره «الم نشرح» و هزار و یک بار سورهٔ اخلاص بخواند و در آخر ختم هفت بار فاتحة الکتاب بخواند، و صد بار دیگر صلوات فرستد، سه روز نگذرد که مرادش حاصل شود ان شاء الله.

و از خطّ امیر اسحاق موسوی استرآبادی ساکن کربلا نقل است که در سنه هزار و پانزده در دار السلطنه اصفهان این ختم را به‌جای آوردم به طریقی که در این رباعی وقت آن را تشخیص نموده‌اند، رباعی این است:

طالع سرطان تا نصف اسد — دل صاف و لباس پاک و مغسول جسد
بوی خوش و کنج خلوت و ذکر مدام — هرکس که چنین کند به مقصود رسد

روز سوم چون از ختم فارغ شدم جوانی به کلبهٔ فقیر آمد و مهربان نشست و تفقّد حال فقیر نمود، معلوم شد که نوّاب همایون بود، فهمیدم که به مدد این ختم بود.

طریقه ختم سوره فاتحة الکتاب

باید روز یک شنبه ابتدا نماید و هر روز چهل و یک نوبت تا مدّت چهل و یک روز بخواند، انتها در روز جمعه باشد و از به دنبال چهل و یک حمد که می‌خواند هر روز سیزده مرتبه این دعا را بخواند:

«يَا مُفَتِّحُ فَتِّحْ ، وَيَا مُفَرِّجُ فَرِّجْ ، وَيَا مُسَبِّبُ سَبِّبْ ، وَيَا مُسَهِّلُ سَهِّلْ ، وَيَا مُيَسِّرُ يَسِّرْ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» .

فوائد نوشتن اسمای اصحاب کهف

قال النبيّ ﷺ : علّموا أولادكم أسماء أصحاب كهف فإنّهم لو كُتبوا على دار لم يخرب ، وعلى متاعٍ لم تُسْرَق [1] ، وعلى سفينة لم يغرق ، وهم كانوا سبعة نفر منسلمينا ، مليخا ، مرطينوش ، بنوانس ، سانيوس ، بطنيوس ، كسوطيط وقطمير كه اسم سگشان بوده است [2].

جهت دفع وبا و طاعون

و این طلسم منسوب به شیخ بهائی است که در سنه ۱۱۲۲ در اصفهان وبا و طاعون به هم رسیده جهت دفع طاعون داده بودند هفت عدد بنویسد هفت روز و هر روز یک عدد را باگلاب و خاک تربت بشوید و بخورد از طاعون خلاصی یابد «۱۶۳۷۳۸۴» .

ایضاً جهت رفع وبا ، نوزده «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**» با یک سورهٔ الحمد به زعفران بر ظرف چینی بنویسد و بشوید و به ناشتا بخورد .

بستن تب لرز

برای بستن تب لرز چهار چوب و چهار بادام بیاورد ، آن بادام‌ها را هر روز یکی بخورد و یک چوب بسوزاند ، بر چوب اوّل بنویسد هامان فرعون نمرود شدّاد ، چوب دوم : فرعون هامان شدّاد نمرود ، چوب سوم : شدّاد نمرود هامان فرعون ،

---

(۱) ماحوزی، شیخ سلیمان، **الفجر الصادق**، ص ۹۳.

(۲) رجوع شود به **تفسیر المیزان**، ج ۱۳، ص ۲۸۸ پاورقی. یادآوری این نکته لازم است که در مورد اسامی اصحاب کهف اختلاف زیاد است؛ چون ضبط کلمات به شکل خاصی بوده و نقطه هم نداشته و روایات اسلامی برگرفته از مطالب سریانی و غیره بوده است.

چوب چهارم : نمرود شدّاد فرعون هامان ، و بر بادام اوّل : تـمخیشا ، بـادام دوم : سمخیشا ، بادام سوم : مشخیشا ، بادام چهارم : مستخیشا[۱].

ایضاً بر سه مغز بادام بنویسد و هـر روز یکـی را بـخورد ، روز اوّل : «بســم الله حوما» ، روز دوم : «بسم الله ماحَوْما» ، روز سوم : «بسم الله ابو حوما»[۲].

ابتدای لرز که با خبر شد کدویی راکه به آب نرسیده باشد ، پشت آن را بتراشد و می‌نویسد این اشعار را بر کدو و برگردن بیاویزد ، این است اشعار :

یَـا مَـنْ لَـطِیفُ لَـمْ یَـزَلْ ... أَلْـطَفْ بِـنَا فِـیما نَـزَل
أَنْتَ الْـــقَوِیُّ نَـــجِّنِي ... عَـنْ قَـهْرِكَ یَـوْمُ الْـخَلَلْ

برای رفع درد چشم

عن أمیرالمؤمنین عليه‌السلام للرّمد یقرأ ویکتب ویحمل :

امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود : کسی که چشم او درد کند ، می‌خواند و می‌نویسد و با خود حمل می‌کند : «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ** :

قُـــلْ هُـــوَ اللهُ أَحَـــدٌ ... إنَّ فِـــي عَـــيْنِي رَمَـــد
احْـــمِرارٌ فِـي بَـیاضٍ ... حَســـبِي اللهُ الصَّـــمَد
یـــا بـــدیعاً فـــي السّماء ... بـــاعتزالِكَ عَـــنْ وَلَـــد
عـــاف عـــیني یـــا إلهـي ... واکـــفني شـــرّ الرَّمَـــد
لَـــیسَ للَّـــه شـــریكٌ ... لا له کُـــــفواً أحـــد»

---

(۱) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ٢٦٤ ؛ مجلسی، محمد باقر بـن مـحمد تـقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۲۹.

(۲) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ٢٦٤.

جهت ايمنى از سلطان و هر ذى شرّى

عوذة تكتب وتوضع تحت العِمامة عند الدخول على السلطان ومن يخاف شرّه:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، يَا مَنْ وَضَعَ نِيْرَ المَذِلَّةِ عَلَى رِقَابِ الْمُلُوكِ فَهُمْ مِنْ سِطْوَتِهِ خَائِفُونَ، وَيَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ فَجَمِيعُ الْخَلْقِ مِنْ خِيفَتِهِ وَجِلُونَ، وَيَا مَنْ يَحْشُرُ العِظَامَ الدَّارِسَاتِ وَهِيَ رَمِيمٌ يَوْمَ يُبْعَثُونَ، وَيَا مَنْ أَعَزَّ أَوْلِيَائَهُ بِطَاعَتِهِ فَهُمْ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ﴿ أُدْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ، وَعَلَى اللهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾ (١)و (٢).

ايضاً عوذهٔ ديگر

عوذة أُخرى تُكتب وتُجعل في مقدّم العِمامةِ:

﴿ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴾ (٣) ﴿ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴾ (٤) ﴿ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى ﴾ (٥) ﴿ لَا تَخَافُ دَرَكاً وَلَا تَخْشَى ﴾ (٦) ﴿ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ﴾ (٧) ﴿ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ وَهُوَ السَّمِيعُ العَلِيمُ ﴾ (٨) ﴿ فَاللهُ خَيْرٌ حَافِظاً وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴾ (٩). وفي بعض النسخ: ﴿ أُدْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾. (١٠)و (١١)

---

(١) مائده/٢٣.

(٢) ابن طاووس، على بن موسى، **حاشيه الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان**، ص ٨٣.

(٣) قصص/٣١.

(٤) قصص/٢٥.

(٥) طه/٤٦.

(٦) همان/٧٧.

(٧) قريش/٤.

(٨) بقره/١٣٧.

(٩) يوسف/٦٤.

(١٠) مائده/٢٣.

(١١) ابن طاووس، على بن موسى، **الأمان من أخطار الأسفار والأزمان**، ص ٨٣.

جهت قضای تمام مطالب

يقرأ في مجلس واحد لكلّ مطلب أراده مأة وإحدى عشرة مرّة يقضى حاجته إن شاء الله:

در یک مجلس برای هر مطلبی که خواهی، صد و یازده مرتبه می‌خوانی این دعا را، إن شاء الله حاجتت برآورده خواهد شد:

«يَا مَنْ لَيْسَ فِي السَّمٰوَاتِ الْعُلىٰ إِلىٰ مُنْتَهىٰ قَرارِ تُخُومِ الأَرَضِينَ السُّفْلىٰ غِياثٌ لِأَحَدٍ عِنْدَ شِدَّةٍ نَزَلَتْ بِهِ غَيْرُكَ يَا اللهُ فَرِّجْ مَا بِنَا وَأَنْجِحْ طَلِبَتَنَا فَإِنَّكَ أَعْلَمُ بِحَاجَتِنَا».

برای دفع سختی‌ها و رنج‌ها

قال أميرالمؤمنين عليه السلام: من خرج من بيته وقلّب خاتمه إلى بطن كفّه وقرأ «إنّا أنزلناه في ليلة القدر» ثمّ قال:

«آمنتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّىٰ، وَآمَنْتُ بِسِرِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ».

لم ير شيئاً يكرهه [1].

جهت قضای حوائج و وسعت رزق

من المجرّبات لقضاء الحوائج ووسعة الرزق يقرأ مأة مرّة بعد صلاة الفجر:

«لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ».

و بعد از نماز ظهر:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ».

و بعد از نماز عصر:

«اَسْتَغْفِرُ اللهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

---

(۱) شیخ بهائی، محمّد بن الحسین، **مفتاح الفلاح**، ص ۱۲.

و بعد از نماز مغرب :

«لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ» .

و بعد از نماز عشا :

«سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» .

وأيضاً بعد صلاة الصبح سورة يٰس ، وبعد صلاة الظهر «إنّا فتحنا» ، وبعد صلاة العصر «عمّ يتسائلون» ، وبعد المغرب «إذا وقعت الواقعة» ، وبعد العشاء «تبارکَ الذي بِيده المُلك» .

ذکر منسوب به شیخ بهائی علیه الرحمه

این ذکر را شیخ بهائی علیه الرحمه به جمعی از ذاکرین الله و مقرّبین حضرت اله موافقاً لقانون ارباب الذکر والحال مراعیاً للآداب المأثورة من اصحاب الذوق والاجلال اجازه داده‌اند :

«اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ صَانِعٌ ، لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ مَعْبُودٌ ، لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ أَوَّلٌ ، هُوَ آخِرٌ ، هُوَ ظَاهِرٌ ، هُوَ بَاطِنٌ ، هُو لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ هُوَ ، يَا هُوَ هُوَ ، يَا هُوَ هُوَ ، يَا هُوَ هُوَ ، يَا هُوَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ» .

طریقهٔ ختم احزاب برای قضای تمام حاجات

طریقهٔ ختم کلام مجید که این را ختم احزاب می‌گویند آن است که روز جمعه غسل کند و بعد از آن دو رکعت نماز حاجت بگزارد و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد و بعد از آن شروع کند در قرائت در آن روز که روز جمعه است از فاتحة الکتاب تا سوره انعام تلاوت نماید ، در روز دوم که شنبه بوده باشد از سورهٔ انعام تا سوره یونس ، و هکذا چنانچه در بیت است :

وردی کزان مراد تو بی شبهه واقع است — از روز جمعه تا به خمیس این مواضع است

سرهای ورد فاتحه انعام و یونس است — طه و عنکبوت رمز ختم واقعه است

پس پنج شنبه از واقعه تا آخر قرآن تلاوت نماید که ختم تمام قرآن در هفته به عمل آید و تمامی حوائج البتّه برآورده شود.

اوراد منسوبهٔ به سوی حضرت حجّة الله عجّل الله فرجه

این اوراد به امام زمان علیه‌السلام نسبت داده شده است که در هر روز هزار مرتبه خوانده شود:

أوراد منسوبة إلى صاحب الزمان في كلّ يوم ألف مرّة:

روز شنبه: «**لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ**».

روز یک شنبه: «**يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ**».

روز دو شنبه: «**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**».

روز سه شنبه: «**مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**».

روز چهار شنبه: **أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ**».

روز پنج شنبه: «**سُبْحَانَ اللهِ**».

روز جمعه: «**يا اللهُ**».

برای دفع دشمنان

لدفع الأعادي مرويّ عن زين العابدين علیه‌السلام:

جهت دفع دشمنان، این اشعار را که از امام زین العابدین علیه‌السلام است می‌خوانی:

كِفايَةُ اللهِ أَجْدَى مِنْ تَوَقّينا — وعادَةُ اللهِ في الأعداءِ تَكْفِينا

كاد الأعادي فما أبقوا ولا تركوا — عَيْباً وطَعناً وتقبيحاً وتهجينا

ولم نَزِدْ نحن في سرٍّ وفي عَلَنٍ — على مقالتنا اللهُ يَكفينا

وكان ذاك ورْدُ اللهِ حاسِدُنا — بِغَيْظِهِ لَمْ يَنَلْ مأمولَهُ فينا[1]

---

(۱) ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبةالله، **شرح نهج البلاغه**، ج ۱۱، ص ۸۶.

جهت دفع زالو

دفع زالو :

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ، قرنش قرنش نباتاً نباتاً ینعش ینعش ، ای زالوی خانه دار یا فرود آی یا برآی به‌حکم خالق جبّار» .

ایضاً بر سه پاره نان بنویس :

«قرنش قرنش یظعن» .

جهت دفع حاکم ظالم

جهت دفع حاکم ظالم این آیه را بر سفال بنویسد و در محکمهٔ او دفن کند :

﴿ وَمَا مُحمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْـقَلَبْتُمْ عَـلىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَن يَنْقَلِبْ عَلىٰ عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴾ [۱] .

«الم ترکیف» را به اسم عدد آن شخص در مثلّث ثبت کند و درگذار او یا مقامی که می‌نشیند دفن کند آواره گردد .

وکذا اگر «إذا زلزلت» را به حروف مقطّعه بی‌نقطه در اوّل شب چهارشنبه بر کاغذ نویسد گرد و مدوّر و در خرابه یا مکان او پنهان کند .

ایضاً دعای دیگر

و در بعضی از کتب به‌خطّ بعضی از فضلا نقل است که در زمانی که خسرو پادشاه بر سر بغداد آمده بود تا حوالی همدان تسخیر کرده بود در زمان اعلی حضرت نوّاب خاقان جنّت مکان شاه صفی انار الله برهانه برای دفع خسرو پادشاه این دعا را خواندم و دفع شد و به تجربه رسیده است :

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ﴿ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى * قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنتَ

---

(۱) آل عمران /۱٤٤.

الأَعْلىٰ * وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتىٰ * فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّداً قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسىٰ ﴾ (١) ﴿ **فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ** ﴾ (٢) ﴿ **فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** ﴾ (٣) ﴿ **فَأَوْحَيْنَا إِلىٰ مُوسىٰ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ** ﴾ (٤) عُذْتُ بِاللهِ رَبِّي وَرَبِّ كُلِّ شَيءٍ مِنْ سِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ وَغَدْرِ كُلِّ غَادِرٍ وَمَكْرِ كُلِّ مَاكِرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سَامَّةٍ وَهَامَّةٍ وَلَامَّةٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَاسْتِكْلَابِ كُلِّ ذِي صَوْلَةٍ، وَغَلَبَةِ كُلِّ عَدُوٍّ، وَشَمَاتَةِ كُلِّ كَاشِحٍ، أَدْرَأُ بِاللهِ فِي نُحُورِهِمْ وَأَسْتَعِيذُ بِاللهِ مِنْ شُرُورِهِمْ، وَأَسْتَعِينُ بِاللهِ عَلَيْهِمْ، تَدَرَّعْتُ بِحَوْلِ اللهِ مِنْ بَأْسِهِمْ، وَتَحَصَّنْتُ بِقُوَّةِ اللهِ مِنْ جُنُودِهِمْ، دَفَعْتُهُمْ عَنِّي بِدِفَاعِ اللهِ الْقَاهِرِ وَسُلْطَانِهِ الْبَاهِرِ، وَرَمَيْتُهُمْ بِسَهْمِ اللهِ الْقَاتِلِ وَسَيْفِهِ الْقَاطِعِ، أَخَذْتُهُمْ بِبَطْشِ اللهِ، طَرَدْتُهُمْ بِإِذْنِ اللهِ، فَرَّقْتُهُمْ تَفْرِيقاً بِحَوْلِ اللهِ، مَزَّقْتُهُمْ تَمْزِيقاً بِقُوَّةِ اللهِ، شَقَّقْتُهُمْ تَشْقِيقاً بِمَنْعَةِ اللهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، غَلَبْتُ مَنْ نَاوَانِي بِجُنْدِ اللهِ الأَغْلَبِ، وَقَهَرْتُ مَنْ عَادَانِي بِسُلْطَانِ اللهِ الأَكْبَرِ، وَدَمَّرْتُ مَنْ قَصَدَنِي بِحَوْلِ اللهِ الأَعْظَمِ، وَتَبَرَّتُ مَنْ آذَانِي بِأَخْذِ اللهِ الأَسْرَعِ، وَدَفَعْتُ مَنِ اعْتَدىٰ عَلَيَّ بِجَلَالِ اللهِ الأَمْنَعِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ وَلَا مِنَّةَ وَلَا مَنْعَةَ وَلَا عَوْنَ وَلَا نَصْرَ وَلَا أَيْدَ وَلَا عِزَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

هَزَمْتُ الأَحْزَابَ بِسَطْوَةِ اللهِ، قَذَفْتُ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ بِإِذْنِ اللهِ، سَلَّطْتُ عَلىٰ أَفْئِدَتِهِمُ الرَّوْعَ بِعِزَّةِ اللهِ، فَرَّقْتُهُمْ تَفْرِيقاً بِسُلْطَانِ اللهِ، مَزَّقْتَهُمْ تَمْزِيقاً بِقُوَّةِ اللهِ، دَمَّرْتُهُمْ تَدْمِيراً بِقُدْرَةِ اللهِ، أَخَذْتُ أَسْمَاعَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ وَجَوَارِحَهُمْ وَأَرْكَانَهُمْ بِبَطْشِ اللهِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ وَشِدَّتِهِ، وَدَفَعْتَهُمْ عَنَّا بِحَوْلِ اللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَقُوَّتِهِ، وَهَزَمْتَهُمْ وَجُنُودَهُمْ وَأَبْطَالَهُمْ وَشُجْعَانَهُمْ

---

(١) طه/٦٧ ـ ٧٠.

(٢) أعراف/١١٩.

(٣) أعراف /١١٨.

(٤) شعراء/٦٣.

وَأَنْصَارَهُمْ وَأَعْوَانَهُمْ بِأَيْدِي اللهِ الْمَتِينِ، وَنَصْرِ اللهِ الْمُبِينِ مَهْزُومِينَ وَمَرْعُوبِينَ خَائِفِينَ خَائِبِينَ مَخْسُوئِينَ مَغْلُوبِينَ مَكْسُورِينَ مَأْسُورِينَ.

اللَّهُمَّ ادْفَعْهُمْ عَنَّا بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَبَطْشِكَ وَسَطْوَتِكَ مُفَرَّقِينَ مُمَزَّقِينَ مُبْهُورِينَ مَكْهُورِينَ مَقْهُورِينَ مَقْمُورِينَ مَدْهُورِينَ مَذْعُورِينَ صَاغِرِينَ حَاسِرِينَ مُدْبِرِينَ خَاسِرِينَ مَخْذُولِينَ مَغْلُوبِينَ مَبْهُوتِينَ مَشْمُوتِينَ مُتَبَدِّدِينَ مُتَشَتِّتِينَ تَائِهِينَ فِي ذِهَابِهِم، عَامِهِينَ فِي إِيَابِهِمْ، حَائِرِينَ فِي مَآبِهِمْ، صَائِرِينَ إِلىٰ تَبَابِهِمْ، مَشْغُولِينَ بِأَجْسَادِهِمْ، مَكْلُومِينَ فِي أَبْدَانِهِمْ، مَجْرُوحِينَ فِي إِرَابِهِمْ، مَضْرُوبِينَ بِرِقَابِهِمْ، مَمْنُوعِينَ عَنْ سِهَامِهِمْ، مَرْدُوعِينَ عَنْ مَرَامِهِمْ، مَجْبُوهِينَ فِي كَرَّتِهِمْ، مَصْرُوفِينَ عَنْ وِجْهَتِهِمْ شِمَاتاً مِنْ مُتَوَجِّهِمْ، شِتَاتاً عَنْ مُجْتَمِعِهِمْ، مَطْبُوعاً عَلىٰ قُلُوبِهِمْ، مَخْتُوماً عَلىٰ أَفْئِدَتِهِمْ، مَغْشِيّاً عَلىٰ أَبْصَارِهِمْ، مَعْقُوداً عَلىٰ أَلْسِنَتِهِمْ، مَرْبُوطاً عَلىٰ أَحْلَامِهِمْ وَأَفْهَامِهِمْ، مَشْدُوداً عَلىٰ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلِهِمْ، مَدْرُوءً بِكَ اللَّهُمَّ فِي نُحُورِهِمْ، مُسْتَعَاذاً بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ مُسْتَغَاثاً بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ، مُسْتَعَاناً بِكَ عَلَيْهِمْ.

اللَّهُمَّ فَخُذْهُمْ أَخْذَكَ السَّرِيعَ، وَسَلِّطْ عَلَيْهِمْ بَأْسَكَ الْفَجِيعَ مَدْفُوعِينَ مَصْرُوعِينَ مَذْرُوعِينَ [مَذْعُورِينَ] فِي أَنْفُسِهِمْ، مَسْجُونِينَ فِي أَشْبَارِهِمْ، مَكْبُوبِينَ عَلىٰ وُجُوهِهِمْ وَمَنَاخِرِهِمْ، مَخْنُوقِينَ بِحِبَالِهِمْ وَأَوْتَارِهِمْ، مُقَيَّدِينَ بِالسَّلَاسِلِ، مُكَبَّلِينَ بِالأَغْلَالِ، مُقَرَّنِينَ بِالأَصْفَادِ، مَطْرُوقِينَ بِمَطَارِقِ الْبَلَايَا، مَصْعُوقِينَ بِصَوَاعِقِ الْمَنَايَا، مَقْطُوعاً دَابِرَهُمْ، مَفْجُوعاً غَابِرَهُمْ، مَسْلُوباً سَالِبَهُمْ، مَغْلُوباً غَالِبَهُمْ، يَا مَوْجُوداً عِنْدَ الشَّدَائِدِ، يَا مَوْجُوداً عِنْدَ الشَّدَائِدِ، يَا مَوْجُوداً عِنْدَ الشَّدَائِدِ.

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾ (١) **﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ﴾ ﴿كَتَبَ اللهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾** (٢) **﴿أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ ﴿إِنَّ وَلِيِّيَ اللهُ**

---

(١) نمل/٦٢.

(٢) مجادله/٢١.

الَّذِی نَزَّلَ الْکِتَابَ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحِینَ ﴾ (۱) ﴿ إِنَّا کَفَیْنَاکَ الْمُسْتَهْزِئِینَ ﴾ (۲) ﴿ فَأَیَّدْنَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَی عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِینَ ﴾ (۳)و (۴).

در بیان آیات برای رفع بلا، شرّ سلطان و دفع دشمن

کسی که در بلایی واقع شود هفتاد مرتبه این آیات را قرائت کند نجات یابد و کسی که اراده کند که به نزد سلطانی رود این آیات را هفده مرتبه قرائت کند در نزد او محترم گردد، و کسی که دشمنی قوی داشته باشد و این آیات را چهار مرتبه قرائت کند و مقابل او قرار گیرد بر او ظفر یابد:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ ﴿ وَکَفَیٰ بِاللهِ وَلِیّاً وَکَفَیٰ بِاللهِ نَصِیراً ﴾ (۵) ﴿ وَکَفَیٰ بِاللهِ حَسِیباً ﴾ (۶) ﴿ وَکَفَیٰ بِاللهِ وَکِیلاً ﴾ (۷) ﴿ وَکَفَیٰ بِرَبِّکَ هَادِیاً ﴾ (۸) ﴿ وَکَفَیٰ بِرَبِّکَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِیراً بَصِیراً ﴾ (۹) ﴿ وَکَفَی اللهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتَالَ وَکَانَ اللهُ قَوِیّاً عَزِیزاً ﴾ (۱۰).

حروف نافعه از برای جمیع امراض

سیّد ابن طاووس در کتاب ***أمان الاخطار*** آورده که هرکس این حروف را بنویسد و با

---

(۱) أعراف/۱۹۶.

(۲) حجر/۹۵.

(۳) صف/۱۴.

(۴) **الجواهر المنثور** ـ مخطوط. مؤلّف این کتاب سیّد محمّد عبدالحسیب بن احمد عاملی متوفّای ۱۱۹۴هـ «حفید میرداماد» در فضیلت این دعا گفته: قال الجدّي المحقّق رحمه الله: لقد جرّبنا في دفاع الروم عنّا في سنة ۱۰۳۹هـ فاستجیب لنا بفضل الله ورحمته وانهزموا واندفعوا عنّا بحول الله وقوّته.

(۵) نساء/۴۵.

(۶) همان/۶.

(۷) همان/۸۱.

(۸) فرقان/۳۱.

(۹) إسراء/۱۷.

(۱۰) أحزاب/۲۵.

خود داشته باشد از جميع امراض ايمن گردد و اين حروف را حروف اقامت گويند و آن يازده حرف است : «اب ت ث ط ظ ف كـ ل لاى» و كيفيّت كتابت چنان است كه بگيرد اسم مريض را و ضمّ كند اوّل حرف از عضو مرض را بعد از بسط آن به اوّل حرف از اين حروف و حروف دوم را به دوم و همچنين تا به آخر ، مثلاً اگر درد چشم دارد بسط مى‌كند حروف عين را به اين طريق «ع ى ن»؛ پس قرار مى دهد عين را بعد از الف و يا را بعد از با و نون را بعد از تا ، تا اينكه فارغ شود از همهٔ حروف؛ پس مى‌گيرد صورت آن را «ا ع ب ى ت ن ث ع ط ى ظ ن ف ع كـ ى ل ن لا ع ى ى ا ن» .

و همچنين است هر دردى مثل ضرب و رأس و بطن ، و بايد خيلى دقّت كند تا از غلط محفوظ ماند، پس سيّد گويد : «**وهذا من الأسرارِ العَجِيبةِ النّافعة**» .

تلاوت سورهٔ الملك به جهت دفع بلاها و حوائج عظام

بدانكه هركس سورهٔ مباركهٔ «تباركَ الذي بيده المُلك» را چهل و يک بار تلاوت كند به‌جهت دفع بلاها و حوائج عظام البتّه برآورده گردد؛ ان شاء الله تعالى .

در خواصّ بعضى از سور قرآنى

هرگاه از پادشاه يا جبّارى ترسد چون سورهٔ تغابن را بخواند و نزد او رود از شرّ او ايمن گردد .

و در روايت است كه قرائت سورهٔ جمعه به‌جهت اُلفت و موافقت ميانهٔ زن و شوهر منفعت مى دهد .

و قرائت سورهٔ صفّ در سفر موجب سلامتى است .

و قرائت سورهٔ حشر در چهل روز روزى چهل و يک مرتبه به‌جهت قضاى حوائج مجرّب است .

و هرگاه آیهٔ شریفه : ﴿ **قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ** ﴾[۱] را تا آخر چهل مرتبه بر روغن زیتون بخواند و موضع شکسته را به آن چرب کند شفا یابد .

قرائت سورهٔ یٰس برای زوال غم

و هرگاه کسی را غمی باشد سورهٔ مبارکهٔ یٰس را تلاوت کند و در آخر آن این دعا را بخواند غم او زایل گردد :

«سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ، سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ، سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ ﴿ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئاً أَن يَقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ * فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴾[۲].

و سه مرتبه بگوید :

«يَا مُفَرِّجَ الْهَمِّ».

برای رفع درد دندان

و اگر آیهٔ ﴿ **قَالَ مَن يُحْيِي الْعِظَامَ** ﴾[۳] را بر کاغذ سفیدی بنویسد و سوزنی در قاف فرو برد و بر دری که مقابل قبله باشد بیاویزد درد دندان را زائل کند .

برای آسانی کارها و فراخی رزق

و سیّد ابن طاووس در کتاب **مجتنی** آورده که مجرّب است برای تسهیل امور و وسعت رزق :

«اللَّهُمَّ يَا سَبَبَ مَنْ لَا سَبَبَ لَهُ، يَا سَبَبَ كُلِّ ذِي سَبَبٍ، يَا مُسَبِّبَ الأَسْبَابِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ يَا

---

(۱) یٰس /۷۸.

(۲) یٰس /۸۲ ـ ۸۳.

(۳) یٰس / ۷۸.

حَيُّ يَا قَيُّومُ» [1].

طريقۀ ختم دعای مشلول

بدان که چهل روز هر روزی یک مرتبه یا بیست و یک روز روزی دو مرتبه، یا هفت روز روزی سه مرتبه خواندن دعای مشلول به‌جهت قضای حوائج مجرّب است، و بعد از آن به همان عدد این اسامی مقدّسه را بخواند:

«يَا عَزِيزُ، يَا مُفَرِّجُ، يَا وَهَّابُ، يَا مُسَبِّبَ الأَسْبَابِ، يَا مُفَتِّحَ الأَبْوَابِ، يَا رَازِقَ الْبَشَرِ، يَا كَاشِفَ الْكُرُبَاتِ، يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا أَجْوَدَ الأَجْوَدِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ، يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، يَا مَنِ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ، فُكَّنِي مِنْ حَلَقِ الْمَضِيقِ».

جهت زیادتی آب قنات و چاه

به‌جهت زیادتی آب چاه و قنات هرگاه آیۀ شریفۀ ﴿ **وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ** ﴾ [2] را از سورۀ فرقان بر قدری ریگ که از قعر چاهی بیرون آورده باشد در نیم روز بخواند و آن ریگ‌ها را در چاه بریزد آب آن زیاد گردد.

و اگر آیۀ ﴿ **وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ** ﴾ [3] را تا ﴿ **مِنَ الْمُغْرَقِينَ** ﴾ [4] از آن سوره بر هفت پارۀ سفال نویسد و بر هر یکی صد بار این دو آیه را بخواند و در چاه اندازد آب آن زیاد گردد.

[به‌جهت گریستن کودک]

به‌جهت گریستن کودک سورۀ رعد را بنویسند و بر گاهواره او ببندند، ترک گریستن نماید.

---

(۱) ابن طاووس، علی بن موسی، **المجتنی من الدعاء المجتبی**، ص ٤٠، «ضمیمه **مهج الدعوات**».

(۲) اعراف/٥٧.

(۳) هود/٤٢.

(٤) هود/٤٣.

برای کفایت مهمّات

خواصّ سورهٔ هود : اگر این سوره مبارکه را سیزده مرتبه بخوانند برای کارهای مهمّ کفایت نماید ، و اگر آن را به زعفران بنویسند و به آب بشویند و سه روز هر صبح و شام از آن بیاشامند مقوّی قلب گردد و از هیچ چیز نترسد .

جهت رفع خونِ بینی

چون کسی را خون از بینی آید آیهٔ ﴿ **وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي** ﴾ را بخواند خون از بینی باز ایستد .

در خواصّ بعضی از آیات و سور قرآنی

و چون آیهٔ ﴿ **يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ** ﴾ (۱) را بخواند از سباع و درندگان ایمن گردد .

و چون آیهٔ شریفهٔ ﴿ **إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ** ﴾ (۲) را تا ﴿ **حَفِيظ** ﴾ (۳) از آن سوره مکرّر بخواند در رختخواب از همهٔ آفات ، خودش ، مال و عیالش محفوظ مانند ، و اگر بنویسد و بپیچد و به گردن طفل اندازد از بلیّات ایمن باشد .

در بعضی از کتب است که در موم گرفتن و مواظبت بر قرائت آن در جمیع حالات به‌خصوص بعد از نماز موجب حفظ از بلیّات است .

از خواصّ سورهٔ برائت : اگر حاجتی به صاحب حکم و غلبه داشته باشد چون سورهٔ برائت را یازده مرتبه بخواند و به نزد او رود حاجتش را برآورد؛ ان شاء الله .

و اگر آیهٔ ﴿ **فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ**

---

(۱) هود /۵۳.

(۲) هود / ۵٦.

(۳) هود /۵۷.

الْعَظِيمِ ﴾[1] را هر روز هفتاد مرتبه بخواند خدای تعالی جميع مهمّات دنيا و آخرت او را كفايت كند.

و اگر آيهٔ ﴿ **لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ** ﴾[2] را بعد از نماز صبح پيش از آنكه سخن گويد ده بار بخواند و بر كف‌های دست خود دمد و بر روی خود مالد و دست‌ها به تمام اعضای خود بمالد در آن روز به هيچ بلايی گرفتار نگردد.

و حضرت رسول ﷺ بسيار دوست دارند كسی را كه بعد از هر نماز اين آيه را بخواند و هرگاه آيات شريفهٔ ﴿ **إِنَّ وَلِيِّيَ اللهُ الَّذِى نَزَّلَ الْكِتَابَ** ﴾[3] را تا ﴿ **وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ** ﴾[4] بر مالی بخواند از دزد ايمن باشد و مواظبت بر آن هر روز موجب خير دنيا و آخرت است.

فوائد مواظبت بر بعضی از اسمای حُسنٰى

بدان‌كه مواظبت بر اسم «يا قادِرُ» ظفر بر دشمنان حاصل آيد.

و در مواظبت بر «الحيُّ الْقَيُّومُ» بين طلوع صبح و آفتاب تقوا حاصل گردد و عمر زياد شود.

و در مداومت بر «الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ» جميع كارهای او منظّم شود. و هرگاه آن را بعد از هر نماز دويست و نود و هشت بار بخواند جميع مردمان او را دوست دارند و از اهل تحقيق گردد.

و چون زن نفساء ومستحاضه «المُتَعَالی» را بگويد از همه آفات و كثرت خون ايمن گردد.

و هرگاه اسم «المجيدُ» را روزی نود و نه بار بگويد رفعت و جاه او عظيم گردد.

---

(۱) توبه/۱۲۹.

(۲) توبه /۱۲۸.

(۳) أعراف/۱۹٦.

(٤) أعراف /۱۹۹.

و اگر در سجده بیست و یک مرتبه بگوید «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالإِكْرَامِ» حاجت او برآورده شود.

و اگر در وقت دعا هفتاد مرتبه بگوید «يا بَدِيعُ» دعایش مستجاب گردد.

و اگر در وقت آب دادن اشجار اسم «الْحَكِيم» را بنویسد و در آب بشوید ثمر و زراعت آن زیاده شود و از آفات ایمن گردد.

و هرگاه کسی در چهار رکن خانهٔ خود «يَا رَزَّاق» بگوید فقر و ناداری به آن خانه راه نیابد.

و اگر اسم «الوَدُودُ» را هزار و یک بار بر طعامی بخواند و به‌خوردِ کسی دهد با او الفت کامل به هم رساند.

و هرگاه سه شب جمعه هر شبی سیصد و یک بار «يا مُنْتَقِمُ» بگوید دشمن او مقهور گردد یا با او از درِ صلح درآید.

و اگر از پنج شنبه شروع کند و هر روز از روزهای هفته هشتاد مرتبه «الْحَسِيبُ» بگوید در دفع دشمن از این قوی‌تر نباشد.

و هرگاه در وقت سحر شصت و شش بار بگوید «يا وَكِيلُ» و نفرین بر ظالمی کند، آن ظالم را زوال رسد.

و هرگاه در وقت زوال اسم «قُدُّوسُ» را صد و هفتاد مرتبه بگوید قلب او نورانی گردد و از شرّ شیطان ایمن باشد.

و هرگاه اسم «السَّلام» را صد و سی و یک مرتبه بر سر بیمار بخواند صحّت یابد [۱].

---

(۱) برای اطلاع از اسمای حسنی و خواص آن رجوع شود به: عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۳۱۲ ـ ۳۶۸، الفصل الثاني والثلاثون [فصل ۳۲] في الأسماء الحسنى وشرحها وبعض خواصّها. و نیز رجوع شود به: همو، **بلد الأمین**، ص ۶۰۹ ـ ۶۱۳.

برای شفای از امراض

چنانچه اگر کسی بیمار باشد سورۀ مبارکه حمد را سه مرتبه بر بدن خود بخواند و هر بار دست بر محلّ درد بمالد و بگوید :

«اللَّهُمَّ اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي . اللَّهُمَّ اكْفِ أَنْتَ الْكَافِي . اللَّهُمَّ عَافِ أَنْتَ الْمُعَافِي» .

البته شفا یابد اگر اجل حتمی او نرسیده باشد .

جهت مار و عقرب گزیده [وغیره]

و هرگاه سورۀ حمد را چهل و یک نوبت بخواند میان فرضی و مسنّی [میان نافله صبح و نماز صبح] بامداد به نیّت شفای بیمار ، شفا یابد .

و اگر بر مارگزیده و عقرب گزیده بخواند این سورۀ مبارکه را صحّت یابد .

و هرگاه چهل بار آن را بر قدح آب بخواند و بپاشد بر کسی که تب می‌کند ، تب او زائل گردد .

جهت فرو نشستن غضب

به‌جهت فرونشستن غضب، چه از خود مشاهده کند چه از غیر خود، این آیه را بسیار قرائت کند :

﴿ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِى اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴾ (۱) .

[به‌جهت کمی خواب و قدرت بر قیام شب در وقت خواب]

به جهت کمی خواب و قدرت بر قیام شب در وقت خواب این آیه را تلاوت کند : ﴿ إِنَّ رَبَّكُمُ اللهُ الَّذِى خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ﴾ تا ﴿ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴾ (۲).

---

(۱) أنعام/۱۳.

(۲) أعراف/٥٤.

برای تسهیل امور و کفایت مهمّات

و قرائت سورهٔ «إذا جاءَ نَصْرُ اللهِ» و سوره یٰسٓ تا ﴿ **إِمَامٍ مُبِينٍ** ﴾ [۱] در وقت رؤیت هلال برای فتح امور و تیسیر مهمّات نافع است.

در *حياة الحيوان* است که دو آیه جمیع حروف در آنها جمع است: یکی در سوره آل عمران ﴿ **ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاساً** ﴾ تا ﴿ **عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ** ﴾ [۲] و دیگری در سورهٔ فتح است ﴿ **مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ** ﴾ [۳] تا آخر، و به همراه داشتن آن دو به‌جهت دفع هم و غمّ و خوف مجرّب است [٤].

جهت دفع تب

در بعضی از کتب اصحاب از بعض ائمّهٔ معصومین روایت کرده که این ابیات را بر شخص تب دار بخوانند زائل گردد:

زَارَتْ تُمَحِّصُنِي الذُّنُوبَ وَوَدَّعَتْ — تَبّاً لَهَا مِنْ زَائِرٍ وَمُوَدِّعٍ
بَاتَتْ مُعَانَقَتِي وَبِتُّ ضَجِيعَهَا — وَزَفِيرَها وَلَهِيبَهَا فِي أَضْلُعِي
قَالَتْ وَقَدْ عَزَمَتْ تَرَحَالَهَا — مَاذَا تُرِيدُ فَقُلْتُ أَنْ لَا تَرْجِعِي
بِالْمُصْطَفَىٰ وَشَقِيقِهِ وَبِوُلْدِهِ — لَا تَرْجِعِي لَا تَرْجِعِي لَا تَرْجِعِي

برای دفع شدائد و ادای قرض

کفعمی از حضرت صادق ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمودند: هر پیغمبری در اهل بیت خود دعایی مستجاب می‌گذارد و پیغمبر ﷺ دو دعا برای ما گذاشته: یکی از برای شدائد ما، و آن این است:

---

(۱) یٰسٓ / ۱۲.
(۲) آل عمران / ۱٥٤.
(۳) فتح / ۲۹.
(٤) دمیری، محمّد بن موسی، **حياة الحيوان**، ج ۱، ص ۱۰.

«يَا دَائِماً لَمْ يَزَلْ ، يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَافْعَلْ بِنَا كَذَا وَكَذَا» و به‌جای كذا و كذا حوائج خود را ذكر كند .

و دعای دیگر برای حاجات و دیون ما است و آن این است :

«يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ يَا اللهُ يَا رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا» و به‌جای كذا و كذا حاجات خود را بگوید [1].

برای دفع ترس از هر امری

در *غاية المرام* از بعض عامّه مسنداً عن الامام جعفر بن محمّد عليه‌السلام روایت کرده که پیغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود به علی بن ابی طالب عليه‌السلام که هرگاه از امری بترسی بگو :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ» .

که به تو ضرری نمی‌رسد .

فائده تهلیل گفتن

شهید ثانی در کتاب *ایمان و کفر* روایت کرده که هرکس بعد از نماز مغرب صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» بگوید سه فائده دارد :

اوّل : هیچ گناهی به ایمان او ضرر نرساند .

دوم : حق تعالی از او خشنود باشد .

سوم : عذاب قبر از او برداشته گردد .

دعای موجب مغفرت

غزالی در *احياء العلوم* گفته : شخصی عتبه غلام را در خواب دید، او گفت : خداوند به این دعا مرا به بهشت برد :

«اللَّهُمَّ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ ، وَيَا رَاحِمَ الْمُذْنِبِينَ ، وَيَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْعَاثِرِينَ ، ارْحَمْ عَبْدَكَ

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ١٧٤ .

ذَا الْخَطَرِ الْعَظِيمِ وَالْمُسْلِمِينَ كُلَّهُمْ أَجْمَعِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَ الأَخْيَارِ الْمَرْزُوقِينَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»[۱].

و از عایشه روایت کرده که خداوند به آدم عليه‌السلام وحی فرمود: کسی از ذرّیّهٔ تو نمی‌خواند مرا به آنچه تو خواندی مگر اینکه او را می‌آمرزم و هموم، غموم، فقر و فاقه را از او برمی‌دارم و دنیا روی به او آورد هرچند او دنیا را نخواهد، و دعای حضرت آدم این است:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ سِرِّي وَعَلَانِيَتِي فَاقْبَلْ مَعْذِرَتِي وَتَعْلَمُ حَاجَتِي فَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَاناً يُبَاشِرُ قَلْبِي وَيَقِيناً صَادِقاً حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَهُ عَلَيَّ وَالرِّضَا بِمَا قَسَمْتَهُ لِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَام»[۲].

و دعای ابراهیم بن آدم را ذکر کرده مشتمل بر صلوات و سلام بر نبی صلى‌الله‌عليه‌وآله تنها بدون آل، و آن دلیل است که از عامّه بوده.

و دعای خضر را در **احیاء** در باب امر امراء از جلد دوم نوشته که آن حضرت فرمود: این دعای فَرَج است، هرکه بخواند شهادت نصیب او می‌شود، و هرکس صبح و شام آن را بخواند گناهانش آمرزیده، و موجب خوشحالی او خواهد شد، هر خطایی کرده بخشوده می‌شود، اگر دعایی کرد مستجاب، روزی او زیاد، آرزوی او برآورده، بر دشمن غلبه می‌کند، و اسم او جزء راستگویان نوشته می‌شود، نمی‌میرد مگر اینکه شهادت نصیب او گردد، دعا این است:

«اَللَّهُمَّ كَمَا لَطُفْتَ فِي عَظَمَتِكَ دُونَ اللُّطَفَاءِ، وَعَلَوْتَ بِعَظَمَتِكَ عَلَى الْعُظَمَاءِ، وَعَلِمْتَ مَا تَحْتَ أَرْضِكَ كَعِلْمِكَ بِمَا فَوْقَ عَرْشِكَ، وَكَانَتْ وَسَاوِسُ الصُّدُورِ كَالْعَلَانِيَةِ عِنْدَكَ وَعَلَانِيَةُ الْقَوْلِ كَالسِّرِّ فِي عِلْمِكَ وَانْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ وَخَضَعَ كُلُّ ذِي سُلْطَانٍ لِسُلْطَانِكَ وَصَارَ أَمْرُ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ كُلُّهُ بِيَدِكَ، اجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ هَمٍّ أَمْسَيْتُ فِيهِ فَرَجاً وَمَخْرَجاً.

---

(۱) غزالی، محمّد بن محمّد، **إحياء العلوم**، ج ۱، ص ۳۱۶.

(۲) همان، ص ۳۱۷.

اللّٰهُمَّ إِنَّ عفْوَكَ عَنْ ذُنُوبِي، وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي، وَسَتْرَكَ عَلىٰ قَبِيحِ عَمَلِي، أَطْمَعَنِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِمَّا قَصُرْتُ فِيهِ، أَدْعُوكَ آمِناً وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِساً وإِنَّكَ الْمُحْسِنُ إِلَيَّ، وَأَنَا الْمُسِيءُ إِلَى نَفْسِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ، تَتَوَدَّدُ إِلَيَّ بِنِعَمِكَ وَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ بِالْمَعَاصِي، وَلٰكِنَّ الثِّقَةَ بِكَ حَمَلَتْنِي عَلَى الْجُرْأَةِ عَلَيْكَ، فَعُدْ بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»[1].

دعا برای آسانی سکرات مرگ

در **منتخب** میرداماد از حضرت رسول ﷺ روایت شده که: هرکه این دعا را بخواند، به طریقی سکرات مرگ بر او آسان شود که ندانند جان داده است یا خوابیده:

«اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمَوْتِ طَيِّبْنِي لِلْمَوْتِ، وَأَسْلِمْنِي قَبْلَ الْمَوْتِ، وَارْحَمْنِي عِنْدَ الْمَوْتِ، وَهَوِّنْ عَلَيَّ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَلاَ تُعَذِّبْنِي بَعْدَ الْمَوْتِ، وَأَرْضِنِي إِلىٰ مَلَكِ الْمَوْتِ يَا ﴿ **فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِماً وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ** ﴾[2]».

اهتمام در قرائت آیة الکرسی در سه وقت

شیخ در**أمالی** وجعفر بن احمد قمّی در **مسلسلات** روایت کرده‌اند امیرالمؤمنین ؑ به قرائت آیة الکرسی تا ﴿ **الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ** ﴾[3] در سه وقت: قبل از دو رکعت نافلهٔ عشا، وقت خواب، و در وقت صلاة وتر در سحر اهتمام داشتند و می‌فرمودند: ترک نکردم قرائت آن را در این سه وقت، از زمانی که از

---

(۱) غزالی، محمّد بن محمّد، **إحیاء العلوم**، ج ۲، ص ۳۵۳.

(۲) یوسف/۱۰۱.

(۳) بقره/۲۵۵.

رسول خدا ﷺ شنیدم [۱].

ثواب قرائت آية الکرسی

و قطب راوندی در ***لبّ اللباب*** از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که: هرکس در وقت خواب بخواند، ابواب رحمت تا صبح بر او گشوده باشد، و به هر مویی بر بدن او خداوند شهری در بهشت به او عطا کند، و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده.

سیّد ابن طاووس در ***امان الاخطار*** آورده که حضرت امیر ؑ در خواب تعلیم دادند به حاجی‌ای که از تشنگی مشرف بر موت بود که بگو کلمهٔ نجات را و آن این است:

«أَدِمْ مُلْكَكَ عَلىٰ مُلْكِكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ».

و چون این کلمه را گفت: ابری در غیر موسم ظاهر شد و بارید و حاجی نجات یافت [۲].

[جهت برداشته شدن حجاب از قلب]

و در **بلد الامین** کفعمی روایت است که هرکس در عقب نماز صبح هفتاد مرتبه بگوید «یا فَتّاحُ» در حالتی که دست بر سر گیرد، خداوند حجاب را از قلب او بردارد [۳].

برای زیادتی قوّهٔ حافظه

از ابن عبّاس روایت شده که حضرت رسول ﷺ به او فرمود: آیا تعلیم ندهم تو را چیزی برای حفظ؟ پس فرمود: می‌نویسی در طشتی به زعفران فاتحة الکتاب را

---

(۱) طوسی، محمّد بن الحسن، **أمالی**، ص ۵۰۸، مجلس ۱۸، ح۱۹؛ مرعشی، سیدمحمود، **المسلسلات**، ضمن کتاب **جامع الأحادیث**، ص ۲٦٦، ح ٤٠.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان**، ص ۱۲۹.

(۳) کفعمی، ابراهیم بن علی، **بلد الأمین**، ص ٦۱۰.

تا به آخر و سورهٔ ملک ، سوره حشر و واقعه را و به آب زمزم یا آب باران یا آب دریا آن را محو می‌کنی و سحری بر ناشتا می‌آشامی با سه مثقال لبان که کندر باشد ، و ده مثقال عسل ، و ده مثقال شکر ، و بعد از این شرب ، دو رکعت نماز می‌گزاری و قرائت می‌کنی در هر رکعت پنجاه مرتبه فاتحة الکتاب را ، و بعد از آن پنجاه مرتبه «قُل هو اللهُ أحد» را ، و آن روز را روزه می داری .

ابن عبّاس گفت : عمل کردم ، چنان بود که فرمود [1].

و بیهقی از امیرالمؤمنین عليه السلام روایت کرده که: قرآن پنج آیه پنج آیه نازل شده غیر از سورهٔ انعام ، هرکس پنج آیه پنج آیه حفظ کند آن را فراموش نکند .

غزالی در ***خواصّ القرآن*** روایت کرده که هرکس بخواهد جلیل و دقیق علوم را حفظ کند باید بنویسد در ظرف پاکیزه از اوّل سوره الرحمن تا ﴿ **يَسْجُدَان** ﴾ [2] و بنویسد بعد از آن :

﴿ لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴾ [3] ﴿ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ﴾ [4].

و آن را به آب زمزم محو کند و بیاشامد یا بدهد به فرزند خود یا هرکه اراده دارد که حفظ کند هرچه بشنود یا ببیند و آن مجرّب است .

ایضاً برای زیادتی حافظه

و سلمان از نبی صلى الله عليه وآله روایت کرده که: هرکس هفت مرتبه آیة الکرسی را به زعفران برکف دست راست خود بنویسد و هر دفعه بلیسد به زبان خود ، چیزی را فراموش نکند و ملائکه برای او استغفار کنند .

---

(۱) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۱، ص ۳۶۹، ح ۲٤.

(۲) الرحمن/٦.

(۳) قيامة /١٦ ـ ١٩.

(٤) بروج/٢١ ـ ٢٢.

جهت آسان شدن ولادت

دیلمی از ابن عبّاس روایت کرده که حضرت رسول ﷺ فرمود: هرگاه زائیدن دشوار شود بر زن، بنویسد بر ظرف پاکیزه:

﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِن نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (۱) **﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا﴾** (۲) **﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾** (۳).

وبشويند و آن زن بياشامد و بر شكم و فرج خود از آن بپاشد بەزودی خلاص می‌شود (٤).

در *تفسیر بحر العلوم* صاحب *خزينة الاسرار* گويد: در مدينه برای زنی نوشتم بر کاسه‌ای آية الكرسی، سورۂ فاتحة الكتاب، اخلاص و آيۂ:

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (٥) و **﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾** (٦) **لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ لَمْحَةٍ وَنَفَسٍ بِعَدَدِ كُلِّ مَعْلُومٍ لَكَ».**

و شست آن را و آشاميد فوراً خلاص شد.

---

(١) أحقاف/٣٥.

(٢) نازعات/٤٦.

(٣) يوسف/١١١.

(٤) نيشابوری، عبدالله و حسين فرزندان بسطام، **طبّ الأئمّه** عليهم السلام، ص ٣٠٨؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ٩٥، ص ١١٧.

(٥) إسراء/٨٢.

(٦) حشر/٢١.

در بیان خواصّ اسمای اصحاب کهف

و هرگاه اسمای اصحاب کهف را بنویسد و بر ران چپ بندد نیز بـرای آسـانی وضع حمل مجرّب است ، و خواصّ آن اسمای اصحاب بسیار است :

در خانه‌ای که نوشته باشد نسوزد .

و برای حریق در وسط آتش بیندازد خاموش شود .

و برای گریهٔ طفل در زیر سر و بغل اوگذارد درگهواره .

و برای حفظ زرع بر چوبی نصب کند در وسط زرع .

و از برای وارد شدن بر سلاطین بر ران راست بندد .

و همچنین برای تپش قلب ، تب ، سر درد ، ثروتمند شدن و والا مقام شدن مفید است .

و برای حفظ مال و رکوب بحر و غیر ذلک نافع است .

و در خواب به بعضی گفتند که اسامی ما را به شکل دایره بنویسند و قطمیر را در وسط آن تا منفعت ببینید ، و اسمای ایشان این است : یملیخا ، مکشلیمنیا ، مشلینا ، مرنوش ، بردنوش ، شاذنوش و اسم چوپان : کفسططیوش ، و اسم کلب : قطمیر ، و بعضی دوم و سوم را مکثلینا و مثلینا گفته‌اند .

در بیان خواصّ آیات خمس

بدانکه برای این آیات خواص بسیار است ، با خود داشتن آنها سبب نصرت بر دشمنان است و هیبت در نظر جبّارین .

و از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت است که: اگر هر روز بخواند ، دوازده هزار ملک او را حفظ کنند و در جنّت فردوس ششصد قصر از یاقوت احمر برای او بنا کـنند و سلاطین مسخّر او شوند ، و از شیاطین ، جانوران و موذیان محفوظ باشد .

و از رسول خدا صلّی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که:کسی که این پنج آیه راکه در همهٔ آنها پنجاه

قاف است روز جمعه بنویسد و بشوید و بیاشامد، داخل شود در جوف او هزار شفا ، هزار صحّت ، رحمت ، رأفت ، یقین و قوّت ، و هر دردی ، غمی و حزنی از او برداشته شود ، و سبب طول عمر و بخشش گناهان است مواظبت بر قرائت آن .

و در ***خواصّ القرآن*** است که هرگاه بر ورقه‌ای بنویسد و بر سر گذارد و بر ارباب جاه وارد شود تعظیم کنند او را ، و هیبتی در نظر ایشان برای او باشد ، چهار آیهٔ از آن در چهار سورهٔ متصل است که اوّل آنها سورهٔ بقره است و آخر سورهٔ مائده ، و یک آیه در سوره رعد است و آن پنج آیه است .

و بعضی از مشایخ گفته‌اند که بعد از هرآیه که یک دفعه می خواند اسامی بعد از آن را که ذکر می شود سه مرتبه بخواند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَاءِ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكاً نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾[1] قَدِيرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ ، دوم : **﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾**[2] قَوِيٌّ لَا يَحتاجُ إِلَى مُعِينٍ ، سوم : **﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلوٰةَ وَآتُوا الزَّكوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلاً﴾**[3] قَهَّارٌ لِمَنْ طَغَى وَعَصَى ، چهارم : **﴿وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَاناً فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا**

---

(۱) بقره/۲٤٦.

(۲) آل عمران/۱۸۱.

(۳) نساء/۷۷.

يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾[1] قُدُّوسٌ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ، پـنجم: ﴿قُلْ مَن رَّبُّ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُم مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْـفُسِهِم نَفْعاً وَلاَ ضَرّاً قُلْ هَلْ يَسْتَوِى الأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِى الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِم قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾[2] قَيُّومٌ يُرْزَقُ مَنْ يَشَاءُ الْقُوَّةَ.

در اینکه آیات قرآنیّه شفای از هر درد و مرض است خصوصاً آیة الکرسی

سیّد جزائری در ***انوار نعمانی*** فرموده که در آیات قرآن شفاست از هر دردی و مرضی، خصوص آیة الکرسی که من و غیر من تجربه کرده‌ایم و آن حفظ می‌کند انسان را از دزد و در جنگ‌ها و از حشرات موذی و درّندگان، و اگر بخواند آن را و برود میان نیزه و شمشیرها خداوند او را نجات دهد، و هرگاه پنج مرتبه بخواند خداوند بفرماید به ملائکه که واگذارید میان من و بندهٔ من که من خود او را حفظ می‌کنم.

و روایت کرده به جهت تنگی نفس هفده روز «الم نشرح» را بخواند، هر روز دو مرتبه: یک مرتبه صبح و یک مرتبه عشا.

برای رفع خنازیر

و از برای غدّه‌های سخت که در گلو بیرون آید، حضرت امام رضا عليه‌السلام برای کنیزی فرمود که مکرّر بگوید:

«يَا رَؤُوف يَا رَحِيمُ يَا سَيِّدِي».

و چنان کرد زائل شد.

---

(۱) مائده/۲۷.

(۲) رعد/۱٦.

جهت گشودن شخصی که او را بسته باشند

و روایت کرده برای گشودن کسی که او را بسته باشند بنویسد سورهٔ ﴿ **إِنَّا فَتَحْنَا** ﴾ را تا ﴿ **نَصْراً عزيزاً** ﴾ [۱] ﴿ **وَفَجَّرْنَا الأَرْضَ عُيُوناً فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ** ﴾ [۲] ﴿ **وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعاً** ﴾ [۳] ﴿ **وَضَرَبَ لَنَا مَثَلاً وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَن يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ** ﴾ [٤]. و بنویسد بعد از آن سه مرتبه : ﴿ **حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا** ﴾ [۵]، پس بنویسد :

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ اِسْمِكَ الْمَكْنُونِ بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تَحُلَّ ذَكَرَ فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ عَنْ فُلَانَةٍ بِنْتِ فُلَانٍ بِكهيعص وبحمعسق وبِقُل هُوَ اللهُ أَحَدٌ، وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً بِأَلْفِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» [٦].

برای دفع درد سر

و برای درد سر، حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرموده است : دست بر موضع درد بگذارد و آیة الکرسی و فاتحة الکتاب بخواند و بگوید :

«اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ الله أَجَلُّ وَأَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ أَعُوذُ بِاللهِ مِنْ عُرْقِ نَعَّارٍ وَأَعُوذُ بِاللهِ مِنْ حَرِّ النَّارِ» [۷].

---

(۱) فتح/۳.

(۲) قمر/۱۲.

(۳) کهف/۹۹.

(٤) يٰسٓ/۷۸ ـ ۷۹.

(۵) کهف/۷۱.

(٦) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ١٦٠.

(۷) طبرسی، حسن بن الفضل، **مکارم الأخلاق**، ج ۲، ص ۲۰۱؛ نیشابوری، عبدالله و حسین فرزندان ←

برای دفع [درد] چشم

و برای درد چشم بخواند بر آن آية الكرسی را به اعتقاد آنكه ساكن می شود [۱].

دیگر آنكه سه مرتبه بر آب بخواند و صورت خود را به آن بشوید:

﴿ فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ﴾ [۲] ﴿ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ﴾ [۳].

[برای دفع درد شكم]

و برای درد شكم بخواند:

﴿ لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴾ [٤] ﴿ إِنَّ اللهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴾ [٥] ﴿ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴾ [٦].

و در جلد نوزدهم **بحار** و سائر كتب اصحاب، اینها را روایت كرده‌اند.

جهت دفع درد دندان

و روایت نموده‌اند برای درد دندان كه بر آن بخواند هفت مرتبه:

«بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ أُسْكُنْ بِقُدْرَةِ اللهِ الَّذِي خَلَقَكَ فَإِنَّهُ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ عَلَيْكَ وَعَلَى الْجِبَالِ فَأَنْبَتَهَا وَأَنْبَتَكَ فَقِرَّ حَتّىٰ يَأْتِيَ فِيكَ أَمْرُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» [۷].

← بسطام، **طبّ الأئمه** عليهم السلام، ص ۲۳۹، نعر العُرق: أي فار منه الدم (ابن منظور، محمّد بن مكرم، **لسان العرب**، ج ۵، ص ۲۲۱).

(۱) نیشابوری، عبدالله و حسین فرزندان بسطام، **طبّ الأئمه** عليهم السلام، ص ۲۵۰.

(۲) قٓ/ ۲۲.

(۳) یٰس/ ٦٦.

(٤) یونس/ ۲۲.

(٥) بقره/ ١٤٣.

(٦) إسراء/ ۸۲.

(۷) نیشابوری، عبدالله و حسین فرزندان بسطام، **طبّ الأئمه** عليهم السلام، ص ۲٦٠.

و از خطّ شهید روایت کرده از ابن عبّاس از حضرت رسول خدا ﷺ که: انگشت بگذارد بر دندانی که درد می‌کند و بگوید:

﴿ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالأَبْصَارَ وَالأَفْئِدَةَ قَلِيلاً مَا تَشْكُرُونَ ﴾ (۱)و (۲).

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که: بعد از وضوی نماز واجب بخواند: ﴿ لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً ﴾ (۳) تا آخر سوره.

در بیان بعضی از ختوم مجرّبه مجازه و برخی از اوراد صحیحه برای قضای حاجات و کفایت مهمّات

فصلٌ: سؤال کردی ایّدك الله تعالی از بعض ختوم و اوراد مجرّبه صحیح برای حوائج دنیا و آخرت که مجاز باشیم به آن از شیوخ عظام اعظم الله اجورهم فی دار المقام به اجازه آن تو را و امثال تو را از برادران دینی وفّقهم الله؛ پس قلیلی از آن ذکر می‌شود با اجازهٔ به آن برای مطالب شرعیّه به‌جهت تأثیر نفس کاملین از علمای عاملین نه مدّعین از شیاطین خذلهم الله یوم القیامة، و آنچه ذکر می‌شود اموری است:

الأوّل: بخوان سوره «قل هو الله أحد» را برای هر امری هزار و یک مرتبه و اگر با طهارت باشد و حضور قلب و روی به قبله، اسرع در تأثیر است.

الثانی: بخوان سورهٔ مبارکهٔ یٰس را چهل و یک مرتبه برای هر مهمّی.

الثالث: بخوان روز جمعه هفتاد مرتبه:

«اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ».

---

(۱) الملك/۲۳.

(۲) نیشابوری، عبدالله و حسین فرزندان بسطام، **طبّ الأئمه** علیهم السلام، ص ۲۶۰.

(۳) حشر/۲۱.

برای غنا و توانگری.

الرابع: برای گم‌شده و گریخته بخواند آیة الکرسی تا ﴿ **وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ** ﴾ (۱) سیصد و سیزده مرتبه البته به‌دست آید.

الخامس: ﴿ **لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ** ﴾ (۲) تا آخر سوره برائت، هرکس این دو آیه را هر روز چهل و یک مرتبه بخواند اسرار عجیبه بیند.

و هرگاه در عقب هر نماز فریضه‌ای هفت مرتبه بخواند جمیع دشواری‌ها بر او آسان شود، قرض او ادا شود، بر دشمنان ظفر یابد، تفریج هموم و غموم او روی دهد، منظور نظر حضرت رسول ﷺ شود، صدمه‌ای از آهن بر او وارد نشود، و عمر او طویل شود، و از برای آن حکایاتی است که در مکان آن مسطور است.

السادس: در سورهٔ طلاق ﴿ **وَمَنْ قُدِرَ عَلَيه رِزْقُهُ** ﴾ (۳) تا آخر آیه، از برای تنگی امر معاش پنج شنبه روزه دارد و بعد از نصف شب جمعه برخیزد و صد مرتبه استغفار کند و صد مرتبه صلوات بر حضرت رسول ﷺ و آل آن جناب بفرستد و این آیه را صد مرتبه بخواند، ابواب رزق بر او گشوده شود و در خواب ببیند وسعت را بر خود.

السابع: برای استجابت دعا و رفع هموم در سجده چهل مرتبه تلاوت ﴿ **فَنَادىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلٰهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ** ﴾ (٤).

و در بعضی از روایات همان آیه اوّل تا ﴿ **مِنَ الظَّالِمِينَ** ﴾ (٥) است و انگشت را

---

(۱) بقره/۲۵۵.

(۲) توبه/۱۲۸.

(۳) طلاق/۷.

(٤) أنبياء/۸۷ ـ ۸۸.

(٥) انبياء/۸۷.

حرکت دهد در حین تلاوت ، و اگر بعد از وضو و دو رکعت نماز باشد اسرع در اجابت است .

الثامن : کسی که معزول شود از منصبی و بخواهد عود آن را یا طلب کند مهمّی را و عاجز باشد از تحصیل آن، همان آیهٔ شریفه را تا آخر که گذشت بعد از نماز صبح تا چهل روز ، چهل و یک مرتبه بخواند بی زیاده و نقصان و در اثنای آن تکلّم نکند به کلام دنیا، به مقصود برسد و مکرّر تجربه شده .

مواظبت بر ﴿ **لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ** ﴾ (۱) هر روز هزار مرتبه همین خاصیّت را دارد و اسرار بسیار دارد .

و هرگاه بعد از نصف شبی برخیزد و دو رکعت نماز به‌جای آورد و دست‌ها را به آسمان بردارد و بگوید :

«اللَّهُمَّ إِنَّ ذَا النُّونِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ دَعَاكَ مِنْ ضُرٍّ أَصَابَهُ وَنَادَاكَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ ﴿ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴾ (۲) وَإِنَّكَ قُلْتَ ﴿ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴾ (۳) فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ ، أَدْعُوكَ لِضُرٍّ أَصَابَنِي وَأَقُولُ كَمَا قَالَ يُونُسُ عَلَيْهِ السَّلامِ ﴿ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴾ (٤) فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لِيُونُسَ وَنَجِّنِي مِنَ الْغَمِّ كَمَا نَجَّيْتَهُ فَإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادُ ﴾ (۵)».

التاسع : قرائت «إنّا أنزلناه» بر آنچه ذخیره می‌شود و به سفر فرستاده می‌شود، حفظ آن است از هر آفت مثل گذاشتن تربت سیّدالشهدا عليه السلام در میان آن .

---

(۱) أنبیاء/۸۷.

(۲) انبیاء /۸۷.

(۳) انبیاء /۸۸.

(٤) انبیاء /۸۷.

(۵) آل عمران/۱۹٤.

العاشر: خواندن آية الكرسى بعد از هر نماز فريضه حفظ است از هر صاحب زهرى[1].

الحادى عشر: براى اجابت دعا در نزد طلوع شمس روز جمعه سورۀ «قُل يا أيّها الكافرون» را ده مرتبه بخواند و بعد از آن دعا كند، بى‌شك مستجاب است ، و همچنين هرگاه ده آيه از قرآن بخواند و بعد از آن هفت مرتبه بگويد «يا اللهُ» و حاجت بخواهد البتّه برآورده شود؛ ان شاء الله تعالى .

الثانى عشر: هرگاه اين سه آيه را بخواند و از ميان دشمنان بيرون برود او را نبينند . و ***عدّة الداعى*** از ***جمال السالكين*** روايت كرده كه مردى از اهل همدان را ديلم اسير كرده بودند چون آن را تلاوت كرد بر محال و سرحدّ آنها از ميان ايشان بيرون شد به بلاد اسلام ، وكِشتى به قرائت آن از دزدان نجات يافت و آن سه آيه اين است :

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾[2]، **﴿أُولٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾**[3]، **﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْراً وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدىٰ فَلَن يَهْتَدُوا إِذاً أَبَداً﴾**.[4] و [5]

الثالث عشر: هرگاه آيه شريفه «بِسْمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيم» را در روز اوّل محرّم صد و سيزده مرتبه در ورقه‌اى بنويسد و با خود داشته باشد هرگز مكروهى به او و

---

(۱) ابن بابويه، محمد بن على (شيخ صدوق)، **ثواب الأعمال**، ص ۱۳۱.

(۲) جاثيه/۲۳.

(۳) نحل/۱۰۸.

(٤) كهف/٥٧.

(٥) ابن فهد حلّى، احمد بن محمد، **عدّة الداعى**، ص ۲۹۵.

اهل بیت او نرسد .

و هرگاه اسم «الله» را شصت و شش مرتبه بر کاسهٔ نظیفی بنویسد و بشوید و آن آب را به مریض بدهد شفا یابد .

و هرگاه کسی را عقرب یا مار بگزد تمام [بسم الله الرّحمن الرّحیم] را به حروف مقطّعه بنویسد و آن را بیاشامد شفا یابد .

الرابع عشر : هرگاه سورهٔ مبارکه حمد را بعد از فریضهٔ یومیّه صد مرتبه بخواند وسعت عیش بیند و هیچ مکروهی به او نرسد و خـواصّ عـجیبه دارد، چـنانچه مشایخ آورده‌اند .

و در اشعار منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام صبح ، ظهر ، عصر و مغرب بدون عشا و در آن اشعار است :

فَـإِنَّكَ إِنْ فَـعَلْتَ أَتَـاكَ آتٍ ... بِمَا يُغْنِيكَ عَنْ زَيْدٍ وَعَـمْرو

وَكُنْتَ مُبَجَّلاً فِي كُـلِّ وَقْتٍ ... وَعِشْتَ مُنَعَّماً فِي طُولِ دَهْرِ

و هرگاه چهل روز متوالی در بین نافله نماز صبح و فریضهٔ صبح سورهٔ مـبارکه حمد را چهل و یک مرتبه بخواند تمام عزّ و شرف و منصب که بخواهد بیابد ، و اگر مریض باشد شفا یابد ، و اگر عقیم باشد اولاد آورد ، و خواص آن زیاد است ، و مواظبت همهٔ وقت بر آن تأثیرات عظیم دارد .

و هرگاه دست بر موضع درد گذارد و آن سورهٔ شریفه را هفت مرتبه بخواند و بگوید :

«اللَّهُمَّ أذْهِبْ عَنِّي سُوءَ مَا أَجِدُ وَفَحْشَهُ بِدَعْوَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ الأَمِينِ عَبْدِكَ» هفت مرتبه ، شفا یابد و مجرّب است .

و قرائت سورهٔ حمد در سحر چهل و یک مرتبه خواصّ عجیبه دارد .

و قرائت آن به عدد حروف آن که صد و پنجاه و شش یا به‌عدد مرسلین یا هزار مرتبه در سه روز یا پنج روز یا هفت روز با وضو در خلوت و در بین تکلّم نکـند،

محصِّل هر مقصود است.

و هرگاه صبح آن را بخواند و بر کف دست خود دمد و صورت و شکم خود را به آن مسح کند آن روز گرسنگی و تشنگی نبیند.

برای الفت و دوستی مابین دو نفر

الخامس عشر: برای دوستی میان دو نفر، بعد از نصف شب جمعه سی مرتبه بخواند آیهٔ شریفهٔ ﴿**فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ**﴾[1] و در آخر هر مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ أَنْتَ يَا رَبِّ حَسْبِي عَلَىٰ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ أَعْطِفْ قَلْبَهُ وَذَلِّلْهُ» اگر زن باشد، و اگر مرد باشد بگوید: «**اللَّهُمَّ أَنْتَ يَا رَبِّ حَسْبِي عَلَىٰ فُلَانَةٍ بِنْتِ فُلَانَةٍ أَعْطِفْ قَلْبَهَا وَذَلِّلْهَا**» آن شخص مهربان گردد.

برای بزرگی و فرمان بردن

السادس عشر: اگر هر روز پنجاه مرتبه آیة الکرسی را بخواند به تعداد کلمات آن، که پنجاه است از برای او آقایی و فرمان‌بردن باشد میان مردم در دنیا و آخرت، و از برای قاری آن است به وزن کرسی و ده هزار ملک در یمین عرش و ده هزار در یسار عرش بر کرسی‌ها نشسته برای قاری آن ثواب بنویسند.

دفع درنده و دشمن

و مواظبت بر دو اسم مقدّس که در آن است یعنی «یا حيُّ يَا قَيُّومُ» سبب غلبهٔ بر خصم است.

و قرائت آیة الکرسی بر گرگ و سَبُعی که حمله آورد سبب فرار اوست.

و به عدد حروف آن که صد و هفتاد است موجب رفع حزن و قضای حوائج

---

(۱) توبه/۱۲۹.

عظام است .

و هرگاه در وقت بیرون رفتن از منزل آیة الکرسی را تلاوت کند حاجت او روا گردد .

برای هدیهٔ اموات

و قرائت آیة الکرسی در قبرستان برای اهل قبور ثواب صد هزار اشرفی دارد که تصدّق کند .

و هرکس میّت خود را یاد کند به آنچه ممکن او شود ثواب آن را دارد که اسبی را به هزار دینار بخرد و به جهاد فرستد .

و مواظبت بر قرائت آن چهل روز ، هر روزی هزار مرتبه موجب حصول جمیع مرادات و کشف روحانیّات است .

جهت شرّ دشمنان

دعاء جهت دفع شرّ دشمنان ، از کتاب **مخلاة** شیخ بهائی :

«اللَّهُمَّ عَزَّ الظَّالِمُ ، وَذَلَّ النَّاصِرُ ، وَأَنْتَ الْمُطَّلِعُ الْعَالِمُ ، اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَاناً ظَلَمَنِي وآذَانِي وَلَا يَعْلَمُ بِذَلِكَ غَيْرُكَ . اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَالِكُهُ فَأَهْلِكْهُ . اللَّهُمَّ سَرْبِلْهُ سِرْبَالَ الْـهَوَانِ وَقَـمِّصْهُ قَمِيصَ الرَّدَى . اللَّهُمَّ اقْصِفْهُ» نُه مرتبه ، پس بخوان : ﴿ **فَأَخَذَهُمَ اللهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللهِ مِنْ وَاقٍ** ﴾ [1] نُه مرتبه .

دعای آخر :

«يَا جَمِيلُ يَا جَلِيلُ يَا لَطِيفُ كُنْ لِي بِاللُّطْفِ الَّذِي لَطَفْتَ بِـهِ لِأَوْلِـيَائِكَ ، وَانْـصُرْنِي بِالرُّعْبِ الشَّدِيدِ عَلَىٰ أَعْدَائِكَ يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» .

پس نمی‌گوید آن را مگر آنکه غالب می شود بر دشمنان خود .

---

(۱) مؤمن /۲۱.

برای خوف از سلطان یا ظالم

ایضاً در آن کتاب فرموده که از مجرّبات است از برای خوف از سلطان یا ظالم اینکه پنج سنگریزه یا هسته بگیری و قرائت کنی بر اوّلی «ک» و بر دوم «هـ» و بر سوم «ی» و بر چهارم «ع» و بر پنجم «ص» بعد بیندازی اوّلی را از طرف دست راست خود و بگویی «قَولُهُ»، و دوم را از دست چپ خود و بگویی «الحقُّ»، و سوم را از پشت سر خود و بگویی «ولهُ»، و چهارم را از پیش روی خود و بگویی «المُلكُ»، و پنجم را نگاه‌داری در عمامه خود و بگویی:

«كٓهيعٓصٓ حمٓعٓسٓقٓ أَمْسِكْ عَلَيْكَ لِسَانَكَ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانَةِ بِحَقِّ الاِسْمِ الأَعْظَمِ».

و کسی که اراده کند داخل شدن بر سلطان را، قرائت کند بر انگشتان خود «كٓهيعٓصٓ» و «حمٓعٓسٓقٓ» و انگشتان را بچسباند به هم و چون داخل شود بگشاید و بگوید:

«اللَّهُمَّ نَجَّيْتَ مُوسىٰ مِنْ فِرْعَوْنَ وَنَصَرْتَ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ الأَحْزَابِ اِكْفِنِي شَرَّهُ».

عجیب ایمن شود از شرّ او.

و مجرّب است که هرگاه داخل شود بر ظالم قرائت کند «كٓهيعٓصٓ» و«حمٓعٓسٓقٓ» و در هر حرفی یکی از انگشتان خود را ببندد ابتدا نماید به انگشت ابهام دست راست و ختم کند به ابهام دست چپ، پس چون جمیع انگشتان را بست و بر هم گذاشت سورهٔ «الم ترکیف فعل رَبُّکَ» را بخواند آهسته و چون «تَرمیهم» را بگوید ده مرتبه آن را مکرّر کند و در هر مرتبه یک انگشت را بگشاید، ایمن شود از شرّ او قطعاً؛ ان شاء الله تعالی [۱].

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۲۳۲.

برای ایمنی از بلاها و حفظ از وسوسه شیطان

و از رسول خدا ﷺ روایت است که: هرگاه بگوید در حین بیرون رفتن از منزلِ خود یا از دَرِ سَرا:

«بِسْمِ اللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ».

به او گفته می‌شود که ایمن شدی، و شیطان از او دور شود.

جهت دفع مورچه

به‌جهت دفع مورچه بر جریده سبزی یا خوصهٔ[1] خضرائی می‌نویسد و در موضع مورچه گذارد:

«اطَّلَعَ الرَّبُّ فَنَظَرَ، وَلِلْعُيُوبِ فَسَتَرَ، وَلِلذُّنُوبِ فَغَفَرَ، اِرْحَلْ أَيُّهَا النَّمْلُ كَمَا رَحَلَتِ الرَّحْمَةَ عَنْ شُيُوخِ الْقُرَى الَّذِينَ بَاعُوا الْجَفْنَ بِاللَّحْمِ عَنسج منسج نمرا».

دعای بعد از فریضه

دعای بعد از فریضه:

«إِلهِي لَا رَبَّ لِي سِوَاكَ فَأَدْعُوهُ، وَلَا إِلهَ غَيْرُكَ فَأَرْجُوهُ، أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ الرَّبُّ يَعْفُو وَالْعَبْدُ يُخْطِي، فَإِنْ كَانَتْ دَعْوَتِي صَادِقَةً وَيَقِينِي لَكَ صَادِقاً فَأَغِثْنِي يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

برای گشایش امور و برطرف شدن ناراحتی‌ها

دعای دیگر:

«اللَّهُمَّ ضَاقَتِ الأَسْبَابُ إِلَّا عَلَيْكَ، وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ، وَانْسَدَّتِ الطُّرُقُ إِلَّا إِلَيْكَ، وَخَابَ الأَمَلُ إِلَّا فِيكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ ضِيقٍ فَرَجاً وَمِنْ كُلِّ هَمٍّ مَخْرَجاً، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ» هفت مرتبه. **«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجِي»** هفت مرتبه.

---

(۱) خُوص: برگ درخت خرما، واحدش خوصه (عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، ماده خوص).

[دعای آخر ماه]

دعای آخر ماه:

«يَا كَافِي يَا كَافِي يَا كَافِي يَا مَنْ هُوَ فِي عَرْشِهِ مُكْتَفِي، زِدْنِي قُوَّةً فِي ضَعْفِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا قَلَّبَهُ كَفِّي وَاكْفِنِي شَرَّ أَعْدَائِي وَاكْفِنِي شَرَّ عَدُوٍّ لِي خَلْفِي إِنْ أَقْبَلُوا عَلَيَّ فَرُدَّهُمْ وَإِنْ بَغِي عَلَيَّ فَهُدَّهُمْ أَنْتَ أَقْوىٰ مِنِّي وَمِنْهُمْ وَأَنْتَ رَبِّي وَرَبُّهُمْ وَرَبُّ الْعِبَادِ كُلِّهِمْ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ».

دعای شریف برای ایمنی از تمام ترس‌ها و گرفتاری‌ها

در حدیث است از حضرت رسول خدا ﷺ که فرمود: بین بنده و بهشت دویست هزار هول است که آسان‌تر آنها مرگ است، و نود هزار ضربت شمشیر آسان‌تر است از جذبه‌ای از جذبات مرگ؛ پس کسی که این ده کلمه را بخواند خداوند کفایت کند او را از همهٔ اهوال به‌فضل وکرم خود:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ أَعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَلِكُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ مَا شَاءَ اللهُ، وَلِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلّٰهِ، وَلِكُلِّ رَخَاءٍ الشُّكْرُ لِلّٰهِ، وَلِكُلِّ أُعْجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللهِ، وَلِكُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللهَ، وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَلِكُلِّ ضِيقٍ حَسْبِيَ اللهُ، وَلِكُلِّ قَضَاءٍ وَقَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ، وَلِكُلِّ عَدُوٍّ اعْتَصَمْتُ بِاللهِ، وَلِكُلِّ طَاعَةٍ وَمَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (۱).

دعای ایمان

شیخ بهائی در **مخلاة** فرموده که این دعای ایمان است:

«يَا قَدِيمَ الإِحْسَانِ أَحْسِنْ عَلَيْنَا بِإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا دَائِمَ الْمَعْرُوفِ اخْتِمْ لَنَا بِالْخَيْرِ وَاسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ الْجَمِيلِ وَعَفْوِكَ الْعَظِيمِ وَمَنِّكَ الْقَدِيمِ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ أَبَداً ارْحَمْ مَنْ يَمُوتُ

---

(۱) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ۸۲.

غَداً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

برای طلب رزق

دعای دیگر: در سحر دست خود را بلند کند و ده مرتبه بگوید: «يَا بَاسِطُ يَا جَوَادُ» و بگوید:

«رَبِّ أَبْهِجْنِي بِإِدْرَاكِ سِرْيَانِ الأَفْرَاحِ فِي الْمَوْجُودِينَ بِرِزْقِ الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ إِنَّكَ أَنْتَ اللهُ بَاسِطُ الرِّزْقِ وَالرَّحْمَةِ، يَا ذَا الْجُودِ الْبَاسِطِ، يَا ذَا الْبَسْطِ وَالْجُودِ أُبْسُطْ لِي مِنْ رِزْقِكَ مَا يَكْفِينِي وِمِنْ رَحْمَتِكَ مَا يُغْنِينِي يَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ، يَا اللهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْفَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

تهلیل شریف

در مختصر *اسد الغابه* از ابو شبل مخزومی از جدّش روایت کرده که نبی صلی الله علیه و آله به معاذ ابن جبل فرمود: روزی چند مرتبه ذکر می‌گویی؟ گفت: روزی ده هزار مرتبه خداوند را ذکر می‌کنم. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: آیا تو را دلالت نکنم به کلماتی که آسان‌تر باشد و بهتر باشد از ده هزار ذکر و آن این است، بگویی:

«لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ اللهُ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ عَدَدَ كَلِمَاتِهِ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ عَدَدَ خَلْقِهِ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ زِنَةَ عَرْشِهِ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مِلْأَ سَمٰوَاتِهِ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مِلْأَ أَرْضِهِ، لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ».

دعا برای طلب روزی

و از داود بن ابی هند روایت است که در راه مکّه در منزلی اعرابیّه‌ای آمد و از ما چیزی خواست، به او چیزی ندادیم، چون ارادهٔ کوچ کردیم آن اعرابیّه گفت:

«يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا وَاحِدُ يَا وَاحِدُ ارْزُقْنِي مِنْهُمْ شَيْئاً».

پس چون کمی راه رفتیم ناقه‌ای از ما شکست؛ پس آن را نحر کردیم و قدری از

آن برای خود برداشتیم و باقی از برای آن زن گذاشتیم و از آن سؤال کردیم گفت: جدّ من به خدمت رسول خدا ﷺ شرفیاب شد و آن حضرت این دعا را به او تعلیم فرمود و ما به آن دعا زندگانی می‌کنیم.

مالک بن انس از کعب الأحبار روایت کرده که اگر این دعا را نمی‌خواندم یهود مرا حمار می‌کرد:

«أَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظِيمِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَعْظَمَ مِنْهُ وَبِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّـتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ وَبِأَسْمَاءِ اللهِ الْحُسْنىٰ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَقَدَّرَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ» (۱).

برای گشایش امور

من دعاء مولانا وسيّدنا الصادق عليه السلام:

«سَائِلٌ بِبَابِكَ، مَضَتْ أَيَّامُهُ وَبَقِيَتْ آثَامُهُ، وَانْقَضَتْ شَهْوَتُهُ، وَبَقِيَتْ تَبِعَتُهُ فَارْضِ أَنْتَ وَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنْهُ فَاعْفُ عَنْهُ فَقَدْ يَعْفُو السَّيِّدُ عَنْ عَبْدِهِ وَهُوَ عَنْهُ غَيْرُ رَاضٍ».

جهت دفع بلیّات

«يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الأُمُورُ يَفْتَحُ لَهَا بَاباً لَا تَذْهَبُ إِلَيْهِ الأَوْهَامُ، ضَاقَتْ أُمُورِي فَافْتَحْ لِي بَاباً لَا يَذْهَبُ إِلَيْهِ وَهْمِي إِنَّكَ الْفَتَّاحُ لِلْخَيْرَاتِ وَأَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

برای قضای حوائج

بیهقی روایت کرده وگفته: این را در کتاب دعای واحدی یافتم و جماعتی از علما گفته‌اند که تجربه کرده‌ایم آن را و من نیز تجربه کردم و آن این است که رسول خدا ﷺ فرمود: دوازده رکعت نماز به‌جا می‌آوری در شب یا روز، و بین هر دو رکعت تشهّد می‌خوانی؛ یعنی با سلام، پس در آخر که فارغ شدی می‌نشینی و ثنا و

---

(۱) مالک بن انس، **کتاب الموطّأ**، ج ۲، ص ۹۵۲.

حمد حق تعالی می‌گویی و صلوات بر نبی و آل او می‌فرستی ، پس تکبیر می‌گویی و سجده می‌روی ، و در سجده فاتحة الکتاب هفت مرتبه ، «قل هو الله أحد» هفت مرتبه و آیة الکرسی هفت مرتبه ، و ده مرتبه می‌گویی :

«لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» .

پس بگو :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الأَعْظَمِ وَجَدِّكَ الأَعْلىٰ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ» .

پس حاجت خود را بخواه و سر از سجده بردار و از یمین و یسار خود سلام کن ، و به سفها آن را تعلیم نده .

[جهت غنی شدن]

و از حضرت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت است که: اگر این دعا را هر روز صد مرتبه بخواند غنی گردد ان شاء الله :

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ، يَا كَثِيرَ الْخَيْرِ ، وَيَا ذَا الْمَعْرُوفِ ، يَا قَدِيمَ الإِحْسَانِ ، أَحْسِنْ إِلَيْنَا بِإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ» .

جهت محافظت از دزد

ابن حجله مغربی از جملهٔ ادعیهٔ مستجابه آورده آنچه را انس از رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده و تاجری به آن سفر تنها می‌کرد و چون دزد آمد مهلت نماز خواست و چهار رکعت نماز گزارد و سر به آسمان بلند کرد وگفت :

«يَا وَدُودُ يَا وَدُودُ يَا وَدُودُ ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ ، يَا فَعَّالاً لِمَا يُرِيدُ ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي مَلَأَ أَرْكَانَ عَرْشِكَ وَاَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي قَدَّرْتَ بِهَا عَلىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلٰهَ الْبَشَرِ يَا عَظِيمَ الْخَطَرِ مِنْكَ الطَّلَبُ وَإِلَيْكَ الْهَرَبُ ، وَقَعَ بِالْفَرَجِ ، يَا مُغِيثُ أَغِثْنِي يَا مُغِيثُ أَغِثْنِي يَا مُغِيثُ أَغِثْنِي» .

پس ملکی از آسمان دوم آمد و نیزه زد و دزد را هلاک کرد وگفت : بدان یا عبدالله هرکه حق تعالی را به این دعا بخواند در هر امری که باشد خداوند به فریاد او برسد و همّ او را زائل کند ، و چنین نیز رسول خدا ﷺ فرموده (۱).

برای ایمنی از شرّ ظالم

و نیز آورده که شکایت نمود مردی به حسن بصری از ظالمی ، گفت : هرگاه دو رکعت نافله بعد از مغرب بخوانی و سلام بگویی سجده کن و بگو :

«يَا شَدِيدَ الْقُوىٰ ، يَا شَدِيدَ الْمِحَالِ ، يَا عَزِيزُ ، ذَلَّلْتَ بِعِزَّتِكَ جَمِيعَ خَلْقِكَ، صَلِّ عَلىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي مَؤُونَةَ فُلانٍ بِمَا شِئْتَ» .

چون چنین کرد آن ظالم مُرد (۲).

وگفتن **«يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»** مکرّر (۳).

وگفتن **«يَا قُدُّوسُ»** و کلمات فرج برای دفع ظالم مجرّب است (٤).

إِنَّـــمَا الْـــعِلْمُ كَـلَحْمٍ وَدَمٍ … مَـا حَـوَاهُ جَسَـدٌ إِلَّا صَـلَحْ
لَـوْ يُـوازِنْ رَجُـلٌ ذُو إِرَبٍ … بِأُلُوفٍ مِنْ ذَوِي الْجَهْلِ رَجَحْ
إِنَّـمَا الآدَابُ فِـي كُـلِّ فَـتًى … كَـزَنَادٍ حَـيْثُما حَـلَّ قَـدَحْ

---

(۱) مدنی، سیّد علی خان، **کلم الطیّب**، ص ٦٠.

(۲) ابن طاووس، علی بن موسی، **المجتنی من الدعاء المجتبی**، ص ۱ ضمناً این دستور از حسن بصری نیست، بلکه از امام حسن مجتبی علیه‌السلام است و عبارت چنین است : «شكى رجل إلى الحسن بن عليّ صلوات الله عليهما جاراً يؤذيه ، فقال له الحسن علیه‌السلام : إذا صلّيت المغرب فصلّ ركعتين ثمّ قل ...» .

(۳) همان ، ص ٤ ، ولی بعد از «إيّاك نعبد وإيّاك نستعين» دارد : «أسألك باسمك الأعظم ...».

(٤) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، ج ۹۵، ص ۱۸۰ ـ ۲۰۹ ، کلمات فرج عبارت است از: «لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الّا الله العليّ العظيم، سبحان الله و تبارك الله، رب السماوات السبع، و ربّ العرش العظيم، و الحمد لله ربّ العالمين» (همان، ج ۹۵، ص ۱۹۵).

ایضاً برای دفع ظالم

از انس بن مالک روایت است که چون حجّاج او را طلبید که بکشد، گفت: نمی‌توانی مرا بکشی؛ زیرا که نبی صلی الله علیه و آله دعایی به من تعلیم داد که هرکس صبح بخواند احدی را بر او راهی نیست، و در قول نبی صلی الله علیه و آله شک ندارم و امروز صبح آن را خواندم. حجّاج گفت: آن را به من تعلیم ده. گفت: معاذ الله. پس حجّاج گفت که او را بگذارید برود، بعد از آن حاجب به حجّاج گفت: مدّتها است که در طلب او هستی؛ چرا نکشتی؟ حجّاج لعنه الله گفت: بر دوکتف او دو شیر درنده دیدم که هر وقت با او تکلّم می‌کردم قصد من می‌کردند، و انس آن را در نزدیک وفات خود به پسرش تعلیم داد:

«بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَخَيْرِ الأَسْمَاءِ، بِسْمِ اللهِ رَبِّ الأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ أَذًى، بِسْمِ اللهِ افْتَتَحْتُ وبِاللهِ خَتَمْتُ وَبِهِ آمَنْتُ، بِسْمِ اللهِ أَصْبَحْتُ، وَعَلَى اللهِ تَوَكَّلْتُ، بِسْمِ اللهِ عَلَىٰ قَلْبِي وَنَفْسِي، بِسْمِ اللهِ عَلَىٰ عَقْلِي وَذِهْنِي، بِسْمِ اللهِ عَلَىٰ أَهْلِي وَمَالِي، بِسْمِ اللهِ عَلَىٰ مَا أَعْطَانِي رَبِّي، بِسْمِ اللهِ الشَّافِي، بِسْمِ اللهِ الْمُعَافِي، بِسْمِ اللهِ الْوَافِي، بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، هُوَ اللهُ اللهُ اللهُ اللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ وَأَعَزُّ وَأَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِخَيْرِكَ مِنْ خَيْرِكَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ غَيْرُكَ، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَضَاءِ السُّوءِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ، إِنَّ وَلِيِّيَ اللهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَجِيرُكَ وَأَحْتَجِبُ لِي بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْتَهُ وَأَحْتَرِسُ بِكَ مِنْهُمْ، وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَأُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيَّ فِي يَوْمِي هٰذَا وَلَيْلَتِي هٰذِهِ وَسَاعَتِي هٰذِهِ وَشَهْرِي هٰذَا

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَد وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ عَنْ أَمَامِي بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُن لَهُ كُفُواً أَحَدٌ مِنْ فَوْقِي، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُن لَهُ كُفُواً أَحَدٌ عَنْ يَمِينِي، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُن لَهُ كُفُواً أَحَدٌ عَن شِمَالِي، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُن لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الأَرْضِ مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضَ وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِماً بِالْقِسْطِ لَا إِله إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَنَحْنُ عَلىٰ مَا قَالَ رَبُّنَا مِنَ الشَّاهِدِينَ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» و هفت مرتبه «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

مؤلّف گوید : در این کتاب گذشت کلامی از زیارت عاشورا و لیکن چون اکثر اهل زمان را کِسل دیدم از عبارات مطوّله؛ مثل آن عربی که اصمعی دید که برهنه بود و می‌گفت : خدایا ! تا مرا نپوشی نماز نمی‌کنم ، اصمعی او را پوشانید. با آنکه آب حاضر بود تیمّم کرد و نشسته نماز کرد ، اصمعی گفت : چرا چنین کنی ؟ گفت : طاقت سردی آب و ایستادن به‌پا ندارم با آنکه سالم بود .

[زیارت عاشورای غیر معروفه]

لهذا کیفیتی آسان برای زیارت عاشورا به همان ثواب معروف برای هر روزی در جوامع معتبره یافتم و شیخ ما آن را در ***مستدرك الوسائل*** آورده و اینجا ایراد کردم تا در ثواب عاملین به آن ان شاء الله تعالی شریک باشم ، و آن این است : اوّل دو رکعت

نماز زیارت به‌جای آور و صد مرتبه تکبیر بگو، پس بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللهِ وَابْنَ خِيَرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِي الزَّكِيُّ وَعَلَى أَرْوَاحٍ حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَأَقَامَتْ فِي جِوارِكَ، وَوَفَدَتْ مَعَ زُوَّارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنِّي مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَفِي أَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرَضِينَ أَجْمَعِينَ، فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ.

صَلَواتُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكَ يَا أَبا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنَ وَعَلىٰ آبائِكَ الطَّيِّبِينَ الْمُنْتَجَبِينَ وَعَلىٰ ذُرِّيَّاتِكُمُ الْهُداةِ الْمَهْدِيِّينَ. لَعَنَ اللهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ وَتَرَكَتْ نُصْرَتَكَ وَمَعُونَتَكَ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ لَكُمْ وَمَهَّدَتِ الْجَوْرَ عَلَيْكُمْ وَطَرَّقَتْ إِلىٰ أَذِيَّتِكُمْ وَتَحَيُّفِكُمْ وَجارَتْ ذٰلِكَ فِي دِيارِكُمْ وَأَشْياعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَمَوَالِيَّ وَأَئِمَّتِي مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْياعِهِمْ وَأَتْباعِهِمْ، وَأَسْأَلُ اللهَ الَّذِي أَكْرَمَ يَا مَوَالِيَّ مَقامَكُمْ وَشَرَّفَ مَنْزِلَتَكُمْ وَشَأْنَكُمْ أَنْ يُكْرِمَنِي بِوِلَايَتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَالائْتِمامِ بِكُمْ، وَالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَأَسْأَلُ اللهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَوَدَّتَكُمْ وَأَنْ يُوَفِّقَنِي لِلطَّلَبِ بِثارِكُمْ مَعَ الإِمامِ الْمُنْتَظَرِ الْهَادِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، وَأَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللهِ، وَأَسْأَلُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا أَعْطىٰ مُصاباً بِمُصِيبَةٍ، إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ، يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَأَنْكَاهَا لِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي فِي مَقامِي مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتَوَسَّلُ وَأَتَوَجَّهُ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

وَالطَّيِّبِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَاهُمْ، وَمَمَاتِي مَمَاتَهُمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.

اللَّهُمَّ وَهٰذَا يَوْمٌ تُجَدِّدُ فِيهِ النِّقْمَةَ، وَتُنَزِّلُ فِيهِ اللَّعْنَةَ عَلَى اللَّعِينِ يَزِيدَ وَعَلىٰ آلِ يَزِيدَ وَعَلىٰ آلِ زِيادٍ وَعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ وَالشِّمْرِ.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ وَالْعَنْ مَنْ رَضِيَ بِقَوْلِهِمْ وَفِعْلِهِمْ مِنْ أَوَّلٍ وَآخِرٍ لَعْناً كَثِيراً، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ، وَأَسْكِنْهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيراً، وَأَوْجِبْ عَلَيْهِمْ وَعَلىٰ كُلِّ مَنْ شايَعَهُمْ وَبايَعَهُمْ وَتابَعَهُمْ وَساعَدَهُمْ وَرَضِيَ بِفِعْلِهِمْ وَافْتَحْ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَعَلَى كُلِّ مَنْ رَضِيَ بِذٰلِكَ لَعَنَاتِكَ الَّتِي لَعَنْتَ بِها كُلَّ ظالِمٍ، وَكُلَّ غاصِبٍ، وَكُلَّ جاحِدٍ، وَكُلَّ كافِرٍ، وَكُلَّ مُشْرِكٍ، وَكُلَّ شَيْطانٍ رَجِيمٍ، وَكُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ.

اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ وَآلَ يَزِيدَ وَبَنِي مَرْوانَ جَمِيعاً.

اللَّهُمَّ وَضَعِّفْ غَضَبَكَ وَسَخَطَكَ وَعَذَابَكَ وَنَقِمَتَكَ عَلىٰ أَوَّلِ ظالِمٍ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ.

اللَّهُمَّ وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ لَهُمْ وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ.

اللَّهُمَّ وَالْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ آلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَالْعَنْ أَرْواحَهُمْ وَدِيارَهُمْ وَقُبُورَهُمْ، وَالْعَنِ اللَّهُمَّ الْعِصَابَةَ الَّتِي نازَلَتِ الْحُسَيْنَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَحَارَبَتْهُ وَقَتَلَتْ أَصْحَابَهُ وَأَنْصارَهُ وَأَعْوانَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَمُحِبِّيهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَالْعَنِ اللَّهُمَّ الَّذِينَ نَهَبُوا مالَهُ، وَسَبَوْا حَرِيمَهُ، وَلَمْ يَسْمَعُوا كَلَامَهُ وَلَا مَقَالَهُ.

اللَّهُمَّ وَالْعَنْ كُلَّ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ مِنَ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ وَالْخَلائِقِ أَجْمَعِينَ إِلىٰ يَوْمِ الدِّينِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنَ وَعَلىٰ مَنْ سَاعَدَكَ وَعَاوَنَكَ وَوَاسَاكَ بِنَفْسِهِ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِي الذَّبِّ عَنْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يا مَوْلَايَ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلىٰ رُوحِكَ وَعَلىٰ أَرْوَاحِهِمْ، وَعَلىٰ تُرْبَتِكَ وَعَلىٰ تُرْبَتِهِمْ. اللَّهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً وَرِضْوَاناً وَرَوْحاً وَرَيْحَاناً.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يا مَوْلَايَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، يَابْنَ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَيَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَيَابْنَ

سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ يَابْنَ الشَّهِيدِ . اللَّهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ ، وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ ، وَفِي هٰذَا الْوَقْتِ ، وَكُلِّ وَقْتٍ تَحِيَّةً وَسَلَاماً .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ الْعالَمِينَ ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ سَلَاماً مُتَّصِلاً مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ ، السَّلَامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ ، السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلٍ ، السَّلَامُ عَلىٰ كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً [وَسَلَاماً] .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ ، أَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ ، أَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فاطِمَةُ يَا بِنْتَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَعَلَيْكِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ ، أَحْسَنَ اللهُ لَكِ الْعَزاءَ فِي وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يا أَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ ، أَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزاءَ فِي أَخِيكَ الْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلىٰ أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، الأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالأَمْوَاتِ ، وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ ، أَحْسَنَ اللهُ لَهُمُ الْعَزَاءَ فِي مَوْلَاهُمُ الْحُسَيْنِ .

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِينَ بِثارِهِ مَعَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُعِزُّ بِهِ الإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ يَا رَبَّ الْعالَمِينَ» .

پس سجده بكن و بگو :

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ جَمِيعِ مَا نَابَ مِنْ خَطْبٍ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ كُلِّ أَمْرٍ ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ فِي عَظِيمِ الْمُهِمَّاتِ بِخِيَرَتِكَ وَأَوْلِيائِكَ وَذٰلِكَ لِمَا أَوْجَبْتَ لَهُمْ مِنَ الْكَرَامَةِ وَالْفَضْلِ الْكَثِيرِ . اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي شَفاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ ، وَالْمَقَامِ الْمَشْهُودِ ، وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ ، وَاجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ وَاسَوْهُ بِأَنْفُسِهِمْ ، وَبَذَلُوا دُونَهُ مُهَجَهُمْ ، وَجاهَدُوا مَعَهُ أَعْداءَكَ ابْتِغاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَائِكَ ، وَتَصْدِيقاً بِوَعْدِكَ ، وَخَوْفاً مِنْ وَعِيدِكَ ، إِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ يَا

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» [۱].

بدانكه امر تكبير پيش از شروع در اين زيارت و غير آن دركتاب مزار قديم و غير آن وارد شده است و ممكن است كه جزء زيارت باشد، وليكن بعيد است، بلكه ظاهر اين است كه به‌جهت استحباب تكبير در نزد لقاى امام است ، چنانچه صفّار در *بصائر الدرجات* به سند خود از امام محمّد باقر عليه‌السلام روايت كرده :

«مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَنَحْنُ سَبِيلُ اللهِ الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ فِي حِصْنٍ حَصِينٍ وَهُوَ الإمَامُ، فَلَمَّا لَقَى الإمَامَ كَبَّرَ كَانَ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ ثِقْلاً عَظِيماً أَعْظَمُ فِي مِيزَانِهِ مِنْ سَبْعِ سَمٰوَاتٍ وَسَبْعِ أَرْضِينَ وَمَا فِيهِمَا وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَهُمَا. وَمَنْ قَالَ أَمَامَ الإمَامِ: لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَتَبَ اللهُ لَهُ رِضْوَانَهُ الْعَظِيمُ، وَمَنْ كَتَبَ اللهُ لَهُ رِضْوَانَهُ الأَكْبَرُ وَجَبَ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ إِبْرَاهِيمَ وَمُحَمَّدٍ وَالنَّبِيِّينَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ فِي دَارِ جَلَالِهِ» [۲].

و اين زيارت مقبولهٔ مزبوره متقدّمه را شيخ فقيه جليل الشيخ عبدالرحيم بروجردى مجاور ارض اقدس رضوى و المدفون فيه رحمه‌الله و در مزاركبيرش كه مسمّى است به *هدية الرضويّة* ازكتاب قديمى در زيارات از خزانه حضرت عليّ بن موسى الرضا عليهما‌السلام آورده و فرموده : **«فِيهِ آثارُ الاعْتِمَادِ و الصِّحَّةِ»**.

فائده: حديث زيارت مشهور عاشورا در *مزار* محمّد بن مشهدى و *اركان* شيخ مفيد و غيرهما اين طور است : **كَبِّرْ وَأَوْمِ إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ وَقُلْ** إلى آخر الزيارة المشهورة حتّى السجدة والركعتين بعدها ، وعلى هذا لا اشتباهَ في المراد أصلاً.

وذكر الكفعميّ في *المصباح* التكبير مائة مرّة وهو أحوط وأحسن [۳].

وأنكر شيخنا المعاصر كون الزيارة المفجعة مرويّة مأثورة عن المعصوم وهو غير

---

(۱) نورى طبرسى، ميرزاحسين، **مستدرك الوسائل**، ج ۱۰، ص ۴۱۲ ـ ۴۱۶.

(۲) صفّار، محمّد بن الحسن، **بصائر الدرجات**، ص ۳۳۱، ح ۱۲ ، باب ۱۸ ، باختلاف.

(۳) عاملى كفعمى، ابراهيم بن على، **مصباح**، ص ۴۸۲.

بعيد إذ لم‌نَطّلع عليها في كتاب من كتب الأصحاب مع قرائن أُخَر ، والله العالم .

بدان‌که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: دعا، مفتاح نجاح و کلید فلاح است، و بهترین دعا آن است که واقع شود از صدر نقی پرهیزکار و قلب تقی پاک از اغیار، و در مناجات سبب نجات است و به اخلاص می‌باشد خلاص؛ پس فزع هرگاه شدید شد باید به‌سوی خدا باشد مفزع[1].

و کتب اصحاب ما از **مصابیح** و غیرها مشحون است به مناجات ائمهٔ اطهار علیهم السلام نظماً و نثراً، و بهترین اوقات مناجات اوقات خلوات با قاضی الحاجات است خصوصاً در ظلمات وتاریکی شب‌ها. نمی‌بینی که معراج نبی صلی الله علیه و آله و اصطفاء موسی علیه السلام و امثال آن از امور عالیه در شب واقع شده، ﴿**وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً**﴾[2]و[3].

پاسبان گنج ایمانی مرو ای دل به‌خواب
مصحف یاد حقی خود را مکن باطل به‌خواب

باگران‌جانی در این تن پای تا سر غفلتی
رفته‌ای ای لاشهٔ جان در میان گل به‌خواب

نیم عقلی از سبک‌عقلی به‌خود داری گمان
می‌کنی آن را هم از تن‌پروری باطل به‌خواب

هر نگاه اعتبارت جوی آب زندگی است
حیف باشد چشمهٔ آن را کنی زائل به‌خواب

پیر و برنا زشت و زیبا از پی هم می‌روند
بر سر راهی چنین چون می‌روی ای دل‌به‌خواب

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی** ج ۲، ص ٤٦٨.

(۲) أعراف/١٤٢.

(۳) عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، **مصباح**، ص ٣٦٨ ـ ٣٨٤، «فصل ٣٣، مناجات‌ها».

این چنین کافتاده در راحت بـه یک پـهلو تـنت

نقد عمری بـی‌بدل را کـی دهـد عـاقل بـه‌خواب

و باید کمال سعی تو را باشد که در حال مناجات و عرض حاجات و خواندن صحایف علویّه و سجّادیّه و انجیلیّه و سایر ادعیه، قلب تو حاضر و اشک تو متقاطر باشد.

در *کافی* مسطور است از امام صادق علیه‌السلام که: سؤال کن حاجت خود را و گریه کن اگرچه به‌قدر سر مگس باشد [1].

و در روایت دیگر فرمود: اگر گریه نیاید خود را شبیه به گریه کننده بدار، «**فَإِنْ خَرَجَ مِنْكَ مِثْلُ رَأْسِ الذُّبَابِ فَبَخٍّ بَخٍّ**» [2].

و در روایت دیگر فرمود: هرگاه رقّت کند یکی از شما باید دعا کند در آن وقت؛ زیرا که رقّت نمی‌کند تا خالص شود از برای خدا [3].

و از *عیون الذکاء* روایت و در غیر آن به کثرت است که هرگاه بنده‌ای از خوف خدا گریان شود گناهان او بریزد مثل برگ از درختان و بگردد مثل روزی که از مادر متولّد شده.

چون خدا خواهد که غفّاری کـند مـیل بـنده جـانب زاری کـند

للآخر:

مـایه در بـازار ایـن دنـیا زر است مایه آنجا شورش چشـم تـر است

اشک اگـر بـهر خـدا بـارند خـلق گوهر است آن اشک پندارند خلق

پس بوده باش از این قسم از علما که اوقات خود را قسمت نموده‌اند بعد از فراغ از طلب حلال به اقلّ ما یقنع به اشتغال به علم تدریساً وتدرّساً ومطالعةً ومذاکرةً

---

(۱) کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، ج ۲، ص ۴۸۳.

(۲) همان.

(۳) همان، ج ۲، ص ۴۸۳.

وبین تلاوت قرآن و مواظبت بر ادعیه و نوافل و مناجات ، و مباش از آنانکه تمام وقت خود را صرف علم نمایند ؛ زیراکه غرض عمل است و فرصت معلوم نیست ، و نیز عمل را اثر است در زیادتی علم ، وکمال اهتمام را منظور دارد در حلیّت قوت و لباس که اگر آن نباشد سعی در عبادت بی‌ثمر است .

و اگر اهتمام آن را و دخل قوت حلال را در اجابت دعا و قبول عمل بخواهی به کتاب *عُدّة الداعی* ابن فهد حلّی رجوع کن ، و خوب گفته جلال الدین محمّد بلخی :

اوّل ای جان دفع شرّ موش کن   بعد از آن در جمع گندم کوش کن

ولیکن هذا آخر ماأردنا جمعه في هذه المجموعة الشریفة بعون الله عزّ وجلّ

وله الحمد والمنّة ، وصلّی الله علی رسوله سیّد المرسلین

وآله الطیّبین الطاهرین المعصومین .

کتابنامه

۱ ـ *قرآن کریم*.

۲ ـ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبةالله، ***شرح نهج البلاغه***: انتشارات کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

۳ ـ ابن ابی جمهور، محمّد بن زین‌الدین، ***عوالی اللآلئ***: انتشارات سیّد الشهداء علیه‌السلام، قم، ۱۴۰۵ ق.

۴ ـ ابن ادریس، محمّد بن احمد، ***مستطرفات السرائر***: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۱ ق.

۵ ـ ابن الجوزی، عبدالرحمان بن علی، ***الموضوعات***: دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۶ ـ ابن بابویه، محمّد بن علی (شیخ صدوق)، ***أمالی***: انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

۷ ـ ــــــــــــ، ***توحید***: انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۰۴ ق.

۸ ـ ــــــــــــ، ***ثواب الأعمال و عقاب الأعمال***: انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ ش.

۹ ـ ــــــــــــ، ***خصال***: انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۰۳ ق.

۱۰ ـ ــــــــــــ، ***علل الشرائع***: انتشارات کتابخانه داوری، قم، ۱۳۸۵ ق.

۱۱ ـ ــــــــــــ، ***عیون أخبار الرضا*** علیه‌السلام: انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.

۱۲ ـ ــــــــــــ، ***معانی الأخبار***: تصحیح علی اکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرّسین

حوزه علميه، قم، ۱۳۶۱ ش.

۱۳ ـ ــــــــــــ ، **من لا يحضره الفقيه**: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۳ ق.

۱۴ ـ ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند أحمد**: دارصادر، بيروت.

۱۵ ـ ابن خلّكان، احمد بن محمد، **وفيات الأعيان**: انتشارات رضى، قم.

۱۶ ـ ابن شهر آشوب، محمّد بن على، **مناقب آل ابى‌طالب**: دارالأضواء، بيروت، ۱۴۱۲ ق.

۱۷ ـ ابن صباغ، على بن محمد، **الفصول المهمّه**: مؤسسة العدل، نجف اشرف.

۱۸ ـ ابن طاووس، على بن موسى، **الإقبال**: ـ **إقبال الأعمال** ـ دارالكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۹۰ق.

۱۹ ـ ــــــــــــ ، **الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان**: مؤسسه آل البيت عليهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.

۲۰ ـ ــــــــــــ ، **جمال الأسبوع**: انتشارات رضى، قم، ۱۳۳۰ ق.

۲۱ ـ ــــــــــــ ، **سعد السعود**: انتشارات رضى، قم، ۱۹۸۴ م.

۲۲ ـ ــــــــــــ ، **فرج المهموم**: دارالذخائر، قم.

۲۳ ـ ــــــــــــ ، **فلاح السائل**: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، قم.

۲۴ ـ ــــــــــــ ، **مهج الدعوات**: انتشارات مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، ۱۳۹۹ ق.

۲۵ ـ ابن فهد حلّى، احمد بن محمد، **عدّة الداعى**: انتشارات كتابخانه اسلاميه، ۱۴۰۷ ق.

۲۶ ـ ابن قولويه، جعفر بن محمد، **كامل الزيارات**: چاپخانه مرتضويه، نجف، ۱۳۵۶ ق.

۲۷ ـ ابن ماجه، محمد بن يزيد، **سنن ابن ماجه**: دارالكتب العلميّه، بيروت، ۱۴۱۹ ق.

۲۸ ـ ابن مغازلى، على بن محمّد، **مناقب اهل البيت عليهم‌السلام**: دار الاضواء، بيروت،

۱۴۰۳ق.

۲۹ـ ابن منظور مصری، محمد بن مکرّم، ***لسان العرب***: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ق.

۳۰ـ ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ***تفسیر أبوالفتوح***: ـ **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**: انتشارات کتابخانه آیةالله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.

۳۱ـ ابوداود، سلیمان بن اشعث، ***سنن أبی داود***: دار السلام، ریاض، ۱۴۲۰ ق.

۳۲ـ اشکوری حسینی، احمد، ***تراجم الرجال***: انتشارات کتابخانه آیةالله مرعشی، قم.

۳۳ـ ــــــــــــ، ***فهرست نسخه‌های خطی***: انتشارات کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی، قم.

۳۴ـ اکبرزاده، محمود، ***الأربعینات***: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ ش.

۳۵ـ الأعلمی، جمعه حسین ***دیوان امام علی*** علیه‌السلام: ـ مجموعه اشعار امام علی علیه‌السلام ـ انتشارات اعلمی، بیروت، ۱۴۱۹ ق.

۳۶ـ الجراحی، اسماعیل بن محمد، ***کشف الخفاء***: دار التراث، بیروت.

۳۷ـ ***المجتنی من الدعاء المجتبی***: (ضمیمه **مهج الدعوات**) ← **مهج الدعوات**.

۳۸ـ ***الموطّأ***: ← کتاب الموطّأ.

۳۹ـ ***المؤمن***: ← کتاب المؤمن.

۴۰ـ امام حسن عسکری علیه‌السلام، ***تفسیر امام حسن عسکری*** علیه‌السلام: (منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام) انتشارات مدرسه امام مهدی علیه‌السلام، ۱۴۰۹ ق.

۴۱ـ امین عاملی، سیدمحسن، ***أعیان الشیعه***: دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۲ ق.

۴۲ـ انصاری، شیخ مرتضی، ***مکاسب***، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق.

۴۳ـ انصاری قمی، ناصرالدین، ***اختران فقاهت***: انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۵ ش.

۴۴ ـ بحرانی، سیّد هاشم بن سلیمان، **تفسیر برهان**: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۲ ق.
۴۵ ـ بخاری، محمد بن اسماعیل، **الأدب المفرد**: چاپخانه سفینه، قاهره، ۱۳۷۹ ق.
۴۶ ـ ــــــــــــ، **صحیح بخاری**: عالم الکتب، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۴۷ ـ برقی، احمد بن محمد، **محاسن**: دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ ق.
۴۸ ـ بیضاوی، عبدالله بن عمر، **تفسیر بیضاوی ـ أنوار التنزیل**: انتشارات کتابخانه اسلامیه، تهران.
۴۹ ـ بیهقی، احمد بن الحسین، **شعب الإیمان**: دارالکتب العلمیّه، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۵۰ ـ تبریزی شبستری، شیخ نصرالله بن عبدالله، **لؤلؤ النضید** : تبریز، ۱۳۵۹ ق.
۵۱ ـ تبریزی، محمد حسین بن محمد حسن، **أنیس المقلّدین**: دارالکتب العلمیه، تهران.
۵۲ ـ ترمذی، محمد بن عیسی، **سنن ترمذی**: انتشارات چاپخانه اسلامیه، ۱۴۲۱ ق.
۵۳ ـ **تفسیر مجمع البیان** ← مجمع البیان.
۵۴ ـ **تفسیر نور الثقلین** ← نورالثقلین.
۵۵ ـ تویسرکانی، محمد نبی، **لئالئ الأخبار**: چاپخانه مهر، قم.
۵۶ ـ تهرانی، آقابزرگ، **الذریعه**: دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۲ ق.
۵۷ ـ ــــــــــــ، **نقباء البشر**: دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ ق.
۵۸ ـ ثعلبی، احمد بن محمّد، **تفسیر ثعلبی ـ الکشف و البیان**: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۵۹ ـ جمعی از بزرگان، **الأصول الستة عشر**: دارالشبستری للمطبوعات، قم، ۱۴۰۵ ق.
۶۰ ـ **حاشیه الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان** ← الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان.
۶۱ ـ **حاشیه بلد الأمین**: ← بلد الأمین.
۶۲ ـ **حاشیه مصباح المتهجد**: ← مصباح المتهجد.

۶۳ـ **حاشیه مصباح کفعمی**: ← مصباح کفعمی.

۶۴ـ حافظ، شمس الدین محمد، **دیوان حافظ**: تصحیح محمد قزوینی، انتشارات میلاد، ۱۳۷۸ ش.

۶۵ـ حرّ عاملی، محمد بن الحسن، **الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة**: با تحقیق مشتاق صالح مظفر، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۴۲۲ ق.

۶۶ـ ــــــــــ، **الجواهر السنیّه**: انتشارات مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۰۲ ق.

۶۷ـ ــــــــــ، **أمل الآمل**: انتشارات کتابخانه اندلس، بغداد، ۱۳۸۵ ق.

۶۸ـ ــــــــــ، **وسائل الشیعه**: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.

۶۹ـ حلبی، علی بن ابراهیم، **سیره حلبیّه**: انتشارات کتابخانه اسلامیه، بیروت.

۷۰ـ حمیری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۱۳ ق.

۷۱ـ حویزی، عبدعلی بن جمعه، **نور الثقلین**: مؤسسه اسماعیلیان قم، ۱۴۱۲ ق.

۷۲ـ خطیب تبریزی، محمد بن عبدالله، **مشکاة المصابیح**: دار الأرقم، بیروت.

۷۳ـ دمیری، محمد بن موسی، **حیاة الحیوان**: انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴ ش.

۷۴ـ دیلمی، حسن بن محمد، **ارشاد القلوب**: انتشارات شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.

۷۵ـ ــــــــــ، **أعلام الدین**: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.

۷۶ـ دیلمی، شیرویه بن شهردار، **فردوس الأخبار**: دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.

۷۷ـ رازی، محمّد شریف، **گنجینه دانشمندان**: انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ ش.

۷۸ـ زمخشری، محمود بن عمر، **ربیع الأبرار**: دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.

۷۹ـ سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار أو معارج الیقین فی أُصول الدین**: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۸۰ـ سعید بن هبةالله، قطب راوندی، **دعوات**: تحقیق: مدرسه امام مهدی علیه‌السلام، قم، ۱۴۰۷ق.

۸۱ـ سعیدزاده، محسن، **بزرگان قائن**: چاپخانه اهل البیت علیهم السلام، قم، ۱۳۶۹ ش.

۸۲ـ سماهیجی، عبدالله بن صالح، **صحیفهٔ علویّه**: معاونت فرهنگی شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۸۳ـ سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، **الجامع الصغیر**: دارالکتب العلمیّه، قاهره، ۱۳۷۳ق.

۸۴ـ ________، **الدّر المنثور**: دار الفکر، بیروت، لبنان.

۸۵ـ شافعی، احمد بن زینی دحلان مکّی، **خلاصة الکلام فی اُمراء البلد الحرام**: مطبعة القاهرة، مصر.

۸۶ـ شبّر، سیدعبدالله، **طب الأئمّه** علیهم السلام: دار الارشاد، بیروت.

۸۷ـ شهید اوّل، محمد بن مکّی، **الدروس الشرعیه**: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ق.

۸۸ـ ________، **القواعد و الفوائد**: انتشارات کتابخانه مفید، قم.

۸۹ـ ________، **المزار**: مؤسسه معارف اسلامیه، قم، ۱۴۱۶ ق.

۹۰ـ ________، **ذکری**: ـ **ذکری الشیعه** ـ انتشارات کتابخانه بصیرتی، قم.

۹۱ـ ________، **نفلیّه**: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه، قم، ۱۳۶۴ش.

۹۲ـ شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **کشف الریبه**: انتشارات مرتضوی، ۱۳۹۰ ق.

۹۳ـ ________، **منیة المرید**: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه، قم، ۱۴۰۹ ق.

۹۴ـ شیخ بهائی، محمد بن الحسین، **کشکول**: نشر چکامه، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۹۵ـ ________، **مفتاح الفلاح**: دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.

۹۶ـ شیروانی، محمد شریف بن رضا، **الصدف المشحون**: ۱۳۴۸ ق.

۹۷ـ **صحیفة الرضا** علیه السلام: منسوب به امام رضا علیه السلام، تحقیق: محمد مهدی نجف، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد، ۱۴۰۶ ق.

۹۸ـ صفّار، محمد بن الحسن، ***بصائر الدرجات***: مؤسسه أعلمی، تهران، ۱۹۸۳ م.

۹۹ـ طباطبایی، سیدمحمدحسین، ***تفسیر المیزان***: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۹۷۲ م.

۱۰۰ـ طبرسی، علی بن الحسن، ***مشکاة الأنوار***: انتشارات کتابخانه حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۵ ق.

۱۰۱ـ طبرسی، حسن بن الفضل ،***جوامع الجامع***: چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش.

۱۰۲ـ ـــــــــــ، ***مجمع البیان***: دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ق.

۱۰۳ـ ـــــــــــ، ***مکارم الأخلاق***: انتشارات مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۲ ق.

۱۰۴ـ طبری، محمد بن جریر، ***دلائل الإمامه***: انتشارات رضی، قم، ۱۳۶۳ ش.

۱۰۵ـ طریحی، فخرالدین بن محمّد، ***مجمع البحرین***: انتشارات بعثت، قم، ۱۴۱۴ ق.

۱۰۶ـ طوسی، محمّد بن الحسن، ***الغیبة***: کتابفروشی نینوا، تهران.

۱۰۷ـ ـــــــــــ، ***أمالی***: دارالثقافه، قم، ۱۴۱۴ ق.

۱۰۸ـ ـــــــــــ، ***تهذیب الأحکام***: دارالکتب الاسلامیّه، تهران، ۱۳۶۵ ش.

۱۰۹ـ ـــــــــــ، ***رجال***: انتشارات کتابخانه و چاپخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۰ ق.

۱۱۰ـ ـــــــــــ، ***مصباح المتهجّد***: تصحیح اسماعیل انصاری، قم، چاپ سنگی، ۱۴۰۱ ق.

۱۱۱ـ عاملی، سیدمحمد بن عبدالحسیب بن احمد، ***الجواهر المنثوره***: ـ مخطوط ـ.

۱۱۲ـ عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، ***مصباح***: انتشارات رضی، قم، ۱۴۰۵ ق.

۱۱۳ـ عاملی، محمد بن محمد بن الحسن، ***اثنی عشریّه فی المواعظ العددیّه***: تهران چاپخانه اسلامیّه.

۱۱۴ـ عسکری حسنی سمنانی، محمد حسن، ***منهاج العارفین***: دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۴۰۶ ق.

۱۱۵ـ عمید، حسن، **فرهنگ عمید**: انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ ش.

۱۱۶ ـ عيّاشی، محمد بن مسعود، **تفسير عيّاشی**: چاپخانه علميه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۱۱۷ ـ غزالی، محمد بن محمد، **إحياء علوم الدين**: دارالمعرفه، بيروت.
۱۱۸ ـ فاكهی مكّی شافعی، جمال‌الدين عبدالله، **أدب الزائر**: مصر، ۱۳۱۸ ق.
۱۱۹ ـ فتال نيشابوری، محمد بن احمد، **روضة الواعظين**: انتشارات رضی، قم، ۱۳۸۶ق.
۱۲۰ ـ فخر رازی، محمد بن عمر، **تفسير كبير**: دارالكتب العلميه، تهران.
۱۲۱ ـ فرات كوفی، فرات بن ابراهيم، **تفسير فرات كوفی**: مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ ق.
۱۲۲ ـ **فقه الرضا**علیه‌السلام: منسوب به امام رضاعلیه‌السلام، تحقيق مؤسسه آل البيت‌علیهم‌السلام، مشهد ۱۴۰۶ ق.
۱۲۳ ـ فيض كاشانی، محمّد بن شاه‌مرتضی، **تفسير صافی**: دارالمرتضی، مشهد، چاپخانه سعيد.
۱۲۴ ـ ـــــــــــ، **محجّة البيضاء**: انتشارات دفتر تبليغات اسلامی، قم، ۱۳۸۳ ق.
۱۲۵ ـ قاينی بيرجندی، محمدباقر بن مولا محمدحسن، **كبريت احمر**: كتاب‌فروشی اسلاميه، تهران.
۱۲۶ ـ قرشی، عبدالرحمان بن علی بن احمد، **خواص القرآن**: ـ مخطوط ـ.
۱۲۷ ـ قشيری نيشابوری، مسلم بن الحجاج، **صحيح مسلم**: دارالفكر، بيروت، ۱۳۹۸ ق.
۱۲۸ ـ قطب راوندی، سعيد بن هبة‌الله، **الخرائج و الجرائح**: تحقيق و نشر مدرسه امام مهدی‌علیه‌السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۲۹ ـ ـــــــــــ، **لبّ اللباب**: دارالكتب العلميه، بيروت، ۱۴۰۵ ق.
۱۳۰ ـ قمی، جعفر بن احمد، **جامع الأحاديث**: بنياد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۱۳ ق.
۱۳۱ ـ قمی، شيخ عباس، **مفاتيح الجنان**: ترجمه: موسوی دامغانی، انتشارات فيض، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۳۲ ـ قمی، علی بن ابراهيم، **تفسير قمی**: مؤسسه دارالكتاب للطباعة و النشر، قم،

۱۴۰۴ق.

۱۳۳ ـ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودّة*: انتشارات دارالأُسوه، بیروت، ۱۴۱۶ ق.

۱۳۴ ـ کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*: دارالذخائر، قم، ۱۴۶۰ ق.

۱۳۵ ـ کفعمی، ابراهیم بن علی، *بلد الأمین*: چاپ سنگی، ناشر: کتابخانه صدوق، تهران، ۱۳۸۲ ق.

۱۳۶ ـ کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ ش.

۱۳۷ ـ کنتوری، سیداعجاز حسین بن محمدقلی، *کشف الحجب و الأستار*: انتشارات کتابخانه آیةالله مرعشی، قم، ۱۴۰۹ ق.

۱۳۸ ـ کوفی اهوازی، حسین بن سعید، *کتاب المؤمن*: تحقیق مدرسه امام مهدی علیه‌السلام، قم، ۱۴۰۴ ق.

۱۳۹ ـ کوفی، محمد بن محمد بن اشعث، *جعفریّات ـ الأشعثیات ـ*: کتابخانه نینوا، تهران.

۱۴۰ ـ ماحوزی، شیخ سلیمان، *الفجر الصادق*، جامع الأزهر، مصر، ۱۳۲۳ ق.

۱۴۱ ـ مالک بن انس، *کتاب الموطّأ*: تحقیق محمّد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۴۲ ـ متقی، علی بن حسام الدین، *کنز العمّال*: مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

۱۴۳ ـ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*: مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

۱۴۴ ـ ــــــــــــ، *تحفة الزائر*: تهران، ۱۳۱۴ ق.

۱۴۵ ـ ــــــــــــ، *زاد المعاد*: کتاب فروشی اسلامیّه، تهران، ۱۳۷۸ ق.

۱۴۶ ـ **مجله مسجد**: سال ۱۳۷۸، شماره ۴۴، تهران.

۱۴۷ ـ **مجموعه ورّام**: ← تنبیه الخواطر.

۱۴۸ ـ محب‌الدین طبری، احمد بن عبدالله، *الریاض النضرة*: دارالکتب العلمیه،

بيروت.

۱۴۹ ـ مختاری، رضا، **سیمای فرزانگان**: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه، قم، ۱۳۶۴ ش.

۱۵۰ ـ مدنی، سیّد علی خان، **الکلم الطّیب**: کتابخانهٔ نجاح، تهران.

۱۵۱ ـ مرعشی، سیدمحمود، **المسلسلات**: انتشارات کتابخانه آیةالله مرعشی، قم، ۱۴۱۶ق.

۱۵۲ ـ مستغفری، جعفر بن محمد، **طبّ النبی** صلی الله علیه و آله: انتشارات رضی، ۱۳۶۲ ش.

۱۵۳ ـ معزّالدین، سیّد محمود، **المعزّ لمن یروم العزّ**: طبع القضاء، نجف اشرف.

۱۵۴ ـ معین، محمد، **فرهنگ معین**: انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵ ش.

۱۵۵ ـ مفید، محمّد بن محمّد بن النعمان، **مقنعه**: انتشارات کتابخانه داوری، قم.

۱۵۶ ـ ــــــــــ، **أمالی مفید**: انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۰۳ق.

۱۵۷ ـ مقدس اردبیلی، احمد بن محمّد، **حدیقة الشیعه**: انتشارات گلی، ۱۳۶۱ ش.

۱۵۸ ـ ــــــــــ، **زبدة البیان فی أحکام القرآن**: کتابخانه مرتضویه، تهران.

۱۵۹ ـ نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱ م.

۱۶۰ ـ نراقی، احمد بن محمد مهدی، **خزائن**: انتشارات علمیه اسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ق.

۱۶۱ ـ ــــــــــ، **عوائد الأیام**: کتابخانه علوم اسلامی، قم، ۱۳۷۵ ش.

۱۶۲ ـ **نزهة الزاهد**: مؤلف: ناشناخته، قرن ششم، دفتر نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۱۶۳ ـ نمازی شاهرودی، علی بن محمد، **مستدرک سفینة البحار**: انتشارات مؤسسه بعثت، تهران، ۱۴۰۷ ق.

۱۶۴ ـ نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرک الوسائل**: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۷ق.

۱۶۵ ـ ــــــــــــ، ***صحیفه علویّه ثانیه***: کتابخانه نینوا، تهران.

۱۶۶ ـ ــــــــــــ، ***نفس الرحمان***: مؤسسه کوکب، تهران، ۱۴۱۱ ق.

۱۶۷ ـ ــــــــــــ، ***نجم الثاقب***: کتاب‌فروشی علمیّه اسلامیّه، تهران.

۱۶۸ ـ نهاوندی، علی اکبر، ***گلزار اکبری***: چاپ سنگی، تهران، ۱۳۵۲ ق.

۱۶۹ ـ ***نهج البلاغه***: سخنان امام علی علیه‌السلام، شرح صبحی صالح، دانشگاه لبنان، بیروت، ۱۳۸۷ ق.

۱۷۰ ـ نیشابوری، عبدالله و حسین فرزندان بسطام، ***طبّ الأئمه*** علیهم‌السلام: انتشارات کتابخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۵ ق.

۱۷۱ ـ واعظ خیابانی، ملا علی، ***علمای معاصرین***: تبریز.

۱۷۲ ـ ورّام، مسعود بن عیسی، ***تنبیه الخواطر و نزهة النواظر*** ـ معروف به **مجموعه ورّام**، دارصعب، دارالتعارف، بیروت.

فهرست تفصیلی

باب اوّل

در ذکر ثواب ذِکْر، دعا و تلاوت قرآن

(۶۳ـ۱۱۲)

باب دوم

در صفات داعی، وقت آن و مکان آن

(۱۱۳ـ۱۲۶)

باب سوم

در بیان مختصری از اوراد و اعمال شب و روز جمعه

(۱۲۷ ـ ۱۷۸)

باب چهارم
در مختصری از اذکار وقت صبح، مغرب و ظهر
(۱۷۹ ـ ۲۱۸)

باب پنجم
در بیان مقداری از آنچه در هر شبانه روز باید خوانده شود
(۲۱۹ ـ ۲۶۸)

باب ششم

در ادعیه‌ای که در حالات مختلفه باید خواند و مکرّر شود در شبانه روز

(۲۶۹ ـ ۲۹۲)

باب هفتم
در ادعیهٔ وقت خواب و بیداری و آداب تهجّد
(۲۹۳ـ ۳۱۶)

باب هشتم
در آداب سجدهٔ شکر، مسواک زدن،
اسم اعظم و بعضی از نمازهای نافلهٔ غیر از رواتب
(۳۱۷ـ ۳۳۰)

باب نهم

در استحباب توسّل به ائمّهٔ طاهرین علیهم‌السلام، بعضی از زیارات، دعاهای مأثوره در آن و نمازهای شب‌های هفته

(۳۳۱ـ۳۵٦)

باب دهم

در دعاهای متفرّقهٔ مهم

(۳۵۷ـ۳۸۲)

باب یازدهم

در تعقیبات مختصره که کمتر در کتب رایجه ذکر شده

(۳۸۳ـ ۴۱۲)

باب دوازدهم

در ذکر مقداری از مناجات‌ها، احراز و ادعیهٔ متفرقه

(۴۱۳ـ ۴۹۶)